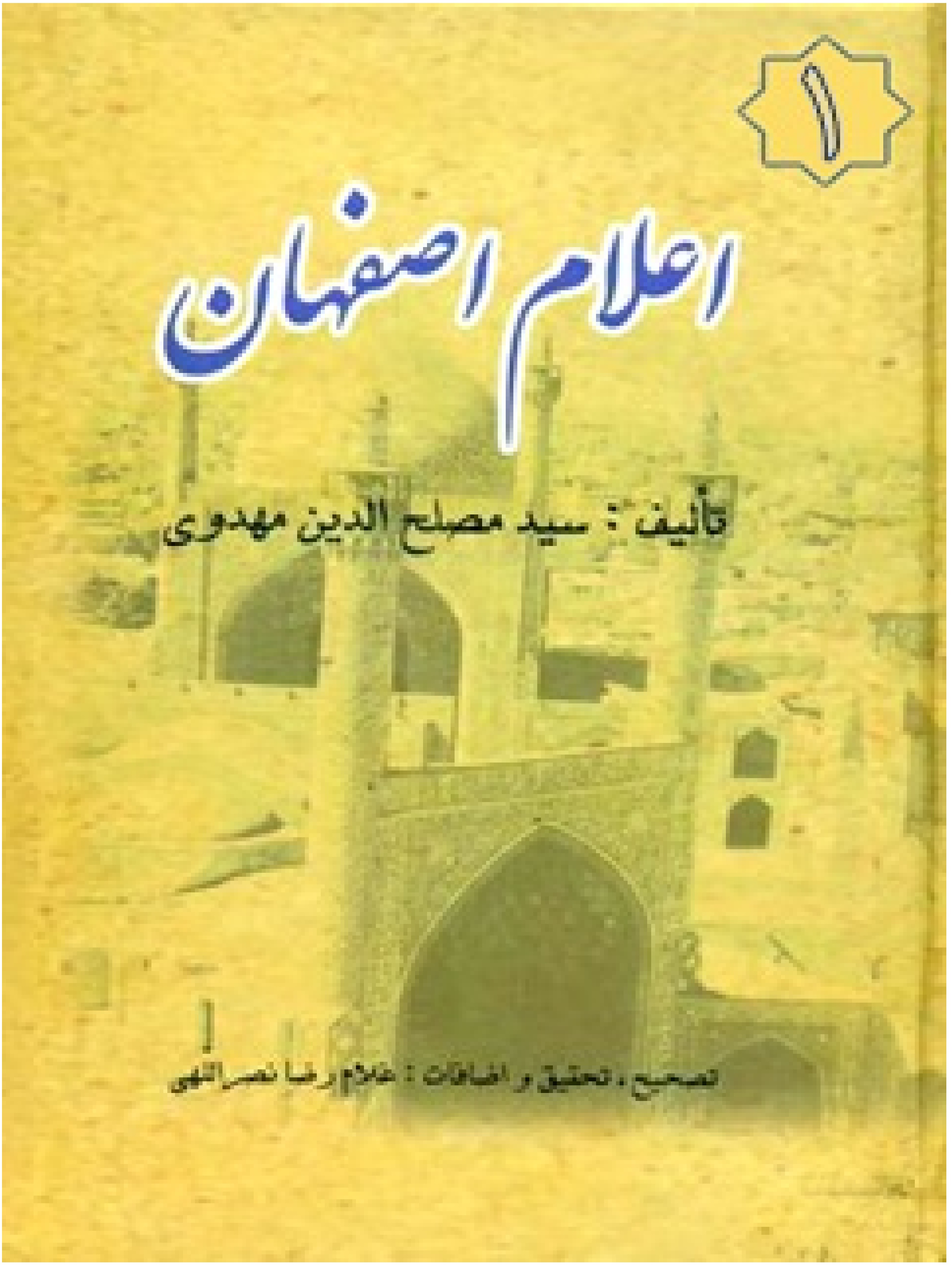


اعلام اصفهان

۱

تألیف: سید مصلح الدین مهدوی

تصحیح، تحقیق و اضافات: غلامرضا نصراللهی

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلام اصفهان

نویسنده:

مصلح الدین مهدوی

ناشر چاپی:

سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اعلام اصفهان: جلد ۱ – «آ – الف»

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۲۹۴-۱۳۷۴.

عنوان و نام پدیدآور : اعلام اصفهان / مصلح الدین مهدوی ؛ تصحیح ، تحقیق و اضافات غلام رضا نصراللهی؛ [برای] سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل ، ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام.

مشخصات نشر : اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶ -

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : ۶۵۰۰۰ ریال : ج .۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۸۸-۴۸-۰ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۴۷-۴۷-۸ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲۰-۲۷-۹ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲-۱۳۰-۶ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۳ (چاپ اول : ۱۳۸۹) (فیپا).

یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ - الف.- ج. ۲. ب - ذ.- ج .۳. ر - ظ.- ج.۴.ع

موضوع : مشاهیر -- ایران -- اصفهان-- سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان --سرگذشتنامه

شناسه افزوده : نصرالهی، غلامرضا

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

شناسه افزوده : ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام

رده بندی کنگره : DSR۲۰۰۱ /ص۷۲۵ م۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۲۹۶۴

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلام اصفهان

جلد اوّل

دانشمند محقّق، زنده یاد

سیّدمصلح الدّین مهدوی

(۱۲۹۴ ۱۳۷۴ش)

تصحیح، تحقیق و اضافات

غلام رضا نصراللّهی

ص: ۴

اعلام اصفهان «جلد اوّل» (آ الف)

مؤلف: سیّدمصلح الدّین مهدوی

تصحیح، تحقیق و اضافات: غلام رضا نصراللّهی

پیش گفتار: دکتر محمدعلی چلونگر

ویراستار: محمّدرضا زادهوش

ناشر: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

مدیر تولید: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

چاپ نخست: اصفهان، ۱۳۸۶

قطع: وزیری/ ۶۵۵ صفحه / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پویا/ چاپ: اصفهان / صحافی: بابک

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۰-۴۸-۲۵۸۸-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش: ۹-۶۲۸۸۳۸۷ ۰۳۱۱

همه حقوق این چاپ محفوظ و متلعق به مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل می باشد.

ص: ۵

تصویر مؤلّف، علاّمه سیّدمصلح الدّین مهدوی

پیش گفتار

اصـفهان از دیربـاز مهـد علم و ادب و فرهنـگ و هنر بوده و به همت دانشـمندان و عالمـانش توانسـته است نام خود را در میان شهرهـای فرهنگی جهـان مطرح کنـد. این شـهر نقش محوری و جایگـاه تعیین کننـده ای در فراینـد گسترش فرهنـگ و تمـدن اسـلامی داشـته و خـدمات ارزنـده ای بـه جهـان اسـلام تقـدیم کرده است؛ از این رو، در سـال ۲۰۰۶ میلادی به افتخـار عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام دست یافت.

اصـفهان به گـواهی آثـار شـگرف باسـتانی، کتـاب هـای ارزشـمند علمی و آثـار هنری گونـاگون، که زینت بخش موزه هـا و کتابخـانه هـای بزرگ و معروف دنیـا است، و بـا عرضه نوابغ علمی، ادبـا و شـعرا و هنرمنـدان طراز اول جهـانی جایگاه ویژه و ممتـازی را بـه خـود اختصـاص داده اسـت. در زمینـه فقه، اصـول، فلسـفه، منطـق، ریاضـیات، نجـوم و دیگر شـاخه هـای علـوم دانشـمندانی از این شـهر برخاسـتند که نام آنان قرین نام افراد صاحب نام این علوم گردیده است. در شاخه های گوناگون هنر هم چون معماری، نقاشـی، خوشنویسی، موسیقی و پارچه دوزی نیز افرادی در این شهر ظهور کردند که نام آنان تداعی کننده این هنرها است.

شخصـیت های برجسته و نامـدار حوزه فرهنگی اصـفهان بسـیارند. از علمای بلند مرتبه قرآن و از قراء هفتگانه مشـهور نافع بن عبدالرحمن اصفهانی (م۱۶۹ه ق) بود که در این شهر زاده شد. از مفسران نامور اصفهان نیز می توان به ابومسلم اصفهانی (قرن سوم هجری) نـام برد که آثـاری هم چون جـامع التأویل و الحکم التنزیل، جامع الرسائل و الناسـخ و المنسوخ داشـته است و در کتب ترجمه مفسـران، او را ستوده اند. در زمینه ادبیات هم می توان به افرادی مانند صاحب بن عباد، ابوالفرج اصفهانی و ده ها تن دیگر اشـاره کرد که در گسترش شـعر و ادب، به خصوص شـعر و ادب عرب، نقش والایی داشـته انـد. گفتنی است زبان و ادبیات

عرب بـا ظهور ادبـا وشـعرای عربی دان در سـده چهـارم هجری در اقلیم اصـفهان گسترش یافت و در سـده های پنجم و ششـم هجری به اوج خود رسید تا آن جا که به این شهر لقب «بغداد ثانی» داده شد.

شخصـیت های نامی اصـفهان به مردان منحصـر نمی شوند. در مراجعه به کتب، نام زنان دانشـمند و صاحب کمال نیز به چشـم می خورد که حق آنان در تاریخ کم تر ادا شده است. در برخی از منابع تاریخی آمده است نخستین زن ایرانی که به دین مبین اسـلام گروید، بانویی اصـفهانی به نام ام الفارسیه بوده و حتی گفته شده که او نخستین مسلمان ایرانی بوده است؛ چرا که پیش از سـلمان فارسـی اسـلام آورده است: «چون بر عزیمت به یثرب مصـمم شـدم وقصـد پـای بوسـی خواجه کائنات پیامبر گرامی اسـلام (ص) نمودم، در آن جا زنی اصـفهانی دیدم که در وصول به یثرب و دولت دریافت سـعادت اسلام بر من سبقت گرفته بود و او مرا به سوی آن حضرت راهنمایی کرد». (ریاحی، مقالات اصفهان شناسی، ۱۳۸۵، ص۴)

در دورانی که اصـفهان پایتخت ایران بود، بسـیاری از رجال علمی و سیاسـی در این شهر حضور یافتند و بر شهرت آن بیش از پیش افزودنـد. مردان برجسـته سیاسـی، که انـدوخته علم فرا راه آنان بود، ایران را با حکمت و سـیاست اداره می کردند. از دو شخصـیت برجسـته آن دوران می توان از صـاحب بن عبـاد در دوره آل بویه و شـیخ بهـائی در دوره صـفویه نـام برد. آنـان در گسترش و غنی سازی اصفهان نقش بسزایی ایفا کردند. البته آوازه و خدمات ایشان به این شهر و حتی ایران منحصر نماند.

معرفی رجال نقش آفرین اصـفهان در فرهنگ و تمـدن ایران و اسـلام مطلبی است که در این گفتار کوتاه نمی گنجد و شـرح حـال هر یک از آنان نیازمنـد کتاب و حتی کتاب های خاص و جـداگانه ای است. اثر حاضـر نمونه ای از این دست و تلاشـی است در راسـتای معرفی چهره های بارز تاریخ اصـفهان که محقق فرزانه مروم مصلح الدین مهدوی آن را نگاشته است و چاپ و نشـر آن خـدمتی ارزنـده به بزرگان عرصه فرهنگ و انـدیشه توانـد بود. مرکز اصـفهان شناسـی و خانه ملل به پاس خـدمات ارزنده این دانش پژوه گرامی، نخستین

جلد از مجلدات کتاب اعلام اصفهان را انتشار می دهد. این اثر به همت جناب آقای غلامرضا نصراللهی، که سالیانی از محضر مؤلف فقید کسب فیض نموده بود، تصحیح شده است.

مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل امید دارد با تصحیح مجلدات بعدی این مجموعه زمینه انتشار کامل آن، که برآیند یک عمر تلاش و تحقیق مؤلف است، فراهم شود. در پایان از همکاران عزیز که در انتشار این اثر یاری و همدلی داشتند به خصوص آقایان محمدحسین ریاحی، مسؤول پژوهشی، وعلیرضا مساح، مسؤول اجرایی مرکز، تشکر و تقدیر می گردد.

دکتر محمّدعلی چلونگر

مدیر مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

مقدّمه تحقیق

اشاره

شهری که اکنون در آن زندگی می کنیم، تاریخ، فرهنگ و تمدّنی با بیش از دو هزار سال پشت آن ایستاده است.

درخشش و شکوه اصفهان در تاریخ، بیشتر مدیون ورود اسلام به ایران، و درنتیجه این سرزمین است. مردمان این سرزمین، با پذیرفتن اسلام، دنیای پهناوری را رو در روی خویش دیدند که در آن میدان، می توانستند استعدادها و خلّاقیت خود را به عینیّت تبدیل کنند؛ پس آنان، با حفظ اصالت فرهنگ و هویّت خود، از آموزه های اسلامی نیز برای ساختن دنیایی بهتر یاری گرفتند.

اصفهان امروز، امّا اندکی از آن همه عظمت و شکوه از تاریخ و فرهنگ و تمدّن گذشته را تا امروز به یادگار نگاه داشته است.

اصفهان در این راهِ بس طولانی و دشوار و جان فرسا، بس سخت جانی ها کرده، و بس رنج ها بر تن خود خریده است. بس طوفان ها را ایستادگی کرده، و بس خیزاب ها را از سر گذرانده است. قحطی و سیل و گرسنگی، جنگ و قتل و غارت، ناامنی و هرج و مرج و نزول بلایای ارضی و سماوی، اصفهان را آبدیده کرده است؛ لذا هیچ قوم بیگانه و لشکر مهاجم، نتوانسته در این شهر دوام بیاورد، و فرهنگ و زبان و حاکمیّت خود را برای همیشه بر این شهر حاکم سازد.

پس شایسته است که اصفهان، پایتخت فرهنگی جهان اسلام باشد، و بایسته است که آثار تاریخی و هنری، هنرمندان، دانشمندان، بزرگان عرفان و مذهب و ادبیّات این شهر،

بیشتر به جهانیان شناسانده شوند، و انتشار کتاب اعلام اصفهان، گامی است برای معرّفی مشاهیر و بزرگان این شهر تاریخ ساز، فرهنگ آفرین و هنرپرور.

درست است که گاه گاه تعصّبات تندِ مذهبی و نابردباری ها، کار را بر اقلّیت های قومی و مذهبی سخت می ساخت؛ امّا همین حضور دیرپا و بسیار طولانی مسیحیّت، یهود و زرتشتی در اصفهان تا امروز، و به دنبال آن، حضور چهارصد ساله ارامنه در اصفهان، تا حدودی نشان می دهد که مردم اصفهان، با مدارا و تسامح با آیین ها و اقلیّت ها رفتار می کرده اند، و در اغلب برهه های تاریخی این شهر، هم زیستی مسالمت آمیز با آنان داشته اند.

در چنین فضایی، آثار شکوهمند و شگفتِ معماری آفریده می شود. چهره های بزرگ تفکّر و اندیشه ظهور می کنند، و نظریّه های تازه ارائه می دهند. زیباترین جلوه های هنر از پنجه های اعجازگر هنرمند اصفهانی خلق می شود، و عارفان و معرفت جویان، اصفهان را جایی مناسب برای سیر و سلوک و خلوت گزینی و عبادت می یابند.

ابعاد گوناگون علوم مذهبی نیز به رشد و تعالی می رسد، و راه های تازه ای در مسیر تفسیر، تشریح و تدوین آموزه های مذهبی گشوده می شود.

اسلام، حدود سال های ۱۹ تا ۲۳ هجری وارد اصفهان شد، و به فاصله یکی دو قرن، اصفهان به یکی از مهم ترین شهرهای جهان اسلام تبدیل شد. هزاران محدّث، عالم، ادیب و دانشمند از این شهر برخاستند، و تمدّن اسلامی را بارور ساختند.

اصفهان در مرکز فلات ایران، به منزله چهارراهی برای تجارت و عبور کاروانیان و مسافران، و نقطه ثقل ارتباطات فرهنگی و چهارراه داد و ستد تمدّن اسلامی بود. این موقعیّت ممتاز، باعث شد اصفهان خاستگاه مذاهب، سبک های هنری و ادبی و جریان های متنوّع فلسفه و عرفان باشد.

طبیعت زیبا و اعتدال هوا در اصفهان نیز جاذبه ای دیگر بود که می توانست جمعیت بسیار را جذب خود کند، و اندک اندک گسترش یابد، و در ردیف شهرهای بزرگ دنیای کهن قرار گیرد.

منابع اصفهان شناسی در قرن سوم تا نهم هجری

احتمالاً اوّلین تلاش ها برای نگارش تاریخ، و گردآوری اسامی بزرگان اصفهان، در قرن

سوم هجری صورت گرفته است. گویا کتاب از دست رفته و یافت نشده حمزه اصفهانی، مورّخ و ادیب نامی در قرن سوم هجری، اوّلین اثر در باب اصفهان شناسی باشد. پس از آن، تنی چند از خاندان ابن منده دست به کار تدوین تاریخ اصفهان شدند که متأسّفانه از آنان نیز اثری به جای نمانده است.

ناگفته نماند که گردآوری تاریخ اصفهان و سرگذشت رجال آن بیشتر بهانه ای بوده است برای گردآوری احادیثی که در این شهر نقل می شد تا به این ترتیب، هم احادیث با اسناد و سلسله راویانِ مشخّص گردآوری شوند، و هم افتخاری باشد بر پیش تازی شهرها در حفظ، گردآوری و نقل حدیث. اکنون تألیفاتی که از آغاز تا اوایل قرن چهاردهم هجری درباره اصفهان وجود دارد را معرّفی می کنیم:(۱)

۱. طبقات المحدّثین باصبهان و الواردین علیها، تألیف ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن جعفر بن حیّان اصفهانی معروف به حافظ ابوالشّیخ (م۳۶۹ق)، کتابی است مفصّل در باب احوال محدّثین و اسناد حدیثی آنان از قرن دوم تا چهارم هجری. این کتاب در سال ۱۴۰۷ق در چهار جلد در بیروت چاپ شده است.

۲. اصفهان و اخبارها، تألیف حمزه اصفهانی (م۳۶۰ق)، در برخی کتاب ها از آن نام برده، و مطالبی را نقل کرده اند؛ ولی متأسّفانه نسخه ای از آن باقی نمانده است.

۳. شعراء اصفهان، تألیف حمزه اصفهانی که از آن هم نسخه ای به جای نمانده است.

۴. قلائد الشّرف فی مفاخر اصفهان و اهلها، تألیف ابوالحسن علیّ بن حمزه بن عماره اصفهانی (م۳۲۲ق)، از این اثر نیز تا کنون نسخه ای شناخته نشده است. مافرّوخی در کتاب محاسن اصفهان از این کتاب، استفاده بسیار کرده است.

۵. تاریخ اصفهان، تألیف ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی (م۴۱۰ق)، این کتاب را نیز باید جزو کتاب های از دست رفته تلقّی کرد. سمعانی در کتاب الانساب خود مطالبی از آن نقل کرده است.

۱- در تهیّه این فهرست: از کتاب تاریخ تشیّع اصفهان، صص۴۰۹ ۴۲۲ و مقدّمه کتاب رجال اصفهان یا تذکره القبور استفاده شده است.

۶. ذکر اخبار اصـفهان، تألیف حافظ ابونعیم احمد بن عبداللّه اصفهانی (م۴۳۰ق)، معروف ترین کتـابی است که در قرون اوّلیه اسـلامی برای اصـفهان نوشـته شده است. در مقدّمه کتاب، تاریخ شهر اصفهان به اجمال آمده است، و به بسیاری از محلّه ها و ابنیه تاریخی آن اشاره شده است. در متن کتاب نیز شـرح حال حدود دو هزار نفر از محدّثین و دانشمندان اصفهانی، یا کسانی که از شـهرهای دیگر به اصـفهان آمـده انـد، ذکر شده، و اسـناد روایت حدیث آنان آمده است. در خلال مطالب این بخش از کتـاب، اسـامی بسـیاری از محلّه ها، روسـتاها و آثار تاریخی و مشاغل مردم اصـفهان در قرون دوم تا پنجم هجری به دست می آید. این کتاب، ابتدا در لیدن هلند در دو جلد به چاپ رسیده، و سپس در تهران چاپ افست شده است. شادروان دکتر نوراللّه کسایی نویسنده و استاد دانشگاه، این کتاب را به فارسی ترجمه کرده و به چاپ رسانده است.

۶. تاریخ اصفهان تألیف عمر بن سهلان ساوجی، از این کتاب، اطّلاعی در دست نیست.

۷. تاریـخ اصـفهان تألیف ابوالقاسم عبدالرّحمان بن محمّد بن اسـحاق معروف به ابن منده، حمداللّه مسـتوفی آن را دیده، و در نزهه القلوب، مطالبی از آن نقل کرده است.

۸. محاسن اصـفهان تألیف مفضّل بن سعد بن حسین مافروّخی اصفهانی (زنده تا سال ۴۵۸ق)، یکی از مهم ترین منابع تاریخ و فرهنگ اصفهان به شمار می آید، و خوش بختانه اکنون موجود است. مافروّخی در این کتاب، علاوه بر پرداختن به تاریخ شهر اصـفهان، به آثـار و ابنیه تـاریخی، آداب و رسوم و فرهنـگ مردم، جغرافیـای شـهر و ادبیّات و هنر مردمان آن می پردازد. هم چنین فهرستی از اسـامی محـدّثین، فقها، ادباء، شـعراء، فلاسـفه و ریاضـی دانان اصـفهان از قرن دوم تا پنجم هجری را ارائه می کند. محاسن اصفهان در سال ۱۳۱۲ق به همّت مرحوم آقای سیّدجلال الدّین تهرانی در تهران به چاپ رسیده است.

۹. ترجمه محاسن اصـفهان، تألیف حسین بن محمّد بن ابی الرّضا علوی آوی (متوفّی حدود سال ۷۳۰ق)، این ترجمه که تقریبا دو قرن پس از تـألیف کتـاب صورت گرفته، علاوه بر دارا بودن اطّلاعـات متن اصـلی کتـاب، حـاوی افزوده هـایی از مترجم، درباره اصفهان در عصر مترجم نیز شده است. نثر روان و متعادل مترجم، بر جذّابیت کتاب

می افزایـد، و از خلال مطالب کتاب، می توان اطّلاعات فراوانی درباره اصـفهان در قرون پنجم تا هفتم هجری به دست آورد. استاد عبّاس اقبال آشتیانی این کتاب را در سال ۱۳۲۸ش با فهرست های مورد نیاز به چاپ رسانـد، و اکنون نیز به همّت مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل تجدید چاپ شده است.

۱۰. نزهه الاذهان فی تاریخ اصبهان، تألیف مجدالدّین ابوطاهر محمّد بن یعقوب فیروزآبادی (م۸۱۷ق) که متأسّفانه نسخه ای از این اثر به جای نمانده است.

این هـا مهم ترین تألیفاتی است که تا قرن نهم هجری درباره اصـفهان به نگارش درآمـده است. مورّخان از کتاب های دیگری نیز درباره اصفهان نام برده اند که چون نسخه ای از آن ها در دسترس نیست، از ذکر آن ها صرف نظر شد.

در ضـمنِ بسیاری از کتاب هایی که درباره سرگذشت محدّثین، شـعراء، ادباء، قاریان، مفسّـِران و حکمای اسـلام نگاشته اند، مطالب فراوانی درباره اصـفهان به دست می آید، ازجمله الانساب سمعانی، معجم البلدان و معجم الادباء تألیف یاقوت حموی، نزهه القلوب و تاریـخ گزیـده تألیف حمـداللّه مسـتوفی، خریده القصـر تألیف عمّادالدین محمّد اصـفهانی، لباب الالباب تألیف سدیدالدّین محمّد عوفی، تذکره الشعراء تألیف دولتشاه سمرقندی، و غیره.

منابع اصفهان شناسی از قرن ۱۳ هجری تا امروز

در اواسـط دوره قاجـار، پس از اعزام عـدّه ای از محصّـِلین به اروپـا، تأسـیس مـدرسه دارالفنون توسّط امیرکبیر و تأسـیس چند روزنامه فارسـی زبان در ایران، هند، مصـر و لندن، و ورود افکار روشن فکرانه به ایران، و به ویژه واقعه بسـیار مهمّ و تأثیرگذار انقلاب

مشـروطیّت ایران، تحوّلات مهمّی در عرصه فرهنگ و ادب ایران به وجود آمـد. در این سال ها به تاریـخ و جغرافیای محلّی نیز توجّه شد، و تعدادی از دانشمندان و مورّخان، درباره مناطق و شهرهای مختلف ایران، آثاری را پدید آوردند.

از اوایل دوره پهلوی، به تدریج، تألیف کتاب های مختلف جهت معرّفی اصفهان و آثار

تاریخی، ادبیّات، فرهنگ و رجال این شهر، رونق فراوان یافت، و صدها اثر قابل توجّه تدوین و منتشر شد. در این مجال به معرفی مهمترین این آثار می پردازیم:

۱. نصف جهان فی تعریف الاصفهان، تألیف محمّدمهدی ارباب اصفهانی، در فصول مختلف کتاب، جغرافیا، محصولات کشاورزی، تاریخ، آثار تاریخی و مختصری از آداب و رسوم مردم اصفهان معرّفی می شود. این کتاب، تاکنون چندین بار به چاپ رسیده است.

۲. جغرافیای اصفهان، تألیف میرزا حسین تحویلدار اصفهانی، کتابی منحصر به فرد و مفید در مردم شناسی و تاریخ و فرهنگ اصفهان به شمار می آید، و اطّلاعات ارزنده ای درباره آثار تاریخی، و اصناف و مشاغل مردم و شرح حال اجمالی و یا فهرست اسامی شعراء، حکماء، فقهاء، هنرمندان، کارگزاران و ارباب قلم دستگاه حکومتی اصفهان به دست می دهد. از جمله بدایع و نوادر کتاب، اشاره به ده ها شغل و پیشه قدیمی در اصفهان است که بسیاری از آن ها در یک صد ساله اخیر از بین رفته اند، و یا در حال انقراض اند. این کتاب، در تهران به چاپ رسیده است.

۳. تذکره القبور، تألیف ملّاعبدالکریم گزی، اثری ارزنده است در باب معرّفی مقابر و گورستان های اصفهان و شرح حال دانشمندان، شعراء و حکمای مدفون در آن. این کتاب، یک بار در زمان حیات مؤلّف به چاپ رسیده، و پس از وفات ایشان، بارها تجدید چاپ شده است.

۴. تاریخ اصفهان، تألیف سیّدمحمّدعلی مبارکه ای متخلّص به «صفایی» (م۱۳۶۵ق)، این کتاب به چاپ نرسیده؛ ولی مطالبی از آن در سال نامه فرهنگ لنجان نقل شده است.

۵. تاریخ اصفهان، تألیف میرزا حسن خان جابری انصاری، در این کتاب، طیّ فصول

مختلف، به معرّفی جغرافیا، تاریخ و ابنیه تاریخی پرداخته شده است. کتاب، ابتدا در سه جلد انتشار یافت. سپس به اهتمام استاد جمشید مظاهری، دانشمند فرهیخته، تصحیح شد، و با اضافات و توضیحات سودمند فراوان، در یک جلد مفصّل به چاپ رسید.

مرحوم جابری انصاری تألیفات دیگری درباره اصفهان داشته، که به چاپ رسیده است؛ ازجمله آگهی شهان از کار جهان و تاریخ اصفهان و ری، این دو اثر اخیر، حاوی

سال شماری از وقایع تاریخی اصفهان هستند.

۶. اصفهان، تألیف حسین نور صادقی. این کتاب در سال ۱۳۱۶ش به چاپ رسیده، و شاید اوّلین کتابی باشد که به شیوه امروزی به تدوین و چاپ تاریخ اصفهان پرداخته است. در این کتاب، آثار تاریخی اصفهان و جاذبه های طبیعی آن معرّفی می شوند. به شرح حال مهم ترین شخصیّت های علمی و ادبی اصفهان اشاره می شود، و گزارشی از صنایع و جلوه های تمدّن جدید در اصفهان ارائه می گردد.

۷. آثار ملی اصفهان، تألیف ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی. کتابی است که می توان آن را به دو بخش تقسیم کرد: بخش اوّل شامل معرّفی محلّه ها، مساجد، مدارس، حمّام ها و سایر ابنیه تاریخی اصفهان که حاوی مطالب مفید و ارزنده ای است. در پاورقی این بخش، شرح حال بسیاری از بزرگان اصفهان آمده است. بخش دوم، معرّفی آثار تاریخی مهمّ اصفهان و ذکر الواح و کتیبه ها و مشخّصات معماری آن ها است. این بخش، اغلب از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان استخراج شده است. این کتاب به چاپ رسیده است.

۸. تاریخچه مختصر ابنیه تاریخی اصفهان، تألیف کریم نیک زاد امیر حسینی، کتابی کوچک و مختصر است درباره آثار تاریخی اصفهان.

۹. الاصفهان، تألیف میرسیّدعلی جناب، کتابی است مفصّل در چندین جلد. جلد نخست آن به معرّفی تاریخ و جغرافیای اصفهان می پردازد.

ضمیمه این کتاب، ترجمه قسمتی از سفرنامه شاردن درباره اصفهان است. جلد دوم، آداب و رسوم و زبان مردم اصفهان مورد بررسی قرار می گیرد، و در جلد سوم،

دانشمندان، شعراء، عرفا و بزرگان اصفهان معرّفی می شوند. جلد اوّل تاکنون بارها در قطع های گوناگون به چاپ رسیده است. جلد دوم و سوم نیز در سال جاری (۱۳۸۵ش) به چاپ خواهد رسید.

۱۰. تاریخ اصفهان، تألیف جلال الدّین همایی، کتابی است مفصّل در چندین جلد درباره اصفهان. استاد همایی با داشتن تبحّر در علوم مختلف، توانسته است اثری جامع و قابل توجّه درباره اصفهان پدید آورد. از این کتاب تاکنون سه جلد، شامل مجلّد هنر و هنرمندان، مجلّد تکایا و مقابر، و مجلّد ابنیه و عمارات به چاپ رسیده است، و مجلّدات

بعدی، شامل آداب و رسوم، شرح حال فقهاء، حکماء و شعراء و جغرافیای اصفهان هنوز به چاپ نرسیده است.

۱۱. رجال اصفهان یا تذکره القبور، استاد سیّدمصلح الدّین مهدوی، حواشی بسیاری را بر مطالب این کتاب افزوده، و از مطالب تکمیلی سایر دانشمندان، همچون آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی، میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی، استاد جلال الدّین همایی، سیّدعبدالحجّت بلاغی و حاج ملّاحسینعلی صدّیقین بهره گرفته است. کتاب حاضر در سال ۱۳۲۸ شمسی به چاپ رسیده است.(۱)

۱۲. جغرافیای تاریخی اصفهان و جلفا، تألیف علی جواهر کلام که در سال ۱۳۴۸ش به چاپ رسیده است.

۱۳. راهنمای اصفهان، تألیف حاج حسین عمادزاده که هنوز به چاپ نرسیده است.

۱۴. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تألیف دکتر لطف اللّه هنرفر، کتابی مفصّل درباره اصفهان است. در این کتاب، در یک سیر تاریخی، از قبل از اسلام تا امروز، در ضمن مرور تاریخ اصفهان، به معرّفی ابنیه تاریخی هر دوره با شناسایی دقیق بنا و خصوصیّات معماری آن، نقل کامل کتیبه ها و مشخّصات تزیینات بنا همچون گچ بُری، کاشی کاری و آجرکاری می پردازد.

این کتاب در سال ۱۳۴۴ و بار دیگر در سال ۱۳۵۰ به چاپ رسیده، و به عنوان کتاب نمونه سال انتخاب شده است.

۱۵. اصفهان شهر تاریخ، تألیف دکتر لطف اللّه هنرفر، کتابی مفصّل در حدود ده جلد درباره جغرافیای طبیعی، انسانی، تاریخ مفصّل اصفهان، معرّفی محلّه ها و ساختمان های تاریخی، آثار هنری و زندگی مشاهیر اصفهان است که در نوع خود، می تواند دائره المعارفی کامل درباره اصفهان به شمار آید. این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است.

۱۶. کتاب شناسی اصفهان، تألیف استاد مرتضی تیموری، کتابی مفصّل در معرّفی منابع

۱- درباره سایر تألیفات استاد مهدوی که منابع ارزنده ای برای اصفهان شناسی به شمار می آیند، در زندگی نامه ایشان سخن خواهیم گفت.

تحقیق دربـاره اصـفهان است. نویسـنده، کتـاب هـای مربوط به اصـفهان، مقالاـت، پایان نامه ها، رساله های تحقیقی فارسـی و کتـاب هـا و مقالاـت انگلیسـی را که مطـالبی دربـاره اصـفهان دارنـد را با ذکر مشـّخصات معرفی می کنـد. این کتاب به چاپ نرسیده است.

۱۷. خوشنویسـی در کتیبه هـای اصـفهان، شـرح حال و معرّفی آثار خوشـنویسانی است که کتیبه های آثار تاریخی اصـفهان را نوشته اند. این کتاب در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است.

۱۸. تاریخ فرهنگ اصـفهان، تألیف مجتبی ایمانیّه. جزو اوّلین آثاری است که آموزش و پرورش به شـیوه جدید در اصـفهان را بررسی می کند. معرّفی مدارس قدیم حوزه علمیّه اصفهان و آموزشگاه های جدید، شیوه تعلیماتی و زندگی نامه بنیان گذاران و چهره های تأثیرگذار آموزش و پرورش اصفهان از موضوعات کتاب است.

۱۹. فرهنگ جامع دیه ها و آبادی های اسـتان اصفهان، تألیف استاد محمّد مهریار، این کتاب در نوع خود منحصر به فرد است. نویسـنده می کوشد ریشه های اسامی اماکن اسـتان اصـفهان (شـهرها روسـتاها محلّه ها) را در زبان های باستانی پیش از اسلام جست وجو کند. بسـیاری از اماکن ایران، و ازجمله اصـفهان از زبان های پیش از اسلام به جای مانده اند، و نویسنده، به معنا و مفهوم این اسامی می پردازد. این کتاب در سال۱۳۸۲ش به چاپ رسیده است.

۲۰. جغرافیای اصفهان، تألیف دکتر سیروس شفقی، کتابی است مفصّل و تحقیقی درباره

جغرافیـای طبیعی، تـاریخی و انسـانی اصـفهان. این کتـاب تـاکنون دو بـار به چاپ رسـیده است. چاپ اخیر کتاب با اضافات و تغییرات فراوان منتشر شده است.

۲۱. تذکره شعرای استان اصفهان، تألیف مصطفی هادوی متخلّص به «شهیر»، کتابی مفصّل در شرح حال شعرای استان اصفهان و معرّفی انجمن های ادبی این شـهر است. این کتاب را باید مفصّل ترین تذکره شـعرای معاصر اصـفهان شـمرد. حجم زندگی نامه های معاصـرین، بسـیار بیشتر از شـعرای متقدّم است. این کتاب، دوبار به چاپ رسیده است، در ویرایش جدید که در سال ۱۳۸۴ش منتشر شده، شرح

حال تعداد زیادی از معاصرین به کتاب افزوده شده است. صدها عکس از شخصیّت ها و انجمن های ادبی در انتهای کتاب آمده است.

۲۲. تاریخ جلفای اصفهان، تألیف هارتون در هوهانیان، ترجمه و تحریر لئون میناسیان و محمّدعلی فریدنی، کتابی ارزنده و منحصر به فرد در سرگذشت ارامنه، به خصوص ارمنیان جلفای اصفهان از عصر صفویّه تا قاجاریّه است. در خلال این کتاب، مطالب جدید و بدیع فراوانی از تاریخ اصفهان به دست می آید. کتاب، منبع اصلی مطالعه زندگی، آداب و رسوم و تاریخ ارامنه جلفای اصفهان است. این کتاب، در سال ۱۳۷۹ش به چاپ رسیده است.

۲۳. تاریخ تشیّع اصفهان، تألیف فاضل و محقّق ارجمند، عالم عالی قدر، شیخ مهدی فقیه ایمانی که درباره روند شیعه شدن مردم اصفهان، و معرّفی اصفهانیان دانشمند شیعه از قرن اوّل هجری تا آغاز دوره صفویّه است. این کتاب در سال ۱۳۷۴ش چاپ شده است. تحقیق عمیق تر و تکمیلی این بحث را آقای رسول جعفریان انجام داده است.

غیر از آنچه آورده شد، کتاب های بسیاری درباره ی اصفهان و شهرستان های استان در هشتاد ساله ی اخیر تألیف شده که پرداختن به آن ها نیاز به چاپ کتابی مستقل با عنوان کتاب شناسی اصفهان دارد.

جایگاه استاد مهدوی در اصفهان شناسی

شاید بتوان استاد مهدوی را نسل سوم اصفهان پژوهان دو قرن اخیر به شمار آورد:

نسل اوّل: محمّدمهدی ارباب، میرزا حسین تحویلدار اصفهانی.

نسل دوم: میرزا حسن جابری انصاری، میرسیّدعلی جناب و... .

نسل سوم: استاد همایی، استاد مهدوی، دکتر هنرفر و... .

اگرچه استاد مهدوی در موضوعات مختلفی تحقیق کرده؛ امّا عمده توجّه و همّت ایشان؛ زندگی نامه نویسی بوده است. او از کودکی؛ عشق و اشتیاق فوق العاده ای به کتاب های حاوی شرح حال بزرگان داشته است، و در مقدّمه کتاب دانشمندان و بزرگان

اصفهان می نویسد:

«کتاب های نام برده [قصص العلماء و...] را هرچه بیشتر می خواندم به قرائت آن حریص تر می شدم. خود را چون بیمار مستسقی می یافتم که به آب رسیده باشد، هرقدر بیشتر می نوشیدم، تشنه تر می شدم... سال ها از آن تاریخ می گذرد. هنوز هم مانند روزهای اوّلیه، آن قدر که از مطالعه کتب تراجم رجال و تاریخ بزرگان لذّت می برم، و به خواندن آن ها مایلم، به مطالعه دیگر کتب، شوقی ندارم».

خوش بختی و بخت یاری استاد مهدوی آن جا بود که او در عصری می زیست که

دانشمندان و محقّقان ژرف نگری بودند که می توانست از علم آنان برخوردار شود، و از همکاری آنان بهره گیرد. مرحوم معلّم حبیب آبادی، مرحوم جابری انصاری، استاد همایی و دیگران با استاد مهدوی، مراوده علمی داشتند، و او را به ادامه کار خود تشویق می کردند.

استاد مهدوی در طیّ حدود شصت سال تحقیق و پژوهش درباره چهره های علم و ادب و هنر اصفهان، چندین هزار مدخل جدید را گشود، و شرح حال بسیاری از معاصرین را فراهم کرد، و از این رهگذر، ذخایری ارزشمند و غنی برای پژوهندگان پس از خود گرد آورد، و چه بسا اگر همّت بلند او نبود، از سرگذشت و آثار بسیاری از مفاخر این شهر اطّلاعی نداشتیم.

استفاده از منابع نامکتوب و نامدوّن، مانند خاطرات، شرح احوال اشخاص از زبان خود آنان (اتوبیوگرافی)، و ثبت و ضبط اطّلاعات کتیبه های آثار تاریخی و الواح قبور، باعث شد آثار ایشان از حدّ نقل قولِ صرف از کتاب ها خارج شود، و جنبه عینی به خود بگیرد.

حجم عظیم کتاب ها، فیش ها و یادداشت های ایشان نشان می دهد که او کاری را انجام داد که امروزه ده ها تن محقّق با یک دستگاه عریض و طویل اداری، و صرف میلیون ها و شاید میلیاردها تومان هزینه به پایان می رسانند. حال این که ایشان برای تألیفات خود، از هیچ جائی مأمور نشد، و حقوق دریافت نکرد، و شاید مانند سایر نویسندگان، تنها مختصری حقّ التّألیف از بابت چاپ آثار خود دریافت داشت. به این معنی که تمامی هزینه های سنگین تحقیق و پژوهش را از جیب خویش می پرداخت، و منتظر نبود تا

بودجه ای تصویب شود، مؤسّسه ای پدید آید، و هزینه تحقیق او را بپردازد.

این قناعت و نداشتن چشم داشتِ مادّی، و سخاوت در صرف هزینه از بودجه شخصی در راه پژوهش و تحقیق باعث شد تا ایشان بتواند فارغ از موانع و مشکلات سیستم اداری و دل بستن به این مقام و آن مؤسّسه، با شور و اشتیاق، کار خود را دنبال کند، و تا آخرین روزهای زندگی، در بستر بیماری همچنان بنویسد و تحقیق کند، و مانند استاد مهدوی کم نبوده اند که با این همّت، قناعت و سخاوت، گذشتن از رفاه خود و خانواده و صرف کردن هزینه برای علم، آثاری ارزشمند پدید آوردند، حال آن که مؤسّسات فرهنگی و تحقیقاتی

که قاعدتا باید بودجه خود را صرف تحقیق و چاپ آثار ارجمند فرهنگی می کردند، به راهی دیگر رفتند، و بودجه آنان در بوروکراسی اداری به هرز رفت، و یا در بده بستان ها و زد و بندهای سیاسی، حمایت از محقّقان فراموش شد، و مؤسّسات و نهادهای پژوهشی فقط ویترینی برای به نمایش گذاشتن توجّه مقامات به مقوله پژوهش بود و بس.

باری، استاد مهدوی با فروتنی و گزیدن گوشه انزوا بدون این که در محافل و جلسات عمومی بخواهد خودنمایی کند، به خود ببالد، و یا کنار گود تحقیق بایستد، و به کار محقّقان دیگر ایراد بگیرد، آستین همّت بالا زد، و به کار خویش پرداخت.

زندگی نامه نویسنده کتاب

خاندان مهدوی

خاندان مهدوی، از خاندان های علمی قدیم اصفهان هستند، و از دوره صفویّه تا امروز، علماء، ادباء و دانشمندان بسیاری از میان این خانواده برخاسته اند، و در این کتاب شرح حال و آثار آنان را مطالعه خواهید فرمود.

پدر و مادر

حاج سیّدشهاب الدّین محمّدتقی نحوی پدر عالی قدر استاد مهدوی از علمای معروف اصفهان در اواخر دوره قاجاریّه، و دانشمندی محقّق و اهل مطالعه بود. مادر استاد مهدوی، زنی مؤمنه و صالحه، و دختر عالم ربّانی و فقیه صمدانی، آخوند ملّاحسین کرمانی بود.

نام و شهرت

نام اصلی استاد مهدوی، محمّدحسین و لقب وی مصلح الدّین است؛ امّا ایشان به «مصلح الدّین» معروف بود، و نام کوچکش متروک مانده بود. نام خانوادگی ایشان و برادرانشان مهدوی بود؛ ولی پدر و عموهای او به نحوی معروف بودند.

تولّد و کودکی

تولّد ایشان در ۱۵ محرّم ۱۳۳۴ق در اصفهان روی داد. پدرش از کودکی نسبت به تربیت او اهتمام نمود؛ امّا هنوز مصلح الدّین ۶ ساله نشده بود که پدر از دنیا رفت، و مادر و

برادران بزرگ ترِ او، سرپرستی اش را برعهده گرفتند.

تحصیل در مدارس جدید

در هفت سالگی برای تحصیل به مدرسه «اقدسیّه» به مدیریّت شیخ محمّدحسین مشکات زفره ای و نظامت نورعلی باستی رفت. سپس به مدرسه گلبهار وارد شد. این مدرسه زیر نظر سیّدهاشم عدنانی اداره می شد. مقطع متوسّطه را در دبیرستان سعدی به مدیریّت محمّدتقی خان صدری طی نمود. دبیران آن موقع دبیرستان، از چهره های فاضل و دانشمند اصفهان شمرده می شدند؛ ازجمله سیّدعلی خان نوربخش آزاد و ملّامحمّد همامی که کلاس درس آنان بسیار پربار بود.

تحصیلات حوزوی

استاد مهدوی هنگام تحصیل در دبیرستان، به تحصیل علوم حوزوی پرداخت، و تا سال های بعد، آن را ادامه داد. استادان ایشان در این زمان عبارت بودند از:

۱. ملّامحمّد همامی ۲. حاج میرزا محمّدباقر امامی ۳. آقا کمال الدّین خوانساری ۴. شیخ عبدالوهاب زاهدی ۵. سیّدحسن مدرّس هاشمی ۶. میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی ۷. آقا شیخ حسن داورپناه (قاضی عسکر) ۸. آقا سیّدصدرالدّین کوپایی.

تحصیلات دانشگاهی

وی در سال ۱۳۱۵ش به تهران رفت، و در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت. استادان او در این دوره، محمّدحسین فاضل تونی، سیّد محمّدکاظم عصّار، دکتر رضا زاده شفق و دیگران بودند. او در سال ۱۳۱۷ به خدمت سربازی اعزام شد.

سفر به عتبات

او در سال ۱۳۲۳ش به عتبات عالیات سفر، و با عدّه ای از علمای آن دیار دیدار کرد. او

در مدرسه بزرگ آخوند خراسانی نزد همشهری خود شیخ ابوالفضل معزّی رفت، و آن دو، خدمت شیخ آقابزرگ تهرانی رسیدند، و از ایشان اجازه روایت دریافت کردند.

تدریس

وی چندین سال در تهران به تحقیق و مطالعه پرداخت. در سال ۱۳۳۱ به استخدام آموزش و پرورش درآمد، و مدّتی در دبیرستان پهلوی سابق به تدریس پرداخت. سپس به اصفهان منتقل شد، و در دبیرستان های ادب، گلبهار و سعدی به تدریسِ تاریخ، جغرافیا منطق و تعلیمات دینی پرداخت.

او برای تدریس در دبیرستان ها در زمان حکومت پهلوی، و دریافت حقوق از دولت از آیت اللّه العظمی بروجردی قدّس سرّه کسب اجازه کرد.

استاد مهدوی مقیّد بود همیشه با وضو به کلاس درس برود؛ چون علم و کلاس و تدریس را مقدّس می دانست؛ هم چنین در تدریس خود، همواره دانش آموزان را نصیحت و ارشاد می کرد، و معارف دینی را به آنان می آموخت. او الگویی شایسته در گفتار و رفتار برای دانش آموزان و همکاران بود.

در عرصه پژوهش

مرحوم مهدوی از همان کودکی به مطالعه و تحقیق، اشتیاق فراوان داشت. هنگامی که ده سال بیشتر نداشت، در کتابخانه پدر به مطالعه می پرداخت، و گاه به مناسبت، در کلاس درس، آن ها را برای معلّمان خود در مدرسه گلبهار بیان می کرد، و باعث شگفتی و خوشحالی آنان می شد. آنان نیز که معلّمانی فاضل و اهل مطالعه بودند، این دانش آموز علاقه مند و با استعداد را تشویق می کردند.

اوّلین فعّالیتِ تحقیقی ایشان، تکمیل کتاب تذکره القبور بود. او پس از آن که یادداشت های فراوان برای کتاب آماده کرد، کتاب را به رجال اصفهان یا تذکره القبور موسوم ساخت، و آن را در سال ۱۳۲۸ به چاپ رساند. پس از آن، درباره شعرای اصفهان به گردآوری مطلب و شرح حال پرداخت، و در سال ۱۳۳۵ کتاب تذکره شعرای معاصر

اصفهان را منتشر کرد.

پس از آن، چون خود و اجدادش از محلّه خواجو بودند، کتابی مختصر در تاریخ محلّه خواجو نوشت؛ هم چنین پس از وفات آیت اللّه العظمی بروجردی کتابی در شرح حال ایشان منتشر ساخت.

در کنار این فعّالیت ها به گردآوری احادیث و شرح حال چهارده معصوم علیهم السلام علاقه زیاد داشت؛ لذا کتابی با عنوان عطیّه الجواد و کتاب تاریخ سامرّا و زندگانی عسکریین علیهماالسلام را به چاپ رسانید.

هم چنین جهت تدوین کتاب درسی تعلیمات دینی برای دبیرستان ها با تعدادی از دبیران دبیرستان های اصفهان همکاری داشت.

زنده یاد مهدوی، اغلب اوقات فراغت خود را صرف یادداشت برداری از کتاب ها، جست وجو در آثار و ابنیه تاریخی و مقابر اصفهان، خصوصا تخت فولاد می نمود، و هر روز که می گذشت، بر دامنه تحقیقات و بررسی های خود می افزود.

او پژوهشگری امانت دار بود. همیشه در نوشتن منبع مطالب خود اصرار داشت، و سعی می کرد مطلبی را بدون مأخذ نقل نکند، او علاوه بر کتاب ها، از افراد مطّلع نیز در تهیّه مطالب مورد نظر خود استفاده می کرد، و از نسخه های خطّی، کتیبه های ابنیه تاریخی و اسناد بهره می برد. او مطالب نقل شده از کتاب ها را مورد بررسی و نقد قرار می داد، و تلاش می کرد اشتباهات آن ها را رفع کند، و مطالب را مستند و دقیق به چاپ برساند.

او همواره چهره ای متبسّم داشت، و با گشاده رویی با دیگران برخورد می کرد، و معلومات و اطّلاعات خود را که حاصل سال ها زحمت و مرارت بود، بدون هیچ گونه چشم داشتی در اختیار محقّقان قرار می داد، و از راهنمایی و کمک به علاقه مندان فرهنگ و تاریخ دریغ نمی کرد، و در این کار حوصله ای عجیب داشت.

مصاحبان و دوستان

زنده یاد مهدوی با اغلب محقّقان، ادباء و فرهیختگان اصفهان، دوستی، رفاقت و مصاحبت داشت؛ ازجمله مرحومین میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی، استاد همایی،

استاد بدرالدّین کتابی، استاد جعفر نوا، عبّاس بهشتیان و... .

و هم چنین فضلاء و استادان بزرگواری که در قید حیات هستند؛ علاّمه محقّق آیت اللّه حاج سیّدمحمّدعلی روضاتی، دکتر لطف اللّه هنرفر، دکتر سیّدمحمّدباقر کتابی، دکتر ابوالقاسم سرّی و... .

استاد مهدوی در آثار خود، حقّ رفاقت را درباره آنان به جا آورده، و به نیکی از آنان یاد کرده است.

مراسم تقدیر از استاد

خوش بختانه در زمانی که استاد مهدوی در قید حیات بودند؛ یعنی در آذرماه ۱۳۷۳ش مراسم تجلیل و تقدیر از مقام شامخ ایشان برگزار شد.

این مراسم در سالن اداره برق اصفهان برگزار شد، و میهمانان و سخنرانان مراسم، آقایان دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، دکتر مهدی محقّق، دکتر محمّدباقر کتابی، دکتر قادریان، استاد منوچهر قدسی و استاد تیموری درباره خدمات و فعّالیت های استاد در عرصه تعلیم و تربیت و پژوهش و نگارش سخن گفتند، و استاد اکبر جمشیدی و آقای خسرو احتشامی در وصف ایشان اشعاری را که سروده بودند، قرائت کردند. سپس هدایایی از طرف صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شهرداری اصفهان و شرکت برق منطقه ای اصفهان به ایشان اهداء شد.

کتابخانه استاد مهدوی

استاد مهدوی کتابخانه ای شخصی با چندین هزار جلد کتاب چاپی و خطّی داشت که اغلب نسخه های خطّی آن از پدر بزرگوارش به او ارث رسیده بود. کتاب های چاپی کتابخانه نیز از کتب رجال، حدیث، ادبیّات و تاریخ بود، و اغلب کتاب های نایاب و کم یاب در آن یافت می شد.

بنا به وصیّت ایشان، پس از وفات، بخشی از نسخه های خطّی به کتابخانه ابن مسکویه اصفهان اهدا شد، و بخشی از کتاب ها به قم انتقال یافت که اینک زینت بخش کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به مدیریّت نسخه شناس ارجمند جناب حجّت الاسلام و المسلمین

آقای سیّداحمد حسینی اشکوری مدّظلّه است.

برخی از نسخه های خطّی کتابخانه استاد مهدوی در فهرست نسخه های خطّی مرکز احیاء میراث اسلامی معرّفی شده است.

مشایخ اجازات

شادروان مهدوی از تعدادی از علمای عالی قدر و آیات عظام، موفّق به دریافت اجازه شد که اغلب آن ها اجازه روایتی است؛ از حضرات آیات عظام:

۱. حاج شیخ آقابزرگ تهرانی ۲. سیّدشهاب الدّین مرعشی نجفی ۳. حاج میرسیّدعلی علاّمه فانی ۴. حاج سیّدمصطفی صفایی خوانساری ۵. حاج شیخ محمّدعلی اراکی ۶. آقا سیّد ضیاءالدّین علاّمه ۷. شیخ محمّدباقر کمره ای ۸. سیّدمحمد شیرازی ۹. حاج سیّداسماعیل هاشمی ۱۰. حاج سیّدمحمّدعلی موحّد ابطحی ۱۱. حاج سیّدمحمّدعلی روضاتی.

وفات

استاد سیّدمصلح الدّین مهدوی پس از عمری پربرکت، تألیف ده ها کتاب ارزنده، پرورشِ صدها شاگرد در آموزش و پرورش و خدمت به اسلام و مسلمین، سرانجام در روز یک شنبه ۴ تیر ماه ۱۳۷۴ش برابر با ۶ محرّم ۱۴۱۶ق پس از تحمّل یک بیماری طولانی، چشم از جهان فروبست، و به دیار باقی شتافت. به دنبال انتشار خبر درگذشت استاد، بسیاری از شاگردان، دوستان و علاقه مندان ایشان و استادان علم و ادب، این ضایعه را به خانواده ایشان تسلیت گفتند، و در مراسم تشییع، تدفین، ترحیم، هفته و چهلم و سالگرد ایشان حضور یافته، و ارادت و علاقه خود را به استاد، ابراز نمودند. پیکر مطهّر استاد در آرامگاه خانوادگی مهدوی واقع در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

در وصف استاد

چه در زمان حیات، و چه در هنگام درگذشت زنده یاد مهدوی، بسیاری از شعراء در مدح ایشان اشعاری سروده اند.

ازجمله دکتر ابوالقاسم سرّی پس از دیداری که با ایشان داشتند، مثنوی زیبایی در وصف ایشان سروده اند:

غمگین ز منافقیّ ایّام پیری است بزرگ مهدوی نام

آزاده نهاد مصلح الدّین فارغ ز سرشت زشت و از کین

سر خیل همه نسب شناسان از دیو نژادگان هراسان

پاکیزه نهاد نغز گفتار یک تن به شمار لیک بسیار

کاوشگرِ رفتگانِ این راه تن خسته ولیک جان آگاه

گوژ آمده از سپهر بد یوز در کار سخنوری شب و روز

این مرد چو چشم اصفهان است این شهر که نیمی از جهان است

از اهل خرد به او درود است تارش فضل است و علم پود است

محفوظ ز سرخط امانی بسیارش باد زندگانی

در گوشه خانه ای نشسته دل از همه جز خدا گسسته

لب بسته ز گفت وگوی اوهام دربسته به روی مردم خام

خم گشته قد نحیف و بازو بگشاده رخ و شکفته ابرو

پیچیده به خود عبای خود را بنموده عیان صفای خود را

بی هیچ ریا و هیچ گفتار پیوسته به راه علم در کار

کوشیده بسی شبان و روزان از آتش عشق و فضل سوزان

کاویده بسی کتاب ها را پیموده ره صواب ها را

در مجتمع ادب شناسان سرخیل همه نسب شناسان

خالیست سرایش از غریبان دل بسته به الفت حبیبان

پیریش به تن فکنده چنبر از تنش توان ربوده دیگر

یک چشم تمام گشته تاری پیوسته به یاد لطف باری

ص: ۳۰

گر مهدویاش پدر لقب داد درس ادب و خط ادب داد

دور از سرطان خود نمایی در گوشه شهر آشنایی

شمشیر قلم به دست دارد جز دانه مردمی نکارد

۳۰ آبان ۱۳۷۲ خورشیدی

تألیفات و آثار

الف) کتاب های چاپ شده

۱. رجال اصفهان یا تذکره القبور.

۲. مختصری از تاریخچه محلّه خواجو و وقف نامه حمّام شریف.

۳. تذکره شعرای معاصر اصفهان.

۴. زندگی نامه آیت اللّه العظمی بروجردی.

۵. تاریخ سامرّا و زندگی عسکریین علیهماالسلام .

۶. تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان.

۷. تعلیمات دینی، دوره پنج جلدی، با همکاری سایر دبیران اصفهان.

۸. ارمغان اصفهان یا شرح حال و شاگردان

آیت اللّه میرسیّدعلی بهبهانی.

۹. عطیّه الجواد علیه السلام .

۱۰. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر یا بیان سبل الهدایه فی ذکر اعقاب صاحب الهدایه، سه جلد.

۱۱. بیان المفاخر، در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و مآثر حاج سیّدمحمّد باقر حجّت الاسلام شفتی، دو جلد.

۱۲. خاندان شیخ الاسلام اصفهان.

۱۳. یادنامه فقیه اهل بیت سیّد بحرالعلوم میردامادی.

۱۴. زندگی نامه علاّمه مجلسی، دو جلد.

۱۵. سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان (لسان الارض).

۱۶. ابطال الصّفا فی ذکر اسماء الشّهدا

(یاران باوفای امام حسین علیه السلام .

۱۷. تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون.

۱۸. مزارات اصفهان.

ص: ۳۱

ب) آثار چاپ شده در ضمن کتاب های نویسندگان دیگر

۱. «شرح حال ابراهیم سرّی پوده ای»، در مقدّمه دیوان سرّی.

۲. «شـرح حـال حاج میرزا ابوالحسن آل رسول موسوی شـمس آبادی (شـهید اصـفهانی) و خانـدان او»، در مؤخّره کتاب تحفه الابرار.

۳. «شرح حال سه نفر از خاندان عالم زاهد جلیل حاج محمّدابراهیم کلباسی» در مقدّمه کتاب حقوق زن در اسلام و ارث.

۴. مقاله ای درباره «نقش اصفهان در جنبش تحریم تنباکو»، چاپ شده در کتاب سده تحریم تنباکو.

۵. «غایه الآمال و الامانی (شرح حال سیّدهاشم بحرانی)» در مقدّمه کتاب اللّوامع النّورانیّه.

۶. «اصفهان یا دارالعلم شرق (فهرست اجمالی مدارس دینی اصفهان)» در کتاب محیط ادب.

۷. «شرح حال آقاباقر خوراسکانی»، در کتاب خورشید جی.

ج) مقالات چاپ شده در مطبوعات

۱. «همدم مردم (یادی از علاّمه مجلسی)»، روزنامه رسالت.

۲. «شرح حال حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی»، مجلّه نور علم.

۳. «شرح حال آقا شیخ محمّدرضا نجفی

اصفهانی»، مجلّه نور علم.

۴. «شرح حال حاج آقا حسین عمادزاده، هفته نامه نوید اصفهان.

۵. «شرح حال حاج شیخ مرتضی مظاهری نجفی»، هفته نامه نوید اصفهان.

۶. «شرح حال سیّدکریم نیکزاد امیر حسینی»، هفته نامه نوید اصفهان.

۷. «شرح حال آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی، هفته نامه نوید اصفهان.

۸. «به یاد تخت فولاد»، هفته نامه نوید اصفهان.

۹. «مسجد سیّد اصفهان پایگاه مشروطیّت و انقلاب اسلامی»، هفته نامه نوید اصفهان.

د) مصاحبه ها

۱. مصاحبه با مجلّه رشد معلم.

۲. مصاحبه با فصل نامه تاریخ و فرهنگ معاصر.

۳. مصاحبه با گاه نامه آیین فرزانگی.

۴. مصاحبه با رادیو سراسری جمهوری اسلامی ایران، پخش شده در برنامه سیمای فرزانگان (هر جمعه ساعت ۵/۷ صبح).

ه.) آثار چاپ نشده

۱. تذکره شعرای اصفهان (متقدّمین).

۲. گوهر گران بها در مادّه تاریخ وفیات علما و شعرا.

۳. تحفه السّفر.

۴. شجره طیّبه یا سادات اصفهان.

۵. انیس الفارغین، جنگ اشعار و متفرّقات.

۶. کتاب شناسی قرآن مجید.

۷. امام زادگان اصفهان و توابع.

۸. اربعین در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام .

۹. فدک و سیر تاریخی آن.

۱۰. اربعین، در ذکر چهل حدیث درباره علماء.

۱۱. کلمات المعصومین علیهم السلام ، به ترتیب موضوعی.

۱۲. قرآن در احادیث، مجموعه احادیث با موضوع قرآن.

۱۳. صحیفه جوادیّه.

۱۴. الحائریّون، مدفونین در کربلا.

۱۵. به یاد کربلا.

۱۶. الحجّه البالغه، احادیث در فضائل علی و اهل بیت علیهم السلام از کتب اهل سنّت.

۱۷. شرح حال و کلمات قصار چهارده معصوم علیهم السلام ، چهارده جلد.

۱۸. تاریخ کاظمین.

۱۹. اعراب کلمات مشکله قرآن مجید.

۲۰. منطق و فلسفه.

۲۱. خاندان شفروه اصفهان

۲۲. خاندان خجندیان (آل خجند) و محدّثین شافعی اصفهان.

۲۳. خاندان ترکه اصفهان (آل ترکه).

۲۴. اشعری های قم و اصفهان.

۲۵. مستبصرین، در شرح حال کسانی که شیعه شده اند.

۲۶. گنجینه.

۲۷. بهشت و جهنّم.

۲۸. جغرافیای اصفهان، مأخوذ از کتاب ذکر اخبار اصفهان.

۲۹. خاندان میرداماد.

۳۰. شرح حال سادات بهشتی اصفهان.

۳۱. خوانین بختیاری.

۳۲. خاندان نصیری طوسی اصفهان.

۳۳. روزنامه های اصفهان.

۳۴. تاریخ تشیّع اصفهان و زندگانی حافظ ابونعیم محدّث اصفهانی.

۳۵. معاریف اصفهان.

۳۶. مردان نامی اصفهان که اکنون در اختیار شما است، و با نام اعلام اصفهان منتشر می شود، در چندین مجلّد.

۳۷. دارالعلم شرق، تاریخ مدارس دینی اصفهان.

۳۸. وفیات الاعوام، نام بزرگان علم و حکمت بر حسب سنواتِ وفات آن ها.

۳۹. مجموعه موضوعی آیات قرآن، هفتاد موضوع.

۴۰. شرح حال آقا سیّدابوالقاسم دهکردی.

۴۱. شرح حال میرسیّدعلی نجف آبادی.

۴۲. شرح حال حاجیه خانم امین (بانوی ایرانی).

۴۳. شرح حال ملّا محمّدحسین فشارکی.

۴۴. شرح حال سیّدابوالحسن مرتضوی کرونی.

۴۵. شرح حال سیّدمحمّد نجف آبادی.

۴۶. شرح حال میرسیّدحسن روضاتی.

۴۷. شرح حال جهانگیرخان قشقایی.

۴۸. شرح حال حاج میرزا یحیی مستوفی بیدآبادی.

۴۹. شرح حال میرزا علی آقا شیرازی.

۵۰. شرح حال آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای.

۵۱. شرح حال سیّداسماعیل صدر.

۵۲. شرح حال ملّامحسن فیض.

۵۳. شرح حال شیخ مفید.

۵۴. شرح حال ثقه الاسلام کلینی.

۵۵. ارشاد النّاس یا شرح حال شیخ عبّاس مصباح دستگردی.

۵۶. شرح حال خواجه نصیرالدّین طوسی.

۵۷. شرح حال دانشمندان قمیشه اصفهان، ناتمام.

۵۸. کتاب هایی که خوانده ام.

آشنایی نگارنده با مؤلّف این کتاب

سـال هـای آخر دبیرسـتان بودم، و به خاطر علاقه ای که به تاریـخ و ادبیّات داشـتم، یادداشت هایی فراهم کرده بودم. وقتی که کتاب هایی از مرحوم اسـتاد مهـدوی مثل تـذکره القبور (رجال اصـفهان) و دانشـمندان و بزرگان اصـفهان را از کتابخانه ها به امانت گرفتم و خوانـدم، بسـیار مشـتاق شـدم که ایشان را ببینم. خوش بختانه ایشان مقاله ای در اعتراض به بی توجّهی به تخت فولاد و تخریب و انهدام آن، در هفته نامه نوید اصفهان نوشته بودند. از مدیر هفته نامه، آقای دکتر فضل اللّه صلواتی آدرس و تلفن ایشـان را گرفتم، و موفّق به دیـدار اسـتاد مهـدوی شـدم. اگرچه من در آن زمـان یک محصّل دبیرسـتانی کم تجربه بیش نبودم؛ امّا ایشان با مهربانی و ملاطفت و تواضع، مرا به حضور پذیرفت، یادداشت ها و نوشـته هایم را با حوصـله مطالعه کرد، و به خطّ خود، برخی اشتباهات آن ها را اصلاح، و یا توضیحاتی به آن ها اضافه کرد.

این، آغاز یک رابطه دوستانه و علمی بود که حدود هفت سال؛ یعنی تا آخر عمر استاد به طول انجامید. هر هفته، پنج شنبه و یا جمعه و یـا هر دو هفته یـک بـار به زیـارت اسـتاد نائـل می شـدم، و از خرمن دانش و معلومات و تجربیّات ایشان بهره منـد می شدم. علاوه بر آن، مهیمان نوازی ایشان و خانواده محترم، همیشه موجب شرمندگی این حقیر می شد.

ایشان مهم ترین مشوّق این جانب در ادامه کارهای تحقیقی و مطالعاتی بود. تحقیقات تازه بنده را می دید، و درباره آن ها نظر می داد. کتـاب هـا و منـابع را معرّفی می کرد، و گـاه کتـاب هـایی را به امـانت می داد. افسوس که این روزهـا مثـل برق و باد گذشت، گویی لحظه ای بیش نبود.

سرانجـام، تقـدیر آن بـود که این عزیز، از میـان مـا کـوچ کنـد، و به جـوار رحمت بی منتهـای الهی مقیم شـود. این مفـارقت و جـدایی، برای این مریـد و شـاگرد شـیفته، سـخت دشوار بود؛ امّـا یاد و خاطره ایّام مصاحبت و راهنمایی ها و رهنمودهای او تا حدودی تحمّل این جدایی را بر من آسان می کرد.

آن چه بیشتر مرا نگران و ناراحت می کرد، این بود که ایشان نتوانست همه آثار خود را تـدوین و تنظیم کنـد، و چاپ و انتشار آن ها را به چشم خود ببیند.

اکنون اگرچه خود را لایق و شایسته گردآوری و تدوین آثار استاد، جهت چاپ نمی دانم؛ امّا خوشحالم که بالاخره زمینه ای فراهم شد تا بتوانم دِین خود را به ایشان ادا کنم. امیدوارم انتشار این اثر، باعث شادی روح ایشان و باقیات الصّالحات او در سرای باقی باشد.

درباره نام کتاب

مرحوم مهدوی نام مشخّصی بر روی این کتاب ننهاده بود، در برخی از اوقات، آن را مردان نامی اصفهان و گاهی رجال اصفهان می نامید.

بنا به پیشنهاد حقیر، و پذیرش وصیّ محترم مؤلّف، جناب آیت اللّه آقای حاج شیخ هادی نجفی، کتاب، اعلام اصفهان نامیده شد.

استفاده از کلمه «اعلام» به معنی شخصیّت های برجسته، بزرگان علم و ادب و مشاهیر فرهنگ و تاریخ، مسبوق به سابقه است، کتاب الاعلام تألیف زرکلی و طبقات اعلام الشّیعه تألیف شیخ آقابزرگ تهرانی نمونه هایی از کاربرد لغت «اعلام» است.

روش تدوین، تنظیم و تصحیح کتاب

با همکاری خانواده محترم مرحوم استاد مهدوی و وصیّ محترم ایشان عالم

جلیل القدر آیت اللّه حاج شیخ هادی نجفی یادداشت ها و آثار ایشان در اختیار نگارنده قرار گرفت.

اثری که اکنون پیش روی شما است، مجموعه ای است برگرفته از فیش های تحقیقی و شرح حال های مدوّن و نامدوّن که بالغ بر چندین هزار فیش می شود.

هم چنین مرحوم مهدوی در چندین دفتر به صورت الفبایی، شرح حال بزرگان اصفهان را گردآوری و تدوین کرده، و آن را رجال اصفهان نامیده بود؛ ولی تألیف آن به اتمام نرسیده، و برخی از صفحات، نانوشته و سفید باقی مانده است.

این دفترها به قطع وزیری و دوازده دفتر است:

۱. جلد اوّل (آ الف) تا شرح حال ابراهیم آذینوه.

۲. جلد دوم (باب ابو ابی) تا شرح حال اثرم.

۳. جلد سوم (باب الاحامد = احمدین) تا شرح حال احمد بختیاری.

۴. جلد چهارم (از اختر تا آخر حرف الف) تا شرح حال ایزدگشسب.

۵ و ۶. جلد پنجم (باب الباء، باب التّاء) تا شرح حال «تنها»، در دو دفتر، یک دفتر (باب الباء) و دفتر دوم (باب التّاء).

۷. جلد ششم (باب الثّاء باب الجیم) تا شرح حال حاج شیخ جمال الدّین خوانساری.

۸. جلد هفتم (باب الحاء) تا شرح حال حیرت.

۹. جلد هشتم (باب الخاء) تا شرح حال خال بختیاری.

۱۰. جلد هشتم (باب الرّاء) تا شرح حال رجالی.

۱۱. جلد هشتم (باب الصّاد باب الضّاد تا باب الطّاء) تا شرح حال طوطی.

۱۲. جلد هشتم (باب المیم) تا شرح حال حاج مطهّرعلی شاه.

و آخرین منبع تدوین کتاب، استفاده از تألیفات چاپ شده زنده یاد مهدوی بود.

امّا مراحل انجام کار:

ابتـدا فیش های اسامی «آ» و «الف» به ترتیب نام کوچک و نام پـدر مرتّب شد. پس از اتمام کار، نگارش و تدوین کتاب آغاز شد. شرح حال هایی که استاد مهدوی به طور مستقل نوشته بود، پاک نویس شد، و ضمن تطبیق با تألیفات چاپ شده ایشان، با منابع دیگر نیز تطبیق داده، و مطالب جدید در متن گنجانده شد.

بسیاری از شـرح حال ها نیز مـدوّن نبود؛ لـذا فیش های متعدّد راجع به یک شخصیّت، مثلاً تألیفات، زندگی نامه، شاگردان و غیره، در نگارش شرح حال مدوّن هر شخص، مورد استفاده قرار گرفت، و با سایر منابع، تطبیق داده شد.

در این مرحله، از دفاتر رجال اصفهان و نیز کتاب های چاپ شده استاد نیز استفاده شد، و شرح حال ها تکمیل گردید.

بنا به پیشنهاد وصیّ محترم مؤلّف، جناب آیت اللّه حاج شیخ هادی نجفی شرح حال معاصرین و

نیز شخصیت هایی که در کتاب های رجالی دیگر آمده است، و مرحوم مهدوی موفّق به نوشتن شرح حال آنان نشده اند نیز به کتاب افزوده شد.

افزوده های مصحّح کتاب، به دو صورت از متن اصلی کتاب متمایز شده است:

۱. در صورتی که کلّ شرح حال یا مدخل در آثار چاپ شده و یا چاپ نشده مرحوم مهدوی موجود نباشد، در کنار عنوان، با ستاره (*) مشخّص می شود.

۲. در صورتی که مطالبی برای تکمیل شرح حال به متن کتاب افزوده شود، با علامت کروشه [ ] از متن اصلی متمایز می گردد.

در نگارش و رسم الخط، سعی شده است حتّی الامکان شیوه نگارش و انشای مؤلّف، حفظ شود تا در آینده، پژوهشگران بتوانند در باب انشاء و نثر این کتاب، اظهار نظر کنند. به این خاطر، تا حدّی که به شیوایی جملات، آسیبی نرسد، از تغییر نثر مؤلّف به شیوه نثرامروزی خودداری شد تا اصالت اثر حفظ شود؛ چراکه هر نثر، به یک مقطع زمانی خاص تعلّق دارد.

در همین جا لازم است یادآوری شود که محقّق، تمام تلاش خود را برای تهیّه کتابی پاکیزه، خواندنی، بدون غلط و جامع به کار بسته است؛ امّا فرصت اندک تدوین و تحقیق، عدم دسترسی به برخی منابع و شرح حال ها، حجم عظیم فیش ها و عجله ای که برای آماده کردن کتاب وجود داشت، خواهی نخواهی، باعث پیدایش اشتباهات، نقایص و مشکلاتی در این اثر گردیده است. این جانب مسؤولیّت این اشتباهات و نقایص را بر عهده می گیردم، و بنابراین، ساحت مؤلّف محترم از این اشتباهات مبرّا است.

امید است که خوانندگان ارجمند و محقّقان باریک اندیش و نویسندگان نکته سنج، این اشتباهات و قصورها را بر این حقیر ببخشایند، و امیدواریم از نظرات و انتقادهای محقّقان در مجلّدات بعدی استفاده کنیم. هم چنین با عرض پوزش از محضر علماء، نویسندگان، هنرمندان، نویسندگان و بزرگانی که نام و شرح حال آنان از قلم افتاده است، امیدواریم که در آخرین مجلّد کتاب، تحت عنوان «استدراک»، جبران مافات کنیم، و شرح حال آنان را زینت افزای کتاب قرار دهیم.

در تنظیم کتاب، با توجّه به آثار و تألیفات مرحوم مهدوی، و روش تراجم نویسان و

دانشمندان رجال، باب خاندان ها کنیه ها و نساء، به طور جداگانه، و با رعایت ترتیب حروف الفبا در کتاب گنجانده شد.

سپاس و قدردانی

خدای را سپاس می گویم که کار جمع آوری، تدوین، تصحیح و تکمیل این اثر ارزنده را نصیب این حقیر گردانید. امید که چاپ این کتاب، موجب شادی روح مؤلّف باشد، و این کتاب به عنوان مرجعی جامع، موثّق و قابل اعتماد برای محقّقین و علاقه مندان مورد استفاده قرار گیرد. برای مؤلّف محترم، آمرزش و غفران و علوّ درجات را از پیشگاه خداوند متعال خواهانم.

در پایان، بر خود واجب می دانم از همه عزیزانی که این جانب را در تصحیح و تکمیل این کتاب یاری رساندند، و یا مورد تشویق و عنایت خود قرار داده اند، قدردانی و تشکّر کنم:

از دانشمند محترم آیت اللّه آقای حاج شیخ هادی نجفی مدّ ظلّه وصیّ محترم مؤلّف که رهنمودها و حمایت های ایشان موجب به ثمر رسیدن فعّالیت ها و چاپ و نشر این اثر گردید.

از خانواده های محترم مرحوم مهدوی، خصوصا همسر مکرّمه ایشان که سال ها در کنار آن فقید سعید، زمینه آرامش ایشان را برای تحقیق و تألیف فراهم ساختند، و نیز جناب آقای حاج حمیدرضا فروغی داماد محترم مرحوم مهدوی که فیش ها و یادداشت های نویسنده فقید را در اختیار این جانب قرار دادند.

هم چنین از خانواده محترم آن مرحوم، به واسطه این که هزینه تحقیق را برعهده گرفته اند.

از عالم فاضل محقّق، جناب حجّت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد سمامی حائری دامت برکاته و داماد ایشان، جناب حجّت الاسلام آقای سیّدمحمّدحسین روحانی حفظه اللّه تعالی که مدّتی وقت را صرف تحقیق حروف «آ» و «الف» این اثر کردند.

از دوست گرامی و محقّق پرتلاش آقای رحیم قاسمی حفظه اللّه تعالی که در فراهم آوردن این اثر، سهم عمده ای داشتند، و در تکمیل و تصحیح کتاب، و تهیّه شرح حال بسیاری از علمای معاصر اصفهان، و ارائه ده ها شرح حال جدید از علمای معاصر، و تأمین کتاب ها و منابع

مورد نیاز، به پیش برد کار، کمک کردند پس از تکمیل حروفچینی کتاب نیز مطالب تکمیلی ارزشمندی به آن اضافه کردند که درون پرانتز جای داده شده است. و نیز طلبه فاضل، آقای سیّدجواد مهاجر که در فیش برداری مطالب به ما یاری رساندند.

از جناب آقای محمّدرضا زادهوش که در مراحل فنّی، و ویرایش کتاب تلاش فراوان داشتند.

و سرانجام از شهردار محترم اصفهان آقای دکتر سقّاییان نژاد و رییس مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل آقای دکتر چلونگر که چاپ و نشر این کتاب، مرهون فرهنگ دوستی و بذل عنایت آنان است، و نشان از علاقه ایشان به تاریخ و فرهنگ اصفهان دارد.

و از کلّیه عوامل چاپ و نشر در چاپ خانه و لیتوگرافی که تمام سعی خود را در چاپ کتابی آبرومند به کار برده اند، صمیمانه تشکّر و قدردانی می کنم، و سلامتی و بهروزی آنان را از محضر حضرت باری تعالی خواهانم.

وآخر دعوانا أن الحمدللّه ربّ العالمین

غلام رضا نصراللّهی

اوّل شوّال المکرّم ۱۴۲۷ق

عید سعید فطر

۱۳۸۵ / ۸ / ۲

اجازات مؤلّف

اجازه شیخ آقابزرگ طهرانی

به مؤلّف در پایان کتاب الاسناد المصطفی الی آل المصطفی از مجیز

اجازه آیت اللّه سیّدمصطفی صفایی خوانساری قدس سره به مؤلّف

اجازه آیت اللّه سیّدمصطفی صفایی خوانساری قدس سره به مؤلّف

اجازه آیت الله العظمی آقای سیّدعلی علّامه فانی قدس سره

اجازه مرحوم سیّدضیاءالدین علّامه قدس سره

ص: ۴۵

اجازه آیت اللّه العظمی شیخ محمّدعلی اراکی قدس سره

اجازه آیت اللّه شیخ محمّدباقر کمره ای قدس سره

ص: ۴۷

اجازه آیت اللّه سیّدمحمّدعلی موحّد ابطحی قدس سره

اجازه آیت اللّه سیّدمحمّد شیرازی قدس سره

ص: ۴۹

فهرست عناوین

اشاره

آدم مدینی

ابوبشر آدم بن بشر بن آدم بن سعید مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی منسوب به مدینه است که امروزه به آن جا «شهرستان» می گویند، او از محمّد بن بُکیر بن محمّد حضرتی روایت می نماید، و احمد بن محمّد بن نُصیر از او نقل حدیث می کند. (۱)

آدم بن سعید مدینی

از محدّثین قرن دوم هجری است. در اوائل زمان هارون الرّشید به مکّه مشرف گردیده است، و نقل می نماید که در حال طواف، بر وکیع بن جرّاح وارد شدم، و چهارصد مسأله از او پرسیدم، و جواب های آن ها را حفظ کردم. رسته و قاسم بن محمّد بن موسی فقیه معروف به «کاسولا» از او روایت می کنند.(۲)

آذرپژوه

آذر پژوه، از اهالی اصفهان و معاصر خسرو پادشاه ساسانی بوده، و خود از شاگردان بزرگمهر، حکیم معروف و وزیر انوشیروان بوده، و به دستور شاه ساسانی، کتابی از زرتشت به نام زوره که به زبان پهلوی بوده است، و جهت پادشاه هند فرستاده، و شاه هند آن را به خسرو رسانیده است را تفسیر کرده، و به شاه تقدیم نموده، و مورد پسند و قبول او واقع گردیده است. پادشاه دستور داد که نامه دهقان خداپرست را نیز مختصر کند. وی نیز آن را انجام داد، و به شاه تقدیم نمود.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۹.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۹۷؛ فهرست کتابخانه ملّی، ج۹، ص۶۲۵.

آذر شاپور

آذر شاپور فرزند آذرمانان، از مردم قریه هرستان ماربین اصفهان در کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء می نویسد که:

فیروز فرزند یزدجرد در یک صد و هفتاد سال قبل از اسلام به او دستور داد که باروی جی را که نیمه تمام و مخروبه بود، تجدید عمارت کند.(۱)

این بارو نیز در طول تاریخ خراب گشته، و اثری از آن باقی نیست.

آذر نیوق

جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری در ضمن وقایع سال ۹۱ هجری فتح اندلس (اسپانیا) را به دست طارق بن زیاد مولی موسی بن نصیر می نویسد: و آن زمان اندلس به دست آذرنیوق مردی از اهل اسپهان بود که نیاکانش شاهان عجم اندلس بودند، و آذرنیوق با تاج و جامه پادشاهی به میدان آمده، و طارق با همه لشکر، با او روبرو شده، و آذرنیوق کشته شده، آن ملک بزرگ در ۹۲ کشته شد.(۲)

آزاد اصفهانی

آزاد شاه اصفهانی، از شعرای عهد نادرشاه افشار بوده، و در همان سال ها وفات یافته است.

از او است:

ای خوش آن دیده که یابد نظر از منظر دوست وی خوش آن جبهه که شود دست به خاک در دوست(۳)

۱- سنی ملوک الارض و الانبیاء، ص۳۸؛ آثار ملّی اصفهان، ص۳.

۲- تاریخ اصفهان و ری، ص۴۲.

۳- تذکره روز روشن، ص۶.

آشوبی نطنزی

آشوبی نطنزی از شعرای قرن دهم هجری است. وی شعر می سروده، و خطّ نستعلیق را خوش می نوشته است.(۱)

میر آصف قزوینی

میر آصف قزوینی، عالم فاضل زاهد، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری، در قزوین و اصفهان تحصیل نموده، و به مراتبِ عالی علم و کمال دست یافته است. پس از اتمام تحصیلات، چندی در قزوین و تفلیس و سایر شهرها سفر کرده، و به تربیت شاگردان دانشمند مشغول بود. بالاخره به اصفهان آمد، و مدّتی پس از محاصره اصفهان به دست افغان ها در سال ۱۱۳۶ق وفات یافت. وی را شرحی است بر خطبه همام از خطب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام .(۲)

میرزا آقا بابا ثابت اصفهانی*

میرزا آقا بابا ثابت اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و در سرودن انواع شعر و فنّ مادّه تاریخ سرایی مهارت داشته است. این مادّه تاریخ در رثای شخصی به نام حاج علی اصفهانی از او است:

با دل زار از پی تاریخ او ثابت نوشت: «بزم جنّت مسکن حاجی علی شد زین جهان»(۳)

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۱.

۲- تتمیم امل الآمل، صص۴۸ ۴۹؛ نجوم السّماء، صص۲۷۳ ۲۷۴؛ فوائد الرّضویه، ج۱، ص۵۳؛ ریحانه الادب، ج۲، صص۴۴۷ ۴۴۸؛ الذّریعه، ج۷، ص۱۱۳؛ الکواکب المنتشره، ص۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۴۳ ۴۴؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۸.

۳- تراجم الرّجال، ج۱، صص۱۱۱ ۱۱۲؛ تذکره شعرای فارسی سرا، صص۵۹ ۶۰؛ فهرست مرعشی، ج۱۸۹۱۸.

آقا بابا خرّم اصفهانی

آقابابا متخلّص به «خرّم»، شاعر اصـفهانی مقیم قزوین، در آن شهر به دستور علی قلی میرزا کتاب جلاء العیون را در جنگ ها و شهادت یاران حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به نظم آورده است. از اشعار او است:

گر بر سرم نهد شه دُلدُل سوار پای بر فرق فرقدان نهم از افتخار پای

بنهاد پا به دوش شهی کز شرف نهاد با موزه بس فراتر از این نه حصار پای

باعث اگر نبود وجودت نمی نهاد هرگز برون ز کتم عدم روزگار پای

* * *

به چه کار آیدم اگر نکنم نقد جان را فدای سیمبری

اثری نیست ناله را خرّم ور نه می کرد در دلش اثری(۱)

آقا بابا عارض اصفهانی

آقابابا اصــفهانی متخلّص بـه «عـارض» شـاعر ادیـب، در اصــفهان می زیســته، و از راه پـاره دوزی امرار معـاش می کرده، در سال۱۲۲۸ وفات یافته، و این بیت از او است:

دلبرم در بر و پرسم ز کسان یار کجاست تاکه اغیار ندانند که دلدار کجاست(۲)

سیّدآقا خلیفه سلطانی

سیّدآقا خلیفه سلطانی فرزند میرزا اسماعیل، عالم فاضل از تألیفات او است: ۱. شرح بر کتاب سرمایه ایمان تألیف ملّاعبدالرزّاق لاهیجی؛ ۲. شرح خلاصه الحساب شیخ بهایی(۳)

۱- تذکره سفینه المحمود، ص۴۹۵.

۲- تذکره شبستان ص ۲۱۳ مجمع الفصحاء ج ۳ص ۱۱۴۴، تذکره دلگشا ص ۴۸۹، سفینه المحمود ص ۴۰۹، تذکره اختر ص ۱۴۵، مجمع الفصحاء ج ۵ ص ۷۳۰و ۷۳۱

۳- اعیان الشّیعه، ج ۱۰، ص ۵۱۱.

آقاجونی معمار

آقاجونی، معمار اصفهانی، از معماران هنرمند قرن سیزدهم هجری است. وی بسیاری از مساجد، امام زاده ها و اماکن متبرّک را ساخته، و یا مرمّت نموده است. ازجمله آثار او مسجد رحیم خان در اصفهان است که در سال ۱۳۰۴ق آن را ساخته است.(۱)

ملاّآقاجان زفره ای

ملاّآقاجان بن حاج محمّد علیّ بن عبداللّه زفره ای، عالم فاضل، در سال ۱۲۵۷ق متولّد [شده]، و در ۱۳۳۴ق وفات یافته است، از بزرگان قریه «زفره» کوهپایه است(۲).

آقاجان کاشی پز*

آقاجان کاشی پز، فرزند آقامؤمن، از هنرمندان دوره قاجاریّه است. در هنر کاشی سازی از اساتید بزرگ روزگار خود بود، و آثار ارزنده ای از خود به جای گذاشت. کاشی های مسجد سیّد اصفهان که سال نصب آن ها ۱۳۲۵ق است از آثار ارزشمند او است. آقاجان کاشی پز در سال ۱۳۳۶ق در اصفهان وفات یافت، و در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی واقع در تخت فولاد مدفون گردید(۳).

میرزا آقاخان محاسب الدّوله

میرزا آقاخان محاسب الدّوله معروف به مصفّی فرزند حسینقلی خان [بن میرزا محمّد خان بن بیگلر خان اصفهانی] فاضل ادیب عارف، از دانشمندان مشهور و عرفا و ریاضی دانان معروف اصفهان بود. وی در سال ۱۲۷۴ق در تهران متولّد شد، [و در مدرسه دارالفنون به تحصیل پرداخت]، نزد میرزا عبدالغفّارخان نجم الدّوله اصفهانی ریاضیات را

۱- دائره المعارف تشیّع، ج۲، ص۱۲۴.

۲- منتخب اشعار رجاء زفره ای، ج۲، ص۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۹.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص۶۷۳ ۶۷۴؛ تخت فولاد سرزمین جاویدان، نسخه تایپی؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۰۵؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۱۲۴.

تکمیل نمود، و از سال ۱۳۱۲ به اصـفهان آمد، و در بانک شاهی مشغول خدمت گردید. وی به دستیاری مردم حاج شیخ علی اکبر شـیخ الاسـلام و میرزا مسیح خان حافظ الصّحه و میرزا علی اکبرخان سرتیپ، مدرسه ایتام را تأسیس نمود که در آن، عدّه ای قریب پنجاه نفر از ایتام را سرپرستی نموده، و درس دادند، از سال ۱۳۲۳ نام آن به مـدرسه علیّه و ایتام تبدیل گردید، و در این اواخر نام ایتام از آن حذف شد، و اکنون در محلّ اوّلیه، باقی و به مدرسه علیّه معروف است.

محاسب الدّوله از آزادی خواهان معروف و عضو انجمن ولایتی اصفهان بود، و از مشروطه خواهان به شمار می رفت.

وی از عرفـای اصـفهان است که از طرف ظهیرالـدّوله جانشـین صـفی علی شـاه اجازه دسـتگیری و ارشاد داشت، و جزو صوفیّه نعمت اللّهیّه صـفی علی شـاهی بود، و در اواخر، ارادت به آقامیرزاعبّاس پـاقلعه ای صابرعلی شاه پیـدا کرد، و به جرگه صوفیّه مریدان ذوالرّیاستین پیوست.

مشـارٌالیه در غرّه جمـادی الاـوّل سال ۱۲۵۶ق در اصـفهان وفـات یـافت، و در ایوان بقعه مرحوم آقاسـیّدحسن مـدرّس مـدفون گردید. کتب زیر از آثار قلمی او است:

۱. تاریخچه مدرسه دارالفنون ۲. تاریخ عمومی سلاطین اروپا ۳. تاریخ مصر ۴. اصول جبر و مقابله، مطبوع ۵. اصول جغرافیایی کره زمین(۱).

آقا کوچک قمشه ای

آقا کوچک قمشه ای، عالم و عارف و از اهالی قمیشه است. در اصفهان ساکن [بود، و] در سال ۱۲۹۷ قمری وفات یافت، و در صحن تکیه مـادر شاه زاده، جنب قبر حـاج صادق تخت فولادی، در تخت فولاد مـدفون گردیـد. مادّه تاریخ وفاتش را [میرزا حسن قمشه ای متخلّص به] «مفتون» گوید:

بهر تاریخ وفاتش کلک «مفتون» زد رقم: «زبده آل سلوک اندر جنان شد رستگار»(۲)

۱- اعیان الشّیعه، ج۶، ص ۱۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۵۶؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۶۳؛ دایره المعارف دانش بشر، ص ۱۱۹۱؛ فهرست کتابخانه عمومی اصـفهان، ج ۱، ص۴۶؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص۴۷ ۴۸؛ مزارات اصفهان، صص۱۶۸ ۱۶۹.

۲- رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۲۲۵؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص۴۹ ۵۰؛ سـیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۳؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص ۱۲۱.

آقا گلی اصفهانی*

آقا گلی اصفهانی، از صنعتگران هنرمند اصفهان در اواخر قاجاریّه است. وی در اصفهان به ساختن تار و سنتور می پرداخته است(۱).

آقایی اصفهانی

آقایی فرزند رجب علی شریف اصفهانی، از فضلا و نویسندگان کتب در قرن ۱۳ هجری. از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب نخبه، رساله عملیّه حاجی کلباسی که آن را در سال ۱۲۴۰ق به خطّ نسخ، کتابت نموده است که به شماره ۱۰۵۴ در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

آل ترکه

آل ترکه یکی از خاندان های معروف شیعه در اصفهان هستند که چندین قرن به علم و ریاست شهرت داشته اند.

جدّ اعلای آنان از خجند به اصفهان آمده، و در این شهر سکونت نموده است، و چون ایشان از نژاد ترکان ترکستان می باشند، به «ترکه» شهرت یافته اند. این خاندان علمی و ادبی تا قرن یازدهم هجری در اصفهان حضور داشته اند، و مقابر آنان جنب مسجد لنبان بوده، و از بین رفته است، و اثری از آن باقی نیست. اکنون به شرح حال عدّه ای از حکماء، عرفاء، علماء و شعرای این خاندان می پردازیم.

آل ترکه ابوالهادی*

ابوالهادی ترکه اصفهانی، از فضلای اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده، و مجاز از مولی محمّدتقی مجلسی علیه الرّحمه است. تاریخ اجازه، ۱۴ صفر المظفّر سال ۱۰۵۸ق

۱- سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، ص۱۷۰؛ تاریخ موسیقی ایران، ج۲، ص۶۹۹.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۹۱.

می باشد.(۱)

آل ترکه خواجه حبیب اللّه

خواجه حبیب اللّه ترکه، از دانشمندان قرن دهم هجری بوده، و منصب قضاوت را در این شهر بر عهده داشته است. شعر نیز می سروده، و رباعیّاتی از او دردست می باشد.(۲)

آل ترکه

ضیاءالـدّین علی ترکه اصـفهانی فرزنـد خواجه حبیب اللّه، عالم و شاعر ادیب، برادرِ خواجه افضل الدّین محمّد ترکه اسـت(۳). در کتاب کشکول شیخ بهایی این رباعی را از او نقل می کند:

بی خوابی شب جان مرا گرچه بکاست در خواب شدن از ره انصاف خطاست

ترسم که خیال او قدم رنجه کند عذر قدمش به سال ها نتوان خواست(۴)

آل ترکه صائن الدّین علی

ابومحمّـد صائن الـدّین علی بن صدرالدّین محمّد بن ابوحامد افضل الدّین محمّد بن حبیب الله ترکه اصـفهانی از معروف ترین افراد آل ترکه، و از دانشـمندان قرن نهم هجری است. وی عـالمی فاضل و حکیمی عارف و ادیبی ماهر بود، در اصـفهان متولّد شد. ابتدا نزد برادرش به تحصـیل پرداخت، سپس به مسافرت به شهرهای مختلف رفت، و از محضر علمای آن شهرها بهره برد، و در علوم زمان خود به استادی رسید.

[وی در دستگاه امیرزادگان تیموری، صاحب شهرت و احترام بود، در زمان حکومت شاهرخ به قضاوت شهر یزد منصوب شد؛ امّا پس از مـدّتی به فساد عقیـده متّهم شد، و به دسـتور شاهرخ به هرات رفت، و با نوشـتن کتاب نفثه المصدور به دفاع از خود پرداخت. در

۱- فهرست مرعشی، ج ۳۲، ص ۶۲۴.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۸؛ مزارات اصفهان، ص ۶۱؛ تاریخ نظم و نثر، ج ۱، صص ۴۵۱ و ۴۹۸.
۳- تاریخ نظم و نثر، ج ۱، ص ۴۵۲.
۴- کشکول، ج ۱، ص ۱۶۲.

سال ۸۳۰ق پس از آن که احمد لر که از پیروان فضل اللّه استرآبادی پیشوای حروفیّه بود، در مسجد هرات، شاهرخ را کارد زد، صائن الدّین نیز به همکاری با توطئه گران متّهم، و مدّتی محبوس، و اموالش مصادره شد. عاقبت با خانواده اش آواره شهرها گردید. پس از مدّت ها دربه دری به بایسنغر فرزند شاهرخ توسّل جست، و از او امان یافت، و مدّتی به قضاوت نیشابور مشغول شد].

وی در ۱۴ ذی حجّه ۸۳۵ق در هرات وفات یافت. شیخ آقابزرگ او را از اعلام شیعه شمرده است.

وی تألیفات فراوانی دارد که برخی از آن ها به طبع رسیده است، این آثار عبارت اند از:

۱. اسرارالصّلاه ۲. التّمهید فی شرح قواعد التّوحید، مطبوع ۳. شرح فصوص الحکم ۴. شرح قصیده برده به فارسی که به مغیث الدّین ابوالفتح سلطان ابراهیم تقدیم شده (نسخه شماره ۳۴۶۴ کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم) ۵. شرح گلشن راز ۶. شرح قصیده تاییه ابن فارض ۷. شرح نهج البلاغه ۸. شقّ القمر در عرفان، به فارسی ۹. رساله بائیّه در علم اعداد و حروف ۱۰. رساله المحمدیّه ۱۱. مبدأ و معاد ۱۲. مخزن الغرائب ۱۳. مدارج الافهام الافواج ۱۴. المعتقده ۱۵. المفاحص در علم عدد ۱۶. مناظرات خمس یا عقل و عشق ۱۷. رساله در تحقیق أَنَا نُقْطَه الَّتی تَحْت الْباء ۱۸. ضوء اللّمعات ۱۹. رساله در معنی قابلیّت و تصوّر و تحقیق آن ۲۰. تجلّی ذاتی، ترجمه رساله ابن هود مغربی ۲۱. مناهج ۲۲. نفثه المصدور ۲۳. سلم دارالسّلام، در بیان حکم ارکان الاسلام در عرفان به فارسی ۲۴. اطوار الصّوفیه یا اطوار ثلاثه ۲۵. منظومات صائنیّه ۲۶. جواب مکتوب امیررضا ۲۷. شرح حدیث عما ۲۸. اعتقادیّه ۲۹. شرح ابیاتی از ابن عربی ۳۰. مقبول الملوک یا خواصّ الحروف ۳۱. نفثه المصدور ثانی ۳۲. مناظره بزم و رزم و غیره.(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۹؛ تاریخ نظم و نثر، صص۲۷۴ ۲۷۵؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۳۴۳؛ الذّریعه، ج۱۱، صص۱۳۶ و ۶۸؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۳۳۲ و ۳۳۵؛ رجال حبیب السّیر، ص۱۲۳؛ تمهید القواعد، مقدّمه؛ عقل و عشق یا مناظرات خمس، مقدّمه؛ ریاض العلماء، ج۴، ص۲۴۰؛ طرائق الحقایق، ج۳، صص۶۸ ۶۹؛ حروفیّه در تاریخ، صص ۸۰ ۸۱.

آل ترکه علی

علی یزدی، از دانشمندان قرن دهم هجری بوده، و در ریاض العلماء آمده که سبط صائن الدّین علی ترکه اصفهانی است.(۱)

آل ترکه خواجه قاسم علی

خواجه قاسم علی ترکه، بنا به نوشته اسکندربیک منشی، از صاحب منصبان عهد صفویّه بوده، مدّتی وزیر حسن بیک استاجلو یوزباشی شد، و سپس وزارت آذربایجان یافت، و امّا آن جا نرفت.

اصلاً از تبریز بود؛ امّا پدرانش اصفهانی بودند. او برادر خواجه عنایت ترکه سابق الذّکر است.(۲)

آل ترکه خواجه عنایت ترکه

اسکندر بیک منشی درباره او می نویسد: «وزیر حسن بیک فرزند حسین بیک از وزرای معتبر، مرد خلیق و آدمی پسندیده سلوک بود».(۳)

آل ترکه خواجه افضل الدّین محمّد ترکه

عالم فاضل، فقیه محدّث، از دانشمندان قرن دهم هجری است. در اصفهان متولّد شد، و نزد علمای اصفهان به تحصیل پرداخت، و سپس به کاشان رفت، و نزد ابوالحسن ابیوردی معروف به «دانشمند» به تلمّذ پرداخت. آن گاه در اصفهان منصب قضاوت یافت. سرانجام شاه تهماسب او را به قزوین آورد، و منصب قضاوت لشکر را بالاشتراک به وی و میرعلاءالملک مرعشی داد.

صاحب عنوان، سال ها در قزوین به تدریس مشغول بود، و شاگردان بسیار داشت، و در

۱- ریاض العلماء، ج۲، ص ۲۴۰؛ مزارات اصفهان، ص ۶۱.

۲- تاریخ عالم آرای عباسی، ج۱، ص۱۶۵؛ مزارات اصفهان، ص ۶۲.

۳- تاریخ عالم آرای عباسی، ج۱، ص۱۶۵؛ مزارات اصفهان، ص ۶۲.

زمان شاه تهماسب و شاه اسماعیل دوم، همواره مورد احترام حکومت صفویّه بود. سفری به هند رفت، و مراجعت نمود.

آخرالامر مدّتی در مشهد مقدّس به تدریس پرداخت، و در سفری که به همراه حمزه میرزا داشت، در سال ۹۹۱ در شهر ری وفات یافت. قاضی نورالدّین محمّد اصفهانی و علاّمه چلبی از شاگردان او به شمار می روند. طبع شعر نیز داشته، و «افضل» تخلّص می کرده [است].

این رباعی را شیخ بهایی در کشکول از او نقل می کند:

در دوزخ هجران، لب کس کی خندد یا خاطر او به خرّمی پیوندد

گر آن دوزخ چو دوزخ هجران است حاشا که خدا به کافری بپسندد

صاحب عنوان، دارای تألیفاتی است از آن جمله: ۱. انموذج العلوم ۲. دیوان اشعار ۳. رساله در اعتراض به قول استاد خود جناب مقدّس اردبیلی در موضوع «امر بشی ء نهی عن ضدّه الخاص» ۴. رساله در معقولات ثانیه(۱).

آل ترکه جلال الدّین محمّد

جلال الدّین محمّد ترکه، از معاصران شاه عبّاس کبیر صفوی و بزرگان آل ترکه بوده است.(۲)

آل ترکه، خواجه افضل الدّین محمّد

خواجه افضل الدّین محمّد صدر بن حبیب اللّه ترکه اصفهانی، از معاریف سلسله آل ترکه است که در ۱۳ رمضان المبارک سال ۸۵۰ به دستور شاهرخ در ساوه مقتول گردید(۳).

۱- تاریخ عالم آرای عبّاسی، ج۱، ص۲۴۶؛ تتمیم امل الآمل، ص۷۱؛ ریاض العلماء، ج۳، ص۳۱۴؛ الذّریعه، ج۲، ص۴۰۴، ج۹، ص۸۵؛ فهرست مجلس، ج۸، ص۱۴؛ احیاء الدّاثر، صص ۲۱۰ ۲۱۱؛ معجم مؤلّفی الشّیعه، ص۱۰۱؛ کشکول، ج۱، ص۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۶۰؛ مزارات اصفهان، ص۶۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۶۰ ۶۱؛ مزارات اصفهان، ص۶۱؛ اصفهان (کتاب جوانان)، ص۲۱۶.

دولتشاه سمرقندی در تذکره الشّعراء گوید: «شاهرخ، شاه علاءالدّین را در شهر ساوه حکم کشتن کرد... . گویند دو نوبت، ریسمان خواجه افضل ترکه پاره شد، و او فریاد می زد که با شاهرخ بگویید که این عقوبت بر ما لحظه ای بیش نیست؛ امّا پنجاه ساله نام نیکک خود را ضایع مساز»(۱).

صاحب عنوان را تألیفات و مصنّفاتی است که از آن جمله است ترجمه کتاب ملل و نحل شهرستانی به فارسی که به طبع رسیده است، و مؤلّف آن را «تنقیح الادلّه و العلل» نام نهاده، و در یک شنبه ۱۳ رجب ۸۴۳ در اصفهان به پایان برده است(۲). مدفن او در اصفهان به «درب آستان» معروف بوده است.(۳)

آل ترکه صدرالدّین محمّد

خواجه رشیدالدّین فضل اللّه مکاتباتی با او داشته که در منشآت رشیدالدّین مضبوط است، و بر مقام علمی و نفوذ و اعتبار صاحب عنوان دلالت می کند.

خواجه رشیدالدّین فضل اللّه، وزیر سلطان غازان خان مؤلّف تاریخ غازانی یا تاریخ رشیدی هم چنین در آن کتاب می نویسد: «در کتابخانه اش دو هزار جلد قرآن دارد که چهارصد جلد آن مذهّب و به خطّ یاقوت مستعصمی است، و شش قرآن به خطّ احمد سهروردی، و بیست قرآن به خطّ ابن مقله، و شصت هزار جلد کتاب دیگر که از ایران و روم و توران و مصر و شام و عدن جمع آوری نموده است، و تمام این کتب، وقف بر رشیدیّه است».

کتب زیر از او است:

۱. الاعتماد الکبیر ۲. حکمت الرّشیدیّه، به نام خواجه رشیدالدّین فضل اللّه ۲. حکمت

۱- تذکره الشّعراء، ص۲۵۶.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج۵، ص۹۸۹؛ فهرست رضوی، ج۴، ص۵۵.

۳- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۴۴۸.

المنیعه ۳. قواعد التّوحید ۴. رساله در وجود مطلق.(۱)

آل ترکه محمّد

محمّد بن علیّ بن محمّد ترکه، از علماء و فضلای قرن نهم هجری است.

سالک الدّین محمّد سعدی حموی متولّد به سال ۸۴۷ق از او اجازه روایت و ریاست داشته است.(۲)

آل ترکه مظفّر

میرزا مظفّر ترکه، شاعر و ادیب واعظ، او نبیره افضل الدّین محمّد ترکه است، و مانند اجدادش تولیّت مسجد جامع اصفهان و مقبره مشایخ دادایی یزد را بر عهده داشته، و علاوه بر آن، در دولت صفویّه به منشی گری مشغول بوده است. دیوان اشعاری داشته که اکنون در دست نیست، و طبعش به هزل و هجو مایل بوده است. وی تا سال ۱۰۷۶ که سال تألیف قصص الخاقانی است در قید حیات بوده است. این دو بیت در وصف شاه صفی از او است:

فانوس شمع قدسی و پاتاسر آینه رؤیت صباح عید و تو را پیکر آینه

نقّاش صنع لم یزل از سایه توست بر پرده های دیده هفت اختر آینه(۳)

آل ترکه نظام الدّین

نظام الدّین بن تاج الدّین جلال الدّین بن عبداللّه بن حسین حسینی معروف به نظام الدّین ترکه، از علمای قرن نهم بوده، و زین الدّین علیّ بن حسن بن محمّد استرآبادی در سال ۸۲۷ق از او اجازه دریافت نموده است.(۴)

۱- دانشمندان و سخن سرایان همدان، ج۱، ص۲۰۷؛ الذّریعه، ج۲۵، صص۳۸ و ۱۰۸؛ مجلّه مهر، سال ۸، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۳۱؛ تاریخ نظم و نثر، ص۴۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۱.

۲- الضّیاء الّلامع، ص۱۱۹؛ مزارات اصفهان، ص۶۳.

۳- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۸۰ ۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۲؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۵۴۸. ۲. الضّوء اللامع، ص۱۴۶؛ مزارات اصفهان، ص۶۳.

۴- الضّوء اللامع، ص۱۴۶؛ مزارات اصفهان، ص ۶۳.

آل خجند

آل خجند، یکی از خاندان های علمی اصـفهان است. افراد این خاندان، پیرو مذهب شافعی می باشـند، و سال ها ریاست علمی اصـفهان را بر عهـده داشـته، و ده هـا عالم، محـدّث، شاعر و واعظ از این خانـدان برخاسـته انـد. خجنـدیان از اهالی خجنـد در مـاوراءالنّهر بوده انـد. خواجه نظـام الملک جـدّ اعلای آنان محمّـد بن ثابت خجنـدی را به اصـفهان آورده است، و فرزنـدان و احفادش در این شهر زندگی کرده اند. اینک به نام برخی از مشاهیر این خاندان اشاره می کنیم:

آل خجند ابراهیم

ابراهیم بن عبـداللّه بن عبـداللطیف خجنـدی، از دانشـمندان اصـفهان است. کتـاب الاربعین موسوم به الماء المعین از تألیفات او است.(۱)

آل خجند کمال الدّین احمد

کمال الدّین ابوسعد احمد بن محمّد بن ثابت بن حسن خجندی، از رؤسای شافعیان و از دانشـمندان آل خجند بوده اسـت(۲). در سال ۴۴۳ق اصفهان متولّد شد، و در مدرسه نظامیّه اصفهان تحصیل کرد، سپس به بغداد رفت، و در مدرسه نظامیه بغداد به تدریس پرداخت. او پس از وفات پدرش به اصفهان بازگشت(۳)، و در غرّه شعبان ۵۳۱ق وفات یافت.(۴)

آل خجند ثابت*

عمادالاسـلام عضدالدّین ابومحمّد ثابت بن عبدالصّـمد بن محمّد بن عبداللّطیف خجندی از بزرگان خاندان خجندی است(۵). گویا برادر صدرالدّین عمر بوده، و در زمان

۱- کشف الظّنون، ج۱، ص۵۵.

۲- مدارس نظامیّه، صص۱۴۶ ۱۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۳.

۳- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۵؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، ش۱۶.

۴- لباب الالباب، ص۲۹۸، تعلیقات.

۵- تلخیص مجمع الاداب، ج۴، قسمت اوّل، ص۴۳۹.

خود، بر شافعیان اصفهان ریاست داشت. کمال الدّین اسماعیل در قصاید خود به مدح او پرداخته است(۱)، خود عضدالدّین خجندی شعر نیز می گفته است.

آل خجند علاءالدّین ثابت*

ابوسعد علاءالدّین ثابت بن محمّد بن احمد بن ثابت خجندی، از محدّثان و خطبای خاندان خجندی اصفهان است.(۲) در سال ۵۴۸ق در اصفهان متولّد شده حدیث را از محمّد بن محمّد بن ابی بکر شحام فراگرفت. او سال ها در اصفهان ساکن بود، تا این که در سال ۶۳۳ق مغولان به اصفهان حمله کردند، و او به شیراز گریخت، [و در] آن جا ساکن شد، و همان جا در سال ۶۳۷ق وفات یافت، و در مقبره مصلّی دفن شد(۳).

آل خجند شهاب الدّین*

شهاب الدّین خجندی، از علماء و فقهای آل خجند بوده، و ریاست شافعیان اصفهان به او منتهی شده است. در زمان او درگیری شافعیان و حنفیان اصفهان بالا گرفت، و این زمان مقارن بوده است با حمله مغولان به ایران. شافعیان به ریاست شهاب الدّین خجندی مغولان را به اصفهان راه دادند تا حنفیان را قتل عام کنند؛ امّا مغولان پس از ورود به شهر، شافعیان و حنفیان، و سپس همه مردم را قتل عام کردند، و شهاب الدّین هم در این قتل عام در سال ۶۳۳ق مقتول شد. کمال الدّین اسماعیل در قصاید خود او را مدح گفته است.(۴)

آل خجند صدرالدّین عبداللطیف

[صدرالدّین عبداللطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از رؤسای شافعیان اصفهان در قرن ششم هجری در اصفهان منصب قضاوت یافته، و از محدّثان و فقهای معروف بوده،

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۷؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۸.

۲- تخلیص مجمع الآداب، ج۴ قسمت دوم، ص۱۰۱۱.

۳- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۷.

۴- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۷؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۸.

بسیاری از او حدیث شنیده اند، از آن جمله است: یوسف بن عبدالرّحمان معروف به «ابن رکابی»[(۱)]. وی از دشمنان سرسخت اسماعیلیّه به شمار می رفته، و به تحریک او که سعدالملک آبی را به طرفداری از باطنیان متّهم کرده بود، سعدالملک را کشتند(۲) عاقبت خود او در سال ۵۳۲ق به دست یکی از فداییان اسماعیلی در اصفهان به قتل رسید.(۳)

آل خجند علاءالدّین عبدالقادر

علاءالدّین عبدالقادر بن عبداللّه خجندی، از ادبا و شعرای اصفهان است، در سرودن شعر به عربی دستی توانا داشت. قصیده ای در مدح سعدالدّین محمّد بن علی ساوی سروده است(۴).

آل خجند صدرالدّین عبداللطیف*

صدرالدّین ابوالقاسم عبداللّطیف بن محمّد بن عبداللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از مشهورترین بزرگان آل خجند است. در فقه و حدیث و شعر و ادب مهارت بسیار داشت. در رجب ۵۳۵ق در اصفهان متولّد شد، و در این شهر تحصیل نمود، سرانجام به ریاست شافعیان اصفهان برگزیده شد، و به تدریس پرداخت، و وعظ و خطابه ایراد نمود. وی سفری به بغداد رفته، از خلیفه خلعت گرفت، سپس به ایران بازگشت. در جمادی الاوّل ۵۸۰ در همدان به مرگ ناگهانی، عمرش به پایان رسید.

او مردی سخاوتمند و با همّت بود، و شعراء از عطایای او بهره مند، و مدّاح مناقب او بودند که از آن جمله اند: جمال الدّین عبدالرزّاق، کمال الدّین اسماعیل، خاقانی شروانی و مجیرالدّین بیلقانی. هم چنین اثیرالدّین اخسیکتی مرثیّه ای در وفات او سروده است.

۱- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۱۰۲، آگهی شهان از کار جهان، ج۱، ص۲۴۳؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۵.

۲- مجلّه یادگار، سال سوم، شماره ۱، شهریور ۱۳۲۵، ص۱۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵.

۴- تلخیص مجمع الآداب، ج۴، قسمت دوم، ص۱۰۲۹.

صدرالدّین خجندی به عربی و فارسی اشعاری سروده که در تذکره ها نقل شده است.(۱)

آل خجند عبیداللّه*

ابوابراهیم عبیداللّه بن محمّد بن عبداللطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از دانشمندان و فقهای خاندان خجندی اصفهان است. از محدّثان مشهور عهد خود بود. سه بار به بغداد و مکّه معظّمه سفر کرد، و حج گذارد. وفاتش در سال ۵۸۴ق در اصفهان اتّفاق افتاد.(۲)

آل خجند صدرالدّین عمر*

صدرالدّین عمر خجندی، از فقهاء و علمای اصفهان در قرن هفتم و رییس شافعیان اصفهان بوده، و کمال الدّین اسماعیل و رفیع الدّین لنبانی(۳)بارها او را مدح نموده اند. در زمان او شافعیان و حنفیان اصفهان به خصومت پرداختند که عاقبت با آشتی صدرالدّین عمر خجندی پیشوای شافعیان و رکن الدّین مسعود صاعد پیشوای حنفیان این اختلاف پایان گرفت. وفات صدرالدّین عمر قبل از سال ۶۳۵ق (سال فوت کمال الدّین اسماعیل) رخ داد.(۴)

ابوبکر محمّد بن ثابت بن حسن خجندی

از علماء و فقهای مشهور شافعیان اصفهان است. او نخستین شخص از خاندان خجندی است که به اصفهان آمد.

۱- طبقات الشّافعیّه الکبری، سبکی، ج۴، ص۲۶۱؛ نزهه المجالس، ص۸۱، مقدّمه؛ لباب الالباب، تعلیقات، صص۷۹۹ و ۶۱۴؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۹۷۵؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۶؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، صص۱۷ ۱۸؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره ۱، شهریور ۱۳۲۵، صص۲۱ ۲۷.

۲- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۶؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۸.

۳- دیوان رفیع الدّین لنبانی، صص۲۲ و ۸۷.

۴- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۷؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۸.

[وی ابتدا در مرو به سر می برد، و در آن جا تدریس و موعظه می کرد. خواجه نظام الملک طوسی او را به اصفهان دعوت کرد تا در مدرسه نظامیّه که آن را صدریّه نامیده بود، تدریس کند. پس از مدّتی خجندی، ریاست شافعیان اصفهان را هم بر عهده گرفت.(۱) او شاگردان بسیاری داشت که از آن جمله است ابوعلی حسن بن سلیمان اصفهانی و ابوعبداللّه بن سعد(۲)] و قاضی امام ابوالعبّاس احمد بن سلامه بن عبیداللّه، معروف به ابی الرّطبی(۳) ابوبکر خجندی در سال ۴۸۳ق وفات یافت. از تألیفات او می توان به روضه المناظر و زواهر الدّرر اشاره کرد(۴).

آل خجند محمّد

ابوالمظفّر محمّد بن ثابت بن حسین بن علی خجندی، از فقهای شافعی اصفهان در قرن پنجم هجری است. ریاست شافعیان اصفهان به عهده او بود، و علاوه بر آن به تدریس و وعظ و صدور فتوا مشغول بود. عاقبت از اصفهان به ری رفت، در هنگام وعظ در آن جا به دست ابوالفتح سنجری که از علویان ری بود در سال ۴۹۶ق کشته شد، و در مسجد جامع ری مدفون گردید.(۵)

آل خجند صدرالدّین محمّد

صدرالدّین ابوشجاع ابوبکر محمّد بن عبداللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، یکی از مهم ترین بزرگان آل خجند است، و در قرن ششم هجری می زیسته است. [او مردی فقیه خطیب، ادیب و شاعر بوده، نزد سلاطین و خلفاء منزلت بالا داشت].

۱- مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، صص ۱۴ ۱۵.

۲- مدارس نظامیّه، ص۲۲۶.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۴.

۴- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۴؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۷.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۳؛ لباب الالباب، ص۶۱۴ (تعلیقات)؛ زبده التّواریخ، ص۱۷۰؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۴؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۷؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، ص۱۶.

در اصـفهان دانش آموخته، و سـپس در نظامیّه بغـداد تدریس نمود، آن گاه به اصـفهان آمد، و ریاست شافعیان اصـفهان را بر عهـده گرفت. هنگامی که سـلطان مسـعود سـلجوقی دریافت که صدرالدّین و برادرش جمال الدّین محمود با امیر بوزابه حاکم فارس رابطه دارند، قصد جان آن ها را کرد؛ امّا دو برادر به موصل گریخته، و به خدمت جمال الدّین جواد اصفهانی درآمدند. پس از مـدّتی سـلطان او را بخشـید، و صدرالـدّین خجنـدی بـا کمال احترام به اصـفهان بازگشت، و به همراه برادرش ریاسـت شافعیان را بر عهده گرفت. او سـرانجام در یکی از سـفرهایش که از بغداد به اصـفهان بازمی گشت، در یکی از روستاهای بین همـدان و کرج شب را در سـلامت خفت، و صـبح روز بعـد او را در بسـترش مرده یافتنـد. این واقعه در ۲۲ شوّال ۵۵۲ق اتّفاق افتاد، و باعث آشوب در اصـفهان شـد که عـدّه بسیاری در آن کشـته شدند. وی در قبرسـتان سـنبلان اصـفهان مدفون شد.(۱)
صدرالدّین خجندی، شاعر و ادیب توانایی بود که به عربی و فارسی شعر می سرود سعدی در بوستان درباره او سروده است:

یکی خار پای یتیمی بکند به خواب اندرش دید صدر خجند(۲)

از اشعار او است:

زلف سیهت که مشک با او کم زد مشّاطه فطرتش خم اندر خم زد

یک ره به منش سپار تا یک باری بر هم زنمش که عالمی بر هم زد(۳)

درباره اصفهان نیز سروده است:

اصفهانا در آروزی توام گشته انده فزای و شادی کم

عکس شکلت به خواب می جویم زنده رودت در آب می جویم

ای چو سیم مذاب زرّین رود اصفهان پر شده ز تو رود(۴)

۱- لباب الالباب (تعلیقات)، صص۷۹۸ و ۶۱۴؛ مدارس نظامیّه، ص۱۴۸؛ ثقات العیون، ص۲۶۸؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۶۹۵؛ دانشـنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۵؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، صص۱۷ ۱۸.
۲- بوستان سعدی.
۳- تاریخ اصفهان، جابری، چاپ اوّل، ص۱۳۵.
۴- ترجمه محاسن اصفهان، ص۱۰۴.

آل خجند جمال الدّین محمّد

جمال الـدّین محمّـد بن صدرالـدّین ابوالقاسم عبـداللّطیف بن محمّـد خجندی(۱) [از رؤسـای شافعیـان اصـفهان در قرن ششـم هجری بوده، و شـعرای معاصـر او همچون رفیع الـدّین لبنانی، جمال الدّین عبدالرزّاق، خاقانی و اثیرالدّین اخسـیکتی او را مدح گفته اند. جمال خجندی خود شاعری ادیب بوده، و به عربی و فارسـی شـعر می سروده که در برخی جنگ ها و تذکره ها، آن ها را آورده اند.](۲)

از او است:

چو گل به تخت درآمد که خسرو چمنم خدایگان ریاحین و شاخ انجمنم

مرا خود از لب خود آرزوی بوسه کند کدام بلبل من مست عشق خویشتنم

منم منم که جهان رنگ و بوی من دارد منم که باغ و عروس هر چمنم

ولیکن این همه هست و چو باد برخیزد حدیث من ورقی بازکن که من نه منم(۳)

آل خجند صدرالدّین محمّد

صدرالـدّین محمّـد بن عبداللّطیف بن محمّد بن عبداللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی، از بزرگان آل خجند و رییس شافعیان اصـفهان در قرن شـشم هجری بود، [سـفری به بغـداد رفت، و خلیفه به او احترام فراوان نمود. او در بغـداد، ناظر اوقاف مدرسـه نظامیّه شد، و سـرانجام به اصـفهان بازگشت، و ریاست شافعیان و ریاست شهر را به دست آورد. پس از آن که لشکریان خلیفه (ناصـر) برای شـکست دادن خوارزمشاهیان به اصـفهان حمله کردند]، وی شهر اصفهان را تسلیم نیروهای خلیفه نمود. سرانجام در سال ۵۹۲ق فلک الدّین سنقر طویل که از طرف خلیفه، شحنه اصفهان شده بود، او را به قتل رساند. کمال الدّین اسماعیل

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۵.

۲- لباب الالباب، ج۱، صص۳۶۶ ۲۶۸؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۸؛ فرهنگ سخنوران، ص۱۳۵.

۳- آگهی شهان از کار جهان، ج۱، ص۲۴۵؛ مجلّه یادگار، شماره اوّل، سال سوم، شهریور ۱۳۲۵، ص۲۷.

در چکامه ای او را ستوده است(۱).

آل خجند جمال الدّین محمود

جمال الدّین محمود بن عبداللّطیف بن محمّد بن ثابت خجندی [از بزرگان و فضلای آل خجند است. پس از آن که سلطان مسعود سلجوقی در پی آزار او برآمد، او و برادرش صدرالدّین محمّد به موصل گریختند، و چندی در خدمت جمال الدّین جواد اصفهانی در موصل به سر بردند(۲)].

او بعد از آن، راهی حجاز شد، و در سال ۵۴۳ق بغداد رفت. آخرالامر به اصفهان بازگشت، و ریاست شافعیان اصفهان به وی واگذار شد، و او پس از آن در اصفهان وفات یافت(۳). جمال الدّین عبدالرزّاق و اثیرالدّین اخسیکتی او را مدح گفته اند(۴).

آل خجند مسعود*

ابوالقاسم مسعود بن محمّد بن ثابت خجندی، از رؤسای شافعیان اصفهان، و از فقها و بزرگان آل خجند، و تا سال ۴۹۴ق در قید حیات بوده است(۵). او از دشمنان سرسخت اسماعیلیّه بوده، و دستور داده بود گودال هایی حفر کرده، و در آن آتش بیفروزند، و اسماعیلیان را دسته دسته در آتش بیندازند(۶).

آل خجند مسعود

مسعود بن محمود بن عبداللطیف خجندی، از دانشمندان شافعی آل خجند اصفهان

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص۲۹۷، لباب الالباب، ص۶۱۴ (تعلیقات) مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، صص ۲۰ ۲۱؛ دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۶۵.

۲- لباب الالباب، ص۶۱۴، تعلیقات.

۳- دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص۶۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۶۵؛ مجلّه یادگار، سال سوم، شماره اوّل، شهریور ۱۳۲۵، ص۱۹.

۴- دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، ص۱۷.

۵- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص۶۹۵.

۶- مجلّه یادگار، سال سوم، شهریور ۱۳۲۵ش، شماره اوّل، ص۱۶.

است.(۱)

آل صاعد

آل صاعـد یـا صاعـدیان، یکی از خانـدان هـای علمی و روحانی حنفی مـذهب در اصـفهان می باشـند که از قرن پنجم تا دهم هجری، قدرت و ریاست فوق العاده ای در شـهر داشته اند، و سال ها در رقابت با خاندان آل خجند در اصفهان بوده اند، و این مسأله، باعث کشمکش ها و جنگ ها و خونریزی های بسیار بین این دو خاندان شده است.

خجنـدیان در حـدود محلّه جویبـاره و میـدان میر سـکونت داشـته انـد، و مقـبره آنـان ظـاهراً در قبرسـتان شـاه میرحمزه بوده، و صاعـدیان در محلّه دردشت (محلّه دریه، یا محلّه در، که همین محلّه طوقچی فعلی می باشـد) ساکن، و مقبره آنان در قبرسـتان طوقچی بوده است.

صاعدیان اصلاً از نیشابور بوده اند، و شرح احوال چند تن از مشاهیر این خاندان به شرح زیر است:

آل صاعد احمد

ابونصـر احمـد بن محمّـد بن صاعـد صاعـدی از فقهـاء و علمـای خانـدان صاعـدی اصـفهان است. از سال ۴۳۰ وانـدی، رییس اصـفهان بوده، و از سـال ۴۴۰ق قاضـی القضات اصـفهان شـده، و سـرانجام در سال ۴۸۲ق وفـات یافته است. تولّـدش در سال ۴۱۰ق بوده است.

ابوالغر خلیل بن تمیم بن علی خطیب واعظ معلّم، و هم چنین ابوالعلاء زیـد بن علیّ منصور راونـدی از او استماع حدیث کرده اند.(۲)

آل صاعد نظام الدّین احمد*

قاضـی نظام الدّین احمد صاعدی، از بزرگان و دانشـمندان خاندان صاعدی اصـفهان است. وی در قرن هشتم و نهم هجری می زیسته، و منصب قضاوت اصفهان را برعهده داشته

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۵.

۲- التّحبیر، ج۱، صص۱۳۲ و ۲۶۰ و ۲۹۰.

است.

وی ابتدا با میرزا رستم و میرزا اسکندر، از امیرزادگان تیموری متّحد شد؛ امّا آنان در جنگ با میرمحمّد جهانگیر تیموری شکست خوردند.

عاقبت قاضی احمد در ۱۰ ذی حجّه (عید قربان) ۸۱۵ق به دستور میرزا رستم تیموری در اصفهان به قتل رسید(۱). گویا علّت این امر، هواداری قاضی احمد از معتصم بن زین العابدین آل مظفّر(۲) و قرایوسف ترکمان بوده است.

جلال الاسلام صاعدی

جلال الاسلام صاعدی اصفهانی، از علماو فضلای قرن یازدهم هجری است، در هند ساکن بوده، و کتاب ریاض المحبّین درباره مناقب حضرت علی علیه السلام را در دوازده روضه به نام شاه، در سال ۱۰۴۸ق در جهان گیرنگر تألیف نموده است(۳).

آل صاعد تاج الدّین حسین

تاج الدّین حسین بن شمس الدّین محمّد صاعدی طوسی، از دانشمندان و فضلای شیعه در قرن دهم هجری است.

وی نزد شیخ منصور راستگو به تحصیل پرداخته،(۴) سپس سال ها در اصفهان به تدریس مشغول شده است.] میرداماد، فیلسوف و عالم مشهور از شاگردان او است که استاد را با القاب فراوان ستوده است.(۵)] از تاریخ وفات او اطّلاعی در دست نیست؛ امّا تا سال ۹۹۳ق در قید حیات بوده(۶)، و تألیفاتی از خود به جای گذاشته که از آن جمله است: حاشیه بر حاشیه بر شرح مختصر المنتهی که در ۹۷۷ق آن را تألیف کرده، و در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود(۷).

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۴۵.

۲- تاریخ جهان آرا، ص ۲۲۴.

۳- عامری نامه، ص ۲۶۲.

۴- احیاء الدّاثر، ص ۲۵۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۶۸.

۵- حکیم استرآباد میردادماد، ص ۴۹؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۸۳.

۶- فهرست مرعشی، ج ۲۶، ص ۲۷۸.

۷- فهرست رضوی، ج ۱۶، صص ۱۲۵ و ۱۳۶.

آل صاعد شرف الدّين

شرف الدّين شهيد، از بزرگان خاندان صاعدی اصفهان.(۱)

آل صاعد قاضی صاعد*

قاضی صاعد، از بزرگان آل صاعد در قرن هشتم هجری است، در اصفهان منصب قضاوت را بر عهده داشت. زين العابدين فرزند شاه شجاع كه در اصفهان حكومت می كرد، قاضی صاعد را در سال ۷۸۹ برای اظهار بندگی و فرمانبری، نزد اميرتيمور گوركانی فرستاد(۲).

آل صاعد ابوالعلاء صاعد

قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمّد بن عبدالرّحمان بخاری اصفهانی معروف به راسمندی از فقهاء و بزرگان آل صاعد است، در قرن پنجم، قاضی اصفهان بود. در سال ۴۴۸ق متولّد شد، و نزد علیّ بن عبداللّه خطيبی تحصيل كرد. وی سرانجام در سال ۵۰۲ق در مسجد جامع عتيق اصفهان به دست يكی از فداييان اسماعيلی كشته شد(۳).

آل صاعد جمال الدّين صاعد

جمال الدّين[قوام الدّين] صاعد بن مسعود، از بزرگان و افراد با نفوذ خاندان صاعدی اصفهان است.(۴)

آل صاعد ركن الدّين صاعد

ركن الدّين ابوالعلاء صاعد بن مسعود، از دانشمندان و فقهای قرن ششم هجری است.(۵)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.

۲- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۵.

۳- تاريخ نظم و نثر، ج۲، ص ۷۴۰؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی؛ مرآه الجنان، ج۳، ص ۱۷۱؛ طبقات الحنفيّه، ص۸۳.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۷.

[او پیشوای حنفیان و قاضی اصفهان بود. در زمان او حنفیان و شافعیان اصفهان بارها با یکدیگر به درگیری پرداختند.

در یکی از این زدوخوردها، شافعیان خانه رکن الدّین را به آتش کشیدند؛ ولی او از آن فتنه، جان سالم به در برد. وی سرانجام در سال ۶۰۰ هجری با اصابت تیر یکی از مخالفینش کشته شد. جمال الدّین عبدالرزّاق و کمال الدّین اسماعیل در قصاید خود، بارها او را مدح کرده اند(۱)].

آل صاعد صدرالدّین

صدرالدّین بن قوام الدّین صاعدی، از بزرگان و افراد متنفّذ خاندان صاعدی در اصفهان(۲).

آل صاعد ظفرالاسلام*

ظفرالاسلام صاعدی، از سخنوران و شعرای اصفهان است، این قطعه، سروده او است:

منعم ز گریه مکن که کار ز غمخواری رفت به که خون گریه کنم کار من از زاری رفت

شب هجران است که تا روز قیامت باقی است روز وصل است که ناآمده پنداری رفت(۳)

آل صاعد عضد الاسلام

قاضی عضدالاسلام بن رکن الدّین مسعود صاعدی، از بزرگان آل صاعد است.(۴)] در قرن هفتم می زیسته، و در اصفهان به قضاوت مشغول بوده است].

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.

۳- هفت اقلیم، ج۲، ص۴۱۳.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.

آل صاعد جلال الاسلام محمّد*

جلال الاسلام عضدالدّین ابوالفضل محمّد بن اسماعیل بن صاعد بن مسعود از بزرگان و فقهای آل صاعد، و قاضی اصفهان در قرن هشتم هجری است.(۱) تاج الدّین عیسی طرقی و برخی از شعراء به مدح او پرداخته اند(۲)، و خواجه رشیدالدّین فضل اللّه در کتاب خود التّوضیحات الرّشیدیّه از او یاد کرده است.(۳)

آل صاعد خواجه جلال الدّین محمّد*

خواجه جلال الدّین محمّد صاعدی، از شعرا و سخنوران قرن دهم هجری، و از بزرگان آل صاعد بوده، و در سال ۹۴۳ق وفات یافته است.

این بیت از او است:

صبری که بود اندر دلم، رفت از غمت یکبارگی اکنون من و کنج غمت، خو کرده با بی چارگی(۴)

آل صاعد، رکن الدّین مسعود

قاضی رکن الدّین مسعود بن صاعد بن مسعود، از دانشمندان و مشاهیر خاندان صاعدی اصفهان است. [وی ریاست حنفیان اصفهان و منصب قضاوت اصفهان را بر عهده داشت. وی پس از آن که با محمّد بن آی آبه قزوینی علیه خوارزمشاهیان متّحد شد مورد غضب غور سانچی پسر سلطان محمّد خوارزمشاه قرار گرفت. غور سانچی به اصفهان آمد، و به یاری صدرالدّین خجندی به محلّه جوباره که محلّ سکونت حنفیان بود حمله برد، و به قتل و غارت مردم آن جا پرداخت. قاضی رکن الدّین هم به شیراز گریخت، و به اتابک سعد زنگی پناه برد. پس از شورش مردم اصفهان علیه سپاه غور سانچی، او با سپاهش به ری

۱- تاریخ دیارالبکریّه، ص۴۴۸.

۲- تلخیص مجمع الآداب، ج۴ قسمت دوم، ص۴۵۲.

۳- یادگارنامه حبیب یغمایی، ص۳۵۷ ۳۵۹.

۴- تذکره روز روشن، ص۴۶۱؛ تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص۶۸۳.

بازگشت(۱).

قاضـی رکـن الـدّین پس از بـازگشت بـه اصـفهان از دشـمنی بـا خوارزمشاهیـان دست برداشت، و حـتّی هنگـامی که سپاهیان خوارزمشاهی از مغولان شـکست خوردند، و به لرسـتان گریختند، از دست اندازی مردم اصفهان به خانواده سلطان خوارزمشاه جلوگیری کرد.(۲) عاقبت، قاضـی رکن الدّین پس آن که دانست مغولان قصد حمله به اصـفهان را دارند از اصفهان گریخت، و به یکی از قلعه هـای فیروزکوه پنـاه برد؛ امّـا مغولاـن بر او دست یـافته، و او را کشـتند، این واقعه در سـال های پس از ۶۲۵ق روی داد].(۳)

شاعران معاصـرش همچون جمال الدّین عبدالرزّاق اصـفهانی(۴) [و رفیع الـدّین لنبانی] او را سـتوده، و در قصایـدی به مـدح او پرداخته اند(۵).

آوانس

آوانس فرزند اسـتاد ابراهیم زرگرباشـی، از ارامنه اصـفهان است. از آثار او: ترجمه فارسـی سـفرنامه سیاحت به ترکستان نوشته وامبری است که آن را در سال ۱۳۰۲ق ترجمه نموده است.

آیت اصفهانی*

آیت اللّه دشـتچی اصـفهانی فرزند احمد، شاعر ادیب متخلّص به «آیت»، در حدود سال ۱۳۵۴ق در اصفهان متولّد شد، پس از تحصـیلات ابتدایی در کارخانه ریسـندگی به کار پرداخت، و با شـرکـت در کلاس های متوسّـِطه شبانه، دیپلم گرفت؛ سپس به اسـتخدام اداره برق منطقه ای اصـفهان درآمـد. اکنون بازنشسـته شده است، و در اغلب انجمن های ادبی اصـفهان شـرکت می کند. این شعر از او است:

۱- سیرت جلال الدّین منکبرنی (سیرت جلالی)، ص۶۸.

۲- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۴.

۳- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۵.

۴- ترجمه محاسن اصفهان، ص۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۸.

۵- دیوان رفیع الدّین لبنانی، صص ۱۲۰ ۱۲۱؛ الذّریعه، ج۹، ص۳۷۹.

افکنده ای چو اشک اگر از نظر مرا افسرده تر مخواه از این بیشتر مرا

مرغ شکسته بال، جهان باشدش قفس دیگر امید نیست از این بال و پر مرا(۱)

ابان

ابواحمد ابان بن ابی خصیب شهاب از پسران حنیفه بن نجیم بوده است. از حسین بن حفص، یحیی بن عبداللّه بن بکیر، عیسی بن جعفر، عبدالرّحمان مقری، احمد بن یزید حرّانی، احمد بن یونس و سلیم بن منصور بن عمّار روایت می کند. وی در سال ۲۵۸ق وفات یافت.(۲)

ابان بزّاز

ابوالحسن ابان بن مخلّد بن ابان بزّاز، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن ابان بلخی، ابوغسّان محمّد بن عمرو زینج، عبداللّه بن عمران و محمّد بن مهران روایت نموده، و ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم و ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن عمر از او نقل حدیث کرده اند. وی در حدود سال ۲۹۹ق وفات یافته است.(۳)

ابدال اصفهانی

ابدال اصفهانی از شعرای قرن دهم هجری، ابتدا دکان عطّاری داشت، و به واسطه عشق، دیوانه شد. سه سال در اصفهان قلندر و سروپای برهنه می گشت، پس از آن به تبریز رفت، و پنج سال با ارامنه معاشرت داشت، و در میکده به سر می برد. عاقبت توبه کرد، به عبادت و طاعت روی آورد، و دوازده سال سجّاده نشین شد.

این بیت از او است:

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، صص ۱۳۰ ۱۳۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان ص ۵۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۹؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۲۷۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۰؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۳۷.

ای شمع بزم دوست چرا می گریستی پروانه عاشق است تو سرگرم کیستی؟(۱)

ابدال قلندر

درویش ابدال قلندر، از دراویش عصر صفویّه است، در علوم غریبه مهارت داشته، و چندی نیز میرآخور جلودار سرکار خاصه (دربار شاه صفویّه) بوده است. از آثار او کتابی در کف بینی است که آن را در سال ۱۱۰۰ق به فارسی در اصفهان تألیف نموده است، نسخه به شماره ۶۶۸۰۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود.(۲)

ابدال بیگ نقّاشباشی*

ابدال بیگ نقّاش باشی فرزند علی قلی بیگ جبادار، هنرمند و نقّاش توانای قرن دوازدهم هجری است. پدرش مسیحی بود، و در نقّاشی مهارت داشت؛ امّا سرانجام مسلمان شد، و در دربار صفوی، ارج و اعتبار فراوانی یافت. ابدال بیگ از نقّاشان معروف عهد شاه سلطان حسین صفوی بود، و از کسانی است که شیوه اروپایی را در نقّاشی ایرانی رواج داده است.(۳)

ابراهیم

الکیا ابواسحاق ابراهیم، از محدّثین اصفهان و معاصر با مافرّوخی، مؤلّف محاسن اصفهان است.(۴)

آقا میرزا محمّدابراهیم

آقا میرزا محمّدابراهیم، از عرفاء اصفهان در قرن سیزدهم که شرح حالش دردست

۱- تذکره تحفه سامی، صص۲۱۶ ۲۱۲؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابدال»، ص۲۵۱؛ تذکره الشّعرا، غنی، ص۳؛ آتشکده آذر، بخش سوم، نیمه نخست، ص۹۲۲.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۸۲.

۳- هنر قلمدان، صص۲۸ و ۹۶؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۳۰.

۴- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

نیست. در سال ۱۳۱۲ قمری وفات یافته، و در تکیه مادر شاه زاده مدفون شده است.(۱)

ابراهیم آقاباشی*

ابراهیم آقاباشی، از هنرمندان عصر قاجاریّه در اصفهان است. او ریاست خواجگان دستگاه ظلّ السّلطان را بر عهده داشته، و به «آقاباشی» معروف بوده است.

در نواختن نی و خوانندگی از اساتید مسلّم دوران خود بوده، و شاگردان هنرمندی چون نایب اسداللّه، عیسی آقاباشی و سیّدرحیم موسیقی دان را تربیت کرده است. او عمری دراز یافته، و در یک صد سالگی درگذشته است.(۲)

سیّدابراهیم احمدی*

سیّدابراهیم احمدی، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۰۸ش در سده ماربین (خمینی شهر) به دنیا آمد.

او پس از تحصیلات مقدّماتی به حوزه علمیّه اصفهان آمد، و نزد ملّاهاشم جنّتی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج شیخ عبّاس علی ادیب، سیّدمحمّدرضا خراسانی، حاج آقا سیّدحسین خادمی، حاج سیّدمحمّدعلی صادقی به تحصیل مشغول شد. ایشان مورد توجّه مراجع بود، و از اکثر آنان اجازه در امور حسبیّه داشت. ایشان سرانجام در شب عاشورای سال ۱۳۸۲ش دارفانی را وداع گفت.(۳)

سیّدابراهیم اردوبادی

سیّدابراهیم اردوبادی، از سادات ادوباد آذربایجان است. داماد ملّامحمّدباقر یزدی بوده است. به هندوستان رفته، معلّم اولاد جعفرخان شد، و ثروتی زیاد اندوخته، به شوق عرفان، همه اموال خود را صرف کرد، و در لباس فقر به اصفهان بازگشت، و در آن جا فوت شد. از اشعار او است:

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۵.

۲- سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، صص۲۹۲ و ۳۶۹؛ تاریخ موسیقی ایران، صص۶۱۷ و ۶۷۵.

۳- یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

هر زنده دلی که او ز اهل درد است دانسته ز اسباب تعلّق فرد است

هر پیرزنی مرگ طبیعی دارد مردی که به اختیار می میرد مرد است(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصفهانی از محدّثین اصفهان است. در میزان الاعتدال در ضمن شرح حال ابوداوود عبداللّه بن سلیمان بن اشعث سجستانی، به نام او اشاره کرده است. ابوبکر اصفهانی از او روایت می کند.(۲)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصفهانی، از محدّثین است. از ابوبکر باغندی حدیث روایت می کند، و قاسم بن موسی بن اشیب از او روایت نموده است.(۳)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصفهانی، در تاریخ ماه صفر سال ۱۰۶۹ نسخه ای از قبسات را به خطّ نسخ نوشته است، و به شماره ۷۴۷۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است. ظاهرا کاتب، شاگرد میرداماد بوده است.(۴)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او ابوبکر عبداللّه بن سلیمان بن اشعث سجستانی را کذّاب می داند.(۵)

گویند سجستانی به شیوه ناصبیان، حدیثی در اصفهان نقل کرد که باعث شورش علما و

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۸۱؛ دانشمندان آذربایجان، ص۹۱؛ سرایندگان شعر فارسی در قفقاز، صص۳۶ ۳۷؛ کاروان هند، ج۱، صص۸ ۹؛ ریاض العارفین، ص۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۶.

۲- میزان الاعتدال، ج۲، ص۴۳.

۳- میزان الاعتدال، ج۳، ص۱۳۰.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۷۷.

۵- میزان الاعتدال، ج۲، ص۴۳.

سادات اصفهان بر او شد، و حاکم اصفهان حکم به قتل او داد؛ ولی با وساطت محمّد بن عبداللّه بن حسن بن حفص همدانی از مرگ نجات یافت.

ابراهیم اصفهانی

در اوایل قرن ۱۴ هجری ابراهیم اصفهانی مجموعه ای شامل: چندین کتاب و رساله را به خطّ نسخ مرقوم داشته، و کتاب به شماره ۶۹۸۴ در کتابخانه آیت اللّهمرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

میرزا ابراهیم اصفهانی

میرزا ابراهیم اصفهانی از نویسندگان کتب قرن یازدهم هجری بوده است. از آثار او:

۱. کتابت نسخه ای از قانون ابن سینا می باشد که آن را در تاریخ ۱۰۶۱ق و جمادی الاوّل ۱۰۶۲ به خطّ نسخ مرقوم داشته، و کتاب به شماره ۴۴۹۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران [موجود است].(۲)

۲. کتابت نسخه ای از کتاب اساس الاقتباس تألیف خواجه نصیرالدّین طوسی که در تاریخ ربیع الثّانی سال ۱۰۶۵ کتابت آن به خطّ نسخ پایان یافته است. کتاب به شماره ۴۹۳۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

میرزا ابراهیم اصفهانی

میرزا ابراهیم اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن ۱۳ هجری است. از آثارش کتابت رساله عملیّه حاج سیّدکاظم رشتی است که آن را در سال ۱۲۴۲ به خطّ نستعلیق نوشته، و نسخه به شماره ۱۹۳۶ در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم موجود است.

رساله نام برده، ترجمه و منتخب رساله حیدریّه شیخ احمد احسایی، استادِ سیّدکاظم

۱- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۱۵۸.

۲- فهرست مجلس، ج۱۲، ص ۱۷۱.

۳- همان، ج۱۴، ص۱۶۸.

رشتی می باشد.(۱)

ابراهیم مدینی

ابراهیم بن آبان مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و از ابراهیم بن محمّد بن حارث، ابی مسلم کشی، احمد بن یحیی بن خالد برقی، محمّد بن عثمان بن ابی شیبه، محمّد بن مغیره الصّائغ و یوسف قاضی روایت می کند، و ابراهیم بن سهل و ابوبکر بن مردویه از وی نقل حدیث می نمایند. وی در سال ۳۳۹ق وفات یافته است.(۲)

ابراهیم منجانی

ابواسحاق ابراهیم بن ابجه بن اَعصُر منجانی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از ابراهیم بن محمّد بن مصعب و محمّد بن عاصم روایت حدیث می کند، و ابواسحاق ابراهیم سریجانی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

[مَنجان از روستاهای جی و در حومه شهر اصفهان بوده است. در حال حاضر در داخل شهر قرار گرفته، و خیابان ۲۲ بهمن از وسط اراضی منجان کشیده شده، و صحرا منجان تبدیل به مناطق مسکونی شده است].

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن ابی بکر بن علی اصفهانی، از دانشمندان قرن هفتم و از خواص شاگردان امام فخر رازی. فخر رازی در روز یک شنبه ۲۰ محرّم سال ۶۰۶ در مرض مرگ خود در خوارزم، وصیّت نامه خود را به این شاگرد املاء نموده، و در شوّال همان سال در هرات مرده است. نسخه وصیت نامه، ضمن مجموعه شماره ۶۶۸۳۱ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود

۱- فهرست فیضیّه، استادی، ج۲، ص۶۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۳.

است.(۱)

سیّدابراهیم کابلی

سیّدابراهیم کابلی فرزنـد سـیّدابوالحسن موسوی، عالم فاضل از بنی اعمام حاج سـیّدباقر حجّت الاسـلام شـفتی و مورد توجّه و عنایت مخصوص آن مرحوم، و از طرف ایشان سرپرست و ناظر قسمتی از بنّایی مسجد سیّد اصفهان بوده است.

علّت شهرت وی به کابلی چنان که آقامحمّد (محمّدباقر) عماد الاسلام بن سیّدجعفر بن سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام در کتاب خود هـدایه السّالکین نوشـته، این است که سـیّدحجّت الاسـلام در پی یافتن کتاب مـدینه العلم شـیخ صدوق، سـیّدابراهیم را به کابل فرستادند؛ ولی او در این کار موفّق نگردید.

سیّدابراهیم از شاگردان سـیّدحجّت الاسـلام بوده، و دیباچه ای بر کتاب سؤال و جواب اسـتاد خود نگاشته، و فهرست کتاب را در آن آورده است. این نسخه به شماره ۷۴۰ در کتابخانه مرکزی دانشـگاه تهران موجود است. صاحب عنوان پس از وفات در مقبره خاندان سیّدحجّت الاسلام در مسجد سیّد اصفهان مدفون گردید.(۲)

محمّدابراهیم خوراسکانی

محمّـدابراهیم بن حـاج ابوالحسن زرکش خوراسـکانی اصـفهانی، خطّاط و نویسـنده قرن سـیزدهم هجری این دو اثر به خطّ او موجود است: ۱. زبـده المعـارف تـألیف ملاّـعلی اکبراژه ای، به خطّ نسـخ در غرّه ذی حجّه الحرام سال ۱۲۲۶ق که به دسـتور مؤلّف، جهت حاج محمّدعلیّ بن حاج غفور به خطّ نسخ کتابت نموده. نسخه به شماره ۲۹۸۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم نگهداری می شود.(۳) ۲. روضه الصّـفا، به خطّ نستعلیق در ربیع الاوّل سال ۱۲۲۸ق که به شماره ۳۰۰۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود

۱- فهرست دانشگاه، ج۱۶، ص۱۰۵؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۲۵۴.

۲- دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، صص۱۰۲ ۱۰۳؛ بیـان المفاخر، ج۱، صص۱۶۸ ۱۶۹؛ ج۲، صص۲۴۸ ۲۴۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۴.

۳- فهرست مرعشی، ج۸، ص ۱۶۰.

است.(۱)

فایده: حاج غفور سر دودمان خاندان معروف از تجّار اصفهان بوده، و اولاد و اعقابش تاکنون در مسلك تجّار و به نام «حاج غفوری ها» و «غفوری» شهرت دارند، و عموما مردمانی مسلمان و متدیّن می باشند.

ابراهیم سرّی

سیّدابراهیم پوده ای متخلّص به «سرّی» فرزند حاج سیّدابوالقاسم موسوی شاعر ادیب عارف در سال ۱۳۱۱ قمری (۱۳۱۰ بنا به نقل فرزندش) در قریه پوده از دهات سمیرم سفلی متولّد شد(۲). در مولد خود و اصفهان نزد عدّه ای از فضلا و دانشمندان ازجمله حاج ابوالقاسم زفره ای (حاج آخوند) و میرزا یحیی مدرّس بیدآبادی تحصیل نمود، و مراتب شعر و شاعری را از میرزا یحیی فراگرفته، به افتخار دامادی او نائل شد. سپس به تصوّف و عرفان روی آورده، در شیراز از امام جمعه اصطهباناتی مراسم ذکر و ریاضت آموخته، عارفی وارسته و صاحب نفس گردید.(۳)

سرّی شاعری قادر و نویسنده ای و توانا بود؛ ولی کم تر در انجمن های ادبی شرکت می کرد، و فقط گاه گاه در انجمن مرحوم شیدا شرکت می نمود. در مسابقه ادبی رادیو لندن در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در بین ۲۷۳ نفر از شرکت کنندگان، جزو دو نفر ممتاز شناخته شد. مشارٌالیه در اواخر عمر، دچار بیماری سرطان شد، و در یکی از بیمارستان های تهران بستری شد، و در همان جا در روز ۱۴ رمضان سال ۱۳۶۹ قمری در ضمن عمل جرّاحی وفات یافت، و در قبرستان قم که به قبرستان قدیم شهرت دارد، مدفون گردید.(۴) کتاب های زیر از آثار او است: ۱. مکاشفات ۲. دیوان اشعار [مطبوع] ۳. مرغابیّه [مطبوع [۴. آخرین قانون و غیره ۵. مجموعه اشعار برخی از شعراء [مطبوع].

[این بیت از او است:

۱- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی، ج ۱۰، بخش یکم، ص۴۵۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴۲.

۳- دیوان اشعار سیّدابراهیم سری، مقدّمه

۴- دیوان سرّی، مقدّمه و دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص۵۵۴ ۵۵۵.

درد غم عشق تو چه دردی است که او را هر چند دوا بیش کنی درد فزون شد]

ابراهیم اشعری

ابراهیم فرزند ابوموسی اشعری، به «ابن ابوموسی» نیز مشهور است. وی در جنگ مسلمانان با اصفهانیان در ناحیه «قهجاورستان» حاضر بوده، و تیری از سوی اصفهانیان به او پرتاب شده، ابراهیم در حال سجده شهید شد، و همان جا مدفون گردید.

برخی نام او را موسی بن ابن موسی ذکر کرده اند. محلّ دفن به قبرستان شهداء معروف است.(۱) شعبی و عماره بن عمیر از ابن أبی موسی روایت کرده اند(۲). مادرش امّ کلثوم دختر فضل بن عبّاس بن عبدالمطّلب بوده است.

ابراهیم اصفهانی

ابواحمد ابراهیم بن احمد بن فضل اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. سلیمان بن احمد از او روایت کرده، و خودش از ابراهیم بن عون بن راشد نقل حدیث می نماید.(۳)

ابراهیم

ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن معدان، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از هارون بن سلیمان روایت می کند، و احمد بن حمد بن سَنده خبّاز از او نقل حدیث می نماید(۴).

ابراهیم نخعی

ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن منخّل نَخَعی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۳؛ مزارات اصفهان، ص۲۷۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۶۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۸.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۷.

است. از رفقاء محمّد بن یوسف (بنا) بوده، و از بکر بن بکار، سعید بن یحیی طویل و محمّد بن بکیر حضرمی روایت می کند. ابوالحسن مظالمی، احمد بن محمّد بن نصیر و محمّد بن احمد بن یحیی از او نقل حدیث نموده اند.(۱)

ابراهیم مؤدّب

ابراهیم بن احمد بن نوح مؤدّب، از راویان حدیث و دانشمندان قرائت و تجوید در قرن سوم هجری است.

وی کتاب جامع در قرائات را از ابی عبداللّه مقری روایت می کند. وی از سلمه بن شعیب و محمّد بن عیسی مقری روایت می کند، و محمّد بن عبدالرّحمان بن فضل و احمد بن عبیداللّه بن محمود از او نقل حدیث می نمایند(۲).

ابراهیم باب کوشکی

ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن یوسف جلّاب باب کوشکی، از محدّثین اصفهان است. ظاهرا در قرن سوم هجری می زیسته، و از اهالی محلّه «باب کوشک» در یهودیّه بوده، از ابن صاعد و محدّثین هم طبقه او حدیث شنیده است.(۳)

ابراهیم خَطّابی

ابراهیم بن احمد خَطّابی، فقیه و محدّث در قرن سوم هجری، از اولاد و احفاد زید بن خطّاب بوده، به خطّابی شهرت داشته، و در اصفهان متصدّی امر قضاوت بود[ه است]. از ابی ولید و عمرو بن مرزوق حدیث شنید(۴). تاریخ فوتش به دست نیامد؛ امّا تا سال ۲۵۸ که بر پیکر شیخ ابومسعود احمد بن فرات رازی نماز خوانده، در قید حیات بوده است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۳.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷.

ابراهیم نقّاش

ابواسحاق ابراهیم بن احمد نقّاش مقری، از محدّثین قرن سوم هجری است. از ابی الولید و حوضی و محدّثین هم طبقه آنان روایت می کند، و نزد ابی عبداللّه محمّد بن عیسی تلمّذ کرده است. او در سال ۲۸۱ق وفات یافته است.(۱)

ابراهیم حنظلی جزی

ابراهیم بن ادریس بن منذر جزی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم و از اهالی قریه گز [گز و برخوار] و برادر ابوحاتم محمّد رازی است.

از محمّد بن کثیر و محدّثین هم طبقه او روایت می کند، و محمّد بن قارن رازی از او نقل حدیث می کند.(۲)

ابراهیم عقیلی

ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق بن ابراهیم بن صالح بن زیاد بن اسحاق عقیلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از ولید بن مسلم روایت می کند، و ابومسعود و اسید بن عاصم از او روایت می کنند. وفات صاحب عنوان در سال ۲۴۸ق روی داده است(۳).

[خاندان عقیلی در قرن سوم و چهارم هجری در قریه «فابزان» (محلّه خوابجوان فعلی) اصفهان سکونت داشته اند].

ابراهیم صفّار

ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق بن موسی صفّار تاجر از محدّثین اصفهان است. از محمّد بن اسحاق بن خزیمه و محمّد بن اسحاق سرّاج روایت می کند، و حافظ ابونُعیم از وی روایت می کند.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۸۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۸۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۱،مزارات اصفهان، ص۸۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۲۰۲.

سیّدمحمّدابراهیم بهشتی

سیّدمحمّدابراهیم بن سیّداسداللّه حسینی بهشتی، عالم فقیه کامل، (دارای اجازه اجتهاد از آخوند ملاحسینعلی تویسرکانی) متوفّی ۲۸ صفر ۱۳۱۰، مدفون در تکیه سادات بهشتی واقع در تخت فولاد(۱) (بر سنگ مزارش با این القاب از او یاد شده: سیّد المحققین و زبده المدققین، ظهیر الاسلام و المسلمین، عمده الفقهاء و المجتهدین، السخی الکریم و العلیم الحلیم). مادّه تاریخ وفاتش این بیت است:

تاریخ وی از خرد شدم جویا گفت: «فردوس بدان مقام ابراهیمست»]

شیخ میرزا ابراهیم اصفهانی

شیخ میرزا ابراهیم بن شیخ اسماعیل اصفهانی، عالم فاضل در سال ۱۲۹۰ق در اصفهان متولّد شده، و سپس به مشهد مقدّس مهاجرت کرده، و در آن جا نزد سیّدعلی حائری یزدی و شیخ اسماعیل ترشیزی تلمّذ نموده است. در سال ۱۳۱۸ق نیز به سامرّا رفته، و دو سال در درس میرزا محمّدتقی شیرازی حاضر شده، و در شوّال ۱۳۳۴ به کرمانشاه سفر کرده، و سرانجام در سال ۱۳۳۹ق در مشهد مقدّس وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات او است: ۱. احکام النّجاسات ۲. رساله در شکّ رکعات نماز ۳. منجزات مریض ۴. المواقیت و غیره. پدرش نیز از صلحاء و اخیار بوده، و در سال ۱۳۳۰ق در کاظمین وفات یافته است.(۲)

محمّدابراهیم اصفهانی

محمّدابراهیم بن اسماعیل اصفهانی، فاضل خطّاط، از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب استقصاء النّظر تألیف سیّدصدرالدّین محمّد بن محمّد رضوی قمی که به خطّ نسخ نوشته، و در ذی قعده ۱۲۴۹ به پایان رسانیده است. در حاشیه تصحیح شده است. در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

۲- نقباءالبشر ج۱، صص۸ ۹؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۰۳.

ضمن، مقدّمه جنگ، فهرست موضوعات کتاب است که یکی از شاگردان مؤلّف تنظیم کرده است. نسخه به شماره ۲۷۰۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

محمّدابراهیم اصفهانی

محمّدابراهیم بن آقا اسماعیل اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم بوده است، از آثار او: ۱. کتابت نسخه ای است از کتاب: من لا یحضره الفقیه که آن را در قرن یازدهم به خطّ نسخ نوشته، با حواشی به نشانه «سلطان» و «م. ن» نسخه در کتابخانه مدرسه سلیمان خان مشهد مقدّس وجود دارد(۲). ۲. کتابت نسخه ای از من لایحضره الفقیه که آن را نیز به خطّ نسخ در ۱۸ ذی القعده ۱۰۸۳ نوشته، و آن را نزد استادانش شیخ محمّدحسین بن محمّدخلیل شیرازی و آقا هادی بن مولی صالح مازندرانی خوانده است. تاریخ قرائت، اواخر شوّال ۱۱۰۱ و مرحوم آقا هادی مترجم، جهت او، انهایی مرقوم داشته است. نسخه به شماره ۴۱۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد(۳). در این نسخه او را محمّدابراهیم بن امیر اسماعیل سورکی از قرای کدیان معرّفی می کند، و قرائت او در نزد دو نفر دانشمند بزرگوار، نشانه آن است که خود نیز از فضلاء و اجلّاء بوده، و احتمال تعدّد، درباره صاحب عنوان و ایشان می رود، و العلم عنداللّه تبارک و تعالی.

محمّدابراهیم خراسانی

محمّدابراهیم بن محمّداسماعیل بن محمّدجعفر خراسانی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری، در پنج شنبه ۲۱ محرّم ۱۲۵۳ در اصفهان نسخه ای از کتاب: کواشف الحجب عن مشکلات الکتب تألیف: ملّامحمّدصالح بن ملّامحسن مازندرانی اصفهانی را به خطّ نسخ کتابت نموده است که به شماره ۴۵۱۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم

۱- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۷۴.

۲- فهرست چهار کتابخانه مشهد، ص۲۲.

۳- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۸، ص۳۹۵؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۵۷۵.

موجود است(۱).

استاد محمّدابراهیم بنّای اصفهانی*

استاد محمّدابراهیم بن استاد اسماعیل بنّای اصفهانی، از معماران زبردست عهد صفویّه است. وی در سال ۱۱۰۳ق مدرسه کاسه گران را ساخته است. آثار دیگر وی تعمیرات صفّه صاحب در مسجد جامع اصفهان، و تعمیر گنبد خانقاه شیخ عبدالصّمد در نطنز بوده است.(۲)

میرزا محمّدابراهیم ساغر

میرزا محمّدابراهیم متخلّص به «ساغر» فرزند محمّد اسماعیل سدهی اصفهانی شاعر ادیب و خطّاط. در اصفهان به تحصیل علم وادب پرداخت، چندی نزد آقا غلام علی خطّاط مشق نمود تا در خطّ نسخ، استاد شد. وی سرانجام در سال ۱۳۰۲ق وفات یافت، و در تکیه خرابه، واقع در تخت فولاد مدفون شد. مانی اصفهانی در مادّه تاریخ او سروده است:

وقت رحلت گفت با ساقی عشق: از پی تاریخ «یک ساغر بده»

این کتب از او است: ۱. پارسی نامه، رساله مختصری است در دستور زبان فارسی ۲. تحفه الحسینیّه ۳. توحیدنامه ۴. دیوان قصائد و غزلیّات ۵. المصائب ۶. مثنوی سبعه ابحر [و یا سبع المثانی و یا مظفّرنامه] که نظم کتاب جلاء العیون علاّمه مجلسی است[۷. ماتم سرا] ۸. مزخرف نامه و آن رساله ای در حکایات و امثال این ها است. این شعر در مدح امام رضا علیه السلام از او است:

افلاک تو را چاکر و هرکس که در آن است آفاق تو را خادم و هرکس که در این است

یک حاجب درگاهت، گردون رفیع است یک واقف بنگاهت، جبریل امین است(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۸۶.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص۹۴ و ۶۵۳ و ۸۸۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۴.

۳- دیوان غمگین؛ مقدّمه رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۰؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، ص۲۹۱؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۵۸۸؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۵۷ و ج۱۸، ص۱۶۶ و ج۲۱، ص۱۶۵، حدیقه الشّعرا، ج۱، صص۷۱۹ ۷۲۰؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ساغر»، ص۱۴۲؛ تذکره مدایح معتمدیه، (خطّی)، ص۳۳؛ فهرست مرعشی، ج۳۲، صص۵۳۵ ۵۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۹۸ ۹۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۱.

ابراهیم فَرسانی

ابواسحاق ابراهیم بن ایّوب عنبری فرسانی اصفهانی از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است. عارف و زاهد بوده، و چهل سال بدون همسر و مجرّد زیسته است. از ثوری، ابی هانی، اسود بن رزین، مبارک بن فضاله و اعمش روایت نموده است. زیاد بن برّاد، عبدالرزّاق بن بکر اصفهانی، عبداللّه بن داوود، نصر بن هشام و هذیل از او نقل حدیث کرده اند. فرسان (به ضم فاء) از قراء نزدیک اصفهان است(۱).

میرزا ابراهیم نوّاب

حاج میرزا ابراهیم نوّاب بن میرزا محمّدباقر بن محمّد بن محمّدباقر نوّاب لاهیجی اصفهانی عالم فاضل، نزد آقا میرزا احمد مدرّس، آخوند گزی، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، آقا شیخ محمّدرضا نجفی و دیگران تحصیل کرد، از ائمّه جماعات مسجد ذوالفقار بود. وی در اوّل صفر ۱۳۶۶ق وفات یافت، و در تکیه لسان الارض، جنب مرقد یوشع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

میرزا محمّدابراهیم جوهری

میرزا محمّدابراهیم متخلّص به «جوهری» فرزند محمّدباقر از سلسله بیرام علی خان قاجار مروزی، از شعراء، ادباء و مرثیه سرایان قرن سیزدهم هجری است. در اوایل قرن سیزدهم هجری متولّد شده، و در هرات به تحصیل پرداخته است. فنون علم و ادب را در

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۲؛ معجم البلدان، ج۴، ص۲۴۹ میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۲؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۲۶۳؛ اللّباب، ج۲، ص۴۲۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۳۶۵ ۳۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۸۴.

هرات از میرزا عبداللّه خان شهاب ترشیزی آموخت.(۱)

سال ها در هرات و خراسان به مدح حکّام و شاه زادگان قاجار پرداخت سرانجام به قزوین آمد، و پس از چند سال در اصفهان اقامت گزید. وی از ارادتمندان حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی بوده، و در مدح او قصایدی سروده است.(۲)

وی در سال ۱۲۵۳ق وفات یافت، و در قبرستان آب بخشان اصفهان مدفون گردید. در سال ۱۲۹۰ بانویی نیکوکار به مرمّت آرامگاه او پرداخت.(۳) [در اوایل حکومت سلسله پهلوی، با احداث خیابان چهارباغ پایین و فلکه شهدا] قبرستان آب بخشان تسطیح و به خانه و مغازه و بهداری و مدرسه تبدیل شد.

تاجر نیکوکار، میرزا ابوالقاسم تبریزی در آن قبرستان، دبستان تبریزی را احداث نمود، و قبر جواهری در داخل مدرسه قرار گرفت. تبریزی در گوشه دبستان، آرامگاهی برای جوهری ساخت که هنوز باقی است.(۴)

روی مزار او سنگ قبری تمام قد است، و بر روی آن قصیده ای از میرزا محمّدباقر بهاء خواجویی [از احفاد ملّااسماعیل خواجویی] منقور است، و مادّه تاریخ وفات جوهری در آن آمده است:

کلك سحرانگیز او بنوشت این مصرع تمام: «همره سلطان دین آید بمحشر جوهری»(۵)

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. کتابی در امامت ۲. طوفان البکاء، معروف به کتاب جوهری، در مصائب خاندان حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام و خاندان عصمت و طهارت، که بارها به چاپ رسیده، و مقبول اهل منبر و ذاکران اهلبیت علیهم السلام واقع شده است [۳. احسن صور ۴. راز و نیاز ۵. دیوان قصاید و غزلیّات ۶. معراج نامه(۶)]. اولاد و اعقاب او در اصفهان ساکن و تا این اواخر از اهل منبر و

۱- تذکره مآثرالباقیه، نسخه خطّی، صص ۱۶۹ ۱۷۲.

۲- بیان المفاخر، ج ۲، ص ۱۱۴ و ج ۱، ص ۲۱۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۱۰۴ ۱۰۵.

۴- مزارات اصفهان، صص ۲۵ ۲۶.

۵- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۴۳.

۶- تذکره مآثرالباقریه (نسخه خطّی)، ص ۱۷۲، [سایر منابع]: روضات الجنّات، ج ۲، ص ۴۹؛ الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۶۳۱؛ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۴۳۸؛ مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۴۳۸؛ خلد برین، ج ۱، صص ۸۴ و ۸۸؛ الکرام البرره، ج ۱، ص ۶۱۱.

ذاکرین مصائب بودند (از جمله شیخ احمد جوهری و فرزندش شیخ عبدالکریم جوهری).

ابراهیم کامی

میرزا ابراهیم موسوی اصـفهانی متخلّص به «کامی» فرزند میرزا باقر شاعر ادیب و طبیب لبیب، از سادات حکیم سـلمانی بوده، و در شیراز به طبابت مشغول بوده [است]، در سال ۱۲۳۹ متولّد [شد]، و در سال ۱۲۹۵ق در شیراز وفات یافت.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابواسـحاق ابراهیم بن بسـطام اصـفهانی، زعفرانی، از محدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است. از ابی داوود و عبیداللّه حنفی روایت می کند، و عبّاس بن حمدان از او نقل حدیث نموده است.

وی با برادرش احمد در بصره ساکن شده، و همان جا وفات یافته است.(۲)

ابراهیم قطّان

ابراهیم بن بُندار بن عبده قطّان اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از محمّـد بن یحیی بن ابی عمرو روایت می کنـد، و سـلیمان بن احمـد و قاضـی ابواحمـد محمّد بن احمد بن ابراهیم از او نقل حدیث می کند.(۳) قطّان، بر وزن شدّاد، به معنی پنبه فروش است.

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن جریر بن یزید اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از داوود بن سلیمان

۱- حدیقه الشعراء، ج ۲، صص ۱۴۴۹، ۱۴۵۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۸.

روایت حدیث می کند.

برادرزاده اش احمد بن سعید بن جریر از او نقل حدیث می نماید.(۱)

میرزا محمّدابراهیم همدانی

میرزا محمّدابراهیم همدانی فرزند میرزا محمّدجعفر فرزند میرزا علاّمه میرزا ابراهیم همدانی، شاعر ادیب. وی در اصفهان و همدان تحصیل نموده، و سرانجام در اصفهان ساکن شد. او متولّی امام زاده سهل بن علی در همدان بود. در شعر و خطّ و انشاء و معمّا مهارت بسزایی داشت.

[از سال وفات او اطّلاعی در دست نیست؛ ولی ظاهرا تا سال ۱۱۰۷ق زنده بوده است]. این شعر از او است:

روزگاری شد که با دردت هم آغوشیم ما همچو سیل از هستی خود خانه بر دوشیم ما

چون سپند دور از آتش در شب هجران یار ناله ها در دل گره داریم و خاموشیم ما(۲)

ابراهیم اشعری

ابواسحاق ابراهیم بن جعفر بن محمّد بن سعید اشعری از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از ابوعتبه حمّصی و حمید بن مسعده روایت می کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه و ابومحمّد بن حیّان و قاضی ابواحمد از وی روایت می کنند. در سال ۳۹۴ق در راه مکّه وفات یافت(۳).

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن آقا جعفر شیشه فروش اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن ۱۳

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۷.
۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۴۰ ۱۴۱، قصص الخاقانی، ج۲، صص۹۹ ۱۰۰؛ تذکره المعاصرین، حزین، ص ۱۵۰.
۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۲.

هجری. از آثارش کتابت نسخه ای از کتاب دانشکده تألیف بیک عذری اصفهانی است که در تاریخ یک شنبه ۲۸ شعبان سال ۱۲۲۲ هجری از کتابت آن به خطّ نستعلیق فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۳۶۶۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن حامد بن شبیب اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. احمد بن فضل بن خزیمه ساکن بغداد از او روایت می کند، و او از احمد بن محمّد، ماجرای تزویج حضرت رضا علیه السلام با دختر مأمون را نقل می کند.(۲)

ابراهیم ابهری

ابواسحاق ابراهیم بن حجّاج ابهری اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از ابوداوود روایت می کند، و قبل از سال ۲۵۰ق وفات یافته است، وی را تألیفاتی است.(۳) ابهر از قرای بلوک جی اصفهان بوده، و اکنون جزو شهر قرار گرفته، و به آن «ابر» می گویند.

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن حُرّه اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از اسماعیل بن یزید قطّان روایت کرده است(۴).

ابراهیم

ابراهیم بن حسن بن یزداد، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از اُسید بن

۱- فهرست مرکزی دانشگاه، ج ۲، ص ۲۶۷۷.

۲- احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۳۸۶؛ تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۶۲؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص ۲۸۶ و ۳۷۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۷؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۳؛ الانساب، ج ۱، ص ۱۰۵؛ طبقات المحدّثین، ج ۲، صص ۳۱۴ و ۳۷۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۲.

عاصم روایت کرده است(۱).

حاج محمّدابراهیم کلباسی

حاج محمّـدابراهیم کلباسی فرزنـد حاج محمّـدحسن کرباسی هروی خراسانی اصـفهانی، از مشاهیر فقهاء و مجتهـدین و اکابر علماء و محقّقین است. عالم زاهـد عابـد ورعِ تقی، بلکه ازهـد و اعبد و اورع و اتقای علمای زمان بوده، در روز ۱۹ ربیع الثّانی سال ۱۱۸۰ق در اصـفهان متولّد شده، در ۱۰ سالگی پـدرش وفات یافته، و بنا به سـفارش پدر، تحت تربیت و مراقبت عارف و حکیـم فرزانـه آقامحمّـد بیـدآبادی قرار گرفتـه، و نیز بـه درس میرزا محمّـد علیّ بـن میرزا مظفّر، شـیخ محمّـد خـاتون آبـادی، ملّامحراب گیلانی و ملّاعلی نوری حاضـر شـد. سـپس به سـفر حـج مشـرّف شـده، پس از بازگشت، چنـدی در عتبات عالیات متـوطّن شـده، و از علمـای اعلاـم همچـون شـیخ جعفر نجفی (کـاشف الغطـاء)، سـیّدعلی طباطبـایی حـائری صـاحب ریـاض، سیّدمحمّدمهـدی بحرالعلـوم، آقاسـیّدمحسن اعرجی کـاظمینی و سـیّدمحمّد بـاقر وحیـد بهبهـانی کسـب فیض نمـوده، بـه ایران بـازگشت، و در قم و کاشان نزد میرزا ابوالقاسم قمی و ملّااحمـد نراقی تلمّـذ نموده، به درجات عالی علم و اجتهاد نائل آمـده، در اصـفهان ساکن شـد، و به تـدریس و افتاء و اقامه جماعت و ارشاد خلق مشـغول گردید. عدّه ای کثیر از علماء در خدمت او درس خوانده اند.

مرحوم حاجی کلباسی در امر فتوی بی نهایت احتیاط می فرموده، و بر دقایق آداب شریعت، مواظبت کامل داشته، به طوری که کم تر مسـتحبّی از مسـتحبّات او فوت شـده، و با این حال، در نهایت تواضع و سـلامت نفس بوده، و حکایات زیادی از دقّت و احتیـاط او در فتوی و عـدم توجّه ایشـان به مردم دنیـا و زهـد و قنـاعت و اعراض ایشـان از دنیا نقل شـده که همگی، دلالت بر عظمت مقام و جلالت قـدر ایشان است. ایشان در مسـجد حکیم اقامه جماعت می نموده که پس از وفات، فرزنـدان و نوادگان او در آن مسجد به اقامه جماعت پرداخته اند.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۹.

صاحب عنوان در شب پنج شنبه ۸ جمادی الاوّل سال ۱۲۶۱ق در اصفهان وفات یافت، و در مقبره ای مخصوص، مقابل در شرقی مسجد حکیم مدفون گردید که مقبره خانوادگی آن ها گردیده است. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. اجوبه المسائل ۲. احکام نماز ۳. اشارات الاصول، در دو مجلّد، جلد اوّل چاپ سنگی شده است ۴. ارشاد المسترشدین، به فارسی، رساله عملیّه ایشان است ۵. ایقاظات، در اصول ۶. رساله در تنقیح مسأله صحیح و اعم ۷. شوارع الهدایه، شرح بخش طهارت و صلاه کفایه محقّق سبزواری ۸. عدم جواز تقلید میّت ۹. مراد از کلمه «لا ـ بأس» ۱۰. رساله در مفطر بودن قلیان ۱۱. مناسک حج ۱۲. منهاج الهدایه، در فقه، سه مجلّد، چاپ سنگی شده است ۱۳. نخبه، رساله عملیّه به فارسی، منتخب از ارشاد المسترشدین، چاپ سنگی شده است. (۱)

شیخ ابراهیم امینی*

شیخ ابراهیم حاج امینی نجف آبادی معروف به امینی فرزند حسین، از علماء و فضلاء و مدرّسین معاصر، در سال ۱۳۰۴ق در نجف آباد متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان آغاز کرد، و نزد اساتیدی چون شیخ رمضان علی املایی، شیخ هاشم جنّتی، سیّدمحمّد هاشمی قهدریجانی، حاج میرزا محمودمعین نجف آبادی، میرزا یحیی فقیه ایمانی، شیخ هبه اللّه هرندی، سیّدمحمّدجواد غروی، آشیخ محمّدعلی عالم حبیب آبادی، شیخ ابوالقاسم محمّدی، شیخ محمّدجواد اصولی، سیّدمحمّدباقر ابطحی

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، صص۲۸۳ ۲۸۴؛ مزارات اصفهان، صص۶۷ ۶۸؛ هدیه الاحباب، صص۲۴۶ ۲۴۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۱۵۵؛ فوایـد الرّضویه، ج۱، ص۱۰؛ الکنی و الالقـاب، ج۳، ص۱۰۹؛ روضـات الجنّات، ج۱، ص۴۴؛ شرح روضات الجنّات، ج۱، صص۸۳ ۸۹؛ تذکره العلماء، صص۲۱۶ ۲۱۷؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۶۴۳ ۱۶۴۶؛ الکرام البرره، ج۱، صص۱۴ ۱۵، لباب الالقاب، صص۹۹ و ۱۳۴؛ شرح حال رجال ایران، ج۵، صص۲۱۲ ۲۱۳؛ تکمله نجوم السّماء، ج۱، ص۶۸؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۸۵۹؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص۲۶۵ ۲۶۸؛ وفیات العلماء، صص۱۷۴ ۱۷۵؛ الاعلام، ج۶، ص۱۹۵؛ لغت نـامه دهخـدا، ذیل «ابراهیم»، ص۲۶۴؛ معجم المـؤلّفین، ج۱، ص۹۱؛ الذّریعه، ج۱، ص۵۲۱ و ج۱۴، ص۲۳۷ و ج۲۵، ص۱۹۱؛ ریحـانه الادب، ج۵، ص۴۲؛ حـاجی کرباسـی و اولاد و احفادش (نسـخه خّطی)، صـص۱۳ ۲۶؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۰۷ ۱۰۹؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۱۱۲ ۱۱۸.

سدهی، شیخ قنبرعلی کوشکی و شیخ غلام حسین منصور نجف آبادی تحصیل نمود.

معالم الاصول و اکثر کتب شرح لمعه را از حاج شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی و قسمت منطق منظومه را نزد حاج آقا صدرالدّین هاطلی کوپایی، بعضی از کتاب های شرح لمعه را نزدآقا شیخ علی قدیری و آقا شیخ محمّدجواد اصولی آموخت. مکاسب محرّمه را نزد حاج شیخ محمّدرضا جرقویه ای، کتاب بیع مکاسب را نزد آقای شیخ مرتضی اردکانی و حاج آقا رحیم ارباب، رسائل رانزد آقا سیّدعبّاس دهکردی و حیدرعلی برومند و قوانین الاصول را نزد سیّدعلی اصغر مدرّس برزانی خواند.

پس از شش سال تحصیل به قم رفت، و بقیّه مکاسب و رسائل را نزد آقای سلطانی و حاج آقا رضا بهاءالدّینی و آقای مجاهدی به اتمام رساند. جلد اوّل کفایه را نزد آیت اللّه مرعشی نجفی و جلد دوم را نزد آیت اللّه گلپایگانی و منظومه حکمت سبزواری را نزد علاّمه طباطبایی فراگرفت.

در جلسات خصوصی، نزد علاّمه طباطبایی نیز معاد کتاب اسفار، تمهید القواعد، چند جلد کتاب از بحارالانوار، منطق شفا و مقداری از مطالب مهمّ اسفار را آموخت. پس از اتمام کفایه در درس خارج فقه و اصول آیت اللّه بروجردی، سپس امام خمینی شرکت کرد، و پس از مدّتی آن را نزد آیت اللّه گلپایگانی ادامه داد.

ایشان هم زمان با تحصیل، به تدریس نیز پرداخت، و منظومه حاجی سبزواری، اشارات و چند جلد از اسفار و کتب ادبیّات و شرح لمعه را تدریس نمود.

در مبارزات علیه رژیم پهلوی نیز فعّال بود، و مورد تعقیب قرار گرفت. پس از انقلاب از اعضای مؤثّر جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم بود، و سه دوره به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد. اکنون نیز به عنوان امام جمعه موقّت قم، به انجام وظیفه مشغول است. تألیفات ایشان عبارت اند از:

۱. آموزش دین، برای کودکان، چهار جلد ۲. آیین تربیت ۳. آیین همسرداری ۴. الگوهای فضیلت ۵. انتخاب همسر ۶. بانوی نمونه اسلام ۷. بررسی مسائل کلّی امامت ۸. اسلام و تعلیم و تربیت ۹. ثقافه الاسلامیّه ۱۰. خودسازی ۱۱. دادگستر جهان ۱۲. آشنایی

با مسائل کلّی اسلام ۱۳. وحی در ادیان آسمانی ۱۴. همه باید بدانند.(۱)

آقا محمّدابراهیم نعمت اللّهی*

آقامحمّدابراهیم نعمت اللّهی (نقّاش باشی) فرزند آقامحمّدحسین بن محمّدابراهیم، نقّاش هنرمند اواخر دوره قاجاریّه. وی نزد آقا عبّاس به نقّاشی مشغول شد. سپس به روسیه رفت، و با نقّاشی اروپایی آشنا شد، و به اصفهان بازگشت. او سال ها در سرای محمّدصادق خان نزدیک دروازه اشرف در بازار اصفهان ساکن بود، و به نقّاشی می پرداخت.

او مردی عارف مسلک و از مریدان حاج سیّدمحمّدهادی و آقا میرزا عبّاس پاقلعه ای بود. سرانجام در حدود ۵۵ سالگی در سال ۱۳۳۳ق وفات یافت، و در تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

شیخ ابراهیم تنکابنی

شیخ ابراهیم بن حسین بن ابراهیم تنکابنی گیلانی، عالم فاضل، معاصر میرزا عبداللّه افندی است، و هم درس او بوده(۳)، و ظاهرا قبل از سال ۱۱۳۱ق در اصفهان وفات یافته است.(۴) چون یکی از اساتید میرزا عبداللّه، علاّمه مجلسی است، به احتمال قوی، شیخ ابراهیم تنکابنی نیز از شاگردان علاّمه مجلسی بوده است.(۵)

محمّدابراهیم فیض

(محمّدابراهیم بن آقا محمد خلیل مشهور به فیض، عالم عامل کامل محقق، از زندگی او اطلاعی نداریم جز اینکه خود و پدرش از علما بوده اند. وی در سال ۱۳۷۹ ق برابر با ۳

۱- سیمای دانشوران، صص۴۸ ۵۰، دیباچه دیار نون، صص۱۳۸ ۱۳۹؛ آیینه اهل قلم، صص۲۸ ۲۹، خبرگان ملّت، صص ۱۶۱ ۱۷۴.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص۳۳۳ ۳۳۴.

۳- ریاض العلماء، ج۲، ص۳۴.

۴- الکواکب المنتشره، ص۵.

۵- زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۱۴۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۰۹ ۱۱۰؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۲۹.

فروردین ۱۳۲۷ ش وفات نموده و در تکیه سیدالعراقین مدفون گردید. میرزا حسن خان جابری در وفاتش اشعاری سروده، ماده تاریخش این است: فیض از حق ببرد او بجنان)(۱).

میرزا ابراهیم خلیفه سلطانی

نوّاب سیّدابراهیم بن سیّدعلاءالدّین حسین خلیفه سلطانی عالم فاضل، فقیه محدّث. مادرش دختر شاه عبّاس صفوی است. در سال ۱۰۳۸ق متولّد، و در سنّ سه سالگی به دستور شاه صفی کور شد. با وجود این، تحصیل علم و دانش نموده، و در جمیع علوم و فضایل بر امثال و اقران خویش فائق گردیده است. در مقتبس الاثر گوید: به «ابن الخلیفه» مشهور است. وی در سال ۱۰۹۸ وفات یافت، و در قبرستان امام زاده ستّی فاطمه اصفهان مدفون شد. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. حاشیه بر کتاب روضه تا مبحث تیمّم ۲. حاشیه بر شرح لمعه تا آخر طهارت ۳. حاشیه بر مدارک الاحکام.(۲)

استاد ابراهیم معصوم زاده*

استاد ابراهیم معصوم زاده فرزند استاد حسین کاشی ساز، از هنرمندان ماهر در هنر کاشی سازی بود، در سال ۱۳۴۶ق وفات یافت، و در تخت فولاد مدفون شد(۳).

ابراهیم فُرسانی

ابراهیم بن حیّان بن حکیم بن حنظله بن سُوید بن علقمه بن سعد بن معاذ اشهلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او در محلّه فُرسان اصفهان ساکن بود. از پدرانش و از شریک بن عبداللّه روایت می کند. نضر بن هشام بن راشد از او نقل حدیث می کند.(۴)

۱- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

۲- تتمیم امل الآمل، صص ۵۰ ۵۱؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۱۵۹؛ مصفّی المقال، ص۶؛ مقتبس الاثر، ج۲، ص۲۹۹؛ الذّریعه، ج۶، صص ۹۰ و ۱۹۶؛ مزارات اصفهان، ص ۱۱۰؛ فوایدالرّضویّه، ص۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۱۰ ۱۱۱.

۳- تخت فولاد، شفیق، ص۴۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۳.

ابراهیم مؤذّن

ابواسحاق ابراهیم بن خلید (مصغّرِ خالد) قوّاس، مؤذّن مسجد حفص بن سعدان بن ابوسلیمان، از محدّثین ثقه اصفهان در قرن سوم هجری است. از نعمان بن عبدالسّلام روایت می کند. ابوعمر حفص بن معدان بن حفص بن معدان بن ابی سلیمان، از او نقل حدیث می نماید. وی مدت شصت سال مؤذّن مسجد حفص بوده، و مردی مورد اعتماد، نیکوکار و مسلمان بوده است.(۱)

محمّدابراهیم اصفهانی

آقا محمّدابراهیم بن آقا رضا رییس التجّار اصفهانی مشهدی، عالم فاضل، مؤلّف کتاب الاحتراز در رد بر رساله حسن الایجاز در ابطال اعجاز که یکی از مبلّغین آمریکایی نوشته، و خود را در آن جا به نام نصیرالدّین می نامد. مؤلّف، این کتاب را به مرحوم شیخ محمّد خالصی (م۱۳۸۳ق) هدیه نموده، و کتاب در سال ۱۳۴۲ق در تهران به طبع رسیده است.(۲)

ابراهیم خان ضرغام السّلطنه

حاج ابراهیم خان ضرغام السّلطنه فرزند رضاقلی خان ایل بیگی بختیاری، از سیاستمداران و عرفای عهد قاجاریّه است. در سال ۱۲۷۲ق متولّد شده است. از سران نهضت مشروطه خواهی در ایل بختیاری به دعوت علماء و مردم اصفهان با عدّه ای از قوای بختیاری به اصفهان آمده، در نهم ذی حجّه ۱۳۲۶ اصفهان را فتح نموده، و سپس صمصام السّلطنه و دیگران وارد شده، و حکومت اقبال الدّوله حاکم اصفهان را شکست دادند.

وی سرانجام در سال ۱۳۳۷ق در تهران وفات یافت.

از دراویش سلسله خاکساریّه و در طریقت به لقب «حبّ علی شاه» معروف بود.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۱؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۴؛ الذّریعه، ج۱، ص۲۸۴.

۳- شرح حال رجال ایران، ج۶، صص۶ ۷؛ القاب رجال دوره قاجاریّه، ص۱۰۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۲۱.

میرزا محمّدابراهیم نصیری طوسی

میرزا محمّدابراهیم نصیری طوسی اصفهانی (متخلّص به منیر) بن زین العابدین بن عبدالحسین، عالم محدّث، ادیب منشی، در اصفهان [در سال ۱۰۵۱ق] متولّد، و در این شهر نزد علمای عالی قدری چون علاّمه مجلسی تحصیل کرده، و سپس به مشاغل اداری روی آورده است. [ابتدا وزیر استرآباد بوده، سپس تولیت آستان شاه صفی، وزارت آذربایجان و استیفای ممالک را بر عهده داشته؛ ولی در اثر سعایت حاسدان از کار کنار گذاشته شده تا این که به منصب مجلس نویسی شاه سلطان حسین صفوی منصوب شده است.]

خطّ نستعلیق را خوش می نوشته، و در خطّ نسخ نیز مهارت داشته است، و کتاب های تلخیص الشّافی، تفسیر الائمّه، کشف الآیات را کتابت نموده است. وی تا حدود سال ۱۱۲۶ق در قید حیات بوده است. آثار و تألیفات وی عبارت اند از: ۱. دستور شهریاران، در حوادث زمان سلطنت شاه سلطان حسین صفوی که به چاپ رسیده است ۲. جنگ، با مطالب تاریخی، ادبی منشآت و غیره. از او است:

ساقی توفیق کردست چون بزم آرای من باده لعلی دهد از چشم خون پالای من

مطرب آه و فغان در نغمه ریزد زیر و بم تا نوای غم زدایی سازد از آوای من

زهره چنگی می فرستد در زمین گردون پیر تا کند کسب نشاطی از دل برنای من(۱)

ابراهیم نعمت اللّهی

ابراهیم بن زین العابدین نعمت اللّهی از فضلاء و صوفیّه و از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری در اصفهان بوده است. از آثارش چهار رساله است که آن را در سال ۱۲۹۰ق به خطّ نستعلیق تحریری کتابت نموده، و این مجموعه به شماره ۳۰۴۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۲)

۱- دستور شهریاران، مقدّمه؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۱۱۰؛ اجازات الحدیث، صص۱۴۹ ۱۵۰؛ الکواکب المنتشره، ص۲۴؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۵۷؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۵۷۶، نسخه های خطّی، دفتر هفتم، ص۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۶.

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، جزء ۱، ص۴۸۷.

ابراهیم کاتب مدینی

ابوسعید ابراهیم بن سعدان بن ابراهیم کاتب مدینی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از بکر بن بکار و هُریم بن عبدالاعلی روایت می کند، و محمّد بن اسحاق بن ایّوب، عبداللّه بن محمّد بن جعفر و احمد بن اسحاق از وی نقل حدیث نموده اند. وی ثقه و صاحب تألیف است، در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال ۳۸۴ق فوت کرده است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم فرزند سعید (معروف به سعدویه) بن سعید بن یحیی بن طویل اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از پدرش حجّاج بن منهال حَوضی، عمرو بن مرزوق و عبیداللّه بن موسی روایت می کند، و رُسته، محمّد بن یحیی بن منده و احمد بن حسین از او نقل حدیث می نمایند.(۲)

سیّدابراهیم

سیّدابراهیم بن سیّدسلمان، عالم فاضل، در دوم شوّال ۱۱۵۶ق وفات یافت، و در بقعه آقاحسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد(۳). [در سنگ قبر با اوصاف زیر از او یاد شده است: السیّد الجلیل النّبیل العالم الفاضل الکامل...].

ابراهیم طهرانی

ابوبکر ابراهیم بن سفیان (سلیمان) طهرانی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از محدّثین عراق و اصفهان ازجمله ابراهیم بن نصر و اسماعیل بن اسحاق استماع

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۸.

حدیث نموده، و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث می کنند.(۱) وی به قریه طهران در حومه اصفهان منسوب است، و در زمان ما به تیران آهنگران معروف شده، و جزو محلّه های شهر شده است.

ابراهیم اصفهانی

حافظ ابراهیم بن سلیمان اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از حافظ ابوبکر احمد بن مردویه روایت می کند. اخطب خوارزم از وی حدیث شنیده، و در سال ۴۸۸ق اجازه دریافت نموده است.(۲)

۱۶۵

ابراهیم

ابواسحاق ابراهیم بن سندی بن علیّ بن بهرام، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری. وی از محمّد بن ابی عبدالرّحمان مقری و محمّد بن زیاد زیادی روایت می کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه، سلیمان بن احمد، عبداللّه بن محمّد بن جعفر و محمّد بن جعفر بن یوسف از او نقل حدیث می کنند.

او موهای خود را به رنگ سرخ خضاب می نموده، و در سال ۳۱۳ق وفات یافته است.(۳)

میرزا ابراهیم اصفهانی

میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی، شاعر ادیب و خطّاط فاضل، وی در اصفهان به تحصیل پرداخت، و پس از قتل پدر به قزوین رفته، مورد توجّه بزرگان و دانشمندان و شاعران قرار گرفت، و از اعیان و اشراف، هدایا و صله های فراوان یافت. مردی سخن سنج و قلندر روش و درویش منش بود. در نوشتن خطوط، مهارتی بسزا

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۳؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۵۲ طبقات المحدّثین، ج ۴، ص ۳۸۲؛ الانساب، ج ۴، ص ۸۵.

۲- احقاق الحق، ج ۷، ص ۳۲۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۳.

داشت، و سرانجام در سال ۹۸۹ق وفات یافت.

علاوه بر دیوان اشعار، فرهنگ میرزاابراهیم نیز از آثار او است که در لغت فارسی به رشته تحریر درآورده است.(۱)

ابراهیم لفتوانی

ابوعبداللّه ابراهیم بن ابی نصر شجاع بن ابوبکر محمّد بن ابراهیم لفتوانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. در حدود سال ۴۸۰ق متولّد شده، و از برادرش حافظ ابوبکر محمّد بن ابی نصر شجاع لفتوانی و نیز از رییس ابی عبداللّه ثقفی و ابی محمّد عبدالرّحمان بن احمد بن محمّد سمسار روایت می کند. ابوسعد و ابوالقاسم از او استماع حدیث نموده اند.(۲)

[لفتوان از قریه های حومه اصفهان بوده است، و اکنون از محلّات شهر به شمار می آید، و در زبان عوام، «لفتون» خوانده می شود].

ابراهیم مدینی

ابواسحاق ابراهیم بن شذره مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی از پدرش شذره روایت می کند، و احمد بن محمّد بن ابراهیم از او روایت می نماید.(۳)

ابراهیم عبّاسی*

ابراهیم فرزند شفیع عبّاسی، از نقّاشان هنرمند عهد صفویّه است. وی نوه رضا عبّاسی بزرگ ترین نقّاش عهد شاه عبّاس اوّل بوده، و گفته می شود برخی از نقّاشی های کاخ

۱- خلد برین، صص ۴۶۲ ۴۶۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۷۱ ۱۷۲؛ الذّریعه، ج۱۸، ص۳۳۲ و ج۹، ص۱۵؛ احوال و آثارخوشنویسان، ج۱، صص۱۵ ۱۶؛ فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۳۹۸؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ج۱، ص۳۶۱؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۰۹.

۲- معجم البلدان، ج۵، ص۲۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۶.

چهل ستون اصفهان از آثار او است(۱).

ابراهیم بن شیبه

ابراهیم بن شیبه اصفهانی، گویند اصلش از کاشان بوده، و از محدّثان شیعه و از صحابه حضرت امام هادی علیه السلام است، و از حضرت ایشان حدیث نقل می نموده است.

علیّ بن مهزیار اهوازی گوید: «نامه حضرت ابی جعفر [امام هادی] علیه السلام رانزد ابی شیبه اصفهانی دیدم». احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی، از محدّثان مورد وثوق شیعه از او روایت می نماید.(۲)

سیّدمحمّدابراهیم خواجویی

سیّدمحمّدابراهیم بن محمّدصادق بن ابوالقاسم بن محمّدباقر بن محمّدصادق بن ابوالقاسم بن محمّدباقر موسوی خواجویی (عموی جدّ پدر نگارنده) مؤلّف جنگی است که به نام آقا محمّدحسین در ربیع الاوّل سال ۱۱۹۹ق جمع آوری نموده است. نسخه به شماره ۴۴۲۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

میرزا محمّدابراهیم چهارسوقی

میرزا محمّدابراهیم بن میرزا محمّدصادق چهارسوقی بن میرزا زین العابدین موسوی خوانساری اصفهانی، عالم فاضل و واعظ کامل، در شب پنج شنبه ۱۵ رمضان ۱۲۶۹ق در اصفهان متولّد شد(۴)، و در جوانی نزد دو عموی بزرگوار خود میرزا محمّدباقر چهارسوقی

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۸۹.

۲- مجمع الرّجال، ج۱، ص۴۹؛ اعیان الشّیعه، ج۶، ص۶۰؛ رجال برقی، ص۵۶؛ لسان المیزان، ج۱، ص۶۸؛ معجم رجال الحدیث، ج۱، صص۲۳۵ ۲۳۶؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۱۹۱ ۱۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۴؛ نقد الرّجال، ص۹.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۳، ص۳۳۸۶؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۷۳۳.پ

۴- مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۲۵.

صاحب روضات و میرزا محمّدهاشم چهارسوقی به تحصیل پرداخت، سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد، و نزد شیخ زین العابدین مازندرانی و سیّدحسین کوه کمری تحصیلات خود را تکمیل نمود(۱)، و به اجتهاد نائل آمد، آن گاه در اصفهان به اقامه جماعت در مسجدی در محلّه خلجا پرداخت، و مردم را از مواعظ شافیه خود مستفیض نمود، مردم اصفهان، شیفته منابر او بودند.

با علماء مسیحی در منزل خود مباحثات و مناظراتی در اثبات نبّوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته، و چون آن ها زیر بار منطق و استدلال نمی رفتند، ایشان را به مباهله دعوت نموده، و دعوت نامه به چاپ رسانید، و در اصفهان و اطراف منتشر کرد، مع هذا کشیشان مسیحی به مباهله حاضر نشدند، و بدین طریق، بطلان گفتار آنان ثابت گردید.(۲) این عالم جلیل القدر در شب یک شنبه ۲۱ ربیع الثّانی ۱۳۳۱ق بر اثر سکته وفات یافته(۳)، در جوار مرقد عموی بزرگوارش صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.(۴) از آثار ایشان رساله عملیّه و تعلیقات علمی بر کتاب های فقهی و اصولی است.

شیخ ابوالحسن ابراهیم

حاج شیخ ابوالحسن ابراهیم بن حاج شیخ صالح، عالم فاضل، متوفّی در ماه ربیع الاوّل سال ۱۲۳۷ق مدفون در تکیه فیض. (۵).

ابراهیم انجذانی

ابراهیم بن صالح انجذانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. محدّث ثقه در سال ۲۸۶ق وفات یافته است. از محمّد بن منصور کرمانی روایت می کند، و عبداللّه بن

۱- نقباءالبشر، ج ۱، صص ۱۵ ۱۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۱۳.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۹۶.

۴- خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام ج ۱، صص ۹۶ ۹۷.

۵- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۱۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۱۶.

ابی عبداللّه از او نقل حدیث نموده است(۱).

[انجدان از روستاهای کاشان است، و جمعی از دانشمندان و سخنوران ازجمله میرزا ابوتراب بیک فرقتی انجدانی به آن جا منسوب هستند].

ابراهیم فُرسانی

ابواسحاق ابراهیم بن عاصم فُرسانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

وی از خلّاد بن یحیی حدیث نقل کرده است.(۲)[فُرسان از قریه های حومه اصفهان بوده است].

ابراهیم اشعری

ابواسحاق ابراهیم بن عامر بن ابراهیم بن واقد بن عبداللّه اشعری مؤذّن، از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری است. مردی فاضل و نیکوکار بوده، و در سال ۲۶۰ق وفات یافته است. برادرش محمّد بر جنازه وی نماز گزارده، و در اصفهان دفن شده است. از پدرش و حسین بن حفص و جمعی دیگر روایت می کند، و محمّد بن یحیی بن منده از او نقل حدیث می نماید.(۳)

ابراهیم راه نجات

ابراهیم راه نجات فرزند حاج عبّاس مورچه خورتی، روزنامه نگار آزاده اصفهان، در سال ۱۲۶۸ش در اصفهان متولّد شد. وی در سال ۱۲۹۴ش روزنامه راه نجات را تأسیس نمود. وی افکار آزادی خواهانه ای داشت، و تحت تأثیر دایی خود میرزا نصراللّه بهشتی (ملک المتکلّمین) بود.

وی به خاطر انتقادهایی که به حکومت رضاشاه پهلوی داشت، بارها به حبس افتاد، و

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۷؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۳۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۴؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص ۲۶۰.

روزنامه اش به محاق توقیف فرورفت. ابراهیم راه نجات پس از تحمّل سال ها رنج و زجر و حبس در ۲۹ فروردین ۱۳۲۶ وفات یافت، و جنب تکیه بابا رکن الدّین، در تخت فولاد مدفون شد(۱).

شیخ محمّدابراهیم کلباسی

حاج شیخ محمّدابراهیم کلباسی فرزند میرزا عبدالرّحیم بن حاج شیخ محمّدرضا بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل محقّق، در ۱۱ شوّال ۱۳۰۲ق در نجف اشرف متولّد شد، سپس به اصفهان آمده، از درس حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، شیخ محمّدتقی نجفی، شیخ محمّدحسین فشارکی و آخوند ملّامحمّد کاشانی مستفیض شد، و در قم نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تحصیل نمود. وی در تهران ساکن بود، و در مسجد محمودیّه اقامه جماعت می نمود، و سرانجام در شب شنبه ۲۰ ربیع الآخر ۱۳۶۲ق در تهران وفات یافت، و در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهر ری مدفون شد.

کتب زیر از او است:

۱. افاضات عظیمیّه در آداب شرعیّه ۲. التّذکره العظیمیّه، مطبوع ۳. تذکره الواعظین ۴. تقریرات اصولی درس آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای ۵. خصائص العبّاسیّه در شرح احوال حضرت ابوالفضل العبّاس علیه السلام ، مطبوع ۶. رساله در اجاره ۷. رساله در بیع ۸. رساله در اصول دین ۹. رساله در تعبیر خواب ۱۰. رساله در وصیت ۱۱. شرح انموذج زمخشری در نحو ۱۲. الفوائد السّنّیه، شامل شش رساله، مطبوع ۱۳. نجات البشر فی ابواب اثنی عشر، مطبوع.(۲)

۱- تاریخ جراید و مجلاّت ایران، ج۲، صص۳۱۳ ۳۱۷؛ تخت فولاد سرزمین جاویدان، نسخه تایپی؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۶۲۵ ۶۲۶؛ الذّریعه، ج۲۴، ص۵۷؛ احوال حاجی کرباسی و اولادش، صص۹۱ ۹۲؛ خاندان کلباسی، صص۲۲۴ ۲۲۶.

ابراهیم حبّال

ابواسحاق ابراهیم بن عبدالعزیز بن ضحّاک بن عمر بن قیس بن زبیر معروف به «شاذه بن عبد کویه» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بود، و از ابی علیه، ابی داوود و یزید بن هارون روایت می کند، و یونس بن حبیب از او استماع حدیث نموده است.

گویند در مجلس املای حدیث در فضائل ابوبکر و عمر سخن گفت، سپس به اصحاب خود گفت: «از عثمان و علی، فضائل کدام یک را ذکر کنم؟».

شاگردان گفتند: «آیا درباره او شک داری؟ به خدا قسم این مرد رافضی است».(۱)

ابراهیم جرواءانی

ابواسحاق ابراهیم بن عبدالعزیز (معروف به بوبه) بن کوفی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است، و شاید اوایل قرن چهارم را نیز درک کرده باشد. وی ثقه و مأمون بوده، و در محلّه جرواءان اصفهان ساکن بوده است.

از عبدالوهاب بن عطاء، ابی نصر، ابی احمد زبیری و شجاع روایت می کند، و محمّدعلیّ بن جارود و محمّد بن عمربن حفص از او نقل حدیث می کنند.(۲)

ابراهیم انواری

دکتر ابراهیم انواری فرزند مرحوم حاج ملّاعبدالکریم سودایی دستگردی، طبیب حاذق و ادیب شاعر در جمادی الاوّل ۱۳۰۹ق در قریه دستگرد برخوار متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان نزد اساتید آن زمان چون حاج میرزا محمّدباقر حکیم باشی، صدرالاطبّاء، میرزا محمّد حافظ الصّحه و آقا شیخ اسداللّه حکیم قمیشه ای و غیره انجام داد.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۷۰.

مشارٌالیه از اطبّاء مورد احترام قاطبه اهالی اصـفهان و به حذاقت و اسـتادی معروف بود. در اواخر عمر، همّت به طبع و نشر آثار پدر نمود، و گلزار را به چاپ رسانید. خود نیز کتب چندی به نظم و نثر تألیف کرده است؛ از آن جمله:

۱. منظومه حفظ الصّحه ۲. هفت دام مالک ۳. دیوان اشعار، و سرانجام او در شب پنج شنبه ۹ رجب سال ۱۳۷۷ وفات یافت، و در جنب پدر در قریه دستگرد مدفون گردید(۱). حاج سیّدعلی نوربخش متخلّص به «آزاد» مادّه تاریخ او را چنین گفته است:

یکی شد از جنان بیرون و گفتا بهر تاریخش: «چنان آمد محل دکتر ابراهیم انواری»(۲)

ابراهیم

ابراهیم بن عبـدالله (و یا ابراهیم بن محمّـد) از محـدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است، از ولیـد بن مسلم روایت می کند، شیخ ابومسعود رازی از او حدیث نوشته، و محمّد بن ابراهیم بن شبیب از وی روایت کرده است(۳).

۱۸۳

ابراهیم شاهین

قاضی ابواسحاق ابراهیم شاهین بن عبدالله، از محدّثین اصفهان است. وی به اصفهان آمده است.

احمد بن محمّد بن ابراهیم از او روایت می کند، و خود از یحیی بن معین نقل حدیث می نماید.(۴)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بـن عبـدالله اصـفهانی، از محـدّثین اصـفهان است. از ابوالعبّـاس احمـد بن محمّـد بن ازهر سـجزی روایت می کنـد، و اسماعیل بن محمّد بن عصام از او نقل حدیث می کند.(۵)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۸۵.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۱۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۱۸۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۵.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۸.

سجزی از قرای رویدشت است، و در زمان حاضر آن جا را سگزی می گویند.

[ابوالعبّاس احمد سجزی منسوب به سجستان یا سیستان است، و ربطی به قریه سجزی اصفهان ندارد. به شرح حال احمد بن محمّد بن از هرسجستانی رجوع شود].

ابراهیم قصّار

ابواسحاق ابراهیم قصار بن عبداللّه بن اسحاق بن جعفر بن زکریّا بن یحیی بن شهمردان معدّل اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. در سال ۲۷۰ق متولّد شده، و برای اخذ حدیث به شهرهای مختلف ازجمله بغداد، شام و نیشابور سفر کرده است. وی از حسن بن محمّد دارکی، ولید بن ابان، ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی در اصفهان، و از ابی بکر بن خزیمه و ابی العبّاس سرّاج در نیشابور، و صالح بن ابی الاصبغ در جزیره سامره و محدّثین هم طبقه او اخذ حدیث نموده است. وی در سنّ ۱۰۳ سالگی در سال ۳۷۳ق در نیشابور وفات یافت.(۱)

ابراهیم بادرانی

ابواسحاق ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بادرانی اصفهانی از علماء و محدّثین اصفهان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است. وی در ذی الحجّه ۵۱۶ق وفات یافت.

در معجم البلدان گوید: بادران از قرای اصفهان و به قولی از نایین است(۲)، به نظر حقیر، بادران همین قریه باغ بهادران لنجان علیا می باشد.

ابراهیم تاجر

ابواسحاق ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بن خُرشید قوله تاجر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. مشارٌالیه دایی عبداللّه و محمود پسران احمد بن

۱- تاریخ بغداد، ج۶، ص۱۲۷؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۱؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۲۸۶ و ۳۷۳.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۳۱۶؛ اللباب، ج۱، ص۱۰۴.

محمود می باشد. از ابن عقده، ابن مَخلد، ابوعبداللّه حسین بن اسماعیل محاملی، ابوسعید احمد بن محمّد بن زیاد اعرابی روایت می کند، و ابواسحاق قفّال، ابوالحسن عبیداللّه بن محمّد بن اسحاق و ابومنصور بن شکرویه از او نقل حدیث نموده اند. وی در صفر ۴۰۰ق وفات یافت.(۱)

ابراهیم مدینی

ابواسحاق ابراهیم بن عبداللّه بن معدان مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن حمید و محدّثین ری و مصر نقل حدیث می کند. ابراهیم مدینی در سال ۲۹۴ق وفات یافت(۲).

سیّدابراهیم حسینی خوراسکانی*

سیّدابراهیم بن سیّد عبداللّه حسینی خوراسکانی اصفهانی از فضلای قرن یازدهم هجری است. وی در سال ۱۰۸۹ق نسخه ای از کتاب النّهایه فی غریب الحدیث تألیف ابن اثیر را به خطّ نسخ بسیار زیبا کتابت نموده، و در دارالکتب المصریّه موجود بوده است.(۳)

سیّدمحمّدابراهیم شمس آبادی

آقا سیّدمحمّدابراهیم بن سیّدعبداللّه موسوی شمس آبادی، عالم فاضل و فقیه کامل، در سال ۱۲۹۴ق در اصفهان متولّد [شد]، و در اصفهان نزد ملاّمحمّدباقر فشارکی، شیخ محمّدتقی آقا نجفی، جهانگیرخان قشقایی، میرزا محمّدحسن نجفی، آخوند ملاّمحمّد کاشی، میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و پدر دانشمندش سیّدعبداللّه شمس آبادی تحصیل نمود.

سپس به نجف اشرف مهاجرت نمود، و از محضر مرحوم آیت اللّه سیّدمحمّدکاظم یزدی بهره های علمی برد، و در فقه و اصول و فلسفه و حکمت، صاحب نظر گردید، و از استاد خود اجازه اجتهاد و روایت اخذ نمود، سپس به اصفهان

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۴؛ احقاق الحق، ج۱۵، ص۳۳۹؛ تبیین کذب المفتری، ص۴۲۹؛ التّحبیر، ج۲، ص۲۸۹؛ تاریخ بغداد، ج۱۰، ص۱۴۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۰.

۳- خورشید جی، ص۲۹۲.

بازگشت، و به تدریس و ارشاد و اقامه جماعت مشغول شد. او سرانجام در سال ۱۳۵۷ق به عارضه سکته وفات یافت، و در تکیه ملک در تخت فولاد مدفون [شد]، و در سال ۱۳۶۳ به نجف اشرف نقل شد، و در وادی السّلام، جنب پدر و جدّ خود مدفون گردید. ایشان عالمی غیور و در امر به معروف و نهی از منکر، متعصّب و کوشا بود. میرزا حسن خان جابری جهت تاریخ وفات صاحب عنوان چنین سروده است:

لقد جاء خمس ثم قالوا: «من الاحد سلامٌ علی ابراهیم طاب ثراه»

(۱۳۵۲ + ۵ = ۱۳۵۷)(۱)

ابراهیم قاسانی

ابراهیم بن عبداللّه قاسانی، از محدّثین اصفهان است. از ابومصعب روایت می کند، و ابواحمد محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث می نماید.(۲)

ابراهیم اشعری مدینی

ابراهیم بن عبدالواحد اشعری مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. یوسف بن محمّد مؤذّن از او روایت می کند، و خود اشعری از ابی داوود روایت حدیث می نماید.(۳)

ابراهیم ابهری

ابراهیم بن عثمان بن عمیر ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابوسلمه موسی بن اسماعیل تبوذکی روایت می کند. محمّد بن محمّد بن یونس ابهری از او نقل حدیث می نماید.(۴)

۱- تحفه الابرار، ج۲، صص ۵۲۰ ۵۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۸۴۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص۱۹۴ ۱۹۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۷؛ الانساب، ج۱، ص۱۰۵؛ معجم البلدان، ج۱، ص۸۳.

سیّدمحمدابراهیم میرشفیعیان

(سیّدمحمدابراهیم شفیعیان موسوی سدهی، عالم زاهد پارسا، امام جماعت و مدرس مدرسه شفیعیه اصفهان. در اصفهان از درس آخوند ملا محمد حسین فشارکی، میرزا علی آقا شیرازی و دیگران استفاده کرد. عمر خود را به زهد و تقوا و بندگی حق گذراند و در سال ۱۳۷۰ق وفات نمود و در تکیه آقا باقر دردشتی مدفون گردید)(۱)

شیخ محمّدابراهیم کلباسی

شیخ محمّدابراهیم کلباسی نجفی بن شیخ علیّ بن شیخ میرزا حسین بن آقا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، از علماء و فضلای عالی قدر معاصر است. در سال ۱۳۲۲ق در نجف اشرف متولّد شد، و از سنّ دوازده سالگی به تحصیل علوم دینی پرداخت. سطح را نزد علمای عالی قدر مشکینی و ایروانی، حکمت را نزد آقا شیخ احمد آشتیانی و خارج را در خدمت حاج میرزا حسین نایینی، آقا سیّدابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدّین عراقی طی نمود.

وی سال ها امام جماعت مسجد حاج آقا رضا همدانی در نجف بود. ایشان صاحب چندین تألیف ارجمند است که از آن جمله است: ۱. تقریرات درس میرزای نایینی در سه جلد ۲. حاشیه بر کفایه الاصول ۳. درّه المقال، تقریرات درس آقا سیّدابوتراب خوانساری ۴. الصّلاه الیومیّه، مطبوع ۵. مناسک حج، مطبوع ۶. منهاج الاصول، مطبوع در پنج جلد ۷. منهاج التّقوی، شرح بر عروه الوثقی ۸. منهاج المتّقین، مطبوع که رساله عملیّه ایشان است ۹. نخبه الاحادیث فی الوصایا و المواریث، مطبوع ۱۰. هدایه المسترشدین، تقریرات درس فقه آقا ضیاءالدّین عراقی.

این عالم گران مایه در سال ۱۴۰۷ق در نجف اشرف وفات نمود(۲).

۱- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

۲- نقباءالبشر، ج۱، ص۱۸، ماضی النّجف، ج۳، ص۲۳۲؛ مصفّی المقال، ص۱۰؛ معجم المؤلفین العراقیین، ج۱، ص۵۳؛ مستدرکات اعیان الشیعه، ج۱۰، ص۱۲؛ معجم رجال الفکر، ج۳، ص۱۰۶۸؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۶۹؛ الذّریعه، ج۸، ص۱۳۵ و ج۴، ص۳۶۸ و ج۶، ص۱۸۶ و ج۲۳، ص۱۵۶؛ خاندان کلباسی، صص۱۶۴ ۱۶۵.

ابراهیم مقری

ابراهیم بن علیّ بن عاصم بن راذان مقری، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از محمّد بن عمر بن رسته روایت می کند، و فرزندش ابوبکر محمّد بن ابراهیم مقری از او نقل حدیث می نماید(۱).

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن علیّ بن عیسی اصفهانی، از محدّثین اصفهان و ثقه بوده، در اصفهان، عراق و مکّه استماع حدیث نموده است.(۲)

شیخ ابراهیم خوانساری

شیخ برهان الدّین ابواسحاق ابراهیم بن زین الدّین ابوالحسن علیّ بن یوسف بن علی خوانساری اصفهانی از فضلای قرن دهم هجری، و از شاگردان و مجازین از شیخ علیّ بن عبدالعالی کرکی (محقّق کرکی) است.

ملاّ عبداللّه افندی نسخه ای از کتاب کشف الغمّه اربلی را دیده است که در پشت کتاب، اجازه کرکی به ابراهیم به سال ۹۲۴ق نوشته شده بود، و محقّق کرکی، شاگرد خویش را بسیار مدح و تجلیل نموده بود.(۱)

دکتر سیّدابراهیم نعمت اللّهی

دکتر سیّدابراهیم نعمت اللّهی فرزند حاج میرزا علی اکبر پاقلعه ای (موافق علی شاه) بن میر محمّداسماعیل (صابر علی دوم) بن حاج میرزا محمّد بن میرزا ابوالقاسم مدرّس

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۴.

۲- تاریخ نیشابور، ص۱۶۲.

خاتون آبادی، از دانشمندان معاصر، و استاد دانشکده پزشکی در سال ۱۲۸۳ش مطابق با ۱۳۲۱ق در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیل دوره ابتدایی و متوسّطه به تهران رفت، و در دانشکده پزشکی تحصیل نمود، سپس در سال ۱۳۰۷ش جزو اوّلین دانشجویان ایرانی در رشته پزشکی به فرانسه رفت، و به تحصیل پرداخت، و به اخذ درجه دکترا نائل آمد. دو سال در فرانسه و یک سال در ایتالیا به خدمت پرداخت، سپس به ایران بازگشت، و به تدریس پزشکی در رشته فیزیولوژی پرداخت. استادی رشته فیزیولوژی و ریاست آزمایشگاه آن، بازرس آموزشگاه های بهداری شهرستان ها و سرپرستی دانشکده های پزشکی، جزو سمت های دولتی او به شمار می رفت. وی سرانجام در ۴ رجب ۱۴۰۱ق در تهران وفات یافت، و جنازه اش به اصفهان منتقل و در بقعه تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون گردید. کتب زیر از او است:

۱. اصول تغذیه و ویتامین ها و آویتامینوزها و فواید ورزش ۲. فیزیولوژی عمومی و اختصاصی اعصاب ۳. فیزیولوژی، دو جلد ۴. فیزیولوژی ترشّحات داخلی و خارجی ۵. فیزیولوژی غدّه های مترشّحه داخلی.(۱)

ملّامحمّدابراهیم دهکردی

ملّامحمّدابراهیم بن علی اکبر بن علی جان دهکردی اصفهانی وی سال ها در اصفهان به درس حاج سیّدمحمّدباقر شفتی (حجّت الاسلام) و دیگران حاضر شد. تا به درجه رفیع اجتهاد نائل گردید.

در مسجد محلّه نو اصفهان امامت می نمود. پس از مراجعه خوانین و مردم چالشتر به سیّدحجّت الاسلام، و درخواست جهت اعزام عالمی شایسته، مرحوم سیّد، طیّ نامه ای به تاریخ ۲۱ ذی الحجّه ۱۲۴۶ق مشارٌالیه را به آن ناحیه می فرستد. صاحب عنوان، جدّ خاندان آل ابراهیم دهکردی می باشد.(۲)

۱- راهنمای دانشگاه، ج۲، ص۵۷؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۶۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۵۲ ۵۳.

۲- تاریخ و جغرافیای چهارمحال، ج۱، ص۵۹۳؛ بیان المفاخر، ج۱، ص ۲۵۰.

ملّامحمّدابراهیم زفره ای

ملّامحمّـدابراهیم [بن علی بهلول] زفره ای کوهپایه ای اصـفهانی(۱) عـالم فاضل خوشـنویس، [مرجع امور شـرعی در قریه زفره بود، و خطّ نسخ را خوش می نوشت.

از آثار او کتابت قرآن مجید و زاد المعاد به خطّ نسخ زیبا است(۲)]، وی در سال ۱۲۵۷ق وفات یافته است(۳).

میرزا ابراهیم امین الواعظین

میرزا ابراهیم امین الواعظین فرزند حاج محمّدعلی تاجر اصـفهانی، عالم فاضل و واعظ کامل، در سال ۱۲۵۷ق متولّد شده(۴) و در این شهر تحصیل نموده است، ازجمله نزد حاج میرزا بدیع درب امامی، حاج سیّدمهدی نحوی و آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای تلمّذ کرد، و چندی نیز در اعتاب مقدّسه، نزد اعاظم فقهای آن دیار خصوصا میرزای شـیرازی حاضر شد، و در حدود ۱۳۲۵ به ایران مراجعت نمود. مدّتی در اصفهان و گاهی در یزد ساکن بود. در اواخر عمر، در سده ماربین و روستاهای حوالی آن جا به وعظ و خطابه مشـغول بود(۵)، و سـرانجام در ۲۱ ربیع الثّانی ۱۳۵۹ق در محلّه فروشان سـده وفات یافت، و در قبرسـتان خوزان سده مدفون گردید.(۶) وی تألیفاتی داشته که از آن جمله است: ۱. امان الخائفین، در امامت ۲. براهین الباهر، در مذمّت دنیا و مدح آخرت ۳. تحفه المعاد للعباد ۴. روح العالمین، در توحیـد ۵. شـهاب الثّاقب در مدح امام غائب (عج) ۶. طریقه الحق، در نبوّت ۷. کهف العـارفین، در اخلاق و غیره از نظم و نثر ۸. قصـیده ای در مرثیّه استادش میرزای شیرازی گفته، و نام عدّه ای از علماء را مذکور داشته است.(۷)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۹.

۲- مجلّه کتابداری، دفتر ۳۲ و ۳۳، ص۷.

۳- مزارات اصفهان، ص۴۲۴.

۴- خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج۱، ص۱۰۲.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۱۴ ۱۱۵.

۶- مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۹۲.

۷- نقباءالبشر، ج۱، صص۱۹ ۲۰؛ الذّریعه، ج۲، ص۳۴۴؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۳۷۶.

میرابراهیم قزوینی*

میرابراهیم فرزند میرعماد حسنی قزوینی، خوشنویس خطّ نستعلیق، نزد پدر خود مشق خط کرده، پس از شهادت پدر به خراسان رفت، و عاقبت در قزوین ساکن شد، و همان جا وفات یافت.(۱)

ابراهیم

ابراهیم بن عمّار بن زید، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

او از سلمه بن شبیب حدیث نقل می کند، و ابوعلیّ بن عاصم از وی حدیث روایت می نماید.(۲)

۲۰۵

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن عمر بن ابراهیم اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. در بلخ ساکن بوده، و از ابوالقاسم محمود بن محمّد بن خلف سهاوری اسفرائنی از او اخذ حدیث کرده است.(۳)

ابراهیم جرواءانی

حاج ابراهیم بن عمر بن حفض بن معدن جرواءانی اصفهانی از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از بکر بن بکار، سلیمان بن حرب، علیّ بن عبدالحمید، محمّد بن اَبان و حسین بن حفص روایت می کند، و هارون بن سلیمان و محمّد بن یحیی بن منده و محمّد بن احمد بن یزید از او نقل حدیث می کنند. وی در سال ۲۵۱ق وفات یافت.(۴)

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۲۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۷.

۳- معجم البلدان، ج۷، ص۳۴۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۱؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۰۲.

ابراهیم سعدی مدینی

ابواسحاق ابراهیم بن عون بن راشد سعدی مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. ابوعبداللّه محمّد بن احمد ابهری و محمّد بن احمد بن یزید از او روایت کرده اند. خودش از مسلم بن سلیم ضبی، حجّاج بن نصیر، وکیع، عبیداللّه بن موسی، قبیصه و ابن عُیَینَه نقل حدیث نموده است.

صاحب عنوان در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال ۲۴۴ق وفات یافته است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن حاج میرزا عیسی اصفهانی ادیب، از دانایان به علوم تجوید بوده، و از آثار او: ۱. شجره التّجوید ۲. وجیزه التّجوید، در سال ۱۳۳۰ق به چاپ رسیده است.(۲)

ابراهیم زاهد

ابواسحاق ابراهیم بن عیسی زاهد اصفهانی، از عرفاء و متصوّفه قرن سوم هجری است. از مصاحبان معروف کرخی است، و کراماتی از او نقل شده است. وی در سال ۲۴۷ق وفات یافت.

از ابی داوود و شبابه بن سوار و مروان بن محمّد مقری روایت حدیث نموده، و احمدمحمّد مدینی بزاز و نصر بن هشام از او روایت می کنند.(۳)

ابراهیم معدّل

ابواسحاق ابراهیم بن فرقد اصفهانی معدّل، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۳.

۲- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۴.

۳- لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۲۶۳؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۰؛ هفت اقلیم، تصحیح جواد فاضل، ج۲، ص۳۴۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۲۸۶ و ۳۷۳.

است. از روح بن مسافر روایت می کند، و عامر بن ابراهیم از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

ابراهیم نایینی

ابواسحاق ابراهیم بن فسان شاه بن ززا نایینی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابوحامد بن محمّد بن یحیی بن بلال نیشابوری روایت می کند، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

ابراهیم ابار

حافظ ابونصر ابراهیم بن فضل بن ابراهیم ابار اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است.

او در بازار اصفهان می ایستاده، و از حفظ حدیث می گفته است؛ امّا او را کذّاب و وضّاع الحدیث نوشته اند. از عبدالرّحمان بن منده استماع حدیث کرده است. وفات او در سال ۵۳۰ق اتّفاق افتاد.(۳)

ابراهیم باطرقانی

ابراهیم بن قاسم بن یونس بن عبدالملک باطرقانی شیبانی ورّاق، از محدّثین قرن سوم هجری است.

وی از شیخ ابومسعود احمد بن فرات رازی حدیث روایت می کند.(۴)

میرزا ابراهیم قاجار

میرزا ابراهیم فرزند قبا بیک قاجار، از فضلاء و خوشنویسان قرن یازدهم هجری است.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۴.

۳- تاریخ نیشابور، ص۱۶۶؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۲۵؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۲۵۷؛ مقتبس الاثر، ج۲، ص۲۴۶؛ اللباب، ج۱، ص۱۰۶؛ الوافی بالوفیات، ج۵، ص۶۸؛ معجم المؤلّفین، ج۱، ص۷۴.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۶.

در مدرسه والده شاه صفی در اصفهان ساکن بوده، و از راه کتابت، امرار معاش می کرده است. مردی بوده در نهایت صلاح و در کمال فلاح. در حدود سال ۱۰۸۳ق تدریس در مشهد مقدّس به او تفویض شد، و او به آن جا رفت.

وی نخستین جزء کتاب مبسوط شیخ طوسی را در ۲۵ رجب ۱۰۵۴ق کتابت نموده که به شماره ۱۸۸۷ در کتابخانه ملّی ملک در تهران وجود دارد. هم چنین در بین سال های ۱۰۵۴ تا ۱۰۶۶ق چند برگ از یک جنگ را با مطالب متنوّع ازجمله حدیث تزویج حضرت زهرا سلام اللّه علیها را کتابت نموده است. این مجموعه به شماره ۱۴۵۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن قتیبه اصفهانی، از راویان و محدّثان شیعه در قرن سوم هجری است. شیخ طوسی و نجاشی در کتاب خود از او نام برده اند، و ابن شهر آشوب در معالم العلماء نوشته است: وی کتابی دارد. احمد بن محمّد بن خالد برقی از او حدیث نقل می کند.(۲)

ابراهیم اسدی کاشانی

ابراهیم بن قرّه اسدی قاسانی (کاشانی) معروف به «اصم» از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است. از مصاحبان ثوری بوده، و از گفتار او کتابی تصنیف نموده (جامع)، و نزد او قرائت نموده است.

ابراهیم بن ایّوب

محمّد بن حمید و ابوحجر عمرو بن رافع از او روایت می کنند. وی در سال ۲۱۰ق

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۶۲؛ فهرست ملک، ص۶۳۱؛ فهرست مرعشی، ج۴، ص۲۳۹.

۲- اعیان الشّیعه، ج۵، ص۳۲۱؛ منهج المقال، ص۲۵؛ الذّریعه، ج۶، ص۳۰۵، معالم العلماء، ص۵؛ مجمع الرّجال، ج۱، ص۶۲؛ فهرست، شیخ طوسی، صص۱۵ ۱۶؛ نقد الرّجال، ص۱۲؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۱۹۷ ۱۹۸؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۲۷۷؛ تهذیب المقال، ج۱، ص۳۲۵.

وفات یافت. فرزندش اسحاق نیز محدّث بوده، و در مصر ساکن شده است.(۱)

سیّدابراهیم میرباقری دهاقانی*

سیّدابراهیم میرباقری بن حاج میرزا کریم دهاقانی اصفهانی، عالم فاضل، در دهاقان متولّد شده، و در اصفهان نزد جمعی از علماء ازجمله جهانگیرخان قشقایی تحصیل نمود وی مدّت دوازده سال در آبادان معاون دادگستری بود، سپس در سال ۱۳۶۰ق به زادگاه خود بازگشت، حوزه درسی و علمی در آن جا تشکیل داد، و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. مدّتی نیز امام جمعه دهاقان بود، در اواخر عمر به کامفیروز فارس رفت، و در آن جا وفات یافت، و همان جا دفن شد.(۲)

ابراهیم حبال

ابراهیم بن کوفی حبال اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از حسن بن موسی و عبدالوهاب خفاف روایت می کند. ابوعبدالرّحمان مقری و ابوبکر محمّدجعفر بن محمّد بن سعید از او نقل حدیث می کنند.(۳)

شیخ ابراهیم جیلانی

شیخ ابراهیم بن محراب بن ابراهیم بن خلیل لاهیجانی گیلانی عالم فاضل محقّق. در اصفهان ساکن بود.

این کتاب ها از او است:

۱. حواشی بر کتب اربعه ۲. شرح خطبه شقشقیّه امیرالمؤمنین علیه السلام ۳. شرح بر صحیفه سجّادیّه ۴. شرح بر نهج البلاغه در هشت مجلّد. وی از شاگردان علاّمه مجلسی و مجاز از او در سال ۱۰۹۰ق است. قبرش در تخت فولاد اصفهان است.(۴)

[صاحب اعیان الشیعه قبر صاحب عنوان را در تخت فولاد دانسته، ولی مأخذ خود را بیان نکرده است].

میرزا محمّدابراهیم مشیرالاسلام

میرزا محمّدابراهیم مشیرالاسلام فرزند ملاّمحمّدمحسن بن ملاّمحمّد شفیع خویی، از فضلای اصفهان در قرن چهاردهم هجری.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۲؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۱۷۸؛ الانساب، ج۴، ص۴۲۷.

۲- سیمای دهاقان، صص ۲۹۰ ۲۹۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۷.

۴- اعیان الشّیعه، ج۱۰، ص۵۱۱؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۷؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۳۷.

وی در مهرماه ۱۳۲۸ش وفات یافت، و در آرامگاه خانوادگی خود در تخت فولاد جنب تکیه خوانساری ها مدفون شد.(۱)

محمّدابراهیم قزوینی

آقا محمّدابراهیم بن حاج آقا محمّدابراهیم قزوینی اصفهانی عالم فاضل، در اصفهان متولّد شد، و در این شهر تحصیل نموده، و به افتخار دامادی آقا سیّداسداللّه بیدآبادی فرزند حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی نائل آمده است.

سال وفات او معلوم نیست، و احتمالاً مدفن او در قبرستان آب بخشان اصفهان بوده است.(۲)

ابراهیم نائله

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حارث بن میمون مدینی اصفهانی معروف به «ابراهیم بن نائله» از محدّثین قرن سوم هجری است. نائله نام مادر او است. وی از بسیاری از محدّثان، حدیث نقل کرده است که از آن جمله است: احمد بن حاتم، جعفر بن محمّد بن یزید، سلیمان بن داوود، علیّ بن بشر، عمّار بن هارون و محمّد بن مغیره.

جمعی نیز از ابراهیم بن نائله روایت می کنند ازجمله: ابوبکر بردعی، احمد بن بندار، احمد بن اسحاق، احمد بن محمّد بن کوفی، اسماعیل بن عمرو بجلی، جعفر بن محمّد، محمّداسحاق بن عمران. صاحب عنوان در سال ۲۹۱ق وفات یافت.(۳)

ابراهیم قرابه

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد معروف به «قرابه بن شریک» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است، از سعید بن سلام روایت می کند. اسید بن عاصم و محمّد بن ابان مدینی

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۵۰.

۲- بیان المفاخر، ج ۲، صص ۱۶۷ ۱۶۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، صص ۸۵ و ۱۵۸ و ۲۴۲.

از او نقل حدیث می کنند.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد حافظ اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از احمد بن حسن بن آذینوه اصفهانی حدیث روایت می نموده است.(۲)

سیدابراهیم بیرجندی*

سیّدابراهیم بن محمّد حسینی بیرجندی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است در اصفهان سکونت داشته، و در سال ۱۱۸۵ق نسخه ای از حاشیه شرح مختصر تألیف شریف جرجانی را کتابت نموده است.(۳)

شیخ ابراهیم ریاضی نجف آبادی*

حاج شیخ ابراهیم ریاضی نجف آبادی فرزند آقامحمّد، عالم فاضل فقیه محقّق، زاهد متّقی، در سال ۱۳۲۳ق در نجف آباد متولّد شد، و تا هیجده سالگی به زراعت پرداخت. در این هنگام به اصفهان رفت، و نزد شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، میرزا محمّدصادق خاتون آبادی، میرسیّدعلی نجف آبادی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی، شیخ محمّد حکیم خراسانی و شیخ محمود مفید تحصیل نمود. سپس به قم مهاجرت نموده، و نزد آیات عظام و علمای اعلام، حائری یزدی، شاه آبادی، شیخ محمّدعلی قمی، سیّدمحمّد حجّت و میرزای همدانی و دیگران تحصیل نموده، به اجتهاد نائل آمد. سرانجام پس از مدّتی تدریس سطوح عالیه، به دعوت شیخ احمد حججی، از قم به نجف آباد بازگشت، و به تدریس در حوزه علمیّه نجف آباد پرداخت.

وی علاوه بر تدریس، در ارشاد مردم و رفع خصومات و رفع گرفتاری نیازمندان اهتمام

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲- مقتبس الاثر، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳- فهرست مجلس، ج ۱، بخش سوم، ص ۱۱۳۷.

فراوان داشت. او در فقه، اصول، حکمت، ریاضیات و کلام، صاحب مهارت فراوان بود.

از اقدامات ارزنده او تأسیس مدرسه علمیّه معروف به «مدرسه الحجّه»، احداث حسینیه اعظم و مسجد صفا در نجف آباد و تربیت ده ها شاگرد فاضل است. سرانجام این عالم ربّانی در ۱۵ صفر ۱۳۷۴ق بر اثر سکته قلبی در سنّ ۵۶ سالگی وفات یافت، و در حسینیّه اعظم نجف آباد مدفون شد. تألیفات ایشان: ۱. رساله در اخلاق ۲. مختصری در عقاید.(۱)

میرزا محمّدابراهیم قاضی

میرزا محمّدابراهیم بن غیاث الدّین محمّد خوزانی اصفهانی عالم فاضل و فقیه جلیل القدر، از بزرگان و محدّثان برجسته قرن دوازهم هجری. میرزا عبدالنّبی قزوینی از معاصران او گوید: «متمهدا فی الفقه و اصوله و حاذق فی الحکمه و فصوله، دقیق الذّهن، جیّد الفهم، عمیق الفکر، کامل العلم، صاحب التّقریر الفائق و التّحریر الرّائق». در اصفهان به تحصیل پرداخته، و از جمعی از بزرگان فقهاء و محدّثین، مفتخر به اخذ اجازه گردیده است که از آن جمله اند: میرمحمّدحسین خاتون آبادی، میرمحمّدباقر خلیفه سلطانی، شیخ حسین ماحوزی، میرزا محمّدرحیم سبزواری، ملّامحمّدقاسم هزارجریبی و ملّامحمّدطاهر بن مقصودعلی اصفهانی.

[اساتید ایشان نیز عبارت اند از ملّاعلی نقی بن محمّدتقی کمره ای، ملّامحمّد نصیر گلپایگانی و محمّدحسن خواهرزاده او، نظام الدّین حسین بن محمّد اسماعیل خادم، ابی البرکات بن محمّداسماعیل، جمال الدّین محمّد بن نظام الدّین حسن، ملّاکمال الدّین محمّد فسوی و ملّاابوالحسن فتونی عاملی].

در اصفهان به تدریس مشغول بود، سپس قاضی اصفهان شد، و سرانجام قاضی عسکر نادرشاه گردید، و در سال ۱۱۶۰ق به دستور نادرشاه او را شهید نمودند، گویند مدفن او در قبرستان آب بخشان اصفهان است. کتب ورساله های زیر از آثار او است:

۱. تفسیر آیه «وَ إذا قری ء الْقُرْآن» ۲. تفسیر قرآن ۳. حواشی بر کتب اربعه ۴. رساله در تحریم غنا ۵. رساله در این که درهم و دینار مانند هم است یا قیمت در آن ها معتبر می باشد. ۶. رساله در مشروعیّت تلقین میّت جهت اطفال و غیره.(۲)

۱- گنجینه دانشمندان، ج۷، صص ۳۰۰ ۳۰۱؛ دیباچه دیار نون، صص۱۷۶ ۱۷۷؛ سیمای دانشوران در شرح حال علماء، صص۹۵ ۹۹ آیینه اهل قلم، صص۵۳ ۵۴.

۲- تتمیم امل الآمل ص۵۷؛ نجوم السّماء، صص۲۶۴ و ۲۳۱؛ فهرست رضوی، ج۵، ص۴۲۸؛ میراث اسلامی ایران، ج۷، صص۱۵۵ ۱۵۸؛ فوایدالرّضویّه، ج۱، ص۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۴؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۲۵۹؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۳۳۹؛ روضات الجنّات، ج۷، ص۱۲۴؛ الکواکب المنتشره، ص۶۹۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۵ ۱۱۶؛ مزارات اصفهان، ص۲۶.

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از سلیمان شاذکونی روایت می نماید، و احمد بن اسحاق از خود او نقل حدیث می کند.(۱)

ابراهیم دواتی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم بن احمد دواتی اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری. از ابومظفّر منصور سمعانی، قاضی ابومنصور بن شکرویه، ابوعبداللّه قاسم بن فضل ثقفی و ابومحمّد رزق اللّه تمیمی روایت می کند. ابوعلی حسن بن بشیر بن عبداللّه نقّاش مهاد ملنجی، از او حدیث شنیده است. وی ساکن محلّه خوز (خوزیان) اصفهان بوده، و در سال ۵۴۸ق وفات یافته است(۲).

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم اصفهانی بلخی از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است.

در بلخ ساکن بوده [است]، و ابوالمکارم محمّد بن عمر بن امیرجه بن ابوالقاسم بن ابوسهل بن ابوسعد عبداللّه بن عبیداللّه بن عبدالرّحمان اشبهی بلخی، ابوالمحاسن مسعود بن محمّد بن غانم هراتی و ابوالقاسم محمود بن خلف لاهوری ساکن اسفراین، از وی استماع حدیث کرده اند.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۷۴.

۳- التّحبیر، ج۲، صص ۱۷۰ و ۳۰۱ و ۲۸۱.

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم اصفهانی تاجر، از محدّثین قرن ششم هجری است.

ابوالفتح محمّد بن محمّد بن عبداللّه بن محمّد بسطامی خورنقی از او روایت می کند، و خورنق از قرای بلخ است.(۱)

ابراهیم رفاعی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم رفاعی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از محمّد بن سلیمان بن حارث باغندی کبیر روایت می کند، حافظ ابونُعیم اصفهانی می گوید: وی را درک کردم ولی موفّق به شنیدن روایت از او نشدم.(۲)

ابراهیم طیّان

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم قفّال طیّان اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است.

از ابراهیم بن خورشید روایت می کند، و ابوالوفا اسماعیل طرقی از او روایت می کند. در ماه صفر ۴۸۰ق وفات یافته است.(۳)

ابراهیم اسلمی

ابراهیم بن محمّد بن ابی یحیی اسلمی، از محدّثان اصفهان در قرن دوم هجری است. وی از عبداللّه بن دینار، علاء بن عبدالرّحمان و ابی عمرو ابن محمّد حدیث روایت می کند، و ابن جریح، محمّد بن ادریس شافعی و حسین بن حفص از او نقل حدیث

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۴۰۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۳.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۹۸.

می نماید. وی در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال ۱۸۴ق وفات یافته است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن اصفهانی، از محدّثین اصفهان و امام مسجد جامع اصفهان است، از عابدان و زاهدان عصر خود بوده، و در حفظ و نقل حدیث، اهتمام بسیار داشته، و در سال ۳۰۲ق وفات یافته است.(۲)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد بن بزرج (بزرگ) اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. محدّث ثقه صاحب اصول بوده، و از عمرو بن علی، محمّد بن سلیمان لوین، موسی بن عبدالرّحمان و نصر بن علی روایت می کند. عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او استماع حدیث نموده است.(۳)

ابراهیم اصفهانی

ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از احمد بن ولید بن برد انطاکی نقل حدیث نموده است. سلیمان بن احمد طبرانی نیز از ابراهیم اصفهانی روایت می کند.(۴)

ابراهیم ثقفی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی ثقفی معروف به «طیّان» از علماء و محدّثین شیعه در قرن سوم هجری است. از حسین بن قاسم زاهد اصفهانی روایت حدیث

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲- مرآه الجنان، ج ۲، ص ۲۴۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۱؛ طبقات المحدّثین، ج ۴، ص ۲۹۳.

۴- احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۶۷۰.

می کند. وی در سال ۲۶۶ق وفات یافته است. کتاب اخبار حسن بن علیّ بن ابی طالب علیهم السلام از او است.(۱)

ابراهیم اصفهانی

حافظ ابواسحاق ابراهیم اصفهانی فرزند محمّد بن حمزه بن عماره بن حمزه بن سیّار بن عبدالرّحمان بن حفص (برادرزاده ابومسلم خراسانی) از محدّثین اصفهانی در قرن چهارم هجری. از حضرمی مطیّن، محمّد بن عثمان بن ابی شیبه، محمّد بن نصر صائغ، احمد بن یحیی حلوانی، ابوشعیب حرّانی و یوسف بن قاضی روایت کرده، و از محدّثین عراقین، جزیره و حجاز روایت نموده است.

وفات او در ۷ رمضان ۳۵۳ق اتّفاق افتاد. وی «شیوخ» را جمع آوری و مسند را تألیف نموده است(۲).

[صاحب عنوان، برادرزاده علیّ بن حمزه بن عمّاره مؤلّف کتاب قلائد الشّرف است].

ابراهیم کرمانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن خلید کرمانی، از محدّثین است. در سال ۲۹۰ق به اصفهان آمده، و در منزل خصیب بن سلم وارد شده است. راویان اصفهان از قول او احادیثی نقل کرده اند.(۳)

ابراهیم ثقفی

ابواسحاق ابراهیم ثقفی کوفی بن محمّد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود ثقفی، از مشاهیر محدّثان و دانشمندان شیعه در قرن سوم هجری. در اوّل، زیدی مذهب بوده، و سپس امامی شده، و برای تبلیغ مذهب شیعه به اصفهان آمده است. در

۱- هدیه العارفین، ج۱، ص۳؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۲۹.

۲- مرآه الجنان، ج۲، صص۳، ۵۰؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۴.

فضیلت او همین بس که ابونُعیم اصفهانی در حقّ او گفته است: «کان غالیا فی الرّفض». در اغلب کتب رجال و حدیث شیعه از گذشته تا امروز از او یاد شده، و او را ثقه دانسته اند. محمّد بن زید رطاب، عبّاس بن سرّی و عبدالرّحمان بن ابراهیم مستملی از او روایت می کنند. جماعتی از شیعیان قم از او درخواست کردند که از اصفهان که اغلب مردم آن اهل سنّت بوده اند به قم که جایگاه شیعیان بود بیاید؛ امّا او نپذیرفت، و تا آخر عمر در اصفهان بود تا آن که در سال ۲۸۰ (و یا سال ۲۸۳ق) وفات یافت.

از کتب او است:

۱. اخبار زید بن علی ۲. اخبار کشته شدگان از اولاد ابی طالب علیه السلام ۲. قیام حسین بن علی علیه السلام ۴. مقتل الحسین علیه السلام ۵. مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام ۶. الجمل ۷. فدک ۸. صفّین ۹. حکمین ۱۰. نهروان ۱۱. ما نزل القرآن فی امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۲. المودّه فی ذوی القربی ۱۳. کشته شدگان از آل محمّد علیهم السلام ۱۴. الغارات، مطبوع و غیره(۱).

ابراهیم مؤدّب

ابوالقاسم ابراهیم بن محمّد بن سلیمان مؤدّب اصفهانی از محدّثین عامه اصفهان است.(۲)

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن عبیداللّه بن عمر اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از اسید بن عاصم و طبقه او روایت حدیث می کند، و سلیمان بن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۷؛ مفاخر اسلام، ج۱، ص ۲۴۱ ۲۵۰؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۲، ص۴۵۴؛ روضات الجنّات، ج۱، ص۵۱؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص ۱۳۱ و ۱۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۲۱ ۱۲۲؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۳۶۲؛ الفهرست (شیخ طوسی)، صص ۱۶ ۱۸؛ الفهرست (ابن ندیم)، ص۲۷۹؛ الانساب، ج۳، ص۱۳۷؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص ۲۰۱ ۲۰۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۶.

۲- تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۸۶.

احمد از او روایت می کند.(۱)

شیخ ابراهیم حرفوشی عاملی

شیخ ابراهیم بن محمّد بن علی حرفوشی عاملی کرکی، عالم فاضل و فقیه محدّث، در قرن یازدهم هجری در اصفهان می زیسته، و سرانجام در سال ۱۰۸۰ق در مشهد مقدّس وفات یافته، و همان جا مدفون گردیده است.

شیخ حرّ عاملی می نویسد: «من به تشییع جنازه او حاضر شدم»(۲). ظاهرا از شاگردان پدرش و شیخ علیّ بن محمّد بن حسن عاملی نوه شهید ثانی بوده، و از ملّاتاج الدّین حسن اصفهانی [پدر بهاءالدّین محمّد اصفهانی = فاضل هندی [حدیث روایت نموده است.(۳) از آثار او کتاب اجازات است که در مجلّدات اجازات بحارالانوار ضبط شده، و به طبع رسیده است(۴).

صاحب عنوان، نسخه ای از حاشیه بر حاشیه خلیفه سلطان بر روضه البهیّه نوشته شیخ علیّ بن محمّد بن حسن عاملی را در ۳ جمادی الآخر ۱۰۷۷کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۵)

هم چنین نسخه ای از المقنع فی الغیبه را در دوشنبه ۸ شعبان ۱۰۷۰ق کتابت نموده است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد.(۶)

ابراهیم کسایی

ابونصر ابراهیم بن محمّد بن علی کسایی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. ابوبکر عبدالغفّار بن محمّد شیروی جنابدی و ابونجم بدر بن خلف بن یوسف فرکی حاجی اصفهانی از او حدیث نقل می کنند.(۷)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲- امل الآمل، ج ۱، ص ۳۰؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۲۸.

۳- الرّوضه النّضره، صص ۴ ۵؛ مصفّی المقال، ص ۸.

۴- الذّریعه، ج ۱، ص ۱۲۳.

۵- فهرست مرعشی، ج ۹، ص ۶۰.

۶- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۷، ص ۹۵.

۷- التّحبیر، ج ۱، ص ۴۶۶؛ اللباب، ج ۲، ص ۴۲۴؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۵۵.

ابراهیم سُریجانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن فاخر بن محمّد بن یحیی فقیه سریجانی مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از منیعی، ابن ابی داوود، محمّد بن هارون بن حُمید مجدّر و محدّثین بغداد و کوفه و بصره روایت می کند، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از او روایت می نماید. او در ربیع الآخر سال ۳۵۸ق وفات یافت.(۱)

ابراهیم شجری

ابراهیم شجری فرزند محمّد بطحایی بن قاسم بن ابومحمّدحسن امیر مدینه بن زید بن امام حسن علیه السلام ، از سادات و امام زادگان عالی قدر اصفهان است که مطابق نوشته منتقله الطّالبیّه در اصفهان ساکن بوده، و قبر او در محلّه جیلان (چملان یا سنبلان) در باب مسجد سعید بن جبیر واقع بوده است.(۲)] محلّ دفن امام زاده فوق، به درب امام معروف است].

ابراهیم اصفهانی

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن محمود اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از ابواحمد عبداللّه بن جعفر بن احمد بن فارس روایت می کند، و ابوبکر بن منجویه اصفهانی و ابوبکر فارسی از او نقل حدیث می نمایند.(۳)

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن موسی

وکیل معروف به باقلّانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. متصدّی جمع آوری درآمد موقوفات مسجد جامع اصفهان بود. پس از سال ۳۶۰ق وفات یافته

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۳.

۲- منتقله الطالبیه، ص۲۵؛ مزارات اصفهان، صص۲۰۲ ۲۰۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۳۸۶ ۳۸۷.

۳- احقاق الحق، ج۱۴، ص۵۳۶ و ج۱۷، ص۵۷۸ و ج۵، ص۵۷۸.

است. از حسن بن علی طوسی و علیّ بن سعید عسکری روایت می کند.(۱)

میرزا ابراهیم آرتیمانی «ادهم»

میرزا ابراهیم متخلّص به «ادهم» فرزند میرزا رضی الدّین محمّد آرتیمانی شاعر ادیب، در سال ۱۰۲۰ق در اصفهان متولّد شد، و نزد علماء و فضلای این شهر به خصوص میرداماد تحصیل کرد، سپس به هند رفت.(۲) در آن جا مدّتی مقرّب درگاه تقرّب خان از صاحب منصبان پادشاه هند بود؛ امّا به واسطه رفتار ناپسند به حبس افتاد(۳) به سال ۱۰۶۰ق در سنّ چهل سالگی وفات یافت. از آثاراو ساقی نامه است.

این بیت از او است:

ای که آرام دل خود به جهان می خواهی بعد درویش اگر هیچ نباشی شاهی(۴)

حاج محمّدابراهیم ملک التجّار

حاج محمّدابراهیم ملک التجّار فرزند حاج آقا محمّد، از تجّار نیکوکار و صاحب خیرات و مبرّات بسیار بوده، و در اصفهان شهرت بسیار داشته است.

از آثار خیریّه او: ۱. تکیه ملک در تخت فولاد که آن را جهت مرحوم آخوند کاشی بنا کرد، و متأسّفانه در تغییر و تحوّل سال های اخیر به کلّی تخریب و نابود شد ۲. مسجد ملک در محلّه پاقلعه ۳. تیمچه ملک در بازار ۴. انگورستان ملک که منزل مسکونی او بوده است. ۴. اتمام ساختمان طارمی صحن مطهّر کاظمین علیهماالسلام ۶. تعمیر اساسی بسیاری از مساجد اصفهان من جمله مسجد نور و رضوان ۷. تعمیر کاروان سرای تخت فولاد. وی سرانجام در سال ۱۳۴۱ق وفات یافته، و در منزل مسکونی خود در محلّه پاقلعه اصفهان مدفون [شده] است. مادّه تاریخ وفات او را میرزا حسن خان جابری انصاری چنین گفته است:

سر برون کرد ملک گفت که این ابراهیم ملکی بوده، و فردوس برین جایش بود(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲- کاروان هند، ج ۱، ص ۳۳.

۳- تذکره نصر آبادی، ج ۱، ص ۵۰۹.

۴- تذکره حسینی، ص ۳۱.

۵- رجال اصفهان، ص ۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۱۲۲ ۱۲۳؛ مزارات اصفهان، صص ۷۲ ۷۳؛ تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۸۷.

شیخ ابراهیم اصفهانی صنعانی

شیخ ابراهیم بن محمّد اصفهانی صنعانی، عالم فاضل و واعظ کامل، در بسیاری از علوم چون فقه، اصول، کلام، حدیث و ادبیّات صاحب نظر و متبحّر بوده، و در اصفهان مردم را موعظه می فرموده است. ازاصفهان به عین مهاجرت کرده، و در سال ۱۱۵۰ در عین ساکن شده، و همان جا وفات یافته است. مردم صنعا علاقه بسیار به او داشته، و در تشییع جنازه او عزاداری بسیار نمودند. قبرش در جنوب شهر صنعا زیارتگاه است. احمد بن حسین رکیعی مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

هذا ضریح المواعظ المتّقی علاّمه العصر فصیح اللّسان

ناداه رضوان بتاریخه: «یا خلد ابراهیم اسنی الجنان»(۱)

ابراهیم نجف آبادی

ابراهیم بن محمّد نجف آبادی اصفهانی، فاضل خطّاط نسخ نویس قرن سیزدهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای از الدّرر النّجفیّه که آن را در روز ۲۰ ذی حجّه سال ۱۲۴۶ق به پایان رسانیده است. نسخه در کتابخانه دانشکده حقوق تهران موجود است.(۲)

ابراهیم دبیر قهفرّخی

ابراهیم فرهنگ قهفرخی متخلّص به «دبیر» فرزند میرزا محمّد، شاعرادیب در قهفرّخ زندگی می کرد. ابتدا به «فرهنگ» تخلّص می کرد، و سپس آن را به «دبیر» تغییر داد. او به زادگاه خود به زراعت مشغول بود.(۳)] در مطایبه و هزل، اشعاری سروده است، او در ۱۹ آبان ۱۳۶۰ش در اصفهان وفات یافت، و در تکیه شهدا واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد].(۴)

۱- خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، صص۱۰۳ ۱۰۵؛ اعیان الشّیعه، ج۵، ص۴۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۱.

۲- فهرست حقوق، ص۳۳۷.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۹۴.

۴- تخت فولاد سرزمین جاویدان، نسخه تایپی.

ابراهیم جوزدانی

ابواسحاق ابراهیم بن مَعمَر بن شریس جوزدانی، از محدّثین اصفهان است. از عمرو بن حفص بن عمرو و ابوایّوب برادرزاده زریق حمصی و سلیمان بن عبدالرّحمان روایت می کند، و جعفر بن محمّد بن یعقوب و محمّد بن احمد بن یزید از او روایت حدیث می نمایند.(۱) [جوزدان نام محلّه ای در اصفهان و روستایی در نجف آباد است، و ظاهرا صاحب عنوان منسوب به جوزدان اصفهان است].

ابراهیم متوکّلی

ابواسحاق ابراهیم بن ممشاد متوکّلی اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن سوم هجری است. از مردم جی اصفهان است. در کتابت و بلاغت، از نوادر عصر خویش بوده، و به عربی شعر می سروده است. دبیر و ندیم متوکّل خلیفه عبّاسی بود، و پس از مرگ او از فرزندان خلیفه کناره گرفت، و به یعقوب لیث صفّاری پیوست. او را در شمار شاعران شعوبی آورده اند که به تحقیر نژاد عرب و تفاخر به ایرانی بودن خود نموده اند.(۲)

ابراهیم کرانی

ابوالقاسم ابراهیم بن منصور بن ابراهیم سلمی کرانی اصفهانی معروف به «سبط بحرویه» از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. در سال ۳۶۲ق متولّد شده، و در سال ۴۵۵ق وفات یافته است. ابوسهل محمّدابراهیم بن محمّد بن احمد بن ابراهیم بن علیّ بن سعدویه امین ترکی اصفهانی از او روایت می کند.(۳)

دکتر ابراهیم چهرازی

دکتر ابراهیم چهرازی فرزند سیّدمرتضی موسوی لنجانی پزشک دانشمند و استاد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۵.

۲- نهضت شعوبیّه، صص۲۴۶ ۲۴۷؛ معجم الادباء، ج۲، ص۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۲.

۳- التّحبیر، ج۲، ص۵۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۷۳؛ الانساب، ج۱، ص۳۲.

دانشکده پزشکی در سال ۱۲۸۷ش در قریه «چهراز» لنجان متولّد شد. در اصفهان به تحصیل در مقطع ابتدایی و متوسّطه پرداخت، و در تهران به تحصیل در مدرسه دارالفنون مشغول شد، و پس از شرکت در کلاس های مدرسه طب در تهران به فرانسه رفت، و به تحصیل در رشته اعصاب و روان پرداخت، و به درجه دکترا نائل شد. وی پس ازبازگشت به ایران به تدریس در دانشکده پزشکی تهران و طبابت و خدمت در بیمارستان رازی، مرکز پزشکی قانونی، بیمارستان روزبه و سایر مراکز پزشکی پرداخت.

او از مؤسّسین و دبیر انجمن مبارزه با تریاک و الکل بوده است. پزشکی نیکوکار و خیرخواه بوده، و در رفع مشکلات هم نوعان خود از هیچ اقدامی فروگذار ننموده است. علاوه بر آن، دانشمندی محقّق و پرکار بود، و ده ها تألیف و مقاله را به رشته تحریر درآورد. برخی از تألیفات ایشان عبارت اند از:

۱. اهلیّت تربیت فکری و روحی ۲. سردرد و علل و طرق معالجه آن، چاپ شده ۳. طبیب در جامعه، چاپ شده ۴. امراض اعصاب محیطی و نخاع، چاپ شده ۵. بیماری های مغز و پی جلد اوّل و دوم، چاپ شده ۶. شاه نامه آخرش خوش است، و غیره.(۱)

ملّامحمّدابراهیم مقدّس

ملّا محمّدابراهیم مقدّس بن محمّدمهدی، عالم عارف، در جمادی الآخر ۱۲۸۹ق وفات یافت، و در بقعه فیض مدفون شد.(۲)

ابراهیم اسدی

ابواسحاق ابراهیم بن میمون اسدی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از محمّد بن سلیمان معروف به «لوین» روایت می کند، و محمّد بن احمد بن ابراهیم از

۱- زندگی نامه پزشکان نام آور معاصر ایران، ج۲، صص۷۳ ۷۷،مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۴۷.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۸.

وی نقل حدیث می نماید.(۱)

ابراهیم صائغ

ابراهیم بن میمون بن صائغ، از طبقه محدّثین اصفهان است که به خراسان انتقال یافته، و در آن جا در سال ۱۳۱ به دستور ابومسلم خراسانی کشته شده است.

وی از عطا روایت می کند، و ابوحمزه داوود بن ابی الفرات از وی نقل حدیث می نماید.(۲)

ابراهیم اصفهانی

ابو بشر ابراهیم بن ناصح ملقّب به فورویه بن معلی بن حماد اصفهانی صاحب مناکیر و متروک الحدیث. ازمحدّثین اصفهان است. از سفیان بن عُیَینه، نصر بن شمیل و پدرش ناصح روایت می کند، و احمد بن جعفر بن سعید، محمّد بن احمد بن یزید و یوسف بن یحیی از او نقل حدیث کرده اند.(۳)

ابراهیم نوید*

ابراهیم شریفی متخلّص به «نوید» فرزند نظام علی، از شعرای معاصر است. در سال ۱۳۴۶ خورشیدی در کرمانشاه متولّد گردید، و همان جا تحصیل کرد. نسبش به یکی از عرفای کُرد به نام شیخ بابای سنقری می رسد. پس از آن که طبع او در سرودن شعر عیان گشت، در انجمن ادبی کرمانشاه حضور یافت، و مورد تشویق شعراء قرار گرفت. در سال ۱۳۶۳ به اصفهان آمد، و تا امروز در این شهر ساکن است، و در انجمن های این شهر حضور می یابد.

تألیفات و آثاری نیز دارد که به طبع نرسیده است. این دو بیت در وصف مولای متّقیان

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۸؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۳۳.

علی علیه السلام از او است:

ای علی! ای اسوه صبر خدا! چشم تو ریزان ترین ابر خدا

ای به تو شطّ تجلی متّصل یک نفس من را به حال خود مهل(۱)

ابراهیم مدینی

ابراهیم بن یحیی بن آدم مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابی صالح جلّاب، محمّد بن عمر بن حفص و عبداللّه بن ابراهیم بن صباح نقل حدیث می نماید.(۲)

ابراهیم حَزَّوَری

ابراهیم بن یحیی بن حکم بن حزّور اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از ابی داوود و بکر بن بکار روایت کرده است. فرزندش محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث نموده است.(۳)

ابراهیم اَفرَجه

ابراهیم مُکتِب معروف به «افرجه» فرزند ابی یحیی یزید بن عبداللّه باهلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و از پدرش یزید بن عبداللّه، یحیی بن قطان، ابوعمر ضریر و یعقوب حضرمی استماع حدیث کرد، و اسید بن ابی عاصم، فرزند احمدابراهیم و عبداللّه بن اسحاق پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی از او روایت می کنند.(۴)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۷۵۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۶؛ الانساب، ج۱، صص۱۰۵ ۱۰۶؛ معجم البلدان، ج۱، ص۹۸.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۷۵.

ابراهیم فقیه

ابراهیم بن یوسف فقیه اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی در سال ۲۶۷ق وفات یافته است.(۱)

محمّدابراهیم بصیر اصفهانی

محمّدابراهیم اصفهانی، شاعر ادیب، بهار وی را در کتاب مدایح المعتمدیّه نام برده، در قصیده ای که از او درج نموده، و گوید که جوان است.(۲)] قصیده در مدح منوچهر خان معتمدالدّوله حاکم اصفهان سروده شده، و از آن جا این دو بیت در وصف اصفهان نقل می شود:

صد شکر کز عنایت خلّاق انس و جان یک باره رشک باغ ارم گشت اصفهان

گشت از خوشی چو کاخ خورنق ریاض او آمد ز خرّمی به جهان غیرت جنان(۳)]

ملّامحمّدابراهیم جدلی گلپایگانی

ملّامحمّدابراهیم گلپایگانی معروف به «جدلی»، [«العالم الفاضل العادل الکامل الحبر المحقّق و النّحریر المدقّق، حاوی الاصول و الفروع، جامع المعقول و المنقول، زبده المجتهدین و قدوه الفقهاء المتشرّعین(۴)، جامع علوم خفیّ و جلی... مشهور به دانایی و طلاقت لسان(۵)، العلّامه الفهّامه(۶)].

از اکابر فقهاء و افاضل علمای قرن دوازدهم هجری است. [با همه اهمّیت وی، متأسّفانه از تولّد و اساتید، کیفیت زندگی، شاگردان و خاندان او اطّلاعاتی در دست نیست. در برخی از کتاب ها او را شیخ ابراهیم گلپایگانی جدّی نوشته اند، و برخی گمان کرده اند که او ساکن مدرسه جدّه و به جدّه ای معروف بوده است؛ ولی ظاهرا «جدلی» به «جدّه ای» و «جدّی» تحریف شده است].(۷)

در سال ۱۱۹۹ق وفات یافت، و در تخت فولاد جنب قبر ملّااسماعیل خواجویی مدفون شد. قبر او بر روی سکّویی واقع شده است. رفیق اصفهانی شاعر معاصر او، مرثیه ای درباره او گفته، و مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

شد ز جهان و رفیق، از پی تاریخ گفت: «رفت ببزم جنان، زبده ارباب علم»

هم چنین مشهور، شاعر اصفهانی در مرثیه و تاریخ او گوید:

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲- الذّریعه، ج ۹، ص ۱۳۸.

۳- تذکره مدایح معتمدیّه، نسخه خطّی کتابخانه مجلس.

۴- نقل از سنگ لوح قبر صاحب عنوان.

۵- تجربه الاحرار، ص ۱۶۰.

۶- وصف کتاب اصول دین از ایشان.

۷- الکرام البرره، ج ۱، ص۷؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج ۲، ص ۱۸۰.

شد دریغا ز لوح هستی محو نام ملّامحمّدابراهیم

حیف از آن فاضل عظیم الشّأن آه از آن عالم خبیر علیم

گر شد اجزای او چو گل اوراق گر شد اعضای او چو عظم رمیم

گفت مشهور بهر تاریخش: شد بجنّت مقام ابراهیم(۱)

وی رساله ای در اصول دین تألیف نموده که از کتاب حقّ الیقین علّامه مجلسی استخراج شده است، و ضمن مجموعه ای در کتابخانه سیّدآقا تستری موجود بوده است.(۲)

ابراهیم جی اصفهانی*

ابراهیم جی اصفهانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. وی در سال ۱۱۸۹ق در اردکان کتاب کشف الآیات را نوشته است. نسخه آن در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی به شماره ۴۹۸۳ محفوظ است.(۳)

استاد محمّدابراهیم حجّار اصفهانی*

استاد محمّدابراهیم حجّار اصفهانی، از سنگ تراشان زبردست دوره قاجاریّه بوده، در حجّاری از عجایب روزگار بوده، و در ریزه کاری و ظرافت های فنّ حجّاری نظیر نداشته است. از آثار او حجّاری تخت مرمر در کاخ گلستان معروف به «تخت سلیمانی» است.(۴)

ابراهیم خاتون آبادی

آقاابراهیم خاتون آبادی، از علماء مشهد مقدّس رضوی در قرن دوازدهم هجری، و از معاصرین با سیّد عبداللّه بن نورالدّین موسوی جزایری است. از تألیفات او رسائل حکمیّه

۱- تذکره القبور یا رجال اصفهان، ص۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۹۵ ۹۶.

۲- الذّریعه، ج۲، صص ۱۸۱ ۱۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۱۷۸.

۴- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۶۱.

است.(۱)

شیخ محمّدابراهیم درّی

شیخ محمّدابراهیم درّی، عالم فاضل در قریه دُر از قرای لنجان متولّد گردید، و در اصفهان نزد علما و دانشمندان تلمّذ نمود، و به مقامات عالیه علم و عمل رسید، و به موطن خود مراجعت کرد، مصدر امور شرعی آن جا گردید، و به امامت و وعظ و رسیدگی به دعاوی و غیره پرداخت. وی به فکر کیمیا افتاد، سرمایه مادّی و معنوی خود را در راه کیمیاگری خرج کرد، به طوری که مرحوم عبّاس درّی فرزند مرحوم حاج ملاّفرج اللّه دری نقل می نمود: فی الجمله موفّقیتی حاصل کرده بود. در قصبه دُر وفات یافت، و در قبرستان محل دفن گردید.(۲)

محمّدابراهیم رهی اصفهانی

محمّدابراهیم اصفهانی متخلّص به «رهی»، شاعر ادیب. در عهد خود از شعرای معروف، و به شغل قصّابی مشغول بود. طبعش همگی به هجوگویی مایل بود، سرانجام در سال ۱۲۲۶ق وفات یافت. از او است:

بهر سفر گذاشتم زین چو به پشت بادپا آمد و دامنم گرفت آن صنم از ره وفا

مرغ دلش شکسته پر، برگ گلش ز گریه تر فندق آن به پسته در، لؤلؤ و عقیق سا

نرگس دلنواز او کرده به گریه آشتی غنچه عشوه ساز او گشته به لابه آشنا(۳)

ابراهیم طوبی

میرزا ابراهیم طوبی، شاعر و ادیب بوده، در سال ۱۱۷۴ هجری در اصفهان وفات یافته،

۱- تتمیم امل الآمل، ص۵۵؛ اعیان الشّیعه، ج۳، ص۲۲؛ الکواکب المنتشره، ج۱۲، ص۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۸ و اطّلاعات خارجی.

۳- ریحانه الادب، ج۲، ص۳۴۶؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۳۲۲؛ الذّریعه، ج۹، ص۳۲۴؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۲۹؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «رهی»، ص۲۴۰؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۴۵۳.

و در رواق امام زاده اسماعیل مدفون شده است.(۱) در ریحانه الادب به نقل از اعیان الشّیعه گوید: حکیم مورّخ ادیب، علاوه بر فضایل دیگرش در علم هیأت نیز عارف بوده است.(۲)

میرزا ابراهیم عارف تبریزی

میرزا ابراهیم تبریزی متخلّص به «عارف» شاعر ادیب، برادر میرزا محمّد امین خازن معروف به «آقاسی» است. در محلّه عبّاس آباد اصفهان ساکن بود، و سرانجام در هند ساکن شد، این شعراز او است.

از طپیدن های دل در کلبه ویرانه ام سقف همچون رنگ برخیزد ز روی خانه ام(۳)

ابراهیم عاصی فریدنی

حاج ملّاابراهیم فریدنی معروف به «ملّاابراهیم غسّال» متخلّص به «عاصی» شاعر ادیب، در بین همکاران خویش به دانستن مسائل و آشنایی به احکام، معروف بود. گاهی شعر می گفت. در محرّم الحرام ۱۳۶۵ قمری در حدود فریدن به سنّ قریب به هشتاد سالگی وفات یافت، و هم در آن جا مدفون شد.(۴)

محمد ابراهیم جواهری

محمد ابراهیم جواهری فرزند محمد اسماعیل کوهپایه ای در سال ۱۳۴۲ ق (۱۳۰۲ش) متولد شد، ابتدا در مدرسه قدسیه و دبیرستان سعدی تحصیل کرد و سپس وارد حوزه علمیه اصفهان شد و از درس اساتیدی چون شیخ محمد علی عالم حبیب آبادی، شیخ محمد حسن علام نجف آبادی، شیخ علی محمد فقیه حبیب آبادی، شیخ عباسعلی ادیب، سید عبدالحسین طیب، حاج آقا صدر کوپائی، شیخ محمود مفید، سید محمدحسین ادیب

۱- رجال اصفهان، ص۱۷۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۰۳.

۲- ریحانه الادب، ج۴، ص۶۲؛ الذّریعه، ج۹، ص۶۵۱؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۱۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۶۲۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۷.

۴- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۲۷.

بجنوردی، شیخ محمد باقر زند کرمانی و دیگران بهره برد و سپس در مدارس دولتی به تدریس پرداخت. وی از فضلای بسیار پر تلاش و باذوق معاصر است و با همتی بلند شرح حال بسیاری از رجال عملی و دینی معاصر اصفهان و ایران را تدوین نموده. کتاب علوم و عقاید از او به چاپ رسیده، دو جلد اسفار را ترجمه کرده و در شعر گوهر تخلص می کند)

محمّدابراهیم شوکتی اصفهانی

محمّدابراهیم اصفهانی متخلّص به «شوکتی» از شعرای قرن یازدهم هجری است، در اصفهان ساکن بود. دو بار به هند رفت، و در دفعه دوم به دست پسر چوپان به قتل رسید. از او است:

از زلف علاج دل سودایی من کن این سلسله را گرم به رسوایی من کن

شمع و گل و پروانه و بلبل همه جمعند بی رحم بیا رحم به تنهایی من کن(۱)

محمّدابراهیم فارغ فروشانی

محمّدابراهیم فروشانی اصفهانی متخلّص به «فارغ»، شاعر ادیب از اهالی محلّه «فروشان» سده ماربین اصفهان بود، و مانند برادر خود عشرتی، شعر می سرود. سرانجام به هند رفت، و از ملازمان طوفان شد، سپس به لاهور رفت، و در آن جا وفات نمود، و مهستی خانم، همشیره طالب آملی او را با احترام دفن کرد؛ از او است:

فکرم به وصف آن قد رعنا نمی رسد کس را کمند فکر به آن جا نمی رسد

نتوان به وصف قامت او گفت مصرعی تا معنیی ز عالم بالا نمی رسد(۲)

حاج محمّدابراهیم قزوینی

حاج محمّدابراهیم قزوینی، از علماء و فقهاء و مجتهدین بزرگوار قرن سیزدهم هجری است. در

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۷۸؛ کاروان هند، ج ۱، ص ۶۵۸؛ تذکره حسینی، ص ۱۶۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۸۱؛ کاروان هند، ج ۲، صص ۹۷۱ ۹۷۲.

قزوین متولّد گردیده، و در آن جا و اصفهان تحصیل نموده، و از درس حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی بهره گرفته، و سیّد، جهت او در سال ۱۲۴۶ اجازه مفصّلی مرقوم فرموده، و در آن از وی ستایش بسیار نموده، و تصریح کرده است که مدّت ها خدمت او رفت و آمد می نموده، و به درس او حاضر می شده تا به درجه اجتهاد نائل شده است(۱). صاحب عنوان در شمار نزدیکان و مخصوصین سیّد حجّت الاسلام بوده، و حاج محمّدجعفر آباده ای با آن جلالت قدر، آرزوی مقام او را می نموده، و به حال او غبطه می خورده است.(۲) میرزا محمّدابراهیم قزوینی در مسجد آقانور در محلّه دردشت اقامه جماعت می نموده، و از آثار باقیه اش شبستان و مهتابی و هشتی و سردر و حوض خانه مسجد مزبور است. وی کتابخانه ای مفصّل و آبرومند داشته که پس از وفات ایشان پراکنده شد، و قسمتی از آن را به کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف اهدا شد.(۳)

قزوینی سرانجام در چهارشنبه ۲۹ محرّم ۱۲۶۱ق وفات یافت، و جنازه به نجف اشرف نقل، و در آن جا مدفون شد.(۴) شرح حدیث غمّامه را به این میرزا محمّدابراهیم قزوینی نسبت داده اند.(۵) [امّا این شخص باید عالم دیگری باشد؛ زیرا کاتب نسخه، محمّدحسین بن محمّدابراهیم که این کتاب را در سال ۱۲۶۳ کتابت نموده، و تعلیقات آن را در حاشیه آورده، در پایان حواشی نوشته است: «من الوالد سلّمه اللّه »؛ یعنی پدرش تا سال ۱۲۶۳ زنده بوده، حال آن که میرزا محمّدابراهیم قزوینی در سال ۱۲۶۱ق وفات یافته است].(۶)

محمّدابراهیم قمی

محمّدابراهیم قمی، خطّاط نسخ نویس معروف در قرن یازدهم هجری از اساتید بزرگ خط، و معاصر احمد نیریزی بوده، و در اصفهان مقیم بوده است. از آثارش کتابت نسخه ای است از قرآن مجید مؤرخ به سال ۱۱۱۷ق که آن را در اصفهان جهت نوّاب حاجیه زینب بیگم (ظاهراً بانی حمّام زینب بیگم) نوشته است. قرآن نام برده به شماره ۱۵۱۲ در آستانه مقدّسه رضویّه موجود می باشد. هم چنین قرآن دیگری به شماره ۱۱۰ق مورّخ ۲۵ ربیع الاوّل سال ۱۰۷۸ق(۷).

ابراهیم معتمدی*

ابراهیم معتمدی، از شعرای معاصر اصفهان است. از او است:

۱- الذّریعه، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲- تاریخ اصفهان، جابری، ص ۲۸۴.

۳- بیان المفاخر، ج ۱، صص ۲۴۵ ۲۴۸.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۱۰۰ ۱۰۱.

۵- الکرم البرره، ج ۱، صص ۳ ۴.

۶- مکارم الآثار، ج ۵، صص ۱۶۳۷ ۱۶۴۰.

۷- راه نمای گنجینه قرآن، ص۲۶۴.

خارم و با گلشنم همسایگی است آن چه رنجم می دهد بی مایگی است

دور از این دنیای پرنقش و نگار با نگار دیگری دارم قرار(۱)

محمّدابراهیم مقتول اصفهانی

ابراهیم بیک اصـفهانی متخلّص به «مقتول» شاعر ادیب، اصلاً از اصفهان بوده؛ ولی در جهان آباد هند متولّد شده است، و فنون شعر و ادب را از غلام همدانی مصحفی آموخته است.(۲)

سیّدابراهیم مقدّس

سیّـدابراهیم حسـینی سبزواری ساوجی معروف به «مقـدّس»، عالم زاهد متّقی، از اهالی ساوه بود، و پدرانش از سادات مختاری سبزوار به سـاوه مهـاجرت کرده بودنـد، و آقا سـیّدابراهیم از ساوه با اصـفهان آمـد. مرحوم سـیّد حجّت الاسـلام او را با احترام پـذیرفت، و در جنب منزل خود برای او خـانه ای تهیّه نمود. مشارٌالیه خواهر آقا میرسـیّد محمّـد شهشـهانی را به زوجیّت اختیار نمود، و بعد از سال ۱۲۵۰ق وفات یافت، و در قبرستان قبله دعا مدفون گردید.(۳)

میرزا ابراهیم نواب احمدآبادی

میرزا ابراهیم نوّاب احمدآبادی اصـفهانی، هنرمند نقّاش، از معاصـرین عنقا است که در نقّاشـی گل و بوته و تصویر حیوانات و درختان و تجسّم حالات آنان تخصّـص داشـته است. وی از سلسـله نوّاب های صـفوی است، [و در اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان وفات یافته است].(۴)

۱- هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۲۹۸، بیست و هشتم اردیبهشت ۱۳۷۳، ص۸.

۲- گلشن بی خار، ص۱۸۶.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۹۸؛ مزارات اصفهان، ص۳۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۹۰۹ ۹۱۰.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۰۱۷؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص۳۱۸ ۳۱۹.

ابراهیم بیک یوزباشی

ابراهیم بیـک یوزباشـی از بزرگان و امرای عهـد شاه سـلطان حسـین صـفوی است. از آثارش تعمیرات امام زاده اسـماعیل علیه السـلام اسـت که آن را در سـال ۱۱۱۱ق به پایـان رسانیـده است. کـتیبه منظـوم دور رواق بقعه در لوحه هـای کوچـک به خطّ نستعلیق بر زمینه لاجوردی به خطّ محمّدصالح اصفهانی قصیده ای است به شرح زیر:

از حکم دارای زمان سلطان حسین کامران معمار ارکان جهان شاهنشه فرمانروا

این منزل چون کعبه نو، از سعی ابراهیم شد سلطان داور کرد نو، مأوای اسماعیل را

این کعبه آیین صفا، از سعی ابراهیم شد الطاف سلطان نو نمود این حجر اسماعیل را(۱)

ابراهیم شاه طبیب اصفهانی

ابراهیم شاه طبیب، ساکن تبریز و از اهالی اصـفهان. وی در قرن دهم هجری می زیسـته، و اعتقاد تامّی به مجـذوبان و درویشان داشته، و در عین طبابت، خوشنویس زبردستی بوده است.(۲)

ابن ابی حاتم عبدالرّحمان

حافظ ابومحمّد عبدالرّحمان بن محمّد بن ادریس بن منذر بن داوود بن مهران اصفهانی معروف به ابن ا بی حاتم تمیمی نظامی از محدّثین، فقها و مفسّرین شافعی بوده، پدرش از اهالی قریه گز از بلوک برخوار بوده، و به ری رفته، و در آن جا ساکن شده است. تألیفـات بسـیاری داشـته از آن جمله است: ۱. تفسـیر قرآن ۲. الردّ علی الجهمیّـه ۳. الزّهد ۴. العلـل (برحسب کتب فقهی تقسـیم شده است) ۵. فوائـد الزّائرین ۶. الفوائد الکبری ۷. الکنی ۸. المسائل ۹. مسـند در حـدیث، در دو هزار جزء ۱۰. مقدّمه جرح و تعدیل، در چندین مجلّد ۱۱. مناقب شافعی. صاحب عنوان در سال ۲۴۰ق در ری متولّد [شده]، و در سال

۱- آثار ملی اصفهان، ص۷۵۵؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۲۱.

۲- روضات الجنان، ص۴۹۳.

۳۲۷ق وفات یافته است.(۱)

ابن ابی دُلَف دلف

دلف بن عبدالعزیز بن ابی دلف عجلی، معروف به «ابن ابی دُلَف» یکی از مشاهیر والیان عهد بنی عبّاس است.

وی والی اصفهان بوده، سرانجام با قاسم بن مهاه جنگیده، و در سال ۲۶۵ق به قتل رسیده است.(۲)

ابن ابی رزمه

ابن ابی رمزه، از محدّثین اصفهان است.(۳)

ابن ابی عاصم احمد

ابوبکر احمد بن عمرو بن عاصم ضحاک بن مخلد شیبانی معروف به «ابن النّبیل» و «ابن ابی عاصم» از محدّثین و فقهاء بوده، حافظه ای قوی داشته، در فتنه زنج، کتاب هایش در بصره از بین رفت، و او از حفظ، پنجاه هزار حدیث نوشت. تولّدش در سال ۲۰۶ق بود، و از سال ۲۶۹ تا ۲۸۲ در اصفهان منصب قضاوت داشت، در سال ۲۸۷ق وفات یافت. قریب به سی صد جلد کتاب تألیف کرده که ازجمله آن ها است کتاب های: ۱. الاوائل ۲. الآحاد و المثانی ۳. الدّیات، مطبوع ۴. السنه ۵. المسند الکبیر(۴).

ابن ابی علی اصفهانی محمّد

محمّد بن حسن بن احمد بن محمّد بن موسی اهوازی معروف به «ابن ابی علی اصفهانی»، از محدّثین عامّه است، متّهم به کذب است، و او را «جرّاب الکذب» لقب

۱- هدیه العارفین، ج۲، ص۵۱۳.

۲- الاعلام، ج۳، ص۲۱؛ الکامل، ج۷، ص۱۰۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۵.

۴- الاعلام، ج۱، ص۱۸۱؛ تذکره الحفّاظ، ج۲، ص۱۹۳؛ لسان المیزان، ج۴، ص۱۶۴.

داده اند.(۱)

ابن ابی فاطمه

ابن ابی فاطمه ورّاق، از نویسندگان قرآن بوده، و در نیمه اوّل قرن چهارم می زیسته است. (۲)

ابن ابی نواس عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن خالد معروف به «ابن ابی نواس» از محدّثین اصفهان است، وی از محمّد بن سهل بن صباح و ابی اسید روایت می کند. (۳)

ابن اخباری محمّد

حافظ ابوالعبّاس محمّد بن اسحاق بن ابراهیم طبری، از محدّثین است، به اصفهان آمده، و از همام و تمتام و محدّثین مصر حدیث روایت می نمود. (۴)

ابن اخوه بغدادی عبدالرّحیم

جمال الدّین ابوالفضل عبدالرّحیم بن احمد بن محمّد بن ابراهیم بن خالد بغدادی معروف به «ابن اخوه» از محدّثین عالی قدر شیعه در قرن ششم هجری است، در بغداد متولّد شد، و جت اخذ حدیث، به کاشان، خراسان، ری و طبرستان سفر کرد. او چهل سال در اصفهان بود، و سرانجام به شیراز رفت، در ۱۳ شعبان ۵۴۸ق در آن جا وفات یافت.

وی از ابوالسّعادات هبه اللّه بن شجری، ابوشجاع صابر بن حسین بن فضل بن مالک، شیخ ابوغانم عصمی هروی، شیخ ابوالفضل محمّد بن یحیی ناتلی، ابوعبداللّه حسین بن طلحه نعالی و ابوالخطّاب نصر بن احمد بن بطر و ابوالفوارس طراد زینبی عبّاسی اجازه نقل حدیث داشته، و از دختر شریف مرتضی اجازه روایت کتاب نهج البلاغه را دریافت

۱- میزان الاعتدال، ج۳، ص۵۱۶؛ الانساب، ج۱، ص۲۳۲.

۲- لغت نامه دهخدا، ذیل «ابن ابی فاطمه»، ص۲۸۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۸.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۵۷؛ طبقات المحدّثین باصفهان، ج۴، ص۳۰۴.

نمود. سدیدالدّین محمّد طوسی، عمادالدّین علیّ بن قطب راوندی، قطب الدّین سعید راوندی و ضیاءالدّین فضل اللّه علوی حسنی راوندی شاگردان او هستند.(۱)

ابن اسود احمد

احمد بن علویه کرانی (یا کرمانی) اصفهانی معروف به «ابن اسود کاتب»، از بزرگان، نویسندگان و دانشمندان شیعه و از مجاهرین شعرای اهل بیت علیهم السلام است. ابوحاتم سجستانی که خود از بزرگان شعر و ادب است، خطاب به اهل بصره می گوید: قسم به خدا این شاعر اصفهانی در محکم بودن اشعار و کثرت فوائد آن بر همه شما تفوّق یافته است. اشاره او به قصیده نونیّه موسوم به قصیده الفیّه در مدح حضرت علی علیه السلام با این مطلع است:

ما بال عینک ثره الانسان عبری اللحاظ سقیمه الافجان

وی از ابراهیم بن محمّد ثقفی همه مؤلّفات او را روایت می کند، و محمّد بن حسن بن ولید (م۴۲۳ق) و ابوعبداللّه حسین بن محمّد بن عامر بن عمران بن ابی بکر اشعری و محمّداحمد بن محمّد بن بشر، احمد بن محمّد بن بشیر، جلال بن بشیر رحال و ابوجعفر بن بابویه از او روایت می کنند. در عموم کتب رجال و حدیث و ادب، نام او به عظمت و بزرگی یاد شده است. وی از اصحاب ابوعلی لُغَذه بوده، و مدّت ها در خدمت احمد بن عبدالعزیز و دلف بن ابی دلف عجلی بوده، و از ندمای آنان محسوب می شده است. تولّدش در سال ۲۱۲ق، و وفاتش در حدود سال ۳۱۲ق یا یا ۳۲۱ق اتّفاق افتاده است. کتب زیر او است:

۱. الاعتقاد، یا دعاء الاعتقاد ۲. الفیّه، قصیده ای در هزار بیت، در مدح حضرت علی علیه السلام ۳. الرّسائل المختاره، در ادعیه ۴. الشّیب و الخضاب.

از اشعار او است:

حکم الغناء تسمع و مدام ما للغناء مع الحدیث نظام

۱- ثقات العیون، صص۱۵۸ ۱۵۹؛ الذّریعه، ج۱، ص۲۰۱؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۲۸۱ ۲۸۲؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، صص۳۰۰ ۳۰۱؛ امل الآمل، ص۴۸۰.

لو انّنی فاضٍ قضیتُ قضیه انّ الحدیث مع الغناء الحرام(۱)

ابن اُسَید اسحاق

ابـوالحسن اسـحاق بن محمّـد بن ابراهیم بن حکیم ابن اُسـید اصـفهانی از محـدّثین اصـفهان است. حافظ ابونُعیم دربـاره او می گویـد: «شـیخ ثبت صـدوق، عـارف بالحـدیث ادیب و لاـ یحـدث الاّ من کتابه». از حسن بن عثمان، محمّـد بن عاصم و ابوامّیه روایت کرده است، و احمـد بن عبیداللّه بن محمود، محمّد بن جعفر و محمّد بن عبیداللّه بن مرزبان از او حدیث نقل می کنند. کتاب الشّیوخ از تألیفات او است. وفاتش در رمضان ۳۱۲ق بوده است.(۲)

ابن اَشته*

«ابن اشـته» شهرت چندین تن از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. نسب این خاندان به شخصی به نام «اَشته» (به فتح اوّل و سکون دوم) منتهی می شود.

ابن اشته احمد

ابوالعبّاس احمد بن عبدالغفّار بن علیّ بن اشته حافظ اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است.

وی در ۴۱۰ق متولّد و در سال ۴۹۲ق وفات یافته است. از سعید بن محمّد نقّاش و ابوالحسن علیّ بن ابی حامد خرجانی روایت می کند، و ابونصر اسماعیل بن محمّد بن

۱- دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، صص۱۲۳ ۱۲۴؛ مزارات اصـفهان، ص۱۸۵؛ تاریخ تشـیّع اصـفهان، صص۲۰۷ ۲۱۰؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۳۸۳؛ الکنی و الالقـاب، ج۱، صص۲۱۲ ۲۱۳؛ رجال نجاشی، ص۶۴؛ رجـال ابن داوود، ص۳۴؛ مجمع الرّجال، ج۱، صص۱۲۵ ۱۲۶؛ بغیـه الوعـاه، ص۱۴۶؛ نوابـغ الرّواه، ص۳۶؛ فهرست، شـیخ طوسـی، ص۳۲؛ یتیمه الـدّهر، ج۳، ص۲۶۷؛ معجم الادباء، ج۴، صص۷۲ ۷۷؛ معجم رجال الحدیث، ج۲، صص ۱۵۱ ۱۵۲؛ الذّریعه، ج۲، صص۲۲۳ ۲۲۴؛ لغت نامه دهخـدا، ذیل «احمد»، ص۱۲۲۲؛ معجم المـؤلّفین، ج۱، ص۳۱۴؛ فرهنـگ بزرگان اسـلام و ایران، ص۴۶؛ هـدیه العارفین، ج۱، ص۵۷، معالم العلماء، ص۱۹؛ نقد الرّجال، ص۲۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۹؛ الاعلام، ج۱، ص۲۸۷.

احمـد رنـانی، ابوالفضـل ثـابت بن محمّـد بن فضـل صـفّار اصـفهانی، ابومحمّـد (ابوبکر) جـابر بن منصور بن محمّـد بن صـالح ویـذآبادی، ابومحمّـدحسن بن احمـد مـدینی، ابواحمـد عبـدالجبّار بن عصـمت و ابوغانم محمّـد بن حسـین بن حسن از او نقل حـدیث می نمایـد. ابوبکر مدین بن علیّ بن احمد تمیمی، ابونصـر نورج بن محمّد دیلمی و ابوطاهر واضح بن محمّد مدینی از مجازین و شاگردان او به شمار می روند.(۱)

ابن اشته احمد

احمد بن محمّد بن اشته مدینی، از محدّثین اصـفهان است. در مدینه (شهرسـتان) ساکن بوده، از عمرو بن محمّد ناقد و محمّد بن خالد واسطی روایت می کند، و ابوعلی صحّاف و احمد بن محمّد بن ابراهیم از وی روایت می کند.(۲)

ابن اشته خرّزاد

ابومنصـر خرّزاد بن اشـته، از محـدّثین اصـفهان است. وی از محمّـد بن عبّاس اخرم روایت می کند، و حافظ ابونُعیم از وی نقل حدیث کرده است.(۳)

ابن اشته عبدالرّحمان

ابومسـلم عبـدالرّحمان بن بشیر بن غیر بن اشـته مؤدّب، از محـدّثین اصـفهان است. حافظ ابونُعیم دربـاره او گویـد: «شـیخ ثقه صاحب اصول» وی از اسـحاق بن ابراهیم بن اسماعیل بُستی حدیث روایت می کند، و قتیبه بن سعید از او روایت می نماید. در خراسان و سجستان (سیستان) از محدّثین، حدیث فراگرفته است.(۴)

۱- مرآه الجنان، ج۳، صص۱۱۷ و ۱۵۴؛ التّحبیر، ج۱، ص۴۲۲ و ج۲، صص۱۱۷، ۳۳۰، ۳۵۰، ۳۵۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۹۵، ۱۰۳ و ۱۲۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۳۹۰ ۳۹۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۹.

ابن اشته محمّد

ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن محمّد بن اشته بوذری مقری اصفهانی، از دانشمندان علوم ادب و عربیت بوده، در سال ۳۶۰ق وفات یافته، تألیفاتی داشته از آن جمله است:

۱. اختلاف المصاحف [۲. المفید ۳. المحبر ۴. شواذّ القرائات(۱)].

ابن اشته محمّد

محمّد بن اشته، از محدّثین اصفهان بوده، و از نعمان بن عبدالسّلام روایت نموده است، مسلم بن سعید از او نقل حدیث نموده است.(۲)

ابن اصفهانی یحیی

ابوزکریّا یحیی بن عبدالرّحمان بن عبدالمنعم بن عبداللّه صقلی دمشقی شافعی معروف به «ابن اصفهانی» متوفّی به سال ۶۰۸ق در غرناطه از شهرهای اندلس (اسپانیا) مؤلّف:

۱. الخلافیّات بین شافعی و ابی حنیفه ۲. الرّوضه الانتیقه، در حدیث(۳).

ابن افرجه احمد

ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن یوسف بن یزید بن بُندار تیمی اصفهانی ضریر معروف به «ابن افرجه» و «ابوجعفر بن افرجه» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی از عمران بن عبدالرّحیم، سهل بن عبداللّه، ابراهیم بن مهد، یحیی بن مطرّف، یعقوب بن ابی یعقوب، ابراهیم بن حربی و عبداللّه روایت نموده است. او در سال ۳۵۳ق وفات یافت.(۴)

۱- هدیه العارفین، ج۲، ص۴۷؛ الاعلام، ج۶، ص۲۲۴؛ بغیه الوعاه، ص۵۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۸۹.

۳- هدیه العارفین، ج۲، ص۵۲۲.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱؛ مقتبس الاثر، ج۵، ص ۲۳۰.

ابن افرجه محمّد

حافظ ابوعلی محمّد بن ابراهیم بن یوسف بن یزید بن بُندار تیمی اصـفهانی معروف به «ابن افرجه» از محدّثین اصـفهان در قرن سوم و چهارم هجری بوده، و در سال ۳۰۷ق وفات یافته است.(۱)

ابن امّ هشام عقیل

عقیل بن ابراهیم معروف به «ابن امّ هشام» از محـدّثین اصـفهان است. برادر علیّ بن اصـفهانی مـدینی بوده، از محمّد بن بکیر و دیگران روایت می کند. علیّ بن صباح اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

ابن اورمه ابراهیم

ابواسـحاق ابراهیـم بن اُورمه بن سـیاوش بن فَرّوُخ حافـظ اصـفهانی از محـدّثین اصـفهان در قرن سـوم هجری بـود، در حفـظ و شناخت حدیث، سرآمد معاصران عصر خود بود، و اغلب محدّثان عراق و خارج از آن از او حدیث شنیده، و ضبط نموده اند. گویند در سال ۲۴۱ق در بغـداد وفات یافته است، و به قولی وفاتش بعد از سال ۲۷۰ق روی داد. از عاصم بن نضر و محمّد بن بکار و عبّاس بن عبدالعظیم و نصر بن علی حدیث نقل کرده است؛ امّا از او زیاد حدیث روایت نشده است، چون کتاب هایش در فتنه بصره آسیب دید.(۳)

ابن بابویه

ابـا محمّـد بن بـابویه اصـفهانی، از دانشـمندان قرن چهـارم هجری است. وی اسـتاد ابومحمّـد عبـداللّه بن یوسـف جـوینی پـدر ابوالمعالی جوینی بوده است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۶۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۴۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۴.

۴- معجم الادباء، ج۶، ص۱۹۳.

ابن بادشاله

ابن بادشاله اصفهانی، شیخ صدوق در اِکمال الدّین به اسناد خود اسامی جماعتی را یاد می کند که در زمان غیبت صغری موفّق به زیارت و رؤیت حضرت مهدی عجّل اللّه فرجه و معجزات ایشان شده اند که از آن جمله است ابن بادشاله از اصفهان.(۱)

ابن باغبان زکریّا

ابوالفتوح زکریّا بن علیّ بن محمّد بن عمر بقّال اصفهانی معروف به «ابن باغبان» از محدّثین قرن ششم هجری است. وی از ابوعبداللّه قاسم ثقفی استماع حدیث نموده، و در سال ۵۳۲ جهت ابوسعد سمعانی اجازه برای جمیع مرویّات و مسموعات خود به وسیله ابوالقاسم علیّ بن حسن نوشته است. (۲)

ابن باغبان محمّد

ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد بن عمر بن محمّد بن عمر بن قاسم بن عبداللّه بن اسحاق بن سندار بن اممی بن معدان بن خوشمردان صوفی اصفهانی معروف به «ابن باغبان» از محدّثین اصفهان است.(۳)

ابن البغدادی حسن

ابوعلی حسن بن علیّ بن احمد بن سلیمان معروف به «ابن البغدادی» از محدّثین است، راویان اصفهان و همدان از وی روایت می کنند. (۴)

ابن بامدویه علی

ابوالحسن علیّ بن احمد بن محمّد مقری خیّاط معروف به «ابن بامدویه» از محدّثین

۱- اعیان الشّیعه، ج۶، ص ۷۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۱۹۶.

۲- التّحبیر، ج۱، ص ۲۹۱.

۳- التّحبیر، ج۲، ص۷۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۷۴.

اصـفهان در قرن چهارم هجری بوده، و از ابن نصـیر، اسـحاق بن ابراهیم بن جمیل و سلم بن عصام بن اسلم نقل حدیث نموده، حافظ ابونُعیم اصفهانی از وی روایت می نماید. مشارٌالیه در سال ۳۵۷ در اصفهان وفات یافته است.(۱)

ابن بُندار اسعد

ابوذر اسعد بن حسین بن سعد یزدی معروف به «ابن بندار» از اساتید قرائت و تجوید در قرن ششم هجری بوده، و در اصفهان به تـدریس مشـغول، و مؤذّن مسـجد جـامع عتیق نیز بوده، و تألیفـاتی داشـته که از آن جمله است: غایه المنتهی و نهایه المبتـدی، المنتقی(۲).

ابن تلمیذ یحیی

معتمدالملک ابی الفرج یحیی بن صاعد بن یحیی، معروف به «ابن التّلمیذ»، حکیم طبیب نصرانی نسطوری، در عصر عبّاسیان به خلافت و مهارت در طب شـهرت داشـته، و در اصفهان می زیسته، و در ۵۵۶ وفات یافته است.(۳) او غیر از ابـوالحسن هبه اللّه بن صاعد بن ابراهیم بن علی اصفهانی معروف به ابن تلمیذ است.

ابن بوته حسن

ابوعلی حسن بن محمّـد بن حسـین بن یزیـد (زیـد) بن هزاری اشـعری، از محـدّثین قرن سوم و چهارم هجری. وی از احمـد بن بُدیل، موسی بن عبدالرّحمان و اسماعیل بن یزید روایت نموده است. او در سال ۳۱۲ق وفات یافت.(۴)

۱– ذکر اخبار اصفهان، ج۳، ص۲۰.

۲– الاعلام، ج۱، ص۲۹۳؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۲۴۶؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۶۴.

۳– ادباء الاطبّاء، ج۲، ص۱۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۲۹.

۴– ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۸؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۱۵۳.

ابن الجارود

ابوبکر بن جارود، از محدّثین اصفهان است. از عمرو بن سعید بن علی و عمرو بن سلیمان بن محمّد نقل احادیث نموده، و عبداللّه بن محمّد و ابومحمّد بن حیّان از وی روایت می کنند.

ابن جارود احمد

حافظ ابوجعفر احمد بن علیّ بن محمّد بن جارود، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. حافظ ابونُعیم اصفهانی درباره او گوید: «علّامه بالحدیث، مُتّقی صحیح الکتابه». وی در سال ۲۹۹ق فوت شده، و کتاب شیوخ و مسند از تألیفات او است.(۱)

ابن حریش عبدالواحد

ابوالقاسم عبدالواحد بن محمّد بن علیّ بن حریش اصفهانی، از شعراء و نویسندگان قرن پنجم هجری است، در اصفهان متولّد گردیده، در ری سکونت کرده، و در غزنه مشهور گردیده، و در سال ۴۲۴ در نیشابور وفات یافته است. ثعالبی وی را دیدار کرده، و او را به عنوان استاد یاد نموده، و نمونه ای از اشعارش را نقل کرده است.(۲)

ابن حسنویه محمّد

ابوعبداللّه بن حسن بن زیاد مقری خیّاط معروف به «ابن حسنویه» از محدّثین اصفهان است. از عبداللّه بن عبدالواحد خوارزمی و محمّد بن عیسی زجاج روایت می نموده است، و ابواسحاق بن حمزه از او نقل حدیث می نماید.(۳)

ابن حمزه اصفهانی

ابن حمزه اصفهانی، دیوان ابی تمام حبیب بن اوس طایی را در هفت نوع گردآوری

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۷؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۳، ص۵۶۴؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۱۹؛ تذکره الحفّاظ، ج۲، ص ۷۵۱.

۲- الاعلام، ج۴، ص۳۲۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۴۶.

کرده، و در سال ۱۲۹۲ق در قاهره و در سال ۱۸۸۹م در بیروت چاپ شده است.(۱)

ابن خاتون امامی

ابن خاتون امامی اصـفهانی، صاحب تفسـیر قرآن، جلـد اوّل آن در کتابخانه مجلس شورا موجود است. مؤلّفِ الـذّریعه احتمال می دهد مؤلّف، همان محمّدرضا خاتون آبادی باشد.(۲)

ابن خبّاز محمّد

ابومنصور محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم ورّاق معروف به «ابن خبّاز»، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از دارکی، ابن جـارود، فضـل بن خصـیب و محـدّثین هم طبقه او روایت کرده است. حافظ ابونُعیم از او روایت می کنـد. وی در سال ۳۶۰ق وفات نمود.(۳)

ابن خصیب عبداللّه

ابوبکر عبـداللّه بن محمّـد بن حسـین بن خصـیب بن صـفّار اصـفهانی، از محـدّثین قرن چهارم هجری است، در سال ۲۷۲ق در اصـفهان متولّد شد. از فقهای شافعی به شمار می رفت. عاقبت به مصر رفت، و در سال ۳۳۹ قضاوت آن جا را بر عهده گرفت، و در همین منصب باقی مانـد تا در سال ۳۴۸ یا به قولی ۳۴۷ وفات یافت. تألیفاتی داشـته از آن جمله است کتاب المجالسه در فقه شافعی.(۴)

ابن خوام بغدادی عبداللّه

عمادالدّین عبداللّه بن محمّد بن عبدالرّزّاق بغدادی حاسب معروف به «ابن الخوام» از دانشـمندان ریاضی و طب در قرن هفتم و هشتم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و

۱- فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه تهران، ج۳، ص ۲۷۱.

۲- الذّریعه، ج۴، ص۲۴۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۹۹.

۴- الاعلام، ج۴، ص۲۶۴ هدیه العارفین، ج۲، ص۴۴۶.

کتاب الفوائد البهاییّه فی القواعد اکسابیه را در دهه دوم شعبان ۶۷۵ق در اصفهان به نام خواجه بهاءالدّین محمّد بن شمس الدّین محمّد صاحب دیوان جوینی (حاکم اصفهان) تألیف نموده است. تألیف دیگر وی مقدّمه فی الطّب است.

کمال الدّین حسن فارسی از شاگردان او است، و کتاب الفوائد البهاییّه او را شرح کرده، و اساس القواعد نامیده است.(۱)

ابن خیّاط بغدادی عبداللّه

ابوعلی (یا ابوصالح) حسین بن فَرَج بغدادی معروف به «ابن خیّاط» از محدّثین قرن سوم هجری است.

به اصفهان آمد، و از واقدی از کتاب مبتداء و المغازی حدیث گفت. از ابن عُیینه، اَنس بن عِیاض، مَعن، جماد بن خالد، معمّر بن سلیمان رقّی، ولید بن مسلم، ابن عدی و وکیع حدیث نقل نمود. حافظ ابونُعیم از او روایت می کند.(۲)

ابن داوود محمّد

ابوبکر محمّد بن داوود بن علیّ بن خلف اصفهانی معروف به «ابن داوود»، فقیه، محدّث، ادیب، شاعر قرن سوم هجری و امام مذهب ظاهری. در بغداد مجلس درس داشته، و جمعی از ادبا و محدّثین از محضر او بهره برده اند. وی سرانجام در دوشنبه ۹ رمضان ۲۹۷ در سنّ ۴۲ سالگی وفات یافته است. کتب زیر از او است: ۱. الاغدار ۲. الانتصار ۳. الانذار ۴. اختلاف مسائل الصّحابه ۵. الزّهره، در ادبیّات، در بیروت به طبع رسیده است ۶. الوصول إلی المعرفه الاصول.(۳)

۱- الاعلام، ج۴، ص۱۲۶؛ الذّریعه، ج۱۶، صص۳۲۶ ۳۲۷؛ فهرست رضوی، ج۸، ص۲۵۱؛ کشف الظّنون، ج۲، ص۱۲۹۶؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۳۰۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۷۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲ ص۲۳۴.

۳- الاعلام، ج۶، ص۱۲۰؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۲۰۱۴؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۷۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابن داوود»، ص۳۰۸؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۴، صص۵۵۷ ۵۵۹؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۴۷۸؛ الوافی بالوفیات، ج۳، ص۵۸؛ النّجوم الزّاهره، ج۳، ص۱۷۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۹۷ ۵۹۸.

ابن دق احمد

احمـد بن محمّـد بن ابراهیم مـؤدّب معروف به «ابن دق» مردی ادیب فاضـل و محـدّث در سـال ۳۵۴ق در راه مکّه وفـات یافته است.(۱)

ابن دکّه احمد

ابوالعبّاس احمـد بن محمّـد بن حسن بن محمّـد بن دکه، از محـدّثین اصـفهان در قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۷۵ق وفات یافت.(۲)

ابن دکّه حسن

ابوعلی حسن بن محمّد بن دکّه معدّل، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری است. وی از حُمید بن مسـعده، محمّد بن سـلیمان لوین، ابومسـعود و عمرو بن علی روایت می کنـد. حافظ ابونُعیم او را «ثقه و صـدوق» دانسـته است. در ماه شـعبان سال ۳۱۴ق وفات یافت.(۳)

ابن دکّه محمّد

ابوجعفر محمّـد بن حسن بن محمّـد بن دکّه معـدّل، از محـدّثین اصـفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّـد بن عبداللّه بن حسن و ابوالعبّاس هروی روایت نموده است.

ابن دَلّویه مدینی حسین

ابوسهل حسین بن ابراهیم بن دَلّویه مدینی، از محدّثین اصفهان است. ابوبکر جوهری از او حدیث نقل می کند.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۶۹؛ طبقات المحدّثین، ج ۴، ص ۲۵۳ سیر اعلام النّبلاء، ج ۱۴، ص ۴۵۶.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۰.

ابن راهویه اسحاق

اسحاق بن راهویه، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. حسن بن مهران از وی نقل حدیث نموده است. کتاب مسند نیز از تألیفات ابن راهویه است که نزد جعفر بن محمّد بن موسی بن تمیم بن عبده بوده، و از آن جا نقل حدیث نموده است.(۱)

ابن رُسته*

«ابن رُسته» نام خاندانی معروف و معتبر در اصفهان در قرون سوم تا ششم هجری است. اغلب افراد این خاندان در فقه و حدیث نام آور شده اند، معروف ترین شخص این خاندان احمد بن عمر بن رسته صاحب کتاب الاعلاق النّفیسه است.

ابن رسته ابراهیم

ابراهیم بن حسن بن یزید بن مهران، از محدّثین خاندان ابن رسته در اصفهان است. وی در محلّه جُرواآن اصفهان ساکن بوده است.(۲)

ابن رسته ابراهیم

ابراهیم بن ابان بن رسته مدینی، از محدّثین اصفهان است. از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و در سال ۳۳۹ق وفات یافته است. از ابومسلم کشی و محمّد بن عثمان بن ابی شیبه و محمّد بن مغیره صائغ و دیگران روایت می نموده است.(۳)

ابن رسته احمد

احمد بن رسته بن عمر، از محدّثین اصفهان و دختر زاده محمّد مغیره است. از ابراهیم هروی و شاذکونی روایت می نموده، و در سال ۲۹۳ق وفات یافته است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۲۴۷ و ۲۶۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۵؛ طبقات المحدّثین، حافظ ابی الشّیخ، ج۴، ص۳۲۷؛ فرهنگ نامه پارسی، ص۵۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۴.

ابن رسته احمد

ابوعلی احمد بن عمر بن رسته، از دانشمندان قرن سوم هجری است. تا سال ۳۱۰ق زنده بوده، و در این سال پس از مسافرت به حجاز، کتاب الاعلاق النّفیسه را تألیف نموده است. این کتاب، دائره المعارفی شامل علوم مختلف به خصوص در جغرافیا بوده، و از هفت جلد آن فقط جلد هفتم آن باقی مانده، و متن آن در اروپا و ترجمه فارسی آن در ایران، طبع گردیده است.((۱)

ابن رسته احمد

احمد بن عبداللّه بن عمر بن یزید زُهری اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری بوده، و از عموی خود عبدالرّحمان بن عمر رسته روایت می کند، و کسی از او روایت نکرده است.(۲)

ابن رسته احمد

ابوحامد بن محمّد بن علیّ بن رسته متوفّی قبل از سال ۳۶۰ق از مشایخ صوفیّه، و از محدّثین به شمار می رود، و به جمال صوفی معروف است.(۳)

ابن رسته ازهر

ابومحمّد ازهر بن رسته بن عبداللّه مُکتب، از محدّثین اصفهان و متوفّی به سال ۲۸۶ق است. وی از ابوالحسین محمّد بن بکیر حضرمی و سهل بن عثمان و سعدویه روایت می کند، و عبدالرّحمان بن محمّد بن سیاه و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او روایت می کنند.(۴)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۳۱۲؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۹۲۵؛ دائره المعارف فارسی، ج۱، ص۱۹؛ معجم المطبوعات، ج۱، ص۱۰۷؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۴، صص۵۷۴ ۵۷۵؛ اثرآفرینان، ج۱، ص۱۱۳؛ تاریخ ادبیّات عرب، بهروز؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۳۸۶، آداب اللّغه العربیه، ج۲، ص۵۱۳؛ تاریخ علوم اسلامی، ص۱۲۹؛ تاریخ ادبیّات عرب، عبد الجلیل، ص۱۶۵؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۳، ص۵۵۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۴؛ اللّباب، ج۲، ص۲۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵؛ فرهنگ نامه پارسی، ص۵۳۸؛ طبقات المحدّثین، ابوالشّیخ، ج۳، ص۱۳۱.

ابن رسته جبله

جبله بن رسته، گوید مردی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم اصفهان فرائض و سنن می آموخت.(۱)

ابن رسته حسن

ابوسعید حسن بن عبدالرّحمان بن عمر بن یزید زهری، از محدّثین اصفهان است، پدرش به ابن رسته شهرت داشت، خود او در سال ۲۶۳ق وفات یافت.

از ابوعلقمه فروی، حاتم بن عبیـداللّه، عثمان بن هیثم، علاء بن عبـدالجبّار و علیّ بن مـدینی روایت نموده، و عبـداللّه بن جعفر، محمّد بن احمد بن یزید و محمّد بن عمر بن حفص از او روایت می کنند.(۲)

ابن رسته رسته

رسته بن ابی الابیض ضـریر اصـفهانی، از شعراء و بلغای اصفهان در قرن دوم هجری بوده، و به قول حمزه اصفهانی شعرهایش شبیه ترین به اشعار بشار بن برد بوده است. وفاتش در سال ۱۷۵ق روی داد.

از اشعار او است:

قد مات کلّ نبیل و مات کلّ نبیه

و مات کلّ ادیب و فاضل و فقیه

لا یوحشنک طریق کلّ الخلایق فیه(۳)

ابن رسته سعید

سعید بن اشکیب بن کوفی بن رسته [از محدّثین قرن سوم هجری بوده] و از ابوالولید،

۱- ذکر اخبار اصفهان، ص۷۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۷.

۳- معجم الادباء، ج۱، ص ۱۴۱.

سعید بن یحیی، سلیمان شاذکونی و مقری روایت می کند، و محمّد بن عمر بن حفص از او روایت می نماید.(۱)

ابن رسته عبدالرّحمان

ابوالحسن عبدالرّحمان بن عمر بن رسته اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است، وفاتش در سال ۲۴۶ و یا ۲۵۰ق واقع شده است. از یحیی قطان، عبدالرّحمان بن مهدی و سفیان بن عیینه روایت می کند.

جمعی از محدّثان نیز از او روایت می کنند ازجمله: ابن واره، ابوحاتم رازی، ابوزرعه، اسماعیل بن عبداللّه، عبداللّه بن احمد بن اُسید، علیّ بن خلف کاشانی و برادرزاده اش احمد بن عبداللّه بن عمر.(۲)

ابن رسته عبدالرّحمان

عبدالرّحمان بن محمّد بن خصیب بن رسته ضبّی جُرواآنی، متوفّی به سال ۳۸۶ یا ۳۸۷ از محدّثین اصفهان است. وی از زبیبی، دارکی و ابی عمرو بن عقبه روایت نموده است.(۳)

ابن رسته عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن عمر بن یزید بن کثیر زهری، برادر رسته، و خود از محدّثین اصفهان است. مصنّفات بسیاری داشته است. در سال ۱۸۷ق متولّد، و در سال ۲۵۲ق در کرج وفات یافته، و در اواخر عمر قاضی کرج بوده است.

وی از حماد بن مسعده، معاذ بن معاذ، محمّد بن بکر، حسن بن حبیب بن ندبه، عبداللّه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۲۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۹؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۱۳؛ محاسن اصفهان، ص۲۱؛ اللّباب، ج۲۵۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۲۳؛ معجم البلدان، ج۲، ص۱۳۰؛ اللّباب، ج۱، ص۲۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵.

بن عصام و عبید بن واقد روایت می کند، و ابوعبداللّه محمّد بن یعقوب غزال و احمد بن علیّ بن جارود از او روایت کرده اند.(۱)

ابن رسته عبداللّه

عبداللّه بن محمّد بن عمر بن یزید زهری، برادرزاده رسته است، و از پدر و عمویش حدیث نقل نموده است.(۲)

ابن رسته عبیداللّه

ابوعمرو عبیداللّه بن عمر بن یزید قطّان، برادر رسته است، و از محدّثین بود، و در سال ۲۳۶ق وفات یافت. اینان چهار برادر بودند، و عبیداللّه از همه بزرگ تر بود. از جریر، وکیع، یحیی قطّان، ابن عدی و عبدالوهاب روایت می کرد.(۳)

ابن رسته علی

ابوالحسن علیّ بن جبله بن رسته بن جبله تمیمی، از محدّثان اصفهان است، وی در سال ۲۹۱ق فوت شده است. او از اسماعیل بن ابی اویس و محمّد بن بکیر روایت می نماید، و سلیمان بن احمد و محمّد بن احمد بن عبدالوهاب از او روایت می کنند.(۴)

ابن رسته عمر

عمر بن یزید زهری، از محدّثین اصفهان است. از ابوداوود و نعمان بن عبدالسّلام حدیث شنید، [فرزندانش محمّد، عبداللّه، عبیداللّه، و عبدالرّحمان از محدّثین به شمار می رفتند].

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۶۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۸.

ابن رسته محمّد

محمّد بن ابراهیم بن حسن بن رسته اصفهانی معروف به محمّد ممویه از محدّثین اصفهان بود، و از اصمعی روایت می کرد.(۱)

ابن رسته محمّد

محمّد بن احمد بن حسین، از علماء اواخر قرن ششم از خاندان رسته است، و از مشایخ ابن صیقل به شمار می رود.(۲)

ابن رسته محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن اسحاق بن ماهان مسوحی، از محدّثین بوده، و داماد رُسته است. در دینَوَر ساکن بوده، و همان جا فوت شده است.(۳)

ابن رسته محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن عبداللّه بن رسته بن حسن بن عمر بن زید جنبی مدینی از محدّثان قرن سوم هجری است. وی در طلب حدیث به عراق و ری سفر کرد.

وفاتش در سال ۳۰۱ق واقع شده. ابواسحاق بن حمزه و ابومحمّد از او حدیث نقل می کنند.(۴)

ابن رسته محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن عمر بن یزید زهری، برادر رسته، از محدّثین اصفهان است. وی در

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۰۷؛ طبقات المحدّثین، ابی الشّیخ، ج۳، ص۱۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵.

۲- منتخب المختار، ص۱۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۰۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۵.

واقعه وبای سال ۲۶۳ در ۹۲ سالگی وفات یافت. از حسین بن حفص، بکر بن بکار و دیگران حدیث شنیده است.(۱)

ابن ریذوس، علی

ابوالحسن علیّ بن صباح بن علی اصفهانی معروف به «ابن ریذوس» از محدّثین و حافظان حدیث بوده، از جُبَّر روایت می نموده است. محمّد بن جعفر بن یوسف، و ابراهیم بن عامر بن ابراهیم از او نقل حدیث می کنند.(۲)

ابن ریذه، محمّد

ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن ریذه اصفهانی معروف به «ابن ریذه» از محدّثین اصفهان بوده، و مافرّوخی در کتاب خود، او را در شمار دانشمندان حدیث و کلام که متقدّم بر مافرّوخی بوده اند آورده است.(۳) ابوالفتح مسعود بن احمد اسفینقانی نیشابوری(۴)، فاطمه جوزدانیّه و اسعد بن سعید از او حدیث روایت کرده اند: تولّدش در سال ۴۴۰ق بوده، و سال وفاتش به دست نیامد.(۵)

ابن زر، احمد

احمد بن محمّد بن زر اصفهانی واعظ، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم و پنجم هجری است.

ابن حجر عسقلانی او را معتزلی دانسته، و شیخ آقابزرگ گوید: اعتزال، سپر تشیّع او بوده، و به خاطر تقیّه، رویّه معتزله را پیشه ساخته است. وی در سال ۴۲۲ق وفات یافت.(۶)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۸۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، صص۱۰ و ۱۳.

۳- محاسن اصفهان، ص۲۹

۴- معجم البلدان، ج۲، ص ۱۸۰.

۵- جعفر بن ابیطالب، ص۲۵.

۶- لسان المیزان، ج۱، ص ۳۳۰؛ النّابس، ص۲۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص ۲۶۱.

ابن زراه، اسماعیل

اسماعیل بن زیاد بن عبید خزاعی معروف به «ابن زیاه» ازجمله حفّاظ و نویسندگان حدیث بود که جهت اخذ آن، مسافرت ها نمود، و سرانجام در سال ۲۷۳ق در جوانی وفات یافت.

ابوعبدالرّحمان مُقری و ابوعلیّ بن ابراهیم از او روایت می کنند. ابن زراه خود، از عبید بن محمّد بن هارون فریانی و حمید بن موسی رازی نقل حدیث می کند.(۱)

ابن زرقویه ابواللطیف

شیخ الاسلام منیرالدّین ابواللّطیف بن احمد بن احمد بن ابواللّطیف زرقویه اصفهانی، از محدّثین و فقهای اصفهان در قرن پنجم هجری، در خوارزم ساکن بوده، جمعی از فضلاء و بزرگان شیعه همچون شیخ منتخب الدّین از شاگردان اویند، شیخ منتخب الدّین از او به عنوان «مناظرٌ فقیهٌ دینٌ» یاد کرده است. صاحب عنوان از قاضی ابوالمعالی احمد بن علیّ بن قدامه نحوی و ابن قدامه از سیّدمرتضی علم الهدی کلّیه تصنیفات علم الهدی را روایت می کند.(۲)

ابن زکریّا عبدالوهاب

ابوسعید عبدالوهاب بن زکریّا بن ابوزکریّا معدّل از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از حسین بن حفص، ابوداوود، ازهر، عبداللّه بن بکر سهمی و قَعْنَبِی روایت می کرد. مطیّن از او نقل حدیث نموده است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۲؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۸۰.

۲- الفهرست، منتخب الدّین، ص۹۹؛ ریاض العلماء، ج۵، ص۵۰۸؛ اعیان الشّیعه، ج۶، ص۱۰۹، ثقاه العیون۸؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۸۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۲۸۹.

ابن زکریّا عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن زکریّا بن یحیی بن ابوزکریّا، از محدّثین ثقه و صاحب تصنیفات بوده، و در سال ۲۸۶ وفات یافته است. از سهل بن بکار، ابوالولید طیالسی، محمّد بن بکیر، اسماعیل بن عمرو بجلی و ابوخالد رملی روایت می کرده، و محمّد بن یحیی بن منده، احمد بن اسحاق، احمد بن ابراهیم بن یوسف و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او روایت می کنند.(۱)

ابن زنجویه احمد

ابوبکر احمد بن محمّد بن زنجویه اصفهانی معروف به ابن زنجویه، از محدّثین اصفهان است. ابومنصور شهردار بن شیرویه دیلمی از او حدیث شنیده است.(۲)

ابن زنجویه عبدالرّحمان

ابومنصور عبدالرّحمان بن محمّد بن موسی بن زنجویه ابهری ادیب معروف به «ابن زنجویه» از محدّثین اصفهان است، اصلاً از قریه «ابهر» جی اصفهان است، از ابی الشیخ عبداللّه بن محمّد بن جعفر حدیث شنیده، و محمّد بن احمد بن خالد خبّاز و محمّد بن ابراهیم عطّار از او روایت می نمایند.(۳)

ابن زیله حسین

ابومنصور حسین بن محمّد بن عمر بن زیله [یا حسین بن طاهر بن زیله] در فنون حکمت و موسیقی و ریاضی توانا بوده، و از شاگردان و مصاحبان شیخ الرّییس ابوعلی سینا در اصفهان به شمار می رفته، و در سال ۴۴۰ (و یا ۴۴۳ق) در سال های جوانی در اصفهان فوت شده است. گویند او مجوسی بوده، [حال آن که نام پدر و جدّش خلاف آن را ثابت می کند]، کتب زیر را از تألیفات وی ذکر می کنند: ۱. [الاختصار من طبیعیّات الشّفا] ۲.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۶۱؛ الاعلام، ج۴، ص ۲۶۱؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۴۳.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۲۹؛ تذکره الحفّاظ، ج۴، ص۱۲۹۹؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۶، ص۴۱۴.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

تفسیر حیّ بن یقظان تألیف ابن سینا، [که قدیمی ترین نسخه آن در کتابخانه احمد ثالث استانبول موجود است]، و نسخه ای از آن هم در کتاب های اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه تهران، و نسخه ای دیگر در کتابخانه مجلس موجود است، و یک بار هم در سال ۱۹۵۵م در مجلّه المجمع اسلامی العربی بدمشق به چاپ رسیده است ۳. الکافی فی الموسیقی [که قدیمی ترین نسخه آن در کتابخانه رضا رامپور هند موجود است، و نسخه ای کهن از آن در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می شود. این کتاب در سال ۱۹۶۴ در قاهره به چاپ رسیده است] [۴. المجموع فی الالهیّات که نسخه ای از آن در دارالکتب قاهره موجود است ۵. کتاب فی النّفس].(۱)

ابن سابق محمّد

محمّد بن سعید، معروف به «ابن سابق» از محدّثین اصفهان است.(۲)

ابن سالم مؤذّن

ابن سالم مؤذّن مسجد جامع اصفهان، از محدّثین بوده، و نام او مشخّص نیست. برخی گفته اند نامش عبداللّه بوده است.(۳)

ابن ساوجی محمّد

ابوالمحاسن محمّد بن سعد بن محمّد نخجوانی معروف به «ابن ساوجی» شاعر، ادیب، خطّاط و دانشمندان قرن هشتم هجری.] اصلاً از اهالی نخجوان است. ظاهرا مدّتی

۱- نام آوران فرهنگ ایران، ص ۵۰؛ فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه، ج ۳، صص ۱۰۵ و ۲۰۹؛ فهرست کتابخانه مجلس، ج ۱۲، ص ۲۲۶؛ ج ۳، صص ۳۷۹ و ۲۵۷؛ درّه الاخبار، ص ۵۹؛ تاریخ موسیقی نظامی ایران، ص ۸۰؛ اثر آفرینان، ج ۱، ص ۱۱۴؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج ۴، صص ۶۱۸ ۶۱۹؛ کشف الظّنون، ص ۸۶۲؛ سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران، ج ۱، ص ۱۶۴؛ فرهنگ معین، ج ۵، ص ۱۵۲؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، «ابن زیله»، ج ۳، صص ۶۴۹ ۶۵۰؛ نزهه الارواح، ص ۳۸۶؛ دائره المعارف دانش بشر، ص ۱۵۸۶؛ الاعلام، ج ۲، ص ۲۷۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۸۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۵۰.

در ساوه بوده، سپس در سلطانیه اقامت گزیده، و سرانجام به اصفهان آمده است. در نوشتن خطّ نسخ مهارت داشته، و آثاری را کتابت نموده است].

کتب زیر از آثار او است: ۱. ترجمه المسالک و الممالک اصطخری، مطبوع ۲. ترجمه حلّ المشکلات حکیم طمطام هندی، از هندی به فارسی، که در سال ۱۳۱۲ق در بمبئی چاپ سنگی شده است. ۳. درّه المعانی فی ترجمه نثر اللّئالی، که ترجمه ای منظوم است، و در سال ۷۳۲ق به نظم کشیده است، و در سال ۱۳۱۵ق در استامبول به چاپ رسیده است. فرزندش ابوطاهر محمّد نیز از ادباء و فضلاء بوده است.

سال وفات او به دست نیامد؛ ولی تا سال ۷۳۲ق در قید حیات بوده است.(۱)

ابن سلم رازی عبدالرّحمان

ابو یحیی عبدالرّحمان محمّد بن سلم رازی معروف به «ابن سلم» از محدّثین مقبول القول و مورد وثوق و چندی امام جامع اصفهان بوده، در سال ۲۹۱ق وفات یافته است. از او کتاب تفسیر و کتاب مسند باقی مانده است. از محمّد بن عبید محاربی و سهل بن عثمان روایت کرده، و جمعی همچون سلیمان بن احمد و عبدالرّحمان بن محمّد بن سیاه از او روایت می کنند.(۲)

ابن سمویه احمد

ابوبکر احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن سمویّه، از طبقه محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وفاتش بعد از سال ۳۷۱ روی داده است. وی از دارکی، فضل بن نصیب و برادرزاده ابی زرعه روایت می کند.(۳)

۱- الذّریعه، ج۷، ص۷۴؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ج۲، ص۱۴۱؛ دانشمندان آذربایجان، ص۲۱؛ مجموعه کمینه، صص۳۰۵ ۳۰۶؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۲۵۰؛ تاریخ نظم و نثر، ص۷۷۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۱۷۰؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۲۵۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۲؛ الاعلام، ج۴، ص۹۹؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، ص۹۳۸؛ تهذیب التّهذیب، ج۱۱، ص۸۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۱، ص۱۴۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۳.

ابن سینا حسین*

شرف الملک شیخ الرّییس ابوعلی حسین بن عبداللّه بن سینا معروف به «ابن سینا» و «ابوعلی سینا». شرح حال او مطابق آن چه خود املاء فرموده، و شاگرد مخصوص او شیخ عبدالواحد بن عبید جوزجانی تحریر و تکمیل نموده، به طور اجمال به قرار زیر است:

پدرش از اهالی بلخ بوده، و در زمان امیر نوح سامانی عامل دهکده خرمیثن از دهات بخارا شد، و با دختری به نام ستاره، اهل روستای «افشنه» در حوالی خرمیثن ازدواج کرد، و ابن سینا در سال ۳۷۰ق در آن روستا متولّد گردید، و در پنج سالگی با خانواده به بخارا آمد.

او در همان کودکی، نبوغ، حافظه قوی و استعداد شگرف خود را به نمایش گذاشت، و تا سنّ ده سالگی در فنون ادب، لغت، قرآن، اصول دین و احکام فقه تحصیل نمود. حساب و هندسه را نزد مردی سبزی فروش، و فقه را نزد اسماعیل زاهد فراگرفت. در این هنگام بود که دانشمندی عالی قدر به نام ابوعبداللّه ناتلی طبرستانی به بخارا آمد، و پدر ابن سینا فرزند را نزد او فرستاد تا منطق و هندسه را نزد او تکمیل کند. پس از رفتن ناتلی از بخارا، او حکمت طبیعی و طب را نزد ابوسهل مسیحی جرجانی (و یا به قولی ابومنصور حسن بن نوح قمری) فرا گرفت.

او در هفده سالگی از فرا گرفتن علوم، مستغنی شد، و خود دانشمندی جامع و علّامه به شمار می رفت، و به خصوص در طب، صاحب مهارت، و در علاج امراض صعب العلاج در اطراف و اکناف، شهرت بسیار به دست آورد. بوعلی پس از آن به مطالعه مابعدالطّبیعه ارسطو پرداخت؛ امّا آن را سخت غامض و دشوار یافت. امّا تصادفا در بازار صحّافان، کتاب اغراض مابعدالطّبیعه ابونصر فارابی را یافت، و جمله مشکلات علمی او حل شد.

در حدود سال ۳۸۷ق امیر نوح سامانی سخت بیمار شد، و ابن سینا او را درمان کرد، و به این خاطر، اجازه یافت تا از کتابخانه دربار سامانی استفاده کند. او از سنّ ۲۱ سالگی دست به تحقیق و تألیف زد.

پس از آن که کار امیران سامانی به ضعف گرایید و ترکان غزنوی به بخارا دست یافتند، روزگار را ناموافق طبع آزاده کیش خود دیده، روانه گرگانج (جرجانیه) شد، و به خدمت

علیّ بن مأمون خوارزمشاه درآمد، و مورد احترام فراوان شاه و وزیر او قرار گرفت. پس از آن در سال ۴۰۳ق به جرجان (گرگان) رفت تا به حضور شمس المعالی قابوس وشمگیر، از امیران زیاری برسد؛ امّا او کشته شده بود. در جرجان، ابوعبید جوزجانی به او پیوست، و پس از آن، همواره در کنار استاد بود. در حدود ۴۰۶ق از جرجان به ری رفت، و به خدمت سیّده همسره فخرالدّوله دیلمی و پسرش مجدالدّوله حاضر شد. چندی بعد به همدان رفت، و شمس الدّوله دیلمی را که بیمار بود، درمان کرد، و به وزارت دست یافت؛ امّا مخالفان شمس الدّوله و شیخ الرّییس، همواره آنان را تهدید می کردند، و شیخ در بیم و ترس به سر می برد.

پس از مرگ شمس الدّوله، پسرش سماءالدّوله به جای او نشست، در این هنگام، بوعلی با علاءالدّوله کاکویه حکمران اصفهان و رقیب سماءالدّوله مکاتبه می کرد؛ لذا او را گرفته، و در قلعه فرجان دربند کردند. پس از چهار سال، علاءالدّوله به همدان تاخت، و شیخ از حبس آزاد شد. عاقبت او در لباس درویشان از همدان گریخت، و به اصفهان آمد، و حدود پانزده سال در این شهر به تحقیق، تألیف و تدریس پرداخت. شاگردان زبده ای چون ابوعبداللّه معصومی و ابن زیله نزد او تربیت شدند.

ابن سینا از طرف علاءالدّوله مأمور شد که رصد و تهیّه تقویم را به عهده بگیرد. او این کار را به شاگردش ابوعبید سپرد، امّا سرانجامی نیافت. او تعدادی از آثارش را همچون تعلیقات، رساله آلات رصدی شفا (قسمت مجسطی، هندسه، هیأت، ارثماطیقی، موسیقی و سایر فنون، ریاضی) مبدأ و معاد و غیره را در اصفهان تألیف نمود.

در سال ۴۲۱ق سلطان مسعود غزنوی به دستور پدرش سلطان محمود به اصفهان تاخت، و علاءالدّوله را از اصفهان راند، و آن جا را غارت نمود، و مردم آن را قتل عام کرد. در این فتنه شوم، منزل و کتابخانه شیخ غارت شد، و بار دیگر به دستور سلطان مسعود که پس از مرگ پدر به جای او نشسته بود، بوسهل حمدی و تاش فراش در سال ۴۲۵ق به اصفهان تاخت، و قتل و غارت در این شهر را تجدید کرد، و کتاب های کتابخانه علاءالدّوله که مصنّفات شیخ الرّییس در آن موجود بود، به یغما برد، و به غزنه فرستاد که متأسّفانه چند سال بعد طعمه کینه توزی علاءالدّین غوری گردید، و به آتش کشیده شد.

سرانجام ابن سینا در سفری که به همدان می رفت، به بیماری قولنج مبتلا شد، و هرچه معالجه کرد، فایده ای نبخشید، و او در شنبه ۶ شعبان یا جمعه اوائل رمضان ۴۲۸ق در بین راه وفات یافت. پیکرش را به همدان بردند، و در آن جا دفن کردند، و چندی بعد جسد او را به اصفهان نقل کرده، و در دروازه کون گنبد (یا تخت گنبد) مدفون ساختند.

در قرن اخیر، پیرامون آرامگاه ابن سینا بحث ها و مناقشات فراوان درگرفته، و جمعی معتقد به وجود قبر او در همدان، و جمعی معتقد به وجود آرامگاه او در اصفهان بودند. در اصفهان، دو موضع از قدیم الایّام ما بین مردم اصفهان به نام قبر ابوعلی سینا شهرت داشته است: اوّل: مدرس ابن سینا، که گنبدی آجری بر روی اتاقی چهارگوش بوده، و گویند محل تدریس او بوده، و محلّ قبر او را در آن جا نشان می دهند، و مطابق نقل اهالی محل، سنگ نوشته ای بر روی قبر بوده که مالک آن بنا، سنگ نوشته را ناپدید ساخته است.

دوم: در پشت مسجد شیخ لطف اللّه اصفهان، در جایی که تیمچه حیدر خوانده می شود، و در قدیم، جزو محلّه تخت گنبد و در حوالی حمّام و مسجد دوشنبه دین و باغ خلفا و کوچه باقالی فروشان قرار داشته، گفته می شود مدرسه خواجه ملک وجود داشت، و قبر ابن سینا با سنگ لوح دیده می شد که سنگ نوشته آن را به جایی نامعلوم بردند.

محقّقین و مورّخین اصفهان، همچون استاد همایی و محمّد صدر هاشمی برای اثبات وجود قبر ابن سینا در اصفهان و احداث آرامگاهی شکوهمند بر مزار او تلاش بسیار کردند؛ امّا عاقبت، حکومت آن زمان، ضمن برپایی مراسم هزارمین سال تولّد ابن سینا، در همدان آرامگاهی بر سر قبر منسوب به او برپا ساخت.

فایده: در مجموعه شماره ۱۰۱ کتابخانه آیت اللّه مرعشی، رساله شماره ۲: ترجمه حال ابن سینا، از نویسنده ای نامعلوم، که حیدر بن علیّ بن اسماعیل بن عبدالعالی هاشمی کرکی در سه شنبه ۲ ذی قعده ۱۰۷۲ق کتابت نموده، بیوگرافی او را به طور مختصر می نویسد، و پس از ذکر مؤلّفات او در آخر می گوید: ابن سینا در همدان مرده، و در آن جا دفن شده، و پس از آن، جنازه اش را به اصفهان نقل کردند.

در باب مذهب ابن سینا می توان گفت به لحاظ رواج فراوان مذهب اسماعیلی در بخارا و به خصوص در دربار سامانی، رفت و آمد پدر ابن سینا در محافل اسماعیلیان، و شواهد و

قرائن دیگر، ابن سینا شیعه بوده است. این رباعی از او است:

از قعر گل سیاه تا اوج زحل کردم همه مشکلات گیتی را حل

بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل هر بند گشاده شد مگر بند اجل(۱)

ابن شاذویه احمد

ابوبکر احمد بن ابراهیم بن عبداللّه بن کیسان ثقفی اصفهانی معروف به «ابن شاذویه» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او نابینا بوده، و از اسماعیل بن عمرو بجلی نقل حدیث نموده است. وفات او در سال ۲۹۱ق واقع شد.(۲)

ابن شاذویه حسن

ابوبشر حسن بن عطاء بن یزید بن شاذویه و او را شاذان و شاذه نیز گفته اند. از اهالی محلّه «جُرواآن» اصفهان و از طبقه محدّثین بوده، از ابی داوود، بکر بن بکار، حسین بن حفص، خلف بن ولید، عامر بن ابراهیم و محمّد بن صبیح روایت می کند، و احمد بن حسین انصاری و محمّد بن احمد بن یزید از وی روایت می کنند. صاحب عنوان، از شیعیان و موالیان خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده، ابونصیب درباره او گوید: «کان یتشیّع»(۳).

ابن شاذویه فضل

فضل بن محمّد بن شاذویه از محدّثین اصفهان بوده [است]، ابوعبداللّه کرابیسی از او روایت می کند، و خود از ابوحفص عمر بن راشد بن عمر بن راشد ساکن در کوی

۱- مقالات ادبی، استاد همایی، صص۴۴ ۱۰۹؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۴ ذیل «ابن سینا»؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۳۲۹،فهرست مرعشی، ج۱، ص۱۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۲۵ ۱۲۶؛ مزارات اصفهان، صص۷۵ ۷۷؛ تاریخ الحکماء، قفطی، ص۵۷۰؛ پور سینا، کلیّه صفحات؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابن سینا»، ص۶۴۱؛ ریحانه الادب، ج۷۶، ص۵۸۲؛ روضات الجنّات، ج۳، ص۱۷۰؛ تاریخ ادبیّات در ایران، ج۱، ص۳۰۳؛ دانشنامه ایران و اسلام، ص۶۴۲؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۱۸ و ۷۲ ۷۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۷؛ مقتبس الاثر، ج۳، ص۱۲۵ طبقات المحدّثین باصفهان، ج۳، ص۱۳۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۶.

«جارود» روایت می نماید.(۱)

ابن شاذه اسحاق

ابویعقوب اسحاق بن شاذه عطّار، از محدّثین اصفهان است. از احمد بن ابراهیم بن اسحاق مولی ضَبّه روایت می کند، و ابن شاذره از احمد بن رسته نقل حدیث می نماید.(۲)

ابن شساه محمّد

محمّد بن عمر بن یحیی قرمطی معروف به «ابن شساه» از محدّثین اصفهان است. از اسماعیل بن عمرو بجلی روایت می کند، و فرزندش ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد، استاد حافظ ابونُعیم از او استماع حدیث کرده است. ذکر اخبار اصفهان شهرت او را «ششاه» و «شساه» می نویسد.(۳)

ابن شفروه

«ابن شفروه» شهرت تعدادی از شعراء، ادباء، محدّثین و فضلای اصفهان است که به «آل شفروه» نیز معروف بوده اند. «شفروه» را به صورت های مختلف همچون «سفروه»، «سفرویه»، «سقرویه»، «شبروه»، «شقروه» و «شوروه» ضبط نموده اند. برخی از نویسندگان نیز «شفروه» را منسوب به دیهی به نام «شقروه» می دانند، و گویند که آن دیه همان است که در زمان حاضر «پزوه» [در خوراسکان] گفته می شود؛ امّا نمونه خطّ یکی از افراد این خاندان که در قرن هشتم می زیسته، موجود است که به صراحت، نسب خود را «شفروه» می نویسد؛ لذا «شفروه» نام شخص است، و نه نام مکان؛ لذا تمام توجیهات قبلی، بی مورد است. در مذهب افراد این خاندان نیز اختلاف است، و عموما آنان را حنفی می نویسند؛ لکن یک نفر از آنان مسلّما شیعه امامی و از بزرگان مفاخر تشیّع بوده، و دو نفر از آن ها نیز مظنون

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۵۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۹؛ تاریخ بغداد، ج۶، ص۳۷۸؛ مقتبس الاثر، ج۴، ص۲۲۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۴.

به تشیّع می باشند.

این خاندان در اصـفهان و ساکن این شـهر بوده اند؛ لکن یک نفر در شیراز، و چند نفر نیز در قزوین ساکن بوده اند. از این رو آن ها را گاه اصفهانی، و زمانی قزوینی گفته اند.

ابی شفروه اسعد

شیخ ابی السّعادات اسعد بن عبدالقاهر بن سعد شفروه اصفهانی، از اجلّه فقهاء و علماء شیعه در قرن هفتم هجری.

صـاحب عنوان از مشایـخ جنـاب سیّدرضـی الـدّین علیّ بن طـاووس است، و جنـاب خواجه نصـیرالدّین طوسـی و میثم بن علی بحرانی از او روایت کرده اند. در اعیان الشّـیعه وی را شاگرد طوسی و بحرانی معرّفی می کند، و در روضات الجنّات از مشایخ آن دو می نویسـد، و ظاهرا قول صـاحب روضات، معتبر می باشـد. فوت وی را در ماه صـفر ۶۳۵ق نوشـته اند؛ [امّا این تاریخ، زمان دریافت اجازه شیخ ابوالسّعادات از سیّد بن طاووس در جانب شرقی بغداد است]، در هدیه العارفین فوت او را حدود ۶۴۰ می نویسد. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. اکسـیر السّعادتین ۲. توجیه السّؤالات در نقل اشـکالات ۳. جـامع الـدلائل و مجمع الفضائل در امامت، و آن را منبع الـدّلائل نوشته اند ۴. رشح الولاء (یا رشح الوفاء)، در شـرح دعای صـنمی قریش، منسوب به حضرت علی علیه السلام و آن را مترجمی ناشـناس، به نام شاه سـلطان حسـین صـفوی ترجمه کرده است ۵. الفـائق علی الاـربعین در منـاقب امیر المؤمنین علیه السـلام ۶. مجمـع البحریـن و آن مجمـوعه ای اسـت از مواعـظ و حکـم منقـول از حضـرت رسـول اکرم صـلی الله علیـه و آلـه و حضـرت امیرالمؤمنین علیه السلام .(۱)

۱- تاریخ تشیّع اصفهان، صص ۳۰۰ ۳۰۱؛ فتح الابواب، سیّد بن طاووس، ص ۱۳۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسعد»، ص ۲۳۰۶؛ امل الآمل، ج ۲، صص ۳۲ ۳۳؛ ریاض العلماء، ج ۱، صص ۸۱ ۸۲؛ معجم المؤلّفین، ج ۲، ص ۲۴۷؛ الانوار السّاطعه، ص ۱۷؛ فوائد الرّضویه، ج ۱، صص ۴۳ ۴۴؛ ریحـانه الادب، ج ۷، ص ۱۲۴؛ الـذّریعه، مواضع مختلفه؛ اعیـان الشّـیعه، ج ۱۱، ص ۱۴۳؛ روضات الجنّات، ج ۱، ص ۱۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۲۶۲ ۲۶۳؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۲۰۵؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدّین طوسی، صص ۱۶۹ ۱۷۰.

ابن شفروه اسماعیل

اسماعیل بن محمّد بن عبداللّه شفروه اصفهانی، از دانشمندان قرن هشتم هجری است. وی در دوشنبه ۱۴ ربیع الثّانی سال ۷۵۲ق از کتابت نسخه ای از شرح مختصر الاصول قاضی عضدالدّین ایجی، به خطّ نسخ فراغت یافت، کتاب به شماره ۱۰۶۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

ابو شفروه حسین

حسین بن عبیداللّه بن هبه اللّه بن هبه اللّه بن محمّد بن هبه اللّه بن حمزه اصفهانی قزوینی معروف به «ابن شفروه»(۲)، از فضلاء و دانشمندان اواخر قرن ششم هجری بوده، و ابن النجّار از قول او اشعار پدرش عبیداللّه را در تاریخ بغداد نقل کرده است.(۳)

ابن شفروه رزق اللّه

ابوالبرکات رزق اللّه بن هبه اللّه بن محمّد بن هبه اللّه بن حمزه اصفهانی قزوینی معروف به «ابن شفروه» یا «ابن سفرویه»، از فقهاء و بزرگان حنفی اصفهان در قرن ششم هجری. تولّدش در سال ۵۳۶ در اصفهان بود، و در اصفهان و بغداد به تدریس و نقل احادیث می پرداخت، و سرانجام در سال ۶۱۵ق در اصفهان وفات یافت، و در مدرسه محلّه جوهان مدفون شد.(۴)

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۵۳.

۲- لباب الالباب، تعلیقات علّامه قزوینی، ص۶۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۷.

۳- مجلّه یادگار، شماره ششم و هفتم، بهمن و اسفند ۱۳۲۷، به نقل از کتاب جواهر المضیئه، ج۱، ص۲۱۲.

۴- لباب الالباب، تعلیقات علّامه قزوینی، ص۶۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۸؛ مجلّه یادگار، شماره ششم و هفتم، بهمن و اسفند ۱۳۲۷، ص۱۱۵.

ابن شفروه سلیمان

فخرالدّین ابواحمد سلیمان بن شمس الدّین بن شفروه اصفهانی، از ادباء و شعراء بوده، و به عربی شعر می سروده است.(۱)

ابن شفروه سلیمان

سلیمان بن احمد بن جلال الدّین محمّد بن قاسم بن هبه اللّه بن محمّد بن اسعد بن قاهر اصفهانی معروف به «ابن شفروه» از فضلای خاندن شفروه است، نشانه تملّک او بر کتاب البیان تألیف شهید اوّل دیده شده است.(۲)

ابن شفروه عبداللّطیف

مجدالدّین ابوالمجد عبداللّطیف بن هبه اللّه بن شفروه اصفهانی، از شعرای اصفهان در قرن ششم هجری است.(۳)

ابن شفروه ظهیرالدّین عبداللّه

ظهیرالدّین عبداللّه بن شرف الدّین عمر شفروه اصفهانی، از شعراء و ادبای اصفهان در قرن ششم هجری است. عوفی او را پسرعموی شرف الدّین شفروه نوشته(۴) و آذر بیگدلی او را برادر شرف الدّین دانسته است.(۵) وی علاوه بر شعر و ادب، در حدیث و تفسیر و فقه زبردست بوده، و در مدح سلاجقه عراق؛ یعنی ارسلان شاه و طغرل سوم، قصایدی ساخته است.

رضاقلی خان هدایت او را به عنوان یک عارف سالک ستوده است.(۶) در نزهه المجالس

۱- تلخیص مجعم الآداب، ج۳، الجزء الرّابع، ص ۱۸۰.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۲۳۵.

۳- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۱۰۲.

۴- لباب الالباب، صص۲۲۵ ۲۲۶؛ مجلّه یادگار، شماره ۶ و ۷، بهمن و اسفند ۱۳۲۷، صص۱۱۶ ۱۱۷.

۵- آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص۹۶۶ ۹۶۷.

۶- ریاض العارفین، ص۱۶۱.

برخی از رباعیّات او آمده است.(۱) دیوان اشعار ظهیر شفروه هنوز به طبع نرسیده، و تنها نسخه خطّی آن در کتابخانه دیوان هند در لندن موجود است.(۲)

این رباعی از او است:

ای تازه نسیم زلف عنبر بارش چون بر گذری بر طرف گلزارش

آهسته گذر که نرگس بیمارش خفتست به سایه گل رخسارش

ابن شفروه شرف الدّین عبدالمؤمن

شرف الدّین عبدالمؤمن مغربی اصفهانی معروف به «شرف الدّین شفروه»، فرزند هبه اللّه بن محمّد بن هبه اللّه بن حمزه(۳) واعظ، شاعر و ادیب دانشمند قرن ششم هجری. برخی نوشته اند: نامش محمّد(۴) یا فضل اللّه بوده(۵)، ظاهرا در اواخر قرن پنجم متولّد [شد]، و در جوانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او به مدح اتابک شیرگیر اهتمام داشت، و از طرف او به لقب ملک الشّعرایی ملقّب شد.

وی در سال ۵۶۹ در دمشق به وعظ و تذکار مشغول بوده، سپس به مصر رفته، به خدمت صلاح الدّین ایّوبی رسیده، آن گاه به دمشق بازگشته، و ظاهرا در سال ۵۷۰ق در آن جا فوت شده است.(۶)

وی ارسلان بن طغرل و طغرال بن ارسلان را نیز مدح گفته است.(۷) از آثار او کتاب اطباق الذّهب در مواعظ و خطب که آن را در مقابل کتب اطواق الذّهب زمحشری، در صد مقاله به درخواست ظهیرالدّین احمد خویی تألیف کرده، و بارها در بولاق، لاهور و مصر به چاپ رسیده [است(۸)]، و عدّه ای از فضلاء بر آن شرح نوشته اند. دیوان اشعار او به گفته

۱- نزهه المجالس، ص۸۲.

۲- الذّریعه، ج۹، صص۶۵۸ ۶۵۹.

۳- مجلّه یادگار، شماره ۶ و ۷، بهمن و اسفند ۱۳۲۷، ص ۱۱۰ به نقل از جواهر المضیئه، ج۱، ص۳۲۲.

۴- لباب الالباب، ص۲۲۱.

۵- آتشکده آذر، قسمت سوم از نیمه نخست، ص۹۴۸؛ ریاض العارفین، ص۳۵۶.

۶- مجلّه یادگار، شماره ۶ و ۷، ص ۱۱۰ به نقل از الوافی بالوفیات.

۷- تذکره دولتشاه، ص۱۱۷.

۸- لباب الالباب، تعلیقات سعید نفیسی، ص۶۴۶؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان ج۱، ص۱۲۷؛ الذّریعه، ج۲، ص۲۱۶؛ فهرست مشکاه، ج۳، ص۲۶۷۹.

رضاقلی خان هـدایت، صـد و هشت هزار بیت بوده(۱)، که نسـخه ای از آن شامل ۷۰۰ بیت، ضـمن مجموعه شماره ۲۵۸۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود داشته است(۲)؛ نسخه دیگری نیز در موزه بریتانیا موجود است.(۳)

از اشعار او است:

گر توانی ای صبا بگذر شبی در کوی او ور دلت خواهد ببر پیغامی از من سوی او

گر همی خواهی که بر سرو بلند او رسی نردبان عنبرین ساز از شکنج موی او

این دل گمگشته من باز جواز زلف او ور نیابی رو بیفشان دامن گیسوی او

ابن شفروه عبیداللّه

ابوالوفا عبیداللّه بن هبه اللّه بن حمزه معروف به «ابن شـفروه» واعظ، ادیب و شاعر دانشمند قرن ششم هجری بوده، و در وعظ و خطابه، ملاحت و فصاحت داشـته، و در نظم و نثر، نیکوسـخن و بلیغ بوده، چنـد بار در راه حج به بغداد وارد شده، و یک سال نیز در مـدرسه نـاجیه بغـداد وعـظ نموده، و ازجمله، ابیـاتی فی البـداهه در مـدح علیّ بن ابی طـالب علیه السـلام در وعظ خود سروده است.

تولّدش در ۵۳۴ واقع شده، و در سال ۵۸۵ در شیراز وفات یافت.(۴)

۱- مجمع الفصحاء، ج۲، ص۸۰۰.

۲- فهرست دانشگاه، ج۹، ص۱۳۹۳.

۳- تاریخ ادبیّات، هرمان اته، ص۱۲۲.

۴- لباب الالباب، تعلیقات علاّمه قزوینی، صـص ۶۴۰ ۶۴۱؛ مجلّه یادگار، شـماره ششم و هفتم، بهمن و اسفند ۱۳۲۷، صص۱۱۴ ۱۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۷.

ابن شفروه عزّالدّین

عزالدّین یا عزیزالدّین شفروه اصفهانی معروف به «عز شفروه» از شعرای اصفهان است. برخی از رباعی های او در کتاب نزهه المجالس نقل شده است(۱).

این رباعی از او است:

شمعی که چو پروانه برو شاید سوخت ما را نه چنان که در گمان آید سوخت

زین سوز اگر آب نبودی در چشم با شمع بگفتمی که چون باید سوخت

ابن شفروه فضل اللّه

فضل اللّه بن هبه اللّه بن محمّد بن هبه اللّه بن حمزه اصفهانی معروف به «ابن شفروه» از فضلاء و بزرگان اصفهان در قرن ششم هجری وی تا سال ۵۵۶ق در قید حیات بوده است.(۲)

ابن شفروه هبه اللّه

هبه اللّه بن محمّد بن هبه اللّه بن حمزه اصفهانی، از فقهاء و بزرگان خاندان شفروه در اصفهان بوده، و در این شهر بر اساس مذهب ابی حنیفه برای حنفیان اصفهان قضاوت می کرده است.(۳)

ابن شیرویه اصفهانی

ابن شیرویه اصفهانی، از محدّثین اصفهان قرن هفتم هجری، سیّدرضی الدّین علیّ بن موسی بن جعفر بن محمّد حلّی معروف به سیّد بن طاووس از او روایت می کند.(۴)

۱- لباب الالباب، تعلیقات سعید نفیسی، صص۶۴۳ و ۷۷۲؛ نزهه المجالس، ص۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۷.

۲- لباب الالباب، تعلیقات سعید نفیسی، صص۶۴۰ و ۶۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۷.

۳- لباب الالباب، تعلیقات علّامه قزوینی، صص۶۳۹ و ۶۴۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۷.

۴- الانوار السّاطعه، ص۱۱۷؛ مصفّی المقال، ص۳۰۲.

ابن شیره علی*

ابوالحسن علیّ بن محمّد بن شیره کاشانی اصفهانی از محدّثین اصفهان در نیمه اول قرن سوم هجری است. از صحابه حضرت امام محمّد تقی علیه السلام است. کتاب های التّأدیب، شامل احادیث مربوط به نماز، و الجامع فی الفقه از تألیفات او است.(۱)

ابن صاعد یحیی

یحیی بن محمّد بن صاعد معروف به «ابن صاعد» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابونصر احمد بن نصر بن دینار و جرّاح بن فحله روایت می کند، و حافظ ابونُعیم، ابوالفرج احمد بن محمّد بن علاء صوفی شیرازی و ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن یوسف جلّاب باب کوشکی از او حدیث شنیده اند.(۲)

ابن طباطبا احمد

احمد بن حسن بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علیّ بن ابی طالب علیه السلام از محدّثین شیعه است. در اصفهان سکونت داشته، و از پدرش حسن نقل حدیث می نموده است. محمّد بن احمد بن هُشَیم از او روایت می کند.(۳)

ابن طباطبا محمّد

ابوالحسن محمّد بن احمد بن محمّد بن احمد بن ابراهیم طباطبا بن اسماعیل، بن ابراهیم بن حسن مُثَنّی معروف به «ابن طباطبا» از علماء و ادباء و شعرای معروف اصفهان است که در قرن سوم هجری، مقارن با غیبت صغری در اصفهان می زیسته، و ابن شهرآشوب او را از شعراء اهل بیت شمرده است. پدرش اوّلین شخص از خاندان طباطبا بوده که از کوفه به اصفهان آمده است. ابن طباطبا در سال ۳۲۲ق وفات یافته، و ظاهرا در

۱- الذّریعه، ج۳، ص۲۱۰؛ مجمع الرّجال، ج۴، صص۲۱۸ و ۲۲۳؛ منهج المقال، ص۲۳۷؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۱۸۸ و ۱۱۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۶۱ و ۱۶۷ و ۲۰۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۶.

کوی غازیان جوباره اصفهان [که آن را سر بازار غاز می گویند] مدفون شد. کتب زیر از او است:

[۱. اختیار دیوان اشعار] ۲. تهذیب الطّبع ۳. دیوان اشعار [۴. سنام المعالی] ۵. الشّعر و الشّعرا [۶. العروض] ۷. عیار الشعر (معاییر الشّعر) [۸. فرائد الدّرر] ۹. فی تقریض الدّفاتر ۱۰. المدخل فی معرفه المعمّی من الشّعر ۱۱. نقدالشّعر.(۱)

ابن عبده احمد

احمد بن ابراهیم بن عبده، از محدّثین اصفهان است.(۲)

ابن عجمی محمّد

محمّد بن احمد بن جامع اصفهانی معروف به «ابن العجمی» متولّی امر خطابت د «زبید» بوده، و در سال ۷۲۷ق وفات یافته است. در قلائد النّحر گفته شده است که وی تألیفاتی در «رائق» داشته است.(۳)

ابن عدی هارون

ابوالحسن هارون بن سلیمان بن داوود بن بهرام بن قطبه بن حریث بن جویره سلمی خرّاز، معروف به «ابن عبدی» از محدّثین قرن سوم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و از علیّ بن حسن بن یعمر شامی، ابی عامر عقدی، ابی عاصم، حماد بن مسعده، عبدالرّحمان بن مهدی، معاذ بن هشام و یحیی قطان روایت می نموده است.

عبداللّه بن جعفر بن احمد و محمّد بن احمد بن یزید هم از وی روایت می کنند.

۱- ریحانه الادب، ج۸، صص ۸۱ ۸۲؛ الذّریعه، ج۹، ص ۹۸۱ و ج۴، ص ۵۱۱ و ج۱۵، ص ۳۶۳؛ الاعلام، ج۶، ص ۱۹۹؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص ۳۲۵؛ نوابغ الرّواه، ص ۲۴۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص ۲۱۲ ۲۱۴؛ معجم الادباء، ج۱۷، ص ۱۴۳؛ اعیان الشّیعه، ج۴۳، ص ۲۴۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۲۷ ۱۲۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۱۰۱.

۳- هدیه العارفین، ج۲، ص ۱۴۶.

وفاتش در سال ۲۶۳ یا ۲۶۵ق واقع شده است.(۱)

ابن عطّار

ابن العطّار الشّروطی الاصفهانی، یاقوت حموی در شرح حال ابواحمد حسن بن عبداللّه عسکری لغوی، صاحب عنوان را از متأخّرین اصحاب ابواحمد که از او روایت کرده اند، می شمارد.(۲)

ابن عطاش

ابوبکر احمد بن عبداللّه بن ایّوب بن عطاش اصفهانی از محدّثان قرن چهارم هجری در اصفهان است. از ابی عاصم بزیل و ابی عمر ضریر روایت می نماید، و عبداللّه بن اسماعیل بن عبداللّه وکیل از وی نقل حدیث می کند.(۳)

ابن عطاش احمد

احمد بن عبدالملک عطاش، از ادباء و بزرگان قرن پنجم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و به تشیّع شهرت داشته، و مردم سنّی اصفهان، قصد جان او را کردند. وی به ری رفته، و به حسن صبّاح پیوست، و در آیین باطنی، استوار گردید. سپس به اصفهان بازگشت، و مخفیانه به تبلیغ مرام اسماعیلی مشغول شد، و پس از مدّتی قلعه شاهدژ را تصرّف کرده، آن را مقرّ فعالیت های خویش نمود. تبلیغات ابن عطاش، سلاطین سلجوقی را به وحشت انداخت، سبب شد تا احمد عطاش را اسیر نمودند، و در سال ۵۰۴ در اصفهان با خواری بسیار او را کشتند. علاوه بر اطّلاعات مذهبی و فنون ادب، در خوشنویسی و حسن خط نیز شهرت داشت، و کتاب هایی را کتابت نموده بود.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۳۶؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۲۱.

۲- معجم الادباء، ج۸، ص۲۳۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۴.

۴- راحه الصّدور، ص۱۵۶؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۲۱۷؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۵، ص۷۲۶؛ الکامل، ج۸، ص۲۴۲.

ابن عطاش احمد

ابوبکر احمد بن محمّد بن عطاش تاجر، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصفهان است. وی پس از سال ۳۵۰ق وفات یافته است. حافظ ابونُعیم اصفهانی از او حدیث شنیده است.(۱)

ابن علی محمّد

محمّد بن حسن بن احمد بن محمّد بن موسی اهوازی معروف به «ابن علی اصفهانی» از محدّثین اصفهان است امّا او متّهم به کذب بوده، و او را «جرّاب الکذب» لقب داده بودند.(۲)

ابن فادشاه، ابوالحسن

ابوالحسین بن ابی عبداللّلّه بن ابی منصور بن فادشاه.(۳)

ابن فادشاه احمد

ابوالحسین احمد بن محمّد بن حسن [حسین] اصفهانی معروف به «ابن فادشاه رییس» از محدّثین و ادبای اصفهان است.

گویند به شیعه و معتزله تمایل داشته است. ابوالقاسم طبرانی از او روایت می کند، و خود ابن فادشاه از اسماعیل بن محمّد صوفی و محمود بن اسماعیل نقل حدیث نموده است.(۴)

ابن فادشاه علی

عفیف الدّین ابوطاهر علیّ بن سعید بن علیّ بن فادشاه اصفهانی از محدّثین و ادبای قرن ششم هجری است. وی همه مسند شافعی را از شیخ کمال الدّین ابی عبداللّه بن محمّد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۲.

۲- میزان الاعتدال، ج۳، ص۴۳.

۳- محاسن اصفهان، صص ۳۱ و ۶۹.

۴- النّابس، صص ۲۲ ۲۳.

بن محمّد بن سرایا بلدی با اسنادش شنیده است. وی به عربی شعر نیز می سروده است.(۱)

ابن فادشاه ابوعبداللّه

ابوعبداللّه فادشاه بن ابی منصور بن ابی طاهر بن اصفهانی، از ادبای قرن ششم هجری، وی از اصفهان به قصد تجارت به خراسان رفته، و ابوسعد سمعانی وی را در سمرقند دیده، و مقدار اندکی از شعر در سال ۵۵۰ هجری از وی فراگرفته است.(۲)

ابن فادشاه، محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن قاسم بن احمد بن فادشاه (پادشاه) اصفهانی معروف به «نتیف» از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری. در ذکر اخبار اصفهان درباره او گوید: «ستکلّم علی مذهب اهل السنّه ینحل مذهب ابی الحسن الاشعری» در بصره ساکن بوده، و در سال ۳۵۳ق به اصفهان معاودت نموده، و در ربیع الاوّل سال ۳۸۱ وفات یافته است. از ۱. لؤلؤ ۲. مادرانی ۳. محمّد بن سلیمان مالکی روایت می کند.

کتاب های زیر از مؤلّفات او است: ۱. الاحکام ۲. الاصول ۳. الفقه.(۳)

ابن فتی نهروانی*

«ابن فتی نهروانی»، نام یکی از خاندان های علمی اصفهان است. آنان اصلاً از اهالی نهروان در نزدیکی بغداد هستند؛ ولی در اصفهان ساکن بوده اند. این خاندان در قرن پنجم و ششم هجری از بیوت معتبر علمی شمرده می شده، و از مذهب شافعی پیروی می کرده اند.

ابن فتی حسن

ابوعلی حسن بن سلمان [یا سلیمان] بن عبداللّه بن محمّد فتی نهروانی اصفهانی از

۱- تلخیص مجمع الآداب، جزء ۴، متمّم اوّل، ص۴۹۹.

۲- التّحبیر، ج۲، ص۳۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۰۰؛ الاعلام، ج۷، ص۲۲۷.

فقهاء و محدّثین شافعی قرن ششم هجری است. وی به «ابن فتی» شهرت داشته، و در نظامیّه اصفهان تحصیل کرده، فقه را از ابوبکر بن ثابت خجندی آموخت. مدّتی منصب قضاوت خوزستان را داشت، و سپس تدریس در مدرسه نظامیّه به او واگذار شد. وی در شنبه ۵ شوّال ۵۲۵ق در بغداد وفات یافت.(۱)

ابن فتی سلمان

ابوعبداللّه سلمان [سلیمان] بن ابوطالب عبداللّه بن محمّد فتی نهروانی، از محدّثین و فقهای شافعی در قرن پنجم هجری است.

در نهروان متولّد شده، و در ری نشو و نما یافته، و در بغداد به تحصیل پرداخته، و سرانجام در اصفهان مقیم شده است. نحو را از ثمانینی و لغت را از حسن بن دهان فراگرفته، و از قاضی ابوالطیّب طبری حدیث را شنید.

وی در علوم ادبی، خصوصا لغت و نحو استاد بوده، و شعر نیز می سرود. سرانجام او در ۱۲ صفر ۴۹۳ق (یا ۴۹۴) در اصفهان وفات یافت.

وی را تألیفاتی است از آن جمله:

۱. التّفسیر، در قرآت ۲. شرح الایضاح، تألیف ابوعلی فارسی، در نحو ۳. شرح دیوان المتنبّی ۴. شرح الامالی ۵. علل القرآت ۶. القانون، در لغت، در ده مجلّد.(۲)

ابن فتی هبه اللّه*

هبه اللّه بن سلمان (سلیمان) بن عبداللّه بن محمّد فتی نهروانی، از فقهاء و محدّثین شافعی اصفهان در قرن ششم هجری. وی از ابن ماجه ابهری حدیث شنیده است.(۳)

۱- تبیین کذب المفتری، ص۳۱۹؛ طبقات الشّافعیه، سبکی، ج۱، ص۱۰۴؛ مدارس نظامیّه، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۸؛ علماء النّظامیّات، ص۶۷؛ غزالی نامه، ص۱۳۴.

۲- معجم الادباء، ج۱۱، ص ۲۵۱ ۲۵۳؛ الاعلام، ج۳، ص۱۶۹؛ ریحانه الادب، ج۸، صص۱۳۷ ۱۳۸؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۴، ص۳۷۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۸.

۳- المشتبه، ج۲، ص۴۹۷.

ابن فقیه حسن

ابومحمّدحسن بن علیّ بن موسی بن یزید بن عبداللّه، داماد ابن رسته است. از محدّثین بوده، و از حسین بن حفص روایت نموده است، ابوعمر احمد بن حسن بن اسماعیل شروطی از او روایت می کند.(۱)

ابن فنجویه

ابوبکر [یا ابوعبداللّه] بن فنجویه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

از ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن محمود اصفهانی، ابن حبیش (حبش)، ابن حیّان، ابن شیبه و ابوبکر بن مالك قطیعی روایت می کند، و حاکم حسکانی و علاّمه نیشابوری از او روایت می کنند.(۲)

ابن فزار عبدالعظیم

عمیدالدّین ابوالمکارم عبدالعظیم بن ابی البرکات عبداللّطیف بن ابی نصر محمّد بن سهل سرابی اصفهانی معروف به «ابن فزّار». از محدّثین و دانشمندان قرن ششم و هفتم هجری در اصفهان است. از پدرش و حسن بن عبّاس رستمی حدیث شنیده، سپس به بغداد رفت. ابن الدّبیثی از او روایت می کند. تولّدش در سال ۵۵۰، و وفاتش در ذی حجّه ۶۱۷ق در بغداد واقع شد.(۳)

ابن فورک

«ابن فورك» شهرت چندین نفر از محدّثین و فقهای قرن سوم تا ششم هجری است که اغلب در اصفهان و برخی از آنان و نیشابور ساکن بوده اند. «فورك» (بر وزن دوزخ) نام جدّ آنان بوده، و از مذهب شافعی پیروی می کرده اند.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۵.

۲- احقاق الحق، ج۱۴، صص ۲۲۱ و ۶۲۶ و ۶۷۱ و ج۹، ص۲۷.

۳- تلخیص مجمع الآداب، جزء ۴، ج۲، ص۹۲۲.

ابن فورک احمد

ابوبکر احمد بن محمّد بن حسن بن محمّد بن ابراهیم بن فورک، برادرزاده ابن فورک اصفهانی است. از محدّثین و فقهای شافعی در قرن پنجم هجری است. در خراسان می زیسته و به خراسانی مشهور است. وی در مدرسه نظامیّه بغداد به وعظ مشغول بوده است. تولّدش در ۴۰۸ق و وفاتش در ۴۷۸ق روی داده است.(۱)

ابن فورک احمد

ابوالحسین احمد بن ابی یعقوب یوسف بن فورک مستملی، از محدّثین اصفهان است در مسجد جامع شهرستان (مدینه) اصفهان به تدریس علم و ادب مشغول بوده است. از ابراهیم بن مَتویه و ابوبکر بن راشد و دیگران روایت نموده است.(۲)

ابن فورک اسماعیل

ابوعثمان اسماعیل بن سهل (ابی سهل) بن محمّد بن عبدالعزیز فورکی، سبط ابوبکر محمّد بن حسین بن فورک اصفهانی نیشابوری از قاریان و اساتید قرائت و تجوید بوده، و حدیث نیز روایت می نموده است. از اباسعد کنجروی استماع حدیث کرده، و در سال ۵۰۰ جهت اباسعد سمعانی اجازه نوشته است. وفاتش در عصر روز جمعه ۵ ربیع الاوّل سال ۵۱۹ق روی داد.(۳)

ابن فورک بشران

بشران بن فورک (یحیی) از محدّثان اصفهان است. از سلیمان شاذکونی و محمّد بن بکیر استماع حدیث نموده است.(۴)

۱- فرهنگ نامه پارسی، ج ۱، ص ۶۱۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۷.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۹۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۳۴.

ابن فورک عبداللّه

عبداللّه بن حسن بن فورک، از محدّثین اصفهان است، و از عبّاد بن ولید حدیث نقل کرده است.(۱)

ابن فورک عبداللّه

ابوبکر عبـداللّه بن محمّـد بن محمّد بن فورک بن عطاء بن عبداللّه بن مهیار معروف به «قباب مقری» از محدّثان فقهاء و قاریان قرآن در قرن چهارم هجری است. در اصـفهان ساکن بوده، و از عبـداللّه بن محمّـد بن سـلام، عبداللّه بن محمّد بن نعمان، علیّ بن محمّـد ثقفی و ابن ابی عاصم روایت نموده است. ابوبکر محمّـد بن ادریس جرجرایی از او استماع حدیث کرده است. وی در نیمه ذی قعده ۳۷۰ق وفات یافت.(۲)

ابن فورک عبداللّه

عبداللّه بن محمّد بن مهران بن فورک بن عطاء بن عبداللّه بن مهیار از محدّثین اصفهان است.(۳)

ابن فورک عبید اللّه

عبیداللّه بن فورک بن عطاء بن شهره قبّاب، از محدّثین اصفهان و عموی ابوعبداللّه محمّد بن محمّد فورک است. از عبدالرّحیم بن مُعافا بن عمران نقل حدیث نموده، و برادرزاده اش ابوعبداللّه بن فورک از او روایت می کند.(۴)

ابن فورک علی

ابوالحسن علیّ بن فورک بن یزید، از محدّثین اصفهانی است. از حاتم بن عبیداللّه،

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۸۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، صص ۹۰ ۹۱؛ اللّباب، ج۳، ص۱۰؛ المشتبه، ج۲، ص۵۱۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۰۰.

محمّد کثیر، قَعنَبی و محدّثین بصره حدیث شنیده است.(۱)

ابن فورک قاسم

ابوبکر قاسم بن احمد بن منصور صفّار، از محدّثین اصفهان و از احفاد ابن فورک است.(۲)

ابن فورک قاسم

ابومحمّد قاسم بن فورک بن سلیمان کَنبِرکی اصفهانی از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری بوده، و از محدّثان عراق و شام روایت می کرده است. وی در سال ۳۰۱ق فوت شده است.(۳) «کَنبِرک» یکی از روستاهای متّصل به شهر در شمال اصفهان بوده، و اکنون جزو محلّه های اصفهان محسوب می شود.

ابن فورک محمّد*

ابوعیسی محمّد بن اسماعیل بن محمّد بن فورک بن اشعث عنبری، از قاریان و اساتید قرائت و تجوید است. قرائت را از پدرش و علیّ بن عامر روایت کرده، و جمعی کثیر از قاریان ازجمله زید بن علیّ بن ابی هلال از او قرائت را روایت نموده اند.(۴)

ابن فورک محمّد

ابوبکر محمّد بن حسن بن فورک اصفهانی، مشهورترین فرد خاندان ابن فورک و خود از فقها و محدّثان بزرگ شافعی در قرن چهارم هجری است. در حدود سال ۳۳۰ق متولّد شده، و در بصره و بغداد تحصیل کرد. علم کلام را به آیین اشعریان از ابوالحسن باهلی(۵) و حدیث را از عبداللّه بن جعفر اصفهانی، ابومحمّد بن فارس و ابن فرزاد اهوازی

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹.

۲- رساله قشیریّه، ترجمه فارسی، ص۵۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص ۱۶۱.

۴- غایه النّهایه، ج۲، ص ۱۰۱.

۵- دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، صص۷۶۸ ۷۶۹، تبیین کذب المفتری، ص ۲۳۲.

آموخت.(۱) ابن فورک در ادب، کلام و نحو و خطابه، مهارت بسزایی داشت. چندی در بصره و بغداد و شیراز به تدریس مشغول بود. سپس به ری رفت، و چون در مذهب اشعری سخت متعصّب بود، مخالفین اشعری به مخالفت او برخاسته، و او را آزار کردند؛ لذا او به نیشابور رفته، ابوالحسن محمّد بن ابراهیم سیمجور (م ۳۷۷ق) حاکم خراسان برای او مدرسه ای ساخت.(۲)

وی چندی در نیشابور به تدریس پرداخت، و سپس به دعوت سلطان محمود غزنوی برای مناظره با بزرگان فرقه کرامیّه به غزنه رفت، و بر کرامیّه پیروز شد؛ امّا در بازگشت به نیشابور، وفات یافت، و گفته شد که کرامیّه، او را مسموم ساخته اند.(۳)پس از وفات او در سال ۴۰۶ق پیکرش را به نیشابور برده، در محلّه حیره دفن کردند.(۴) ابوبکر بیهقی، ابوالقاسم قشیری و ابوبکر احمد بن علیّ بن خلف از شاگردان او هستند.(۵) تعداد تألیفاتش را در اصول دین و فقه و معانی قرآن، حدود یک صد جلد نوشته اند که از آن جمله است: ۱. اسماء الرّجال ۲. الاملاء فی الایضاح، نسخه خطّی آن در واتیکان موجود است ۴. حلّ الآیات المتشابهات، در کتابخانه عاطف در استانبول وجود دارد. ۵. رساله فی علم التّوحید ۶. الحدود، در اصول ۷. غریب القرآن، در کتابخانه سلیم آغا اسکیدار در استانبول موجود است(۶) ۸. مشکل الحدیث و غریبه، که در حیدرآباد هند به طبع رسیده است(۷) ۹. طبقات المتکلّمین(۸).

ابن فورک، هیثم

هیثم بن فورک جرواآنی، از محدّثین اصفهان است. گروهی از محدّثین از وی روایت

۱- فرهنگ نامه پارسی، ج ۱، صص۶۱۵ ۶۱۶.

۲- رساله قشیریّه، ترجمه فارسی، ص۲۶.

۳- دانشنامه ایران و اسلام، همان جا.

۴- ریحانه الادب، ج۸، صص۱۴۲ ۱۴۳.

۵- تاریخ نیسابور، ص۷.

۶- الاعلام، ج۶، ص۸۳.

۷- دانشنامه ایران و اسلام، همان جا.

۸- مرآه الجنان، ج۲، ص۳۰۴؛ و نیز: الکنی و الالقاب، ج۱، ص ۳۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۲۸ ۱۲۹.

می کنند که از آن جمله است: یوسف بن محمّد مؤذّن و خود ابن فورک از قعنبی روایت می نماید. ابوسعید عمران بن عبدالرّحیم بن عبدالملک باهلی (م۲۸۱ق) برادر مادری او است.(۱)

ابن فورک، یوسف

ابویعقوب یوسف بن فورک بن موسی مستملی، از محدّثین اصفهان است. از ابوطالب بن سواده، ابومسعود، اسید، حجّاج بن یوسف بن قتیبه، عبداللّه بن عمر بن رسته و محمّد بن حارث صیداوی اسدی روایت می کند، و از او: حسین بن محمّد، سلیمان بن احمد و ابوبکر محمّد بن جعفر ورّاق بغدادی روایت می کنند.(۲)

ابن فولاد

ابن فولاد، یکی از ولاه آل بویه بوده که در سال ۴۰۶ بر آل بویه طغیان کرد، و حکومت قزوین را تقاضا نمود، و در نواحی ری به غارت و راهزنی پرداخت، و از فلک المعالی منوچهر بن قابوس برای جنگ با مجدالدّوله دیلمی مدد حوالت داد. با مجدالدّوله و مادرش چند بار به محاربه پرداخت، و ری را محاصره کرد، سرانجام مجدالدّوله در ۴۰۷ق حکمرانی اصفهان را بدو داد، و غائله او رفع شد.

جابری انصاری معتقد است تخت فولاد منسوب است به فولاد (پدر صاحب عنوان) که از فرماندهان قشون فخرالدّوله دیلمی و دلیری رشید بوده، و تخته سنگی ساخته، و روی آن می نشسته [است]، و تا زمان پدر مؤلّف (جابری) آن سنگ باقی بود، و کشتی گیران در آن نقطه کشتی می گرفتند، و بالاخره اتباع ظلّ السّلطان آن را از بین بردند.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۲۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، صص۳۴۸ و ۲۱۲ و ۵۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۶۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۳۳۷؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۹۳.

ابی قوسین

ابی قوسین، از اطبّاء اصفهان است، یهودی بود، و بعدا مسلمان شد. کتابش مقالةٌ فی ردّ علی الیهود نام دارد.(۱)

ابن قولویه

ابوالفتح بن قولویه، از ادباء و شعرای پارسی گوی اصفهان [در قرون نخستین هجری[است، و مافرّوخی نام او را در عداد متقدّمین آورده است.(۲)

ابن قولویه، اسحاق

ابویعقوب اسحاق بن احمد بن علیّ بن ابراهیم بن قولویه تاجر اصفهانی از محدّثین قرن چهارم هجری است. از ابراهیم بن یوسف بن خالد و عبدالرّحمان بن محمّد بن حمّاد و محدّثین ری روایت می کند. حافظ ابونُعیم از او حدیث شنیده است. وفاتش در پنجم ربیع الاوّل ۳۶۸ق روی داد.(۳)

ابن کرسیّه، محمّد

ابوبکر محمّد بن علیّ بن احمد بن محمّد بن عمران خلقانی معروف به «ابن کرسیّه» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. در مکّه و عراق، احادیث زیادی استماع نموده، و بعد از سال ۳۸۰ق وفات یافته است. وی را اصلی است در حدیث که از آن روایت می نموده است. او از حسین بن اسماعیل محاملی روایت می کند، و حافظ ابونُعیم از او نقل حدیث نموده است.(۴)

۱- لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۲۱؛ طبقات المحدّثین، ج ۱، ص ۸۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۳۰۲.

ابن کیغلغ، احمد

ابوالعبّاس احمـد بن ابراهیم بن کیغلغ، از ادباء و شـعراء است. از ترکان دربار خلیفه عبّاسـی در بغداد بوده است. تولّدش حدود سال ۲۵۸ق روی داده، و در سال ۳۱۹ق شـحنه اصفهان بوده، و چندی در این شهر به سر برده است. ثعالبی در یتیمه الدّهر وی را جزو شعراء و ادباء آورده، و نمونه ای از اشعار او را نقل نموده است. فوتش بعد از سال ۳۲۲ق اتّفاق افتاد.(۱)

ابن اللّباد، علی

ابوالحسن علیّ بن احمد بن محمّد اللباد اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان است. شیخ منتخب الدّین بن بابویه، در کتاب اربعین از او حدیثی روایت می کند.(۲)

ابن اللّبان، احمد

ابوالمکارم احمد بن محمّد بن اللبان اصفهانی، از محدّثان شافعی اصفهان.(۳)

ابن اللّبان، عبداللّه

ابومحمّـد عبـداللّه بن محمّـد بن عبدالرّحمان بکری وائلی اصـفهانی معروف به «ابن اللبان» از مشاهیر فقهای شافعیه در اصـفهان بوده، در پنج سالگی قرآن را حفظ نموده، در اصفهان و بغداد و مکّه از اکابر دانشمندان استماع حدیث نموده، ازجمله: ابوبکر بن مقری، ابراهیم بن عبـداللّه بن خوشـید قوله، علیّ بن محمّد بن احمد بن میله، ابوطاهر مخلص در بغداد، احمد بن ابراهیم بن فـارس در بغـداد و ابوبکر اشـعری، و نیز ابـایعلی بن فراء و ابامحمّـد تمیمی از او روایت می کننـد. علاـوه بر فقه و حـدیث، در قرائت و فنون تجوید نیز از دانشمندان به شمار می رفته، مدّتی منصب قاضی ایذج بر عهده او بوده، و چندی هم در

۱- یتیمه الدّهر، ج ۱، ص ۶۵؛ محاسن اصفهان، ص ۳۹؛ الاعلام، ج ۱، ص ۸۱ و ج ۶، ص ۹۹.

۲- تعلیقات النّقض، ج ۲، ص ۱۲۳۰، بحارالانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۹۸ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۵۴.

۳- منتخب المختار، صص ۱۱۹ و ۱۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۹.

بغداد ساکن بوده، عاقبت در سال ۴۴۶ق در اصفهان وفات یافت.

تألیفاتی داشته از آن جمله است: ۱. درر الغوّاص فی علوم الخواص ۲. تهذیب ادب القضاء ۳. الرّوضه(۱).

ابن لره، بندار

ابوعمرو بندار بن عبدالحمید [کَرْخی] اصفهانی معروف به «ابن لره» از بزرگان علم لغت و ادب است. وی از معاصرین متوکّل عبّاسی (۲۳۲ ۲۴۷ق) بوده، گویند هفت صد قصیده که اوّل آن «بأنت سعاد» بود، در حفظ داشته، و در نحو نیز جامع آرای مصریان و کوفیان بود.(۲)

ابن لره شاگرد ابو عبید قاسم بن سلام بود. ابن کیسان شاگرد صاحب عنوان است، و بارها در آثارش از او یاد کرده است.(۳) کتب زیر از تألیفات او است:

۱. جامع اللّغه ۲. شرح معانی الباهلی ۳. معانی الشّعر [۴. الوحوش(۴)]. سال وفاتش معلوم نیست.

ابن لره، محمّد

محمّد بن لره اصفهانی، مردی فاضل و دانشمند بوده، و به دانستن علم حساب در زمان خود مشهور بوده، کتاب الجامع از تألیفات او است.(۵)

۱- تبیین کذب المفتری، ص۲۶۱؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۴۵۱؛ طبقات الشّافعیه، سبکی، ج۳، ص۲۰۷؛ الاعلام، ج۴، ص۲۶۶؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۶۳؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۱۷۸؛ اللّباب، ج۳، صص۱۲۶ ۱۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۹.

۲- الکنی و الالقاب، ج۱، ص۳۵۸.

۳- دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، صص۸۱۳ ۸۱۴.

۴- ریحانه الادب، ج۸، ص۱۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهانج۱، ص۱۲۹؛ الفهرست، ابن ندیم، ترجمه فارسی، ص۱۳۹.

۵- اخبار الحکماء قفطی، ص۱۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۰.

ابن لیلاف، عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن محمّد مقری اصـفهانی معروف به «ابن لیلاف» از دانشـمندان قرائت در قرن چهارم هجری بوده، چهل سال در ماه رمضان بر مردم نماز می گزارده، و در نقطه گذاری مصاحف شریف، و روایت قراآت مختلفه کلام اللّه مجید از اساتید دوران بوده، سرانجام در غرّه جمادی الآخر ۳۸۰ق در اصفهان وفات یافت.(۱)

ابن ماما، احمد

حافظ ابوحامـد احمـد بن محمّـد بن اُجیه (اُحیـد) بن عبداللّه بن ماما اصـفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی در سال ۴۳۶ق وفـات یـافته است. از تألیفات او ذیل تاریـخ بخاری است. تاریـخ بخاری از تألیفات حافظ ابوعبـداللّه محمّـد بن ابی بکر احمد بخاری غنجاری است.(۲)

ابن ماشاذه*

«ابن ماشاذه» شـهرت عدّه ای از بزرگان اصفهان در قرون سوم تا هفتم هجری است. این خاندان، نسب خویش را به شخصی به نام «ماشاذه» می رسانند. آنان پیرو مذهب شافعی بوده، و اغلب، منصب تدریس و وعظ و افتاء را در اصفهان برعهده داشته اند. در قریه رنان (محلّه رهنان کنونی) در غرب شهر اصفهان، مکانی به نام «صحرا ماشاذه» تاکنون شهرت داشته است.

ابن ماشاذه

ابوعبداللّه ماشاذه، از فضلای اصفهان قبل از قرن پنجم هجری است. مافرّوخی او را جزو متقدمین آورده است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۸.

۲- الانساب، ج۵، ص۱۸۱؛ الاعلام، ج۱، ص۲۱۳؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، ص۱۱۷ سیر اعلام البنلاء، ج۳۸۳۱۷.

۳- محاسن اصفهان، ص۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۳۰.

ابن ماشاذه، احمد

ابوالحسین احمد بن محمّد بن حسین بن ماشاذه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوالقاسم طبرانی روایت می نموده، و ابوالحسن علیّ بن حسین بن عبداللّه کردی و دیگران از او روایت نموده اند.(۱)

ابن ماشاذه احمد*

فخرالدّین ابوبکر احمد بن محمّد بن محمود بن عبدالمنعم بن ماشاذه اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری بوده، و از ابومسعود سلیمان بن ابراهیم بن محمّد اصفهانی، سالار ابی الحسن مکّی بن منصور علان گرجی و دیگران نقل ویژه نموده، و غیاث الدّین ابومفید احمد بن اسعد بن غیاث عقیلی، ابوغانم مهذّب بن حسین بن محمّدحسین بن زینه و دیگران از او روایت می نمایند. فخرالدّین سرانجام در ۵۷۲ق وفات یافت.(۲)

ابن ماشاذه، احمد

اسماعیل بن عبدالمؤمن ابی منصور ماشاذه، از محدّثین اصفهان در قرن هفتم هجری است ترجمه کتاب عوارف المعارف تالیف ابوحفص عمر بن محمّد سهروردی از آثار او است که آن را در سال ۶۶۵ به دستور عبدالسّلام سیخی کامویی به فارسی برگردانده است.(۳)

ابن ماشاذه، داوود

داوود بن ماشاذه، از محدّثین اصفهان است. وی از مشایخ روایت ابن صیقل بغدادی بوده است.(۴)

۱- معجم البلدان.

۲- تلخیص مجمع الآداب جزء ۴، ج۳، ص۱۰۵.

۳- النّصائح الایمانیه، ص ۲۰.

۴- منتخب المختار، ص ۱۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۰.

ابن ماشاذه، عبداللّه

عبد اللّه بن علیّ بن ماشاذه، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی او را از متقدّمین فضلای اصفهان می نویسد.(۱)

ابن ماشاذه، علی

ابوالحسن علیّ بن محمّد (معروف به ماشاذه) بن احمد بن میله بن حرّه اصفهانی معروف به «ابن ماشاذه»، از فقهاء و متصوّفه اواخر قرن چهارم هجری است. از محمّد بن محمّد بن یونس ابهری، ابی عمرو بن حکیم، مصاحبی و اُسواری روایت نموده است. وی در روز عید فطر چهارشنبه، سال ۴۱۴ق در اصفهان وفات یافت. مافرّوخی در کتاب خود به نام او و علیّ بن ماشاذه اشاره کرده است.(۲)

ابن ماشاذه، عمر

ابومحمّد عمر ماشاذه عبّاسی هاشمی اصفهانی بن محمّد بن اسماعیل بن عبدالمؤمن ابی منصور ماشاذه از ادباء و عرفای قرن هشتم هجری است. او در خانقاه حسینیّه اشرف یزد ساکن بوده، و در ۲۸ ذی حجّه ۷۴۰ق از کتابت غرایب القرآن فراغت یافته است. این نسخه در کتابخانه مجلس سنای سابق موجود بوده است.(۳)

ابن ماشاذه، کمال

تقی الدّین کمال بن قطب الدّین اصفهانی ماشاذه عبّاسی، از فضلاء و دانشمندان قرن نهم هجری بوده است.

وی در شنبه ۴ رمضان ۸۴۲ در شهر «شویم» کرمان، نسخه ای از کتاب شرح الموجز در طب را به خطّ نسخ کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۳۳۳۴ در کتابخانه آیت اللّه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۳۰.

۲- محاسن اصفهان، ص۲۹؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۳۰.

۳- فهرست مجلس سنا، ج۲۱، ص۲۵۶.

مرعشی در قم موجود است.(۱)

ابن ماشاذه، محمّد

محمّد بن احمد بن میله معروف به ماشاذه اصفهانی از محدّثین اصفهان است.(۲)

ابن ماشاذه، محمّد

ابوبکر محمّـد بن عبداللّه بن علیّ بن ماشاذه، از دانشـمندان اصـفهان قبل از قرن پنجم هجری بوده، و مافرّوخی نام او را در رده دانشمندان کلام و حدیث مقدّم بر عصر خود آورده است.(۳)

ابن ماشاذه، محمود

ابومنصور محمود بن احمد بن عبدالمنعم بن احمد معروف به ابن ماشاذه اصـفهانی، از محدّثین، وعاظ و فقهای اصـفهان است. در عهـد خویش، مرجع مسائل شـرعی مردم آن عهد در اصـفهان بوده است. فقه را از ابوبکر خجندی آموخته، و از ابی المظفّر سمعانی و عایشه ورکانیه نقل حدیث نموده است. عدّه ای همچون ابوموسـی مدینی و ابن سـمعانی از او حدیث نقل کرده اند. صـاحب عنوان در سال ۴۵۸ق متولّـد [شـده]، و در ۱۱ ربیع الآـخر سال ۵۳۶ق در اصـفهان وفـات یـافته است. وی با آن که از پیشوایان اهل سنّت در آن روزگار بوده؛ ولی در روز عاشورا در هر سال، به تعزیت شهدای کربلای پرداخته، و آشوب و نوحه و غریو داشته است.(۴)

۱- فهرست مرعشی، ج۹، ص۱۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۱.

۳- محاسن اصفهان، ص۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۰.

۴- تبیین کذب المفتری، ص۳۲۷؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۱ طبقات المفسّرین، ج۲، صص۳۰۸ ۳۰۹؛ تاریخ تشیّع در ایران، ص۳۱۷.

ابن ماشاذه، مسعود

ابوعبداللّه مسعود بن محمود بن احمد بن عبدالمنعم بن ماشاذه اصفهانی از محدّثین و فقهای اصفهان در قرن ششم هجری است. در فقه، تفسیر، حدیث و وعظ مهارت بسیار داشته، و از غانم بن محمّد برجی، ابی علی حدّاد و محمّد صیرفی نقل می کند. وی پس از برگشتن از حج در سال ۵۷۶ق وفات یافت.(۱)

ابن ماهویه، ابراهیم

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن مالک قطان معروف به «ابن ماهویه» از محدّثان قرن سوم هجری. وی کتاب فقیه را نوشته، و از حسین بن مهدی، اسماعیل بن یزید، محمّد بن عمرو بن عبّاس، ابوالرّبیع السّمتی، محمّد بن سلمان لوین و دیگران نقل حدیث می نماید. هم چنین عبداللّه بن محمّد بن جعفر، قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم و محمّد بن جعفر بن یوسف از او روایت می کنند. ابن ماهویه در سال ۳۰۴ق وفات یافت.(۲)

ابن متویه*

«ابن متویه» شهرت عدّه ای از محدّثین و فقهای عامّه اصفهان در قرون سوم و چهارم هجری است. امامت در مسجد جامع اصفهان و تدریس، متعلّق به این خاندان بوده است. نسب این خاندان به شخصی به نام «متویه» منتهی می شود.

ابن متویه، ابراهیم

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حسن بن ابی الحسن اصفهانی معروف به «ابن متویه» از محدّثین و دانشمندان قرن چهارم هجری. عابد زاهد و دائم الصّوم بوده، از جمعی از محدّثان روایت می کند، از آن جمله است: محمّد بن ابی عمر عدنی، عبدالجبّار بن علاء، سعید محزومی، ابن ابی شوارب، بشر بن معاذ بن عقدی، و محدّثان مصر و شام و عراق.

۱- طبقات المفسّرین، ج۲، ص۳۲۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۹۱.

ابومحمّـد قاسم بن محمّـد دیمرتی، احمـد بن اسـحاق، طبرانی، قاضـی محمّد بن احمد بن ابراهیم، ابومحمّد بن حیّان، ابواحمد عال، ابن مقری و دیگران از او روایت کرده انـد. صاحب عنوان در عداد حفّاظ مشـهور و ملقّب به امام بوده، در جمادی الآخر سال ۳۰۲ق وفات یافت.(۱)

ابن متویه، احمد

احمد بن حسـین بن محمّد معروف به «ابن متویه»، صـحف ادریسـیّه را از زبان سوری به عربی نقل کرده، و علاّمه مجلسی (ره) تمام آن را در کتاب دعا، از مجلّدات بحارالانوار نقل فرموده است.(۲)

ابن متویه، حسن

حسن بن متویه بن سندی قرشی، از محدّثین، و از مشایخ روایت محمّد بن حسن بن ولید (م۳۴۳ق) است.

در ریاض العلماء گوید: در برخی از نسـخه ها نامش حسین بن متویه نوشته شده، و این دو (حسن و حسین) یک نفر می باشند که نامشان تصحیف شده است.(۳)

ابن متویه حسن

حسن بن ابی الحسن نصـر بن عثمان بن زیـد بن مزیـد بصـری اصـفهانی از محدّثان اصـفهان است. از موالی انصار بوده، و جدّ ابراهیم بن متویّه است. در اصفهان متولّد شده، از حفص بن غیاث روایت می کند، و ابوالفضل حسین بن عبداللّه واضحی از او نقل حدیث می نماید.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۹؛ تذکره الحفّاظ، ج۲، ص ۷۴۰؛ اللباب، ج۳، ص۱۶۳.

۲- نوابع الرّواه، ص۲۷، بحارالانوار، ج۹۲، ص۴۵۲.

۳- نوابع الرّواه، ص۹۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۲۵۰.

ابن متویه حسین

حسین بن محمّد بن متویه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی به قصد انجام حج به کوفه رفت، و در آن جا حدیث گفت. از مسلمه بن شبیب روایت نموده، و احمد بن محمّد بن سرّی کوفی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

ابن متویه محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن ابراهیم بن محمّد بن حسن اصفهانی معروف به «ابن متویّه» از محدّثان قرن چهارم هجری بوده، و به عدالت و گفتار نیکو، شهرت داشته، و امام مسجد جامع اصفهان بوده است. از ابن نعمان هروی و محدّثان هم طبقه او روایت نموده است. وی در سال ۳۴۰ق وفات نمود.

ابن متویه محمّد

محمّد بن حسن بن ابی الحسن معروف به «متویّه» از محدّثین اصفهان است. مادرش دختر ضحّاک بن مزید بن عجلان است. صاحب عنوان از محمّد بن بکیر، عبداللّه بن عمران و سعدویه حدیث شنیده است.(۲)

ابن مردانبه اسماعیل

ابواحمد اسماعیل بن حریث بن مردانبه قطّان اصفهانی، از محدّثان قرن سوم هجری. وی به زهد و عبادت و کثرت حدیث معروف بوده است. از تألیفات او: ۱. تفسیر ۲. مسند در حدیث را ذکر کرده اند.

وی از انس بن عیاض، بشر بن مسری، ابی داوود و ابی جابر و جمعی دیگر روایت می کند، و محمّد بن حمید رازی و احمد بن حسین انصاری از او روایت می کنند. صاحب

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۸۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۹۴.

عنوان در سال ۲۶۰ق یا کمی بعد از آن وفات یافته است.(۱)

ابن مردویه

«ابن مردویه» شهرت چندین نفر از فقها و محدّثین قرن سوم تا پنجم هجری در اصفهان است. نسب افراد این خاندان به مردویه بر وزن منگوله منتهی می شود، و ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه معروف ترین شخص این خانواده محسوب می شود.

ابن مردویه، احمد

حافظ ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی، از مشهورترین محدّثان و حافظان حدیث در میان راویان اهل سنّت بوده است. برخی نام او را بکر بن احمد نوشته اند که نادرست است. تولّدش در سال ۳۲۳ق، و وفاتش شش روز مانده از ماه رمضان سال ۴۱۰ (۲۴ رمضان) روی داده است. برخی تاریخ وفاتش را ۴۱۶ق و ۳۵۲ نوشته اند که صحیح نیست. در سده ماربین اصفهان مقبره ای معروف به نام بابا دو مَرده وجود دارد که آن را متعلّق به ابن مردویه دانسته اند.

وی علاوه بر حدیث، در تفسیر، تاریخ و طب نیز مهارت داشته است. او از ابوسهل بن زیاد قطان... بن اسحاق خراسانی، محمّد بن عبداللّه بن علم صفّار، اسحاق بن محمّد بن علی کوفی، محمّد بن احمد بن علی اُسواری، احمد بن محمّد بن عاصم کرانی و دیگران حدیث شنیده، و ابوالقاسم عبدالرّحمان بن منده و برادرش عبدالرّحمان، و ابوالخیر محمّد بن احمد بن ررا، ابومنصور محمّد بن سکرویه، محمّد بن عبدالواحد مصری و دیگران از او روایت می کنند.

کتب زیر از تألیفات او است:

۱. تاریخ اصفهان ۲. تفسیر قرآن ۳. کتابی در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام ۴. مستخرج

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۹.

صحیح بخاری ۵. جامع مختصر در طب(۱).

ابن مردویه محمّد

ابوبکر محمّد بن احمد بن موسی بن مردویه، از محدّثین و دانشمندان اصفهان است که قبل از روزگار مافرّوخی در اصفهان زندگی می کرده است.(۲)

ابن مردویه، محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن موسی بن مردویه بن فورک اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. در فقه و حدیث و کلام از دانشمندان روزگار خود بوده، و در اصفهان و عراق از راویان آن شهرها حدیث شنیده است که از آن جمله است: ابوالحسن احمد بن محمّد بن عمر لنبانی و ابی عمرو بن حکیم. جماعتی از علماء از او فقه آموختند. وی سال ها در اصفهان صاحب فتوا و حوزه تدریس بوده، و در سال ۳۷۸ق وفات یافته است.(۳)

ابن مردویه موسی

ابوعمران موسی بن مردویه بن فورک بن موسی بن جعفر اصفهانی فقیه و محدّث قرن چهارم هجری. از مصاحبان ابراهیم بن متویّه بوده، و از او حدیث شنیده است. فرزندش حافظ ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه از او روایت می کند. صاحب عنوان در سال ۳۵۶ق وفات نمود.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، صص۱۰۵۰ ۱۰۵۱؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۴۳۹؛ الاعلام، ج۱، ص۲۴۶؛ هدیه الاحباب، ص۸۷ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۰۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۱؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۱؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۳۹۳؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۴۴.

۲- محاسن اصفهان، ص۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۰۷؛ اللّباب، ج۲، ص۴۴۵؛ محاسن اصفهان، ص۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۱۴؛ اللّباب، ج۲، ص۴۴۵.

ابن مرده احمد

احمـد بن محمّد بن یوسف بن مَرده اصـفهانی، ادیب، کاتب، شاعر، لغوی، مؤلّف کتاب های ۱. ادب الکتّاب ۲. طبقات البلغاء ۳. طبقات الخطباء. در کتاب تبیین کـذب المفتری، خوابی از او نقل می کنـد، طالبین مراجعه نمایند. حافظ ابوالحسن محمّد بن احمد بن یحیی غسّانی صیدلانی از وی روایت می کند. وفاتش در حدود سال ۴۲۰ق اتّفاق افتاده است.(۱)

ابن مَرده محمّد

محمّد بن مرده بن رستم معروف به «ابن مرده» از محدّثین قرن سوم هجری در اصفهان است. وی از محمّد بن بکیر روایت می کند، و ابوعلیّ بن ابراهیم از وی نقل حدیث می نماید.(۲)

ابن مرزبان سهل

ابونصـر سـهل بن مرزبان اصـفهانی، از ادباء و دانشـمندان اصـفهان به شـمار می آیـد. در قاین متولّـد شده، و در نیشابور ساکن گردیـد. او ازجمله معاصـرین ثعـالبی مؤلّـف یـتیمه الـدّهر بوده، و بین آن دو، مکاتبـات برقرار بوده است. شـعر، نیکو می گفته است. از آثار او: ۱. اخبار ابی العینا ۲. اخبار ابن الرّومی ۳. اخبار جحظه برمکی ۴. الآداب در طعام و شراب. وی در حدود سال ۴۲۰ق فوت شده است.(۳)

ابن مسکویه احمد

ابوعلی احمد بن محمّد بن یعقوب بن مسـکویه رازی، حکیم و فیلسوف و مورّخ و ادیب و طبیب. سال تولّد او معلوم نیست. در اوایل زندگانی، معاشر و مصاحب وزیر مهلبی

۱- معجم الادباء، ج۴، ص۱۳۵، تبیین کذب المفتری، ص ۳۹۱ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۵۲ ۲۵۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۱۸.

۳- الاعلام، ج۳، ص ۲۱۰؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۲۱۹.

بوده، و مدّتی کتابداری ابن عمید به عهده وی بوده، و بدین سبب به خازن شهرت یافته، و محرم اسرار و ندیم عضدالدّوله بوده، و جدّش نیز در ری، متصدّی بیت المال بوده، و به خازن شهرت داشته است، و پدر یعقوب، زرتشتی بوده، و فرزند، مسلمان شده، و از خاندان های معروف شیعه می باشد. ابوحیّان توحیدی درباره او عقیده خوبی ندارد، و وی را به بخل زیاد و حرص شدید در جمع مال و طلب کیمیا سخت نکوهش می کند. برخی مورّخین نوشته اند که سلطان محمود غزنوی، خواجه ابوالفضل حسین بن علی میکال را نزد مأموران خوارزم شاه گسیل داشت، و این دانشمندان که در دربار او بودند را طلب کرد. شیخ الرّییس ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، ابوسهل مسیحی، ابوعلی مسکویه، ابن خمار و ابونصر عراق. سه نفر از اینان نزد سلطان محمود رفتند، و سه نفر دیگر یعنی ابن سینا، ابن مسکویه و ابوسهل خدمت سلطان محمود را نپذیرفتند، و به سمت گرگان حرکت کردند، و ابوسهل در راه از تشنگی بمرد (سال ۴۰۱ق)، و آن دو به سختی جان به در بردند، و ابن مسکویه در ۹ صفر ۴۲۱ق در اصفهان وفات یافت، و در این شهر مدفون شد. صاحب روضات در کتاب خود، مدفن ابن مسکویه را در محلّه خواجوی اصفهان می نویسد، و می گوید: قبر او در زمان ما معروف است. ظاهرا محل قبر او در باغ مقابل امام زاده باقر در محلّه خواجو بوده است، و اکنون آثار آن از بین رفته است.

محمّد صدرهاشمی در مقاله خود در مجلّه یادگار مدّعی است که امام زاده باقر همان قبر ابن مسکویه بوده که در زمان ناصرالدّین شاه آن را به عنوان امام زاده باقر شهرت دادند.امام زاده قبل از ناصرالدّین شاه وجود داشته، و سنگ لوح آن مورّخ به سال ۱۲۷۰ق می باشد. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. آداب العرب و الفرس و الهند، در اخلاق ۲. احوال الحکماء و المتقدّمین و صفات الانبیاء السّافلین و احوالهم ۳. ادب الدنیا والدّین ۴. الاشربه و ما یتعلّق بها ۵. الادویه المفرده ۶. اقسام الحکمه و الرّیاضی ۷. انیس الخواطر، مانند کشکول، در متفرّقات ۹. تجارب الامم و تعاقب الهمم، مطبوع، در تاریخ جهان از آغاز تا ۳۶۹ق ۱۰. ترتیب السّعادات، در اخلاق ۱۱. تفصیل النّشأتین و تحصیل السّعادتین در اخلاق ۱۲. التّعلیق فی المنطق ۱۳. جاویدان خرد، به فارسی در حکمت و اندرز ۱۴. حقایق النّفوس ۱۵. السّیاسه للملک ۱۶. طهاره الاعراق فی التّحصیل الاخلاق، در اخلاق که

خواجه نصیرالدّین طوسی آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده، و مبحث سیاست مُدُن و تدبیر منزل را بدان افزوده، و به نام اخلاق ناصری نامیده که به طبع رسیده است. ۱۷. الشّوامل فی ردّ «الهوامل»، تألیف ابوحیّان توحیدی ۱۸. الفوز الاصغر در فلسفه، مطبوع ۱۹. الفوز الاکبر ۲۰. فوز السعاده ۲۱. فوز النّجاه، در اخلاق ۲۲. رساله فی دفع الغمّ من الموت لماذا اخاف الموت ۲۳. الکنز الکبیر [۲۴. رسالهٌ فی اللذّه و الآلام] ۲۵. لغز قابس ۲۶. مختار الاشعار یا مستوفی ۲۷. مقاله فی علاج الحزن [۲۸. ندیم الفرید]. [کتاب نزهت نامه علایی از تألیفات شهمردان بن ابی الخیر رازی است، و به طبع رسیده؛ ولی به اشتباه آن را به ابن مسکویه نسبت داده اند].(۱)

ابن مطلب هبه اللّه

ابوالمعالی هبه اللّه بن محمّد بن علی ملقّب به «ولی الدّوله» و معروف به «ابن مطّلب» وزیر خلیفه المستظهر باللّه بوده، و در بغداد اقامت داشته، سرانجام به جرم شیعه بودن، مورد سوء ظنّ سلطان محمّد بن ملکشاه سلجوقی واقع شد، و در اثر مکاتبات او با خلیفه، از ترس جان خود، از بغداد گریخت، و در اصفهان وفات یافت.(۲)

ابن مظاهر

ابن مظاهر، از حافظه ای قوی برخوردار بوده، و احادیث بسیاری را از بر داشته است. حافظ ابونُعیم در کتاب خود، ذیل شرح حال ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه بن عماره، درباره وی می نویسد: «لَم یَرَ بعد ابن مظاهر مثله فی الحفظ»(۳).

ابن مظفّر

ابن مظفّر بن شبیب، از فقهاء و محدّثین اصفهان است. وی امام مسجد جامع اصفهان بوده است. یاقوت حموی در ذیل شرح حال احمد بن فضل باطرقانی گوید: «پس از

۱- معجم الادباء، ج۵، صص۵ ۱۸؛ الاعلام ج۱، صص۲۰۴ ۲۰۵ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۱۹۶ ۱۹۷؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۷۳؛ النّابس، ص۲۸؛ شمس التّواریخ، ص۲۴؛ نزهه الارواح، ص۴۰۶؛ الکنی و الالقاب، ج۱، صص۴۰۸ ۴۰۹ روضات الجنّات، ج۱، صص۲۶۴ ۲۶۶؛ تاریخ گزیده ص۶۸۹؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۶، صص۸۵۲ ۸۵۳؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۶، ص۵۶؛ مزارات اصفهان، صص۱۴۵ ۱۴۶؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، صص۲۶۵ ۲۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۳۲ ۱۳۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۳۰۰ ۳۰۱ و ۳۸۲ ۳۸۴؛ تاریخ الحکماء، قفطی، ص۲۱۷؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۳؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۱۶۸؛ الذّریعه، ج۱، ص۲۵ و ج۳، ص۳۴۷، ج۲، ص۱۶۸؛ الذّریعه، ج۱، ص۲۵ و ج۳، ص۳۴۷، ج۴، ص۶۶ و ج۵، ص۷۸ و ج۱۶، صص۳۶۸ ۳۶۹؛ تاریخ تشیّع اصفهان صص۲۵۰ ۲۵۵؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص۲۰۷ ۲۰۸؛ تاریخ نظم و نثر در ایران، ص۱۲۳؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۰۶؛ هدیه الاحباب، صص۹۹ ۱۰۰؛ مجلّه یادگار، شماره ۴ و ۵، آذرودی، ۱۳۲۷، صص۱۳۰ ۱۳۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۲؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۸۴؛ نسائم الاسحار، ص۳۱؛ آثار الوزراء، ص۱۴۳؛

دائره المعارف تشیّع، ج ۱، ص ۳۶۸؛ آثار الشّیعه، ج ۴، ص ۳۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۹.

ابن مظفّر، امامت مسجد جامع اصفهان یافت»(۱).

ابن معدان محمّد

محمّد بن احمد بن راشد بن معدان بن عبدالرّحیم معروف به «ابن معدان» از محدّثین اصفهان است. از عبداللّه بن ابی رومان اسکندر انی، عیسی بن شاذان بصری، محمّد بن خالد بن خداش و ابوالسّائب مسلم بن جناده روایت می کند، و ابن باغندی، عبداللّه بن محمّد بن جعفر، محمّد بن احمد بن عبدالوهّاب، محمّد بن جعفر بن یوسف و محمّد بن عبداللّه بن مرزبان واعظ از او نقل حدیث نموده اند.(۲)

ابن مقری احمد

احمد بن اسماعیل بن عبداللّه بن محمّد اصفهانی بغدادی مشهور به ابن مقری مالکی، از ادبای اصفهان است. او دیوانی در مدح رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارد.(۳)

ابن مقری محمّد

ابوبکر محمّد بن ابراهیم بن علیّ بن عاصم بن زاذان اصفهانی معروف به «ابن مقری»، از محدّثین اصفهان است. وی در سال ۲۸۵ق در اصفهان متولّد شده، و جهت اخذ حدیث به بسیاری از شهرها سفر کرده، [و از محدّثین همدان، خوزستان، عراق، جزیره، شام حجاز، یمن و مصر استماع حدیث نموده است. برخی از مشایخ او عبارت اند از: ابویعلی موصلی، ابوالقاسم عبداللّه بن محمّد بغوی، ابوبکر محمّد بن محمّد بن سلیمان بن باغندی، عبداللّه بن احمد جوالیقی، ابن عروه حرّانی، احمد بن حسن بن عبدالجبّار صوفی، علیّ بن عبّاس بن مقانعی، محمّد بن محمّد بن اشعث و ابوجعفر طحاوی. هم چنین حمزه بن یوسف سهی، ابونُعیم اصفهانی، ابوبکر بن مردویه، ابویعلی خلیلی قزوینی، ابوسعد

۱- معجم الادباء، ج ۱، ص۳۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۱۳۴؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۸۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۴۳.

۳- مقتبس الاثر، ج۳، ص۱۴۵.

مالینی، ابوالحسن هارونی (از امامان زیدیّه)، احمد بن محمّد عتیقی و ابوالشّیخ اصفهانی از او روایت کرده اند. وی در علم قرائت نیز تبحّر داشته، و ابوعمرو دانی او را در این زمینه متصدّر (پیشرو) خوانده است. ابن مقری از دوستان و معاشران صاحب بن عبّاد و چندی خازن کتب او بوده است.] وی در شوّال ۳۸۱ق در سن ۹۶ سالگی وفات یافته است. [کتب زیر از تألیفات او است: ۱. الاربعون، موجود در کتابخانه ظاهریّه مصر ۳. فوائد، در همان کتابخانه ۴. مسند ابی حنیفه، موجود در کتابخانه فیض اللّه در ترکیه ۵. مسند نافع بن ابی رویم قاری، موجود در کتابخانه ظاهریّه و دارالکتب مصر ۶. معجم الشّیوخ، موجود در کتابخانه دارالکتب مصر ۷. المنتخب من غرائب الحدیث مالك بن انس الاصبحی، موجود در کتابخانه ظاهریّه(۱)].

ابن مکرم، محمّد

محمّد بن حسین بن مکرم، از محدّثین اصفهان است. از محمّد بن حسن بن سعید اصفهانی باب کوشکی حدیث شنیده، و ابوعمر عثمان بن محمّد عثمانی از او روایت می کند.(۲)

ابن مکّه، اسماعیل

اسماعیل بن محمّد واعظ اصفهانی معروف به «ابن مکّه» از محدّثان اصفهان است. وی در سال ۵۰۹ق وفات یافته است، و المجالس از تألیفات او است.(۳)

ابن ممجه، عمر

ابوبکر عمر بن عبداللّه بن احمد بن محمّد بن سهل تمیمی معروف به «ابن ممجه» از

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۴، صص۶۵۸ ۶۶۰؛ الانساب، ج۶، ص۲۲۷؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۹۷؛ غایه النّهایه، ج۲، ص۴۹؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ص۴۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ج۱۴، صص۷۶۶ ۷۶۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۳۰.

۳- مرآه الجنان، ج۳، ص۱۹۸.

محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از جدّش احمد بن محمّد بن سهل روایت می نموده است. حافظ ابونُعیم اصفهانی از او حدیث نقل می کند. ابن ممجه در جمعه ۲۱ ربیع الاوّل ۳۷۷ق وفات یافته است.(۱)

ابن ممشاد، عبداللّه

ابوسعید عبداللّه بن احمد بن ممشاد اصفهانی معروف به «ابن ممشاد» از محدّثین اصفهان است، وی دایی ابواحمد عسّال است، و خود از عبدان بن احمد و راویان اصفهان روایت می کند.(۲)

ابن ممک، اسحاق

اسحاق بن ممک، از محدّثین اصفهان است، ابومحمّد بن حیّان از او روایت می کند، و خود از احمد بن محمّد بن ابی سلم حدیث شنیده است.(۳)

ابن مملک، احمد

ابوعمرو احمد بن محمّد بن ابراهیم بن حکیم مدینی حکیمی معروف به «ابن مملک» از از محدّثین مدینه (محلّه شهرستان فعلی) اصفهان بوده، جهت اخذ حدیث، مسافرت بسیار کرده، و در شام و عراق و ری استماع حدیث نموده، و روایات شیوخ را کتابت کرده که از آن جمله است: ابوعلی طرابلسی، ابوامیّه طرطوسی، ابوحاتم رازی و غیره ابوبکر اسماعیلی، ابواحمد عسال و محمّد بن اسحاق بن منده از او استماع حدیث نموده اند. در جمادی الآخر سال ۳۳۳ق وفات یافته است.(۴)

مملک، در اصل محمّدک (محمّد کوچک): مَمَل: در اصفهان و شاید برخی دیگر از شهرها محمّد را «مَمَل» گویند، و کاف، علامت تصغیر است.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۹۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۴۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱؛ الانساب، ج ۴، ص ۲۹؛ اللّباب، ج ۱، ص ۳۷۹.

ابن مملک، محمّد

ابوعبـدالله محمّـد بن عبدالله بن مملک جرجانی اصـفهانی معروف به «ابن مملک» از متکلّمین و محدّثین شیعه در قرن سوم و چهارم هجری است. در ابتـدا سنّی معتزلی بوده، و به وسیله عبـدالرّحمان بن احمد بن جیرویه (خیرویه) شیعه شده، و با شیخ معتزلیان بغداد ابوعلی محمّد بن عبدالوهاب جبایی مناظرات و مجادلاتی در مباحث کلامی داشته است. عموم محدّثین و رجال شناسان شیعه، همچون نجاشـی، طوسـی، علاّمه و منتجب الدّین وی را به جلالت قدر و عظمت شأن ستوده اند. کتب زیر از او است:

۱. الجـامع فی سایر ابواب الکلام ۲. المسائـل و الجوابات فی الامّه ۳. کتاب موالیـد الائمّه ۴. نقض الامـامه علی الجبایی، شامل مناظره و گفت وگوی او با ابوعلی جبایی(۱).

ابن مملک، محمّد

محمّد بن مملک معروف به «ابن مملک اصفهانی»، از محدّثین اصفهان است. او از احمد بن عصام روایت کرده است.(۲)

ابن منجویه، احمد

ابـوبکر احمـد بن علیّ بن محمّـد بن منجویه اصـفهانی یزدی، از محـدّثین مشـهور قرن چهـارم و پنجم هجری. در اصـفهان در حدودسال ۳۴۷ق متولّد شده، و سال ها به تحصیل پرداخته، سپس در نیشابور ساکن شد، و در ۴۲۸ق در آن جا وفات یافت. از ابـوبکر بن مقری، ابـوبکر اسـماعیلی و ابوعبـدالله بن منـده نقـل احـادیث نمـوده [است]، و خطیب بغـدادی، ابوصالـح مؤذّن و عبدالرّحمان بن منده از او روایت می کنند. رجال صحیح مسلم،

۱- فهرست طوسـی، چاپ نجف، ص۱۹۳؛ الذّریعه، ج۲۰، ص۳۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۴؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۱۰۳؛ جامع الرّواه، ص۴۳۶؛ رجـال ابن داوود، ص۴۰۵؛ رجال نجاشی، صص۲۶۹ ۲۷۰؛ مجمع الرّجال، ج۵، ص۲۴۹؛ نوابغ الرّواه، ص۲۸۲؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۲۲۲ ۲۲۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۶۷.

مهم ترین تألیف او است که در بیروت به طبع رسیده است.(۱)] در هدیه العارفین نام جدّ او به اشتباه «فنجویه» آمده است].

ابن منجویه حسین

ابوعلی حسین بن ابومحمّد ابوعبداللّه بن محمّد بن مرزبان بن منجویه اصفهانی از محدّثین قرن پنجم هجری است. ابوعلی حسن بن احمد حدّاد اصفهانی و ابومحمّد حمزه بن عبّاس بن علی معروف به «برطله» از او روایت می کنند.(۲)

ابن منجویه عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن مرزبان بن منجویه اصفهانی، از محدّثین و دانشمندان قرن چهارم هجری بوده، و به زهد و پارسایی و عبادت بسیار، شهرت داشته، و با اغلب عرفای اصفهان و نیشابور مصاحبت می کرده است.

از ابی احمد عسّال و ابی اسحاق بن حمزه و سلیمان طبرانی حدیث شنیده است. صاحب عنوان در غرّه ربیع الاوّل ۴۱۳ق وفات یافت.(۳)

ابن مندویه

«ابن مندویه» شهرت جماعتی از محدّثین، علماء، شعراء و ادبای اصفهان در قرن سوم تا پنجم هجری است. نسب این خاندان به مندویه (بر وزن زنگوله) به مندویه بن حجّاج بن مهاجر شروطی منتهی می شود.

۱- شذرات الذهب، ج۲، ص۲۳۳؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۸۸؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۳، ص۲۸۲؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، صص۱۰۸۵ ۱۰۸۷؛ الایرانیّون و الادب العربی (رجال علم حدیث)، ج۲، ص۵۰۱؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۶۶؛ اللّباب، ج۳، ص۲۶۱؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی ج۴، ص۶۹۶ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۵۷؛ الاعلام، ج۱، ص۱۲۵؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۴.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۵۴؛ محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۸.

ابن مندویه، احمد

ابوعلی احمد بن عبدالرّحمان بن مندویه اصفهانی، طبیب، ادیب، شاعر، در سال ۳۳۸ق متولّد شد، و به تحصیل پرداخت تا این که در ردیف اطبّاء درجه اوّل عهد خود محسوب شده، و از طرف عضدالدّوله دیلمی به بغداد دعوت شد. وی ازجمله ۲۴ نفر طبیبی است که در بیمارستان عضدی بغداد مشغول به خدمت گردیده، و مستمری دریافت داشته است. وفاتش در سال ۳۷۲ق واقع شده، و قریب به پنجاه جلد کتاب و رساله در علوم پزشکی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱. اطعمه و اشربه ۲. تدارک انواع الخطاء فی تدبیر الطبّی ۳. الجامع الصّغیر ۴. الجامع الکبیر ۵. رساله در تدبیر جسد ۶. رساله در نفس و روح ۷. الطّبیخ ۸. کافی یا کافیه در طب ۹. المدخل ۱۰. المغیث ۱۱. نقض الجاحظ ۱۲. نهایه الاختصار. رساله شماره ۲ و شماره ۵ ضمن مجموعه شماره ۲۱۱۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

۴۹۵

ابن مندویه، اعین

ابو سعید اعین بن محمّد جروانی بن مندویه بن حماد بن زهیر بن سعید بن عطیّه، از محدّثین اصفهان است. جدّ او حمّاد از کوفه به اصفهان آمده است. صاحب عنوان از ابی حذیفه، ابوالولید طیاسی و موسی بن مسعود روایت می کند، و عبداللّه بن جعفر از او حدیث شنیده است. وفاتش در سال ۲۷۰ق واقع شد.(۲)

ابن مندویه، حمد

ابوالقاسم حمد بن محمّد بن احمد بن عبدالرّحمان (محمّد) بن مندویه اصفهانی، قاضی معدّل. سمعانی درباره او نوشته: «فقیه، نقل من اهل العلم والدّین». تولّدش حدود سال ۴۳۰، و فوتش در روز دوشنبه ۱۴ شعبان سال ۵۱۴ق روی داده است. او جهت

۱- اخبار الحکماء، ص۲۶۸؛ ادباء الاطبّاء، ج۱، ص۳۹؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۳۳؛ فهرست نسخه های خطّی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۷۵۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۸.

ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۱)

ابن مندویه عبدالرّحمان

عبدالرّحمان بن مندویه اصفهانی معروف به «ابن مندویه» از ادباء و شعرای قرن چهارم هجری، و مؤلّف کتاب الشّعر و الشّعراء است.(۲)

ابن مندویه عبدالصّمد

ابوالقاسم عبدالصّمد بن ابومنصور محمّد بن عبداللّه بن عبدالواحد بن مندویه شروطی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری.

تولّدش قبل از سال ۴۷۰ق واقع شده، و از ابومنصور محمّد (پدرش)، ابوطاهر احمد بن محمّد بن عمر نقّاش، ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد بن ماجه ابهری، ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و ابوالحسن علیّ بن محمّد بن احمد حسن آبادی حدیث شنیده، و ابوسعد سمعانی در اصفهان از او استماع حدیث کرده است.

صاحب عنوان تا سال ۵۴۵ زنده بوده است.(۳)

ابن مندویه عبداللّه

ابومحمّد عبداللّه بن مندویه بن حجّاج بن مهاجر شروطی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری.

از محدّثین ری حدیث نقل می کرده است. از ابراهیم بن محمّد بن حسن، عبداللّه بن محمّد بن عمران، محمّد بن ابراهیم بن یحیی خراسانی، عبداللّه بن حسن بن حفص و محمّد بن احمد بن اسباط روایت نموده، و حافظ ابونُعیم اصفهانی هم از او حدیث شنیده است. وی در شوّال ۳۷۴ق وفات یافت.(۴)

۱- التّحبیر، ج۱، ص ۲۵۰.

۲- اخبار الحکماء قفطی، ص۲۸۵؛ فرهنگ نامه پارسی، ص۶۵۷؛ لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۳۵۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵.

۳- التّحبیر، ج۱، ص ۴۶۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۳۸ و ۹۵.

ابن مندویه، فضل

فضل بن عبداللّه بن مندویه اصـفهانی، از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری است، و از ابوسعید عبدالواحد بن ابی القاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، روایت می کند.(۱)

ابن مندویه محمّد

محمّد بن عبدالرّحمان بن مندویه طبیب، در محاسن اصفهان وی را از متقدّمین فضلاء اصفهان می شمرد.(۲)

ابن مندویه محمّد

محمّد بن مندویه غزال، از محدّثین اصفهان است، و از یحیی بن حاتم عسکری نقل احادیث می کند.(۳)

ابن مندویه محمّد

ابومنصور محمّد بن عبداللّه بن مندویه اصـفهانی، از محدّثین است. ابوسعید محمود بن ابوعلیّ بن ابوالفضل بن احمد بن حباب مدینی اصفهانی از مشایخ ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده است.(۴)

ابن مندویه، محمّد

ابوعبـداللّه محمّـد بن منـدویه بن حجّـاج بن مهاجر شـروطی، از محـدّثین اصـفهان. وی از ابوطالب حـدیث روایت می کنـد، و فرزندش ابومحمّد عبداللّه بن مندویه از او روایت

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۳۸ و ۹۵.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵.

۴- التّحبیر، ج۲، ص۲۹۱.

می نماید.(۱)

ابن مندویه محمّد

محمّد بن مندویه طویل، از محدّثین اصفهان بوده، و قبل از سال ۳۰۰ق وفات یافته است.(۲)

ابن منده

«ابن منـده» شـهرت جماعتی کثیر از محـدّثین و مشایـخ روایت و علمای اخبار در قرن سوم تا شـشم هجری می باشد که به بنی منده معروف اند.

نسب این خانـدان به ابراهیم (منـده) بن ولیـد بن سـند بن بُطّه بن اُسـتندار فیروزان بن چهـاربخت منتهی می شود. [چهار بخت، یکی از صاحب منصـبان دولت ساسانی بوده، و در جریان ورود مسلمانان به ایران مسلمان شده است. ابراهیم معروف به «مَنده» در زمان معتصم خلیفه عبّاسی می زیسته است.]

سلسله بنی منـده به نـام یحیی آغـاز شـده (یحیی بن ابراهیم بن ولیـد) و به یحیی نیز خاتمه یافته است (یحیی بن عبـدالوهاب). [مذهب این خاندان، حنبلی بوده است].

ابن منده، ابراهیم

ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن یحیی بن منده اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصفهان است.

از احمـد بن خشـنام و ابی بکر بن نعمـان و ثقفی روایت می نمایـد، از آثـار او کتاب شـیوخ را می توان نام برد. در ماه رمضان المبارک سال ۳۲۰ق وفات یافته است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۹۷ ۱۹۸؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۳، ص۱۵؛ معجم المؤلّفین، ج۱، ص۱۱۰.

ابن منده، ابوالطیّب

ابوالطیّب بن منـده، از ادباء و فضـلای اصـفهان است. در علم نحو، مهارت بسـزایی داشـته، و مافرّوخی او را از متقدّمین نام می برد. ظاهرا نام برده در قرن سوم یا چهارم هجری می زیسته است.(۱)

ابن منده، احمد

ابوسـعد احمد بن ابراهیم بن منده، از محدّثین اصـفهان است. از اهل فضل و جود و سـخا بود، و به نیازمندان و غرباء، خصوصا محدّثین و راویانی که به اصـفهان می آمدند، انفاق می کرد. از محمّد بن عمر بن حفص و عبداللّه بن جعفر نقل حدیث نموده است. وی در سال ۳۵۱ق وفات یافت.(۲)

ابن منده، احمد

ابوعمرو احمد بن حسن بن منده اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی در نیشابور ساکن بوده است.(۳)

ابن منده، اسحاق

ابویعقوب اسـحاق بن محمّـد بن یحیی بن منـده، از محـدّثین اصـفهان در قرن چهارم هجری است. از خانـدان حدیث و روایت است، حافظ ابونُعیم اصفهانی او را دیده؛ ولی از او حدیث نشنیده است.

از عبـداللّه بن محمّـد بن نعمان و ابن ابی عاصم و بزّاز حـدیث نقل کرده است، و محمّدعبدالرّحمان بن مخلد از او نقل حدیث می کند. وفات او در ماه رمضان سال ۳۴۱ق

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۵ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

۳- تاریخ نیشابور، ص۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

واقع شد. (۱)

ابن منده، اسحاق

اسحاق بن یحیی بن ابراهیم بن منده، از محدّثین اصفهان است، سال تولّد و وفات و مشایخ و روایت کنندگان از او به دست نیامد.(۲)

ابن منده، بندار

ابواحمد بُندار بن علیّ بن احمد بن منده معروف به ابواحمد فقیه از محدّثین و فقهای قرن چهارم هجری است. از احمد بن موسی بن اسحاق خطمی انصاری قاضی اصفهان روایت می کند. وی رجب المرجّب ۳۸۳ق وفات یافته است.(۳)

ابن منده، سفیان

ابوسعید سفیان بن محمّد بن یحیی بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. او از احمد بن یونس روایت می کند، و ابومحمّد بن حیّان از او نقل حدیث می نماید. در سال ۳۱۹ق وفات یافته است.(۴)

ابن منده، عبدالرّحمان

ابوالقاسم عبدالرّحمان بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن یحیی بن ابراهیم بن منده بن ولید بن منده بن استندار فیروزان بن چهاربخت، از مشاهیر محدّثین و فقهاء حنبلی اصفهان در قرن پنجم هجری است. در سال ۳۸۱ (یا به روایتی ۳۸۳ یا ۳۸۸ق) متولّد شد. وی برای اخذ حدیث به سفر رفت، و از محدّثان بغداد، واسط، مکّه، نیشابور، شیراز، همدان و دینور حدیث نقل نمود.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۱؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۵، ص۴۴۱؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۶، ص۸۷۸؛ لغت نامه دهخدا ذیل «اسحاق»، ص۲۲۴۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۶.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۴۱.

برخی از کسانی که وی از آن ها حدیث شنیده است، عبارت اند: از زاهر بن احمد سرخسی، محمّد بن اسحاق (پدرش)، ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بن خورشید قوله تاجر، ابوجعفر بن مرزبان ابهری، ابن مردویه، ابن خزیمه واسطی، محمّد بن ابراهیم جرجانی. تعدادی کثیر نیز از او حدیث شنیده اند که از آن جمله است: سیّدابومحمّدحسن بن محمّد بن رضا علوی کرانی، ابوالحسن ظریف بن محمّد نیشابوری، ابوزکریّا یحیی بن عبدالوهاب (برادرزاده اش)، ابوعبداللّه فارسی، ابوسعید احمد بن محمّد بغدادی، ابوعبداللّه دقاق، محمّد بن غانم بن محمّد حدّاد، و نیز پیروان و طرفدارانی داشته که به «عبدالرّحمانیه» معروف بوده اند.

در حسن خط نیز شهرت داشته، و حدیث بسیار نیز نقل نموده است. ابن منده سرانجام در ۱۶ شوّال ۴۷۰ق وفات یافته است.

تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است:

۱. الآیات و العلامات من الآفات و الشّبهات ۲. تاریخ اصفهان ۳. التّاریخ المستخرج من کتب النّاس للتّذکره و المستطرف من اقوال الرّجال لمعرفه، که نسخه خطّی آن در کتابخانه «کوپرلوی» استانبول ترکیه وجود دارد ۴. تاریخ مکّه ۵. جزء من اکل الطّین ۶. حرمه الدّین ۷. الردّ علی الجهمیّه ۸. صیام یوم الشّک ۹. ما اعدّ اللّه لأمّه محمّد صلی الله علیه و آله ۱۰. المسند ۱۱. الوفیات ۱۲. المیزان الممیّز بین الانسان و اعوان الشّیطان(۱).

ابن منده، عبدالرّحمان

ابومحمّد عبدالرّحمان بن یحیی بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری

۱- التّحبیر، ج۱، ص۲۰۸؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۹۹؛ تاریخ نیشابور، ص۴۸۰؛ الاعلام، ج۴، ص۱۰۳؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۵۱۷؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۱۹۰؛ الکنی و الالقاب، ج۱؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۳۴؛ طبقات الحنابله، ج۲، ص۲۰۲؛ النّجوم الزّاهره، ج۵، ص۱۰۵؛ البدایه و النّهایه، ج۱۲، ص۱۱۸؛ کشف الظّنون، ج۲، ص۱۶۷۱؛ تذکره الحفّاظ، ج۳، ص۱۱۶۵؛ المنتظم ابن جوزی، ج۸، ص۳۱۵؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۶۱؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، ص۸۷۹؛ الایرانیّون و الادب العربی، ج۶، ص۳۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

است. وی از یحیی بن حاتم عسکری روایت می کند. عبداللّه بن محمّد بن جعفر بن حیّان [حافظ ابوالشّیخ] نیز از او نقل حدیث می نماید. ابن منده در سال ۳۲۰ق وفات یافته است.(۱)

ابن منده، عبداللّه

ابوالحسن عبداللّه بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن یحیی اصفهانی از محدّثین خاندان ابن منده اصفهان است. از پدرش و از ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بن خورشید قوله تاجر و ابوجعفر بن مرزبان و حسن بن یوه حدیث نقل نموده است، و حسین بن عبدالملک خلال از او روایت می کند. وی در ۱۰ ربیع الاوّل ۴۶۲ق در جیرفت وفات یافت.(۲)

ابن منده، عبیداللّه

عبیداللّه بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن عاصم مدینی روایت نموده، و ابواسحاق سریجانی از او حدیث نقل می نماید.(۳)

ابن منده، عبدالوهاب

ابوعمرو عبدالوهاب بن محمّد بن اسحاق بن محمّد بن منده تاجر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. وی در سال ۳۸۶ق متولّد شد، و برای طلب حدیث به نیشابور، شیراز، همدان، مکّه و ری سفر کرد، و از ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بن خرشید قوله تاجر، ابوبکر بن مردویه، ابن عبدالوهاب سُلمی و سعید صیرفی حدیث شنید، فرزندش یحیی بن عبدالوهاب، حسن رستمی، ابوالخیر باغبان، مسعود ثقفی، مؤتمن ساجی و دیگران از او روایت می کنند. در اصفهان، محبوب القلوب بین خاص و عام

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۷؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۵، ص۱۳؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، ص۸۷۸.

۲- سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۳۵۵؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، ص۸۷۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۶؛ فرهنگ نامه پارسی، ص۶۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

بود، و در گردآوری حدیث، فرزند را به همکاری خویش خوانده بود. وی سرانجام در شب ۲۹ جمادی الثّانی ۴۷۵ق وفات یافت. کتاب المعرفه الصّحابه از تألیفات او است که حافظ مؤتمن بن احمد ساجی آن را تمام کرده است.(۱)

ابن منده، علی

ابوالحسن علیّ بن حسن بن منده، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از حسین بن یعقوب بزّاز در سال ۳۷۰ق روایت نموده است. ابوالفتح محمّد بن علیّ بن عثمان کراجکی در سال ۴۳۶ق از او نقل حدیث نموده است.(۲)

ابن منده، قاسم

قاسم بن منده بن کوشید ضریر، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. در محلّه «کلکه» اصفهان ساکن بوده است. از سعید بن یحیی بن سعید (سعدویه)، سلیمان بن داوود منقری شاذکونی و سهل بن عثمان روایت می کند. عبداللّه بن احمد بن اسحاق (پدر حافظ ابونُعیم) و محمّد بن جعفر بن یوسف مؤدّب از او نقل حدیث کرده اند.(۳)

ابن منده، محمّد*

ابوعبداللّه محمّد بن عبداللّه بن محمّد بن ابراهیم بن منده اصفهانی، از دانشمندان قرائت و تجوید است. قرائات را از ابوعلی اهوازی روایت نموده است، و ابوبکر محمّد بن علیّ بن محمّد اصفهانی قرائات را از او روایت می کند.(۴)

۱- تاریخ نیشابور، ص۵۳۹؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۶؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۶، ص۸۷۹؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۴۴۰؛ الکامل، ج۸، ص۱۳۲؛ معجم المؤلّفین، ج۶، ص۲۲۸.

۲- النّابس، ص۱۱۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۶۲؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

۴- غایه النّهایه، ج۲، ص۱۸۴.

ابن منده، محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن اسحاق بن یحیی بن منده حافظ اصفهانی، از مشاهیر محدّثین و رؤسای حنبلیان اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۹۵ق در اصفهان متولّد شده، و در طلب حدیث به بغداد، بخارا، بلخ، دمشق، مرو، مکّه و نیشابور سفر کرد، و در مدت ۴۰ سال از قریب ۱۷۰۰ نفر از محدّثین، اخذ حدیث کرد که از آن جمله است: ابراهیم بن سنان قنطری، ابن ابی حاتم، ابن اخی ابی زرعه، ابن جارود، ابوجعفرالبحتری، ابوحامد بن بلال، ابوسعید بن الاعرابی، ابوطاهر مدینی، ابوالعبّاس اصم ابی اسید، احمد بن بهزاد فارسی، اسماعیل صفّار، ابوعلی حسین بن علیّ بن یزید حافظ نیشابوری، خثیمه بن سلیمان، عبداللّه بن محمّد بن حنبل، عبداللّه بن یعقوب بن اسحاق کرمانی، محمّد بن احمد بن محبوب، علیّ بن احمد بستی، محمّد بن حسین بن قطان، محمّد بن عبداللّه عمانی، محمّد بن یعقوب و عدّه ای نیز از ابن منده روایت کرده اند ازجمله: ابوسعید ادریسی، ابوعبداللّه قنجار، ابومنصور شجاع بن علی صقلی، ابوعبداللّه حاکم، ابونعیم اصفهانی، بندار رازی، تمام رازی. وی پس از برگشت از مسافرت به اصفهان، قریب چهل بار کتاب و جزوه همراه داشت.

ابن منده در سلخ ذی القعده ۳۹۵ق وفات یافته است. این کتاب ها از او است: ۱. تاریخ اصفهان ۲. التّوحید و المعرفه اسماء اللّه و اثبات صفاته در هفت مجلّد ۳. الردّ الجهمیّه ۴. طبقات الصّحابه و التّابعین ۵. فتح الباب فی الکنی و الالقاب ۶. الکفایه ۷. المسند ابی حنیفه ۸. مسند احادیث ابراهیم بن ادهم ۹. معرفه الصّحابه ۱۰. النّاسخ و المنسوخ(۱).

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ص۳۰۶؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص ۱۱۰؛ هدیه العارفین، ج، ص۵۷؛ کشف الظنون، ج۲، ص۱۱۰۴؛ میزان الاعتدال، ج۳، ص۲۶؛ الاعلام، ج۶، ص۲۵۳؛ معجم المؤلّفین، ج۹، صص۴۲ ۴۳؛ الکامل، ج۷، ص ۲۳۰؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۳۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج۱۷، صص۲۸ ۴۳؛ الوافی بالوفیات، ج۲، صص ۹۰ ۹۱؛ النجوم الزّاهره، ج۴، ص۲۱۳؛ لسان المیزان، ج۵، ص ۷۰؛ طبقات الحنابله، ج۲، ص۱۶۷؛ المنتظم ابن جوزی، ج۷، ص۲۳۲؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۴۸۷؛ البدایه و النهایه، ج۱۱، ص۳۳۶؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۶، صص۸۷۸ ۸۸۰؛ الایرانیّون و الادب العربی، ج۶، صص۳۴۴ ۳۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

ابن منده، محمّد

ابوجعفر محمّد بن منده بن ابی الهثیم منصور اصفهانی از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری است. از حسین بن حفص و بکر بن بکار روایت می کند، و ابوبکر محمّد بن حسن بن حسین بن فرات از او نقل حدیث می نماید. وی چندی در ری و سپس در بغداد ساکن بوده است. جزء الحدیث از تألیفات او است.(۱)

ابن منده، محمّد

محمّد بن منده بن مهریزد، از محدّثین اصفهان است. او در بغداد بوده است. جعفر بن محمّد بن مزید نقل می کند که در بغداد بودم، و محمّد بن منده بن مهریزد به من گفت: «مایل هستی به ملاقات علیّ بن الرّضا (امام جواد علیه السلام) برویم؟». گفتم: «آری». پس نزد او رفتیم، و ایشان حدیثی را از پیامبر درباره حضرت فاطمه سلام اللّه علیها نقل کرد.(۲)

ابن منده، محمّد

ابوعبداللّه محمّد بن یحیی بن ابراهیم (منده) بن ولید بن منده بن بطّه بن استندر (فیروزان) بن چهار بخت عبدی اصفهانی، از محدّثان و بزرگان مشهور خاندان ابن منده در قرن سوم هجری. وی در حدود ۲۲۰ق متولّد شد، و به اصفهان و عراق سفر کرد، و از محدّثان آن جا حدیث نقل نمود و عدّه ای از محدّثین نیز از او نقل حدیث نموده اند.

وی در سال ۳۰۱ق وفات یافت. کتاب تاریخ اصفهان از تألیفات او است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۹۳؛ میزان الاعتدال، ج۳، ص۱۳۹؛ تاریخ بغداد، ج۳، ص۳۰۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۲؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۵۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۲۲؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۴، صص۱۸۸ ۱۹۳؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۱۱۱؛ الاعلام، ج۸، ص۳؛ طبقات المحدّثین؛ وفیات الاعیان، ج۳، ص۴۱۶؛ تذکره الحفّاظ، ج۲، ص۷۴۱؛ الایرانیّون و الادب العربی، ج۶، صص۳۱۵ ۳۱۶؛ الوافی بالوفیات، ج۵، ص۱۸۹؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، ص۸۷۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۴، ص۶۹۸.

ابن منده، محمود

ابوالوفا محمود بن ابراهیم بن سفیان بن منده (ابراهیم) بن عبدالوهاب بن منده اصفهانی، از محدّثین حنبلی اصفهان در قرن ششم هجری. در حدود سال ۵۵۰ یا ۵۵۲ق در اصفهان متولّد شد، و از مسعود ثقفی، ابوعبداللّه رستمی، ابوالخیر باغبان مسعود ثقفی و عبدالمنعم سعدویه روایت می کند.

ابن نجّار، شیخ عبدالصّمد بن احمد بن ابی الجیش و ضیاء از او حدیث شنیده اند. وی در سال ۶۳۲ هنگامی که مغولان به اصفهان حمله کردند، به دست آنان کشته شد. کتاب الایمان از او است.(۱)

ابن منده یحیی

ابوزکریّا یحیی بن عبداللّه اصفهانی، از محدّثین خاندان ابن منده اصفهان است. وفاتش در سال ۴۴۵ق روی داده، و کتاب تاریخ اصفهان از تألیفات او است.(۲)

ابن منده، یحیی

ابو زکریّا یحیی بن عبدالوهاب بن ابی عبداللّه محمّد بن اسحاق بن یحیی بن منده اصفهانی از محدّثان حنبلی اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری، آخرین فرد معروف خاندان ابن منده در اصفهان است. او را «محدّث بن محدّث بن محدّث بن محدّث بن محدّث) خوانده اند (شش طبقه). ابوسعد سمعانی از قول محمّد بن ابونصر لفتوانی نقل می کند که او گفت: «خاندان منده از یحیی شروع شده، و به یحیی ختم گردیده است». در ۱۹ شوّال ۴۳۴ق در اصفهان متولّد گردیده، در طلب حدیث به شهرهای مختلف همچون نیشابور، همدان، بصره و بغداد سفر کرده، و در بغداد، در جامع منصور، املاء حدیث کرده است.

۱- النّجوم الزّاهره، ج۶، ص۲۹۲؛ شذرات الذّهب، ج۵، ص۱۵۵ سیر اعلام النّبلاء، ج۲۲، صص۳۸۲ ۳۸۳؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۶، ص ۸۸۰؛ الایرانیون و الادب العربی، ج۶، ص ۵۰۰.

۲- هفت اقلیم، ج۲، ص۳۴۸؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

مشایخ روایت او بسیارند و بسیاری از محدّثان از او نقل حدیث می نمایند.

وی سرانجام در ۱۰ ذی حجّه (عید قربان) سال ۵۱۲ق وفات یافت، و در قبرستان باب دریه (محلّه طوقچی فعلی) اصفهان مدفون گردید.

کتب زیر از او است:

۱. تاریخ اصفهان ۲. التّنبیه علی احوال الجهّال و المنافقین ۳. کتاب علی الصّحیحین ۴. مناقب الامام (احمد بن حنبل) ۵. مناقب العبّاس ۶. من عاش مائه و العشرین سنه من الصّحابه ۷. معرفه الاسماء ارداف النّبی ۸. احوال طبرانی(۱).

ابن نابتی، احمد

ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم بن یعیش نابتی، از محدّثین اصفهان است.(۲)

ابن نابتی اسحاق

ابوالعبّاس اسحاق بن ابراهیم بن قاضی همدان بن احمد بن عبداللّه بن یعیش ازدی همدانی معروف به «ابن النّابتی» از محدّثین اصفهان است. از حسین بن حُریث و محمّد بن غیلان روایت می کند، و احمد بن اسحاق و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او روایت می کنند.(۳)

ابن نجوکه، احمد

ابوالعبّاس احمد بن حسن بن احمد خوزی اصفهانی معروف به «ابن نجوکه» از

۱- وفیات الاعیان، ج۲، ص۲۲۵؛ معجم المؤلّفین، ج۱۳، صص ۲۱۰ ۲۱۱؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۴۲۷؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۲۰۲؛ الاعلام، ج۹، ص۱۹۴؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۹، صص۳۹۵ ۳۹۶؛ هدیه العارفین، ج۲، ص۵۲۰؛ التّحبیر، ج۲، ص۳۸۲؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۶۶۱؛ ریحانه الادب، ج۸، ص۲۳۴؛ الکامل، ج۸، ص۲۸۵؛ تذکره الحفّاظ، ج۴، ص۱۲۵۰؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۲۸۲ و ج۲، ص۱۴۶۴؛ المنتظم، ج۹، ص۲۰۴؛ دانشنامه اسلام و ایران، ج۶، صص۷۷۹ ۷۸۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، مقدّمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۳۷ ۱۳۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۷؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۸۲.

محدّثین اصفهان است. [و او منسوب به کوی خوز در شهر اصفهان بوده است]. وی از حافظ ابونُعیم اصفهانی اخذ حدیث نموده، و آخرین کسی است که سمعانی از وی اخذ حدیث کرده است. در سال ۵۱۷ یا ۵۱۸ق وفات یافته است.(۱)

ابن النّعمان عبداللّه

ابوبکر عبداللّه بن محمّد بن نعمان، از محدّثان قرن سوم هجری است از محدّثان کوفه و از ابونُعیم، محمّد بن صلت، عمرو بن طلحه قنّاد، محمّد بن سعید بن سابق و ابوغسان مالك بن اسماعیل نَهدی روایت کرده است. ابومسلم محمّد بن قاسم صحّاف، ابوبکر محمّد بن قاسم بن محمّد بن سیاه و ابو عمر محمّد بن احمد بن حسن هیسانی از او نقل حدیث نموده اند. ابن نعمان در سال ۲۸۱ق وفات یافته است.(۲)

ابن نوله علی

ابوالحسن علیّ بن محمّد بن اسحاق مدینی معروف به «ابن نوله شعرانی» از محدّثین اصفهان است. از محدّثین بصره و محدّثین اصفهان ازجمله زکریّا ساوجی روایت نموده است.(۳)

ابن واضح اصفهانی، احمد

احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح کاتب عبّاسی معروف به «یعقوبی» و «ابن یعقوبی» و «ابن واضح» از مشاهیر مورّخین و جغرافی دانان شیعه است. در بغداد متولّد شده، و به سفر در شهرهای مختلف دنیای اسلام پرداخته است. در سال ۲۶۰ق به ارمنستان، هند، مصر، شمال آفریقا و دیگر شهرها سفر کرد، و در این سفرها به تألیف سفرنامه و کتب تاریخی و جغرافیایی پرداخت.

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۴۰۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۸۵ ۲۸۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۷.

وفات او در سال ۲۸۴ق (و به قولی ۲۷۸ق یا ۲۹۲ق) اتّفاق افتاد. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. اخبار الامم السّالفه ۲. اسماء البلدان، مطبوع ۳. التّاریخ، معروف به تاریخ یعقوبی که در دو مجلّد به طبع رسیده است ۴. المسالك و الممالك ۵. مشاکله النّاس لزمانهم و غیره.(۱)

ابن ورواجه

ابن ورواجه، از علماء نجوم در اصفهان است. او تا سال ۳۴۹ق در اصفهان حیات داشته است، و عبدالرّحمان صوفی مؤلّف صور الکوکب او را دیده است، و می نویسد که از علم هیأت و نجوم، چیزی جز اسم نمی دانست؟!(۲)

ابن هاجر، محمّد

ابوطاهر محمّد بن ابراهیم بن مکّی بن علی طرازی اصفهانی معروف به «ابن هاجر»، از محدّثین قرن ششم هجری. وی از اهالی محلّه «طراز» اصفهان بوده است. در سال ۴۶۰ق متولّد شده، و از ابوزید احمد و ابومنصور شجاع فرزندان ابوالحسن علیّ بن شجاع مصقلی، ابوبکر محمّد بن احمد بن اسید مدینی، ابوالمظفّر محمود بن جعفر تمیمی و ابوبکر احمد بن علیّ بن ثابت خطیب اجازه داشته، و ابوسعد سمعانی کتاب های چندی از او شنیده است.

سمعانی از او به عنوان «کان شیخا صالحا سدیدا راغبا فی الرّوایه و الحدیث» یاد کرده، و می نویسد: بیشتر اوقات در مسجد جامع نشسته بود، و آماده که نزد او حدیث بخوانند. از این رو وی را محمّد فارغ می گفتند. وی در جمادی الاوّل سال ۵۴۹ق وفات یافت.(۳)

۱- ریحانه الادب، ج۶، ص۳۹۸؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۲۹۶؛ الذّریعه، ج۳، صص۱۴۴ و ۲۹۶؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص۱۱۲۶؛ معجم المؤلّفین، ج۱، ص۱۶۱؛ الاعلام، ج۱، ص۹۰؛ مقتبس الاثر، ج۳، ص۱۳۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۳۸ ۱۳۹.

۲- گاه نامه سال ۱۳۱۱ش، ص۱۴۲.

۳- التّحبیر، ج۲، ص۵۲.

ابن هامیه، زیاد

ابوالقاسم زیاد بن محمّد بن ابراهیم معروف به «ابن هامیه مقری اصفهانی»، از قاریان و دانشمندان قرائت و تجوید است. سمعانی از او چنین یاد نموده است: «شیخ مقری صالح مستور من اهل القرآن و الخیر» صاحب عنوان از ابوبکر محمّداحمد بن ماجه ابهری حدیث شنیده، و ابوسعد سمعانی جزی احادیث لوین را از او استماع کرده است.(۱)

ابن یمین

در گورستان معروف به آب بخشان که در این اواخر آن جا را تسطیح کرده، و خیابان و فلکه ساختند، و اطراف آن را خانه و مدرسه و مغازه کردند، در جنب کوچه ای که به مقبره شیخ ابومسعود رازی می رفت، بقعه ای خشتی قرار داشت. مدفون در آن جا را «ابن یمین» می گفتند. اکنون نیز خاندانی از اهل علم و منبر نیز به این نام و شهرت معروف اند، از آن جمله: حاج میرزا ابراهیم ابن یمین فرزند میرزا محمّدعلی واعظ بن ملّاابراهیم مدفون در این مقبره، یقینا ابن یمین شاعر معروف، فخرالدّین محمّد بن یمین الدّین محمّد طغرایی شاعر معروف، متولّد یکی از سال های ۶۶۳ یا ۶۶۵ یا ۶۶۹ و متوفّی ۷۶۹ صاحب دیوان اشعار مطبوع نمی باشد. مرحوم انصاری مدفون در این بقعه را ابن یمین معروف می نویسد.

دهخدا می نویسد: دیوانی از ابن یمین در کتابخانه مجلس موجود است که من آن را تصحیح کرده ام، و اشعار ابن یمین فریومدی با شاعری دیگر موسوم به ابن یمین که مردی عامی و بی سواد بوده، یک جا نوشته شده، و من در حاشیه، اصل و الحاقی را تذکّر داده ام.

ممکن است ابن یمین مدفون در این مزار، همین ابن یمین باشد که مرحوم دهخدا نام می برد. موضوع، قابل بررسی است.(۲)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۴۴؛ تاریخ اصفهان و ری، ص ۱۵۵ لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۹؛ مزارات اصفهان، ص ۲۶.

ابوالآداب یزدی

ابوالآداب فرزند محمّد امین دقّاق یزدی، از ادباء و شعرای قرن ۱۱ هجری است. در فنّ شعر و انشاء و معمّا انگشت نما بود، و در روزگار جوانی به سال ۱۰۷۷ق در اصفهان بدورد زندگی گفت.(۱)

ابواحمد عسال

ابواحمد محمّد بن ابراهیم بن سلیمان عسال اصفهانی، عالم محدّث قرن چهارم هجری. متصدّی قضاوت اصفهان بوده است. مقبول القول در بین مردم و از بزرگان در معرفت و اتقان و حفظ حدیث بوده، و در شیوخ، تاریخ، تفسیر و مسند تألیفاتی نموده است. وی در سال ۲۶۹ق متولّد شده، و جهت اخذ حدیث به شهرهای زیادی مسافرت نموده، و سرانجام در رمضان ۳۴۹ق وفات یافته است.(۲)

ابواسحاق

در نزدیکی مسجد جامع اصفهان، محلّی است به نام «ابواسحاقیّه» که عوام در اصفهان به آن «بسّاقیه» می گویند. مدفون در این محل، ظاهرا ابواسحاق نامی از عرفاء و بزرگان اهل سنّت بوده، و قبر در زمان صفویّه از بین رفته است.

اخیرا یکی از نویسندگان او را منتسب به ابواسحاق اسفراینی می داند که نسبت، خالی از اعتبار است.(۳) مرحوم جابری انصاری، ابواسحاقیّه را به ابواسحاق اینجو از پادشاهان آل اینجو نسبت می دهد و می نویسد: «پس از قتل مسعود شاه اینجو برادرش شیخ ابواسحاق به اصفهان و فارس شتافت، و مقرّ حکومتش در اصفهان اطراف مسجد جامع

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۲۸۴، آیینه دانشوران، ص ۵۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۲۸۳؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۰۱؛ طبقات المفسّرین، ج ۲، صص ۵۱ ۵۳؛ تذکره الحفّاظ، ج ۳، ص ۸۸۶؛ النّجوم الزّاهره، ج ۳، ص ۳۲۵؛ محاسن اصفهان، ص ۲۹.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۲۶۲ ۲۶۳.

دردشت و نزدیک منازل میرمیران بود، و عمارات دولتی او به ابواسحاقیه معروف شده»(۱).

ابواسحاق اصفهانی

ابواسحاق بن بحیر اصفهانی (بحیر مصغّر بحر) در ریاض العلماء درباره او گوید: «کان من مشایخ اصحابنا رضوان اللّه علیهم». به طوری که از رساله یکی از شاگردان شیخ کرکی که در ذکر اسامی مشایخ نوشته ظاهر می شود، کتاب تأویل الآیات از تألیفات او است. در الذّریعه وی را به عنوان ابواسحاق بن مجیر (میم و جیم) ذکر نموده است.(۲)

ابواسحاق قفّال

ابواسحاق قفّال (غفّال) اصفهانی، از راویان است. یکی از روایت کنندگان از او شیرویه بن شهریار دیلمی است، و یکی از مشایخش ابواسحاق بن خورشید می باشد.(۳)

ابواسحاق مطرّز

ابواسحاق مطرّز از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی از او را در ردیف فلاسفه، ریاضی دانان، اطبّاء و منجّمین متقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۴)

شیخ ابوالبرکات واعظ

شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی، عالم فاضل محدّث، واعظ صالح معمّر. در مسجد جامع اصفهان، منصب وعظ و خطابت داشته، و قریب یک صد سال عمر نمود. از شیخ علی محقّق کرکی (م۹۴۰ق) روایت احادیث می کند. جمعی از دانشمندان از او اخذ حدیث نموده اند، و از ایشان روایت می کنند که از آن جمله است: ملّامحمّدتقی مجلسی و شیخ

۱- تاریخ اصفهان و ری، ص۲۱۲؛ مزارات اصفهان، ص۷۹.

۲- ریاض العلماء، ج۵، ص۴۱۲؛ الذّریعه، ج۳، ص۳۰۲؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۱۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۰.

۳- مناقب خوارزمی، ص۸۲.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۴.

عبداللّه واعظ فرزندش.(۱)

ابوبشر عبدی

حافظ ابوبشر اسماعیل بن عبداللّه عبدی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی در سال ۲۶۷ق وفات یافته است.(۲)

میرزا ابوالبقاء ابرقویی

میرزا ابوالبقاء فرزند شاه ابوالولی بن شاه ابوالفتح موسوی ابرقویی، شاعر ادیب فاضل خطّاط، از اصفهان به هندوستان سفر کرده، و مورد احترام حکیم داوود (تقرّب خان) قرار گرفت سپس به اصفهان بازگشت، و در مسجد تقرّب خان (مسجد حکیم) به تحصیل مشغول شد.

علاوه بر شعر و ادب، خطّ نستعلیق را خوش می نوشته، قطعات خوشنویسی متعدّد به خطّ زیبای او در کتابخانه ها وجود دارد، این بیت از او است:

کجای تاب عشقت دل به مرغ نامه بربندد به جای نامه مدّ آه بر بال اثر بندد(۳)

میرزا ابوالبقاء قهپایه ای

میرزا ابوالبقاء فرزند میرمحمود طباطبایی قهپایه ای، شاعر ادیب فاضل در اصفهان ساکن و از معاشران میرزا محمّدطاهر نصرآبادی بوده، عاقبت به هند رفته، و در کشمیر فوت شد. این بیت از او است:

به فریادم غم از دل برنخیزد که رنگ گل به باد از گل نریزد(۴)

۱- اعیان الشّیعه، ج۸، ص ۲۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۲۴ ۴۲۵.

۲- مرآه الجنان، ج۲، ص۱۸۲.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۶۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، صص ۲۲ ۲۳؛ الذّریعه، ج۹، ص۳۷.

۴- ۲. تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۴۸؛ الذّریعه، ج۹، ص۳۷.

ابوبکر ضحّاک شیبانی

حافظ ابوبکر احمد بن محمّد بن عمرو بن عاصم ضحّاک شیبانی بصری، از محدّثین قرن سوم هجری و صاحب مصنّفات بوده است. در اصفهان ساکن، و متصدّی قضای اصفهان بوده، و در سال ۲۸۷ق وفات یافته است. وی از پیروان ظاهریّه بوده، و کتاب الدّیات را تألیف نموده که در مصر به طبع رسیده است.(۱)

ابوبکر اشنانی

ابوبکر اشنانی، از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی در محاسن اصفهان او را جزو دانشمندان حدیث و کلام متقدّم بر عصر خویش آورده است.(۲)

ابوبکر اصفهانی

ابوبکر اصفهانی، از عرفای قرن چهارم هجری است، و خادم شیخ ابوبکر شبلی بوده است.(۳)

ابوبکر خلّاد

ابوبکر بن خلّاد، از راویان ساکن اصفهان، و از مشایخ حافظ ابونُعیم اصفهانی است.(۴)

ابوبکر مقری

ابوبکر بن عبدالوهاب مقری، از محدّثین اصفهان است. او از احمد بن محمّد بن مهران روایت می کند.(۵)

ابوبکر سجستانی

ابوبکر عبداللّه بن سلیمان بن اشعث سجستانی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری.

۱- مرآه الجنان، ج۲، ص۲۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۶.

۲- محاسن اصفهان، ص۲۹.

۳- مرآه الجنان، ج۲، ص۴۳۲.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۰۸.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

وی اغلب سال های عمر را در اصفهان بوده، و سرانجام در سال ۳۱۶ق در بغداد وفات یافته است. وی از احمد بن عصام و دیگران روایت نموده است. ظاهرا او شیعه بوده است.(۱)

ابوبکر اُسواری

ابوبکر علیّ بن محمّد بن علی واعظ اُسواری، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف محدّثین و متکلّمین مقدّم بر عهد خود ذکر کرده است.(۲)

ابوبکر قصار

ابوبکر احمد بن محمّد بن احمد بن جعفر اصفهانی، از دانشمندان قرن چهارم هجری است، در حدیث و فقه تبحّر داشته، و صاحب مَسندِ حُکم و فتوا در اصفهان بوده، و بر اساس فقه شافعی فتوا صادر می نموده، و در سال ۳۹۹ق وفات یافته است. از ابی علیّ بن عاصم، عبداللّه بن خالد رارانی و عبداللّه بن فارس و دیگران روایت می نموده است.(۳)

ابوبکر بن ابی الحرث

ابوبکر بن ابی الحرث، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم آورده است.(۴)

ابوبکر بن ابوعلی

ابوبکر بن ابوعلی، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی او را به عنوان یکی از دانشمندان کلام و حدیث متقدّم بر عصر خویش برشمرده است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۶۶؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۴۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۰.

۳- المشتبه، ج۲، ص۴۶۳؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۹؛ محاسن اصفهان، ص۲۹.

۴- محاسن اصفهان، ص۲۹.

۵- محاسن اصفهان، ص۲۹.

ابوبکر قاضی

ابـوبکر بـن ابوالقـاسم بـن جعفر معروف به قاضـی، از محـدّثین اصـفهان و متقـدّم بر عصـر مـافرّوخی مؤلّـف محـاسن اصـفهان است.(۱)

ابوبکر بن حدّاد

ابوبکر بن حـدّاد، از محـدّثین اصـفهان در قرن چهارم هجری بود، و حافظ ابونُعیم اصـفهانی و ابوبکر محمّـد بن علیّ بن احمد اُشنانی از او روایت می کنند.(۲)

ابوبکر ثقفی

ابوبکر بن عبداللّه ثقفی اصـفهانی، از محدّثین اصفهان بوده، و از محمّد بن مالک روایت نموده است. مطلّب بن زیاد از او نقل حدیث می کند.(۳)

ابوبکر اصفهانی

ابوبکر بن عطّار محمّد بن ابراهیم اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است، و در سال ۴۶۶ق وفات یافته است.(۴)

ابوبکر طادی

ابوبکر بن عمر بن ابی بکر بن احمـد معروف به «ززا»، از محـدّثین اصـفهان است. حافظ اسـماعیل در سال ۵۲۸ق از او استماع حدیث نموده است. طاد از بلوک لنجان اصفهان است، و صاحب عنوان، از اهالی طاذ (طاد) بوده است.(۵)

۱- محاسن اصفهان، ص۲۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۳۰۸.

۳- میزان الاعتدال، ج۳، ص ۳۵۰.

۴- مرآه الجنان، ج۳، ص ۹۴

۵- معجم البلدان، ج۴، ص ۴.

ابوبکر جشمجی

ابوبکر معروف به جشمجی، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم دانسته است.(۱)

ابوبکر طهرانی

ابـوبکر طهرانی اصـفهانی، از دانشـمندان و مورّخین قرن نهم هجری است. او از اهـالی قریه طهران [تیران و آهنگران] اصـفهان است. از منشـیان دربـار شاهرخ گورکانی بوده، و پس از فوت او در سال ۸۵۰ق به سـلطان محمّد بن بایسنغر پیوسته، و پس از فتح اصـفهان به دست جهانشاه قره قویونلو در سال ۸۵۶ق نزد پسـرش محمّـدی میرزا رفته، و همراه او به دامغان رفت، و در آن جا عقدنامه صـلح جهانشاه با ابوسعید پادشاه ترکستان را انشاء نمود. ابوبکر طهرانی در سال ۸۷۳ به دعوت اوزون حسن پادشاه آق قویونلو به تبریز رفته، و به خـدمت او درآمـد، و به دسـتور او تـدریس در مدرسه غیاثیّه را بر عهده گرفت. پس از مدّتی از تـدریس در آن مـدرسه معاف، و مأمور به تألیف کتابی در باب وقایع عصـر گردید، و کتاب تاریخ دیار بکریّه را تألیف نمود. نسخه اصل این کتاب در بصره نزد وکیل محمّد امین موجود بوده، و به چاپ نیز رسیده است. ابوبکر طهرانی تا سال ۸۸۲ق در قیـد حیـات بوده، و نواده اش مولانـا شـاه محمود بن شـمس الـدّین بن ابوبکر طهرانی در سال ۹۰۴ق وزیر محمّـدی میرزا بوده است.(۲)

ابوبکر عبّاب اصفهانی

ابوبکر عبّاب اصـفهانی، از محـدّثین بوده، و عـدّه زیادی از او نقل حـدیث کرده اند. او آخرین کسـی است که از بکر بن بکار روایت نموده است.(۳)

۱- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۲- احسن التّواریخ، تعلیقات، ج ۲، ص ۷۶۱.

۳- معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۹۸.

ابوبکر کوکبی

ابوبکر کوکبی، از دانشمندان اصفهان بوده، و مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء مقدّم بر عصر خویش آورده است.(۱)

ابوبکر محاربی اصفهانی

حافظ ابوبکر محاربی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و ابوالحسین عبداللّه بن محمّد بن عبدالغفّار فارسی بدیل سمرقند، از او روایت می کند.(۲)

ابوبکر مطرّز

از دانشمندان اصفهان است، و مافرّوخی وی را از دانشمندان متقدّم بر عهد خویش و در ردیف فلاسفه، ریاضی دانان، اطبّاء و منجّمین آورده است.(۳)

ابوبکر وَعَلی

ابوبکر وعلی از فقهای اصفهان است، و اصلاً اهل قریه «وَعَل» از قرای اصفهان بوده است.(۴)

حاج ابوتراب اصفهانی

حاج ملّاابوتراب اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محدّث، از صلحای دهر و از مصاحبان علّامه ملّامحمّدباقر مجلسی بوده، و به افاده فقه و حدیث مشغول بود، و اقوالش در شرعیّات، مورد اعتماد مردم بود.(۵) نزد علّامه مجلسی و میر سیّدعلی شولستانی نجفی به تحصیل پرداخته، و از علّامه مجلسی اجازه دریافت نموده است. صورت اجازه در نسخه شماره ۶۸۳۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که بر روی یکی از کتاب ها نوشته شده و

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۲- احقاق الحق، ج۱۴، ص۱۵۲.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۴- لغت نامه دهخدا، ج۱، ص۳۸۲.

۵- تاریخ حزین، ص۱۷؛ نجوم السّماء، ص۱۶۷.

موجود است(۱)تألیفاتی نیز داشته است که میرزا کمال الدّین محمّد نسوی بدان اشاره نموده است.(۲) شیخ محمّدعلی حزین در کودکی او را ملاقات کرده، و نوشته است در سال فوت علاّمه مجلسی (سال ۱۱۱۰ق) حاج ابوتراب نیز وفات یافته است(۳). قبر او محتمل است در مزار مسجد جامع در بقعه علاّمه مجلسی و یا اطراف آن جا باشد.

میرزا ابوتراب اصفهانی

میرزا ابوتراب اصفهانی، معروف به «رییس الخطّاطین» و متخلّص به «ترابا»، شاعر و خطّاط ادیب. ابتدا نزد ملاّفایضی به مشق پرداخته، و بعدا در عداد شاگردان مبرّز میرعماد قرار گرفته است. او خود دارالمشق داشته، و شاه عبّاس گاهی به دارالمشق او می رفته، و او را مورد تفقّد قرار می داده است. ابوتراب اوّلین کسی است که پس از کشته شدن میرعماد، خود را بر سر نعش او رسانیده، و جهت او نوحه سرایی کرده، و جنازه استاد را با کمال احترام دفن نموده است، و جهت استاد، مرثیه ای سروده که اوّل آن این است:

دهر پرفتنه و پرمشغله و پرغوغاست شرح این ماتم و این سوگ کِرا خود یار است

وی در سال ۱۰۷۲ق در سنّ ۸۲ سالگی وفات یافت، و جنب مسجد لبنان اصفهان، در جوار مزار خواجه صائن الدّین ترکه مدفون گردید. [میرزا نورالدّین و محمّدصالح پسران او نیز از خوشنویسان معروف عصر صفویّه به شمار می روند].(۴)

۱- فهرست دانشگاه، ج۵، ص۱۴۷۴؛ الکواکب المنتشره، صص۱۱۲ ۱۱۳.

۲- تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۱۱.

۳- زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص۷ ۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۰.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۴۰ ۱۴۱؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۹۸؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۶۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، صص۲۴ ۲۶ اصفهان، نور صادقی، ص۲۵۳.

میرزا ابوتراب ثقه الاسلام نایینی

میرزا ابوتراب ثقه الاسلام نایینی بن میرزا ابوطالب بن میرزا محمّد معروف به باغچه ای ابن میرزا علی رضا نایینی، مردی فاضل و دانشمند بوده، در اوائل مشروطیت ایران، طبق نظریّه و دستور مرحوم ثقه الاسلام حاج آقا نوراللّه مسجدشاهی در عدلیه وارد شده، و کلیه اهالی اصفهان در حسن عمل او و سلیقه اش در فیصله دادن به مرافعات، راضی بودند، در سال ۱۳۰۶ش / ح ۱۳۴۶ق به سنّ شصت و اندی در اصفهان وفات یافت.(۱)

شیخ ابوتراب کلباسی

حاج شیخ ابوتراب بن شیخ محمّدجعفر بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل در دوشنبه ۱۷ جمادی الاوّل ۱۲۷۹ق در اصفهان متولّد شد. پس از اتمام مقدّمات و سطح برای ادامه تحصیل به همراه برادرش موسی به نجف اشرف رفت، و نزد حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی تلّمذ نمود، و از حاج میرزا حسین خلیلی اجازه اجتهاد دریافت نمود، و به زادگاه خویش بازگشت، و به تدریس و انجام وظایف شرعی پرداخت. در ۷ ذی القعده ۱۳۳۷ق وفات یافت، و در قبرستان وادی السّلام نجف مدفون شد. وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. حواشی بر کفایه ۲. رسائلی در فقه ۳. السّعه و الرّزق که مجموعه احادیثی در این باب است.(۲)

سیّدابوتراب ملکی اصفهانی

سیّدابوتراب بن حسن بن مرتضی بن علیّ بن حسین حسینی ملکی اصفهانی، عالم فاضل در قرن سیزدهم.

در تاریخ سه شنبه ربیع الثّانی ۱۲۱۹ کتابت نسخه ای از کتاب تحفه السنیه از تألیفات مرحوم سیّدعبداللّه بن نورالدّین بن سیّدنعمت اللّه جزائری را به پایان رسانیده است.

۱- تاریخ نایین، ج۴، ص۵۵.

۲- نقباءالبشر، ج۱، ص۲۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۲۲؛ ماضی النّجف، ج۳، ص۲۳۳؛ خاندان کلباسی، صص۱۹۸ ۲۰۰.

نسخه به شماره ۵۱۸۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

میرزا ابوتراب بروجردی

میرزا ابوتراب بروجردی، عالم فاضل، فقیه زاهد، در محلّه شمس آباد اصفهان ساکن بوده، و در مسجد آن جا امامت می نموده، در شب یک شنبه ۱۵ شوّال ۱۳۲۸ق وفات یافته، و در تخت فولاد بیرون بقعه مادر شاه زاده مدفون شده است.(۲)

ملّاابوتراب زفره ای

ملّاابوتراب زفره ای فرزند ملّا علی عرب، عالم فاضل در اصفهان نزد شیخ مرتضی ریزی آقاشیخ محمّدتقی آقانجفی، آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی و دیگران تحصیل کرد، و در قریه بَرزان در حومه اصفهان ساکن شد، و سرانجام در سال ۱۳۳۴ق وفات یافت، و در تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

ابوتراب اصفهانی

میرزا ابوتراب اصفهانی فرزند میرزا محمّدعلی (یا میرزا محمّدطاهر) (میرزا محمّدعلی و میرزا محمّدطاهر برادر می باشند)، از شعرای قرن دوازدهم هجری. در اوائل «غبار» تخلّص می نمود، بعدا تخلّص خویش را تراب قرار داد. در زمان صفویّه به هند مسافرت نمود، و در سال ۱۱۳۴ در آن جا کشته شد. پدرانش در دفترخانه سلاطین صفویّه، منشی بوده اند.

از اشعار او است:

طفل بد خوی سرشک من نمی گیرد قرار خواب و آسایش مگر در دامن محشر کند(۴)

۱- فهرست کتابخانه مجلس، ج۱۶، ص۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۳ نقباءالبشر، ج۱۴۷۰۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۴.

۴- خزانه عامره، ص۱۷۲؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۶۹.

شیخ ابوتراب زاهدی

شیخ ابوتراب بن شیخ علی محمّد زاهدی، عالم فاضل، از سلسله مشایخ بیدآباد بود، در ۲۹ ذی القعده ۱۳۶۳ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

دکتر ابوتراب نفیسی

دکتر ابوتراب بن عبدالمهدی نفیسی طبیب حاذق و استاد ماهر متدیّن: در سال ۱۲۹۳ خورشیدی (۱۳۳۳ قمری) در پوده از دهات سمیرم اصفهان متولّد گردیده، و در مولد خود و اصفهان و تهران، تحصیلات دوره ابتدایی و متوسّطه و دانشکده پزشکی را به پایان رسانید، سپس به خدمت دولت وارد گردید، مراحل مختلف را پیمود، از دانشیاری و استادی و ریاست بیمارستان و ریاست پزشکی و غیره.

سفری به آمریکا نمود، و در آن جا یک دوره بیماری های قلب را مطالعه کرد، و در آن تخصّص یافت. فعلاً از پزشکان معروف اصفهان و به حسن معالجه و حذاقت مشهور و ضمنا طبّ قدیم را نیز خوانده، و در آن فن نیز استاد است.

کتاب های زیر از او است: ۱. ترجمه من لایحضره الطّبیب تألیف محمّد بن زکریّای رازی ۲. ترجمه برء السّاعه تألیف محمّد بن زکریّای رازی ۳. درسی از قرآن ۴. نشانه شناسی اعصاب ۵. نشانه شناسی دستگاه تنفّس و گردش خون، دو جلد ۶. نشانه شناسی سینه و تعبیر علائم آن، چهار جلد.(۲)

سیّدابوتراب موسوی

سیّدابوتراب بن محمّد موسوی اصفهانی، از فضلای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. وی کتاب الاصول الاربع مائه را در جواب پرسش شیخ محسن بن محمّد رفیع رشتی اصفهانی تألیف نموده که در مجموعه های ۲۰۶۵ و ۲۰۶۸ در کتابخانه آیت اللّه العظمی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۵؛ بیان المفاخر، ج۲۳۳۲.

۲- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۱۲۶؛ نبض حیات؛ اطّلاعات نویسنده.

مرعشی نجفی موجود است.(۱)

ابوتراب خلیفه سلطانی

سیّدابوتراب بن سیّدمرتضی بن سیّدعلیّ بن سیّدمرتضی بن سیّدعلیّ بن سیّدعلاءالدّین حسین خلیفه سلطان، از بزرگان سلسله خلیفه سلطانی در قرن دوازدهم هجری است. بعد از کشته شدن نادرشاه، کریم خان زند و ابوالفتح خان بختیاری و علی مرادخان که هریک داعیه سلطنت داشته، و بدان امید می گذرانیدند، قرار بر آن دادند که یکی از فرزندزادگان صفوی را به نام سلطان انتخاب کرده، و خود در امور دخالت کنند. قرعه این فال به نام میرزا ابوتراب زده شد، و او را به نام شاه اسماعیل سوم نامیدند. پس از آن که کریم خان زند فی الجمله قدرتی یافت، و بر حریفان خود غالب گردید، شاه اسماعیل سوم را چندین سال در قلعه آباده مقیّد و محبوس ساخته، مقارن فوت خود (یعنی سال ۱۱۹۳ق) او را به اصفهان فرستاده، و او را درخانه های پدری خود ساکن گردانید، و در همان چند روز به عالم جاودانی شناخت. ظاهرا صاحب عنوان، در مزار ستّی فاطمه اصفهان که مزار خانوادگی سادات خلیفه سلطانی است، مدفون شده است.(۲)

سیّدابوتراب درچه ای

حاج سیّدابوتراب مرتضوی فرزند آقاسیّدمهدی درچه ای عالم فاضل در روز عاشورا (۱۰ محرّم الحرام) سال ۱۳۳۲ق متولّد شد. تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار خود آغاز نموده، و در اصفهان از درس حاج آخوند زفره ای، شیخ محمّد حکیم خراسانی، میرسیّدعلی مجتهد نجف آبادی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی، شیخ محمّدرضا نجفی، حاج آقا رحیم ارباب، آقاسیّدمحمّدرضا خراسانی و حاج میرسیّدعلی بهبهانی بهره گرفت. وی در کنار تحصیل به تدریس مشغول بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او به همکاری با

۱- فهرست مرعشی، ج۶، ص۷۶ و ۸۱.

۲- مجمع التّواریخ، صص۱۴۴ و ۱۴۹؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۵؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۱۶۲.

دستگاه قضایی پرداخت، و چندی در اصفهان حاکم شرع بود. او سال ها نماز جماعت را در مسجد حاج محمّدجعفر آباده ای اقامه می نمود. ایشان سرانجام در ظهر روز جمعه ۷ شعبان ۱۴۱۱ق وفات یافت، و در امام زاده درب امام اصفهان مدفون شد.(۱)

میرزا ابوتراب حجاب اصفهانی

میرزا ابوتراب اصفهانی متخلّص به «حجاب»، شاعر ادیب فاضل، ساکن محلّه عبّاس آباد اصفهان بوده با لطف علی بیک آذر مؤلّف آتشکده، دیدار کرده، و در زمان نادرشاه افشار وفات یافته است. از او است:

زین پیش گردون در شیر من خون می کرد، و اکنون در باده ام آب(۲)

ابوتراب خادم اصفهانی*

ابوتراب اصفهانی، شاعر ادیب متخلّص به «خادم»، این بیت از او است:

ز درد انتظار صبح رویش در شب هجران به جای شمع بر بالین چشمم خواب می سوزد(۳)

ابوتراب فرقتی جوشقانی

ابوتراب بیگ جوشقانی کاشانی متخلّص به «فرقتی» فرزند خواجه علی بیگ انجدانی، شاعر ادیب، در کاشان نشو و نما یافت، و در دربار شاه عبّاس اوّل در اصفهان احترام و اعتبار فراوان پیدا کرد، سرانجام در سال ۱۰۲۶ در کاشان وفات یافت، و در قبرستان دشت افروز کاشان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش این بیت است:

۱- مزارات اصفهان، صص۲۰۶ ۲۰۷.
۲- تذکره روز روشن، ص۱۹۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حجاب اصفهانی»، ص۲۹۱؛ سفینه المحمود، ص۲۴۹؛ الذّریعه، ج۹، ص۲۳۲؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۲۸۸؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۱۲.
۳- تذکره روز روشن، ص۲۳۳.

«گفت علمی به سال تاریخش: «قدوه شاعران ایران کو»

دیوان اشعار او بالغ بر دو هزار بیت بوده است.(۱)

ابوتراب هدایی بختیاری

حاج میرزا ابوتراب همدانی شاعر ادیب، اصلاً از اهالی بختیاری و از ایل معروف به قائد است. در سال ۱۳۱۳ قمری در شهرستان اراک متولّد گردید، و تحصیلات قدیمه خویش را در نزد اساتید آن سامان به پایان رسانید. اغلب اشعار و مقالات دینی و اجتماعی او در روزنامه آیین اسلام و نشریّه های انجمن تبلیغات اسلامی چاپ می شد. جزوه ای از اشعارش به نام بهاریه به طبع رسیده است.(۲)

میرزا ابوتراب هرندی

میرزا ابوتراب هرندی، از سلسله نحوی های هرند، عالم فاضل، در اصفهان ساکن و در شعبان ۱۳۲۱ق وفات یافت، و در ضمن تکیه سر قبر آقا در اصفهان مدفون شد.(۳)

سیّدابوجعفر خادم الشّریعه

آقا سیّدابوجعفر خادم الشّریعه فرزند علّامه رجالی سیّدصدرالدّین محمّد موسوی عاملی، عالم فاضل متّقی. مادرش دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء بوده است. در حدود سال ۱۲۴۵ق متولّد شد، و نزد علمای اصفهان و نجف ازجمله پدر بزرگوار خود و حاج سیّداسداللّه بیدآبادی تلمّذ نمود، و به دامادی مرحوم بیدآبادی مفتخر گردید، برخی از رسائل فقهی و اصولی خود را به نظر ایشان رسانید، و سیّد بیدآبادی پشت آن تقریظ نگاشت، و از فضل و علم و بزرگواری مؤلّف آن، مدح و ثنا گفته است. ایشان از علماء معروف اصفهان و ساکن محلّه چهارسوق درب شیخ از متفرّعات محلّه بیدآباد بوده است. سرانجام در ۱۴

۱- تذکره میخانه، ص۴۱۳؛ تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۱۵؛ الذّریعه، ج۹، ص۳۷، مشاهیر کاشان، ص۱۱۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۳۲.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۲.

صفر ۱۳۳۴ق در این شـهر وفات یافت، و در تخت فولاد مـدفون گردیـد، و بعدا فرزندش حاج آقا مجلس برای او تکیه و بقعه ای بنا نهاد، و در داخل بقعه و صـحن و اتاق ها عدّه ای از علماء و حکماء و اطبّاء اصـفهان مدفون شدند. مادّه تاریخ بنای بقعه این است: «قل ان الجنّه للمتّقین». تاریخ وفاتش این بیت است:

یکی آمد برون ز الهام غیب آورد تاریخش: «شده طیّار سوی کوی حق روح ابوجعفر»(۱)

شیخ ابوجعفر مازندرانی

شیـخ ابوجعفر مازنـدرانی اصـفهانی، از علماء قرن دوازدهم و مجاز از شـیخ محمّد مکّی از اعقاب شـهید اوّل بود، تاریخ اجازه ۱۱۸۳، و هم چنین مجاز از سـیّدعبداللّه تستری است، و در آن جا وی را به «الفاضل الجامع المحقّق القاضـی باصـفهان» وصف می کند، تاریخ اجازه ۱۱۶۸ می باشد.(۲)

ابوحاتم رازی

ابوحاتم احمـد بن حسن بن هارون بن احمـد رازی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۴۵ق در اصفهان ساکن بوده، و حدیث می گفته است. ابن مقری از او حدیث نقل می کند.(۳)

ابوحاتم رازی

ابوحاتم محمّـد بن ادریس بن منـذر بن داوود بن مهران رازی [حنظلی] جزی، از محـدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری. وی از اهـالی قریه جز [گز بُرخوار] بوده است. در سال ۲۴۰ق متولّد شده، و جهت اخذ حدیث به شام، مصـر و عراق سفر کرده است. ابو عمرو بن

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۳؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۳۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۲۶۷؛ بیان المفاخر، ج۲، ص ۱۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد۵۵.
۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۵۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۳؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۲۶۶؛ الذّریعه، ج۱۱، ص۲۷.
۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۷.

حکیم و عبداللّه بن محمّد بن یعقوب از وی روایت می کنند. او در سال ۳۲۷ق وفات یافته است.

کتب زیر از او است: ۱. الخراج و التّعدیل، در چندین مجلّد، مطبوع ۲. کتاب در ردّ قول به رجعت ۳. زینه، در تفسیر الفاظ متداوله میان ارباب علوم.(۱)

ابی حامد اصفهانی

امام ابی حامد اصفهانی، از دانشمندان اصفهان و مؤلّف کتاب البصائر فی الوجوه و النّظائر است.(۲)

ابوحرب دیلمی

ابوحرب نوشروان بن شیرزاد بن ابوالفوارس متصوّف دیلمی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوبکر بن ریذه ضبّی و ابوالقاسم علیّ بن احمد بن مهران مدینی استماع حدیث کرده، و جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۳)

ابوالحسن آتشکده گزی

ابوالحسن هادیان گزی متخلّص به «آتشکده» شاعر معاصر در قریه گز از بلوک برخوار اصفهان متولّد شد، و تحصیلات خویش را در اصفهان تا ششم ادبی به پایان رسانید. گاهی شعر می سرود، و دیوان اشعاری دارد. از او است:

بهار عمر من نرگس خمار تو جانا ز تندباد حوادث بدین قرار نماند

نسیم صبح خزان چون وزد معلوم که روزگار جوانی چو نوبهار نماند(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۰۱؛ مرآه الجنان، ج۱، ص۳۰۶؛ الانساب، ج۳، ص۲۵۷؛ اللّباب، ج۱، ص۲۷۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۵ ۶.

۲- کشف الظّنون، ج۱، ص۲۴۶.

۳- التّحبیر، ج۲، ص۳۵۱.

۴- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۸.

ابوالحسن اصفهانی

از اصحاب حضرت امام صادق علیه السلام است. در کتب رجال، ذکری از او نشده است. ثقه الاسلام کلینی در کافی (ج۲، کتاب الایمان و الکفر، باب الکتمان، ۹۸، حدیث ۱۲) به روایت یونس از ابوالحسن اصفهانی از امام صادق علیه السلام و (ج۲، باب النّمیمه، ۱۵۹، حدیث ۳) نیز به شرح فوق، و (ج۶، کتاب الاطعمه، باب الألبان، ۸۴، حدیث ۷) به روایت قاسم بن محمّد جوهری از ابوالحسن اصفهانی از امام صادق علیه السلام این چنین وی را از راویان امام صادق علیه السلام معرّفی نموده است.(۱)

ابوالحسن اصفهانی

ابوالحسن اصفهانی شاعر و ادیب در قرن هشتم و نهم هجری. از شاعران پیرو طریقه حروفیّه بوده، در سال ۷۷۱ق در سنّ نوزده سالگی در اصفهان خدمت فضل اللّه نعیمی استرآبادی مؤسّس فرقه حروفیّه رسیده، و در سال ۸۰۲ جاودان نامه را به نظم درآورده است؛ بنابراین، تولّد او حدود سال ۷۵۲ بوده، و سال فوت او معلوم نیست.(۲)

ابوالحسن اصفهانی*

ابوالحسن اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. خطّ ثلث را با مهارت و استادی می نوشت. از آثار او کتیبه سردر جنوب شرقی مسجد جامع اصفهان به خطّ ثلث خوش در سال ۱۲۱۸ق وجود دارد.(۳)

میرزا ابوالحسن شمس آبادی

حاج میرزا سیّدابوالحسن آل رسول (شمس آبادی) فرزند آقا سیّدمحمّدابراهیم بن عبداللّه

۱- تاریخ تشیّع اصفهان، صص ۱۸۱ ۱۸۲؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۲۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۳.

۲- تاریخ نظم و نثر فارسی، ج۲، ص ۷۷۱.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۱۴۶؛ آثار ملّی اصفهان، ص۵۶۶؛ خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، ص۸۱؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۳۹۷.

بن میرمحمّد علیّ بن میر سیّدمحمّد موسوی شاهاندشتی مازندرانی اصفهانی، عالم فاضل فقیه زاهد، از علمای مشهور اصفهان در عصر حاضر در سال ۱۳۱۹ق در اصفهان متولّد گردید، و نزد ملّامحمّدابراهیم مقدّمات را فرا گرفت. سپس نزد حاج ابوالقاسم زفره ای، آقا شیخ احمد حسین آبادی، آقا میرزا احمد مدرّس، آخوند ملّامحمّدحسین فشارکی، میرسیّدعلی نجف آبادی، سیّدعلی اصغر برزانی، شیخ محمّدعلی فتحی دزفولی، ملّامحمّد همامی و آقا سیّدمحمّد نجف آبادی به تحصیل پرداخت.

ایشان در سال ۱۳۵۵ق به نجف اشرف عزیمت نمود، و از درس علمای اعلام و مراجع عظام آقا سیّدابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی، حاج میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا سیّدعبدالهادی شیرازی، میرزا محمّدحسین نایینی و شیخ محمّدکاظم شیرازی بهره گرفت، و در تحصیل معلومات خود کوشید تا به درجه اجتهاد نائل آمد، و از اساتید خویش اجازه دریافت نمود، و پس از ۱۲ سال تحصیل به اصفهان بازگشت، و به حلّ مشکلات شرعی مردم، اقامه جماعت، و تدریس پرداخت.

در ابتدا وکیل تامّ الاختیار آیت اللّه العظمی بروجردی و سپس آیت اللّه العظمی خویی در اصفهان بود.ایشان در تأسیس و اداره بسیاری از مؤسّسات خیریّه و مذهبی اصفهان نقش مؤثّری داشت که از آن جمله است مؤسّسه خیریّه ابابصیر و مؤسّسه خیریّه مهدیّه. هم چنین در یاری نیازمندان و هدایت گمراهان تلاش بسیار نمود، و ازجمله جهت مقابله با فرقه ضالّه بهاییّت، فداکاری ها نمود. ایشان سرانجام در ۷ ربیع الثّانی ۱۳۹۶ق توسّط افراد منحرف از ولایت، در هنگام طلوع فجر از نزدیکی مسجدی که در آن نماز می خواند ربوده شد، و در نزدیک درچه پیاز شهید گردید. مردم اصفهان، پیکر او را با شکوه فراوان تشییع، و به تخت پولاد برده، نزدیک لسان الارض مدفون نمودند، و ایشان به شهید اصفهانی معروف، و بقعه ای بر مزار ایشان بنا شد. ایشان اوّلین شهید تکیه شهدا [گلستان شهدا] در تخت فولاد اصفهان به شمار می روند، و پس از ایشان، هزاران نفر از شهیدان انقلاب و جنگ با عراق، در این تکیه مدفون گردیدند. ادیب فرزانه، استاد فضل اللّه اعتمادی (برنا) در تاریخ شهادت ایشان گوید:

نوشت بیت فصیحی بدون تعمیه برنا قلم چو خواست سال شهادتش بنگارد:

«ابوالحسن بِرَهِ بندگی واحد دانا بود شهید و بمینو نماز صبح گزارد»

از او است: ۱. اشعاری در فضایل و مناقب و مراثی و مصائب حضرات معصومین علیهم السلام ۲. تقریرات اصولی و فقهی اساتید خود (غیر مرتّب و نامنظّم) ۳. رساله در اصول دین، مختصر ۴. شرح صحیفه سجّادیّه ۵. موعظه ابراهیم(۱).

سیّدابوالحسن شهشهانی

سیّدابوالحسن بن سیّدمحمّدابراهیم شهشهانی عالم فاضل [ظاهرا از شاگردان آقامحمّد شهشهانی بوده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز احتمال داده است که سیّدابوالحسن از شاگردان حاج محمّدابراهیم قزوینی باشد].(۲) این تألیفات از او است: ۱. سدره المنتهی فی شرح جنّه المأوی، در فقه، به عربی، متن از آقا سیّدمحمّد شهشهانی است، و شرح مذکور در محرّم ۱۲۶۹ تا ربیع الاوّل ۱۲۷۱ق نوشته شده است، این نسخه به شماره ۱۴۷۳ و نسخه ناقص دیگری به شماره ۱۷۵۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.(۳)] ۲. الغرّه الحنفیّه فی شرح درّه النّجفیّه، به عربی در فقه، موجود در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم(۴)].

سیّدابوالحسن موسوی

سیّدابوالحسن بن سیّدمحمّدابراهیم موسوی، عالم فاضل، از بنی اعمام حاج سیّدمحمّد باقر حجّت الاسلام شفتی بوده، در اصفهان سکونت داشته، و عمده تحصیلاتش نزد سیّد حجّت الاسلام بوده است. پس از فوت، در مقبره کوچک واقع در دالان مسجد سیّد اصفهان مدفون شد. سال فوتش به دست نیامد. اولاد و اعقابش به موسوی و کابلی شهرت

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۱۰۳۷ ۱۰۳۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۱؛ تحفه الابرار، ج۲، صص۵۲۱ ۵۲۶؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۹۹؛ شهدای روحانیّت شیعه، ص۲۵۴ ۲۵۷؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، صص۱۰۳ ۱۰۴؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص۳۵۶ ۳۵۸؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۰.

۲- الکرام البرره، ج۱، صص۳۱ ۳۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۴، ص۲۶۵ و ج۵، ص۱۴۰.

۴- فهرست گلپایگانی، ص۵۳۹.

دارند.(۱)

ابوالحسن میرزا حسینی اصفهانی

ابوالحسن میرزا فرزند ابوالحسین میرزا حسینی اصفهانی عالم فاضل، ادیب شاعر. در علم فقه و حدیث مهارت داشته، و درویش مشرب، پاك طینت و درست عقیده بوده، و گاهی به اقتضای حال، اشعاری می سروده است.(۲)

میرزا ابوالحسن قهی اصفهانی*

حاج میرزا ابوالحسن قهی قهپایه ای اصفهانی بن محمّد اسماعیل بن حاج ابوالحسن آقا علی اکبر بن آقاعبّاس، عالم فاضل، در روستای قهی قهپایه اصفهان متولّد شده، در اصفهان نزد آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقایی و میرزا ابوالمعالی کلباسی کسب فیض نمود، و از شیخ محمّدعلی نجفی مسجد شاهی، شیخ محمّدتقی آقانجفی و آقا شیخ محمّدرضا نجفی اجازه دریافت نمود. وی در ۱۵ شعبان ۱۳۶۳ق در زادگاه خود وفات نمود، و همان جا دفن شد.(۳)

میرزا ابوالحسن گلستانه

میرزا ابوالحسن بن محمّد امین بن میرکمال الدّین بن علاءالدّین محمّد گلستانه، مورّخ و ادیب قرن دوازدهم هجری.] وی سال ها در خدمت عمویش میرزا محمّدتقی حاکم کرمانشاه بوده، و چندی نیز وزارت او را داشته است. سرانجام به زیارت عتبات عالیات رفته، و پس از قتل عمویش به هندوستان مهاجرت نموده]، و در آن جا به نوشتن تاریخ ایران پس از عصر نادر تا سال ۱۲۰۳ق پرداخته است، و کتاب را مجمع التّواریخ نامیده است.(۴)

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص۲۵۱.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۳۷.

۳- مجلّه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص۶۳.

۴- زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۲۱؛ الذّریعه، ج۲۰، ص۴۹؛ مجمع التّواریخ، ص شانزده سی و یک (مقدّمه).

سیّدابوالحسن درچه ای زاده*

آقا سیّدابوالحسن درچه ای زاده فرزند آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، عالم فاضل معاصر. وی در اصفهان نزد حاج آقا رحیم ارباب، سیّد ابوالحسن شمس آبادی، سیّد عبدالحسین طیّب و دیگران بهره برد، سپس به تدریس ادبیّات پرداخت، و پنجاه سال به این امر مشغول بود. ایشان عالمی زاهد و عابد، و اهل تهجّد و ذکر بوده، و گاه گاهی نیز به منبر می رفت، و مردم را وعظ و ارشاد می نمود.

سرانجام در تاسوعای حسینی (۹ محرّم) ۱۴۱۴ق وفات یافت، و در امام زاده درچه مدفون گردید.(۱)

ابوالحسن کهپایه ای

ابوالحسن بن محمّدجعفر کهپایه ای، فاضل نویسنده، از فضلای قرن ۱۲ در اصفهان. از آثار او نسخه ای از کتاب معارج الاصول تألیف محقّق حلّی است که آن را در ذی حجّه سال ۱۱۲۵ به خطّ نسخ نوشته است. نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است.(۲)

سیّدابوالحسن کتابی*

سیّدابوالحسن کتابی بن حاج سیّدمحمّدجواد بن حاج سیّدمحمّدصادق کتابفروش، دانشمند فرزانه در حدود سال ۱۳۱۱ یا ۱۳۱۲ق در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیل در محضر علمای عالی قدر اصفهان به نجف اشرف عزیمت نمود، و نزد علمای آن دیار خصوصا آخوند خراسانی، آقا سیّدمحمّدکاظم طباطبایی یزدی و شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی به تحصیل پرداخت سپس به اصفهان بازگشت. پس از قضایای متّحدالشّکل شدن لباس، ایشان عمامه را به کلاه تبدیل کرد، و به حرفه وکالت

۱- یادداشت آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

۲- فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد، ص۳۹۹.

روی آورد. سرانجام همه آن اشتغالات را رها کرد، و در منزل انزوا اختیار نمود، ترک معاشرت با خلق را برگزید، و به مطالعه و عبادت مشغول شد، و جز مباحثه و گفت وگوی علمی با معدودی از اهل کمال، پیِ کار دیگری نرفت تا این که سرانجام در سال ۱۳۹۸ق وفات یافت، و در تکیه گلزار در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. آن مرحوم، کتابخانه ای قابل توجّه و آبرومند داشت که دارای نسخه های نفیس خطّی و چاپ سنگی بود، و بسیاری از آن ها را به کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم اهداء نمود، و یا به آن کتابخانه فروخت، و مابقی آن ها پس از وفات، به تملّک دیگران درآمد. او اگرچه اهل تألیف و تصنیف نبود؛ امّا تعدادی از نسخه های کتابخانه خود را کتابت نموده بود، و خطّ نسخ را زیبا می نوشت. حاج سیّدابوالحسن کتابی مردی فاضل و دانشمند بود؛ امّا طبع او ریاست دنیوی و اشتغالات روزمرّه را نمی پسندید، و خصوصا در نیمه دوم عمر خویش به مطالعه و عبادت پروردگار، رغبت بسیار نشان می داد، و در میان مردم به تقوا و قداست مشهور بود.(۱)

ابوالحسن فروغی

میرزا ابوالحسن فروغی فرزند میرزا محمّدحسین ذکاء الملك بن آقا محمّدمهدی ارباب اصفهانی بن محمّدرضا، شاعر و ادیب دانشمند. وی در سال ۱۳۰۱ق در تهران متولّد گردیده، و تحصیلات قدیم و جدید خود را در تهران به پایان رسانیده است. مدّتی در دارالمعلّمین عالی به تدریس تاریخ و جغرافیا مشغول بود. زمانی هم نمایندگی دولت ایران در سوییس و جامعه ملل را داشته، و در کنگره مستشرقین و خارکف نیز شرکت نموده است. وی عضو فرهنگستان ایران بوده، و مجلّه فروغ تربیت را انتشار داده، و یک سال نیز سرپرستی مجلّه تعلیم و تربیت را بر عهده داشته است. او سرانجام در شب ۱۲ شعبان سال ۱۳۷۹ق در تهران وفات یافت. کتب زیر از او است: ۱. اوراق مشوّش ۲. تاریخ ادبیّات ایران، به اتّفاق برادرش محمّدعلی فروغی ۳. سرمایه سعادت ۴. شرح حال آقاشیخ هادی نجم آبادی که در مقدّمه تحریر العقلا به چاپ رسیده است ۵. شیدوس و ناهید ۶. کتابی به فرانسه در موضوع عقاید فلسفی [۷. تاریخ عالم]. این شعر از او است:

من از این متاع دنیا به جوی نظر ندارم درِ سروری نکوبم، سر درد سر ندارم

تو و کوشش زیادت، من و عزلت و قناعت که تو دردسر پسندی و من این هنر ندارم(۲)

۱- به نقل از محقّق و دانشمند گران مایه، جناب آقای دکتر محمّدباقر کتابی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۵۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۴۹ ۱۵۰؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۵۸۲؛ سخنوران معاصر، ج۲، ص۲۱۷.

ملّاابوالحسن فتونی عاملی

ملّاابوالحسن فتونی عاملی فرزند محمّد طاهر بن عبدالحمید بن موسی بن علیّ بن محمّد بن معتوق بن عبدالحمید فتونی نباطی نجفی، عالم فاضل محقّق مفسّر، از اجداد مادری صاحب جواهر است. چون مادرش خواهر امیر محمّدصالح خاتون آبادی بوده، وی را «شریف» گویند، و به مناسبت سکونتش در محلّه درب امام اصفهان به امامی معروف شده است.(۱) وی در حدود سال ۱۰۷۰ق در اصفهان متولّد شده، و در این شهر به تحصیل پرداخته، و ازجمله از درس علّامه ملّامحمّدباقر مجلسی بهره برده، و سپس به نجف اشرف عزیمت کرده، و در سال ۱۱۳۸ق در آن جا وفات یافته است.(۲) جمع کثیری از علماء، همچون فرزندش ابوطالب و شیخ احمد بن اسماعیل جزایری، سیّدنصراللّه مدرّس حائری و شیخ عبداللّه بن کرم اللّه حویزی از او اجازه دریافت نموده اند.(۳) کتب زیر از تألیفات او است:

۱. الانساب ۲. تنزیه القمیّین ۳. حدائق الالباب ۴. حقیقه مذهب الامامیّه ۵. شرح صحیفه سجّادیه ۶. شرح عهدنامه مالک اشتر ۷. الرّساله الرّضاعیه ۸. الشّریعه الشّیعه و دلائل الشّریعه، شرح بر مفاتیح فیض کاشانی ۹. شرح کفایه محقّق سبزواری ۱۰. ضیاء العالمین، در امامت ۱۱. طریق الرّوایه عن ابن ابی الدّنیا ۱۲. فوائد غرویّه ۱۳. فوائد المکّیه ۱۴. کشکول ۱۵. مرآه الانوار یا مشکاه الانوار در تفسیر، که در تهران به عنوان مقدّمه تفسیر برهان تألیف شیخ عبداللّطیف کازرونی در سال ۱۲۹۵ طبع شده، حال آن که از میرزا ابوالحسن فتونی است ۱۶. معراج الکمال ۱۷. نصائح الملوک(۴) و غیره.

۱- الکواکب المنتشره، صص۱۷۴ ۱۷۵؛ هدیه الاحباب، ص۱۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۱؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۲، صص۹ ۱۰.

۳- تلامذه العلامه المجلسی، ص۱۲ و ۱۳.

۴- الذّریعه (مجلّدات مختلف)؛ الکواکب المنتشره، صص۱۷۴ ۱۷۵؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۳۵۵؛ مصفّی المقال، ستون ۲۸؛ فهرست سپهسالار، ج۲، صص۳۳ ۳۴.

میرزا ابوالحسن عمادالشّریعه

میرزا ابوالحسن عمادالشّریعه فرزند سیّدعبّاس بن حاج سیّدمحمّدعلیّ بن حاج میرزا رحیم دوم سدهی، عالم فاضل. در حدود سال ۱۲۹۰ق در محلّه خوزان سِدِه [خمینی شهر] متولّد شد، و در اصفهان در خدمت آخوند ملاّعبدالکریم گزی، میرزا احمد اصفهانی، آخوند ملاّمحمّد کاشانی، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای و آقا سیّدحسن مشکان طبسی درس خواند. وی سرانجام به سنّ متجاوز از هفتاد سال در سال ۱۳۶۱ق در زادگاه خود خوزان وفات یافت، و در جوار امام زاده سیّدمحمّد سده مدفون شد. مشارٌالیه پدر آقایان دکتر سیادت می باشد، و خود، مردی بسیار هوشیار و با استعداد [بود [که نسبت به تحصیل فرزندان خود کمال علاقه را به خرج داد، و حتّی از فروش املاک نیز خودداری ننمود.(۱)

میرزا ابوالحسن تویسرکانی

میرزا ابوالحسن بن میرزا عبدالغفّار بن سیّدمحمّدحسین حسینی تویسرکانی، عالم فاضل فقیه جامع، در سال ۱۲۹۵ق در اصفهان متولّد [شد]، و در این شهر تحصیل نمود. سال ها در مسجد حاج محمّدجعفر آباده ای اقامه جماعت می نمود، و از علماء متنفّذ اصفهان به شمار می رفت. سرانجام در صبح سه شنبه ۱۸ محرّم ۱۳۸۳ق وفات یافت، و در داخل بقعه تویسرکانی جنب مزار پدر و برادر بزرگوارش مدفون گردید.(۲)

میرزا ابوالحسن بروجردی

حاج میرزا ابوالحسن بروجردی بن حاج میر سیّدعلی طباطبایی بن عبدالکریم بن علیّ بن میر سیّدمحمّد، عالم فاضل زاهد، از علماء و مجتهدین بزرگ و مدرّسین اصفهان است. در اصفهان نزد حاج سیّدمهدی نحوی و آقا میرزا محمّدباقر صاحب روضات و میرزا محمّدحسن نجفی و حاج میرزا بدیع درب امامی تلمّذ نموده، و سپس به نجف اشرف

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۲۳۶ ۲۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۵۱ ۱۵۲؛ لطائف غیبیّه، ص بیست و هشت؛ خمینی شهر، ص۳۳۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۷.

مهاجرت نموده، و تحصیلات خود را تکمیل نموده، و پس از نائل شدن به اجتهاد، به اصفهان معاودت کرده، و به انجام وظایف شرعی مبادرت ورزیده است. سال ها امام جماعت مسجد درکوشک بوده، و در بین خاص و عام، محبوبیّت داشت. در اوائل مشروطه که در انجمن ولایتی، علمای بزرگ، امثال آقانجفی و دیگران گردآمده بودند، منطوقات ایشان، الحق مورد تحسین همگان می شد. مشارٌالیه در صبح جمعه ۱۸ ذی قعده ۱۳۴۸ق یک هفته پس از فوت عالم بزرگوار میرزا احمد مدرّس وفات نمود، و در تکیه ای مخصوص در تخت فولاد مدفون گردید، و بقعه ای بر مزار او بنا شد.

میرزا حسن خان جابری در باب سال وفات او و میرزا احمد سروده است:

از مقام قاب قوسینی یکی آمد بگفت: «بود در معراج احمد بوالحسن یار و رفیق»(۱)

ابوالحسن ریزی لنجانی

ابوالحسن بن علی ریزی لنجانی، از نویسندگان کتب و خطّاطان در قرن سیزدهم بود، از آثار او است: کتاب حدوث العالم تألیف محمّدنعیم طالقانی، که آن را به خطّ نسخ در آخر ماه رجب ۱۳۶۳ق نوشته، نسخه به شماره ۲۰۲۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) هم چنین صاحب عنوان در هفتم رجب ۱۲۶۲ مجموعه ای از چهار رساله در فلسفه و کلام را به خطّ نسخ نوشته که به شماره ۱۹۹۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

سیّدابوالحسن موسوی بیدآبادی

سیّدابوالحسن موسوی بن حاج سیّدمحمّدعلیّ بن حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی بیدآبادی، عالم فاضل محقّق، در سال ۱۳۲۰ق وفات یافت، و در مقبره جدّ

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۸۱ ۸۲؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص ۲۹۰؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۳۲۷؛ نقباءالبشر، ص ۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۸۵؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۱، ص۳۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۸۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۶، ص۲۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۵، ص ۳۷۱.

بزرگوارش در مسجد سیّد اصفهان مدفون گردید.

فرزنـدش آقـا سیّدمحمّدحسین شـفتی، در تهران ساکن، و از علمای آن جا بوده، و فرزنـد دیگر آقا فرج اللّه بوده که در اواخر عمر، در قم ساکن شده است.(۱)

ملاّابوالحسن صفای جاجرمی

ملاّ ابوالحسن جاجرمی خراسانی متخلّص به «صفا» فرزند ملاّمحمّدکاظم متخلّص به «اداء»، عالم فاضل کامل، شاعر ادیب بارع، از دانشـمندان و ادبای قرن سیزدهم هجری. وی پس از تحصیل معقول و منقول، در تهران، معلّم محمّدتقی میرزا قاجار بوده، و سپس به اصـفهان آمـده، و در آن جـا سـاکن شـده است. در سـرودن شـعر فارسـی، عربی و ترکی اسـتاد، و در علـوم مختلف، مهارت داشته، و عمر را به تحقیق و تألیف سپری نموده است.(۲) سال وفاتش معلوم نیست.

ایـن کتـب و رسـاله هـا از آثـار او اسـت: ۱. اخلاـق الاولیـاء، منظـومه فارسـی خطـاب به فرزنـدش نصـراللّه که در سـال ۱۲۳۹ سروده(۳)، و نسـخه آن در کتابخانه مرکزی دانشـگاه تهران به شماره ۲۶۰۶ موجود است.(۴) ۲. اخلاق، به فارسی. ۳. برکات القـائم لایقاظ النّائم، در اخلاق، که در سال ۱۲۳۰ق تألیف شده، و به شماره ۲۷۷۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۵) ۴. تحفه الاـمیر، که در آن به قـدر ثلث قرآن را تفسـیر نموده است. ۵. جهـادیّه، رسـاله ای است در وجوب جهاد، به فارسـی که در جریان جنگ های ایران و روسیه نوشته، و در جمعه ۲۶ جمادی الاوّل ۱۲۳۸ق از تـألیف آن فراغت یافته است. نسـخه آن در کتابخانه حاج شـیخ عبّاس قمی در مشـهد مقـدّس بوده است.(۶) ۶. رسـاله در جبر و اختیـار، که آن را در سـال ۱۲۲۹ق برای میرزا محمّـدتقی میرزا قاجـار تـألیف نموده است. ۷. دیوان صـفای جاجرمی ۸. رایات الاجتهاد، که در اصـفهان تألیف شده. ۹. سؤال و جواب، در عصمت و سؤالاتی است که جاجرمی از حکیم ملاّعلی نوری پرسیده است. ۱۰. هدیه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۳۷۶؛ بیان المفاخر، ج ۲، ص ۱۷۱؛ مزارات اصفهان، ص ۱۶۴.

۲- مشاهیر جاجرم، ج ۱، ص۱۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۱۵۸.

۳- الکرام البرره، ج ۱، ص۳۶.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه، ج ۹، ص ۱۴۶۱.

۵- فهرست مرکزی دانشگاه، ج ۱۰، ص۱۶۲۸.

۶- الذّریعه، ج ۵، ص ۱۹۶.

المکیه، که آن را در هنگام تشرّف به حجّ در سال ۱۲۴۵ق به نظم کشیده است.(۱) ۱۱. ینابیع الحکمه، در مواعظ و اخلاق به فارسی، که در شعبان ۱۲۴۰ق تألیف شده، و در سال ۱۳۰۴ق به طبع رسیده است.(۲)

سیّدابوالحسن مرتضوی

حاج سیّدابوالحسن بن حاج سیّدمحمّدکاظم مرتضوی کرونی اصفهانی عالم فاضل متّقی، در حدود سال ۱۳۲۰ق در کرون متولّد شد، و تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوارش آغاز نمود، سپس به اصفهان آمد، و نزد شیخ احمد بیدآبادی، شیخ محمّدعلی فتحی دزفولی، حاج میرمحمّدصادق مدرّس خاتون آبادی، شیخ علی مدرّس یزدی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، حاج میرزا ابوالهدی کلباسی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی، آقا سیّدعلی نجف آبادی به تحصیل پرداخت، و از برخی از علماء اصفهان، همچون آخوند ملاّمحمّدحسین فشارکی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی و آقا سیّدمحمّد نجف آبادی اجازه دریافت نمود، و این اجازات را علماء قم و نجف، همچون آقا سیّدابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مورد تأیید قرار دادند. از دیگر اساتید ایشان میرزا طاهر تنکابنی در تهران و سیّدمحسن حکیم را در نجف اشرف می توان نام برد. ایشان عالمی وارسته و زاهد و عابد بوده، و به ارشاد مردم، و حلّ مشکلات شرعیّه آنان می پرداخته است. در جفر و اعداد و علوم غریبه نیز استاد بود. وی در صبح جمعه ۲۸ ذی قعده ۱۴۰۲ق در تهران وفات یافت، و در یکی از اتاق های مزار علیّ بن جعفر علیه السلام در قم مدفون گردید.

ابوالحسن فیضی

ابوالحسن بن محمّدمحسن فیضی، از فضلاء و نویسندگان قرن ۱۳ در اصفهان است. ظاهرا از شاگردان مرحوم آقا سیّدمحمّد مجاهد کربلایی اصفهانی بود. از آثار او کتابت نسخه ای از کتاب وسائل النّجاه مرحوم آقا سیّد است که در سال ۱۲۱۹ به خطّ نستعلیق در اصفهان نوشته شده است. نسخه به

۱- همان، ج۲۵، ص۲۸۸.

۲- همان، ج۲۵، ص۲۸۸.

شماره ۴۶۱ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است.(۱)

ابوالحسن ابرقوهی

ابوالحسن بن محمّد ابرقوهی اصفهانی، فقیه و دانشمند نیکوسیرت بوده، به اصفهان مهاجرت نموده، و در این شهر سکونت اختیار کرده، و تا سال ۵۸۶ق در این شهر زنده بوده است.(۲)

میرزا ابوالحسن جلوه

میرزا ابوالحسن جلوه فرزند سیّدمحمّد متخلّص به «مظهر» بن میرمحمّدصادق بن میرمحمّدحسین اوّل بن رفیع الدّین محمّد بن مهدی بن ابوالحسن بهاءالدّین محمّد بن میرزا رفیعا نایینی(۳). حکیم دانشمند و شاعر ادیب، در ذی قعده ۱۲۳۸ق در احمدآباد هند متولّد شد، و به همراه پدر به اصفهان آمد، در مدرسه کاسه گران ساکن شد(۴)، و نزد علمای این شهر، به خصوص میرزا حسن نوری و میرزا حسن چینی، فنون حکمت و فلسفه را آموخت(۵). در سال ۱۲۷۳ق به تهران رفت، و در مدرسه دارالشّفا که به خاطر احداث خیابان بوذرجمهری خراب شده است ساکن شد، و سال ها به تدریس کتب حکمت پرداخت. جلوه، عمر را مجرّد و بدون زن و فرزند به سر آورد، و مازاد معاش یومیّه را به فقراء، انفاق می کرد، اکثر اعیان و بزرگان زمان به صحبت او اشتیاق داشتند، و ناصرالدّین شاه مکرّر به حجره او می رفته است.(۶) از نوجوانی شعر می گفته، و «جلوه» تخلّص می نموده، دیوان اشعارش را آقای علی رسولی جمع آوری نموده، و در سال ۱۳۴۸ با مقدّمه آقای سهیلی خوانساری به چاپ رسیده است. وی سرانجام در شب جمعه ۶ ذی قعده ۱۳۱۴ق در تهران وفات یافت، و در ابن بابویه مدفون گردید(۷)، و نیّرالدّوله قاجار و میرزا احمد خان

۱- فهرست کتابخانه مسجد گوهرشاد، ص۳۴۲.

۲- فرهنگ نامه پارسی، ص۴۱۷.

۳- آتشکده اردستان، ج۱، ص۱۹۱.

۴- همان، ج۲، صص۳۲۵ ۳۲۶.

۵- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص۶۰۸.

۶- ادبیّات معاصر، صص۳۸ ۴۰.

۷- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۰.

نصیرالدّوله شیرازی بقعه ای بر مزار او بنا کردند.(۱) میرزا ابوالقاسم در مادّه تاریخ او گوید:

طرب از حزن پی سال وفاتش بنوشت: «بولحسن جلوه کنان شد سوی فردوس برین»(۲)

کتابخانه ای مفصّل داشته که پس از فوت، به خواهرزاده اش حاج میرزا محمّد بن حاج میرزا تقی رسیده، و او، آن ها را به کتابخانه مجلس فروخته است.(۳) وی را تألیفاتی است از آن جمله: ۱. اثبات حرکت جوهریّه، مطبوع ۲. رساله ای در ترکیب و احکام آن ۳. تصحیح مثنوی مولوی، مطبوع ۴. حاشیه بر اسفار ۵. حواشی بر فصوص الحکم ۶. حواشی بر مبدأ و معاد ملّاصدرا، مطبوع ۷. ربط الحادث بالقدیم، مطبوع، در حاشیه شرح هدایه الاثیریّه ملّاصدرا ۸. رساله در وجود و اقسام آن ۹. دیوان اشعار، مطبوع ۱۰. شرح حال مجمر، مطبوع در دیوان خودش ۱۱. شرح حال خودش، مطبوع در نامه دانشوران.(۴)

این شعر از او است:

چون شد که در این غمکده یک هم نفسی نیست از هم نفسان بگذر و از اصل کسی نیست

بازار جهان جمله جزابین و مکافات عاقل به چه سان گفت که آن جا عسسی نیست

جز رفتن از این مرحله با مژده رحمت داناست خدا، در دل «جلوه» هوسی نیست(۵)

۱- طرائق الحقائق، ج۳، صص۵۰۷ ۵۰۸.

۲- ادبیّات معاصر، ص۳۹.

۳- آتشکده اردستان، ج۲، ص۳۳۴.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۰؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۴۲؛ الذّریعه، ج۲۵، ص۳۹.

۵- ریحانه الادب، ج۱، ص۴۱۹ ۴۲۰ و بنگرید به: جغرافیای اصفهان، ص۶۹؛ شمس التّواریخ، ص۳۳؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۴۳۱؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۴۷؛ تاریخ نایین، ج۱، ص۱۶۷ ۱۷۲؛ تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفا، صص۴۶۷ ۴۹۱.

آقا سیّدابوالحسن اصفهانی

آقا سیّدابوالحسن اصفهانی بن سیّدمحمّد موسوی مدیسه ای لنجانی بن سیّدعبدالحمید بن سیّدمحمّد موسوی، از اکابر فقهای امامیّه و از مراجع تقلید جهان تشیّع، عالم فاضل کامل فقیه اصولی و متکلّم محدّث جامع در سال ۱۲۸۴ق در قریه «مدیسه» از توابع بلوک لنجان اصفهان متولّد، و برای تحصیلات خود راهی اصفهان شد، و در درس سیّدمهدی نحوی، آخوند کاشی، میرزا یحیی مدرّس و میرمحمّدصادق کتاب فروش و میرزاابوالمعالی کلباسی حاضر شد. سپس برای تکمیل آن به نجف اشرف عزیمت نمود. دو سال در درس میرزای شیرازی در سامرا شرکت نمود، و پس از وفات استاد، نزد آخوند خراسانی ادامه تحصیل داد، و پس از وفات وی، در درس میرزا محمّدتقی شیرازی حضور یافت، و سرانجام به اجتهاد نائل آمد، و از آخوند خراسانی، حاج میرزا محمّدتقی شیرازی، شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی و آقا سیّدحسن صدر اجازه روایت دریافت نمود. موقعیّت ایشان روز به روز تحکیم یافت، و شهرت ایشان از مرزهای عراق فراتر رفت، تا این که در سال ۱۳۴۴ق ریاست معنوی جهان تشیّع و مرجعیّت شیعیان در عراق، ایران، لبنان، افغانستان، پاکستان و هند به او اختصاص یافت.

پس از شکست عثمانی ها در جنگ جهانی اوّل و اشغال عراق به دست نیروهای انگلیسی و قیمومیّت انگلستان بر عراق، آقا سیّدابوالحسن اصفهانی برای مبارزه با اشغالگران، با همکاری میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی، میرزا حسین نایینی، سیّدمصطفی کاشانی و میرزا علی شهرستانی مردم را به قیام علیه کفّار تشویق نمودند؛ امّا با فوت سیّدمصطفی کاشانی و شریعت اصفهانی، این قیام سرکوب شد. بار دیگر علمای عراق همچون اصفهانی، شهرستانی و نایینی به حمایت از قیام عشایر جنوب عراق برخاستند، و فرمانروای انگلیسی عراق، آنان را به ایران تبعید کرد. ولی پس از هشت ماه، آنان به عراق بازگشتند.

او علاوه بر مرجعیّت و صدور فتوا، صدها شاگرد دانشمند تربیت نمود، و از لحاظ بزرگ منشی، درایت، زهد، و اهتمام به امور مسلمانان، الگویی کم نظیر به شمار می رفت. در شب ۱۶ صفر ۱۳۴۹ق طلبه ای جاهل به نام شیخ علی اردهالی کاشانی با کارد به سیّد محمّدحسن فرزند جلیل القدر او حمله

کرد، و در صف نماز، او را شهید نمود. آیت اللّه اصفهانی از او گذشت نمود، و با صبوری و توکّل بر خدا، تحمّل این مصیبت را بر خود هموار نمود. او در هنگام غروب آفتاب دوشنبه ۹ ذی الحجّه ۱۳۶۵ق در کاظمین وفات کرد، و پیکرش در یکی از حجرات صحن حضرت علی علیه السلام در نجف مدفون شد. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. انیس المقلّدین، که سیّدابوالقاسم صفوی اصفهانی آن را جمع آوری و تدوین نموده است ۲. حاشیه بر تبصره علّامه ۳. حاشیه عروه الوثقی ۴. حاشیه نجاه العباد (تألیف صاحب جواهر) ۵. ذخیره الصّالحین ۶. ذخیره العباد، مطبوع ۷. شرح کفایه الاصول ۸. منتخب الرّسائل ۹. مناسک حج ۱۰. وسیله النّجاه، یک دوره فقه در دو مجلّد که شاگردش سیّدابوالقاسم صفوی آن را ترجمه نموده، و صراط النّجاه نامیده است ۱۱. وسیله النّجاه صغری (۱).

سیّدابوالحسن عاملی

سیّدابوالحسن عاملی اصفهانی فرزند سیّدصدرالدّین محمّد موسوی عاملی بن صالح، عالم فاضل زاهد، در اصفهان ساکن بود، و عمر را به عبادت گذرانده، و متولّی امام زاده شاه زاده ابراهیم در محلّه مستهلک اصفهان بود. وی پس از سال ۱۳۰۰ق وفات یافت.(۲)

ملّا ابوالحسن قهجاورستانی

ملّاابوالحسن بن معزّالدّین محمّد قهجاورستانی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. قجاورستان (قه جاورستان) از دهات معتبر و بسیار قدیمی بلوک جی

۱- احسن الودیعه، ج۲، ص۱۰۹؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۱۴۳، ج۱، ص۴۲ ۴۳؛ آثار الحجّه، ج۱، ص۱۳۴؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۱۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۹۱ ۹۴؛ الذّریعه، ج۲۵، ص۸۵؛ مکارم الآثار، ج۷، صص۲۵۸۵ ۲۶۱۲؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص ۲۸۰ ۲۸۱؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۷، صص۹۴۳ ۹۴۴؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص۱۲۷ ۱۳۲.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۱، ص۲۶۸ ۲۶۹.

اصـفهان بوده، جمعی از شـهدای صدر اسلام و فاتحان اصفهان در آن قریه مدفون اند.(۱) صاحب عنوان، ساکن مسـجد جامع قدیم اصـفهان بوده، و شاگرد و مجاز از علاّمه مولی محمّدتقی مجلسـی علیه الرّحمه می باشد. وی در شب چهارشـنبه ۶ رجب سال ۱۰۶۶ کتـابت نسـخه ای از من لاـ یحضـره الفقیه را به پایـان رسانیـده، و آن را نزد علاّمه مجلسـی اوّل قرائت کرده، و آن مرحوم، به خـطّ مبـارک خویش، گواهی تصـحیح و قرائت آن را در آخر جزء چهارم کتاب، مرقوم فرموده است. کلیشه اجازه علاّمه مجلسی اوّل در فهرست کتابخانه آستان قدس موجود است.(۲)

میرزا ابوالحسن سلطان الاطبّاء

میرزا ابوالحسن سلطان الاطبّاء فرزند میرزا محمّد ملک الاطبّاء، از اطبّاء معروف اصفهان است.

در اصفهان ساکن و به مداوای بیماران اشتغال داشته است. در پنج شنبه ۵ رجب ۱۲۶۹ق وفات یافت، و در تکیه مادر شاه زاده در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

ابوالحسن نجفی اصفهانی

ابوالحسن بن حاج محمّد قاری نجفی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. احتمالاً شاگرد شرف الدّین علیّ بن حجّت اللّه شولستانی حسنی حسینی نجفی است. در تاریخ ۱۰۷۱ در نجف بوده، و مالک نسخه ای از کتاب من لا یحضره الفقیه بوده است که فعلاً به شماره ۳۱۶۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴)

۱- مزارات اصفهان، ص۲۷۷.

۲- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج۵، صص ۱۹۱ و ۱۹۴.

۳- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۷۵؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۵۸ ۱۵۹؛ سـیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۳.

۴- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۸، ص۳۹۶.

سیّدابوالحسن صدر

سیّدابوالحسن بن سیّدمهدی بن حاج سیّداسماعیل بن سیّدصدرالدّین عاملی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، در سال ۱۳۲۰ق در کاظمین متولّد گردید، و در آن جا و کربلا تحصیل کرد، و در اواخر عمر به اصفهان مهاجرت نمود، و در مسجد علی قلی آقا اقامه جماعت می نمود. سرانجام در شب دوشنبه ۲۲ شوّال ۱۳۹۸ در اصفهان وفات یافت، جنازه به عتبات عالیات، حمل و به خاک سپرده شد.(۱)

میرزا ابوالحسن نوری

میرزا ابوالحسن نوری فرزند میزا محمّدمهدی نوری مازندرانی عالم فاضل محقّق در ۱۳۱۹ قمری در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد، جنب فاضلان مدفون گردید.(۲)

ابوالحسن همام

ابوالحسن بن مهدی، ادیب شاعر فارسی زبان معروف به «همام» است که ظاهرا در قرن پنجم هجری در اصفهان ساکن بوده است.(۳)

میرزا ابوالحسن صدر نصیری

میرزا ابوالحسن نظام الشّریعه معروف به «صدر نصیری»، فرزند میزا نصیر ملّاباشی (صدرالاسلام)، عالم فاضل. وی کتابی در ادعیه به نام مفتاح السّعادات تألیف نمود، و به چاپ رسانید، و پس از فوت، در تکیه مادر شاه زاده در تخت فولاد مدفون، و سپس به اعتاب مقدّسه نقل گردید.(۴)

۱- معارف الرّجال، ج۱، ص۱۱۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۱، ص۲۷۹.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۱.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۸۴.

میر ابوالحسن تاج حسینی

میر ابوالحسن تاج حسینی وزیر قبانات اصفهان در قرن دوازدهم هجری. ظاهرا مشارٌ الیه شاعر و ادیب بوده، و تخلّصِ «تاج» داشته است. وی صاحب جنگی است که به شماره ۳۰۱۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. وی در سال ۱۱۳۳ق وفات یافته است. تاریخ فوت او را شاعر اصفهانی خادم گوید:

چون میر ابوالحسن از این غم آباد جهان شد عازم باغ خلد با خاطر شاد

گفت از پی تاریخ وفاتش خادم: «از تارک ارباب سخن تاج افتاد»

ابوالحسن ثابت اصفهانی*

[ابوالحسن اصفهانی متخلّص به «ثابت»، شاعر ادیب، در قرن سیزدهم هجری می زیسته، و به شغل خیّاطی امرار معاش می کرده است، شعاع الملک شیرازی در تذکره خود به زندگی او پرداخته است].(۱)

ابوالحسن جوزدانی

ابوالحسن جوزدانی، فاضل و خطّاط در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری در اصفهان. از آثار او کتابت نسخه ای از منظومه «جنگ نامه حضرت خامس آل عبا علیه السلام » که ناظم و سراینده او نامشخّص است.

کتاب نام برده، به خطّ نسخ خوش نوشته شده، و نسخه به شماره ۲۳۴۲ در کتابخانه مجلس شورای ملّی تهران موجود است.(۲) جوزدان از محلّات قدیمی اصفهان، فعلاً از محلّات متّصل به چهارسوق شیرازی ها می باشد.

سیّدابوالحسن حسنی حسینی

سیّدابوالحسن حسنی حسینی از محدّثین و فضلای قرن یازدهم هجری بوده، و نزد

۱- فرهنگ سخنوران، ص۱۲۰.

۲- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی، ج۸، ص۵۵.

علّامه ملّامحمّدباقر مجلسی علم حدیث را فرا گرفته است.

علّامه مجلسی در پایان کتاب الصّلاه از من لا یحضره الفقیه اجازه ای در سال ۱۰۶۷ق برای او نوشته است.(۱)

میرزا ابوالحسن خاتون آبادی

(میرزا ابوالحسن خاتون آبادی، علام فاضل کامل، امام مسجد پاقلعه، در سال ۱۳۳۱ق در کربلا- وفات یافت، و در آن جا مدفون گردید. شرح دعای صباح از آثار اوست. وی برادر میرزا اسدالله خاتون آبادای مدفون در تکیه خاتون آبادی است)(۲)

ملّاابوالحسن خواجویی

ملّاابوالحسن خواجویی اصفهانی، از دانشمندان و مطّلعین از علوم قرآنی بوده، رساله ای در تجوید به فارسی در سال ۱۲۲۵ق نگاشته که ضمن مجموعه ای در کتابخانه سیّدمحمّد جزایری در نجف نگهداری می شده است.(۳)

سیّدابوالحسن خوشمزّه اصفهانی

آقا سیّدابوالحسن اصفهانی معروف به «خوشمزّه»، عالم فاضل، در حکمت و ادب و فقه و کلام، صاحب نظر و عالمی نیک محضر و بذله گو، و به «خوشمزّه» معروف بود. در کاظمین سکونت داشته، از مصاحبین و معاشرین شیخ اسداللّه کاظمینی و سیّدعبداللّه شبّر بوده، و تا سال ۱۲۲۲ق زنده بوده است.

مرحوم آقا سیّدحسن صدر می نویسد که آقا صدرالدّین محمّد عاملی با دختر سیّدابوالحسن خوشمزّه ازدواج نموده است.

کتب زیر از تألیفات او است:

۱. السّروریّه، و آن کتاب کوچکی است که در آن بعضی از مطالب که سبب شادی و

۱- زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۰؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۲.

۲- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

۳- الذّریعه، ج۱۱، ص۱۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۷؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۲.

سرور مؤمن بشود را ذکر فرموده است. ۲. واجبات الصّلاه، آن را در زمان حیات مرحوم آقا میرسیّدعلی صاحب ریاض المسائل و از فتاوای آن مرحوم جمع آوری فرموده است. به ظنّ قوی، وی شاگرد میرسیّدعلی طباطبایی و شیخ جعفر کاشف الغطاء بوده است.(۱)

ملّاابوالحسن زنوزی

آخوند ملّاابوالحسن زنوزی سمیرمی اصفهانی، از فضلاء قرن ۱۳ هجری در اصفهان است. ادیب و فاضل بوده، در سال ۱۲۷۲ق شرح سبعه معلّقه را تصحیح نموده، و به چاپ رسیده است.(۲)

استاد ابوالحسن سنمار*

استاد ابوالحسن سنمار، هنرمند توانا از اساتید معماری اصفهان به شمار می رود. وی نزد پدر شاگردی پرداخت، و به استادی رسید، سپس سال ها به همکاری با اداره باستان شناسی اصفهان (و سازمان میراث فرهنگی اصفهان) پرداخت، و بسیاری از آثار تاریخی شهر اصفهان، و شهرهای دیگر ایران را مرمّت کرد. وی سرانجام در دی ماه ۱۳۷۶ شمسی در اصفهان وفات یافت، و قبرستان باغ رضوان مدفون شد. از آثار او تعمیر و بازسازی مسجد حاج محمّدجعفر اصفهان است که در بمباران هوایی، توسّط هواپیماهای رژیم عراق، آسیب های فراوانی دیده بود.(۳)

سید ابوالحسن بدری

(سید ابوالحسن بدری در سال ۱۳۰۲ش در اصفهان در خانوده ای روجانی متولد شد. دروس مقدمات و سطح را اساتیدی چون سید محمد باقر ابطحی و حاج آقا صدر کوپایی فراگرفت و سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در سال ۱۳۵۴ به خاطر مخالفت با رژیم طاغوت از کار برکنار شد. وی در ضمن تدریس و وعظ، مؤسسه احمدیه را اداره می کرد و درسال ۱۳۶۳ مدرسه النفسیه را جهت خواهران طلبه تأسیس نمود)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۱، ص۲۶۵ ۲۶۶؛ الذّریعه، ج۱۲، ص۱۷۸ و ج۲۵، ص۱؛ الکرام البرره، ج۱، ص۳۰.

۲- فهرست کتاب های چاپی عربی، ص۵۵۰.

۳- روزنامه خبر، مورّخ ۲۲ دی ۱۳۷۶، ص۳.

سیّدابوالحسن طبیب

سیّدابوالحسن حسینی طبیب اصفهانی، از پزشکان معروف اصفهان، و ساکن محلّه بیدآباد بوده، و در اواخر قرن سیزدهم هجری می زیست. فرزندانش به نام بصیر در تهران و خارج از ایران مشهورند.(۱)

ابوالحسن کازرونی

ابوالیقظان ابوالحسن کازرونی، از دانشمندان اصفهان است. تألیفات زیر از او است:

۱. اربعین ۲. شرف النّبی صلی الله علیه و آله (۲).

سیّدابوالحسن فاطمی

سیّدابوالحسن فاطمی حسن آبادی، از علمای روستای حسن آباد جرقویه بوده، و در حدود ۱۲۸۰ق وفات یافته است.(۳)

ابوالحسن کفرانی

ابوالحسن کفرانی، فاضل و نویسنده در قرن دهم هجری. اصلًا از اهالی قریه «کفران» رویدشت اصفهان بود، از آثارش کتابت دعایی است منقول از حضرت علی علیه السلام با ترجمه فارسی، به خطّ نستعلیق که آن را در ۱۵ رجب ۹۸۷ هجری نوشته، و در مجموعه شماره ۲۱۴۴ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.(۴)

ابوالحسن محزون اصفهانی*

ابوالحسن سپه کار متخلّص به «محزون»، شاعر معاصر در سال ۱۳۲۷ شمسی در اصفهان متولّد شد، و در این شهر در مقاطع ابتدایی و متوسّطه تحصیل کرد، سپس به

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۶.

۲- احقاق الحق، ج۵، ص۶۱۹ و ج۹، ص ۱۸۱.

۳- گرکویه، ص۳۲۲.

۴- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۸۰۹.

دانشـگاه رفت، و موفّق به اخـذ لیسانس گردیـد. از اعضای فعّال انجمن ادبی حافظ و انجمن ادبی خانه هنرمنـدان به شـمار می رود. از او است:

یک شب به سرزمین دعاهای من بیا پنهان ز دیده ها به تماشای من بیا(۱)

میرزا ابوالحسن موالی اصفهانی*

میرزا ابوالحسن اصفهانی، شاعر ادیب، به «موالی» تخلّص می کرده، و در هندوستان ساکن بوده است.

چندی منصب «بیگلربیگی» حیدرآباد را داشته، از آن منصب عزل شده، سرانجام در لکهنوی هند وفات یافت.

از او است:

نشئه ای از میخانه طبع متین تا برده ام چون نصیری عشق مولی شد «موالی» کار من(۲)

استاد ابوالحسن نقّاش اصفهانی*

استاد ابوالحسن نقّاش اصفهانی، از هنرمندان اواسط قرن سیزدهم هجری است. در شبیه سازی آبرنگ قوی دست بوده، صورت برخی از دولتمردان و شاه زادگان و علمای عصر خود را با مهارت ساخته، و تا سال ۱۲۶۶ق در قید حیات بوده است.(۳)

ابوالحسن ضرّاب اصفهانی

ابوالحسن یعقوب بن یوسف ضـرّابی غسـانی اصـفهانی، از راویـان شـیعه است. محـدّث قمی در مفاتیـح الجنان، در ذکر اعمال عصـر روز جمعه گوید که این صـلاه، از طرف مولای ما حضـرت صاحب الزّمان عجّل اللّه تعالی فرجه صادر شده است، و آن را ابوالحسن

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۶۳۸.

۲- گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۴۵۴.

۳- هنر قلمدان، ص۱۱۵.

ضرّاب در مکّه از آن حضرت روایت می نماید. محدّث قمی، سند خود را ارائه ننموده است. در کتاب منتقم حقیقی یا مهدی القائم از تألیفات حاج آقا حسین عمادزاده، در زمره کسانی که خدمت امام علیه السلام در زمان غیبت مشرّف شده اند، از او یاد می کند، در منتهی المقال علاّمه مامقانی در ذکر اسامی یعقوبین نامی از او نبرده است.(۱)

ابوالحسین

قاضی ابوالحسین، از علماء و فضلاء اصفهان است. وی در زمان صاحب بن عبّاد منصب قضاوت در اصفهان را داشته است.(۲)

ابوالحسین اصفهانی

حافظ ابوالحسین اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوکریب حدیث نقل نموده، و ابوعبداللّه محمّد بن موسی بن نعمان از او روایت می کند.(۳)

ابوالحسین اصفهانی

ابوالحسین معروف به «بلفرج» از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف فلاسفه، ریاضی دانان، اطبّاء و منجّمین متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.(۴)

ابوالحسین خلیفه سلطانی

شریف ابوالحسین میرزا خلیفه سلطانی جرقویه ای بن میرزا فتح اللّه بن میرزا رفیع الدّین محمّد بن سیّدعلاءالدّین حسین مرعشی اصفهانی (خلیفه سلطان)، عالم فاضل، به قریه «محمّدآباد» جرقویه، از دهات اصفهان مهاجرت کرد، و در آن جا به تألیف و تصنیف اشتغال جست، و تا آخر عمر در آن جا بود، و همان جا وفات یافت، و مدفون گردید، و از

۱- منتقم حقیقی، ص۱۸۱؛ مفاتیح الجنان.

۲- رساله الارشاد، ص۲۴.

۳- احقاق الحق، ج ۱۰، ص۶۳۹.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۴.

قبرش کراماتی ظاهر شده است. خود، از شاگردان پدرش می باشد.(۱)

ابوالحسین صوفی

ابوالحسین (یا ابوالحسن) صوفی، از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان فلسفه، نجوم، طب و ریاضی ذکر کرده، و او را متقدّم بر عهد خویش دانسته است.(۲)

ابوحفص بن ابی علی

ابوحفص بن ابی علی، از ادباء و فضلای اصفهان است. مافرّوخی در کتاب خود، او را از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء، و مقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۳)

ابوحفص جاری

شیخ ابوحفص جاری، از ادباء و شعرای اصفهان در قرن پنجم هجری است. به عربی شعر می سروده، و معاصر مافرّوخی بوده است.(۴)

[جار = گار، از روستاهای شرق اصفهان است].

ابودردا

در قریه زهران [محلّه زهران فعلی در غرب شهر اصفهان] قبری است به نام «ابودردا» که [هویّت و سرگذشت او بر ما مجهول است]. برخی او را از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته اند؛ امّا او هیچ گاه به اصفهان نیامده است. احتمال می رود مدفون در این قبر، یکی از محدّثین اصفهان مکنّی به «ابودردا» باشد. [مؤلّف فقید، بحثی تحقیقی و عالمانه در این موضوع انجام داده اند که در مزارات اصفهان به چاپ رسیده است(۵)].

۱- اعیان الشّیعه، ج۷، ص۳۴۴ و ج ۱۰، ص۵۱۴.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۱.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۵- تاریخ نایین، ص۲۹۴؛ مزارات اصفهان، صص۲۲۷ ۲۳۱.

ابودلف عجلی

امیر ابودلف بن ادریس بن عیسی بن معقل عجلی در زمره کُتّاب و نویسندگان بود، گویند در مکتب، هم درس ابومسلم عبداللّه بن مسلم خراسانی بوده، در زمان مأمون الرّشید در اصفهان، صاحب منصب و جاه بود، خلیفه بر وی غضب کرد، و او را به شام تبعید نمود. ازجمله اشعار او است:

اقول و اکناف الجزیره بیننا و سهبٌ تردّی آلها بملائها

سقی اللّه غیثا اصفهان و اهلها عزالی آلت لا تضنّ بمائها

احبّ الصّباتینی هوای الی الصّبی الآن اسمها ضاحی اسمها فی بنائها

در کتاب محاسن اصفهان از دو قصیده دیگر او درباره اصفهان، جمعا سیزده بیت نقل کرده است.(۱)

ابوالرّبیع زهرانی

ابوالرّبیع محمّد (معروف به محوله) بن معروف بن یزید بن عبدالرّحمان بن معروف قرشی عطّار اصفهانی معروف به ابوالرّبیع زهرانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. پدرش از مردم بصره بوده، و محمّد به اصفهان مهاجرت کرده، و در این شهر ساکن شده است. وی سال ها امام جماعت در جامع اصفهان بوده، و در زهد و ورع مقامی بلند داشته است. صاحب عنوان، ممکن است ابوالرّبیع محوله بن عبداللّه نحوی ساکن دمشق، متوفّی ۲۳۰ق مؤلّف کتاب الجماهر در نحو باشد.

وی از ابواسحاق اسماعیل بن عمرو بجلی کوفی، حاتم بن میمون و سلام بن طویل حدیث شنید، و محمّد بن حسن بن حماد بن سلمان، حافظ ابوبکر محمّد بن هارون رویانی و ابومسلم سلم بن حمزه مقری نقّاش اصفهانی از ابوالربیع زهرانی حدیث نقل می کنند. زهران از قریه های غرب شهر اصفهان است.(۲)

۱- محاسن اصفهان، ص۱۲، نسائم الاسحار، ص۱۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۸۹؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابوالرّبیع»، ص۴۵۸؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۴۷۲؛ مزارات اصفهان، صص۲۲۵ ۲۲۷.

ابوریّان اصفهانی*

ابوریّان اصفهانی، احمد بن محمّد، از کارگزاران دولت آل بویه است. در بغداد نایب مطهّر بن عبداللّه و نصر بن هارون مسیحی وزیران آل بویه بود. پس از فوت عضدالدّوله در سال ۳۷۵ق مدّتی به بند کشیده شد. سپس به وزارت صمصام الدّوله جانشین عضدالدّوله منصوب شد؛ امّا چند ماه بعد، در اواخر سال ۳۷۵ با فتنه گری مادر پادشاه، بار دیگر به زندان افتاد، و در آن جا او را کشتند. کمی بعد، شرف الدّوله به جانشینی صمصام الدّوله رسید، و دستور نبش قبر او را داد، و ابوریّان را با احترام و تجلیل به خاک سپردند.(۱)

ابوزید

ابوزید بن ابی القاسم بن ابی طالب، از شعرای اصفهان است. وی به عربی شعر می سروده، و معاصر با مافرّوخی بوده است.(۲)

ابوزید

ابوزید بن سعد از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری بوده، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان فلسفه، ریاضیّات، طبّ و نجوم آورده است.(۳)

ابوزید

ابوزید بن علیّ بن قاسم، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم صرف و نحو و لغت و انشاء دانسته است.(۴)

ابوزید تیجابادی

استاد ابوزید تیجابادی از ادبا و فضلای اصفهان است. مافرّوخی وی را در ردیف

۱- دانشنامه ایران و اسلام، ج۸، ص۱۰۴۱.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

دانشمندان صرف و نحو لغت و انشاء که مقدّم بر عصر خود بوده، ذکر کرده است.(۱)

[ظاهرا تیجاباد از روستاهای اصفهان است].

ابوسعد

ابوسعد بن عبدالوهاب، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم بر عصر خویش برشمرده است.(۲)

ابوسعد جوهری

ابوسعد جوهری از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان کلام و حدیثِ متقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۳)

ابوسعد

ابوسعد فرزاد از ادبای اصفهان بوده، و مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء که مقدّم بر عصر وی بوده اند، ذکر کرده است.(۴)

ابوسعد زین الملک

ابوسعد زین الملک، برادر سعدالملک آوی است. سعدالملک در اصفهان وزارت سلطان محمّد سلجوقی را برعهده داشته است، و سرانجام به هم دستی با ملاحده (فداییان اسماعیلی) و توطئه بر علیه شاه، متّهم شد، و او را به همراه برادرش زین الملک در شوّال ۵۰۰ق در بازار اصفهان به دار کشیدند.(۵)

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۱.

۳- محاسن اصفهان، ص۲۹.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۵- تعلیقات النّقض، ج۲، ص۷۳۱.

ابوسعد قمی

ابوسعد قمی، از ادباء و دانشمندان است. در اصفهان ساکن بوده، و مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاءِ مقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۱)

ابوسعد مطرّز

ابوسعد معروف به مطرّز، از دانشمندان کلام و حدیث در اصفهان بوده، و مافرّوخی او را مقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۲)] ممکن است وی همان ابوسعید مطرّز متوفّی ۵۰۳ق باشد].

ابوسعد مطرّز

ابوسعد محمّد بن محمّد بن محمّد اصفهانی معروف به مطرّز، از محدّثان قرن پنجم و ششم هجری است. علاوه به فقه و حدیث در علم قرائت نیز صاحب نظر بوده، و آن را نزد ابوبکر محمّدابراهیم بن احمد نقار آموخته است. ابوطاهر سلفی و حافظ ابوموسی مدینی و دیگران از شاگردان او هستند. وی در سال ۵۰۳ق به سنّ نود و دو سالگی وفات یافته است.(۳)

ابوسعد نختکینی

ابوسعد نختکینی، از ادبای اصفهان بوده، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.(۴)

ابوسعید امامی*

ابوسعید امامی، خوشنویس هنرمند عهد صفویّه است. در عهد شاه تهماسب صفوی

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۱.

۳- غایه النّهایه، ج۲، صص۲۵۳ ۲۵۴؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۱۷۳.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

می زیست، و خطّ ثلث را با استادی می نوشت، و اوّلین خوشنویس بزرگ خاندان امامی اصفهان است.

کتیبه های ثلث مسجد پیر پینه دوز در جوباره به سال ۹۶۲ و سردر مسجد قطبیّه به سال ۹۵۰ق به خطّ زیبای او است.(۱)

ابوسعید رارانی

ابوسعید رارانی، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.(۲) راران از روستاهای جی اصفهان است.

میرزا ابوسعید مشکی

میرزا ابوسعید مشکی، عالم فاضل حکیم، از خاندان مشکی اصفهان است. میرزا معزّالدّین بن میرزا حسن تبریزی متوفّی ۱۱۸۳ق در علوم معقول و منقول نزد او در اصفهان به تلمّذ پرداخته است.(۳) خاندان معروف به «مشکی» از خانواده های معروف اصفهان، و عموما از بازرگانان و فضلاء این شهر می باشند، و قریب سی صد سال در این شهر به نیکی و خوش نامی شهرت دارند.

ابوسعید نقّاش

ابوسعید محمّد بن علیّ بن عمرو بن مهدی نقّاش اصفهانی حنبلی از حفّاظ حدیث، در طلب حدیث به بغداد، کوفه، مرو، جرجان، هرات، دینور، حجاز، همدان و نهاوند سفر کرده، و مدّتی طولانی در نیشابور اقامت گزیده است. وی از هجیمی و شافعی و طبقه آنان حدیث نوشته، و عمر را به املاء و قرائت حدیث و تألیف گذرانده، و در ۸ رمضان ۴۱۴ق وفات

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۸۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۱۷؛ آثار ایران، ج۴، ص۲۵۷.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۳- الذّریعه، ج۹، ص۱۰۶۸، خزانه عامره، ص۴۲۹؛ الکواکب المنتشره، ص۳۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۴۴.

یافته است. این کتاب ها از او است: ۱. طبقات الصّوفیه ۲. القضاء والشّهود.(۱)

ابوسهل کحّال

ابوسهل کحّال، از اطبّاء اصفهان بوده، و در حکمت نیز دستی داشته، مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم بر عصر خویش ذکر نموده است.(۲)

ابوشجاع اصفهانی

ابوشجاع اصفهانی، از مردمان نیکوکار قرن پنجم هجری بوده، و در سال ۴۴۶ق برج چهل دختران در دامغان را بنا نموده که تاکنون به صورت اوّلیه خود باقی است.(۳)

ابوشجاع اصفهانی

شهاب الدّین ابوشجاع احمد بن حسین بن احمد اصفهانی، از فقهاء و محدّثین شافعی در قرن پنجم هجری است، در سال ۵۳۳ق متولّد شد، و در آن جا به تحصیل پرداخت. [وی بیش از چهل سال به تدریس فقه پرداخت]. وفات او در سال ۵۹۳ق اتّفاق افتاده است. وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. غایه الاختصار، در فقه شافعی [که در«لیدن» هلند به چاپ رسیده است، و بسیاری از دانشمندان شافعی بر آن کتاب، حواشی و شرح نوشته اند] ۲. شرح اقناع ماوردی.(۴)[حاجی خلیفه نامش را حسین بن احمد و وفاتش را سال ۴۸۸ق در ذیل عنوان غایه الاختصار آورده که یقینا اشتباه است].(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۷، ص۳۰۷؛ تذکره الحفاظ، ج۳، ص۲۴۶؛ الاعلام، ج۷، صص ۱۶۰ ۱۶۱؛ محاسن اصفهان، ص۲۹؛ میزان الاعتدال، ج۳، ص۲۰۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۳- جغرافیای تاریخی دامغان، ص۱۹.

۴- معجم المطبوعات، ج۱، ص۳۹۸؛ دانشنامه ایران واسلام، ج۸، ص۱۰۵۷؛ مشاهیر دانشمندان اسلام، ج۱، ص۱۹۶.

۵- کشف الظّنون، ج۲، ص۱۱۸۹.

ابوشجاع اصفهانی

ابوشـجاع زاهر بن رسـتم بن ابی الرّجاء اصـفهانی، از محـدّثین سـده شـشم هجری بوده، مدّتی در مکّه معظّمه، مجاورت اختیار نموده، سپس به بغداد رفته، و در آن جا به سال ۶۰۷ق وفات یافته است. کتاب نزهه النّاظر از تألیفات او است.(۱)

ابوالشّرف اصفهانی

قاضـی ابوالشّـرف اصـفهانی، عالم فاضل و محدّث فقیه، از دانشـمندان قرن یازدهم هجری بوده، از ملّادرویش محمّد بن حسن عاملی روایت می کند. ملّامحمّدتقی مجلسـی نیز از ابوالشّرف روایت نموده است. محدّث نوری به نقل از امل الآمل نام وی را «ابواشـرف» ضـبط نموده، و او را از شـاگردان علّامه ملّامحمّـدباقر مجلسـی دانسـته است. ظاهرا در نسـخه ای از امل که به نظر مرحوم محدّث نوری رسیده، اغلاطی راه یافته است.(۲)

ابوالشکر حرّانی

ابوالشّـکر حمد بن ابوالفتح بن ابوبکر حرّانی اصـفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری بوده، و از ابوالعبّاس احمد بن محمّـد بن حسـین خیّاط، ابوالقاسم عبـدالرّحمان بن ابی عبـداللّه بن منـده و ابوالمظفّر محمود بن جعفر الکوسـج حدیث شـنیده است. ابوسعد سمعانی در اصفهان احادیث او را نوشته، و روایت نموده است. ابوالشّکر در رجب ۵۴۳ق وفات یافت.(۳)

ابوالشّیخ ابهری

ابوجعفر محمّد بن حسین بن ابراهیم بن زیاد بن عجلان ابهری اصفهانی معروف به «ابوالشّیخ» از محدّثین قرن سوم هجری.

۱- هدیه العارفین، ج ۱، ص ۳۷۲.

۲- ریـاض العلماء، ج ۲، ص ۴۶۳؛ نجوم السّماء، ص ۲۱۶؛ تلامذه العلّامه المجلسـی، ص ۱۴۱ ۱۴۲؛ زندگی نامه علّامه مجلسـی، ج ۲، ص ۸.

۳- معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۳۶.

در بغداد ساکن بوده، و همان جا در سال ۲۸۶ق وفات یافته است. از حسن بن محمّد بن اسید ابهری، محمّد بن موسی حروثی، ابوبکر اثرم و حسن بن محمّد زعفرانی روایت می نمود، و ابوبکرمحمّد بن عبداللّه شافعی از او استماع حدیث نموده است.(۱)

حافظ ابوالشّیخ اصفهانی

حافظ ابوالشّیخ اصفهانی، ابومحمّد بن عبداللّه بن محمّد بن جعفر بن حیّان، از بزرگان محدّثین اصفهان است. در حدود سال ۲۷۳ق متولّد شد، و از ابراهیم بن سعدان، ابن ابی عاصم، ابوالعبّاس هروی، عبداللّه بن محمّد بن زکریّا، عمر بن احمد بن اسحاق اهوازی و محمّد بن اسید روایت نموده است.ابوبکر بن حارث، حافظ ابونُعیم اصفهانی، محمّد بن احمد بن شاکر مؤذّن و ابواحمد بن علی مؤدّب مکفوف از او استماع حدیث نموده اند. صاحب عنوان، حدود شصت سال در اصفهان حدیث گفته، و سرانجام در سال ۳۶۹ق در سن ۹۶ سالگی وفات یافته است. کتب زیر از او است: ۱. الثّواب الاعمال الزّکیه ۲. السّنن المعظّمه و الاخلاق النّبویّه ۳. طبقات المحدّثین باصفهان ۴. طبقات اهله ۵. العظمه.(۲)

ابوصالح اصفهانی

حافظ ابوصالح عبدالرّحمان بن سعید اصفهانی بغدادی، از بزرگان محدّثین به شمار می رود، و از عبدالرّحمان بن رسته اصفهانی و ابومسعود رازی اخذ حدیث نموده، در جمادی الآخر سال ۳۳۴ق در بغداد از دنیا رفته است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۲۸؛ الانساب، ج۱، ص۱۰۶؛ معجم البلدان، ج۱، ص۸۴؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۱۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۹۰؛ کشف الظّنون، ج۱، صص۴۳۷ و ۴۴۱؛ ریحانه الادب، ج۷، صص۱۵۵ ۱۵۶؛ اللّباب، ج۱، صص۴۰۴ ۴۰۵؛ طبقات المفسّرین، ج۱، صص۲۴۰ ۲۴۱؛ الاعلام، ج۴، ص۲۶۴؛ معجم المؤلّفین، ج۶، ص۱۱۴؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «عبداللّه»، ص۷۵ قابوس نامه، ص۲۸۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۱۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص۴۱۰ ۴۱۱.

میر ابوصالح اعرجی اصفهانی

میر ابوصالح بن امیر عبدالرزّاق اعرجی حسینی سبزواری اصفهانی، از اجلّه سادات عظام و بزرگان علماء اعلام، و از علمای معتبر زمان خود بوده، و حاج محمّدابراهیم کلباسی در طفولیّت، در خدمت پدر خود، حضور او را درک نموده است؛ بنابراین، صاحب عنوان از اعلام قرن دوازدهم هجری می باشد.(۱)

شیخ ابوصالح اصفهانی

شیخ ابوصالح بن ابوتراب اصفهانی، عالم فاضل، فقیه متبحّر از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. پدرش از شاگردان علاّمه ملاّمحمّدباقر مجلسی است، و شاید خود او هم از شاگردان علاّمه مجلسی باشد. وی در سال ۱۱۱۵ق وفات یافته است.(۲)

حاج ابوطالب

حاج ابوطالب، از نیکوکاران اصفهان است. وی بانی مسجد معروف به «مسجد حاج طالب» واقع در محلّه دروازه نو سنبلستان است. این مسجد از مساجد درجه دوم اصفهان است، هیچ گونه اثر تاریخی ندارد، و احتمالاً از مساجد عهد قاجاریّه است، و یا در این عهد، تعمیر شده است.(۳)

میرزا ابوطالب اصفهانی

میرزا ابوطالب اصفهانی، عالم فاضل ادیب، در اصفهان ساکن، و به تدریس ادبیّات عرب مشغول، و ظاهرا ساکن محلّه خواجوی اصفهان بوده است. او تحصیلات خود را در عتبات عالیات، نزد سیّدعلی طباطبایی صاحب ریاض انجام داده است. اثر مشهور او حاشیه بر بهجه المرضیّه در شرح الفیّه است که در سلخ جمادی الثّانی ۱۲۲۳ق ازتألیف آن

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۶.

۲- اعیان الشّیعه، ج۶، ص۲۸۳؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۱۴۲؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص ۱۰ ۱۱.

۳- آثار ملّی اصفهان، صص۷۳ و ۷۳۳.

فراغت یافته است. نسخه ای ارزشمند از این کتاب به خطّ سیّدمحمّد حسن بن سیّدمحمّدتقی موسوی اصفهانی به سال ۱۲۳۹ق موجود است که کـاتب نوشـته است: مؤلّف کتاب در دو سال قبل (یعنی سال ۱۲۳۷ق) در راه مکّه وفـات یافته است. از کتاب شرح بهجه المرضیّه نسـخه هـای خطّی متعـدّدی موجود است. هـم چنین بارهـا چاپ شـده است، و ازجمله یک بار نیز در سال ۱۲۹۷ق به طبع رسیده است.(۱)

میرزا ابوطالب اصفهانی

میرزا ابوطـالب اصـفهانی، برادرزاده صاعـدای اصـفهانی، از فضـلاء اصـفهان در قرن دوازدهـم هجری بـوده اسـت. از آثـار او مجموعه ای است حـاوی ۹ کتاب به تاریـخ ۱۱۷۱ بـا یادداشت میرزا ابوطالب که به شـماره ۲۶۶۹ در کتابخـانه مجلس شورای ملّی تهران موجود است.(۲)

میرزا ابوطالب اصفهانی

میرزا ابوطـالب اصـفهانی، ادیب فاضـل، مؤلّفِ رسـاله ای در صـرف به فارسـی، نسـخه در کتابخـانه جامع گوهرشاد به شـماره ۱/۶۰۰ موجود است.(۳)] شاید او همان مؤلّف حاشیه بر بهجه المرضیّه باشد که شرح حال او در این کتاب آمده است].

میرسیّدابوطالب امامی

میرسیّدابوطالب امامی اصـفهانی، از علمای معتبر اصـفهان در عهـد شاه تهماسب صـفوی بود، و تولیّت امام زاده زین العابـدین معروف به درب امام را بر عهده داشت(۴)، و در معقولات و

۱- محیـط ادب، مقـاله اسـتاد حاج سیّدمحمّدعلی روضاتی، صـص۲۳۹ ۲۴۷؛ الـذّریعه، ج۶، ص۲۹؛ الکنی و الالقـاب، ج۳، ص۱۸۳؛ اعیان الشّیعه، ج۶، ص۴۴۸؛ الکرام البرره، ج۱، ص۳۹؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۰۶۱؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، صص۳۰۴ ۳۰۵؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۳۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۲.

۲- فهرست مجلس، ج۸، ص۴۲۵.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۱۴۷.

۴- اعیان الشّیعه، ج۶، ص۲۹۲؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۱۸؛ وقایع السّـنین و الاعوام، ص۴۸۹، ریاض العلماء، ج۵، ص۴۶۷.

حکمیّات، خود را از معاصرین، برتر می شمرده است.(۱) وی جدّ سادات امامی اصفهان است.

سیّدابوطالب دهکردی*

سیّدابوطالب دهکردی بن آقابزرگ اصفهانی دهکردی، عالم فاضل خوشنویس هنرمند، در اصفهان نزد جمعی از علماء ازجمله حاج سیّدمحمّد نجف آبادی، حاج محمّدصادق مدرّس خاتون آبادی و آخوند گزی کسب فیض نمود، سپس به قم مهاجرت، و از درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره گرفت. در نوشتن خطّ نسخ و نستعلیق نیز مهارت داشت.(۲)

حاج ابوطالب اصفهانی

حاج ابوطالب بن ابوتراب اصفهانی، عالم فاضل محدّث ماهر، از دانشمندان اواخر عهد صفویّه است. وی از شاگردان علاّمه ملاّمحمّدباقر مجلسی است، و نسخه های متعدّدی را به خطّ خود کتابت کرده که از آن جمله است: ۱. استبصار، جلد سوم، که حواشی ملاّمحمّدتقی مجلسی، علاّمه مجلسی، میرزا رفیعا نایینی و دیگران را در آن آورده است، و نسخه را خود مقابله و تصحیح نموده، و در ۲۶ ذی قعده ۱۱۱۳ق از این کار فراغت یافته است. ۲. القواعد علاّمه حلّی که در ۱۶ شعبان ۱۱۱۸ق از کتابت آن فارغ شده است. ۳. تفسیر کشّاف، جلد سوم، که در سال ۱۱۰۰ کتابت آن را به پایان برده است. ۴. تمهید القواعد که در سال ۱۱۱۸ق آن را کتابت نموده است. حاج ابوطالب تا سال ۱۱۱۸ق در قید حیات بوده، و وفاتش بعد از این سال است.(۳)

شیخ ابوطالب مصطفایی*

شیخ ابوطالب مصطفایی نجف آبادی فرزند حاج ابراهیم عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۰۳ش درنجف آباد متولّد شد. پس از تحصیل در نجف آباد به اصفهان آمده، و نزد علمای

۱- تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص۲۳۹.

۲- آیینه دانشوران، ص۳۳۹.

۳- الکواکب المنتشره، ص۳۸۹؛ نجوم السّماء، ص۱۶۷؛ تاریخ حزین ص۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۰؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج ۲، ص۸.

این شهر همچون شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی، میرزا علی آقا شیرازی، آقا صدرالدّین کوپایی، حاج آقا سیّدحسین خادمی، ملاّهاشم جنّتی، سیّدعبدالحسین طیّب، شیخ مرتضی اردکانی، شیخ عبّاس ایزدی، شیخ ابراهیم امینی و آقا باقر تدیّن به فراگیری علوم حوزوی پرداخت. ایشان سپس به قم رفت، و در درس آیات عظام بروجردی، امام خمینی، علاّمه طباطبایی، منتظری و هم چنین نورالهی حضور یافت. وی عاقبت به نجف آباد آمد، و به تبلیغ و ترویج دین و اقامه نماز جماعت و حلّ مشکلات شرعی مردم پرداخت. فرزند برومند او شیخ محمّدجواد مصطفایی در فروردین ۱۳۶۰ش در جبهه های جنگ ایران و عراق به شهادت رسید.(۱)

میرابوطالب طباطبایی

میرابوطالب بن میرابوالمعالی کبیر حسنی حسینی طباطبایی اصفهانی، عالم فاضل، در اصفهان نزد بزرگان و علمای شهر مشغول تحصیل بوده، و ازجمله از علاّمه مجلسی استفاده علمی نموده، و علاّمه، دو اجازه برای او نوشته، و او را بسیار ستوده است. مشارٌالیه برادر ابوالمعالی صغیر، جدّ صاحب ریاض المسائل است، و مادرش دختر آمنه بیگم (دختر ملاّمحمّدتقی مجلسی) و ملاّمحمّدصالح مازندرانی است.(۲)

میرزا ابوطالب معین الشّریعه*

میرزا ابوطالب معین الشّریعه بن شیخ محمّد شریف دزفولی عالم فاضل، ساکن اصفهان، متوفّی در حدود سال ۱۳۷۲ق برابر با ۱۵ مهر ۱۳۳۲ش، مدفون در تکیه مادرشاه زاده.

۱- سیمای دانشوران (نجف آباد)، صص۱۹۷ ۱۹۸.

۲- الکواکب المنتشره، ص۳۹۴؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۱۱؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۱۴؛ الذّریعه ج۱۱، ص۱۴؛ علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص۳۳۶ ۳۳۷؛ مرآت الاحوال، صص ۱۴۰ ۱۴۱.

ابوطالب دارجانی

ابوطالب بن عبدالعظیم دارجانی اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. «دارجان» که آن را «دارگون» گویند از دهات لنجان می باشد. صاحب عنوان در ۱۲۲۵ کتاب شرح تحشیه قطب رازی موسوم به تحریر القواعد المنطقیّه را کتابت نموده، و این نسخه به شماره ۷۲۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

شیخ ابوطالب زاهدی لاهیجی

شیخ ابوطالب زاهدی فرزند ملّاعبداللّه بن علیّ بن عطاء اللّه لاهیجی گیلانی، عالم فاضل محقّق، نسب وی به شیخ زاهد گیلانی عارف مشهور می پیوندد. در سال ۱۰۵۸ق در لاهیجان متولّد شد، و نزد ملّاحسن شیخ الاسلام لاهیجی به تحصیل پرداخت. در بیست سالگی به اصفهان آمد، و از محضر آقاحسین خوانساری و ملّامحمّدرفیع یزدی مستفیض شد. او از راه شام، سفری به مکّه معظّمه نمود، به حج مشرّف شد، و در بازگشت در عتبات عالیات، مدّتی ساکن شد، و سرانجام به اصفهان آمد، و با دختر حاجی عنایت اللّه اصفهانی ازدواج کرد. در زهد و پارسایی، اعراض از دنیا و ترک مکروهات و سیّئات، از نوادر عصر خویش به شمار می رفته، و با وجود مقام والای علم و فضل، از تفاخر و خودنمایی پرهیز می نموده است.

وی در سال ۱۱۲۷ق در اصفهان وفات یافت، و جنب مزار عارف ربّانی ملّاحسین گیلانی (لبنانی) [تکیه صاحب روضات کنونی در تخت فولاد] مدفون گردید.

مشارٌالیه خطّ خوشی داشت، و بیش از هفتاد نسخه از کتابخانه خویش را خود کتابت نموده بود. کتابخانه اش بیش از پنج هزار عنوان کتاب داشته که اکثر آن ها را حاشیه زده، و تعلیقه نوشته بود. این کتاب ها از او است: ۱. تفسیر آیه «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبّی» ۲. رساله در علم و تحقیق درباره آن ۳. رساله فی عمل المسبع و المتسع و الدّائره، که فرزندش شیخ محمّدعلی حزین شرح نموده است. ۴. شرح قول ارسطو «لِمَ صارَ ماء الْمَطَر حَفیفا» به

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۲۴.

فارسی که آن را نیز فرزندش شرح نموده است ۵. شرح حدیث «عرفت اللّه بفسخ العزائم» که آن را فرزندش به فارسی ترجمه کرده است ۶. رساله در حرکت که آن را نیز فرزندش شرح نموده است.(۱)

ابوطالب شیروانی

میرزا ابوطالب شیروانی بنان السّلطنه فرزند میرزا عبداللّه خان روزنامه نگار و نویسنده اصفهانی در شوّال ۱۳۰۹ق در اصفهان متولّد شد، و در این شهر به تحصیل پرداخت، و مقطع متوسّطه را در مدرسه انگلیسی ها به پایان رساند. وی مدرسه رشدیّه را در اصفهان تأسیس نمود، و به عضویّت انجمن ولایتی اصفهان برگزیده شد. در ماجراهای مشروطه طلبان و مستبدّین خانه اش غارت شد، و خود به عتبات عالیات مهاجرت کرد. پس از بازگشت به اصفهان به انجام خدمات دولتی مشغول شده، و سرانجام در سال ۱۳۳۷ق روزنامه میهن را منتشر کرد. در دوره پنجم و ششم به عنوان نماینده شهرضا به مجلس شورای ملّی راه یافت.

میرزا ابوطالب طبیب اصفهانی

میرزا ابوطالب بن میرزا علی رضا بن میرزا محمّد علیّ بن میرزا کوچک بن حکیم داوود اصفهانی هندی، طبیب حاذق و دانشمند فاضل، پدرانش همه از اطبّاء معروف اصفهان بوده اند. در اصفهان ساکن بود؛ ولی به خاطر خوابی که دید در مدرسه جنب حرم

۱- تذکره المعاصرین، حزین، صص۴۲ ۴۴ (مقدّمه)؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص۱۴۸ ۱۵۱؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۱۶۶؛ تاریخ علماء گیلان، ص۴۲؛ اعیان الشّیعه، ج۶، ص۲۹۷؛ مشاهیر گیلان، ج۱، صص ۸۱ ۸۳؛ الکواکب المنتشره، صص۳۹۳ ۳۹۴؛ دانشمندان خوانسار، صص۱۱۲ ۱۱۴؛ الذّریعه، مجلّدات مختلف؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۷۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۹.

مطهّر حضرت رضا علیه السلام در مشهد مقدّس ساکن گردید، و به طبابت پرداخت، و در ضمن آن، جزو خدمه آستان قدس رضوی گردید، و بالاخره به تولیّت آستان قدس رضوی مفتخر شد، و حدود ۳۷ سال در این منصب شریف، به خدمت به آن آستان مبارک مشغول بود. وی عارفی سالک، و حکیمی قابل بود. سرانجام در سال ۱۲۱۶ق وفات یافت، و در حرم مطهّر مدفون گردید. اولاد و احفادش نیز راه پدر را ادامه دادند.(۱)

ابوطالب اصفهانی

ابوطالب بن محمّدعلی اصفهانی، از خطّاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. وی نسخه ای از قرآن مجید (سوره انعام) را به خطّ نسخ در ۱۲۴۹ق کتابت نموده که به شماره ۹۹۶ در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است.(۲)

هم چنین نسخه ای از سفینه النّجاه تألیف ملاّعلی اصغر قزوینی را به خطّ نسخ زیبا در رجب ۱۲۴۸ و شعبان ۱۲۵۰ کتابت نموده، نسخه به شماره ۴۵۷۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

ابوطالب غوّاص قهفرخی

ابوطالب برجیس فرزند میرزا محسن متخلّص به «غوّاص»، شاعر ادیب فاضل کامل در سال ۱۲۵۰ خورشیدی [ج ۱۲۸۸ قمری] در قهفرخ متولّد شده، و در مولد خود، و سپس در اصفهان تحصیلات خود را به پایان رسانید تا به درجه اجتهاد نائل گردیده، و در علوم تربیت و ادب به درجه کمال رسید، و پس از تکمیل تحصیلات، به محلّ خود معاودت نمود.

او در قهفرخ، انجمن ادبی تأسیس کرد، و مدرسه ای به نام سعادت به همّت او تأسیس شد. بسیاری از شعرا و فضلای قهفرخ و چهارمحال از شاگردان او می باشند، و او بالاخره در سال ۱۳۶۳ قمری در قهفرخ وفات یافت، و همان جا مدفون شد.

[از او است:

۱- مطرح الانظار، ج ۱، صص ۱۲۵ ۱۲۶؛ مطلع الشّمس، ج ۲، ص ۷۰۴؛ الکرام البرره، ج ۱، ص ۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۷۹ ۸۰؛ مکارم الآثار، ج ۲، ص ۵۷۳.

۲- فهرست مدرسه مروی، ص ۵۹.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۲، ص ۱۴۵.

از سرگذرد هرکه به کوی تو نهد پا ما بی سر و پا روی به صحرای تو داریم(۱)]

ابوطالب تبریزی اصفهانی

میرزا ابوطالب بن حاج محمّد تبریزی اصفهانی معروف به «ابوطالب لندنی» ازجمله ادباء و شعرا و نویسندگان ساکن هندوستان. در شهرهای مختلف و ممالک خارجی همچون فرانسه، انگلیس، هلند و ممالک عثمانی در سال های ۱۲۱۲ و ۱۲۱۸ گردش نموده، چندین کتاب تألیف نموده است؛ از آن جمله: ۱. خلاصه الافکار، در تذکره شعرای فارسی، در یک مجلّد بزرگ که در بین سال های ۱۲۰۵ ۱۲۰۷ق تألیف گردیده است. ۲. رساله در علم اخلاق به فارسی ۳. فنون خمسه طب ۴. کافی در علم عروض و قوافی ۵. لبّ السّیر و جهان نما، در تاریخ، به فارسی ۶. مصطلحات موسیقی ۷. مسیر طالبی فی البلاد الافرنجی در سفرنامه مشارٌالیه به ممالک اروپا ۸. منتخب مسیر طالبی. کتاب مسیر طالبی را فرزندش میرزا حسنعلی سرپرستی کرده، و به چاپ رسانیده، و در سال های اخیر نیز در تهران تجدید چاپ شده است. در زمان ناصرالدّین شاه، دانشمندی به دستور سیف الملوک میرزا کتاب مسیر طالبی را مختصر نموده، و این نسخه (مختصر) به شماره ۴۲۷۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

میرزا ابوطالب فندرسکی

میرزا ابوطالب بن میرزا بیک فندرسکی اصفهانی، شاعرادیب منجّم محقّق مدقق فقیه محدّث حکیم. در اعیان الشّیعه(۳) گوید: شاگرد آقاحسین خوانساری و محقّق سبزواری بوده است، و در ریحانه الادب به نقل از صاحب ریاض العلماء گوید: از تلامذه علاّمه مجلسی است، و با میرزا عبداللّه افندی معاصر و شریک درس بوده است.(۴) صاحب اعیان الشّیعه او را نواده پسری میرفندرسکی نوشته؛ لکن علاّمه تهرانی می نویسد: امیرابوطالب بن میرزا بیک سبط امیرابوالقاسم فندرسکی و به گمان من، مادرش دختر امیرابوالفتح مشهور به میرِ

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۸۰.

۲- تاریخ ادبیّات، هرمان اته، ص ۱۱؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۲۴۳؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج ۱، ص ۵۷۳؛ فهرست آستان قدس رضوی، ج ۷، ص ۱۷۳؛ الذّریعه، ج ۲۲، ص ۴۳۴.

۳- اعیان الشّیعه، ج ۶، ص ۲۹۴.

۴- ریاض العلماء، ج ۵، صص ۵۰۰ ۵۰۱؛ ریحانه الادب؛ تلامذه العلامه المجلسی، صص ۱۴ ۱۵.

میران فرزند میرابوالقاسم فندرسکی می باشد.(۱)

سال وفات او معلوم نیست؛ امّا تا سال ۱۱۰۰ق در قید حیات بوده است(۲)، تألیفات بسیار دارد، و از آن جمله است: ۱. بیان بدیع در صناعات بدیعیّه، مطبوع ۲. ترجمه شرح لمعه به فارسی ۳. توضیح المطالب شرح بر خلاصه الحساب ۴. تکمله حمله حیدری (سروده باذل مشهدی) ۵. حاشیه بر اصول کافی ۶. حاشیه بر تفسیر بیضاوی ۷. حاشیه بر شرح لمعه ۸. حاشیه بر حاشیه خفری بر الهیات شفا ۹. حاشیه بر معالم ۱۰. حاشیه یا شرح بر شافیه ابن حاجب ۱۱. دیوان اشعار ۱۲. ساقی نامه ۱۳. غزوات حیدری [شاید همان تکمله حمله حیدری باشد [۱۴. المنتهی، در نجوم ۱۵. مجمع البحرین، به فارسی ۱۶. نگارخانه چین (مثنوی)

میرزا ابوطالب «حیات» اصفهانی

میرزا ابوطالب اصفهانی متخلّص به «حیات» فرزند میرزا نصیر، شاعر ادیب خطّاط منشی، در اصفهان در منصب استیفا به خدمات دیوانی اشتغال داشت، و خطّ شکسته را خوش می نوشت، و در فنّ انشاء، مهارت کامل داشت(۳). سرانجام در سال ۱۱۳۵ق در اصفهان وفات یافت، و مدفون شد.(۴)

[برخی از نویسندگان، تخلّص وی را «جناب» ذکر کرده اند که احتمالاً تصحیف شده «حیات»است؛ واللّه اعلم]. دیوان اشعارش بالغ بر دو سه هزار بیت بوده، این بیت از او است:

لب خواهش نگشودیم و از آن خشنودیم که مرادِ دو جهان قابل اظهار نبود

حاج ابوطالب تصنیف اصفهانی

حاج ابوطالب اصفهانی متخلّص به «تصنیف» شاعر ادیب، تجارت می نمود، و در زمره

۱- الذّریعه، ج۴، ص۱۰۵.

۲- الذّریعه، ج۴، ص۱۰۵.

۳- احوال و آثارخوشنویسان، ج۴، ص۱۲۴۱.

۴- تذکره المعاصرین، حزین، ص۱۹۴ و نیز ر. ک: الذّریعه، ج۹، ص۲۰۵؛ تذکره غنی، ص۳۸؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۴۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۶۷ و ۴۵۷؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «جناب»، ص۱۰۸.

شعرای شعرای شاه سلیمان صفوی بود، به هندوستان مهاجرت کرد، مؤلّف الذّریعه فرماید: به گمان من، وی همان تصنیف خوانساری می باشد.(۱)

ابوطالب «زهره» بروجنی

ابوطالب زهره، از اخلاف دفتری بروجنی است. در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در بروجن متولّد، و سپس در شهررامهرمز به کسب و کار مشغول شد. گاهی برحسب اقتضای حال، اشعاری می سرود، از او است:

[قصد قتلم گر کنی خنجر مخواه کار صد خنجر کند ابروی تو(۲)]

ملّاابوطالب فخرالواعظین چهارسوقی

حاج ملّاابوطالب چهارسوقی ملقّب به «فخرالواعظین»، واعظ کامل و فاضل جامع، از فضلای اهل منبر اصفهان بود.

در سال ۱۳۳۹ وفات یافت، و در یکی از حجرات تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

ملّاابوطالب قزوینی

ملّاابوطالب قزوینی اصفهانی، عالم فاضل از دانشمندان ماهر در علوم غریبه در قرن سیزدهم هجری بوده است. از آثار او است:

۱. رساله ای در نسبت بین حروف ۲. فرائد الدّرر فی علم اللّوح و القدر، در جفر [که نسخه های متعدّدی از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است].(۴)

۱- الذّریعه، ج۹، ص۱۷۲؛ تذکره غنی، ص۳۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۲۸.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۲؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۴۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۲.

۴- الکرام البرره، ج۱، ص۴۰؛ الذّریعه، ج۱۶، ص۱۳۴ و ج۲۴، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۳؛ فهرست آستان قدس، ج۱۰، صص۲۶۳ ۲۶۴ و ج۱۵، صص ۴۳۰ ۴۳۱؛ فهرست مرعشی، ج۱۳، ص۳۱۴.

ملّاابوطالب لواسانی

ملّاابوطالب لواسانی، عالم فاضل. در علوم مختلف، خصوصا ریاضیات و جفر و اعداد استاد بود. سال ها در مدرسه نیماورد ساکن بوده، و در حدود سال ۱۲۶۰ق وفات یافته است.(۱)

ابوطالب مذهّب اصفهانی*

ابوطالب مذهّب اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. در تذهیب، و ازجمله تزیینات گل و بوته و زرافشان و تشعیر، استادی کامل بوده، و در عهد فتحعلی شاه قاجار می زیسته است. سال فوتش به دست نیامد.

وی پدر شاعر هنرمند و نقّاش تذهیب کار، میرزامحمّدعلی مذهّب، متخلّص به «بهار» و «فرهنگ» می باشد.(۲)

حکیم ابوطاهر

حکیم ابوطاهر از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری، و معاصر با مافرّوخی است. مافرّوخی وی را در ردیف فلاسفه، ریاضی دانان، اطبّاء و منجّمین عصر خویش می آورد.(۳)

ابوطاهر اصفهانی

ابوطاهر سعید بن محمّد بن ابی طاهر بن عبدالواحد صفّار اصفهانی تیمی، از محدّثین اصفهان است.(۴)

ابوطاهر اصفهانی

ابوطاهر سهل بن محمّد بن ازهر اصفهانی، از فقهاء و محدّثین قرن سوم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و از یونس بن حبیب حدیث شنیده؛ امّا از او حدیثی نقل نشده است. وی در سال ۲۸۶ق وفات یافت. فرزندش علیّ بن سهل از صوفیان معروف اصفهان در آن

۱- جغرافیای اصفهان، ص۸۳؛ الکرام البرره، ج۱، ص۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۳.

۲- هنر قلمدان، ص۱۱۱.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۴- ذیل کشف الظّنون، ص۴۰.

روزگار بوده است.(۱)

ابوطاهر بن ثابت

ابراهیم بن ثابت از دانشمندان قرن پنجم هجری است.

وی معاصر مافرّوخی است، و مافرّوخی او را جزو دانشمندان فلاسفه، ریاضی، طبّ و نجوم آورده است.(۲)

ابوطاهر ثقفی

ابوطاهر بن محمود بن احمد بن محمود ثقفی از محدّثین اصفهان است. وی از ابوالعبّاس احمد بن عبدالرّحمان بن یوسف اسدی اعرج و ابوبکر بن مقری روایت می کند.

ابوالفضل جعفر بن عبدالواحد بن محمّد بن محمود نوه برادرش از او روایت نموده است.(۳)

ابوطاهر خیّاط

ابوطاهر خیّاط، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاءِ متقدّم بر عصر خود می آورد.(۴)

ابوطاهر فرقدی

ابوطاهر فرقدی از محدّثین اصفهان است.

مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان حدیث و کلامِ متقدّم بر عصر خود آورده است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۹.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۱۶۲.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۱.

۵- محاسن اصفهان، ص۳۱.

ابوطاهر قمی

ابوطاهر کمج قمی، از شعرای قرن پنجم هجری است. وی معاصر مافرّوخی بوده، و به عربی شعر می سروده است.(۱)

ابوعامر جرواءانی

ابوعـامر جرواءانی اصـفهانی، ادیب شـاعر، از اهـالی محلّه جرواءان اصـفهان بـوده، و به عربی شـعر می سـروده، و در قرن سـوم هجری می زیسته است. حمزه اصفهانی این شعر را از او نقل نموده است:

سقی اللّه جیّا انّ جیّا لذیذه من الغیب ما یسری لها ثمّ یبکر

فلابقه فی اللّیل یؤذیک لسعها لنوم و لابرغوثه حین تسهر

و ماء کایاها زلال کأنّه إذا ما جری فی الخلق ثملجٌ و سکر(۲)

ابوالعبّاس خوزانی

ابوالعبّاس خوزانی از ادبای اصفهان به شمار می رود. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاءِ مقدّم بر عصر خود ذکر می کند.(۳)

ابوالعبّاس ضبّی

ابوالعبِّاس احمـد بن ابراهیم ضـبّی، ملقّب به «کـافی الاوحـد»، شـاعر، ادیب و دانشـمند قرن چهـارم هجری. [وی از صاحبـان و پرورش یافتگـان صاحب بن عبّاد بود، و صاحب به او اعتقاد تامّ و تمام داشت، و پس از فوت صاحب، این ابوالعبّاس بود که بر جنازه استاد، نماز گزارد.

در سال ۳۸۵ق پس از فوت صاحب بن عبّاد به شراکت ابوعلی خطیر اصفهانی وزارت

۱- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۵.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

ص: ۲۹۴

فخرالـدّوله دیلمی را برعهـده گرفت. پس از مرگ فخرالـدّوله وزارت مجدالدّوله پسـر او را نیز عهده دار بود تا این که سیّده، مـادر مجدالـدّوله او را به مسـموم کردن برادر متّهم ساخت، و دویست هزار دینار برای مراسم تعزیت و سوگواری مطالبه نمود. ابوالعبّاس به ناچار به بدرالـدّین حسنویه امیر جبال پناه برد، و در سال ۳۹۲ در بروجرود وفات یافت. پسرش سعد بن احمد جنازه پدر را به کربلا داد، و با مساعی شریف ابواحمد (پدر شریف رضی) در آن آستان متبرّک در خاک آرمید.

ابوالعبّاس ضبّی مردی نیکوکار و فرهنگ دوست بود، و آثار خیریّه بسیار از خود به جای نهاد. مافرّوخی اشاره می کند که ابوالعبّاس ضبّی کتابخانه ای ارزشمند در مسجد عتیق اصفهان بنا کرد که حاوی هزاران نسخه نفیس ادبی، فقهی، حدیثی، فلسفی، ریاضی، هیأت، منطق، تاریخ و علوم طبیعی بود، و آن را وقف فضلاء و دانشمندان نموده بود. فهرستی که از کتاب های کتابخانه فراهم شده بود، بالغ بر سه جلد ضخیم می شد. متأسّفانه در سال ۵۱۵ق فداییان اسماعیلی، مسجد جامع اصفهان را به آتش کشیدند، و آن کتابخانه بزرگ، با هزاران کتاب نفیس موجود در] مخزن آن را در آتش کینه خود سوختند.

وی در سرودن اشعار عربی از اساتید ارجمند عهد خود بوده، و در غزل و قصیده، اشعاری شیوا می سروده است. او اشعاری در مدح ائمّه شیعه دارد، و در کتاب الغدیر نمونه ای از غدیریّه او را آورده است].

ابوعبداللّه ابرقویی

ابوعبداللّه ابرقویی(۱) از ادباء و دانشمندان ساکن اصفهان است.

مافرّوخی نام او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاءِ مقدّم بر عصر خود آورده است.(۲)

ص: ۲۹۵

ابوعبداللّه اصفهانی

ابوعبداللّه اصفهانی معروف به «شافعی» از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۸۱ق وفات یافت.(۳)

ابوعبداللّه اصفهانی

ابوعبداللّه اصفهانی، از دانشمندان قرن پنجم هجری است، در شام ساکن بوده، و در علم و ادب، شاگرد ابوالعلاء معرّی است. معرّی بر حسب خواهش او بعضی از ابیات مشکل کتاب سقط الزّند را شرح کرده، و آن را ضوء السّقط نامیده است. معروف شده که ضوء السّقط را ابوزکریّا بن خطیب تبریزی (۴۲۱ ۵۰۲ق) تألیف نموده، حال آن که این کتاب، از تألیفات ابوالعلاء معرّی است، و خطیب تبریزی ضوء السّقط را شرح و تکمیل نموده است.(۴)

ابوعبداللّه اصفهانی

ابوعبـدالّله بن یوسف اصـفهانی، از محدّثین به شـمار می رود. از ابوبکر عمر بن محمّد صاحب کتّانی روایت می کند، و حافظ ابوبکر احمد بن حسین از او استماع حدیث نموده است.(۵)

ابوعبدالّله انداآنی

ابوعبـدالّله انـدآآنی، از ادبای اصـفهان است. مافرّوخی او را از دانشـمندان صـرف و نحو و لغت و انشاء، و مقدّم بر عصـر خود دانسته است.(۶)

[انداآن از قریه های ماربین بوده است، و اکنون یکی از محلّه های سده (خمینی شهر) به شمار می رود].

۱- یتیمه الـدّهر، ج۳، صص۱۱۸ ۱۲۷؛ ترجمه محاسن اصـفهان، ص۶۳؛ الذّریعه، ج۹، ص۶۲۵؛ الغدیر، ج۴، صص۱۰۱ ۱۱۰؛ معجم الادباء، ج۱، ص۶۵؛ دائره المعارف تشیّع، ج۱، ص۴۱۹؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۴۵؛ تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۳۴.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۳- تبیین کذب المتفری، ص۱۹۷.

۴- نشریّه دانشکده ادبیّات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۱۱ و ۱۲، ص۱۸۰.

۵- تبیین کذب المفتری، ص۴۲۴.

۶- محاسن اصفهان، ص۳۲.

ابوعبداللّه بادی

ابوعبداللّه بادی، از ادبای اصـفهان است. مافرّوخی وی را از دانشـمندان صرف و نحو و لغت و انشاء دانسته، و او را از متقدّمین بر عصر خود بر شمرده است.(۱) [باد از قرای نطنز، و اکنون به نام بادرود معروف است].

ابوعبداللّه برقی

ابوعبـداللّه برقی، از بزرگـان قرن سـوم هجری، و خـواهرزاده احمـد بـن محمّـد بـن خالـد برقی محـدّث معروف است. از قم به اصفهان آمده، و در این شهر ساکن گردیده است.(۲)

ابوعبداللّه خطیب

ابوعبداللّه خطیب اصـفهانی معروف به اسـکافی، ادیب، لغوی، نحوی، از ادبای قرن چهارم و پنجم هجری است. وی شعر عربی را فصـیح و بلیغ می سـروده است. در ری از مصاحبان صاحب بن عبّاد بوده، و در آن شـهر، منصب خطابت را بر عهـده داشـته است. تألیفـاتی دارد که از آن جمله است: ۱. دره التّنزیل، در آیات متشابهه، مطبوع در مصـر ۲. شواهد سیبویه ۳. الغرّه ۴. غلط کتـاب العین جاحظ ۵. لطف التّـدبیر ۶. مبـادی اللّغه العربیّه، مطبـوع در مصـر، ۷. نقـد الشّـعر. وی در سـال ۴۲۷ق وفـات یافته است.(۳)

ابوعبداللّه طبری

حافظ ابوعبداللّه طبری، از اکابر فقهاء و محدّثین عامّه است. در سال ۴۹۵ق در اصفهان وفات یافته است.(۴)

۱- محاسن اصفهان، ص ۳۲.

۲- معجم البلدان.

۳- محاسن اصفهان، ص ۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۵۱.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۴۷.

ابوعبداللّه فقیه

ابوعبداللّه فقیه، از دانشـمندان اصفهان در اوایل قرن پنجم هجری است. وی متصدّی امور رصدی که بر امر علاءالدّوله کاکویه فرمانروای اصفهان، و به وسیله شیخ الرّییس ابوعلی سینا در اصفهان قرار بود انجام گیرد، بوده است.(۱)

ابوعبداللّه قاینی

ابوعبـداللّه قاینی، ادیب اصـفهانی، از ادبای ساکن اصـفهان است. او را اصـمعی کوچک می گفته اند، و در حسن قضا مشـهور بوده است.(۲)

ابوعبداللّه معصومی

ابوعبـداللّه محمّد بن احمد معصومی، حکیم، فیلسوف و طبیب دانشـمند قرن پنجم هجری. از اهالی اصـفهان و از شاگردان ابن سینا بوده، و اسـتاد، درباره او گفته است: «ابوعبـداللّه منّی بمنزله ارسـطاطالیس من افلاطون». ابوعبداللّه از فاضل ترین شاگردان ابن سـینا است، و از طرف او، پاسـخ ایرادهـای ابوریحـان بیرونی را داده است. او سال ها پس از وفات ابن سـینا در اصـفهان به تـدریس حکمت و طب مشـغول بوده، و سـرانجام در سـال ۴۵۰ق وفات یافته است. برخی نوشـته انـد که او به دسـتور سـلطان محمود غزنوی کشـته شده است که صحیح نیست؛ چراکه سلطان محمود در سال ۴۲۱ق مُرده، و عبداللّه معصومی، حدود سی سال پس از مرگ محمود از دنیا رفته است.

کتب زیر از تألیفـات او است: ۱. جواب هیجـده مسأله که ابوریحان از ابن سـینا کرده، و اسـتاد، جواب آن را بـدو حواله نموده است. ۲. رساله ای در حفظ الصحّه ۳. شرح کلمات المتقدّمین از حکماء ۴. مفارقات عقلیّه ۵. رساله در منطق و غیره.(۳)

۱- درّه الاخبار، ص۳۹.

۲- بهارستان (آیتی)، ص۱۸۳.

۳- ترجمه نزهه الارواح، ص۳۸۷، مطرح الانظـار، ج۱، صص۱۲۸ ۱۲۹؛ ریحـانه الادب، ج۵، صص۳۴۴ ۳۴۵؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۹۹۹؛ تاریخ ادبیّات، صـفا، ج۱، ص۳۱۹؛ الاعلام، ج۷، ص۱۰۳؛ لغت نامه دهخـدا، ذیل «ابوعبداللّه»، ص۶۱۴؛ ادباء الاطبّاء، ج۱، ص۲۶؛ درّه الاخبار، ص۶۰؛ فرهنگ بزرگان اسـلام و ایران، ص۴۵۸، نامه دانشوران، ج۲، ص۵۶۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۶۷ ۱۶۸.

ابوعبداللّه ملنجی

ابوعبـداللّه محمّـد بن ابراهیم بن سالم بن عبداللّه قرشـی ملنجی، از محدّثین اصـفهان معروف به «ابن شاوال» وی در قرن چهارم هجری می زیسـته، و از اهالی روسـتای «ملنجه» اصفهان بوده است. از حسن بن عرفه و علیّ بن داوود قنطاری و دیگران روایت نموده است.(۱)

ابوعبداللّه وَعِلی

ابوعبـداللّه وَعِلی از دانشـمندان اصـفهان و از اهـالی قریه وعـل (به فتـح واو، و کسـر عین) است. از آثار او قصـیده ای است در موضـوع باطـل بودن حیله در طلاـق و ربـا، و آن را طـاهر بن یحیی یمنی رد کرده است به کتـاب الاحتجـاج الشّـافی، بردّ علی المعاند فی طلاق التّنافی(۲). [شرح حال ابوبکر وَعِلی را در صفحات قبل آورده ایم].

ابو عبید جوزجانی

شیـخ ابوعبید عبدالواحد جوزجانی، از اهالی جوزجان خراسان، و از شاگردان مخصوص شـیخ الرّییس ابوعلی سـینا است.] وی در سال ۴۰۳ق در گرگان به خدمت اسـتاد رسیده، و از محضر او بهره علمی برده، و تا آخر عمر استاد (سال ۴۲۸ق) در سفر و حضـر، در خدمت او بوده، و پس از وفات او، شـرح حال خودنوشتِ استاد را تکمیل نموده است]. در مدّت شانزده سال اقامت ابن سـینا در اصفهان (۴۱۲ ۴۲۸) او نیز در اصـفهان بود، و پس از آن که علاءالـدّوله کـاکویه، شـیخ الرّییس را مأمور تأسـیس رصدخانه نمود، شیخ نیز شاگردش ابوعبید را مأمور تهیّه آلات رصدی و استخدام اهل فن گردانید، و او هشت سال

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۶۲؛ محاسن اصفهان، ص۲۹.

۲- کشف الظنون، ج۱، ص۱۵.

صرف این امر نمود.(۱)

ابوعبید ضراب

ابوعبید معروف به ضرّاب، از ادبای اصفهان است.

مافرّوخی وی را در عداد دانشمندان صرف و نحو انشاء ذکر کرده، و او را مقدّم بر عصر خویش دانسته است.(۲)

ابوالعزّ اصفهانی

ابوالعزّ اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است، و شاید قرن پنجم را نیز درک نموده باشد. حسین بن محمّد بن بزری صیرفی (متوفّی ۴۲۳ق در مصر) از او روایت می کند.(۳)

ابوالعلاء اصفهانی

ابوالعلاء احمد بن محمّد بن فضل حافظ اصفهانی، از دانشمندان اصفهان است. یاقوت در ضمن شرح حال سیّدمرتضی علم الهدی (متوفّی ۴۳۶ق) ذکری از او می نماید، و گوید: شیخ ابوالفضل محمّد بن طاهر مقدسی گفت: شنیدم از کیا ابی الحسین عیسی بن حسین علوی زیدی در موقعی که شاعری نزد او آمده، و اشعاری در مدحش گفته بود، و نزد مردم به من و سیّد مرتضی به یک گونه نظر می کنند، و توقّع دارند، و حال آن که عوائد املاک سیّد، بیست و چهار هزار دینار در سال است، و من از عوائد املاکی که متعلّق به خواهرم می باشد، زندگی می نمایم، و مرا غیر از این، راهِ معیشتی نیست.

۱- مقالات ادبی، استاد همایی، صص۴۶ و ۷۹؛ درّه الاخبار، ص۳۹؛ غزالی نامه، ص۳۱۸؛ الکامل، ج۸، ص۲۴۵.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۳- میزان الاعتدال، ج۱، ص۲۵۶.

ابوالعلاء سروی

ابوالعلاء سروی، از بزرگان اصفهان در قرن چهارم هجری بوده، و صاحب بن عبّاد اشعاری جهت او سروده است که هفت بیت آن را مافرّوخی در کتاب خود نقل نموده است؛ ازجمله این بیت:

ابا العلاء الاّ بشر بمقدمنا فقد وردنا علی المهریّه القود(۱)

ابوالعلاء فرسانی

ابوالعلاء فرسانی از محدّثین اصفهان است. سلفی از او روایت می کند.(۲)

ابوالعلاء نیشابوری

قاضی ابوالعلاء نیشابوری، از فقهای عامّه بوده، و در اصفهان به قضاوت می پرداخته است. وی به دست اسماعیلیان در سال ۴۹۹ق در اصفهان کشته شد.(۳)

ابوعلی اردستانی

ابوعلی اردستانی، از ادبای اصفهان است.

مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو، و لغت و انشاء که مقدّم بر عصر خود می زیسته اند یاد کرده است.(۴)

میرزا ابوعلی «هاتف» اصفهانی*

میرزا ابوعلی اصفهانی متخلّص به «هاتف» شاعر ادیب، در کودکی در معیّت پدر به هندوستان رفت، در فنون ادب نزد میرمحمّد افضل ثابت و میرشمس الدّین فقیر دهلوی تحصیل کرد، سپس مورد توجّه بزرگان و امیران هندوستان واقع [شد]، و مورد اقدام و اعزاز

۱- محاسن اصفهان، ص۱۴.

۲- میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۳.

۳- تاریخ تشیّع در ایران، ص۳۳۲.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

آنان قرار گرفت، در اواخر قرن دوازدهم هجری در آن سرزمین وفات یافت. از او است:

فارغ ز بد و نیک جهانم که خیالش یک دم نگذارد که به فکر دگر افتم(۱)

ابوعلی بادی

ابوعلی بادی، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را از دانشمندان متقدّم که در علوم صرف و نحو و لغت و انشاء، مهارت داشته اند دانسته است.(۲)

ابوعلی بغدادی

ابوعلی بغدادی، ساکن اصفهان بوده، و در کلام و حدیث مهارت داشته است. مافرّوخی او را از دانشمندان مقدّم بر عصر خویش دانسته است.(۳)

ابو علیّ بن دیزویه

ابوعلیّ بن دیزویه، از دانشمندان اصفهان در قرن پنجم هجری است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان فلسفه، ریاضی، طبّ و نجوم که معاصر بوده اند آورده است.(۴)

ابوعلیّ بن سهلویه

ابوعلیّ بن سهلویه، از ادبای اصفهان بوده، و مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین آورده، و او را از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء دانسته است.(۵)

ابوعلی حدّاد

شیخ ابوعلی حسن بن احمد بن حسن بن احمد بن محمّد بن مهره اصفهانی معروف به «ابوعلی حدّاد» از مشایخ علم قرائت و تجوید در اصفهان بوده، در سال ۴۱۹ متولّد

۱- گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۷۲؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۲۸۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۰.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۵- محاسن اصفهان، ص۳۲.

[شده]، و ۲۵ ذی الحجّه ۵۱۵ق وفات یافته است.(۱)

[تألیفاتی داشته است از آن جمله است: ۱. تاریخ اصفهان ۲. معرفه الصّحابه ۳. علوم الحدیث ۴. کتاب الخلفاء الرّاشدین ۵. الجوامع الکلم ۶. الفرائض ۷. الثّقلاء ۸. کتاب المحبّین مع المحبوبین(۲)].

برخی از شاگردان و راویان از ابوعلی حدّاد عبارت اند از: ابوالمحاسن سعد بن محمّد بن حسین هراسی، ابومنصور شهردار بن شیرویه بن شهردار بن شیرویه بن فناخسرو دیلمی همدانی، ابوالخیر عبدالهادی بن علی، ابوروح عباد بن احمد، ابوالمجد فخرآور بن شهفور رازی، ابومحمّد کامل (محمود) بن ختلغ لتوری اصفهانی، ابوغالب لیث بن هبه اللّه صالحانی، سیّدابوالقاسم منصور بن محمّد بن محمّد هراتی(۳) و ابوجعفر محمّد بن احمد صیدلانی.

ابوعلی رستمی

ابوعلی احمد بن محمّد بن رستم بن طیّار قرشی طهرانی مدینی اصفهانی معروف به ابوعلی رستمی یا ابوعلی کاتب از ادباء و دانشمندان و دولتمندان قرن سوم و چهارم هجری.

وی حکمران اصفهان، و دارای ثروت و املاک فراوان در اصفهان و اطراف بوده است، ازجمله قصر معروفی که ابن حوقل به آن اشاره کرده، و حمّامی که در سال ۳۲۳ مردوایج در آن به قتل رسید، و باغ معروف به «باغ رستم». وی با شاعر توانمند زبان عربی ابوالحسن محمّد بن احمد بن طباطبا مؤلّف عیار الشّعر، معاشر و مصاحب بوده، و مناظره ها داشته که در کتاب المحاضرات از آن ها یاد شده است.

وی دختری به نام فاطمه داشته که آن را به ازدواج ابی الحسین علی الشّهاب فرزند ابوالحسن محمّد، که از او یاد کردیم در آورده، وقف نامه ای تنظیم، و اموال و املاک خود را

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۸۳؛ التّحبیر، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲- الاعلام، ج ۲، ص ۱۵۹.

۳- التّحبیر، ج ۱ و ۲ صفحات مختلف.

طیّ این وقف نامه در سال ۳۱۶ق به داماد و نوادگان خود سپرده است.

ابوعلی در زمان خود به تعمیر مسجد جامع عتیق اصفهان پرداخته، و آن را وسعت داده است. وی سرانجام در سال ۳۲۱ق وفات یافت. حافظ ابونُعیم در کتاب خود می نویسد: از اسحاق بن جمیل و طبقه او استماع حدیث نمود؛ ولی تا زنده بود، حدیثی روایت نکرد.(۱)

ابوعلی خطیر اصفهانی

ابوعلی خطیر اصفهانی، از دولتمردان قرن چهارم هجری است. پس از وفات صاحب بن عبّاد در سال ۳۸۵ق فخرالدّوله وزارت را به ده هزار دینار به او فروخت، و دست او را در امر ملک بازگذاشت.

آورده اند که روزی عضدالدّوله از ابوعلی خطیر آزرده شد، و رسولی را به نزدیک او فرستاد، و شمشیر برهنه بدو داد، و گفت: «این را ببر، و در پیش او بند، و هیچ نگوی». آن رسول بیامد، و چنان کرد. چون تیغ نهاد، و چیزی نگفت، وزیر، قلمی سوی وی انداخت، و گفت: «جواب تو این است»، و بعد از آن، روی به کار عضدالدّوله آورد، و سپاه را بر وی بیرون آورد تا وی را دربند کردند، و پسر را به جای او نشاندند.(۲)

ابوعلی سبط الوزراء

ابوعلی سبط الوزراء از ادبای اصفهان است.

مافرّوخی از او به عنوان یکی از دانشمندان متقدّم در صرف و نحو و لغت و انشاء یاد کرده است.(۳)

ابوعلی صحّاف

ابوعلی صحّاف، از محدّثین اصفهان است، و احمد بن محمّد بن اشته مدینی از او

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳؛ محاسن اصفهان، ص۱۱ شرح روضات الجنّات، ج۱، صص ۳۰ ۳۱؛ تاریخ ا صفهان، جابری، صص ۱۱۰ و ۱۹۳ ۱۹۴؛ آتشکده اردستان، ج۱، صص ۱۷۰ ۱۷۳.

۲- آثار الوزراء، ص۲۰۲.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

روایت نموده است.(۱)

ابوعلی قزوینی

ابـوعلی معروف به قزوینی از دانشـمندان معاصـر مـافرّوخی مؤلّف محـاسن اصـفهان است. مـافرّوخی او را در طبقه دانشـمندان فلسفه، ریاضی، طبّ و نجوم آورده است.(۲)

ابوعلی قمی

ابوعلی بن بنان قمی، از شـعرای اصـفهان در قرن پنجم و معاصـر مافرّوخی بوده، و در سرودن اشعار عربی، دستی توانا داشته، و در اصفهان می زیسته است.(۳)

ابو عمرو بن قدامه

ابوعمرو بن قدامه، از دانشـمندان متقدّم بر عصـر مافرّوخی بوده، و مافرّوخی او را در ردیف فلاسـفه، ریاضـی دانان، منجّمین و اطبّاء آورده است.(۴)

ابوعیسی مافرّوخی

ابوعیسـی محمّـد بن عبـداللّه بن عبّاس مافروّخی ثانی، از علماء و فقهاء اصـفهان. مفضّل بن سـعد مافرّوخی، از دانشـمندان قرن پنجم هجری او را در ردیف علمای کلام و حـدیث متقـدّم بر روزگار خویش برشـمرده است. ابوعیسـی مافرّوخی از احمـد بن یونس صبی و ابوالعیناء محمّد بن قاسم نقل حدیث نموده است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۵- محاسن اصـفهان، ص۲۹؛ ذکر اخبـار اصـفهان، ج۲، ص۲۷۲؛ اللّبـاب، ج۳، ص ۱۵۰؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۸۸۲.

ابوغالب

ابوغـالب بن هـارون، از ادبـاء و فضـلای قرن پنجم هجری است. وی از شـاگردان احمـد بن محمّـد بن احمـد بن شـهردار معلّم اصفهانی (متوفّی ۴۴۶ق) بوده است.(۱)

ابوغالب رویدشتی

ابو غالب سـعد رویدشتی اصـفهانی، از اهالی رستاق رویدشت بوده، و از محدّثین اصفهان است. حمزه اصفهانی از او یاد کرده است.(۲)

ابوالفتح اردستانی

ابوالفتـح عبدالجبّار بن عبداللّه بن برره اردسـتانی اصـفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی در ربیع الاوّل ۳۷۸ق متولّد شده، و برای اخذ حدیث به عراق و شام سـفر کرده، و از ابوالحسن علیّ بن عمر قصار در ری، ابوعبدالرّحمان محمّد بن حسین سلمی در نیشابور، و ابوالقاسم علیّ بن محمّد علوی در عراق استماع حدیث نموده است.

جمعی از راویان، ازجمله ابومنصور محمّـد بن احمـد بن ماشاذه در اصـفهان و ابوسـعد احمـد بن محمّـد بن احمـد بغـدادی در اصفهان [از او] روایت نموده اند. اردستانی در محرّم ۴۶۸ق در اصفهان وفات یافت.(۳)

ابوالفتح اصفهانی

میرزا ابوالفتح فرزند میرزا ابوطالب نجم ثانی اصفهانی از مشاهیر فضلای عهد شاه سلطان حسین صفوی در اصفهان است.

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۱۰۷؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص۱۲۷۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۳۲.

۳- الانساب، ج۱، ص ۱۶۰؛ اللّباب، ج۱، ص۱۳۸؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص۲۶۲ ۲۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۷۰.

ابوالفتح اردستانی

فخرالملک ابوالفتح عبدالحمید اردستانی، در بلاغت و فصاحت و کیاست و کفایت و بزرگی، صاحب کمال بوده، مدّتی وزارت سلطان سنجر بن ملکشاه را داشته، و به سعایت خواجه فخرالملک از کار بر کنار، و محبوس شد.

سپس به رسالت سلطان بهرام شاه [رفته]، و منصب ندیمی او را یافته، و تا هنگام مرگ در این شغل بوده است.(۱)

ابوالفتح اصفهانی

ابوالفتح خالد بن عمربن محمّد بن عبداللّه بن محمّد بن علیّ بن اسحاق غازی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری، شیخ صالح ثقه بوده، و به اقامه نماز جمعه و جماعت مواظبت داشته است، تولّدش در سال ۴۵۰ و اندی بوده است.(۲)

ابوالفتح اصفهانی

ابوالفتح محمّد بن احمد بن سمکویه اصفهانی حافظ مفید، در سال ۴۰۷ق در اصفهان متولّد گردیده، جهت اخذ حدیث به هرات و ماوراءالنّهر و عراق مهاجرت کرده، در سال ۴۸۲ در نیشابور وفات یافته، و در مقبره شهنبر مدفون گردیده است. ابو سعد (ابوسعید) محمّد بن جامع بن ابونصر بن ابراهیم صیرفی ضرّاب نیشابوری از او اخذ حدیث کرده است.(۳)

ابوالفتح اصفهانی

ابوالفتح محمّد بن قاسم بن فضل اصفهانی، از دانشمندان قرن پنجم و ششم هجری. در علم ریاضیّات، از بزرگان و اساتید عهد خویش بوده، و مورد توجّه و عنایت ابوکالیجار

۱- آثار الوزراء، ص۲۳۳.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۶۱.

۳- التّحبیر، ج۲، ص۱۰۳.

گرشاسف بن علیّ بن فرامرز پنجمین پادشاه کاکویه اصفهان و همدان بوده است. از اساتید و شاگردان و تولّد و وفات او اطّلاعی در دست نیست؛ ولی تا سال ۵۱۳ق در قید حیات بوده است. تألیفاتی از خود به جای گذاشته که از آن جمله است:

۱. تلخیص مخروطات اپولونیوس، مقاله اوّل تا چهارم مخروطات توسّط هلال بن ابی هلال حمصی و مقاله پنجم تا هفتم توسّط ثابت بن قرّه حرّانی به عربی ترجمه شده، و ابوالفتح اصفهانی تحریر تازه ای از این هفت مقاله فراهم آورده است.(۱)

ابوالفتح اصفهانی

ابوالفتح محمود بن حسین بن محمّد بن حسین اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی از ابومحمّد رزق اللّه تمیمی و ابوعبداللّه قاسم بن فضل ثقفی روایت می کند. ابوسعد سمعانی از وی نقل حدیث نموده است. تولّد او در حدود سال ۴۸۰ق، و فوت او در شوّال ۵۵۲ در اصفهان روی داده است.(۲)

ابوالفتح اصفهانی

ابوالفتح منصور بن حسن بن علی اصفهانی، از دانشمندان قرن پنجم و از معتزله بوده، و در سال ۴۴۲ق وفات یافته است.(۳)

ابوالفتح انصاری

ابوالفتح انصاری از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان

۱- دائره المعارف فارسی، ج ۱، ص۲۶؛ تاریخ ادبیّات در ایران، ج ۱، صص۳۳۴ ۳۳۵؛ زندگی نامه ریاضی دانان دوره اسلامی، ص۹۲ ۹۸؛ کارنامه ایرانیان در زمینه نوآوری های ریاضیّات، نجوم، گاه شماری، ص۱۱۲؛ گاه نامه، سیّدجلال الدّین تهرانی، ص۸۲؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۸۹.

۲- التّحبیر، ج ۲، ص۲۷۸.

۳- هزاره شیخ طوسی، ج ۱، ص۱۳۹؛ محاسن اصفهان، ص ۳۰.

حدیث و کلامِ متقدّم بر عصر خود آورده است.(۱)

ابوالفتح اوژن بختیاری

سرهنگ ابوالفتح اوژن فرزند هادی خان فرزند رضاقلی خان ایل بیگی بختیاری، شاعر و نویسنده ادیب در سال ۱۳۲۴ قمری در چهارمحال بختیاری متولّد شد. تحصیلات خویش را در مولد خود و اصفهان و تهران به پایان رسانید. از سال ۱۳۱۲ شمسی وارد دانشکده افسری گردید. سال ها به انجام وظیفه در ارتش پرداخت. شعر نیز می سرود. ابتدا «محزون» تخلّص داشت، و بعدا آن را به «اوژن» تبدیل نمود. تألیفات ایشان عبارت اند از:

۱. قصّه زمستانی ۲. طوفان ۳. دو جوان ۴. همان که دلت می خواهد (از افسانه های شکسپیر)، مطبوع ۵. خاطرات گذشته ۶. داستان ماهرخ و ماهیار ۷. شعرای دو قرن اخیر چهارمحال و بختیاری، مطبوع.

از اشعار او است:

هر که آمد در جهان یک چند روزی بود و رفت آن هم آخر از تحسّر دست بر هم سود و رفت(۲)

[سرهنگ اوژن در ۱۸ بهمن ۱۳۶۰ش در تهران وفات یافت].(۳)

ابوالفتح حدّاد

ابوالفتح احمد بن محمّد بن احمد حدّاد تاجر اصفهانی، از محدّثین مشهور اصفهان در قرن پنجم هجری است. در سال ۴۰۸ق متولّد شد، در نظامیّه نیشابور تحصیل کرد، و در آن جا با امام محمّد غزالی در درس امام الحرمین جوینی حاضر شد. از ابوعبداللّه کازرونی نیز استفاده علمی برده است.

استاد همایی معتقد است وی در نظامیّه بغداد تدریس نموده است. ابوطاهر سلفی، علیّ

۱- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۷۲ ۷۳.

۳- کتاب انزان، کتاب اوّل، ص ۱۸۲.

بن احمـد یزدی، طامـذی و ابومحمّدحسـین بن حسن مرورودی از او اسـتماع حـدیث کرده انـد. ابوالفتح حدّاد نوه دختری ابی عبـداللّه بن منـده است، و سال ها مجاور مکّه معظّمه بوده است. علاوه بر حـدیث، در قرائت نیز از اساتید و دانشـمندان آن علم بوده، و بسیاری از قاریان آن عهد از او روایت قرائت دارند.

وی در ذی قعده سال ۵۰۰ق وفات یافته است.(۱)

ابوالفتح دانشور بختیاری

میرزا ابوالفتـح بختیـاری متخلّص به «دانشور»، شاعر معاصـر در حـدود سال ۱۳۰۰ قمری متولّـد شـد، و در مکاتب قـدیم، کمی درس خواند، سپس در زادگاه خویش قهفرخ به امور زراعتی مشغول گردید. گاهی شعر می سرود.

[از او است:

بر یار دلستانم باد صبا خدا را برگو شکستی آخر قلب درست ما را(۲)]

ابوالفتح بن ابی العیاض

ابوالفتـح بن ابی العیاض، از ادبای اصـفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشـمندان متقدّم در رشـته صـرف و نحو و لغت و انشاء، ذکر نموده است.(۳)

ابوالفتح بنجری

ابوالفتح بنجری، از دانشمندان کلام و حدیث است، و مافرّوخی او را از دانشمندان مقدّم بر عصر خویش دانسته است.(۴)

۱- التّحبیر، ج۱، ص۲۲۹؛ مدارس نظامیه، صص۱۰۲ و ۱۴۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۹۳.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۴- محاسن اصفهان، ص۲۹.

ابوالفتح دهقان سامانی

ابوالفتح سامانی متخلّص به «دهقان» فرزند باباخان، شاعر و ادیب مشهور چهارمحالی در سال ۱۲۶۱ق (و یا به قولی ۱۲۴۰ق) در قریه «سامان» متولّد شد. از نوجوانی طبع شعر داشت، به اصفهان آمد، و در انجمن ادبی ابوالفقراء شرکت کرد، و با شعرای اصفهان مأنوس و رفیق شد(۱) و ضمن آن، در مدرسه جدّه ساکن شد، و به تحصیل مشغول گردید، و از اساتید عالی قدری همچون آخوند کاشی و شیخ حسن شیرازی بهره گرفت. در بهار و تابستان در زادگاه خود به زراعت و فعّالیت مشغول بوده، و در زمستان به اصفهان می آمده، و در محافل شعراء و فضلاء شرکت می نموده است. انواع شعر را با مهارت می گفته، خصوصا در غزل، طبعی توانا داشته، و با آتش اصفهانی رقابت داشت. اشعار و آثارش را مدوّن ساخت؛ از آن جمله است:

۱. شکرستان، مطبوع ۲. مثنوی سلیمان و بلقیس شامل هفت صد بیت ۳. مثنوی داوود و طالوت و جالوت شامل شش صد و پنجاه بیت ۴. هزار و یک شب (که نظم الف لیل و لیله می باشد، در حدود هفتاد هزار بیت که شاهکار ادبی است، مطبوع ۵. باستان نامه، شامل اشعار تاریخی و افسانه های تاریخی «دهقان». سرانجام در سال ۱۳۲۶ق در قریه سامان وفات یافت، و همان جا مدفون گردید. میرزا ابوالقاسم ذوقی در تاریخ وفات او گوید:

مرغ طبع ذوقی خواند مصرعی به تاریخش: «در حدیقه ها بارم لاله کار شد دهقان»

و آتش اصفهانی هم در قطعه ای مادّه تاریخ فوت دهقان را چنین یافته:

زد خامه آتش رقم سال وفاتش: «از داس اجل گشت درو حاصل دهقان»

و این اشعار از او است:

ماه من آفتاب تابد صبح تو به وقت غروب آمده ای

فرد مانند استخاره بیا تا بدانم که خوب آمده ای

* * *

۱- اصفهان (کتاب جوانان)، ص۲۴۸.

ای دل آشفته چو زلفش شده کار من و تو بی رخش فتنه ز کف صبر و قرار من و تو

کوه بگداخته از ناله آه تو و من ابر بگریسته بر حالت زار من و تو

میر ابوالفتح فندرسکی

میر ابوالفتح حسینی فندرسکی استرآبادی معروف به «میر میران» فرزند میرابوالقاسم فندرسکی، عالم فاضل، در اصفهان ساکن بوده، و در فقه و حدیث تحصیل کرده، پس از وفات، در جنب مقبره پدر در تکیه میر در تخت فولاد مدفون شد[ه است].(۱) نام برده از نویسندگان کتب بوده؛ از آثار او: کتابت نسخه ای از تهذیب الاحکام شیخ طوسی، به خطّ نسخ در اصفهان، که به شماره ۳۰۳ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، در تهران موجود است.(۲)

هم چنین نسخه ای از حاشیه علی القواعد تألیف شیخ علیّ بن عبدالعالی کرکی را به خطّ نسخ در سال ۱۰۶۵ کتابت نموده است(۳)، و نیز نسخه ای از شرح تذکره خواجه نصیرالدّین طوسی (التّکمله فی شرح التّذکره) از شمس الدّین محمّد خفری که آن را در شنبه ۲۷ رجب ۱۰۴۳ق در اصفهان به خطّ نستعلیق کتابت نموده، به شماره ۸۱۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴)

ابوالفتح کجوری

ابوالفتح بن پاشا فریدون کجوری، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری بوده، از آثار او: کتابت نسخه ای از حاشیه شرح تجرید جدید دوانی را به خطّ نستعلیق در رجب ۱۰۹۳ در دارالسّلطنه اصفهان است، نسخه به شماره ۸۵ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۵)

سیّدابوالفتح خوراسکانی

سیّدابوالفتح بن محمّد حسینی خوراسکانی، عالم فاضل ادیب، اصلاً از اهالی خوراسکان جی اصفهان بوده، در اصفهان نزد عدّه ای علماء همچون ملّامحمّدتقی مجلسی

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۱۰.

۲- فهرست سپهسالار، ج ۱، ص ۲۳۷.

۳- الکواکب المنتشره، ص ۳۹۱.

۴- فهرست کتب اهدایی مشکاه، ج ۴، ص ۹۱۰.

۵- فهرست مرعشی، ج ۱، ص ۱۰۵.

تحصیل کرده، و اجازه از ایشان دریافت داشته است.(۱) وی در حین تحصیل، چندین جلد کتاب حدیثی را همچون کافی، استبصار، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و خصال را کتابت کرد، نسخه های آن در کتابخانه ها موجود است.(۲) صاحب عنوان تا سال ۱۰۹۱ در قید حیات بود(۳)، و ملّامحمّدصالح مازندرانی احتمالاً یکی از اساتید ایشان است.(۴)

ابوالفتح وَرزَرده

ابوالفتح معروف به «ورزرده» از دانشمندان اصفهان است، مافرّوخی از او به عنوان یکی از دانشمندان متقدّم، و در ردیف فلاسفه، اطبّاء، منجّمین و ریاضی دانان یاد کرده است.(۵)

ابوالفتوح اصفهانی

ابوالفتوح بن محمّدتقی اصفهانی، از نویسندگان و خطّاطان قرن دوازدهم هجری است. از آثار او نسخه ای از تفسیر صافی تألیف مولی محسن فیض کاشانی است از سوره مائده تا سوره اسری (بنی اسراییل) که آن را به خطّ نسخ در سال ۱۱۷۴ کتابت نموده است. نسخه کتاب در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم به شماره ۱۵۷۲ موجود است.(۶)

ابوالفتوح اصفهانی

ابوالفتوح اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و کتاب نکت الفصول از تألیفات او است.(۷)

ابوالفتوح اصفهانی

ابوالفتوح [بن] محمّدصالح اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری است. وی در سال ۱۱۱۹ جزء اوّل و دوم کتاب من لا یحضره الفقیه را نوشته، کتاب

۱- الرّوضه النّضره، ص۴۲۹.

۲- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۱۶۰؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۴۲؛ فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۴۴.

۳- فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص۵۰۶.

۴- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۵، ص۴۱۵۲.

۵- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۶- فهرست مدرسه فیضیّه، ج۱، ص۱۷۵۴.

۷- احقاق الحق، ج۱۵، ص۹.

به شماره ۴۱۸ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.(۱)

ابوالفتوح عجلی

ابوالفتوح منتجب الدّین اسعد بن ابی الفضایل محمود بن خلف بن احمد بن محمّد عجلی اصفهانی، فقیه، واعظ و محدّث شافعی در قرن ششم هجری است.

در سال ۵۱۵ق در اصفهان متولّد شده، و جهت کسب علم به شهرهای مختلف سفر کرده، و نزد اساتید زیادی تحصیل نموده است. او از دسترنج خویش، و با شغل ورّاقی و صحّافی اعاشه می نموده، و در فقه شافعی از اجلّه فقهاء و علمای عهد خویش بوده، سرانجام در روز ۲۰ صفر ۶۰۰ق در اصفهان وفات یافت، و در قبرستان طوقچی در بقعه امام زاده ابراهیم مدفون گردید. مقدّس اردبیلی در حدیقه الشّیعه به تقبیح مردم اصفهان پرداخته که آن ها به گمان وجود قبر ابوالفتوح رازی مفسّر شیعی، به زیارت قبر ابوالفتح عجلی شافعی سنّی می روند.

[شاردن سیّاح فرانسوی که مدّتی در اصفهان بوده، نقل می کند که قبر ابوالفتوح عجلی در قبرستان چملان (سنبلستان) بود، و مردم به زیارت آن می رفتند تا این که یک عالم و واعظ معروف به نام میرلوحی عنوان نمود که این قبر، متعلّق به عالمی سنّی است، و به تحریک او مردم، قبر و مزار ابوالفتوح عجلی را خراب کردند].

کتب زیر از او است:

۱. آفات الواعظ ۲. تتمّه التّتمّه، در فقه شافعی (تتمّه الابانه تألیف عبدالرّحمان بن امول شافعی متوفّای ۴۸۷ق، این کتاب، تتمیم کتاب ابانه تألیف شیخ ابوالقاسم فورانی متوفّای سال ۴۶۱ق است) ۳. شرح مشکلات الوجیز خزالی در فروع ۴. شرح مشکلات الوجیز (غیر از کتاب قبل) ۵. شرح مهذّب تألیف ابی اسحاق شیرازی، در فروع ۶. الایضاح، که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۵۴۶۲ نگهداری می شود ۷. الموجز فی فضل

۱- فهرست سپهسالار، ج ۱، ص ۳۳۰.

الخلفاء الاربعه(۱).

ابوالفتوح قمشه ای

ابوالفتوح قمیشه ای، عالم و فاضل و حکیم بوده، و در قرن دوازدهم می زیسته است، و حواشی به شرح اصول کافی نگاشته که آن را فرزندش محمّدمهدی قمیشه ای در نسخه ای از کتاب مرقوم که در تاریخ ۲۶ شعبان ۱۱۳۳ق از کتابت آن فراغت یافته، نقل نموده است.(۲)

ابوالفتوح گلستانه*

ابوالفتوح گلستانه، خوشنویس خطّ نستعلیق بوده، و در اواخر حکومت صفویّه می زیسته، از آثار او کتیبه ای گچ بری در مدرسه نیماورد اصفهان است.(۳)

ابوالفرج اصفهانی

ابوالفرج اصفهانی، علیّ بن حسین بن محمّد بن احمد بن هیثم بن عبدالرّحمان بن مروان بن عبداللّه بن مروان حمار، ادیب نحوی، لغوی، مورّخ، کاتب و شاعر قرن چهارم هجری.

در سال ۲۸۴ق در اصفهان متولّد [شد]، و در بغداد نشو و نما یافته، و تحصیل نموده، و باقی عمر را تحت حمایت آل بویه به خصوص مهلّبی وزیر گذرانیده، سرانجام در ۱۴ ذی حجّه ۳۵۶ق وفات یافته [است]. معروف است که وی شیعه زیدی بوده، و این که او از

۱- الاعلام، ج۱، ص۲۹۴؛ ذیل کشف الظّنون، صص۴۹ و ۹۱؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۰۴؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۲۲۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۷۳ ۱۷۴؛ طبقات الشّافعیه، اسنوی، ج۲، صص۱۹۶ ۱۹۷؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۴۹۸؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۲۹۳ و ۳۷۶؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۲۴۸؛ روضات الجنّات، ج۲، ص۶؛ الکنی و الالقاب؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسد»، ص۲۳۰۷؛ فرهنگ بزرگان اسلام ایران، ص۹۲؛ سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، ص۱۱۷؛ احقاق الحق، ج۲، ص۴۴۹؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۱؛ مزارات اصفهان، صص۷۳ ۷۴.

۲- الذّریعه، ج۱۳، ص۹۸؛ الکواکب المنتشره، ص۵۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۸۴.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۸۲؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۸۱.

نسل امویان است، و شیعه نیز هست، از نوادر و عجایب شمرده می شود؛ امّا آن چه به نظر می رسد، او، شیعه بودن را بهانه ای برای بیان مطاعن بنی عبّاس قرار داده، و آن جا که به مطاعن بنی امیّه می رسد به دیده اغماض نگریسته، و به طور اجمال بر گزار می کند.

و دیگر آن که در وصف خاندان خویش (امویان) کتاب ها نوشته، و به اندلس (اسپانیا) نزد خلفای اموی فرستاده، و هدایا دریافت نموده است.

این کتاب ها از او است:

۱. آداب الغرباء ۲. اعماد الشواعر ۳. اغانی الکبیر، در باب انواع آوازها و الحان، مغنّیان و خوانندگان و شرح حال آنان که در قاهره و بولاق مصر و نیز لیدن به طبع رسیده است ۴. ایّام العرب ۵. التّعدیل و الانصاف ۶. جمهره النّسب ۷. الدّیارات ۸. کلام فاطمه علیها السّلام فی الفدک ۹. ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین و اهل بیته علیهم السلام ۱۰. مقاتل الطّالبین، در باب احوال شهدای خاندان ابوطالب که آن را در سال ۳۱۳ق تألیف نموده، و از معروف ترین تألیفات او است. بارها به طبع رسیده، و به فارسی نیز ترجمه گردیده است.

درباره زندگی او محمّد احمد خلف اللّه کتابی به نام صاحب الاغانی تألیف نموده که به چاپ رسیده است.(۱)

ابوالفرج بن واوا

از شعراء و ادبای اصفهان است. وی به عربی شعر می سروده، و این بیت در وصف اصفهان از او است:

۱- نوابغ الرّواه، ص۱۸۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۲۲۵ ۲۲۶؛ احقاق الحق، ج۱۲، ص۲۴۳؛ الفهرست، شیخ طوسی، ص۳۷۹؛ رجال ابن داوود، ج۱، ص۲۶؛ جامع الرّواه، ج۲، ص۴۰۹؛ الاعلام، ج۵، ص۸۸؛ دائره المعارف العشرین، فرید وجدی، ج۱، ص۳۸۵؛ هدیه الاحباب، ص۴۲؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۱۳۸؛ روضات الجنّات، ج۵، ص۲۱۱؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۳۵۹؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۷۴؛ تاریخ ادبیّات، صفا، ج۱، ص۶۴۲؛ الذّریعه، ج۲، صص۲۴۹ ۲۵۰ و ج۲۱، ص۳۷۶؛ دائره المعارف فارسی، ج۱، ص۲۶، اصفهان (کتاب جوانان)، ص۲۰۶؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۱، صص۹۷۷ ۹۷۸؛ امل الآمل، ج۲، ص۱۰۸؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۲۳۶؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «ابوالفرج»، ص۷۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۷۴ ۱۷۵.

الوانها شتّی الفنون و انّ غذیت بماءٍ واحدٍ فی منهل(۱)

ابوالفرج بن یوحنّا

حکیم ابوالفرج بن یوحنّا، از حکماء و فلاسفه قرن پنجم هجری، و معاصر مافرّوخی است.(۲)

ابوالفرج بن یونس

ابوالفرج بن یونس، از ادباء و دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان متقدّم صرف و نحو و لغت و انشاء آورده است.(۳)

ابوالفرج صیرفی اصفهانی

شیخ ابوالفرج سعید بن ابی الرّجاء صیرفی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری. در سال ۴۴۴ق متولّد شده، و قطب الدّین راوندی در کتاب الخرائج و الجرائح برخی اخبار را از او روایت کرده است.

صاحب عنوان، ظاهرا از علمای شیعه است.(۴)

ابوالفضل

الاستاد الأعزّ ابوالفضل، از ادبای اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین و از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء، ذکر کرده است.(۵)

۱- محاسن اصفهان، ص۴۹.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۵.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۴- ریاض العلماء، ج۱، ص۴۱۸؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۷۷؛ اعیان الشّیعه، ج۳۴، ص ۲۳۰؛ الخرایج و الجرایح، ج۲، ص۵۷۷ ۵۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۹.

۵- محاسن اصفهان، ص۳۲.

ابوالفضل اصفهانی

ابوالفضل اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از احمد بن عبداللّه روایت می کند، و ابی الفتح بن البطی از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

میرزا ابوالفضل اعلامی

میرزا ابوالفضل اعلامی نایینی اصفهانی فرزند میرزا ابوتراب ثقه الاسلام نایینی اصفهانی و از فارغ التّحصیل های دانشسرای عالی می باشد که کتب چندی در ریاضیّات تألیف نمود، آن ها را به طبع رسانید، و در این اواخر وفات یافت.(۲)

شیخ ابوالفضل خوانساری

شیخ ابوالفضل خوانساری بن ملّااحمد بن شیخ محمّدحسین خوانساری، عالم فاضل، فقیه متبحّر در ذی حجّه ۱۳۳۴ق در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد شد. وی در اصفهان نزد سیّد احمد مقدّس، شیخ هبه اللّه هرندی، میرزا علی آقا شیرازی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی و شیخ احمد فیّاض به تحصیل پرداخت. سپس به نجف اشرف عزیمت، و سطوح عالی را نزد آیت اللّه العظمی خویی و میرزا محمّدباقر زنجانی طی نمود. آن گاه در درس خارج آیات عظام، سیّدابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی، سیّدابوالقاسم خویی، شیخ محمّدحسین کمپانی، سیّدجمال الدّین گلپایگانی، سیّدعبدالهادی شیرازی، سیّدمحسن حکیم، سیّدمحمود شاهرودی، شیخ موسی خوانساری و شیخ محمّد کاظمینی حاضر شد. شرح منظومه و شوارق را نزد شیخ صدرا بادکوبه ای فراگرفت، و از محضر عارف کامل میرزا علی آقا قاضی تبریزی نیز بهره برد.

او در ۲۵ سالگی از آیات عظام، اصفهانی و عراقی اجازه اجتهاد، و از شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت دریافت نمود. وی در اثر ابتلا به عارضه ریوی، مجبور به مهاجرت به ایران و اقامت در قم گردید، و در آن جا ضمن استفاده از محضر درس آیت اللّه العظمی

۱- احقاق الحق، ج۸، ص۲۵۲.

۲- تاریخ نایین، ج۴، ص۵۵.

بروجردی، به تـدریس سـطوح عـالی، خارج فقه و شـرح منظومه پرداخت. وی از طرفـداران رهبر انقلاب اسـلامی، امام خمینی بود، و به فرمان ایشان به امامت جمعه شهر اراک منصوب شد.

ایشـان در او اخر عمر، در قم سـاکن شـد، و به تـدریس پرداخت تا آن که در یک شـنبه ۲۶ رجب ۱۴۲۲ق وفـات یافت، و در مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام اللّه علیها مدفون گردید.

آثار و تألیفات ایشان عبارت انـد از: ۱. یک دوره کوتاه «اصول» ۲. رساله توضیح المسائل، مطبوع ۳. الجوهر النّضید فی شرح فروع التّقلیـد ۴. حاشـیه عروه الـوثقی ۵. حاشـیه کفـایه الاصول ۶. حاشـیه مکاسب ۷. الحکم الظّاهری و الـواقعی ۸. رسـاله در «طهارت و صـلاه» ۹. قاعـده الفراغ و التّجـاوز ۱۰. کتـابی در جمع احـادیث مربوط به مواعظ و فضـل و مصـائب اهلبیت علیهم السلام .(۱)

ابوالفضل همایی «شادمان»

میرزا ابوالفضـل همـایی متخلّص به «شادمـان» شاعر و نویسـنده ادیب، فرزنـد مرحوم میرزا ابوالقاسم طرب است. در سال ۱۳۲۴ قمری در اصـفهان متولّد شد، و از همان اوان کودکی به کسب فضل کمال پرداخت، پس از تکمیل دوره دبیرسـتان، در خارج از مـدرسه به کسب علوم قـدیمه و زبان فرانسه و انگلیسـی پرداخت، بعدا نیز وارد دانشسـرای عالی، و از آن جا فارغ التّحصـیل شد، و از سال ۱۳۰۵ خورشیدی، وارد خدمت فرهنگ گشت. علاوه بر تبحّر در شعر، در خط نیز از اساتید محسوب می شد.

تألیفات ایشان عبارت اند از: ۱. سیر و تحوّل نثر فارسی در ادوار مختلف ۲. رهبر ایمان یا ترجمه قرآن ۳. دیوان اشعار(۲).

شیخ ابوالفضل معزّی*

حاج شیخ ابوالفضل معزّی فرزند ملّامحمّداسماعیل معزّی عالم فاضل و خطیب توانا.

۱- معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۵؛ گنجینه دانشمندان، ج۲، صص۷۴ ۷۵؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۲۶۰.

در سال ۱۳۰۴ش در اصفهان متولّد شدند. تحصیلات خود را در حوزه علمیّه اصفهان آغاز نمود. پس از وفات پدر، به نجف اشرف هجرت نمود، و نزد علمای اعلام و فضلای کرام آن دیار به تحصیل پرداخت، سپس به اصفهان بازگشت، و به تبلیغ و ترویج دین و وعظ و خطابه پرداخت.

وی خطیبی توانا، عالمی خوش خلق و خوش بیان و نیک محضر بود. در جریان مبارزات ملّی شدن صنعت نفت از طرفداران آیت اللّه کاشانی بود، و در اصفهان از ارادتمندان حاج شیخ محمّدباقر زند کرمانی به شمار می رفت. ایشان در سال ۱۳۷۹ش وفات نمود، و در صحن مقبره علاّمه مجلسی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفات ایشان را شاعر دانشمند و فرزانه آقای فضل اللّه اعتمادی خویی (برنا) چنین سروده اند:

به سوی گلزار جاویدان نهاد از دار فانی رو خطیب خوش بیانِ خَیّرِ خوش محضرِ خوش خو

نوشت از بهر تاریخ وفاتش خامه «برنا»: «ابوالفضل معزّی ناطق علاّم زاهد کو»(۱)

سیّدابوالفضل صفوی*

حاج سیّدابوالفضل موسوی صفوی فرزند حاج سیّدجلال، عالم فاضل و خطیب توانا، در حدود سال ۱۳۴۷ق در قصبه ریز [زرّین شهر کنونی] متولّد [شد]، و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود طی کرد. سپس به همراه والد خود به اصفهان آمده، نزد علمای گران قدری چون مصطفایی نجف آبادی، حاج شیخ عبّاسعلی ادیب، حاج شیخ محمّدعلی حبیب آبادی، ملاّهاشم جنّتی، حاج شیخ محمّدحسن نجف آبادی، حاج شیخ محمود مفید، سیّدمهدی حجازی سدهی، حاج شیخ مرتضی اردکانی، آیت اللّه بهبهانی، حاج آقا رحیم ارباب، علاّمه فانی، حاج سیّدمحمّدرضا خراسانی، حاج شیخ حسن صافی و زند کرمانی به تحصیل پرداخت. از فعّالیت های ارزنده ایشان، تبلیغ دین و مقابله با انحرافات ضدّ دینی بوده است، ازجمله ایشان مدّتی در چهارمحال و بختیاری به مبارزه با فرقه ضالّه بهاییّت پرداخت. هم چنین هفده سال در

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، تألیف آقای رحیم قاسمی، نسخه خطّی.

شهرهای مختلف خوزستان به ارشاد و راهنمایی مردم، و ترویج شریعت مشغول بود. از دیگر فعّالیت های ایشان منبرها و خطابه های ارزشمند ایشان است. وی سال ها به تدریس ادبیّات عرب مشغول بود، و شاگردان بافضیلت از محضر او مستفیض می شدند.(۱)] وی در سال ۱۳۸۲ش وفات یافت. مادّه تاریخ وفات ایشان را شاعر و ادیب معاصر آقای احمد خلیلیان متخلّص به «خلیل» چنین سروده است:

خواست تاریخ وفاتش را «خلیل» از طبع خویش تا به نظم آرد ز اَبجد سال تاریخ ورا

زاهدی سر کرد در جمع «خلیل» و خوش سرود: «سیّد ما رفت نزد جدّ پاکش مصطفی»(۲)]

شیخ ابوالفضل کلباسی*

حاج شیخ ابوالفضل کلباسی فرزند شیخ محمّدحسن بن حاج شیخ محمّدجعفر بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل. در اصفهان ساکن بود، و به زهد و تقوا و صلاح شهرت داشت.

سرانجام در سال ۱۳۴۵ق وفات یافت، و در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

سیّدابوالفضل مشکاه الواعظین

حاج سیّدابوالفضل امامی عریضی (درب امامی) ملقّب به «مشکاه الواعظین» فرزند حاج میرزا محمّدحسین، از وعّاظ و منبریان مشهور اصفهان بوده، و در سال ۱۳۹۲ق به سنّ متجاوز از هشتاد سال وفات یافت، و [در تکیه جویباره ای ها در تخت فولاد مدفون شد. مؤلّف فقید، به اشتباه، محلّ دفن صاحب عنوان را در تکیه شهشهانی نوشته اند].(۴)

میرزا ابوالفضل خاتون آبادی

حاج میرزا ابوالفضل خاتون آبادی بن حاج میرزا حسین نایب الصّدر و برادر حاج میرمحمّدصادق مدرّس خاتون آبادی، عالم زاهد و فقیه جامع. در اصفهان متولّد و نزد علمای

۱- نقل از یادداشت های محقّق ارجمند جناب آقای حاج شیخ محمّد زاهد نجفی.

۲- نقل از یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر)، نسخه خطّی.

۳- خاندان کلباسی، صص۱۹۳ ۱۹۴.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵.

شهر تحصیل کرد، و سپس به انجام وظایف شرعی پرداخت. در مسجد ساروتقی و مدرسه ملّاعبداللّه اقامه نماز جماعت می نموده، و در مدرسه ملّاعبداللّه تدریس می کرده است. وی در شب دوشنبه ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۸۸ در تهران وفات یافت، جنازه به قم حمل شد، و در آن ارض مقدّس مدفون گردید.(۱)

میرزا ابوالفضل بیدآبادی

آقا میرزا ابوالفضل بن آقامیرزا زین العابدین موسوی بن سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی اصفهانی، عالم فاضل، معروف به «آقاجان». وی در موقع شورش مردم اصفهان علیه حاکم ستمگر شهر در سال ۱۲۶۵ق و بست نشستن مردم در مسجد سیّد، از مأموران دولت، اهانت ها دید و متحمّل رنج های فراوان شد. وفاتش بعد از سال ۱۲۶۵ق روی داد، و در مقبره جدّ بزرگوارش در مسجد سیّد اصفهان مدفون شد.(۲)

شیخ ابوالفضل ریزی

حاج شیخ ابوالفضل بن آقا شیخ عبدالوهاب ریزی لنجانی اصفهانی عالم فاضل، مجتهد، فقیه و اصولی، در قصبه ریز [زرّین شهر فعلی] در لنجان متولّد شد، و در اصفهان نزد جمعی از علماء ازجمله جهانگیرخان قشقایی(۳) تحصیل نمود، سپس جهت تکمیل آن به نجف اشرف رفت، و نزد اساتید آن جا تلمّذ نمود، و از اساتید خود به دریافت اجازه روایت و اجتهاد مفتخر گردید که عبارت است از اجازه از حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و آقا سیّدمحمّدکاظم طباطبایی یزدی و آخوند خراسانی. آن گاه به اصفهان مراجعت کرد(۴)، [و در زادگاه خود مرجع امور شرعی بود، لکن به علّت سکونت در آن جا شهرت و مرجعیّتی نیافته است. وی در سال ۱۳۳۰ق در زادگاه خود وفات یافت].

جنازه به اصفهان منتقل، و در تخت فولاد، در تکیه برادرش شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.(۵)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۰.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۶؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۱۴۸ و ۱۵۸ و ۱۷۱؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۴.

۳- نقباءالبشر، ج۱، ص۵۴.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۷۵ ۱۷۶.

۵- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۴.

شیخ ابوالفضل نجفی

حاج شیخ ابوالفضل نجفی بن حاج شیخ محمّدعلی ثقه الاسلام بن حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجد شاهی اصفهانی، عالم فاضل، در سال ۱۳۰۹ق در اصفهان متولّد شد، و در این شهر و نجف اشرف به تحصیل پرداخت. ازجمله اساتید ایشان آقا ضیاءالدّین عراقی است، هم چنین حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی جهت ایشان اجازه نوشته است.

وی در علم تاریخ و اغلب علوم اسلامی مهارتی بسزا داشته است، و سرانجام در ظهر جمعه ۲۵ ربیع الاوّل ۱۳۹۱ق در اصفهان وفات یافت، و پیکرش به قم حمل، و آن جا به خاک سپرده شد.(۱)

شیخ ابوالفضل واعظ

شیخ ابوالفضل بن آخوند ملاّمحمّدعلی واعظ نیماوردی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، در سال ۱۳۰۰ق متولّد گردیده، و در نجف نزد آخوند خراسانی و میرزا محمّدحسین نایینی تحصیل نموده است. در معجم رجال الفکر و الادب درباره او می نویسد: «عالم فاضل ورع مجتهد تقی».

در سال ۱۳۳۲ق در جوانی وفات یافته است. وی تقریرات اساتید خود را در مباحث فقهی و اصولی نوشته، و در سال ۱۳۵۷ هجری رساله مباحث شروط از آثار او در ۵۸ صفحه به چاپ رسیده است.(۲)

شیخ ابوالفضل قدسی نجفی*

شیخ ابوالفضل قدسی نجفی فرزند عبدالحسین انتظام قدسی در سال ۱۳۲۲ق متولد شد. پس از تحصیل در دبیرستان گلبهار به حوزه علمیه رفت و از درس اساتیدی چون شیخ علی مدرس یزدی، میرزا ابوالهدی کلباسی و حاج آقا رحیم ارباب بهره برد. در سال ۴۸ق به نجف اشرف مهاجرت نمود و از درس سید جمال الدین گلپایگانی، سید محسن حکیم و سید محمود شاهرودی استفاده کرد و پس از ۲۵ سال به ایران بازگشت و در تهران

۱- مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۷۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، صص۲۴ ۲۶.

۲- معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۴؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۵۲.

ساکن شد. در تهران مسجد یاسین را تأسیس کرد و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. وی در سال ۱۴۰۲ق وفات یافت و در قم مدفون شد. کتاب قرآن و عترت از او به چاپ رسیده.

ابوالفضل حدّاد

ابوالفضل حدّاد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از محدّثین بغداد و اصفهان نقل حدیث نموده، کتاب حلیه او را در بغداد روایت کرده، و در سال ۴۸۶ق وفات یافته است.(۱)

سیّدابوالفضل کاظمی*

سیّدابوالفضل کاظمی، عالم فاضل جلیل. وی در روستای «شیخ شبان» از توابع اصفهان متولّد شد. سپس در اصفهان به تحصیل پرداخت، و دروس مقدّماتی را فرا گرفت، آن گاه به قم رفت، و سطح را نزد آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی فرا گرفت، و پس از آن، در درس خارج آیات عظام و علمای اعلام، بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی و سیّدمحمّد محقّق داماد شرکت نمود.

ایشان پس از فراغت از تحصیل، در شهر ری ساکن شد، و در مسجد امیرالمؤمنین در خیابان ۲۴ متری شهر ری به اقامه جماعت پرداخت. از خدمات ایشان تأسیس قرض الحسنه و رفع نیازهای شرعی مردم بود. سرانجام در ۲۹ دی ماه ۱۳۶۲ش بر اثر ابتلاء به سرطان حنجره وفات یافت، و در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهر ری مدفون گردید.(۲)

ابوالفضل کوکبی

ابوالفضل کوکبی از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین، و از دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده است.(۳)

۱- مرآه الجنان، ج۳، ص۱۴۲.

۲- اختران فروزان ری و تهران، ص۹۸؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

شیخ ابوالقاسم اشراقی

شیخ ابوالقاسم اشراقی قمشه ای، عالم فاضل، واعظ کامل در زادگاه خود قمشه، و سپس در اصفهان نزد علماء بزرگواری چون شیخ محمّد حکیم خراسانی و شیخ محمود مفید تلمّذ کرد، و به وعظ و ارشاد پرداخت. مدّتی به تدریس منظومه در حکمت مشغول بود، و بعدا به تدریس در دبیرستان های اصفهان پرداخت. سرانجام در جمعه ۸ ذی القعده الحرام ۱۳۸۹ [در سنگ مزار او ۲۴ شوّال ۱۳۸۹ آمده است]، در سنّ هفتاد و اندی وفات یافت، و در تکیه امام جمعه در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم اصفهانی ادیب فاضل، خطّاط قرن دهم هجری. از آثار او کتابت نسخه ای است از کتاب قواعد تألیف شهید علیه الرّحمه که آن را در سال ۹۶۹ نوشته است، نسخه در کتابخانه فاضلیّه مشهد مقدّس بوده است.(۲)

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم اصفهانی از خطّاطان قرن سیزدهم هجری، و احتمالاً شاگرد ملّا حسینعلی تویسرکانی بوده است.

در سال ۱۲۶۷ نسخه ای از کتاب کشف الاسرار مرحوم تویسرکانی را به خطّ نسخ کتابت نموده، نسخه به شماره ۷۳۹۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن سیزدهم هجری. خطّ نسخ را با مهارت و استادی می نوشت، و به کتابت قرآن مجید و ادعیه روزگار می گذرانید، عاقبت در سال ۱۲۲۰ق در اصفهان وفات یافت. یک نسخه قرآن مجید مورّخ ۱۲۲۰ق به خطّ زیبای او در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.(۴) در مرقّع شماره ۳۵۳ کتابخانه دانشکده ادبیّات

۱- علوم و عقاید، ص ۱۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۶۸.

۲- فهرست کتابخانه فاضلیّه مشهد، ص ۱۲۰.

۳- فهرست مرعشی، ج ۱۹، ص ۱۹۲.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۷۶؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۱۳۱.

دانشگاه فردوسی مشهد، نمونه ای از خطّ او وجود دارد.(۱)

میرزا ابوالقاسم اصفهانی

حاج میرزا ابوالقاسم اصفهانی، عالم فاضل، اجازه او جهت مرحوم حاج شیخ محمّدنبی تویسرکانی در پشت نسخه فصل الخطاب تألیف حاج ملّاحسینعلی تویسرکانی اصفهانی نقل شده است. نسخه به شماره ۱۴۹۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲)

ابوالقاسم اصفهانی*

[ابوالقاسم اصفهانی از فضلای اصفهان بوده، و در فنون ادب و انشاء و خط استاد بوده، چندی در تهران به سر برده، و سپس منشی عبّاس میرزا ولی عهد فتحعلیشاه قاجار شده، و در رکاب او در جنگ های ایران با روسیّه شرکت کرده، و مدّتی هم اداره حکومت آذربایجان با او بوده است.

شعر هم می سروده، از آن جمله است:

نوبهار است بیا تا طرف از سر گیریم سال نو باز غم کهنه ز دل برگیریم

سبحه گر باید از آن زلف مسلسل سازیم مصحف ار شاید از آن زلف معنبر گیریم(۳)]

ابوالقاسم اعلامی

ابوالقاسم اعلامی، شاعر ادیب، در سال ۱۳۰۱ شمسی در اصفهان متولّد گردیده تحصیلات خود را در این شهر انجام داده، و در شعر و ادب از محضر میرزا عبّاس خان شیدا بهره مند گردیده، و به سرودن شعر پرداخته [است].

از آثار او: ۱. محراب شعر که در سال ۱۳۳۹ شمسی در تهران در ۱۸۶ صفحه به چاپ

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۱۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۰۱.

۳- تذکره روز روشن، صص۲۴ ۲۵.

رسیده است.(۱)

سیّدابوالقاسم امامی*

سیّدابوالقاسم امامی حسینی امامی اصفهانی، از نقّاشان هنرمند اواخر دوره قاجاریّه است. وی در نقّاشی گل و بوته و پرنده، مهارت خاصّی داشته، و در نقّاشی قلمدان، آثار ارزشمندی به وجود آورده است.(۲)

ابوالقاسم باب الدشتی

ابوالقاسم شریف بالفروشی [باب الدّشتی] اصفهانی فاضل نویسنده در قرن سیزدهم هجری است از آثارش:

۱. بحارالانوار علاّمه مجلسی جلد یازدهم، کتابت در سال ۱۲۶۲ق، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ۲. نقد النّصوص درشرح نقش الخصوص جامی، کتابت ربیع الاوّل ۱۲۷۳، موجود در کتابخانه گوهرشاد مشهد ۳. فتوح الشّام، کتابت در رجب ۱۲۸۲ق، موجود در کتابخانه ملک تهران ۴. مفتاح الکرامه، کتابت در سال ۱۲۸۳ق به امر حاج شیخ محمّد تهرانی، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جزو کتب مرحوم امام جمعه خوی. کتابت این کتاب ها همگی به خطّ نسخ می باشد.(۳)

ابوالقاسم ورنوسفادرانی

ابوالقاسم بن ملاّآقا ورنوسفادرانی سدهی اصفهانی، عالم فاضل، در مولد خود و اصفهان تحصیل کرده، و تا سال ۱۲۶۵ق در قید حیات بوده، در سال ۱۲۳۳ق مالک نسخه ای از شرح لمعه بوده، نسخه، جزو کتب مرحوم صدر هاشمی در کتابخانه دانشکده

۱- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۲۲۸.

۲- هنر قلمندان، ص۱۶۳.

۳- فهرست مجلس، ج۱۰، جزء۲، ص۹۶۲؛ فهرست گوهرشاد، ص۱۹۴؛ فهرست ملک، ص۵۴۰؛ فهرست مجلس، ج۷، ص۳۶۵.

ادبیّات اصفهان موجود است.(۱)

سیّدابوالقاسم چهارسوقی

سیّدابوالقاسم بن میرزا محمّدابراهیم بن سیّدمحمّدصادق چهارسوقی بن سیّد زین العابدین موسوی خوانساری، عالم فاضل، در اصفهان تحصیل کرده، و پس از فوت پدر در مسجد مریم بیگم، اقامه جماعت نموده است، تولّدش در سال ۱۳۱۱، و وفاتش در ۱۴ رمضان ۱۳۸۱ق واقع شد.(۲)

سیّدابوالقاسم صفوی

سیّدابوالقاسم صفوی فرزند ابراهیم بن عبدالحسین بن هادی بن ابراهیم صفوی موسوی اصفهانی، عالم فاضل محقّق، در عید غدیر (۱۸ ذی حجّه) ۱۲۸۳ق در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و نجف اشرف تحصیل کرده، و از خواصّ اصحاب و شاگردان آقا سیّدمحمّد کاظم طباطبایی یزدی و محرّر ایشان بوده، و به این خاطر به «سیّدابوالقاسم محرّر» شهرت داشته است. وی از آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی و دیگران اجازه داشت، و سیّدمهدی غریفی بحرینی از او روایت می کند. سیّدابوالقاسم صفوی در ۶ ربیع الثّانی سال ۱۳۷۰ق در نجف اشرف وفات یافت، در حجره متّصل به باب طوسی، طرف راست داخل شونده به صحن، مدفون گردید. کتب زیر از او است:

۱. ابواب الجنان، در اعمال شب و روز، مطبوع ۲. انیس المقلّدین ۳. ترجمه جلد پنجم مجالس السنّیه تألیف علّامه سیّدمحسن امین ۴. جامع الرّسائل العملیّه، مجموعه ای از فتاوای مرحوم آقا سیّدمحمّدکاظم یزدی و جمعی از بزرگان ۵. رساله ای در کُر ۶. صراط النّجاه، ترجمه وسیله النّجاه مرحوم آیت اللّه آقا سیّدابوالحسن اصفهانی، که چندین مرتبه چاپ شده است ۷. ترجمه عروه الوثقی به نام الغایه القصوی، مطبوع.

۱- نشریّه دانشکده ادبیّات اصفهان، سال دوم، شماره ۲ و ۳، ص۱۳۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۱.

میرزا ابوالقاسم رشتی

میرزا ابوالقاسم بن محمّدابراهیم رشتی اصفهانی، از افاضل ادبای عهد ناصرالدّین شاه قاجار بوده، و در مدرسه نیماورد، تدریس مطوّل و مغنی می فرموده، و طبع شعر داشته است. کتاب تحفه النّاصریه را در فنون ادب و منتخبات اشعار عرب تألیف فرموده که در سال ۱۲۷۸ق به طبع رسیده است. قبرش مطابق گفته احفاد برادرش، در مقبره هارون ولایت بوده است.

از او است:

لبن از بهر علاج آمده افعی زده را افعی زلف تو عالم زد و خود در لبن است(۱)

سیّدابوالقاسم سیّدالاسلام

آقا سیّدابوالقاسم سیّدالاسلام بن سیّدابراهیم بن سیّدعبدالصّمد حسینی شهشهانی، عالم فاضل، پیش نماز مسجد صفا در محلّه شهشهان اصفهان بوده، سرانجام در ۲۵ محرّم ۱۳۵۷ق وفات یافت، و در بقعه آقا سیّدمحمّد شهشهانی عمّ امجد خود مدفون گردید. در مادّه تاریخ فوت او گفته اند:

خواست چه تاریخ فوت بانوی محزونه گفت: «شد سوی جنّت روان سیّد اسلامیان»(۲)

ابوالقاسم انصاری

حکیم ابوالقاسم بن ابی حامد بن نصرالبیان بن نورالبیان انصاری کازرونی، از دانشمندان قرن دهم هجری در اصفهان است. وی از شاگردان خواجه افضل الدّین محمّد بن حبیب اللّه ترکه و ملّاوحیدالدّین سلیمان قاری فارسی بوده است. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. سلّم السّماوات فی تراجم جماعه من الحکماء و اشعار الاصحاب المقالات ۲.

۱- نقباءالبشر، ج۱، ص۵۹؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۱۶۵؛ الذّریعه، ج۱، ص۷۴ و ج۱۷، ص۲۸۷؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، صص۲۸۸ ۲۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۹۴ ۹۵؛ مکارم الآثار، ج۷، صص۲۵۱۸ ۲۵۲۰.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵.

النّجوم الزّاهره، فی تراجم المنجّمین(۱).

شیخ ابوالقاسم نجفی*

شیخ ابوالقاسم نجفی بن شیخ ابوالحسن بن شیخ محمّد شریف، عالم فاضل و فقیه ماهر، ساکن اصفهان، متوفّی ۲۷ ربیع الثّانی ۱۳۶۴ق، مدفون در تکیه مادر شاه زاده.

ابوالقاسم بن ابوالعلاء

ابوالقاسم غانم بن محمّد بن ابوالعلاء اصفهانی، شاعر ادیب و دانشمند قرن چهارم هجری است. وی معاصر صاحب بن عبّاد بوده است، خود می گوید: پس از مرگ صاحب، در عالم رؤیا دیدم که گوینده ای مرا مخاطب و معاتب ساخته که: «چرا برای صاحب، مرثیه ای نگفتی؟». گفتم: «وی آن قدر محاسن دارد که ندانم کدام یک را بگویم، و می ترسم که درباره او کوتاهی کنم». گوینده گفت: «مصرع اوّل را من می گویم، مصرع دوم را تو بگو»:

گفت: ثوی الجود و الکافی معا فی حفیرةٍ گفتم: لیأنس کُلٌّ منهما باخیه

گفت: اصطحبا حیین ثم تعانقا گفتم: ضجیعین فی لحداً بباب درّیه

گفت: اذ ارتحل الثّاوون عن مستقرّهم گفتم: اقاما إلی یوم القیامه فیه

در وصف زر نرود (زاینده رود) نیز سروده است:

تجّر علی الامصار ذیل یجبّر و اعجاب معتزّ علیهنّ معتد(۲)

سیّدابوالقاسم کزازی

سیّدابوالقاسم بن احمد حسینی کزازی الاصل، اصفهانی المسکن از فضلاء قرن سیزدهم، از آثارش کتابت نسخه ای است از شوارق تألیف مولی عبدالرزّاق لاهیجی که آن را در روز چهارشنبه نهم ربیع الثّانی سال ۱۲۴۳ به خطّ نسخ به پایان رسانیده است، نسخه به شماره ۵ در کتابخانه

۱- احیاء الدّاثر، ص۱۸۶؛ الذّریعه، ج۱۲، ص۲۲۱؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۳۵۲ ۳۵۳.

۲- تتمّه الیتیمه، ج۱، صص۲ و ۱۹؛ محاسن اصفهان، صص۵، ۳۱، ۵۴، ۱۰۸، ۱۱۰ ۱۱۱؛ معجم الادباء، ج۶، ص۲۷۶؛ رساله الارشاد، ص۴۵؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۴۲۴؛ تاریخ اصفهان، صص۱۶ و ۹۸.

رضوی قم موجود است.(۱)

میرزا ابوالقاسم مدرّس

میرزا ابوالقاسم مدرّس فرزند میرمحمّد اسماعیل بن میرمحمّدباقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل کامل، حکیم و فیلسوف و متکلّم. در اصفهان متولّد [شد]، و نزد علمای این شهر همچون آقامحمّد بیدآبادی و ملّااسماعیل خواجویی تحصیل نمود. حاج سیّدمهدی بحرالعلوم نیز از اساتید ایشان است. در معقول و منقول، استاد مسلّم زمان خود بوده، خصوصا در تدریس شرح دروس آقاحسین خوانساری مهارت به سزایی داشته، و بدین جهت به مدرّس معروف بوده است. سال ها در مدرسه چهارباغ اصفهان به تدریس علوم عقلی و نقلی مشغول بوده، و سرانجام در اواخر ذی حجّه ۱۲۰۲ق وفات یافته، و جسدش به نجف اشرف حمل، و در ایوان علماء دفن شده [است]. شاگردان بسیاری از محضر او مستفیض شدند که ازجمله آن ها است: سیّدابوالقاسم جعفر بن حسین موسوی خوانساری. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. تعلیقات بر کتاب کافی ۲. تعلیقات بر کتاب من لا یحضره الفقیه ۳. تعلیقات بر تهذیب ۴. تعلیقات بر استبصار ۵. تفسیر قرآن مجید ۶. حاشیه بر تفسیر کاشی ۷. شرح نهج البلاغه(۲).

سیّدابوالقاسم آسیاب پری

سیّدابوالقاسم آسیاب پری فرزند سیّدمحمّدباقر موسوی، عالم فاضل متّقی، ساکن محلّه چارسو درب شیخ کوچه آسیاب (معروف به آسیاب پری) امام جماعت مسجد آب بخشان. وی در جمعه ۲۵ محرّم سال ۱۳۶۹ق در اصفهان وفات یافت، و در یکی از اتاق های تکیه کازرونی مدفون گردید.(۳)] مرحوم استاد مهدوی در کتاب تخت فولاد خود، وی را فرزند سیّدمهدی نوشته اند؛ امّا در یادداشت های خود، آن را اصلاح کرده اند].

سیّدابوالقاسم دهکردی

آقا سیّدابوالقاسم دهکردی بن سیّدمحمّدباقر بن سیّدابراهیم بن میر محمّد هادی بن میر شمس الدّین، عالم فاضل فقیه مجتهد اصولی عابد زاهد کامل، از اعاظم فقهاء و مدرّسین اصفهان، در شنبه غرّه ماه رجب المرجّب ۱۲۷۲ق در دهکرد [شهرکرد فعلی [متولّد شد. نسب گرامی اش به ج

۱- آشنایی با چند نسخه خطّی، ج۱، ص۲۸.

۲- ریاض الجنّه، قسم اوّل از روضه اربعه، صص۵۲۴ ۵۲۵؛ آشنای حق، صص۳۳ ۳۴؛ تجربه الاحرار، صص۱۶۰ ۱۶۱؛ اعیان الشّیعه، ج۸، ص۱۱۱ و ج۹، ص۵۰۷؛ الکرام البرره، ج۱، صص۵۰ ۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۴؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۷؛ مکارم الآثار، ج۱، صص۶۶ و ۱۳۱ ۱۳۲؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۶۶.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۱.

نـاب ابوالحسن محمّـد پرهیزگـار بن عبـدالله بن امـام زین العابـدین علیه السـلام منتهی می گردد. پـدرش از علمای عالی قـدر دهکرد بوده، و مادرش دختر آخوند ملاّمحمّد ابراهیم دهکردی، از فضلای آن دیار است.

ایشان در یازده سالگی جهت تحصـیل به اصـفهان آمـد، و در مـدرسه صدر نزد برادر بزرگوار خود سـیّدمحمّدجواد دهکردی تلمّذ نمود، و سپس در درس حاج سـیّدمحمّدباقر نجفی، میرزا ابوالمعالی کلباسـی، حاج ملاّاسماعیل حکیم درکوشکی، میرزا محمّدحسن نجفی و ملاّمحمّدباقر فشارکی حاضر شد. در سال ۱۳۰۱ق ازدواج نمود، و جهت تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات مشـرّف، و در سامرّا و نجف، از محضـر درس آیات عظام میرزا محمّـدحسن شـیرازی، ملاّفتحعلی سـلطان آبادی، حاج میرزا حسـین نوری، شـیخ زین العابدین مازندرانی، میرزا حبیب الله رشتی و آخوند ملاّمحمّدکاظم خراسانی بهره کافی و وافی برد، و به مراتب عالی علم نائل آمد.

مشایـخ اجازه روایت و اجتهاد ایشان نیز عبارت انـد از: آمیرزا هاشم چهارسوقی، میرزا محمّدحسن نجفی، ملاّمحمّدباقر نجفی، آخوند خراسانی، میرزا حسین نوری، و زین العابدین مازندرانی.

ایشـان در سال ۱۳۰۹ق به اصـفهان مراجعت نمود، و به تـدریس درس خـارج در مـدرسه صـدر و تربیت شاگردان پرداخت، و مرجعیّت امور شـرعی مردم را بر عهده گرفت، و جمعی در اصفهان و چهارمحال از مقلّدین ایشان بودند. هم چنین وی سال ها نماز جماعت را در مسـجد شـیخ الاسـلام و مسـجد سرخی اقامه می کرد، و پس از نماز، به منبر می رفت، و مردم را ارشاد می نمود.

وفات این عالم عالی قدر در یک شنبه ۶ شوّال ۱۳۵۳ق اتّفاق افتاد، و پیکر ایشان به امام زاده زینبیّه اصفهان منتقل، و در آن جا به خاک سپرده شده، و بعد از ساختن صحن امام زاده، قبر، در یکی از حجرات غربی قرار گرفت.

کتب زیر از تألیفـات او است: ۱. بشارات السّالکین یا واردات غیبیّه در شـرح حال و مکاشـفات خود ۲. جنّه المأوی، در اخلاق ۳. حاشـیه بر جامع عبّاسی، چاپ شده ۴. حاشـیه بر نخبه حاجی کلباسی، مطبوع ۵. حاشیه بر تفسیر صافی ۶. حاشیه بر وافی ۷. ذخیره در ادعیـه ۸. رسـاله در مبحث الفاظ ۹. رسـاله در طهارت، مطبوع ۱۰. رسـاله در قبض ۱۱. شـرح بر شرایع، دو جلد ۱۲. شرح بر من لایحضـره الفقیه و آن را در تکمیـل شـرح فارسـی علاّـمه مولی محمّـدتقی مجلسـی بر آن کتاب مرقوم فرموده ۱۳. الفوائد در متفرّقات ۱۴. لمعات در شرح دعای سمات ۱۵. منبرالوسـیله که آن را وسیله یا وسیله المنابر گفته اند، دو جلد است، و جلد یکم چاپ شده است ۱۶. هدایه الانام که رساله عملیّه ایشان است ۱۷. ینابیع الحکمه، در

تفسیر ۱۸. المتاجر، تقریر درس میرزا حبیب اللّه رشتی ۱۹. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری ۲۰. تنقیح الاصول، تقریرات درس میرزا حبیب اللّه رشتی، با نظریّات مؤلّف در بحث الفاظ ۲۱. حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ۲۲. شرح بر اصول کافی ۲۳. شرح حدیث حقیقت کمیل بن زیاد ۲۴. السّوانح و اللّوائح(۱)].

سیّدابوالقاسم بیدآبادی

سیّدابوالقاسم بیدآبادی بن حاج سیّد محمّدباقر حجّت الاسلام شفتی عالم فاضل، [نزد پدر بزرگوار و احتمالاً ـ حاج محمّدابراهیم کلباسی تحصیل کرده]، و پس از وفات پدر، مرجع امور در اصفهان بوده، و سال ها قبل از فوت برادرش حاج سیّداسداللّه (متوفّی ۱۲۹۰ق) وفات یافته است. معلّم حبیب آبادی به نقل از حاشیه هدایه الانام و حاج شیخ علی نمازی در مستدرک سفینه البحار وفات او را در ۲۸ صفر ۱۲۶۳ق ذکر کرده اند. وی در مقبره پدر بزرگوارش در مسجد سیّد اصفهان مدفون شد.(۲)

سیّدابوالقاسم خواجویی

سیّدابوالقاسم خواجویی فرزند سیّدمحمّدباقر بن محمّدصادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل زاهد، در اصفهان ساکن بود، و در علوم مختلف همچون فقه، حدیث، ادبیّات، تاریخ و انساب مهارت داشت وی در شب سه شنبه ۸ رجب ۱۱۹۱ق وفات یافت(۳)، و در اوّل اراضی تخت فولاد، نرسیده به تکیه جویباره ای ها (تکیه فاضل سراب) مدفون شد. مع الاسف در سال های اخیر، تکیه و مقبره او را خراب کردند(۴)، وی کتابی به نام حدائق العارف تألیف نموده است. صاحب عنوان، جدّ خاندان

۱- مکارم الآثار، ج۶، صص۲۰۰۷ ۲۰۱۰؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۱؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۶۱؛ دیوان طرب، صص۱۲۲ ۱۲۳؛ تاریخچه ارزنان و مقبره علیاجناب زینب خاتون، صص۴۱ ۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۹۳ ۱۹۴؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۳؛ الذّریعه، ج۱۸، ص۴۶ و ج۲۵، ص۸۴؛ مزارات اصفهان، صص۲۳۴ ۲۳۵؛ آفتاب علم، صص۱۷ به بعد؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص۱۹۱ ۱۹۸؛ اعیان الشّیعه، ج۹، ص۵۱۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۶؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۵۴؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۴.

۳- وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۷۳.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۷.

نحوی و مهدوی در اصفهان(۱) و موسوی زاده در یزد، و از اجداد حقیر (سیّدمصلح الدّین مهدوی) است.

میرزا ابوالقاسم زنجانی

حاج میرزا ابوالقاسم بن سیّدمحمّدباقر بن سیّدعلی نقی موسوی زنجانی عالم فاضل، محقّق و مجتهد، فقیه اصولی، در اصفهان متولّد شده، و نزد آقا میرزا هاشم چهارسوقی و حاج میرزا بدیع درب امامی تلمّذ نمود، سپس در نجف اشرف از درس حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و ملاّلطف اللّه مازندرانی بهره گرفت، و از آن دو، و نیز شیخ الشّریعه اصفهانی و محمّد ایروانی اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان، به تدریس و اقامه جماعت و ترویج دین قیام نموده، در قضایای بابی کشی در سال ۱۳۲۱ق در اصفهان به حکم فتوای ایشان بوده، و در امر به معروف و نهی از منکر، ساعی و کوشا و در عموم پیش آمدهای اصفهان در دوره ریاست آقایان مسجد شاه با آنان یار و مددکار بوده است، در نهضت مشروطه نیز از طرفداران حاج آقا نوراللّه نجفی اصفهانی بود، سرانجام در رجب ۱۳۳۶ق در اصفهان وفات یافت، و در تکیه ای مخصوص در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

ابوالقاسم «نیّر»

حاج میرزا ابوالقاسم علاقبند متخلّص به «نَیّر» [معروف به «یراقی» فرزند حاج میرزا تقی، شاعر ادیب [از شعرای قدیمی و محترم اصفهان بوده، و در اغلب انجمن های ادبی اصفهان شرکت داشت(۳)، [و بالاخره در جمعه اوّل جمادی الاوّل سال ۱۳۹۴ قمر وفات یافته، در تکیه آقامحمّد بیدآبادی در تخت فولاد مدفون گردید.

از اشعار او است:

ای گل جفا به بلبل شیدا روا مدار کاو هر صباح، نغمه به سوی تو می کشد]

۱- مکارم الآثار، ج۵، ص۱۷۳۱.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۹۶ ۱۹۷؛ نقباءالبشر، ج۱، صص۶۱ ۶۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۹.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۲۳.

میرزا ابوالقاسم انصاری*

میرزا ابوالقاسم انصاری فرزند شیخ محمّدجعفر بن مرتضی بن محمّدحسن بن منصور (برادر شیخ مرتضی انصاری مرجع عالی قدر شیعه) از علماء و فضلای محقّق و عالی قدر معاصر در سال ۱۳۵۰ق متولّد شد. پس از فراغت از تحصیلات ابتدایی، نزد پدر دانشمندش مشغول تحصیل شد. پس از وفات پدر، نزد عمویش شیخ علی انصاری و برادرانش شیخ مرتضی انصاری (مؤلّف کتاب زندگانی و شخصیّت شیخ انصاری) و میرزا ابوالحسن، سطوح را به اتمام رساند. دروس عالی را نیز نزد پسرعموی پدرش شیخ منصور سبط الشّیخ و پسرعمّه اش سیّداسداللّه نبوی آغاز کرد.

در سال ۱۳۸۱ق به نجف اشرف عزیمت نمود، و از درس آیات عظام، شیخ حسین حلّی، سیّدعلی طباطبایی تبریزی و سیّدمحمود شاهرودی بهره گرفت. پس از فراغت از تحصیل در اصفهان سکونت نمود، و به اقامه جماعت، تدریس و تألیف پرداخت.

ایشان از این افراد، اجازه روایت یا اجتهاد و یا هر دو را دارد: سیّداسداللّه نبوی، سیّد احمد خوانساری، شیخ آقابزرگ تهرانی، سیّدعلی طباطبایی تبریزی، شیخ منصور سبط الشّیخ انصاری، سیّدمحمود شاهرودی.

وی تألیفات متعدّدی رابه رشته تحریر درآورده است که از آن جمله است: ۱. تلخیص رساله تعارض صاحب عروه ۲. شرح تبصره علاّمه ۳. کواشف الجلیّه عن مطالب شرح اللمعه الدّمشقیّه ۴. وسیله الرّحال من احوال الرّجال(۱).

میرزا ابوالقاسم سلطان الحکماء

میرزا ابوالقاسم ملقّب به «سلطان الحکماء» فرزند میرزا محمّدجعفر نایینی اصفهانی، طبیب حاذق و دانشمند فاضل. از طرف پدر، نسبش به سلطان محمّد خدابنده ایلخانی و از طرف مادر، نسبش به علاّمه مجلسی منتهی می شود. در سال ۱۲۴۵ق در نایین متولّد شد، و در مدرسه نیماورد اصفهان به تحصیل پرداخت، از درس آخوند ملاّمحمّدحسن نایینی

۱- کتاب الدّرایه فی شرح الکفایه، مقدّمه، صص۶۴ ۶۸؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

بهره برد سپس به یزد رفت، و نزد میرزا زین العابـدین، آقا محمّد حکیمی و حاجی میرزا عبدالوهاب یزدی در حکمت، منطق، هیأت، طب، ادبیّات، فقه و تفسیر تحصیل نمود. وی در ۲۵ سالگی به تهران رفت، و به تدریس طب در مدرسه صدر پرداخت، و سرانجام به تـدریس در مـدرسه دارالفنون مشغول شد. هم چنین شـهرت و حذاقت وی باعث شد ناصرالدّین شاه به او لقب «سلطان الحکماء» دهد، و او را رییس اطبّای دربار خویش نماید. عاقبت، سلطان الحکماء در سال ۱۳۲۲ق در قریه کلاک در نزدیکی کرج در اثر ابتلاء به وبـا وفـات یـافته، در صـحن امـام زاده آن قریه مـدفون شـد. وی را در طب تألیفاتی است؛ از آن جمله: ۱. ناصرالملوک به فارسی، مطبوع ۲. تحفه ناصری، به عربی ۳. اقسام حمیّات، در انواع تب.(۱)

سیّدابوالقاسم بختیاری

سیّدابوالقاسم بن سیّدمحمّدحسن حسینی بختیاری اصفهانی عالم فاضل، در سال ۱۲۷۲ق وفات یافته است، شرح نهج البلاغه از تألیفات او است.(۲)

سیّدابوالقاسم بهشتی

سیّدابوالقاسم بن سـیّدحسن حسینی بهشتی، عالم جلیل القدر، امام مسجد سه پله اصفهان، متوفّی جمادی الثّانی ۱۳۳۷ق مدفون در تکیه سادات بهشتی، در شمال مصلّای تخت فولاد.(۳)

سیّدابوالقاسم بهشتی

سیّدابوالقاسم بن سیّدحسن حسینی بهشتی، از فضلاء و ائمّه جماعات اصفهان، متوفّی

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۷؛ مکارم الآثار، ج۴، صص۱۲۴۲؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۶، ص۱۸۰؛ فهرست مرعشی، ج۵، ص ۶۰؛ تاریخ نایین، ج۱، صص۸۶ ۸۷؛ الذّریعه، ج۲۴، ص۱۶؛ المآثر و الآثار (چهل سال تاریـخ ایران)، ج۳، صص۲۱۲۹ ۲۱۳۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، ص۵۸.

۲- الکرام الـبرره، ج۱، صص۵۱ ۵۲؛ الذّریعه، ج۱۳، ص۱۱۴؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۱۷۷؛ کتـاب نامه نهج البلاغه، ص ۴۰.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

۱۶ رمضان ۱۳۸۴ق مدفون در تکیه سادات بهشتی، واقع در شمال مصلّای تخت فولاد(۱).

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم بن محمّدحسین اصفهانی فاضل خطّاط قرن سیزدهم. از آثارش مجموعه ای است از چندین سوره از قرآن مجید که آن را به خطّ نسخ، جهت صدر اعظم در سال ۱۲۷۲ نوشته است. ظاهرا جامع آن مجموعه نیز خود او می باشد. نسخه به شماره ۵۷ در کتابخانه ملّی ملك در تهران موجود است.(۲)

شیخ ابوالقاسم حججی نجف آبادی*

شیخ ابوالقاسم حججی نجف آبادی فرزند ملّاحسین بن ملّااحمد در حدود سال ۱۳۳۱ق در نجف آباد متولّد [شد]، و مقدّمات را در زادگاه خود و اصفهان خواند، و سپس در قم نزد برادرش شیخ احمد حججی و آیات عظام بروجردی، صدر و حجّت تحصیل نمود، و در قم و اصفهان به تدریس سطوح عالیه پرداخت. سپس به دعوت برادرش شیخ احمد به نجف آباد آمد، و به تدریس و اقامه جماعت در مسجد حکیم پرداخت، و سرانجام در سال ۱۴۱۳ق وفات یافت، و در جنّت الشّهدای نجف آباد مدفون شد. مشارٌ الیه از طرف امام خمینی و آیت اللّه حجّت و آیت اللّه صدر دارای اجازه است.(۳)

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی*

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی فرزند ملّامحمّدحسین ظهیری مهر آبادی اردستانی، نویسنده و مورّخ دانشمند در حدود سال ۱۳۲۳ق در مهرآباد اردستان متولّد [شد]، و دروس مقدّماتی را نزد پدر آموخت. سپس در کاشان و اصفهان به تحصیل علوم عربیّت، ریاضیّات قدیم، منطق، فلسفه، کلام، فقه و اصول پرداخت. سپس در مدرسه دارالفنون تهران به تحصیلات جدید مشغول شد. وی دوره عالی وزارت دادگستری را طی [کرد]، و به خدمات قضایی و اداری پرداخت، و پس از ۳۲ سال خدمت، بازنشسته گردید، و فعّالیت در سازمان لغت نامه دهخدا مشغول شد. وی در مهر ماه

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

۲- فهرست کتابخانه ملّی ملك، ص۲۹۹.

۳- سیمای دانشوران (نجف آباد)، صص۷۶ ۷۷؛ گنجینه دانشمندان، ج۷، ص۲۹۷.

۱۳۶۶ش در تهران وفات یافت. شعر نیز می سرود، و «نزهت» تخلّص می کرد. این کتاب ها از او است: ۱. آتشکده اردستان، سه جلد، مطبوع ۲. آثار ملّی اصفهان، مطبوع ۳. تاریخ خطّ و خطّاطان، مطبوع ۴. تذکره هجوسرایان ۵. تصحیح دیوان وفا ۶. توضیح الکفایه، به عربی ۷. دانشمندان اسلام ۸. ره آورد طوس ۹. زبان ها و لهجه های اصفهان ۱۰. فرهنگ اصفهان ۱۱. لهجه های اردستانی(۱).

ملّاابوالقاسم گلپایگانی

ملّاابوالقاسم بن محمّدربیع گلپایگانی، عالم فاضل، در اصفهان نزد علمای این شهر به خصوص ملّامحمّدتقی مجلسی به تحصیل پرداخته، و سپس به تدریس در مدرسه شیخ لطف اللّه مشغول شد.(۲)

ابوالقاسم پاینده نجف آبادی*

ابوالقاسم پاینده نجف آبادی فرزند محمّدرضا، نویسنده، روزنامه نگار و مترجم توانا در سال ۱۲۸۷ش در نجف آباد متولّد شد. پس از طیّ تحصیلات مقدّماتی به تشویق شیخ احمد حججی برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت، و نزد شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، شیخ نصراللّه قضایی، شیخ محمود مفید و شیخ محمّد حکیم خراسانی تحصیل کرد، چندی بعد تحصیل را رها کرد، و به تهران رفت، و به کارهای دولتی پرداخت، و مدیریت کلّ تبلیغات را بر عهده گرفت، در دوره دوم مجلس مؤسّسان و در دوره های ۲۱ و ۲۲ مجلس شورای ملّی به نمایندگی انتخاب شد.

وی با روزنامه عرفان اصفهان و روزنامه های شفق سرخ، ایران و اطّلاعات در تهران همکاری داشت. مدّتی نیز مدیر مجلّه تعلیم و تربیت بود، و خود، نشریّه هفتگی صبا را در تهران منتشر ساخت. او قلمی شیوا و نثری روان داشت که در داستان ها، ترجمه ها و تألیفات او مشهود است. وی سرانجام در ۱۸ مرداد ۱۳۶۳ش در تهران درگذشت، و در گورستان ابن

۱- مجلّه آینده، سال چهاردهم، شماره ۱ ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۷، صص۷۸ ۷۹؛ پشت جلد کتاب خطّ و خطّاطان و آتشکده اردستان؛ نادره کاران، صص ۶۴۰ ۶۴۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۵؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۸۸.

بابویه در شهر ری به خاک سپرده شد. برخی از ترجمه ها و نوشته های او عبارت اند از: ۱. ترجمه در جست وجوی خوشبختی نوشته جان لاباک آویبوری ۲. ترجمه زندگانی محمّد صلی الله علیه و آله ، در دو جلد، نوشته محمّدحسنین هیکل ۳. ترجمه مروج الذّهب ۴. ترجمه التّنبیه و الاشراف ۵. نهج الفصاحه ۶. تمدّن اسلام ۷. ترجمه تاریخ طبری ۸. ترجمه قرآن مجید ۹. املاء یا دستور نوشتن ۱۰. علی علیه السلام ابر مرد تاریخ ۱۱. عشق مخفی ۱۲. دخترک دهقان ۱۳. سیر تکامل عقل نوین و غیره(۱).

میرزا ابوالقاسم امام جمعه

حاج میرزا ابوالقاسم بن حاج میرزا زین العابدین بن حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه (خاتون آبادی اصفهانی تهرانی)، عالم فاضل پدر و جدّش امام جمعه تهران بوده اند. در دوشنبه ۲۲ ذی قعده ۱۲۸۲ق در تهران متولّد شد، و پس از تحصیلات مقدّماتی راهی نجف اشرف گردید، و از محضر علمای اعلام آن دیار، خصوصا میرزا حبیب اللّه رشتی و میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی مستفیض شد، و به تهران مراجعت نمود. وی پس از وفات پدر، امام جمعه تهران گردید، و در قضایای مشروطه، از طرفداران پادشاه و مستبدّین به شمار می رفت. سرانجام در ۲۶ جمادی الثّانی ۱۳۴۶ق در تهران وفات یافت. وی را تألیفاتی است ازجمله: ۱. رساله در تسامح ادلّه سنن ۲. رساله در قاعده ضرر ۳. رساله در منجزات مریض(۲)؛ هر سه اثر به چاپ رسیده است.

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم بن سلطان محمّد بن محمّد بن حاج محمّد اصفهانی، فاضل خطّاط در قرن دهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب بیان تألیف شهید اوّل علیه الرّحمه که آن را در چاشت روز جمعه دهم شوّال سال ۹۵۶ق به پایان رسانیده، و نسخه، مقابله شده است. کتاب به شماره ۷۹ در کتابخانه رضوی قم موجود است.(۳)

۱- دیباچه دیار نون، صص۱۵۴ ۱۵۵؛ سیمای دانشوران در شرح حال علماء و نویسندگان نجف آباد، صص۶۴ ۷۱؛ آیینه اهل قلم، صص۱۰۸ ۱۱۰؛ نادره کاران، صص۵۴۸ ۵۴۹.

۲- اعیان الشّیعه، ج۸، ص۱۰۱؛ نقباءالبشر، ج۱، صص۶۸ ۶۹؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۲۲۹؛ مکارم الآثار ج۷، صص۲۴۴۸ ۲۴۵۰.

۳- آشنایی با چند نسخه خطّی، ج۱، ص۱۳.

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم اصفهانی پسر شیخ شهاب الدّین، از غزل سرایان زمان شاه تهماسب صفوی.(۱)

شیخ ابوالقاسم اصفهانی

شیخ ابوالقاسم بن عبدالرزاق اصفهانی. عالم فاضل کامل. در سال ۱۳۰۴ متولد شد. در اصفهان از درس میرزا ابوالقاسم زفره ای، شیخ علی یزدی آخوند ملا عبدالکریم گزی، میرمحمدصادق خاتون آبادی، آخوند کاشی و سید محمد باقر و سید مهدی درچه ای و در نجف اشرف نیز از درس آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، سید محمد فیروزآبادی، شیخ ابراهیم اردبیلی و شیخ احمد شانه ساز بهره برد. در سال ۱۳۳۶ق به اصفهان مراجعت کرد و در ۱۳۴۱ق به قم رفت و ضمن استفاده از درس حاج شیخ عبدالکریم حائری به تدریس پرداخت. وی در شوال ۱۳۸۴ق وفات یافت و در قبرستان شیخان قم مدفون شد.(۲)

شیخ ابوالقاسم نورایی

در حدود سال ۱۲۳۰ق در قریه ورنوسفادران متولّد گردیده، و نزد علمای سده و اصفهان ازجمله حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی و آقا میرسیّدحسن مدرّس میرمحمّدصادقی تحصیل و تلمّذ نموده است. وی در مولد خود، مسجد و محراب، و ریاست علمی و روحانی داشت، و سرانجام در سال ۱۳۰۵ق در سِدِه وفات یافت، و همان جا مدفون گردید. صاحب عنوان، تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته تحریر درآورده، و تألیفاتی داشته که از آن جمله است: ۱. رساله در اجتهاد و تقلید ۲. کشف الاصول در شش مجلّد بزرگ ۳. کشف الفقه، در شش مجلّد بزرگ(۳).

۱- تاریخ نظم و نثر فارسی، ج۲، ص۶۶۶.

۲- آثار الحجه ج ۱ ص ۳۸، آینه دانشوران ص ۲۰۷، تربت پاکان قم ج ۱ ص ۲۵۶.

۳- الذّریعه، ج۱۸، صص ۲۰ و ۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۹۸۶ ۹۸۷؛ بیان المفاخر، ج۱، صص۲۵۴ ۲۵۵.

شیخ ابوالقاسم دولت آبادی

حاج شیخ ابوالقاسم دولت آبادی فرزند عبّاس، عالم فاضل زاهد. در سال ۱۲۹۸ق در دولت آباد اصفهان متولّد [شد]، و در اصفهان نزد آقا سیّدابوالقاسم دهکردی، آقا میرزا احمد مدرّس، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، حاج میرمحمّدصادق خاتون آبادی و آخوند ملّاعبدالکریم گزی تلمّذ نمود، آن گاه به نجف اشرف مهاجرت کرد، و نزد آقا میرزا محمّدحسین نایینی، حاج میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی و آخوند ملّامحمّدکاظم خراسانی به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت، و از اساتید خویش و نیز آقا سیّدابوالحسن اصفهانی مدیسه ای اجازه روایت و اجتهاد دریافت نمود. آن گاه به اصفهان بازگشت، و در مدرسه نیماورد به تدریس پرداخت. گاهی در اصفهان و گاهی در دولت آباد بود، و سرانجام در ۲۶ ذی حجّه الحرام ۱۳۶۶ق به سنّ متجاوز از هفتاد سال وفات یافت، و در امام زاده شاه زاده محمود دولت آباد مدفون گردید. رسائلی در فقه و اصول نوشته، و حاشیه ای بر ذخیره المعاد آیت اللّه اصفهانی نوشته که به چاپ رسیده است.(۱)

سیّدابوالفضل میرلوحی*

سیّدابوالفضل میرلوحی فرزند سیّدعبدالحسین، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۰۱ش در یزدآباد فلاورجان متولّد شد.

وی در اصفهان به تحصیلات حوزوی پرداخت، و ادبیّات عرب و بخشی از سطوح را آموخت. مصاحبت با عالم زاهد، میرزامحمّد درچه ای که دارای مشی اخباری بود، او را از ادامه تحصیل مرسوم حوزوی بازداشت، و تنها به مطالعه در اخبار، اکتفا نمود. وی با عارف سالك، سیّدزین العابدین طباطبایی ابرقویی و عالم فرزانه، حاج آقا رحیم ارباب مأنوس بود.

وی سال ها در یزدآباد به اقامه نماز جمعه می پرداخت. بسیار اهل عبادت و تهجّد و ادای نوافل بود. او از راه کشاورزی امرار معاش می نمود، و از دریافت وجوهات شرعی خودداری می کرد. ایشان سرانجام در ۲۰ خرداد ۱۳۸۰ش وفات یافت، و در یزدآباد، جنب قبر پدر و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۰۶ ۲۰۷؛ مزارات اصفهان، صص۲۶۸ ۲۶۹.

برادرش مدفون شد. کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. خورشید درخشان ۲. دو گواه بزرگ بر صدق نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۳. مقام زن در اسلام ۴. اسراف های گوناگون(۱).

میرزا ابوالقاسم کوپایی

حاج میرزا ابوالقاسم کوپایی فرزند حاج عبدالحسین بن محمّدحسن، از مردمان نیکوکار و تجّار محترم و مورد اعتماد مراجع بزرگوار تقلید. وی در حدود سال ۱۳۲۱ق متولّد شده، و در زمان خود، نماینده تامّ الاختیار آیت اللّه العظمی اصفهانی و آیت اللّه العظمی بروجردی و عموم مراجع بعد از ایشان بوده، و در مدّت عمر خود، مصدر خدماتی گردیده که از آن جمله است:

ساختمان حسینیّه و حمّام و زوّارخانه در سامرّاء، تعمیرات مدارس دینی اصفهان، تعمیرات و ساختمان امام زاده زینبیّه اصفهان، تعمیرات بقعه علاّمه مجلسی و بنای کتابخانه ای به نام آن علاّمه عالی قدر، بانی ساخت ضریح حضرت ابوالفضل علیه السلام به امر آیت اللّه العظمی حکیم، و ساختن در، جهت مرقد مطهّر کاظمین علیهماالسلام .

سرانجام این شخص خدوم و نیکوکار در شب سه شنبه ۲۸ جمادی الثّانی ۱۴۱۱ق وفات یافت، و در ایوان غربی رواق پشت سر مقبره علاّمه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون گردید.(۲)

میرزا ابوالقاسم قاضی

میرزا ابوالقاسم قاضی بن شیخ عبدالرّحیم، عالم فاضل، از احفاد ملاّمحمّدباقر محقّق سبزواری است. مشارٌ الیه قاضی اصفهان بوده، و ساختمان شبستان بزرگ مسجد علی قلی آقا به همّت او در سال ۱۲۹۷ق بنا شده است. وی سال ها در مسجد علی قلی آقا اقامه جماعت می نموده، و سرانجام در سال ۱۳۱۷ق وفات یافته است، حاج آقا مجلس

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

۲- مزارات اصفهان، صص ۳۲ ۳۳.

فرزند آقاابوجعفر بن صدرالدّین عاملی داماد او است.(۱)

ملّاابوالقاسم ریزی لنجانی

آخوند ملّا ابوالقاسم بن ملّا علی ریزی لنجانی، فاضل ادیب، از نویسندگان کتب در قرن ۱۳ هجری.

از آثارش: ۱. در تاریخ ۱۲۵۲ جلد یازدهم بحارالانوار علّامه مجلسی را به خطّ نسخ کتابت نموده است. کتاب به شماره ۲۷۱۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. ۲. در تاریخ ۱۲۸۲ کتاب مجمل اللّغه تألیف ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریّا را به خطّ نسخ کتابت نموده است. کتاب به شماره ۳۹۸۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است. ۳. در تاریخ ۱۲۹۱ جلد پانزدهم بحارالانوار تألیف علّامه مجلسی را به خطّ نسخ، کتابت نموده است. کتاب به شماره ۲۷۱۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

میرزا ابوالقاسم زفره ای

حاج میرزا ابوالقاسم زفره ای معروف به «حاج آخوند» فرزند ملّاعلی [عرب] عالم فاضل، از محدّثین و مدرّسین اصفهان است، و اغلب علمای اصفهان از شاگردان او بودند. در تدریس ادبیّات عرب مهارت بسیاری داشته، در علوم غریبه، جفر، اعداد و طلسمات نیز زحمات فراوانی کشیده بود، و تسخیر اجنّه و غرائب دیگر را بدو نسبت می دادند. [سال ها در مدرسه میرزا مهدی بیدآباد تدریس می کرد]. سرانجام در دوشنبه ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۵۲ق به سنّ قریب نود سال وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد. کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله است: ۱. رساله در اصول دین ۲. کتابی در علوم غریبه ۳. کتاب در قاعده دایره هندی ۴. رساله در مکروهات، [رساله اصول دین به ضمیمه رساله در مکروهات در سال ۱۳۱۶ق در اصفهان چاپ سنگی شده است](۳).

۱- نقباءالبشر، ج ۱، ص۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۱۱۸.

۲- فهرست مجلس، ج ۱۰، ص ۲۱۴۱؛ فهرست مرعشی، ج۷، صص ۲۸۰ و ۲۸۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص۲۰۸ ۲۰۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص۸۵؛ دیوان اشعار سیّدابراهیم سرّی، مقدّمه، یاداشت های آقای محمّدحسن رجایی زفره ای.

ابوالقاسم نژند اصفهانی

ابوالقـاسم عریضـی متخلّص به «نژنـد» فرزنـد سـیّدعلی اصـغر، شـاعر ادیب، در سال ۱۳۰۳ خورشـیدی در اصـفهان متولّـد شد، تحصـیلات ابتدایی و متوسّـطه را در اصـفهان انجام داد، و در تهران، دانشـکده حقوق را در رشـته قضایی به پایان رسانید. بعدا وارد فرهنگ شد، از شـعرای باذوق و خوش قریحه اصفهان بود، و اشعار و مقالاتش در روزنامه های اصفهان به طبع می رسید. کتب چنـدی تـألیف نمود؛ از آن جمله است: ۱. اسـرار الماس مفقود شده ۲. در تیرگی هـای اجتماع ۳. در گرداب زندگی ۴. منتخبی از اشعار شعرای معاصر و غیره.

[از او است:

گذاری بعد مرگم گر قدم بر تربتم بینی که بوی عشق برخیزد ز مغز استخوان من(۱)]

میرزا ابوالقاسم راجی بیدآبادی

میرزا ابوالقـاسم بن علی اکبر بیـدآبادی شاعر ادیب فاضل، متخلّص به «راجی» متوفّی ۱۳۰۱ق کتب زیر از تألیفـات او است: ۱. حقـایق النّبویه، یـا حقایق ناصـری، منظوم، به فارسـی، مطبوع ۲. دیوان اشـعار ۳. علاـج الاـمراض بالادویه و الادعیه ۴. همیان، مثنوی مانند موش و گربه، در نقد اجتماعی به صورت فکاهی. علاّمه تهرانی در نقباء البشـر می فرماید: کلّیه آثار او نزد مرحوم آقاابوالقـاسم اصـفهانی نجفی موجود است. برادرش نیز به نام میرزا نصـراللّه در سال ۱۳۱۳ وفـات [یافته]، و فاضل بوده، و عمر معقولی کرده است.(۲)

سیّدابوالقاسم سدهی

آقا سیّدابوالقاسم بن سیّدمحمّدعلی حسینی سدهی، عالم فاضل واعظ کامل، در تهران ساکن بود، و به وعظ و خطابه، مردم را ارشاد می نمود، سرانجام در مکّه معظّمه پس از

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۰۷.

۲- اعیان الشّیعه، ج۷، ص۷۵؛ الذّریعه، ج۷، ص۳۶ و ج۱۵، ص۳۱۰ و ج۲۵، ص۲۴۵؛ نقباء البشر، ج۱، ص۷۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۲.

انجام فریضه حج در سال ۱۳۳۹ق وفات یافت. وی برادر عالم جلیل سیّدمحمّدباقر ابطحی مدرّس حوزه علمیّه اصفهان است. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. بدایع الاخبار، در اخلاق ۲. بشاره الابرار در احوال شیعه الکرار فی دار القرار، در چهل هزار بیت ۳. برهان الرّساله در اثبات نبوت خاصّه ۴. حسام الشّیعه، در اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام ۵. خصایص الایّام در وقایع الایّام ۶. دلائل الرّبوبیه، مطبوع ۷. لمعات الانوار، مطبوع ۸. نفایس الاخبار، مطبوع و غیره. صاحب عنوان در سال ۱۳۱۷ کتاب کشف الغطاء تألیف شیخ جعفر نجفی را به کمک دایی خود مرحوم میرزا عبدالرّحیم معروف به حاج آقا تصحیح [کرده]، و در مطبعه سیّدمرتضی به چاپ رسانیده است.(۱)

شیخ ابوالقاسم صدرالعلماء دهاقانی*

حاج شیخ ابوالقاسم دهاقانی ملقّب به «صدرالعلماء» فرزند ملّامحمّدعلی دهاقانی، عالم فاضل مجتهد، در سال ۱۲۶۳ق در دهاقان تولّد یافت، و در اصفهان نزد جمعی از علماء، ازجمله شیخ محمّدباقر مسجدشاهی، آقا سیّدمحمّدهاشم چهارسوقی و دیگران تحصیل نمود، سپس برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات مشرّف شد، و از محضر علمای آن جا خصوصا میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) بهره مند شد، و به اجتهاد نائل آمد. وی در سال ۱۳۰۵ق به مولد خود بازگشت، و به تبلیغ و ترویج دین پرداخت، سپس به مشهد مقدّس مشرّف شد، و هشت سال در آن سرزمین مقدّس مجاور گردید. سرانجام به دهاقان بازگشت، و باقی عمر را به عبادت و تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت گذرانید تا این که در سال ۱۳۵۴ق وفات یافت. پیکرش به نجف اشرف حمل، و در قبرستان وادی السّلام مدفون شد.(۲)

میرزا ابوالقاسم قدسی

آقامیرزا ابوالقاسم خوشنویس فرزند میرزا محمّدعلی قاری، خوشنویس فاضل.

۱- نقباء البشر، ج۱، ص۷۲؛ الذّریعه، ج۷، ص۱۲ و ج۱۸، ص۳۴۴ و ج۲۴، ص۲۴۹؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۲.

۲- سیمای دهاقان، ص۲۶۱؛ اسره المجدّد الشّیرازی، ص۱۰۷.

پدرش و برادرانش به ویژه میرزا عبدالحسین قدسی، از خوشنویسان معروف اصفهان بودند. خود او خطّ نسخ را با استادی می نوشت، و قرآن را با خطّ زیبای خود کتابت کرده که به طبع رسیده است. سال ها در مدرسه و دبیرستان قدسیّه به تدریس مشغول بود، تولّدش در ۲۴ صفر سال ۱۲۹۶ و وفاتش در جمادی الثّانی ۱۳۷۵ روی داد. در تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد. مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم نیّر گوید:

سال تاریخ وفات خال خود نیّر نگاشت: «شد بقدسی مسکن بوالقاسم قرآننویس»(۱)

سیّدابوالقاسم بدری

آقا سیّدابوالقاسم بدری بن آقا سیّدمحمّدعلی حسینی سینی برخواری فاضل ارجمند، در مدرسه گلبهار از مدارس جدید اصفهان تدریس می کرد، و بنده [سیّدمصلح الدّین مهدوی، مؤلّف کتاب] از محضر او در ایّام تحصیل استفاده کرده ام. در سال ۱۳۹۸ق وفات یافت، و در قسمت شرقی تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

سیّدابوالقاسم بیدآبادی

آقا سیّدابوالقاسم بیدآبادی فرزند حاج سیّدمحمّدعلی بن حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی، عالم فاضل. ظاهرا در خدمت پدر بزرگوار و عمّ عالی مقدار خود حاج سیّداسداللّه بیدآبادی و دیگر بزرگان اصفهان تلمّذ نموده، و احتمالاً پس از وفات، در بقعه سیّد حجّت الاسلام مدفون گردیده است. مشارٌالیه داماد مرحوم حاج میرزا ابوالفضل بن حاج میرزا زین العابدین بن سیّد حجّت الاسلام بوده است.(۳)

ابوالقاسم خوزانی

ابوالقاسم بن محمّدعلی خوزانی سِدِهی اصفهانی، فاضل خطّاط در قرن سیزدهم

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ۷۶۸؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۲۳.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۰.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۸۴؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۴.

هجری، از آثار او کتابت نسخه ای از الفطره السّلیمه تألیف حاج محمّدکریم خان کرمانی در هشتم ربیع الثّانی ۱۲۸۲ق به خطّ نسخ است که به شماره ۱۰۵۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت

میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت معروف به گوگردی فرزند میرزا محمّدعلیّ بن حاج محمّد یزدی، عالم فاضل، حکیم جامع، عابد زاهد و طبیب حاذق، از اطبّاء مشهور و مدرّسین طبّ قدیم در اصفهان. جدّش حاج محمّد از یزد به اصفهان آمده، و در محلّه احمدآباد ساکن گردید، و ظاهرا حمّام احمدآباد از آثار خیریّه او است. در حدود ۱۲۷۸ق در اصفهان متولّد شد، و نزد میرزا ابوالحسن پاقلعه ای، میرزا ابوالقاسم مدرّس رشتی، حاج میرزا محمّدباقر حکیم باشی، جهانگیرخان قشقایی، میرزا عبدالعلی مرندی و آخوند کاشی و جمعی دیگر به تحصیل پرداخت. ایشان از اطبّاء مشهور و صاحبان نفس قدسی بود. سال ها در مدرسه حاج حسن جنب مسجد علی مقابل هارون ولایت به تدریس و نیز مداوای بیماران اشتغال داشت، و کتاب قانون را تدریس می نمود. ایشان سرانجام در دوشنبه ۲ ربیع الثّانی ۱۳۷۱ق به سنّ ۹۰ سالگی وفات یافته، بیرون بقعه مادرشاه زاده در تخت فولاد مدفون شد. رساله افیونیّه به فارسی از تألیفات او است.(۲)

میرزا ابوالقاسم امام جمعه

سیّدابوالقاسم امام جمعه ابن میر محمّد محسن بن سیّدمرتضی بن سیّدمحمّدمهدی بن میرمحمّدحسین بن میر محمّدصالح بن میر زین العابدین بن میر محمّدصالح حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل فقیه مجتهد، در ۶ ذی قعده ۱۲۱۵ق در اصفهان متولّد شد. وی از اصفهان به تهران مهاجرت کرد، و از درس ملّامحمّدتقی استرآبادی و ملّاعبداللّه زنوزی بهره گرفت. سپس به عتبات عالیات عزیمت نمود، در درس شیخ حسن آل کاشف الغطاء و

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۴۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۱۳؛ هشت بهشت، مقدّمه.

دیگران حاضـر شـد، و علـوم خـویش را تکمیـل نمـود، و آن گـاه بـه تهران مراجعـت کرد. وی از سـال ۱۲۶۲ پس از وفـات میرمحمّدمهـدی امـام جمعه عموی خود به منصب امـام جمعگی تهران منصوب شـد، و علاوه بر این سـمت، به تـدریس و حلّ مشـکلات مردم، و تألیف و تصـنیف پرداخت، و ریاست دینی پایتخت را برعهده گرفت. او سـرانجام در دوشنبه ۱۵ ربیع الاوّل ۱۲۷۲ق در تهران وفات یافت، و در بیرون دروازه قـدیم تهران مدفون گردید، و بر سـر قبر او گنبد و بارگاه عالی ساختند، و به سر قبرِ آقـا معروف شـد. کتب زیر از تألیفـات او است: ۱. البلـدان المفتوح العنوه ۲. رساله عملیّه فارسـی، مطبوع ۳. کتابی در تحقیق بعضی مسائل اصولی ۴. منتخب الفقه.(۱)

ابوالقاسم ریاحی چهارمحالی

ابوالقـاسم ریـاحی بنی فرزنـد محمّـد، شـاعر ادیب، در سال ۱۳۱۲ خورشـیدی در قریه بن (به کسـر بـاء) از بلـوک چهارمحـال اصـفهان متولّـد گردیـد، دوره دبیرسـتان را در اصـفهان در رشـته ادبی به پایان رسانید، و در آن جا ساکن شد. در انجمن ادبی کمال شرکت می کرد. [از او است:

بهار آمد جهان اکنون به مانند جنان باشد درختان را به تن زان رو قبا از پرنیان باشد(۲)]

ابوالقاسم اصفهانی

ابوالقاسم بن حاج محمّد اصـفهانی، فاضل خطّاط در قرن سیزدهم هجری ظاهرا در یزد ساکن بوده [است]. از آثار او نسخه ای از قرآن مجیـد است که آن را در محرّم ۱۲۳۳ به خطّ نسـتعلیق نوشته، و نسخه نام برده به شماره ۱۶۵۱ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۳)

۱- چهـل سـال تاریـخ ایران (المـآثر و الآثار)، ج۱، صص۱۹۱ ۱۹۲؛ مکـارم الآثار، ج۲، صص۵۴۷ ۵۴۹؛ الکرام البـرره، ج۱، صص۶۲ ۶۴؛ الـذّریعه، ج۳، صص۱۴۵ ۱۴۶ و ج۱۱، ص۲۱۲؛ شـرح حـال رجـال ایران، ج۱، ص۵۵؛ دانشـمندان و بزرگـان اصفهان، ج۱، ص۲۱۳؛ اعیان الشّیعه، ج۸، ص۱۵۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۲۵.

۳- فهرست کتابخانه وزیری یزد، ج۳، ص۱۰۱۴.

سیّدابوالقاسم حسینی اصفهانی

سیّدابوالقاسم بن سیّدمحمّد حسینی اصفهانی، فاضل خطّاط قرن سیزدهم از آثارش کتابت نسخه ای است از وجیزه در درایه تألیف جناب شیخ بهایی که آن را در سال ۱۲۴۵ نوشته، و نسخه، پیوست کتاب من لا یحضره الفقیه به شماره ۴۱۸ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۱) هم چنین در تاریخ ربیع الثّانی سال ۱۲۳۰ کتابت نسخه ای از کتاب سرور الشّیعه تألیف ملّاعبداللّه بن علیّ بن مهدی بروجردی را به خطّ نسخ به پایان رسانیده، کتاب به شماره ۷۰۴۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)اثر دیگر از او جلاء العیون تألیف علاّمه مجلسی که در رجب ۱۲۳۶ به خطّ ثلث و نسخ کتابت آن را به پایان رسانیده، نسخه به شماره ۴۹۷۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۳) اثر دیگر، عین الحیاه تألیف علاّمه مجلسی است که به خطّ نسخ در سال ۱۲۳۰ق کتابت نموده، و به شماره ۱۳۱ در کتابخانه مسجد گوهرشاد در مشهد موجود است.(۴)

ملّاابوالقاسم گلپایگانی

ملّاابوالقاسم بن محمّد گلپایگانی، عالم فاضل، از دانشمندان نیمه اوّل قرن یازدهم هجری است. وی در اصفهان به تدریس و تحقیق مشغول بوده، و میرمحمّدقاسم طباطبایی قهپایی از او اجازه روایت دارد. هم چنین ملّاعلی گلپایگانی از او اجازه دریافت نموده که در بخش اجازات کتاب بحارالانوار ضبط شده است.(۵) ملّاابوالقاسم گلپایگانی تألیفاتی دارد ازجمله: ۱. رساله در فقه، موجود در کتابخانه حاج سیّدمهدی لاجوردی قمی.(۶) ۲. منهاج العلیّه.(۷)

سیّدابوالقاسم نایب الصّدر اصفهانی

ابوالقاسم نایب الصّدر بن سیّدمهدی موسوی اصفهانی عالم فاضل ادیب در قرن

۱- فهرست مدرسه عالی سپهسالار، ج۱، ص ۳۳۰.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۱۸، ص۲۱۷.

۳- فهرست کتابخانه مجلس، ج۱۴، ص ۲۷۰.

۴- فهرست گوهرشاد، ج۱، ص۱۵۳.

۵- علاّمه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص۸۸ و ۱۷۷.

۶- آشنایی با چند نسخه خطّی، ج۱، ص۱۰۷.

۷- الذّریعه، ج۲۲، ص۳۲۸.

سیزدهم هجری. از آثارش کتابت: ۱. کتاب تجوید، تألیف محمّدزمان تبریزی است که آن را در سال ۱۲۶۴ به خطّ نسخ نوشته، و به شماره ۱/۱۷۱۰ در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد مقدّس موجود است. ۲. کتاب تصریف زنجانی را در سال ۱۲۶۴ق در شیراز به خطّ شکسته نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۲/۱۷۱۰ در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد مقدّس وجود دارد.(۱)

میرزا ابوالقاسم کلباسی «شیخ العراقین»

حاج میرزا ابوالقاسم معروف به «شیخ العراقین» فرزند آقا محمّدمهدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل محقّق، مادرش دختر حاج سیّدمحمّدباقر بیدآبادی است. در اصفهان متولّد شد، و نزد پدر به تحصیل پرداخت. سپس در نجف اشرف در محضر درس شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمّدحسین کاظمینی حاضر، و سپس به انجام وظایف دینی خود مشغول شد. وی سرانجام در سال ۱۳۰۸ق (سال وفات استادش کاظمینی) وفات نمود، و در صحن مطهّر حضرت علی علیه السلام در نجف مدفون گردید. کتب زیر از او است: ۱. شرح کتاب اصول پدرش ۲. کتابی در اصول در دو مجلّد ۳. کتابی در صلاه. این کتاب ها نزد عالم جلیل سیّدمحمّد حجّت (کوه کمری) موجود بوده است.(۲)

سیّدابوالقاسم فریدنی

آقا سیّدابوالقاسم موسوی شاهکرمی فریدنی بن حاج سیّدمحمّدهاشم، عالم فاضل، در اصفهان نزد آقا سیّدابوالقاسم دهکردی، حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی، آخوند ملّامحمّدحسین فشارکی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، حاج شیخ مهدی نجفی و حاج میرمحمّدصادق مدرّس خاتون آبادی تحصیل کرده، و سپس به تدریس پرداخته است. وی در مسجد درکوشک اقامه جماعت می نمود، و ربیع الاوّل ۱۳۸۴ق وفات یافت، و در تکیه مقدّس

۱- فهرست گوهرشاد، صص۷۹ و ۲۴۸.

۲- نقباء البشر، ج۱، صص۷۶ ۷۷؛ الذّریعه، ج۱۵، ص۵۴؛ ماضی النّجف، ج۳، ص۲۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۵۵؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۱۷۲ ۱۷۳؛ معجم رجال الفکر و الادب، ج۳، ص۱۰۶۶؛ خاندان کلباسی، صص۱۵۳ ۱۵۴.

مدفون شد.(۱)

میر ابوالقاسم فندرسکی

میر سیّدابوالقاسم بن میرزا بیک بن میرصدرالدّین حسینی موسوی فندرسکی استرآبادی معروف به «میرفندرسکی» حکیم فیلسوف، عارف مرتاض و شاعر ادیب. از اکابر حکماء و اجلّه فلاسفه و عرفاء است، و همگان به عظمت، بزرگی، جامعیّت، زهد و تقوای او اذعان دارند. در سال ۹۷۰ق در قریه «فندرسک» از توابع استرآباد [گرگان فعلی] متولّد شده، و نزد علمای بزرگ روزگار خود همچون کمال الدّین چلبی بیک تبریزی، خواجه افضل الدّین محمّد ترکه اصفهانی، میرمحمّدباقر استرآبادی (میرداماد) و میر برهان الدّین اشراق استرآبادی تحصیل نموده است. وی به هند سفر کرده، و خدمت عرفاء و بزرگان آن دیار رسیده، و تجربه ها اندوخته، و در ضمن، جهت ترویج دین اقدام نموده است. وی پس از چندین سفر در اصفهان اقامت گزیده، و به تدریس و تحقیق پرداخته است. شاه صفی او را احترام بسیار می نمود؛ امّا میر به او اعتنایی نداشت. از محضر درس او ده ها شاگرد دانشمند برخاسته اند. سرانجام در سال ۱۰۵۰ق وفات یافت، و در تکیه ای مخصوص که به نام او تکیه میر نامیده می شود، در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفات او این است:

تاریخ وفاتش ز خرد جستم گفت: «صد حیف ز آفتاب اوج دانش»

مشارٌالیه طبع شعر داشته، و گاهی اشعاری می سروده، معروف ترین سروده او قصیده حکمی و عرفانی او است با این مطلع:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی صورتی در زیر دارد آن چه در بالاستی

که آن را به پیروی از ناصرخسرو قبادیانی سروده است. قصیده یاییّه میرفندرسکی مورد توجّه عرفاء و شعرا بوده، و بر آن شرح نوشته اند؛ ازجمله شرح محمّدصالح بن سعید خلخالی، شرح حکیم عبّاس شریف دارابی موسوم به تحفه المراد، و شرح محسن بن

۱- تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۲۰۰ و اطّلاعات شخصی نویسنده.

محمّد گیلانی، و دو شرح اوّل به طبع رسیده است. هم چنین این قصیده را امیرمحمّدعلی هندی تخمیس نموده که ابتدای آن این است:

ای که ذاتت در دو گیتی مظهر اسماستی جوهری دهر را چون لؤلو لالاستی

بشنو از انجام خود حرفی که از مبداستی چرخ با این اختران نغز و خوش زیباستی

صورتی در زیر دارد آن چه در بالاستی

کتب زیر از تألیفات ایشان است: ۱. اجازه به ملّاحسنعلی تستری، مطبوع ضمن اجازات بحارالانوار ۲. برهان الابصار ۳. تاریخ الصّفویه ۴. تحقیق المزلّه ۵. تخمیریّه ۶. ترجمه شذور الذّهب ۷. تفسیر قرآن ۸. جواب سؤالات ملّامظفّر حسین کاشانی، مطبوع در کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران ۹. حاشیه جوک باشست ۱۰. رساله حرکت، مطبوع در کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران ۱۳. رساله صناعیّه، مطبوع ۱۴. رسالهٌ فی ارتباط الحادث بالقدیم ۱۵. رسالهٌ فی حقیقه الوجود ۱۶. رسالهٌ فی معقولات العشر ۱۷. زیبق، مطبوع در کتاب مجموعه رسائل خطّی فارسی ۱۸. قصیده یائیّه، مطبوع ۱۹. کشف اللّغات «جوک باشست» ۲۰. منتخب «جوک باشست» ۲۱. منظومه فی الکیمیا. میرفندرسکی کتابخانه ای ارزشمند با کتاب های نفیس داشته که پس از وفات، کتاب های آن را به کتابخانه شاه صفی انتقال داده اند. این شعر از او است:

شرب مدام شد چو میسّر مدام به چون می حرام گشت، به ماه حرام به

یک بوسه از رُخت ده و یک بوسه از لبت تا هر دو را چشیده بگویم کدام به(۱)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص۲۲۱ ۲۲۳؛ وقایع السّنین و الاعوام، صص۵۱۴ ۵۱۵؛ طرائق الحقایق، ج۳، صص۱۵۸ ۱۵۹؛ ریاض العلماء، ج۵، صص۴۹۹ ۵۰۲؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۱۸ و ج۴، صص۳۵۷ ۳۶۰، شرح حال میرداماد و میرفندرسکی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۶، صص۱۶۹ ۱۷۳؛ الرّوضه النّضره، صص ۴۵۰ ۴۵۱؛ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج۱، صص۸۵ ۸۸؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۲۸۹ ۲۹۲؛ تاریخ فلسفه در اسلام، صص۴۴۷ ۴۶۰؛ روضات الجنّات، ج۱، صص۲۴۲ ۲۴۶ و ج۵، ص ۳۸۰؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۳۵؛ الذّریعه، ج۳، ص۴۸۵ و ج۶، ص۳۹۵ و ج۱۸، صص۵۷ و ۴۸۹؛ قصص العلماء، صص۲۳۶ ۲۳۷؛ تذکره روز روشن، صص۲۵ ۲۶؛ مجمع الفصحاء، ج۴، صص۹ ۱۰؛ فرهنگ معین، ج۶، صص۱۳۷۹ ۱۳۸۰؛ از آستارا تا استرآباد، ج۵، صص۳۳۸ ۳۴۰؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص۵۴۳ ۵۴۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۲ و ۱۰۸؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۲، صص۳۷۸ ۳۷۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۹۷ ۲۰۰؛ اعیان الشّیعه، ج۷، ص۶۸؛ راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص۶۴ ۶۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۲۰۸ ۲۱۰؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص۲۱۷ ۲۱۸.

سیّدابوالقاسم تابش محمودیان*

حاج سیّدابوالقاسم تابش محمودیان، عالم فاضل، در اصفهان متولّد شد، و سپس به نجف اشرف مهاجرت نمود، نزد علمای اعلام به تحصیل پرداخت، و فقیهی جامع، و دانشمندی فاضل گردید. بیش از هفتاد سال در نجف اشرف اقامت داشت، و در سال ۱۳۷۰ق در آن دیار مقدّس وفات یافت. خطّ شکسته را خوش می نوشت.(۱)

ابوالقاسم تمیمی اصفهانی

ابوالقاسم تمیمی اصفهانی نسّابه، سیّدعزّالدّین اسماعیل بن حسین مروزی مؤلّف الفخری، از ورقانی در اثبات نسب جناب اسماعیل بن ابراهیم بن امام موسی الکاظم علیه السلام به قول او و جمعی دیگر از علماء نسب، استشهاد نموده است.(۲)

ابوالقاسم جاوید اصفهانی

میرزا ابوالقاسم مستوفی متخلّص به «جاوید» شاعر ادیب، از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود، و اشعارش در روزنامه های قدیم اصفهان همچون سحاب و غیره به طبع می رسید.

[از او است:

نیست حاجت رنجه کردن پنجه های نازنین کز نگاهی صد چومن آماج پیکان کرده ای(۳)]

۱- تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۲.

۲- الفخری، ص۱۴.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۸.

ابوالقاسم جلا*

ابوالقاسم خان جلا، از پیش گامان عکّاسی در اصفهان در سال ۱۲۹۴ق در اصفهان به دنیا آمد. وی نزد برادرش محمّد خان دیاری (دکتر صحّت) عکّاسی را فراگرفت، و نزد او در عکّاسی مرکزی در چهارباغ اصفهان به کار پرداخت، و سرانجام در سال ۱۳۱۳ش در خیابان چهارباغ، عکّاسی شرق را تأسیس کرد. وی از اوّلین عکّاسان خبری اصفهان بود، و با مطبوعات و مراکز مختلف، همکاری می کرد. وی سرانجام در سال ۱۳۵۸ش در اصفهان درگذشت.(۱)

شیخ ابوالقاسم حکّاک*

شیخ ابوالقاسم حکّاک اصفهانی، از هنرمندان اوایل قرن چهاردهم هجری بوده، و علاوه بر مهارت در هنر حکّاکی، در قلم زنی و تذهیب و خوشنویسی نیز توانا بوده، امّا به علّت کسادی بازار هنر، در فقر و فاقه به سر برده، تا آن که فوت شده است.(۲)

میرابوالقاسم خلیفه

میرابوالقاسم خلیفه اصفهانی از متولّیان آستانه مقدّسه رضویّه در زمان شاه تهماسب صفوی بوده، و تولیّت موقوفات واجبی را داشته است. توضیح: تولیّت آستانه مقدّسه دو قسمت بوده؛ تولیّت سنّتی ها: موقوفات مجهول المصرف؛ تولیّت واجبی ها: موقوفات معلوم المصرف.(۳)

استاد ابوالقاسم خواجویی

استاد ابوالقاسم خواجویی، از هنرمندان نقّاش قرن سیزدهم هجری بوده، در نقّاشی گل و بته و صورت سازی و منظره مهارت داشته، و آثاری در اصفهان پدید آورده است ازجمله

۱- چهره نگاران اصفهان، صص ۱۳۸ ۱۳۹.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۳۰ ۳۱.

۳- مکارم الآثار، ج۳، ص ۷۱۰.

نقّاشی و تزیینات خانه استاد همایی در محلّه پاقلعه به تاریخ ۱۲۸۸ق از آثار هنرمندانه او است.(۱)

ابوالقاسم خواجویی*

ابوالقاسم خواجویی، عالم فاضل ادیب شاعر، در اوایل قرن سیزدهم هجری می زیسته، و در سال ۱۲۲۲ق کتاب تحفه المرید را در موضوع علوم طبیعی تألیف نموده که به شماره ۸۸۱۲ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی در قم موجود است.(۲) شعر نیز می سروده است. این شعر از او است:

ستایش سزاوار ذاتی که هست بر قدرتش آسمان چیز پست

خداوند خلّاق انسان و جان که افلاک و انجم همه صنع آن

خداوند صنعتگر آب و خاک روان بخش اجسام اجرام پاک

خداوند انوار و عقل اثیر خداوند کیوان و بهرام و تیر

خداوند خورشید و ناهید و ماه خداوند گردون این ناوگاه(۳)

میرزا ابوالقاسم زیانی

میرزا ابوالقاسم اصفهانی متخلّص به «زیانی» شاعر ادیب، برادرش میرزا عنایت اللّه اصفهانی در دفترخانه سلطنتی دولت نادری، لشکرنویس بوده، و خود او نیز از طرف نادرشاه به وزارت دارالامان کرمان منصوب شده است. این رباعی از او است:

مجنون دل آزرده بی صبر و قرار می گشت به کوه و دشت با ناله و زار

خار و خس دشت را به مژگان می رُفت تا ناقه لیلی کند آسوده گذار(۴)

۱- دیوان طرب، ص۱۷۹؛ تاریخ اصفهان (مجلّد هنر و هنرمندان)، ص۳۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۲۳، صص۹ ۱۰.

۳- تذکره شاعران فارسی سرا، ص۸۷.

۴- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۵۱۹؛ الذّریعه، ج۹، ص۴۰۸؛ تذکره روز روشن، ص ۳۳۰؛ سفینه المحمود، ص۲۳۲.

میرزا ابوالقاسم شمس آبادی*

میرزا ابوالقاسم شمس آبادی، خطّاط هنرمند، در قرن سیزدهم هجری می زیست، و در خطّ شکسته استاد، و در دستگاه حکومت اصفهان، منشی باشی بود.(۱)

سیّدابوالقاسم سرّی

سیّد ابوالقاسم فرزند سید ابراهیم سری از شعرا و ادبای معاصر در سال ۱۳۱۳ ش متولد شد. از آثار او ترجمه کتاب اشرف افغان بر تختگاه اصفهان است.

سیّدابوالقاسم قاری

ابوالقاسم قاری، از فضلاء و دانایان قرائت و تجوید در اصفهان بود، طبع شعر نیز داشت، و در عهد شاه عبّاس دوم صفوی می زیست، در سال ۱۰۶۱ق منظومه ای در تجوید به نام لؤلوییّه سروده که بیت اوّلش این بیت است:

ای کلام از انتظام نام ذاتت در نظام وی ز شهد شکّرین شکرت زبان شیرین به کام(۲)

شیخ ابوالقاسم قاری

شیخ ابوالقاسم قاری اصفهانی، از علمای بزرگ و از دانایان به علوم قرآن بود، و از معاصرین حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام و از شاگردان او است. در قرآن و تجوید شاگرد ملّاابوالحسن خواجویی اصفهانی است از دیگر اساتید او میرزای قمی است. آقا محمّدمهدی کلباسی نیز از ارادتمندان صاحب عنوان بوده، و ظاهرا قرائت را نزد او تحصیل نموده است.(۳) وی در سلخ رمضان ۱۲۶۷ق کتابت حبل المتین فی معجزات امیرالمؤمنین علیه السلام تألیف شمس الدّین محمّد بن محمّد بدیع مشهدی را در نجف اشرف به

۱- جغرافیای اصفهان، ص۷۹؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۳۹.

۲- الذّریعه، ج۱۸، ص۳۷۷.

۳- الکرام البرره، ج۱، صص۴۳ ۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۶؛ بیان المفاخر، ج۱، صص۲۵۳ ۲۵۴.

پایان رسانیده است، کتاب به شماره ۱۷۷ در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

میرزا ابوالقاسم لاهیجی

میرزا ابوالقاسم لاهیجی، معروف به «جغد العرفاء» از عرفای ساکن اصفهان در عهد قاجاریّه است. در طرایق الحقایق ذکری از او شده است.(۲)

سیّدابوالقاسم مذهب باشی*

ابوالقاسم حسینی اصفهانی ملقّب به «مذهب باشی» از هنرمندان دوره فتحعلی شاه قاجار است. از تذهیب کاران درجه اوّل آن عهد بوده، و در نقّاشی قلمدان و فنون زرافشان و نقّاشی گل و بوته، هنرنمایی ها کرده است. وی تا سال ۱۲۲۲ق در قید حیات بوده است.(۳)

از آثار او تذهیب قرآنی است که جهت تقدیم به فتحعلی شاه قاجار نویسنده معروف زین العابدین بن عبدالنّبی قزوینی در سال ۱۳۲۲ نگاشته است، و این قرآن در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است.(۴)

ابوالقاسم معبّر اصفهانی

ابوالقاسم اصفهانی فاضل محترم مدّت چهل سال در اصفهان تعبیر خواب می نموده است. وی مؤلّف کتابی است به نام نخبه الاشیاء فی تعبیر الرّؤیا در یک مقدّمه و چند باب بر حسب حروف تهجّی و یک خاتمه. کتاب به شماره ۴۶۱۳ بدون تاریخ تألیف و یا کتابت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. نویسنده محترم فهرست، اظهار نظر می کند که نام کتاب باید نخبه الرّؤیا باشد.(۵)

۱- فهرست الهیّات مشهد، ج۱، ص۹۴.

۲- تاریخ تهران، بلاغی، ج۲، ص۴۲.

۳- هنر قلمدان، ص۱۴۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۱۸.

۴- گنجینه قرآن، ص۸۲.

۵- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج۱۴، ص۳۵۴۴.

سیّدابوالقاسم ملایری

سیّدابوالقاسم موسوی ملایری اصـفهانی، عالم فاضل بارع. از آثارش، تقریظی است بر کتاب توحید تألیف ناصرالاسـلام موحّد مکّی اصـفهانی که آن را در صفحه ۴۶ کتاب نام برده مرقوم داشـته است. نسخه کتاب توحید به شماره ۱۶۳ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

میرزا ابوالقاسم نشاط

میرزا ابوالقـاسم نشاط، از فضـلاء و شکسـته نویسان قرن ۱۳ هجری در اصـفهان بوده، از آثـارش کتـابت کتـاب گنجینه به خطّ شکسـته نسـتعلیق مورّخ شـعبان ۱۲۶۶ق اسـت، نسـخه به شـماره ۱۴۴۲ در کتابخـانه جـامع گوهرشـاد در مشـهد مقـدّس وجود دارد.(۲)

شیخ ابوالقاسم نصرآبادی

شیخ ابوالقاسم نصـرآبادی، ظاهرا از عرفاء و متصوّفه قرن هفتم یا هشتم هجری بوده، و در نصرآباد ماربین اصفهان ساکن بوده، و خانقاه داشته، و همان جا مدفون شده است(۳). سـردر و بنای خانقاه توسّط خواجه صدرالدّین علی طبیب نصرآبادی در سال ۸۵۴ق بنا شده که قسمتی از کتیبه سردر آن هنوز باقی است.(۴)

فایـده: این شـیخ ابوالقاسم نصـرآبادی، عارفی است غیر از شـیخ ابوالقاسم بن محمّـد بن محمویه نصـرآبادی نیشابوری، مجاور مکّه معظّمه و متوفّی به سال ۳۷۲ق.(۵)

سیّدابوالقاسم هرندی*

ابوالقـاسم هرنـدی عالم فاضل معاصـر در سال ۱۳۳۸ق در هرنـد متولّـد شد. در اصـفهان نزد شـیخ هبه اللّه هرندی، حاج شـیخ محمّدباقر ابطحی سدهی و حاج شیخ احمد فیّاض به تحصیل

۱- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۱۵۲.

۲- فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد، ص۱۶۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۸.

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۲۹.

۵- تذکره الاولیاء، ج۲، ص۲۶۱؛ طرایق الحقایق، ج۲، ص۲۱۰.

پرداخت. پس از آن به قم رفت، و از درس مدرّسین عالی قدری چون آیات عظام امام خمینی، مرعشی نجفی و گلپایگانی بهره مند شد. آن گاه به عتبات عالیات عزیمت نمود، و از درس آقا سیّدمحمّد و آقا سیّدنصراللّه اصفهانی مستفیض گردید. او برای تکمیل تحصیلات خود در نجف اشرف اقامت کرد، و در جلسه درس آیات عظام سیّدعبدالهادی شیرازی، خویی، حکیم، اصطهباناتی و شیخ موسی خوانساری حاضر شد. وی سال ها در نجف اشرف به تدریس سطوح مشغول بود. عاقبت به ایران مراجعت نموده، و در اصفهان به اقامه جماعت و سایر وظایف دینی پرداخت، و سرانجام در ۳۰ دی ۱۳۷۰ش (مصادف با سالروز شهادت امام محمّدباقر علیه السلام در قم وفات یافت، و در مزار علیّ بن جعفر در قم مدفون شد). فرزند برومند ایشان سیّدمحمّدعلی حسینی هرندی اوّلین روحانی شهید اصفهان در دوران دفاع مقدّس است. او در مهرماه ۱۳۵۹ در کوی ذوالفقاری آبادان در نبرد با متجاوزین عراقی به شهادت رسید.(۱)

ابومحمّد

ابومحمّد، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین و دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده، و از او با عنوان «الاستاد الاوحد ابومحمّد» یاد کرده است.(۲)

ابومحمّد اصفهانی

ابومحمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوعبداللّه جعفر بن محمّد بن حسین خزاز و عبدالرّحمان بن محمّد بن حماد روایت نموده، و حافظ حکایی و ابوبکر قرآنی از او حدیث روایت می نمایند.(۳)

ابومحمّد اصفهانی

ابومحمّد بن بامویه اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. ابوسهل عبدالملک

۱- یاداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۳- احقاق الحق، ج۱۷، صص۸۱ و ۴۷۱.

بن عبداللّه بن محمّد دشتی (۴۸۲ ۵۸۲ق) از وی حدیث شنیده است.(۱)

ابومحمّد بن یحیی

ابومحمّد بن یحیی بن زکریّا، از محدّثین اصفهان است، و مافرّوخی او را در ردیف معاصرین ذکر کرده است.(۲)

ابومحمّد خونجانی اصفهانی

ابومحمّد بن ابی نصر بن حسن بن ابراهیم خونجانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان، و از اهالی قریه «خونجان» است، از ابوالقاسم بن محمّد بن فضل طلحی اصفهانی و دیگران حدیث شنیده است.(۳)

ابومحمّد طیرانی

ابومحمّد طیرانی مقری، از دانشمندان اصفهان، و احتمالاً از قریه «طیران» اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین و از دانشمندان کلام و حدیث ذکر نموده است.(۴)

ابومحمّد ورّاق

ابومحمّد ورّاق، از محدّثین اصفهان است. احمد بن محمّد بن فراد تمیمی از او روایت می کند، و ابومحمّد از عبداللّه بن محمّد بن زکریّا حدیث نقل می کند.(۵)

[ظاهرا در قرن سوم می زیسته، و او همان ابومحمّد داوود بن عبدالرّحمان بن عطاش ورّاق است که از احمد بن موسی بن اسحاق انصاری روایت نموده است.(۶)]

۱- التّحبیر، ج۱، ص۳۴۵.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۱.

۳- اللّباب، ج۱، ص ۴۷۱؛ معجم البلدان، ج۲، ص۴۰۷.

۴- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۵- احقاق الحق، ج۱۴، ص۳۰۳.

۶- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۳.

ابوالمرجا

ابوالمرجا سبط عبدوس، از شعرای پارسی گوی اصفهان است. مافرّوخی در کتاب خود از او یاد کرده است.(۱)

ابومسعود رازی

شیخ ابومسعود بن فرّات رازی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او در ری متولّد گردید، و جهت اخذ حدیث به مصر، دمشق، کوفه، بغداد، جزیره، شام، یمن و اصفهان سفر کرد. او معاصر احمد بن حنبل بوده، و نزد او احترام بسیار داشته است. وی سرانجام در اصفهان ساکن شده، و به تربیت شاگردان و نقل حدیث پرداخت، و سرانجام در شعبان سال ۲۵۸ق وفات یافت، و قاضی ابراهیم بن احمد خطّابی بر او نماز گزارد، و محمّد بن عاصم وی را غسل داد، و در مقبره مردبان مدفون گردید.

برخی او را شیعه می دانند، و از او تجلیل می کنند، و برخی او را سنّی و صوفی می دانند. [ظاهرا بقعه ای بر سر مزار او بوده، و تا قرن ها مردم اصفهان آن جا را زیارت می کرده اند]، در سال ۸۹۵ق محمّد بن جلال الدّین عربشاه سردر بقعه شیخ ابومسعود را تجدید بنا کرد، و کاشی کاری نمود که هنوز باقی است، و در شمار آثار باستانی اصفهان به ثبت رسیده است. در اواسط دوره قاجاریّه، آقا سیّدصدرالدّین محمّد عاملی پس از تحقیق درباره احوال و مذهب شیخ ابومسعود، او را سنّی دانست، و مردم را تحریک نمود، و آنان قبر شیخ ابومسعود را تخریب کردند. در کتاب مزارات اصفهان اسامی تعداد کثیری از مشایخ و اساتید و راویان و شاگردان شیخ ابومسعود مذکور است، و کتاب مسند از او است.(۲)

۱- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۲؛ تهذیب التّهذیب، ج۱، صص۶۶ ۶۷؛ الاعلام، ج۱، ص۱۸۶؛ میزان الاعتدال، ج۱، صص۴۹ و ۶۰؛ خلد برین، صص۱۸۷ ۱۹۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۴؛ فوائد الرّضویه، ج۲، ص۴۶۰؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۱۶۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۱۵ ۲۱۶؛ مزارات اصفهان، صص۷۹ ۸۸؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۵۳؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۴۹؛ الذّریعه، ج۲۱، ص۴۰۵.

ابومسلم اصفهانی

ابومسلم محمّد بن بحر اصفهانی، ادیب، لغوی، نحوی، شاعر، کاتب، مفسّر، از دانشمندان قرن سوم و چهارم هجری. وی منصب کتابت داعی صغیر محمّد بن زید حسینی (م۲۸۷ق) را داشته است. در سال ۲۵۴ق متولّد شده، و از دانشمندان زمان خود بهره گرفته، و در ادبیّات، حدیث، تفسیر و سایر علوم عصر خود، مهارت یافته است. وی پیرو مذهب معتزله بوده، و چندی از طرف مقتدر عبّاسی حاکم قم، و سپس اصفهان بوده، و سرانجام در سال ۳۲۲ق وفات یافته است. کتب زیر از او است:

۱. جامع التّأویل در تفسیر قرآن، در چهارده جلد بر حسب رأی معتزله ۲. کتاب همزه ۳. النّاسخ و المنسوخ ۴. کتابی در نحو و غیره.(۱)

ابومسلم اصفهانی

ابومسلم محمّد بن علیّ بن محمّد بن حسین بن مهریزد اصفهانی، ادیب، مفسّر و محدّث معتزلی، و دانشمندان قرن پنجم هجری. وی در سال ۳۲۲ق متولّد شده، [ابوبکر بن مقری روایت نموده است که سعید بن ابی الرّجاء صیرفی، حسین خلّال و محمّد بن احمد کبریتی از وی روایت کرده اند.

برخی از مورّخان و تراجم نگاران او را شیعه دانسته، و ابراز عقیده کرده اند که از اعتزال، به عنوان پوششی برای تشیّع خود استفاده کرده است]. ابومسلم اصفهانی در سال ۴۵۷ یا ۴۵۹ق در اصفهان وفات یافت. کتب زیر از او است: ۱. جامع التّأویل لمحکم التّنزیل، در تفسیر قرآن، در بیست جلد ۲. جامع الرّسائل ۳. ناسخ الحدیث و منسوخه.(۲)

۱- تاریخ قم، صص۲۱۷ ۲۱۸؛ الاعلام، ج۶، ص۲۷۳؛ لسان المیزان، ج۵، ص۸۹؛ معجم المؤلّفین، ج۹، ص۹۷؛ معجم الادباء، ج۱۸، صص۳۵ ۳۶؛ بغیه الوعاه، ج۲، ص۲۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۲۱۴ ۲۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۹۸.

۲- اعیان الشّیعه، ج۴۶، ص۱۴۸؛ الذّریعه، ج۴، ص۲۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۱۷؛ شذرات الذّهب، ج۵، ص۲۵۴؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۱۴۶؛ محاسن اصفهان، ص۳۲؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۸۳؛ هدیه العارفین، ج۲، ص۷۱؛ میزان الاعتدال، ج۳، ص۱۰۶؛ الاعلام، ج۷، ص۱۴۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۲۶۳.

ابومضر بن ابی طالب

ابومضر بن ابی طالب بن غیاث، از ادباء و شعرای قرن پنجم هجری است، و به عربی شعر می سروده است.(۱)

۹۰۳

ابومضر بن جریر

ابومضر بن جریر، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است، و مافرّوخی او را در ردیف معاصرین آورده است.(۲)

ابومضر بن ابی عدنان

ابومضـر بن ابی عدنان بن ابی الفوارس، از ادباء و دانشمندان اصفهان بوده، و مافرّوخی وی را را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده است.(۳)

ابوالمطهّر مجلّدی

ابوالمطهّر مجلّدی، از ادبـاء و دانشـمندان اصـفهان است، در صـرف و نحو و لغت و انشـاء مهارت داشـته، و مافرّوخی او را در ردیف متقدّمین ذکر نموده است.(۴)

ابوالمظفّر بن ناحیه

ابوالمظفّر بن ناحیه

از ادباء و فضـلای اصـفهان و معاصـر با مافرّوخی است، مافرّوخی او را در شمار دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء آورده است.(۵)

ابوالمظفّر حسن آبادی

ابوالمظفّر حسن آبادی اصفهانی، از ادباء و شعرای پارسی گوی اصفهان است. وی از

۱- محاسن اصفهان، ص۳۴.

۲- محاسن اصفهان، ص ۳۱.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۵- محاسن اصفهان، ص۳۲.

شعرای متقدّم بر عصر مافروّخی (قرن پنجم هجری) بوده است.(۱)

میرزا ابوالمعالی کلباسی

میرزا محمّـد مکنّی بـه ابوالمعـالی کلباسـی (نـام ایشـان مهجـور افتـاده، و در همـه جـا به کنیه شـهرت یـافته انـد)، فرزنـد حـاج محمّـدابراهیم کلباسـی خراسـانی، عـالم فاضـل محقّـق، مجتهـد جـامع، فقیـه اصـولی، جـامع معقـول و منقـول، از اکـابر علمـا و مجتهـدین، محقّق مـدقّق و دقیق الفکر، کثیر التتبع، در غایت زهـد و تقوی. درباره زهد و ورع و احتیاط های شـرعی ایشان بین الخواص و العوام، حکایاتی منقول است که همگی، دلالت بر مقام او می کند. در شب چهارشنبه ۷ شعبان ۱۲۴۷ق در اصفهان متولّـد شـد، [مقـدّمات را نزد آقـا سیّدمحمّد بـاقر دهکردی و] درس خـارج را نزد آقا میرسیّد حسن مـدرّس و آقا سیّدمحمّد شهشهانی طی نمود، و به اجتهاد نائل آمد.

در تذکره القبور درباره او فرماید: «مجلس آن مرحوم، مصداق حدیث حواریّن و عیسـی علیه السلام بود که عرض کردند: مَن نُجالس؟ فرمود: مَن یُذَکِرکم اللّه رؤیته و یزیدکم فی العلم منطقه، و یرغّبکم فی الآخره عمله».

جمعی کثیر از بزرگـان علمـاء و مجتهـدین از شـاگردان ایشان هسـتند که معروف تر از همه، مرحوم آیت اللّه العظمی حاج آقا حسـین بروجردی رحمه اللّه علیه می باشـد. ایشان در شب چهارشـنبه ۲۷ ماه صـفر المظفّر سال ۱۳۱۵ وفـات یافت، و در تخت فولاـد در تکیه ای مخصوص مـدفون گردیـد. بـانی ساختمـان تکیه، حاج میرزا احمـد ملّاباشـی داماد آن مرحوم می باشـد. در داخل و خارج بقعه، و هم چنین در اتاق ها عـدّه زیادی از علماء و فضـلاء و ادبای اصـفهان مدفون می باشـند. میرزا ابوالمعالی دختر آقامیرزا زین العابدین فرزند حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی را به زوجیّت داشت، و از او، صاحب دو پسر (حاج میرزا جمـال الـدّین، و حـاج میرزا کمـال الـدّین معروف به ابوالهـدی) و یک دختر (که به زوجیّت حاج میرزا احمـد ملّاباشـی درآمـد) می باشـد. مجموع کتب و رسائـل تـألیفی ایشان، متجاوز از هشـتاد مجلّـد می شود که از آن جمله است: ۱. رساله در استخارات، مطبوع در مقدّمه قرآن در سال

۱- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۱۳۱۶ق ۲. رساله در استشفاء به تربت حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام مطبوع در سال ۱۲۵۸ق ۳. الاستجاریّه ۴. رساله در کیفیّت زیارت عاشورا ۵. رساله در ابن غضائری ۶. رساله در احوال انسان، به فارسی ۷. رساله در احوال آقا حسین خوانساری ۸. رساله در احوال شیخ بهایی ۹. بشارات در اصول، سه مجلّد ۱۰. مجموعه ای از اشعار عربی ۱۱. مجموعه ای در تفسیر ۱۲. تعارض استصحاب و اصاله الصحّه ۱۳. جبر و تفویض ۱۴. حجّت مظنّه ۱۵. رساله در تزکیه اهل رجال ۱۶. رساله در نیّت ۱۷. رساله در مفطر بودن قلیان ۱۸. سند صحیفه کامله ۱۹. شرح خطبه شقشقیّه [مطبوع] ۲۰. شرح کفایه سبزواری، در فقه ۲۱. شرح زیارت جامعه ۲۲. رساله در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام (۱).

میرابوالمعالی طباطبایی

میرابوالمعالی کبیر فرزند سیّدمراد بن شاه اسداللّه طباطبایی اصفهانی، از مشاهیر علماء و سادات ساکن اصفهان است. زوجه اش دختر مولی محمّدصالح مازندرانی از آمنه خاتون دختر ملّامحمّدتقی مجلسی بوده، و از همسر خود صاحب چهار پسر و دو دختر شده که یکی از پسران میر ابوالمعالی صغیر جدّ مجتهد عالی قدر سیّدعلی طباطبایی صاحب ریاض المسائل است. ظاهرا میر ابوالمعالی کبیر در اصفهان وفات یافته است.(۲)

ابوالمعالی نقیب حسینی*

ابوالمعالی نقیب حسینی، از خوشنویسان اصفهان در اواخر عهد صفویّه بوده، خطّ ثلث را با استادی و مهارت می نوشت، و تا سال ۱۱۲۴ق در قید حیات بود. از آثار او کتیبه ایوان

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۱۶ ۲۱۷؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۰۲؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۵۹؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۱۷۳ ۱۷۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۵۸ ۵۹؛ نقباء البشر، ج۱، صص۷۹ ۸۰؛ مکارم الآثار، ج۴، صص۱۳۰۱ ۱۳۰۲؛ تاریخ و جغرافیای گناباد، ص۱۹۵؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۲۶۹؛ البدر التّمام؛ هدیه الاحباب؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، ص۲۳۱؛ مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، صص۳۳ ۹۷؛ خاندان کلباسی، صص۲۳۲ ۲۴۴؛ الذّریعه، مواضع مختلف؛ علمای بزرگ شیعه، ص۳۱۵؛ میراث حقوق زن، مقدّمه، صص۷ ۱۲؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۱۵۲ ۱۵۵.

۲- مرآت الاحوال، صص۱۴۰ ۱۴۲؛ اعیان الشّیعه، ج۱۰، ص۵۳۰؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۸.

شاگرد در مسجد جامع اصفهان به سال ۱۱۱۲ و نسخه ای از کتاب نثر اللّئالی به خطّ نستعلیق در سال ۱۱۲۴ هنوز موجود است.(۱)

ابوالمفاخر رضوی

ابوالمفاخر رضوی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در پنج شنبه ۲۷ صفر سال ۱۰۷۸ق نسخه ای از وافی فیض کاشانی در اصفهان به خطّ نسخ کتابت نموده است، نسخه به شماره ۱۸۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) هم چنین در سال ۱۰۵۳ق نسخه ای از کافی شیخ کلینی را به خطّ نسخ کتابت نموده است.(۳)

ابوالمکارم اصفهانی

قاضی ابوالمکارم اصفهانی، از فقهاء و محدّثین اصفهان است. از حسن بن احمد مقری (حدّاد) روایت کرده، و علیّ بن احمد از او نقل حدیث نموده است.(۴)

شیخ ابومنصور اصفهانی

شیخ ابومنصور معمّر بن احمد بن محمّد بن زیاد اصفهانی، صوفی و محدّث حنبلی، از بزرگان تصوّف و حدیث قرن چهارم و پنجم هجری. [وی از ابواسحاق ابراهیم بن محمّـد بن حمزه، حافظ ابوالشّیخ اصفهانی، طبرانی، ابوالحسن بن مثنی، ابن مقری، علیّ بن عمر بن عبدالعزیز و ابوعبداللّه محمّد بن منده حدیث شنیده، و یا نزد آنان تلمّذ نموده است. از مشایخ او در تصوّف، اطّلاعات چندانی در دست نیست؛ ظاهرا یکی از آنان احمد بن جعفر بن هانی است. ابراهیم بن هبه اللّه جربادقانی، احمد بن محمّد قرشی، قاسم بن مفضل ثقفی و ابومطیع از او حدیث استماع کرده اند. از شیخ ابومنصور تألیفاتی مختلفی به جا مانده که از آن جمله است: ۱. الاختیارات، چاپ شده در مجلّه معارف ۲. ادب الملوک،

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۳۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۱۵ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۱۱۵؛ آثار ملّی اصفهان، ص۵۴۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۵، ص۲۴۹.

۳- فهرست الفبایی آستان قدس، ص۴۵۵.

۴- احقاق الحق، ج۱۷، ص۴۲۵.

قسمت سماع آن در مجلّه معارف چاپ شده است ۳. حقائق الآداب، در آداب صوفیّه، که در مجلّه معارف چاپ شده است ۴. ذکر معانی التّصوف که در مجلّه معارف چاپ شده است ۵. شرح ابیات ابی عبداللّه مرشدی، مخطوط ۶. شرح الاذکار، مخطوط ۷. شرح اربعین حدیثا فی التصوّف، چاپ شده در مجلّه مقالات و بررسی ها ۸. المسائل المحدّثه الواقعه فی عصرنا، چاپ شده در مجلّه معارف ۹ و ۱۰. المناهج بشاهد السنّه و نهج المتصوّفه، دو تألیف جداگانه، چاپ شده در مجلّه معارف ۱۱. نهج الخاص، چاپ شده در مجلّه تحقیقات اسلامی. شیخ احمد کوفانی او را دیده، و عبارت «الفقیر عزیز» را از او شنیده، و آن را نیکو یافته است]. شیخ ابومنصور اصفهانی در رمضان ۴۱۹ق (و یا ۴۱۸) وفات یافته است.(۱)

ابومنصور بن اسماعیل

ابومنصور بن اسماعیل، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف محدّثین متقدّم بر عصر خود ذکر می کند.(۲)

ابومنصور بن حسن

ابومنصور بن حسن بن زرینزاد، از ادباء و دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء یاد کرده است.(۳)

ابومنصور خیّاط

ابومنصور خیّاط فقیه، از محدّثین و فقهای اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف محدّثین مقدم بر عصر خود ذکر می کند.(۴)

۱- تاریخ تصوّف، ص۵۳۴؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۳۳؛ تذکره الحفاظ، ج۳، ص۹۴۶؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۶، صص۲۷۶ ۲۷۸؛ العبر، ج۲، ص۲۳۶؛ مجلّه معارف، شماره ۱ و ۲، سال ۱۳۶۸ش، مقاله شیخ ابومنصور اصفهانی؛ نفحات الانس، ص۲۸۳؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۶، صص ۲۸۰ ۲۸۵.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۰؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسماعیل»، ص۲۵۳۶.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۰.

ابوالمظفّر بن سهل

ابوالمظفر بن سهل، از محدّثین اصفهان و معاصر با مافرّوخی بوده است.(۱)

ابونعیم اصفهانی

حافظ ابونُعیم احمـد بن عبداللّه بن اسـحاق بن موسـی بن مهران اصـفهانی، از محدّثین معروف اصـفهان در قرن چهارم و پنجم هجری است. نسب او از طرف مادر به شـیخ محمّـد بن یوسف بن معـدان اصـفهانی از مشاهیر صوفیّه آن عهـد می رسد. حافظ ابونُعیم در سال ۳۳۴ یا ۳۳۶ق متولّد شده، و در اصـفهان و سایر شـهرها به تحصیل پرداخته است. در کتب رجال از او به حافظ اصفهان و گاهی حافظ دنیا تعبیر می کنند. برخی او را سنّی و صوفی، و عدّه ای شیعه می دانند. وی در طلب حدیث، به ایذج، عسکر مکرم، شوشتر، اهواز، بصره، واسط، کوفه، بغداد، مکّه، ایله و نیشابور سفر کرد. از بسیاری از محدّثان روایت می کند، و تعداد کثیری از محدّثین نیز از او نقل حدیث می کنند. [اسامی مشایخ حافظ ابونُعیم در کتاب مزارات اصفهان آمده است].

از شـیخ ابوعبداللّه محمّد بن محمّد اصـفهانی نقل شده است که چون سـلطان محمود غزنوی بر اصـفهان استیلا یافت، از طرف خود کسـی را بر این شـهر والی گردانید. مردم بر او بشوریدند، و او را کشـتند. سلطان محمود مجدّدا به شهر مراجعت نمود، و مردم را تأمین داد و از تقصیر آنان گذشت. چون روز جمعه شد، و مردم جهت نماز جمعه در مسجد حاضر شدند، جمعی کثیر از مردم رابکشت، و چون مردم شـهر، قبلاًـ حافـظ ابونُعیم را از ورود به مسـجد منع کرده بودنـد، از این مهلکه جان به سـلامت برد، و این موضوع را از کرامات حافظ دانستند.

وی سـرانجام در یک شـنبه ۲۱ محرّم سـال ۴۳۰ق در اصـفهان وفـات یـافت، و در قبرسـتان آب بخشـان [که در آن روزگار به گورسـتان مردبان شـهرت داشـته است] مـدفون شد. [برخی نوشـته اند که حافظ ابونُعیم اصـفهانی از اجداد علاّمه ملاّمحمّدباقر مجلسی است.] نقل شده

۱- محاسن اصفهان، ص ۳۰.

است که میرلوحی سبزواری، از علماء و فضلای ساکن اصفهان ازجمله کسانی بوده که با مجلسی عداوت داشته است، و از همین جهت، به بهانه سنّی بودن ابونُعیم، مردم را تحریک نمود که قبر او را خراب کنند.

[ظاهرا مقبره او بعدا مرمّت و احیاء شده است، و مقبره او تا قبل از تسطیح و تخریب قبرستان آب بخشان باقی بود]، و پس از احداث فلکه و خیابان، قبرستان آب بخشان تسطیح [شد]، و مقبره او از بین رفت. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. اربعون حدیثا فی المهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) ۲. اطراف الصّحیحین ۳. حرمه المساجد ۴. حلیه الاولیاء و بهجه الاصفیاء، مطبوع در ده جلد، در مصر ۵. دلائل النّبوّه، مطبوع در حیدرآباد هند ۶. ذکر اخبار اصفهان، مطبوع در دو جلد در لیدن هلند ۷. الرّیاضه و الابدان ۸. طبّ النّبی صلی الله علیه و آله ۹. الفتن ۱۰. فضائل الخلفاء ۱۱. فضل العالم العفیف ۱۲. الفوائد ۱۳. مانزل من القرآن فی امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۱۴. مختصر استیعاب ۱۵. الجامع بین الصّحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم) ۱۶. معجم الشّیوخ ۱۷. معرفه الصّحابه، مطبوع در ریاض عربستان ۱۸. منقبه المطهّرین ۱۹. الرّد علی الرّافضه، مطبوع در بیروت(۱).

ابوالولید کنانی

ابوالولید عبداللّه بن محمّد کنانی، از محدّثین شیعه است. حدیث بسیار روایت کرده، و به طلب دانش و نویسندگی شهرت داشته، و بر ترویج تشیّع اصرار می ورزیده [است]، بدین

۱- طبقات الشّافعیه، حسینی، صص ۱۴۱ ۱۴۲؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۷، ص۴۵۳؛ طبقات الفقهاء، ص۲۲۷؛ طبقات الشّافعیه، اسنوی، ج۲، صص۴۷۴ ۴۷۵؛ تاریخ نیشابور، ص۱۱۰؛ النّجوم الزّاهره، ج۵، ص۳۰؛ تبیین کذب المفتری، ص۲۴۶؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۷۵؛ العبر، ج۳، ص۱۷۰؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۱۱ و ۵۲؛ المنتظم، ج۸، ص۱۰۰؛ تذکره الحفاظ، ج۳، ص۲۷۵؛ روضات الجنّات، ج۱، ص۲۶۵؛ النّابس، ص۱۷؛ اعیان الشّیعه، ج۹، ص۴؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۲۸۵؛ الکنی و الالقاب، ج۱، ص۲۶۵؛ هدیه الاحباب، ص۴۹؛ معجم المطبوعات، ج۱، ص۳۵۰؛ الاعلام، ج۱، ص۱۵۰؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۸، صص۱۱۱۸ ۱۱۲۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۲۴ ۲۲۶؛ مزارات اصفهان، صص۸۸ ۹۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۳۰۲ ۳۰۳ و ۳۸۶؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص۲۰۸ ۲۰۹.

علّت، والی اصـفهان منـاظره ای ترتیب داد، و ابوالولیـد بـا ابومسـعود رازی، محمّـد بن بکار، محمّـد بن فرج و زین بن خرشه و دیگران مناظره کرد، و آن ها موفّق به مجاب کردن ابوالولیـد نشدند؛ لذا والی اصـفهان او را شـلّاق زد، و سـنّیان اصـفهان او را طرد کردند.(۱)

حاج میرزا ابوالهدی کلباسی

حاج میرزا کمال الـدّین ابوالهـدی کلباسـی فرزنـد میرزا ابوالمعالی بن حاج محمّـدابراهیم، عالم فقیه زاهـد، مجتهد اصولی، در زهد و تقوی مانند پدر بزرگوار و برادر عالی مقدار خود [میرزا جمال الدّین] بی مثل و مانند بود، و در مکارم اخلاق و صفات و حالات روحانی کم نظیر در ۲۲ شعبان ۱۲۷۸ در اصـفهان متولّد شده، و نزد پدر دانشمند خود به تحصیل پرداخت، و پس از وفات ایشان در درس حاج شـیخ محمّدباقر نجفی مسـجدشاهی حاضر شد، سپس به همراه برادرش به عتبات عالیات رفت، و از محضر درس آخوند خراسانی و آقا سیّدمحمّدکاظم یزدی مستفیض گردید.

ایشـان از علمـای عـالی قـدری چون حـاج میرزا هاشم چهارسوقی آقا سـیّد حسن صـدر کاظمینی و حاج ملّاعلی محمّـد نجف آبـادی اجـازه دریـافت نمود. وی پس از بازگشت به اصـفهان به تـدریس پرداخته، و نماز جماعت را در مسـجد جوجه، جنب مسـجد حکیم، اقـامه می فرمود. وی در اغلب علوم همچون فقه، اصول، حـدیث، منطق، هیـأت و خصوصا رجال مهارت داشـته است. سرانجام در شب سه شنبه ۲۷ ربیع الثّانی ۱۳۵۶ق در اصـفهان وفات یافت، و در کنار پدر، در بقعه تکیه میرزا ابوالمعالی واقع در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه تاریخ وفات ایشان را میرزا حسن خان جابرانصاری ضمن قطعه ای چنین یافته است:

جاء البشیر مُهنَیا و مورّخا: «اتل السّلام علی مَن اتّبع الهُدی»

این کتب و رسـاله ها از تألیفات او است: ۱. البـدر التّمام، در احوال پدر و جدّ والامقام خود، مطبوع ۲. التّحفه الی سلاله النّبوّه، و آن اجـازه ای است که جهت آیت اللّه العظمی مرعشـی نجفی مرقوم فرموده انـد، مطبوع در کتـاب المسلسـلات ۳. حاشیه بر کفایه الاصول ۴. الدّر الثّمین فی جمله من المصنّفات

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۴۹.

و المصنّفین ۵. درّه البیضاء، در اجازه حدیث ۶. زلّات الاقدام، در اشاره به اشتباهات رجالی برخی از اعلام ۷. سماء المقال فی تحقیق علم الرّجال که در دو جلد به سعی فرزند فاضل ایشان آقامحمّد کلباسی در قم به طبع رسیده است ۸. الصّراط المستقیم فی التّمییز بین الصّحیح و السّقیم ۹. الفوائد الرّجالیّه، حاوی سی فایده و غیره.(۱)

ابویعقوب حذّاء

ابویعقوب ابن ابواسحاق اسماعیل بن ابراهیم بن صُبیح ثقفی، از محدّثین اصفهان است. او در سنین جوانی در راه مکّه وفات یافته است.

بسیاری از احادیث را نوشته، و آخرین کسی که از او استماع حدیث کرد، ابوعثمان اسحاق بن ابراهیم بن یزید بود.(۲)

ابی الخیر

ابی الخیر بن احمد بن محمّد بن بُرد واعظ اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.(۳)

اثرم فابجانی

اثرم فابجانی اصفهانی، از شعراء و ادبای اصفهان است. وی به عربی شعر می سروده، و از علمای لغت به شمار می رفته است. او شهرهای عراق را سیاحت نموده، و لغت و شعر را از علمای آن شهرها فراگرفته است.(۴)

۱- احوال حاجی کرباسی و اولادش، صص۱۰۱ ۱۰۷؛ ریحانه الادب، ج۸، صص۲۹۸ ۳۰۰؛ میراث و حقوق زن، مقدّمه؛ سماء المقال، مقدّمه؛ نقباء البشر، ج۱، ص۸۱؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۲۹۴؛ ماضی النّجف، ج۳، ص۲۳۵؛ بدر التّمام، ص۴۵؛ الاجازه الکبیره، ص۲۱؛ المسلسلات، ج۲، صص۵۳ ۵۵؛ خاندان کلباسی، صص۲۴۷ ۲۵۲؛ مشاهیر مزار علاّمه ابوالمعالی کلباسی، صص۱۱۵ ۱۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۱۷ ۲۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۴.

۳- میزان الاعتدال، ج۱، ص۷۳.

۴- معجم الادباء، ج۲، ص۱۰۴.

ص: ۳۷۱

احسان اللّه ساطعی نجف آبادی

احسان اللّه گلشنی نجف آبادی از شعرای معاصر در سال ۱۳۵۱ق در نجف آباد متولّد شد. دوره ابتدایی را در نجف آباد و متوسّطه را در ساوه طی نمود، و در همان دوران به سرودن شعر پرداخت. ابتدا «بیدل» تخلّص داشت، و سپس «ساطعی» تخلّص نمود.(۱) از او است:

روزگار خرّمی باری گذشت وه چه بی حاصل گذشت، آری گذشت

تا ز مستی کوس شیدایی زنم صحبت از شور و شرّ و زاری گذشت

دل به عشق دلبری در خون نشست از سر مهر و وفاداری گذشت

سیّداحمد آزاد اصفهانی

احمد شهشهانی متخلّص به «آزاد»، شاعر ادیب، [در حدود سال ۱۲۸۴ شمسی در اصفهان متولّد شد]. وی در فنّ شعر و ادب از شاگردان مرحوم میرزا عبدالوهاب گلشن ایران پور و در موسیقی، شاگرد سیّدرحیم موسیقی دان بود(۲).] به کفّاشی اشتغال داشت، و زمانی رییس اتّحادیّه صنف کفّاشان شد. در انجمن های ادبی ازجمله انجمن کمال و انجمن سعدی شرکت می کرد، در سال ۱۳۶۸ شمسی وفات یافت، و در گورستان باغ رضوان مدفون گردید.] از او است:

به یاد ناله مجنون، ز عشق طرّه لیلی در این صحرای بی پایان جرس دایم فغان دارد

دکتر احمد آژیر

دکتر احمد آژیر اصفهانی شمس آبادی، از پزشکان حاذق معاصر در تهران ساکن بوده، و در دانشکده پزشکی تهران تدریس می نموده، مدیریّت مجلّه بیوشیمی نیز با او بوده است.(۳)

ص: ۳۷۲

احمد ابهری

ابوجعفر احمد ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی در سال ۳۹۳ق وفات یافت.(۴)

شیخ احمد احرام باف

آقا شیخ احمد احرام باف بیدآبادی از فضلاء گمنام اصفهان در قرن سیزدهم، ساکن محلّه قبله دعا و از معاصرین مرحوم سیّد حجّت الاسلام شفتی و فرزندش سیّد حجّت الاسلام ثانی حاج سیّداسداللّه بوده، و در نزد آنان، محترم و مقبول القول و معتمد

علیه. جلسه درس مختصری در منزل داشته، و عـدّه ای در محضـر او حاضـر می شده اند که از آن جمله است مرحوم آقامیرزا یحیی مـدرّس کاشـی پز اصـفهانی بیـدآبادی. پس از وفات که ظاهراً در حـدود سال ۱۲۹۵ بوده ، در قبرسـتان آب بخشـان در مقبره مرحوم ملّاحسین تفلیسی مدفون گردیده است. پس از خرابی و تسطیح قبرستان آب بخشان، اعقابش استخوان های او را به تکیه آقامیرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) در تخت فولاد نقل کردند.

احمد اخوّت*

استاد احمـد اخوّت، نویسـنده و مترجم توانای معاصـر، در اصـفهان ساکن است، و در زمینه های ترجمه، نقـد ادبی و شـناخت ادبیّات غرب، مهارتی بسزا دارد. آثار ایشان:

۱. ترجمه اطلس نوشـته خـورخه لـوییس پورخس، چـاپ ۱۳۷۹ش ۲. ترجمه واژه نگارهای چینی، رساله شـعر، نوشـته ارنسـت فنولوزا چـاپ ۱۳۷۸ش ۳. ترجمه قصـیده کـافه غم، نوشـته کـارسون مک لولرز ۴. کتاب مقـدّمات و مقالاتی در چنـد نشـریّه ازجمله فصل نامه زنده رود.

احمد اصفهانی

احمـد اصـفهانی، ازجمله دانشـمندانی است که وقف نـامه مـدرسه نوریّه اصـفهان را مهر و امضاء کرده است. سـجع مهر او: «و مبشّرا برسول یأتی من بعدی اسمه احمد»(۵).

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۱۰۴ و ۴۰۵؛ دیباچه دیار نون، ص۲۱۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۱۱ ۱۲.

۳- دائره المعارف دانش بشر.

۴- هزاره شیخ طوسی، ج۱، ص۱۴۸.

۵- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۱۰۶.

احمد اصفهانی

احمد اصفهانی شاعر، از فضلاء و ادباء اوایل قرن چهاردهم هجری است. وی دیوان شعر کوچکی داشته که در سال ۱۳۱۲ق به چاپ رسیده است.(۱)

میرزا احمد اصفهانی

میرزا احمد اصفهانی، در عصر حکومت ناصرالدّین شاه (۱۲۶۴ ۱۳۱۴ق) می زیست، و در تهران ساکن بود. اعتمادالسّلطنه درباره وی گوید: «در شغل مرثیه خوانی و روضه خوانی به مقامی سامی رسیده، و صیّت شهرش از تهران به همه جای ایران کشیده».(۲)

(به نوشته بیان الواعظین وی فرزند میرزا علی محمد شیرازی است و پس از سال ها اقامت در تهران، به اصفهان معاودت نموده و تا آخر عمر در کمال شهرت و عظمت به منبر می رفت و پس از وفات به عتبات حمل شد و در وادی السلام مدفون گردید)(۳)

آقا احمد نقّاش اصفهانی*

آقا احمد فرزند آقانجف نقّاش، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است. وی در نقّاشی، شاگرد پدر، و در نقّاشی صحنه های جنگ و مجالس بزم، استادی مسلّم بوده است.(۴)

احمد اصفهانی

احمد بن ابان اصفهانی، از محدّثین اوایل قرن سوم هجری است. وی از محمّد بن ابان عنبری روایت می کند، و علیّ بن حسن بن سلم از وی نقل حدیث می نماید.(۵)

۱- نقباء البشر، ج۱، ص۸۲.

۲- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، ص۲۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۲۳۰.

۳- خلد برین ص ۱۸۵، جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

۴- هنر قلمدان، ص۷۹.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۸.

احمد اصفهانی

ابوالحسن احمد بن ابراهیم اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از حافظ سلیمان بن احمد طبرانی روایت نموده [است]، و اسماعیل بن زاهر بونانی از او نقل حدیث می کند.(۱)

احمد شیبانی

احمد بن ابراهیم بن ابی الخصیب شیبانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابی سفیان و محمّد بن مغیره روایت می کند، و احمد بن حسین از وی نقل حدیث می نماید.(۲)

احمد کرانی

ابوبکر احمد بن ابراهیم بن احمد بن روزبه کرانی از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از دارکی و ابن اخی ابی زرعه روایت می کند.(۳) کران از محلّه های شهر اصفهان است.

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن ابراهیم بن احمد بن محمود اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. او از حسن (یا محمّد) بن احمد بن محمّد بن حبش اصفهانی روایت می کند، و احمد بن حسین از او نقل حدیث می نماید.(۴)

احمد

احمد بن ابراهیم بن اسحاق، مولای ضبه، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری

۱- احقاق الحق، ج۹، ص۲۷۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۴.

۴- احقاق الحق، ج۸، ص۲۸۷؛ مناقب خوارزمی، ص۶۸.

است. از عمرو بن حمید قاضی دینَوَر روایت می کند، و اسحاق بن شاذه از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد باب کوشکی

احمد بن ابراهیم باب کوشکی، عالم محدّث قرن سوم هجری از اهالی محلّه «باب کوشک» یهودیّه اصفهان بوده، از حسین بن حفص نقل حدیث نموده، در سال ۲۷۸ق وفات یافته است.(۲)

احمد دقّاق

ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم بن ایّوب دقّاق، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از عبداللّه بن محمّد بن نعمان روایت می کند، و حسین بن علیّ بن احمد بن بکر از وی نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد زعفرانی

ابوبکر احمد بن ابراهیم بن حسن زعفرانی، از محدّثین اصفهان است. از محدّثین اصفهان و بصره استماع حدیث کرده است که از آن جمله است: محمّد بن احمد اثرم بصری.

فایده لغوی: زعفرانی منسوب است به «زعفرانیّه» از قرای بغداد. زعفرانی منسوب است به «زعفران» از قرای همدان. زعفرانی کسی را گویند که زعفران فروشد.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۸؛ الانساب، ج۲، ص۷؛ اللّباب، ج۱، ص۱۰۱؛ معجم البلدان، ج۱، ص۳۰۹؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۳۷۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۹.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۵؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۴۳۶.

احمد غسال

ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن سلیمان بن غسال، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از سهل بن عثمان و اسماعیل بن عمرو بجلی روایت می کند، و فرزندش قاضی ابواحمد بن محمّد از او نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد

احمد بن ابراهیم بن شاذان، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از جعفر بن احمد قارنی روایت می کند، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث کرده است.(۲)

احمد

ابوالحسن احمد بن ابراهیم بن صالح بن منذر، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از عبیداللّه بن عبدالرّحمان بن واقد روایت می کند، و عبداللّه بن محمّد بن مندویّه از او نقل حدیث می کند.(۳)

شیخ احمد کلباسی*

حاج شیخ احمد کلباسی فرزند حاج شیخ محمّدابراهیم بن حاج میرزا عبدالرّحیم بن حاج شیخ محمّدرضا بن حاج محمّدابراهیم کلباسی عالم فاضل محقّق در حدود سال ۱۳۴۲ق متولّد شده، و در قم نزد آیات عظام حجّت کوه کمری و صدرالدّین صدر و در تهران نزد حضرات آیات سیّداحمد خوانساری و میرزا محمّدباقر آشتیانی تلمّذ نمود. تحصیلات جدید را در اصفهان انجام داد، و دیپلم گرفت. سپس در دانشگاه تهران در رشته حقوق قضایی تحصیل نموده، و لیسانس دریافت کرد، و سرانجام در رشته فلسفه در دانشگاه تهران تحصیل کرد، و دکترا دریافت نمود.

در مسجد امام حسن عسکری در تهران اقامه جماعت می نمود، و در دانشگاه تهران

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۶، ص۹۳؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۱۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۷.

در رشته فلسفه به تدریس می پرداخت. ایشان در اواخر عمر به بیماری سختی دچار شد، و برای معالجه به آمریکا رفت، معالجات سودی نبخشید، و در ۱۰ ذی قعده ۱۴۱۴ق (۱۳۷۳ش) دارفانی را وداع گفت، و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید. این کتاب ها از تألیفات او است: ۱. اخلاق از نظر قرآن کریم ۲. فلسفه نوین یا نجات بشر ۳. مفتاح السّعاده یا کلید خوشبختی (ترجمه فصل پنجم از مقدّمه ابن خلدون)(۱).

احمد انواری*

احمد انواری فرزند دکتر ابراهیم انواری بن شیخ عبدالکریم ادیب الشّریعه سودایی دستگردی اصفهانی، روزنامه نگار ادیب، در حدود سال ۱۳۴۳ق در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و تهران تحصیلات خود را به پایان رسانده، و در رشته های ادبیّات، حقوق و ارتباطات، لیسانس دریافت نموده است. از سال ۱۳۶۲ق فعّالیت مطبوعاتی خود را آغاز نموده، و خود، روزنامه های خرد و پرخاش را منتشر ساخته است. از خدمات فرهنگی ماندگار او تأسیس مدرسه عالی کورش در اصفهان است. وی سرانجام در اواخر اسفندماه ۱۳۷۵ شمسی در تهران وفات یافته است.(۲)

احمد هفشوری

ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن عبداللّه مؤدّب، ساکن قریه هفشور، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی از محمّد بن مثنی، سلمه بن شبیب و مقری روایت می کند، و عبداللّه پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی از وی روایت می نماید.(۳)

[ظاهرا «هفشور» همان هفشویه، از قراء بلوک قهاب جی اصفهان است].

۱- خاندان کلباسی، ص۲۲۷؛ تربت پاکان قم، ج۱، ص۳۸۳؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی

۲- چهره مطبوعات معاصر، ص۱۸۴؛ روزنامه اطّلاعات، مورّخ ۳۰ بهمن ۱۳۷۵ش.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۷.

احمد اصفهانی

ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن فیض، از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری است. او از احمد بن عثمان اَودی، حسن بن صبّاح و هارون بن موسی روایت می کند، و ابومحمّد بن حیّان از او حدیث نقل کرده است.(۱)

احمد فریز هندی

ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم بن محمّد بن ابان فریز هندی میمه ای اصفهانی از محدّثین اصفهان است. اصلاً از قریه «فریز هند» میمه بوده است. از ابی بکر محمّد بن سلمان بن حسن معدانی استماع حدیث نموده، ابن منده در تاریخ اصفهان او را ذکر نموده است.(۲)

احمد خبزی اصفهانی

ابومسعود احمد بن ابراهیم بن محمّد بن احمد بن ابراهیم بن موسی بن عبداللّه خبزی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، شیخ صالح و عابد بوده، و پدرانش عموما از محدّثین اصفهان بوده اند. پدرش وی را به محضر ابی عمرو بن مندویه اصفهانی جهت استماع حدیث برد.(۳)

احمد سنّی

احمد بن ابراهیم بن یزید معروف به سنّی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از ابوسفیان صالح بن مهران روایت می کند.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۲۳.

۲- معجم البلدان، ج۱۵، ص۲۵۹.

۳- معجم البلدان.

۴- میزان الاعتدال، ج ۱، ص۲۷.

احمد مدینی

ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم بن ابی یحیی یزید بن عبداللّه باهلی مُکتِب مدینی اصـفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از نصـر بن علی جهضـمی، عبداللّه بن محمّد زهری، و محمّد بن یحیی بن فیّاض روایت می کند. پدر حافظ ابونُعیم اصـفهانی، محمّد بن جعفر و محمّد بن احمد بن ابراهیم قاضـی از او نقل حدیث می کند. مدینی از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و در ربیع الاوّل ۳۰۴ق وفات یافته است.(۱)

احمد حنفی

ابوجعفر احمد بن ابراهیم حنفی، از محدّثین اصـفهان در قرن سوم است. از حمید بن مسـعده روایت می کند، و قاضی ابواحمد از او نقل حدیث می نماید.(۲)

دکتر احمد رئیسی*

دکتر احمد رئیسی فرزند ابراهیم، استاد دانشگاه و از دانشمندان معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۱۹ش در اصفهان متولّد شده، و پس از انجام تحصـیلات ابتدایی و متوسّـطه وارد دانشـگاه اصفهان شده، و سرانجام، دکترای داروسازی دریافت نموده است. وی در انگلسـتان به تحصـیل ادامه داده، و فوق دکترای داروشناسـی دریافت نموده است. ایشان سال ها در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول بوده، و مناصب مختلف اداری، ازجمله رییس دانشکده داروسازی را برعهده داشته است.

احمد سمیرمی

ابوبکر احمـد بن ابراهیم سـمیرمی اصـفهانی، از محـدّثین اصـفهان است. در طرابلس از اباعبـداللّه بن ابی حامـد اخذ و اسـتماع حدیث کرد، و ابوعلی حسن بن محمّد بن حسن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۴.

ساوی از او روایت می کند.(۱)

احمد قصّار

ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم قصّار معروف به «فاتنی» از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن محمّد بن یونس ابهری، ابی عمرو بن حکیم و صحّاف روایت نموده است. او از مصاحبان حافظ ابونُعیم اصفهانی بوده، و با او رفت و آمد داشته، و در اواخر قرن چهارم هجری وفات یافته است.(۲)

۹۵۸

سیّداحمد مقدّس

آقا سیّداحمد مقدّس فرزند ابراهیم حسینی عالم فاضل ادیب ماهر، از دانشمندان معاصر اصفهان است. در حدود سال ۱۳۲۰ق در محلّه بیدآباد متولّد شد، و در خدمت اساتید این شهر همچون حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی، حاج میرسیّدعلی نجف آبادی، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، آقا سیّدمهدی درچه ای، آقا سیّدابوالقاسم دهکردی و حاج آخوند زفره ای به تحصیل پرداخت، به مراتب عالی علم و کمال نائل آمد. ایشان در علوم زمانه، خصوصا ادبیّات عرب از صرف و نحو، معانی و بیان و نیز منطق و کلام، زحمت ها کشیده، و رنج ها برده بود. او از مدرّسین معروف در مقدّمات و سطح بود، و سرانجام در ۳ ربیع الاوّل ۱۳۹۷ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

شیخ احمد قاضی

شیخ احمد بن ابوتراب بن شیخ محمّدحسن بن شیخ عبداللّه گیلانی عالم فاضل، از سلسله مشایخ بیدآباد اصفهان است. در قرن سیزدهم هجری می زیست، و پس از وفات،

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۲۵۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۹.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶ و اطّلاعات متفرّقه.

در قبرستان آب بخشان مدفون شد.(۱)

از آثار ایشان مجمع الانوار فی ترجمه عیون اخبار الرّضا علیه السلام است که آن را به خواهش میرزا صادق بن میرزا علی اکبر اشتهاردی ساکن محلّه چهارسوق علی قلی آقا ترجمه نموده است.(۲)

سیّداحمد تنکابنی

احمد بن ابی الحسن تنکابنی، ساکن اصفهان ادیب فاضل ریاضی دان، نویسنده حواشی بر هیأت فارسی قوشچی. وی در دیباچه این رساله می نویسد: «روزهای پنج شنبه و جمعه نزد آخوند ملّاحسین بن ملّا ولیّ اللّه مازندرانی ساکن محلّه شهشهان اصفهان هیأت می خواندم، و مجموعه بیانات ایشان را به صورت این حاشیه درآوردم». نسخه به خطّ نستعلیق در ۳۷۷ برگ، ضمن مجموعه ۱۷۹۱ در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم موجود است(۳). [ایشان در اواخر عمر، به زادگاهش تنکابن رفت، و در آن جا وفات یافت. از کتب او است:

۱. رساله در معاد ۲. رساله در شرح بعضی از ادعیه و احادیث و متفرّقات عرفانی ۳. حاشیه بر شرح چغمینی ۴. حاشیه بر هیأت فارسی قوشچی(۴)].

احمد غزّاء اصفهانی

احمد بن ابی السرّی غزّاء اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، او از ابوهمّام و یوسف بن بحر روایت نموده است.(۵)

احمد مدینی

ابوبکر احمد بن ابی سعید بن اسحاق بن ابراهیم مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۹؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۷.

۲- فهرست مسجد اعظم قم، ص۳۴۷.

۳- فهرست فیضیّه، استادی، ج۳، ص۱۳۴.

۴- بزرگان تنکابن.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱.

سوم هجری است. وی از اسحاق بن اسماعیل و محمّد بن عاصم روایت می کند، و قاضی ابواحمد از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد حُرانی

ابوالشّکر احمد بن ابوالفتح بن ابوبکر حُرانی اصفهانی از محدّثین قرن ششم هجری است. وی از ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن حسین خیّاط، ابوالقاسم عبدالرّحمان بن عبداللّه بن منده و محمود بن جعفر کوهج و دیگران روایت نمود، و سمعانی از او نقل حدیث کرده است. ابوالشّکر در رجب ۵۴۳ق وفات یافت.(۲)

احمد شریف حائری

احمد بن ابی الفتح بن ابی جعفر شریف حائری اصفهانی از ادباء و خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. وی مدّتی در تهران و مدّتی در کرمانشاه بوده، و کتاب احسن القصص و دافع الغصص را تألیف نموده است. قسمت عمده کتاب از کتاب تاریخ الفی نوشته احمد تتوی سندی (مقتول در سال ۱۰۱۰ق) گرفته شده، و وقایع پس از آن به خامه خود احمد شریف حائری است. نسخه های مختلفی از این کتاب در کتابخانه های آستان قدس رضوی در مشهد، مرکزی دانشگاه تهران، مدرسه عالی سپهسالار، ملّی ایران، ملّی ملك موجود است. در کتابخانه های آستان قدس و عمومی اصفهان نسخه هایی از تاریخ الفی موجود است که همین احمد بن ابوالفتح اصفهانی آن را کتابت کرده است. وی تا سال ۱۲۵۹ق در قید حیات بوده است.(۳)

احمد اصفهانی

شیخ ابوالفضل احمد بن احمد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از حافظ ابونُعیم

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۹۷؛ محاسن اصفهان، ص ۳۰.

۲- لغت نامه دهخدا، ذیل «حرانی»، ص ۴۲۸.

۳- تاریخ الفی، مقدّمه، صص ۳۳ ۳۴ و ۴۴ ۴۷؛ فهرست ملك، ج ۲، ص ۱۰؛ نسخه های خطّی، ج ۵، ص ۷۲۱؛ فهرستواره کتاب های فارسی، ج ۱، ص ۵۶۳؛ اعیان الشّیعه، ج ۸، ص ۲۹۷.

اصفهانی روایت می کند، و ابوالفتح محمّد بن عبدالباقی بن احمد بن سلمان معروف به «ابن البسطی» از او روایت می کند.(۱)

احمد ثقفی

ابوالعبّاس احمد بن اسحاق بن ابراهیم جوهری معروف به «حمویه ثقفی» از محدّثین قرن سوم هجری است.

وی در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بوده، و در سال ۳۰۰ق وفات یافته است. از ابی مروان عثمانی، اسماعیل بن زراره، ابن ابی رزمه، محمّد بن سلیمان لوین، عبداللّه بن عمران عابدی و ابن المقری روایت می کند. قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث می نمایند.(۲)

سیّداحمد حائری بروجنی

احمد حائری بروجنی فرزند سیّدابوالقاسم بن سیّدحسن حسینی بختیاری، عالم فاضل محقّق، وی در عتبات عالیات به تحصیل پرداخته، و نزد فاضل اردکانی، شیخ زین العابدین مازندرانی و دیگران تلمّذ نموده است. او سال ها از علمای برجسته، و ائمّه جماعات کربلا- محسوب می شده، و به انجام وظایف شرعیّه مشغول بوده است. عاقبت به اصفهان آمده، و به اقامه نماز جماعت در مدرسه چهارباغ و ارشاد مردم پرداخت، و سرانجام در سال ۱۳۳۹ق وفات یافت. ایشان تقریرات اساتید خود را در علوم فقهی و اصولی به رشته تحریر درآورده است.(۳)

احمد ابهری

ابوطاهر احمد بن احمد بن ابی بکر ابهری مقری، از اهالی ابهر اصفهان، و از دانایان علم قرائت و از محدّثین اصفهان است.(۴)

۱- احقاق الحق، ج۷، ص۶۲۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۶.

۳- نقباء البشر، ج۱، ص۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳۱؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۳۰۵.

۴- معجم البلدان، ج۱، ص۹۱.

احمد نیازی اصفهانی

احمد میرزا متخلّص به «نیازی» فرزند اسحاق بن ابوتراب خلیفه سلطانی مرعشی، عالم فاضل محدّث فقیه مرتاض. [برخی از تذکره ها نام پدر او را سیّدمرتضی آورده اند(۱)]. مادرش دختر شاه سلطان حسین صفوی و خود، داماد شاه تهماسب ثانی بوده دیوان اشعاری دارد، در ۱۲۱۶ وفات یافته است. [با توجّه به فوت نیازی در زمان حیات آذر بیگدلی و مادّه تاریخی که او برای نیازی سروده، سال ۱۲۱۶ غلط، و سال ۱۱۸۸ق صحیح است]. پدرانش عموما اهل فضل و کمال بودند، و فرزندش میرزا سیّدعلی نوّاب نیز از علماء و دانشمندان است. [آذر در این بیت، مادّه تاریخ فوت او را آورده است:

چون شمار سال تاریخش ز آذر خواستم زد رقم: «مونس بود با احمد احمد در بهشت(۲)]

[دیوان اشعار او در کتابخانه آستانه حضرت معصومه (س) در قم وجود دارد(۳)].

از اشعار او است:

به یک کرشمه زلیخاوش دل ما را چنان ربود که یوسف دل ما را

احمد اصفهانی

احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی، از محدّثین اصفهان در اوایل قرن چهارم هجری است. از محمّد بن یوسف بنّا روایت نموده، و نواده اش حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث می کند.(۴)

۱- مجمع الفصحاء، ج۶، صص۱۰۳۵ ۱۰۳۶.

۲- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۷۹ ۶۸۱.

۳- فهرست آستانه حضرت معصومه (س)، ج۲، ص۳۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۳۱ ۲۳۲؛ تذکره انجمن خاقان، صص۶۶۳ ۶۶۴ و نیز رجوع کنید به: الذّریعه، ج۹، ص ۱۲۴۰؛ مکارم الآثار، ج۱۶۲۱ ۱۶۲۳؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۲۷۶؛ ریحانه الادب، ج۶، صص۲۷۴ ۲۷۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۲، ص۲۲۱.

ص: ۳۸۵

دکتر احمد فشارکی

دکتر احمـد فشارکی فرزنـد حاج میرزا اسـداللّه، از طرف مادر، نواده ملّاعلی اکبر فشارکی فرزنـد ملّامحمّدجعفر می باشد. در سال ۱۳۳۷ قمری متولّد شـد. تحصـیلات خویش را در رشـته پزشکی در دانشـکده پزشـکی تهران به پایـان رسانیـد، و از اوّل تأسـیس آموزشـگاه عالی پزشـکی و دانشـکده پزشـکی به عنوان دانشـیار، و اخیرا استاد مشغول انجام وظیفه است. طبیبی است حاذق، و در فنّ طبابت ماهر. مردی خلیق و مهربان و متدیّن و پاک روان است.

برخی از تألیفـات و آثـار او در رشـته پزشـکی به طبع رسـیده است. [وی پس از تأسـیس دانشـکده پزشـکی اصـفهان، ریاسـت آزمایشـگاه فیزیولوژی آن را برعهـده داشـته، و در این دانشـکده به تـدریس پرداخته، و به مقـام اسـتادی نائل آمـده است. وی مدّتی معاونت دانشکده پزشکی و سپس ریاست اداره کلّ دبیرخانه دانشگاه اصفهان را برعهده داشته است.

این کتاب ها از تألیفات و ترجمه های ایشان است: ۱. فیزیولوژی سلسله اعصاب ۲. فیزیولوژی تیرویید ۳. فیزیولوژی هیپوفیز ۴. مطـالعه دربـاره تغییرات همودینامیـک و الکتریـک در مـوارد کولالـبوس بیمـاران قلـبی (به زبـان فرانسه) ۵. فیزیولوژی سلسـله اعصاب.(۱)]

احمد انصاری

احمد بن اسماعیل بن مثلم انصاری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابی هانی اسماعیل بن خلیفه قاضی مصاحب ثوری روایت می کند، و محمّد بن یحیی بن منده از او نقل حدیث می نماید.(۲)

احمد عابد

احمـد بن اسـماعیل بن یوسف عابد اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است. وی از شـیخ ابومسـعود احمد بن فرات رازی روایت می کند، و سلیمان بن احمد و حسن بن محمّد بن دکه از او نقل حدیث می کنند.(۳)

ص: ۳۸۶

احمد اصفهانی

ابوبکر احمـد بن اشـکیب بن محمّد اصـفهانی، از محدّثین چهارم هجری است. او از عبید بن حسن و اباطالب بن سواده روایت نموده است. احمد در محرّم سال ۳۳۲ق در بازگشت از نیشابور وفات یافته است.(۴)

احمد خان بیگ کامل اصفهانی*

احمـد خان بیگ اصـفهانی متخلّص به «کامل» فرزنـد افضل، شاعر ادیب، به همراه پـدر به هندوسـتان رفته، به ملازمت اورنگ

زیب عالمگیر پادشاه هند درآمده، منصب امیری یافته، سرانجام در سال ۱۰۸۲ در شهر «تهانیسر» هند وفات یافته است.

از او است:

غم زِ هَر دل سفری شد سوی من می آید چون غریبی که ز غربت به وطن می آید(۵)

دکتر سیّداحمد ابطحی

دکتر حاج سیّداحمد ابطحی سدهی فرزند حاج میرمحمّدباقر از پزشکان حاذق و متدیّن معاصر، در سال ۱۳۴۰ق متولّد شد، و در اصفهان و تهران تحصیلات خود را انجام داد، و به اخذ درجه دکترا نائل شد، سپس به اصفهان بازگشت، و به معالجه بیماران و رسیدگی به حال ضعفاء و مستمندان پرداخت.

وی در عصر روز چهارشنبه ۱۹ رمضان المبارک ۱۴۰۹ق در اثر ابتلاء به سکته، وفات یافت، و در قبرستان باغ رضوان مدفون گردید.(۶)

میرزا احمد خان مشیر فاطمی

حاج میرزا احمد خان مشیر فاطمی فرزند میرزا محمّدباقر خان مشیرالملک بن میرزا

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، ص۵۸؛ اطّلاعات شخصی مؤلّف.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۲۶ و ۸۷؛ احقاق الحق، ج۱۶، ص۵۶۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۹.

۵- کاروان هند، ج۲، ص۱۱۲۹.

۶- مزارات اصفهان، ص۱۱۷.

علی محمّدخان طباطبایی نایینی، عالم فاضل از مشایخ و بزرگان شیخیّه اصفهان بود، تولّدش در سال ۱۳۱۵ق، و وفاتش در ۱۳ رمضان ۱۳۸۳ق اتّفاق افتاد.(۱)

سیّداحمد روضاتی

حاج سیّداحمد بن سیّدمحمّدباقر بن سیّدجلال الدّین بن میرزا مسیح بن میرزا محمّدباقر موسوی چهارسوقی «صاحب روضات». عالم فاضل فقیه محقّق، در ۷ رجب ۱۳۴۷ق در اصفهان متولّد [شد]، و تحصیلات مقدّماتی خود را در اصفهان نزد شیخ محمّدحسین مشکینی، سیّدمحمّدباقر ابطحی، میرزا علی آقا شیرازی، میرزا علی هسته ای، حاج آقا رحیم ارباب و سیّدمصطفی بهشتی نژاد انجام داد.

[سپس] به قم عزیمت نمود، و نزد آیات عظام: سیّدمحمّدتقی خوانساری، سیّدمحمّد حجّت، صدرالدّین صدر، سیّداحمد خوانساری، شیخ مرتضی حائری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی به کسب علم پرداخت، و به درجه اجتهاد نائل گردید، و از اساتید خود و بسیاری از علمای عالی قدر شیعه، موفّق به اخذ اجازه روایت و اجتهاد گردید. سپس به اصفهان آمد، و به تدریس و تألیف و ارشاد مردم، و اقامه نماز در مسجد شیخ بهایی و مسجد الیادران پرداخت. پس از مدّتی در تهران ساکن شد، و به وظایف شرعی اقدام نمود.

ایشان سرانجام در سال ۱۴۲۲ق (۱۳۸۰ش) وفات یافت، و در قبرستان باغ رضوان مدفون گردید.

ایشان تألیفات بسیاری از خود به جا نهاد، ازجمله کتاب های چاپ شده:

۱. المستدرکات علی روضات الجنّات ۲. ماجرای ریش و سبیل، ردّ بر دکتر صفوی ۳. گروه گمراهان بابی و بهایی ۴. میزان الانساب ۵. النّهریه شامل چهار رساله فقهی ۶. حواشی زواهر الجواهر در اخلاق ۷. گفت وگوی یک دانشمند شیعی با یک عالم سنّی ۸. فوائد منطقی یا شرح کبری ۹. شرح مبسوط بر رسائل مرحوم شیخ انصاری که به ضمیمه رسائل، چاپ سنگی شده ۱۰. مقدّمه بر حاشیه شیخ جواد طارمی بر قوانین الاصول، چاپ

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۶۳.

سنگی شده ۱۱. مقدّمه مبسوط بر کتاب سفینه البحار، چاپ افست در تهران ۱۲. فلسفه روزه یا بهترین روش تهذیب اخلاق در اسلام ۱۳. مقدّمه کتاب مناهج المعارف ۱۴. نداء الشّیعه فی حیاه الزّهراء ۱۵. تحقیق نفحات الرّوضات ۱۶. طبقات الاجازات ۱۷. علماء الاسره.

تألیفات چاپ نشده:

۱۸. تقریرات درس فقه آیت اللّه بروجردی ۱۹. السّبیل المسلوک فی اللّباس المشکوک ۲۰. مغانم الاصول فی شرح معالم الاصول ۲۱. سیر علم الاصول فی مختلف العصور ۲۲. موقط الاعلام فی تراجم الاسره و الاقوام، در سه جلد ۲۳. محاسن الاجازات فی سلسله الرّوایات ۲۴. سیره صاحب الرّوضات و حیاته العلمی ۲۵. حواشی بر کتب درسی متفرّق ۲۶. حواشی بر کتب رجالیّه ۲۷. مناظرات مذهبی، رد بر سنّیان، ج۲ و ۳ مخطوط ۲۸. صوفی بازی، در دو جلد ۲۹. پاسخ پرسش ها، سه جلد ۳۰. فرهنگ منظوم یا شرح نصاب ۳۱. الفوائد الثّمینه.(۱)

میرزا احمد چهارسوقی

آقامیرزا احمد چهارسوقی فرزند آقامیرزا محمّدباقر صاحب روضات، عالم فاضل زاهد، در ۲۱ ربیع الثّانی ۱۲۶۳ق در اصفهان متولّد شد، و نزد علمای اصفهان، ازجمله پدر بزرگوار خود و عموی دانشمندش آقامیرزا محمّدهاشم چهارسوقی تحصیل نمود، و دخترعموی خود را به زوجیّت خویش برگزید، و به نجف اشرف مهاجرت نمود.

وی در آن جا به تکمیل تحصیلات خود کوشید تا فقیهی جامع گردید، و باقی عمر را به عبادت و ریاضت گذراند تا این که در چهارشنبه ۱۵ رمضان المبارک ۱۳۴۱ق وفات یافت، و در وادی السّلام نجف در جوار مرقد عمّ بزرگوار خود مدفون گردید. صاحب عنوان، آثار و تألیفاتی داشته که از آن جمله است:

۱. حاشیه بر شرایع ۲. حاشیه بر شرح لمعه ۳. کتابی در ادعیه.

ایشان خطّ خوشی داشته، و کتب خود را به خطّ زیبای خویش کتابت نموده، و یک جلد

۱- الذّریعه، ج۱۶، ص۳۲۹ و ج ۲۰، ص۱۲۳؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج ۱، صص ۳۹۷ ۳۹۸؛ مستدرک فهرس التّراث، صص ۲۳۶ ۲۳۷؛ گنجینه دانشمندان، ج۴، ص ۴۷۱؛ مصفّی المقال، ص۶۴؛ فلسفه روزه، صفحه پشت جلد؛ یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

قرآن مجید نیز با خطّی نیکو نوشته است.(۱)

دکتر سیّداحمد تویسرکانی*

دکتر حاج سیّداحمد تویسرکانی فرزند عالم فاضل جلیل، حاج سیّدمحمّدباقر تویسرکانی در سال ۱۳۱۴ش در اصفهان متولّد شد، و تحصیلات حوزوی را نزد پدر خود آغاز نمود. سپس نزد مدرّسین عالی قدر حوزه علمیّه اصفهان، همچون سید احمد مقدّس، شیخ محمّدعلی عالم حبیب آبادی، شیخ حیدر علی صلواتی، شیخ عبّاسعلی ادیب حبیب آبادی، ملّاهاشم جنّتی، شیخ علی قدیری، حاج میرزا رضا کلباسی، شیخ محمود مفید، شیخ مرتضی اردکانی، حاج شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج شیخ احمد فیّاض و حاج میرسیّدعلی علّامه فانی به تحصیل پرداخت، و در تهران نیز نزد استاد جواد مصلح که استاد دانشگاه نیز بود، به فراگیری علوم اسلامی مشغول شد.

ایشان از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۱ در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران به تحصیل مشغول شد. ابتدا در رشته معقول و منقول، لیسانس و سپس دکترا دریافت نمود.

ایشان سال ها در دانشگاه های اصفهان، آزاد خوراسگان، آزاد نجف آباد و دانشگاه صنعتی اصفهان به تدریس فلسفه، کلام، فقه، اصول و ادبیّات جهت دانشجویان مشغول بوده است.

دکتر تویسرکانی از دانشمندان عالی قدر معاصر است، و تلاش ارزنده ای جهت تصحیح و احیای متون و انتشار آن ها انجام داده است. برخی از آثار ایشان عبارت است از:

۱. الرّسائل المختاره، شامل چند رساله از ملّاجلال الدّین دوانی که به همراه رساله امانت الهیّه میرداماد توسّط ایشان تصحیح شده، و به چاپ رسیده است ۲. سبع رسائل، شامل معرّفی حواشی و شروح بر تجریدالاعتقاد خواجه نصیرالدّین طوسی و شرح ابطال الزّمان الموهوم تألیف ملّااسماعیل خواجویی، به همراه پنج رساله از تألیفات ملّاجلال الدّین دوانی: اثبات الواجب القدیم، اثبات واجب الجدید، الزّوراء و دو شرح مختصر و مفصّل از خود دوانی که تصحیح شده، و به چاپ رسیده است. ۳. تصحیح رساله غنا تألیف میرزا عبدالغفّار تویسرکانی که ضمن کتاب الرّسائل فی الغناء در قم به چاپ رسیده است. ۴. ثلاث رسائل که شامل سه رساله از ملّا جلال دوانی: تفسیر سوره کافرون، شرح هیاکل النّور سهروردی و شرح بر انموذج العلوم که تصحیح و به چاپ رسیده است ۵. رساله وقف تألیف حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی

۱- احسن الودیعه، ج۱، ص۴۰؛ نقباء البشر، ج۱، صص۹۱ ۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۳۴ ۲۳۵؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۷۰۵ ۱۷۰۶؛ اعیان الشّیعه، ج۹، ص۲۱۱.

از او مقالات متعدّدی نیز در نشریات علمی به چاپ رسیده است.(۱)

سیّداحمد نوربخش دهکردی

حاج سیّداحمد نوربخش دهکردی ملقّب به «رحمت علی شاه حقّانی» فرزند سیّد محمّدباقر، عارف سالک و ادیب شاعر، در حدود سال ۱۲۸۵ق در دهکرد [شهرکرد فعلی[متولّد [شد]، و جهت تحصیل به اصفهان آمد، و خدمت آخوند ملّامحمّدحسین دهکردی دایی خود و آقاسیّدابوالقاسم دهکردی برادر خود، و آقامیرزا محمّدحسن نجفی و آخوند ملّامحمّد کاشانی تحصیل نمود، سپس به نجف اشرف رفت، و از درس علمای اعلام آن جا به خصوص آخوند خراسانی بهره گرفت.

وی پس از بازگشت به ایران به تصوّف میل پیدا کرد، و در سلک فقرای خاکساریّه درآمد، و خرقه پوشید، و اذنِ هدایت یافت، و در محلّه درکوشک اصفهان خانقاهی ساخت، و در آن ساکن شد، و به ارشاد و دستگیری مریدان خود پرداخت. بسیاری از اهالی اصفهان و چهارمحال از مریدان او بودند.

وی در سال ۱۳۲۵ق روزنامه نامه حقیقت را در اصفهان منتشر ساخت، و بالاخره در ۱۲ جمادی الاوّل ۱۳۳۹ق وفات یافت، و در خانقاه خود مدفون شد، و قبل از وفات، خواهرزاده خود حاج آقا رحیم دهکردی منوّرعلی شاه را به جانشینی خود انتخاب کرد.

این کتاب ها از او است:

۱. آغاز حقیقت [۲. برهان نامه حقیقت، که در سال ۱۳۳۶ق در اصفهان چاپ سنگی شده [۳. رشحات رحمت ۴. منطق الطّیر در شرح هفت وادی ۵. مثنوی در شرح سؤال کمیل از حضرت امیر علیه السلام در معنی حقیقت ۶. مثنوی در شرح آیه نور.

در شعر، «حقیقت» تخلّص داشت، و این شعر از او است:

۱- فصل نامه وقف میراث جاویدان، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، ص۴۸، مصاحبه با دکتر تویسرکانی توسّط غلام رضا نصراللّهی در مهرماه ۱۳۸۵.

به ملک فقر چرا کوس سلطنت نزنم؟ که آفتاب فلک گوشه کلاه من است

خطت دمیده و «حقیقت» به سوز دل می گفت: سیاهی رخ دلبر، ز سوز آه من است(۱)

احمد اصفهانی

احمد بن بسطام، از محدّثین اصفهان است. وی به همراه برادرش ابراهیم در بصره ساکن شده است.(۲)

احمد اصفهانی

احمد بن بِشر بن فاخر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از مسعود روایت می کند، و محمّد بن ابراهیم بن علی از او نقل حدیث نموده است.(۳)

احمد

احمد بن بشرویه، از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی در کتاب محاسن اصفهان از او نام برده است.(۴)

احمد شعّار

ابوعبداللّه احمد بن بُندار بن اسحاق اصفهانی معروف به شعّار، از محدّثین قرن چهارم هجری. حافظ ابونُعیم درباره او گوید: «ثقةٌ ظاهریّ المذهب» و در مرآه الجنان گوید: مسند اصفهان معروف به سفار [ظاهرا سفار، تحریف شده شعار است]. وی از ابن

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۱۷۶ ۱۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۳۲ ۲۳۳؛ تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۴، صص۲۶۸ ۲۷۱؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۴۸۹؛ دیوان طرب، ص۲۴۵؛ مقالات الحنفاء، ص۱۱۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۸۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۷.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۱.

ابی عاصم ظاهری مذهب، حسن بن ادریس عسکری، خزاعی، عبید عزّال، عمر بن مرداس، محمّد بن ایّوب رازی، محمّد بن زکریّا و محمّد بن یوسف جدّ مادری حافظ ابونُعیم اصفهانی روایت می کند، و حافظ ابونُعیم از او نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد حبّال

ابوالعبّاس احمد بن بندار حبّال، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از مسعود، سلمه، عبداللّه بن محمّد بن یحیی بن ابی بکیر و محمّد بن عاصم روایت حدیث می کند، و احمد بن اسحاق و ابوبکر محمّد بن احمد بن یعقوب شیبانی از او روایت می کنند.(۲)

فایده لغوی: «حبّال» بر وزن حمّال، به ریسمان باف و ریسمان فروش می گویند. «بندار» صفت فاعلی مرکّب و مرخّم (بن + دارنده) به معنی ریشه دار است. بندار به معنی مال دار و سرمایه دار و صاحب باغ می باشد.(۳)

سیّداحمد تربتی

سیّداحمد بن سیّدمحمّدتقی بن حسن تربتی اصفهانی، عالم فاضل محقّق. در سال ۱۳۵۷ق متولّد شده، و در نجف اشرف، خدمت اساتید، تلمّذ نموده است.

این کتب از او است: ۱. تقریرات اصول و فقه از اساتید خود ۲. ردّ بر بابیان ۳. علی علیه السلام در علوم(۴).

احمد اصفهانی

ابوصالح احمد بن توبه، از محدّثین اصفهان است. وی در سال ۳۲۱ق وفات یافته است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۱؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۳۷۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۳.

۴- معجم رجال الفکر و الادب، ص۴۳۸.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۰.

احمد طرقی اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن ثابت بن محمّد طرقی اصفهانی، از محدّثین است، و در نقل احادیث مورد وثوق همگان بوده، در اصفهان از اباالفضل مطهّر بن عبدالواحد و ابوالقاسم بن الیسری و ابا علی تستری و غیره، نقل اخبار نموده است.(۱)

احمد مؤدّب ابهری

ابوالعبّاس احمد بن جعفر بن احمد مؤدّب ابهری، از محدّثین اصفهان بوده [است]، و از محمّد بن حسن بن مهلب و فضل بن خصیب نقل احادیث می کند.

احمد بن جعفر فقیه یزدی از او روایت می نماید. ابهر یکی از روستاهای بلوک جی اصفهان است.(۲)

احمد فُرسانی

احمد بن جعفر بن سلم فُرسانی، از محدّثین قرن سوم هجری است از اهالی قریه «فُرسان» در حومه اصفهان است. از محمّد بن یحیی بن منده و جعفر بن احمد بن فارس روایت می کند. محمّد بن عبدالرّحمان بن مخلد و محمّد بن عبدالرّحمان بن سهل از او نقل حدیث نموده اند.(۳)

احمد اشعری مُلحَمی

ابوحامد احمد بن جعفر بن محمّد بن سعید اشعری ملحمی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری. بیش از ده سفر به عراق کرده، و آخرین سفر او در سال ۲۹۷ق بوده است. از برخی از محدّثان اصفهان حدیث نقل می کند. حافظ ابوالشّیخ اصفهانی او را از ضعفاء

۱- معجم البلدان، ج۴، ص ۳۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۴؛ معجم البلدان، ج۱، ص۸۴؛ خورشید جی، ص۴۲۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۴۲ و ۱۵۳.

دانسته است. وی در ماه رجب ۳۱۳ق وفات یافت.(۱)

احمد مدینی دشتکی

ابی جعفر احمد بن جعفر بن محمّد مدنی [مدینی] اصفهانی معروف به دشتکی، از محدّثین اصفهان بوده، از محمّد بن عبداللّه عسکری روایت می نموده، و ابوبکر بن مردویه از او روایت کرده است. دشتک از قرای اصفهان است، و برخی انکار کرده اند، در هر صورت، صاحب عنوان، اصفهانی است.(۲)

احمد صیرفی بغدادی

ابوالحسن احمد بن جعفر بن محمّد صیرفی بغدادی، از محدّثین قرن چهارم هجری است.

او بعد از سال ۳۶۰ق به اصفهان آمده است. محاملی و ابن عقده از او روایت می کنند.(۳)

احمد سمسار

ابوجعفر احمد بن جعفر بن معبد سمسار، از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از احمد بن عصام، احمد بن مهدی، ابی بکر بن نعمان، عبید غزال و یعقوب بن یعقوب روایت می کند، و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.

احمد سمسار در ۳۴۶ق وفات یافته است.(۴)

احمد اصفهانی

ابوحامد احمد بن جعفر بن سعدان، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از ابی بکر بن نعمان روایت می کند، و قبل از سال ۲۵۰ق وفات یافته است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۸؛ تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۶۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۳؛ معجم البلدان.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۴.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۹.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۲.

احمد مؤدّب

احمد بن جعفر بن ممیّه مؤدّب، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از ابراهیم بن نائله روایت می کند، و سریجانی از او نقل حدیث می کند.(۱)

احمد صوفی

احمد بن جعفر بن هانی صوفی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن یوسف روایت می کند، و عبداللّه بن احمد (پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی) از او نقل حدیث می کند.(۲)

احمد جنّت اصفهانی

احمد غفراللّهی متخلّص به «جنّت» فرزند حاج محمّدجعفر روغنی شاعر و عارف ادیب در حدود سال ۱۲۷۰ خورشیدی در اصفهان متولّد شد، و در این شهر علم و ادب آموخت. در شعر، از شاگردان سینا کرونی، ثمر اصفهانی و غمگین اصفهانی بود، و در انجمن های ادبی شیدا، دبیرستان تبریزی، خاکیا، کمال الدّین اسماعیل و پروانه شرکت داشت. در جوانی مرید میرزا عبّاس پاقلعه ای و میرزا زین العابدین پاقلعه ای از عرفای نعمت اللّهی اصفهان شد. سپس به مسافرت پرداخت، و بالاخره به استخدام وزارت فرهنگ درآمد، و آموزگار شد. وی صاحب قدرت طبع و لطف بیان در شعر بود. این شاعر توانا در ۲۷ جمادی الثّانی ۱۳۷۸ق در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد جنب مزار ملّااسماعیل خواجویی مدفون شد.

دیوان اشعار او به همّت برادرزاده اش عبدالحسین روغنی (ضیمران) در سال ۱۳۷۲ش به طبع رسیده است. مادّه تاریخ وفاتش را شاعر توانا استاد فضل اللّه اعتمادی (برنا) سروده است:

گفت «برنا» به شمسی اش تاریخ: «جنّت ما شدی سوی جنّت»

۱۳۳۷ش

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۲.

از او است:

ز برقی خرمن افلاک گردد تلّ خاکستر ز سوز سینه عاشق اگر فریاد برخیزد

فلک را عاقبت ترسم به دل این آرزوماند که از کوی نکورویان یکی دلشاد برخیزد

به هر شاخی که بنشیند گل معنی به بار آرد غبار تربت «جنّت» اگر از باد برخیزد(۱)

احمد قطّان

احمد بن جعفر حافی صوفی قطّان، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از احمد بن عصام روایت می نماید، و ابوبکر محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث نموده است.(۲) فایده لغوی: قطّان بر وزن عطّار، به معنی پنبه فروش است.

احمد خشّاب

ابوالعبّاس احمد بن جعفر خشّاب، از محدّثین اصفهان است. او از محمّد بن عاصم روایت می کند، و سُریجانی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد فقیه

احمد بن جعفر فقیه، از محدّثین اصفهان است. مافروّخی او را در شمار دانشمندان متقدّم بر عصر خویش آورده است.(۴)

۱- دیوان جنّت اصفهانی، صص۱ ۵؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۳۵ ۲۳۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

۴- محاسن اصفهان، ص۲۹.

احمد یزدی

ابوبکر احمـد بـن جعفر یزدی از محدّثین قرن پنجم هجری است. در اصـفهان سـاکن بـوده، و از احمـد بن محمّـد بن موسـی ملحمی روایت کرده است، خطیب بغدادی مؤلّف تاریخ بغداد از او روایت می کند.(۱)

۱۰۰۴

حافظ احمد اصفهانی

احمد بن جمال الدّین حافظ اصـفهانی از فضـلاء و نویسندگان قرن دهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای است از لباب الاخبار فی احادیث النّبویه تألیف محمّد بن محمود که آن را در یکم جمادی الاوّل سال ۹۱۰ق به خطّ نسخ نوشته است.

نسخه، ضمن مجموعه شماره ۲۳۹۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

شیخ احمد بیدآبادی

آقا شـیخ احمـد بیدآبادی فرزند حاج محمّدجواد حسـین آبادی، عالم عامل فقیه زاهد. در حدود سال ۱۲۷۸ق (و یا ۱۲۷۹) در اصـفهان متولّد شد، و در کودکی به تحصـیل مشغول گشت، و از محضر درس علمای اصفهان بهره گرفت، و قبل از رسیدن به بلـوغ، بـه اجتهـاد نائـل آمــد، و از شــش تـن از اساتیـد خـود، از جملـه آقـامیرزا محمّـدباقر صـاحب روضـات و برادرش میرزا محمّدهاشم چهارسوقی کسب اجازه نمود. او قریب به پنجاه سال در محلّه بیدآباد اصـفهان به اقامه جماعت، و هدایت و ارشاد مردم پرداخت، و در مدرسه میرزا مهدی تدریس نمود و با مواعظ شافیه خود مردم را مسـتفیض می نمود. حاج شـیخ احمد در چند خصلت در بین معاصرین خود ممتاز بود:

اوّل: در حـافظه و ذکاء، اعجوبه دهر بود، و ادعیه مطوّلّه را در قنوت نوافل، قرائت می نمود. دوم: در فروغ فقیهیّه، به طور کامل مسـلّط بود. سوم: در اخلاـص و اردات به خـانوده عصـمت و طهـارت،اهتمام بسیار داشت. چهارم: در فتوّت و جوان مـدری و فرزانگی، آیت

۱- احقاق الحق، ج۵، ص۱۸۵.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۹۹۹.

روزگار خود بود. این عالم جلیل القدر در چهارشنبه قبل از ظهر ۲۱ جمادی الاوّل ۱۳۵۷ق وفات یافته، در بقعه تکیه بروجردی مدفون شد. میرزا عبدالجواد خطیب در رثای او شعری سروده که مادّه تاریخ آن چنین است:

«خطیب» آه از دل بر آورد و گفت: «بمعراج قرب احد رفت احمد»(۱)

احمد مستوفی اصفهانی*

عزیزالـدّین احمد بن حامد بن محمّد اصـفهانی معروف به عزیزالدّین مسـتوفی، ادیب دانشـمند، از کارگزاران دولت سـلجوقی. وی از دولتمردان متنفّذ دولت سـلجوقی بود، و به همراه ابوالقاسم درگزینی، علیه شـمس الملک فرزند خواجه نظام الملک نزد پادشاه سعایت کرد، و موجبات قتل او را در سال ۵۱۷ق فراهم ساخت. وی ابتدا مستوفی سلطان محمود سلجوقی بوده، و سپس خزانه دار و وزیر فرزندان سـلطان شد. سلطان، درگزینی را عزل [کرد]، و انوشیروان کاشانی به وزارت برداشت. درگزینی پس از مـدّتی با پرداخت وجهی کلان، وزارت را از سـلطان محمود خرید، و پس از رسـیدن به وزارت، شاه را به برکناری و حبس عزیزالـدّین وادار ساخت. عزیزالـدّین ابتـدا در بغداد، و سـپس در قلعه تکریت محبوس شد، درگزینی سـرانجام فرمان قتل او را گرفت، و مجاهدالدّین بهروز شحنه بغداد، فرمان قتل او را اجراء کرد، در سال ۵۲۷ق عزیزالدّین در قلعه تکریت کشته شد. وی طبع شعر نیز داشته، این رباعی از او است:

امروز دگرباره چنان آمده ای گویی ز بهشت جاودان آمده ای

رخشنده چو ماه آسمان آمده ای از خلد مگر در این زمان آمده ای(۲)

۱- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، صص۸۲-۸۳؛ خلد برین یا تاریخ گویندگان اسـلام، ج۱ ، صص ۱۳۵- ۱۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۳۷- ۲۳۸؛ نقباء البشـر، ج۱، صص ۹۲-۹۳؛ اسـتاد زاده، صص ۲۵-۳۰؛ سـیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶.

۲- وزارت در عهـد سـلاطین بزرگ سـلجوقی، ص۲۶۹؛ لغت نـامه دهخـدا ذیـل «احمـد»، ص۱۱۴۸؛ مجمع الفصـحاء، ج۲، ص۸۶۸؛ نزهه المجالس، صص۸۴ و ۲۵۸.

احمد اصفهانی

شیخ احمد بن حسن اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن دهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب سی فصل تألیف خواجه نصیرالدّین طوسی که آن را در سال ۹۱۸ در شماخی به خطّ نستعلیق نوشته است.

وی در همان سال و همان محل (یعنی سال ۹۱۸ در شماخی) شرح سی فصل را نیز نوشته است. این دو اثر به شماره های ۱/۱۰۸۲ و ۱/۱۰۸۳ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس وجود دارد.(۱)

احمد انصاری

میرزا احمد خان نصرالسّلطان فرزند حاج میرزا حسن خان جابری انصاری فرزند حاج میرزا علی، متوفّی ۱۵ شهر رجب ۱۳۸۶ق مدفون در تکیه بابارکن الدّین در تخت فولاد اصفهان.(۲)

احمد آذینی

احمد بن حسن بن آذینویه (آذینوه) اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. وی در نصیبین ساکن بوده، و از احمد بن عیسی بن زید لخمی خشاب تنیسی و اسحاق بن سیّار روایت می کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد سُسّویه

ابوالعبّاس احمد بن حسن بن ابی عبداللّه بن سُسّویه، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

۱- فهرست گوهرشاد صص۱۳۸ ۱۳۹.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۷۳ ۷۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۱۳۰؛ الانساب، ج۱، صص۷۳ ۷۴؛ اللّباب، ج۱، ص۱۹، مقتبس الاثر، ج۲، ص۲۰۶؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج۱، ص ۷۰؛ فرهنگ نامه پارسی، ج۱، ص۹۸.

وی از محمّد بن اسماعیل صائغ روایت می کند، و احمد بن عبدالرّحمان بن محمّد حفصی ذکوانی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد ماندکانی اصفهانی

ابو نصر احمد بن حسن بن احمد بن عبدالرّحمان ماندکانی اصفهانی معروف به «قاضی اللّیل» از محدّثین اصفهان بوده، و در شعبان ۴۷۵ق وفات یافته است.

ماندکان یکی از روستاهای اصفهان است.(۲)

احمد نقّاش

ابوالحسن احمد نقّاش بن حسن بن ایّوب بن هارون، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. حافظ ابونُعیم اصفهانی گوید: ثقه، صاحب اصول و کثیرالحدیث است. در روز جمعه در مسجد جامع به مدرس او حاضر شدم که در حظیره ابی بکر بن عبدالوهاب بوده؛ ولی چیزی از او استماع ننمودم. احمد نقّاش از عمران بن عبدالرّحیم، عبداللّه بن محمّد بن سلام و محمّد بن احمد بن بردء روایت می کند، و محمّد بن ابراهیم بن علی از وی نقل حدیث نموده است. فوتش در ذی حجّه سال ۳۴۵ق اتّفاق افتاده است.(۳)

احمد تیمی واذاری

ابومسعود احمد بن حسن تیمی واذاری بن جهم بن حبله بن مصقله از محدّثین اصفهان در اوایل قرن چهارم هجری است. در کوفه حدیث می گفته است. از پدرش و اُسید بن عاصم روایت می کند.(۴)[پدرش از اهالی قریه واذار در حومه شهر اصفهان بوده است].

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۶.

۲- معجم البلدان.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۳۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۵؛ الانساب، ج ۵، ص ۵۵۹.

احمد ابهری

ابوشکر احمد بن حسن بن فادار ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. اصلاً از «ابهر» جی اصفهان بوده، و از احمد بن محمّد بن مرزبان ابهری حدیث نقل کرده، و در شعبان ۴۵۵ق وفات یافته است.(۱)

احمد قاری

ابوالعبّاس احمد بن حسن بن محمّد بن حسن قاری، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. ابوالمعالی هبه اللّه بن علیّ بن ابراهیم شیرازی در اصفهان از وی حدیث شنیده است.(۲)

احمد دارکی

ابوبکر احمد بن حسن بن محمّد بن حسن بن زیاد دارکی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابوحاتم و محدّثان عراق و ری روایت می کند، و محمّد بن احمد بن محمّد بن جشنس از او نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد هیسانی

ابوبکر احمد بن ابوعلی حسن بن محمّد بن همزه هیسانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی از اُسید بن عاصم، احمد بن مهدی و عبداللّه بن محمّد بن سنان روایت می کند، و ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه، حسن بن اسحاق بن ابراهیم و علیّ بن محمود از وی نقل حدیث می کنند.(۴)

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۸۴.

۲- التّحبیر، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۶.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۴.

سیّداحمدبهشتی

حاج سیّداحمد بهشتی فرزند سیّدحسن، علام فاضل پارسا، مرد وارسته و زاهدی بود. گاهی منبر می رفت، و مردم را موعظه می فرمود. نماز جماعت را در مسجد سر جوی شاه اقامه می نمود. در ۲۹ جمادی الاوّل ۱۳۶۲ق وفات یافت، و در تخت فولاد، نزدیک مصلّی مدفون شد پس از آن، تکیه ای ساخته شد که به تکیه زرگرها معروف شد.

ملّاحمد بیان الواعظین

حاج ملّااحمد بیان الواعظین فرزند حاج ملّاحسن ادهم واعظ اصفهانی بن آقا محمّدجواد بن آقا محمّدهادی بن احمد بن ملّاادهم بن آقا محمّدرضی قزوینی، عالم فاضل، واعظ کامل، در سوم صفر ۱۳۱۴ق در محلّه بیدآباد اصفهان متولّد گردیده(۱)، و نزد علمای این شهر، همچون حاج ابوالقاسم زفره ای معروف به «حاج آخوند»، شیخ محمّدتقی آقانجفی و آقا شیخ احمد حسین آبادی به تحصیل پرداخته است. سپس او به مطالعه و تحقیق و تألیف کتاب روی آورد، و جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، و با مواعظ خود شنوندگان را مستفیض می نمود. الحق، واعظی شیرین بیان و طلیق اللّسان بود. وی سرانجام در شب یک شنبه ۲۱ ربیع الاوّل ۱۳۷۱ق وفات یافت، و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۲) کتب زیر از تألیفات او است: ۱. اصل الکلام، در کلام ۲. جوهر مقصود در اثبات رجعت موعود ۳. خلد برین، در احوال خطباء و واعظین، در ده مجلّد که جلد اوّل آن به طبع رسیده است ۴. دیوان اشعار ۵. ران ملخ، دو جلد، در تاریخ احوال خمسه طیّبه علیهم السلام ۶. ضیاء النّحو، در امّهات مسائل نحویّه (تقریرات درس مرحوم زفره ای) ۷. النّوادر و المتفرقات و غیره.(۳)

۱- خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج۱، ص ۲۳۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۴۱ ۲۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶.

۳- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۶۹؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۴۶۰ ۴۶۱؛ الذّریعه، ج۱۰، ص۱۹۴.

میرزا احمد ملّاباشی

حاج میرزا احمد ملّاباشی بن میرزا محمّدحسن منجّم باشی بن میرزا محمّدعلیّ بن حاج میرزا عبداللّه حسینی تفرشی اصفهانی، عالم فاضل ادیب فقیه و منجّم، در اصفهان، مصدر امور شرعیّه و عرفیّه بوده، و در نزد جمعی از بزرگان از فحول علماء، همچون آقامیرزا ابوالمعالی کلباسی و پدرش میرزا محمّدحسن تلمّذ نموده، و به افتخار مصاهرت میرزا ابوالمعالی نائل آمده [است]. وی سرانجام در روز پنج شنبه ۱۱ ربیع الثّانی ۱۳۳۱ق در اصفهان وفات یافت، و در داخل بقعه مرحوم آقامیرزا ابوالمعالی در تخت فولاد مدفون گردید، سپس به اعتاب مقدّسه حمل گردید. از آثار او دفتر تقویم است. هم چنین ساختمان بقعه تکیه آقامیرزا ابوالمعالی در تخت فولاد نیز به همّت ایشان صورت گرفته است.(۱)

میرزا احمد محیی

میرزا احمد خان محیی فرزند میرزا حسن جرّاح، طبیب ماهر. وی در دارالفنون تحصیل کرد، و سال ها در بیمارستان انگلیسی ها مشغول خدمت بود، سپس خود در محلّه نو چهارسوق شیرازی ها بیمارستان تأسیس نمود که به بیمارستان احمدیّه شهرت یافت. وی طبیبی حاذق و خلیق بود. طبّ قدیم را نیز نزد پدر آموخته بود، و به گرمی و ملاطفت و مهربانی از بیماران دلجویی می کرد. او بیش از چهل سال در اصفهان به طبابت مشغول بود، و سرانجام در ماه صفر سال ۱۳۷۱ق وفات یافت، و در اتاق تکیه سادات میرمحمّدصادقیها در تخت فولاد مدفون گردید. اتاق مزبور و تکیه و حیاط تکیه اختصاصی مرحوم دکتر محیی را در سال های اخیر خراب کردند، و جزو تکیه شهداء نمودند.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۱۸ ۲۱۹؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۱۷۴ ۱۷۵؛ چهل سال تاریخ ایران یا الماثر و الآثار، ج۱، ص۲۸۴؛ خاندان کلباسی، ص۱۶۳؛ الذّریعه، ج۸، ص۲۱۶.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۴ و اطّلاعات شخصی نویسنده.

احمد ضیاءالملک

خواجه ضیاءالملک ابونصر احمد بن خواجه نظام الملک حسن طوسی اصفهانی، از سیاستمداران و کارگزاران عصر سلجوقی است. در بلخ متولّد شد، در اصفهان تربیت یافت، و در همدان سکنی گزید.

پس از سعدالملک آبی به وزارت سلطان محمّد سلجوقی رسید. مردی سلیم القلب، نیک نفس، صادق اللّهجه و پسندیده سیرت بود؛ امّا در حلّ و عقد امور و سیاست جمهور، استقلال و قدرت و قوّت نفس نداشت. ازجمله القاب او قوام الدّین صدرالاسلام نظام الملک بود. مدّت چهار سال وزارت کرد، و پس از او خطیرالملک میبدی وزارت یافت.(۱)

احمد اسدی

ابوالعلاء احمد بن حسین اسدی بغدادی، ادیب شاعر. وی به اصفهان آمده، و در این شهر ساکن شده، و در این شهر وفات یافته است.(۲)

احمد اصفهانی

احمد بن حسین اصفهانی، از محدّثین شیعه در قرن یازدهم هجری است. وی در ۱۸ ربیع الاوّل ۱۰۴۰ق از حسین بن حیدر بن قمر کرکی عاملی اجازه روایت دریافت داشته است. این اجازه، بر روی برگی از کتاب من لا یحضره الفقیه که در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام نجف محفوظ است، نوشته شده است.(۳)

۱۰۲۵

احمد

ابوعمر احمد بن حسین بن احمد بن ابراهیم از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری

۱- راحه الصّدور، ص۱۸؛ نسائم الاسحار، ص۵۳؛ دایره المعارف دانش بشر، ص ۵۸۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۷.

۳- الرّوضه النّضره، صص۱۵ ۱۶؛ اعیان الشّیعه، ج۶، ص ۶۰.

است. وی برادر قاضی ابی احمد محمّد عسال است، و از عبدان روایت می نماید.(۱)

احمد کرّانی

ابوحامد احمد بن حسین بن علی سمسار، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی ساکن محلّه ماجشون در کرّان اصفهان، و در صنف فرش فروشان (انماط) بوده است. وی از احمد بن محمّد بن سکن بغدادی روایت می کند، و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

فایده لغوی: «انماط» جمع نمط به معنی فرش و بساط، و انماطی به معنی فرش فروش است.

شیخ احمد حججی نجف آبادی*

حاج شیخ احمد حججی فرزند ملاّ حسین بن ملاّمحمّد نجف آبادی عالم فاضل فقیه مجتهد، از علمای عالی قدر قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۳۰۳ق در نجف آباد متولّد شد، و پس از طی نمودن تحصیلات مقدّماتی به نجف اشرف عزیمت نموده، و از درس علمای اعلام و آیات عظام، آخوند خراسانی و آقاسیّدمحمّدکاظم یزدی و دیگران بهره گرفت. در سال ۱۳۳۰ق به دنبال واقعه فوت پدر، به نجف آباد بازگشت، و سرپرستی خانواده را برعهده گرفت، و به ارشاد مردم و ترویج دین پرداخت. هم چنین در اصفهان از درس آخوند فشارکی و میرزا محمّدصادق مدرّس خاتون آبادی استفاده نمود. ایشان به پرورش طلاّب و تشویق جوانان به پوشیدن لباس روحانیّت، اهتمام فراوان داشت. بسیاری از فضلای نجف آباد، شاگرد و دست پرورده او هستند. وی با قناعت و ساده زیستی روزگار را سپری می ساخت. ایشان سرانجام در ۱۵ صفر ۱۳۶۵ق در سنّ ۶۳ سالگی در نجف آباد بر اثر بیماری دیابت وفات یافت، و در قبرستان شش جوبه نجف آباد مدفون گردید. از آثار ماندگار ایشان، تصحیح قبله نجف آباد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۳.

و ساختن مسجد معروف به مسجد شیخ احمد در چهارراه بازار نجف آباد را می توان نام برد.(۱)

احمد خُرجانی

ابوبکر احمد بن ابوعلی حسین بن محمود بزّاز خُرجانی واعظ، از محدّثین اصفهان است. وی از برادرزاده ابی زرعه و ابی الاسود و دیگران روایت می کند.(۲)

[خُرجان یکی از روستاهای قدیمی حومه اصفهان بوده است].

احمد دلیجانی

ابوالعبّاس احمد بن حسین بن مطهّر دلیجانی مشهور به خطیب از محدّثین اصفهان است. دخترانش امّ ولید و لامعه و ضوء الصّباح از او حدیث شنیده، و روایت کرده اند.

دلیجان (که اکنون آن را دلیگان و دیلیگون می خوانند)، از دهات بلوك برخوار اصفهان است.(۳)

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن حسین بن مهران اصفهانی، از محدّثین و دانشمندان قرائت و تجوید در قرن چهارم هجری است.

وی در سال ۲۹۵ق متولّد شده، و سال ها در نیشابور ساکن بوده است. وفات او در سال ۳۸۱ق اتّفاق افتاده است. کتب زیر از او است: ۱. آیات القرآن ۲. الغایه ۳. غرائب القرآن ۴. وقوف القرآن ۵. الشّامل فی القرائات(۴).

۱- گنجینه دانشمندان، ج۷، صص۲۹۷ ۲۹۹؛ دیباچه دیار نون، صص۱۶۶ ۱۶۷؛ سیمای دانشوران، صص۷۳ ۷۶، آیینه اهل قلم، صص۴۰ ۴۱؛ حکایت پارسایی، اغلب صفحات.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

۳- معجم البلدان، ج۲، ص۴۶۱.

۴- مرآه الجنان، ج۲، صص۴۱۰ و ۳۰۸؛ النّشر فی قرائات العشر، ص۸۹؛ الاعلام، ج۱، ص۱۱۲؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۶۷.

ص: ۴۰۷

احمد حلّی

جمال الدّین احمد بن حسین حلّی، از علماء و فضلاء قرن دوازدهم هجری، و از شاگردان فاضل هندی در اصفهان بوده است. مشارٌالیه در ماه رمضان ۱۱۲۴ق نسخه ای از کتاب کافی را کتابت کرده، و حواشی فاضل هندی را در قسمت اوّل کتاب، نقل نموده، و مرحوم فاضل هندی در روی برگ اوّل کتاب، اجازه ای جهت کاتب نسخه نوشته است. این نسخه به شماره ۹۸۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شیخ احمد خوانساری

شیخ احمد بن شیخ محمّدحسین خوانساری، عالم فاضل، واعظ کامل از علمای عالی قدر اهل منبر اصفهان. در تاریخ اسلام و اخبار روایات، مهارت بسزایی داشته، و با ارشادات و مواعظ شافیه خود، مردم را راهنمایی می فرموده است. در خوانسار متولّد شده، و در اصفهان تحصیل نموده بود.

در روز ۱۹ جمادی الاوّل سال ۱۳۴۵ق در خوانسار وفات یافت. کتاب لسان الصّدق از تألیفات او به چاپ رسیده است.(۲)

۱۰۳۳

میرزا احمد عمادالواعظین

حاج میرزا احمد عمادالواعظین کربکندی فرزند مرحوم ملّاحسین عمادالواعظین. فاضل ادیب محترم از افاضل اهل منبر اصفهان در حدود سال ۱۳۰۰ در اصفهان متولّد گردیده، و در خدمت جمعی از بزرگان همچون آخوند ملّامحمّدحسین کرمانی، مولی عبدالکریم گزی، سیّدمحمّد مغنی، حاج آقا منیرالدّین بروجردی و جمعی دیگر تلمّذ نموده، در خدمت پدر دانشمند خود حدیث و تفسیر آموخته، و رموز وعظ و خطابه و منبر فراگرفته، و

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۱۷۵؛ روضات الجنّات، ج۷، ص۱۱۳؛ احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی، صص۲۲ ۲۳.

۲- خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، صص۱۴۶ ۱۴۷؛ الذّریعه، ج۱۸، ص۳۰۶؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۳.

عمر عزیز خود را به ارشاد و هدایت و ذکر مناقب و مصائب خاندان عصمت و طهارت گذرانیده [است]. سرانجام در صبح روز جمعه، سوم جمادی الثّانیه سال ۱۳۸۴ پس از فرود آمدن از منبر موعظه، در مجلس عزاداری جهت حضرت صدّیقه طاهره سلام اللّه علیها به مرض سکته وفات یافت، و در تخت فولاد، در تکیه مرحوم آباده ای در جنب پدر مدفون گردید. نویسنده، سال ها از نزدیک ایشان را می شناختم، واعظی نیک نهاد و فاضلی خوش اعتقاد بود.(۱)

سیّداحمد مرندی

حاج سیّداحمد بن میر سیّدحسین مرندی اصفهانی، از علماء و فضلای قرن سیزدهم هجری. در حدود سال ۱۲۲۵ق در شهر مرند متولّد گردیده، و مقدّمات علوم را در آن جا فراگرفت. سپس جهت تکمیل تحصیلات خویش به اصفهان مهاجرت نمود، و در خدمت حاجی کلباسی و سیّد حجت الاسلام و جمعی دیگر از علماء، سال ها تلمّذ نمود تا عالمی جامع و فقیهی بارع گردید.

سرانجام در شوّال سال ۱۲۹۸ در اصفهان وفات یافت، و در تکیه حاجی آباده ای مدفون گردید. این سه سطر شعر، بر روی سنگ قبر او منقور است:

حاج سیّداحمد از شهر مرند آمد و در اصفهان مأوا گرفت

دانش این آیت اللّهِ بزرگ در میان عالمان والا گرفت

در هزار و دو صد و نود و هشت در جوار رحمت حق جا گرفت(۲)

سیّداحمد میردامادی

حاج سیّداحمد میردامادی (فرزند سیّدمحمّدحسین مقدّس)، از اکابر علمای عصر، و از شاگردان مرحوم آقامیرزامحمّدهاشم چهارسوقی و حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی مسجدشاهی اصفهانی و داری اجازه از هر دو نفر بوده، و در سال ۱۳۰۵ق وفات نموده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۴۹.

۲- بیان المفاخر، ج ۱، صص ۲۵۸ ۲۵۹.

۳- لطائف غیبیّه، مقدّمه، صص سی و یک سی و دو.

احمد گرجی

احمد بن حسین علی گرجی فریدنی آخره علیا، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. وی نسخه ای از کتاب عین الحیاه علاّمه مجلسی را کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

آخره از دهات فریدن اصفهان است.

احمد ابهری

ابوطاهر احمد بن حمد بن ابی بکر ابهری مقری، از محدّثین و قاریان قرآن مجید است. اصلاً از اهالی قصبه «ابهر» جی اصفهان بوده است، و از ابوبکر لفتوانی حدیث نقل می کند.(۲)

احمد حبّال

ابوالعبّاس احمد بن حمدان بن محمّد بن عبدک حبّال اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از محمّد بن احمد بن تمیم [شمیکانی [روایت حدیث می کند.(۳)

احمد مدینی

ابوالعبّاس احمد بن خشنام بن عبدالواحد مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از بکر بن بکار و حسین بن حفص روایت نموده است. علیّ بن صبّاح از او نقل حدیث می کند.(۴)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۳۲.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۲.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۸.

دکتر میرزا احمد احتشام زوّاره ای

دکتر میرزا احمد احتشام الحکماء فرزند میرزا محمّدخلیل بن میرزا احمد طباطبایی زوّاره ای. از اطبّاء حاذق بوده، و در اصفهان سکنی داشته است. او در دوره های پنجم، هشتم، نهم و دهم به نمایندگی مردم اصفهان در مجلس شورای ملّی برگزیده شد.(۱)

احمد ثقفی مدینی

احمد بن راشد بن معدان بن عبدالرّحیم بن راشد ثقفی مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از حیّان بن بشر و پدرش راشد بن معدان روایت می کند، و فرزندش محمّد بن احمد از او نقل حدیث می کند.(۲)

احمد فریدنی

احمد بن رجبعلی فریدنی اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن ۱۳ هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای است از اختیارات و تعبیر خواب تألیف ابراهیم بن عبداللّه کرمانی که آن را در جمعه ۱۷ شعبان ۱۲۵۸ق و نسخه اسماء الحسنی را به سال ۱۲۰۸ (ظاهراً ۱۲۵۸ق) به خطّ نسخ زیبا نوشته است. این دو نسخه، ضمن مجموعه شماره ۴۰۴۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۳)

احمد اصفهانی

احمد بن رحیم اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن ۱۳ هجری است. از آثارش مجموعه ای است شامل سه کتاب به شرح زیر: ۱. الوازین الدّویه، از عبدالوهاب شعرانی ۲. رساله در وحدت وجود، از محی الدّین عربی ۳. التّدبیرات الالهیّه، از محی الدّین عربی. مجموعه به شماره ۳۷۶۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است، و کاتب، آن

۱- آتشکده اردستان، ج۲، ص۲۰۲ و ج۳، ص ۶۱۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۲.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۴۵.

را در سال ۱۲۱۴ق به خطّ نسخ کتابت نموده است.(۱)

میرزا احمد خوانساری

حاج میرزا احمد خوانساری معروف به «میرزا منظور» فرزند ملّامحمّدرضا، عالم فاضل و واعظ کثیرالتّألیف. وی در حدود سال ۱۳۲۳ق وفات یافت، و در تکیه مادر شاه زاده مدفون گردید، کتب زیادی در احادیث و اخبار و مصائب تألیف نموده، و برخی از آن ها را به طبع رسانده است که از آن جمله است: ۱. بشری للزّائرین ۲. تبصره النّاظرین ۳. تذکره المتّقین ۴. تبصره الرّایین، مجموعه قصاید و غزلیّات ۵. خلاصه المقاصد فی تاریخ الاماجد ۶. ذکری للذّاکرین ۷. زبده النّوائب المصائب ۸. زبده المصائب، مطبوع ۹. عمده المصائب، مطبوع ۱۰. عنوان الرّزیه فی بیان القضیّه من ذریّه النّبویّه ۱۱. فلاح الامامه فی تاریخ ثامن الائمّه ۱۲. فصلین یا بهار و خزان ۱۳. کتابی در اسامی اولاد حضرت زهرا سلام اللّه علیها ۱۴. کتابی در مواعظ ۱۵. مصباح الامّه فی تاریخ امّ الائمّه ۱۶. مخزن الاسرار و مجمع الاشعار ۱۷. منظور الائمّه در ترجمه مجلّد دهم بحارالانوار در چهار جلد (که عبارت از شماره های ۱۱، ۱۳، ۱۵ و ۱۸ می باشد) ۱۸. مفتاح الغمّه در تاریخ الائمّه ۱۹. یومیّه که وقایع الایّام است، و غیره. این شعر از او است:

منکر حسن خدا تو گویی کور است زان که از پرتو روی تو جهان پرنور است

چشم خفّاش گرت فاش نبیند چه کند؟ که وی از ظلمت چشم و دل خود مستور است

هستی دوست، خودش شاهد بر هستی اوست مهر و امهر دلیل و مثلی مشهور است(۲)

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، جزء چهارم، ص ۱۷۵۱.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۷۷ ۷۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۲۴۲ ۲۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۹۳؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۱۷۷ ۱۷۵؛ دانشمندان خوانسار، صص ۲۳۳ ۲۳۱.

احمد صدیق السّلطان

احمد (زمان خان) فرزند حاج میرزا رضا صدیق السّلطان تهرانی، خزانه دار ناصرالدّین شاه و مظفّرالدّین شاه.

وی در ۱۵ رجب ۱۳۲۸ق در اصـفهان متولّـد شده، و در این شـهر تحصـیل کرده است. از فقرای سلسـله نعمت اللّهی گنابادی است، گاهی شعر می سراید.(۱)

احمد صدیق السّلطان

احمد (زمان خان) فرزند حاج میرزا رضا صدیق السّلطان تهرانی، خزانه دار ناصر الدّین شاه و مظفّر الدّین شاه.

وی در ۱۵ رجب ۱۳۲۸ق در اصـقهان متولّـد شده، و در این شـهر تحصـیل کرده است. از فقرای سلسـله نعمت اللهی گنابادی است، گاهی شعر می سراید.(۲)

احمد هنرمند*

استاد احمد هنرمند فرزند محمّدرضا، از موسیقی دانان اصفهان در عصر حاضر است.

در سال ۱۳۱۳ش در اصـفهان متولّد شد. او زیر نظر استاد جلال تاج، استاد حسین یاوری و دیگران پرورش یافت. ایشان با اکثر گوشه ها و ردیف های آوازی به خوبی آشـنا است، و علاوه بر نوازنـد گی نی، به آواز نیز علاقه منـد است. در حال حاضـر، با گروه ارکستر هنرسـتان موسـیقی اصـفهان همکـاری دارد. علاـوه بر موسـیقی، در رشـته های ورزشـی ماننـد فوتبال، هنـدبال و بسکتبال فعّالیت داشته، و مدّتی نیز مربّی بوده است.(۳)

احمد اصفهانی

ابوعبداللّه احمد بن رطبه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و از محمّد بن عمرو بن واقدی روایت می کند.(۴)

احمد مدینی

احمد بن زبیر بن هارون مدینی، از محدّثین اصـفهان، و از اهالی مدینه (شهرسـتان) اصفهان در قرن سوم هجری است، از همام بن محمّد بن نعمان روایت می کند، و محمّد بن عبدالرّحمان بن مَخلد از وی نقل حدیث می نماید.(۵)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ج۲۵.

۳- چهره افروختگان خطّه زنده رود، ص۱۴۸.

۴- احقاق الحق، ج۸، بخش ۱، ص۴۵۱؛ مناقب خوارزمی، ص۱۲۳.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۸.

احمد زیرک زاده

مهندس احمد زیرک زاده فرزند حاج میرزا زیرک دهکردی اصفهانی، از سیاستمداران معاصر در سال ۱۲۸۶ش متولّد شد، و در اصفهان و تهران به تحصیل پرداخت. او جزء اوّلین دوره دانشجویان ایرانی اعزام شده به اروپا بود. او پس از فارغ التّحصیلی از یکی از دانشگاه های فرانسه به ایران آمد، و پس از تأسیس دانشگاه تهران، به تدریس در آن جا پرداخت. در جریان مبارزات ملّی شدن صنعت نفت، شرکت فعّال داشت، و از طرفداران دکتر مصدّق به شمار می رفت. او ازجمله مؤسّسین حزب ایران بود.

سیّداحمد علوی عاملی

نظام الدّین احمد بن سیّدزین العابدین میرعبداللّه بن میرمحمّد بن میرصالح علوی عاملی. عالم فاضل، فقیه متکلّم، حکیم و فیلسوف محقّق. در اواخر قرن دهم هجری متولّد شده، و در اصفهان نزد میرداماد و شیخ بهایی به تحصیل پرداخته، و مفتخر به دریافت اجازه از آنان گردیده است. وی دختر میرداماد را به همسری اختیار کرده، و در شرح و تبیین افکار فلسفی استاد کوشیده تا جایی که در بین مردم و فضلای آن عصر که میانه ای با فلسفه نداشته اند، منزوی بوده است. سال دقیق وفات او معلوم نیست؛ ولی در بین سال های ۱۰۵۴ تا ۱۰۶۰ق وفات او اتّفاق افتاده است. جای دفن او را در تخت فولاد، تکیه آقا سیّدرضی الدّین شیرازی دانسته اند.

وی بیش از پنجاه جلد کتاب و رساله تألیف نموده که از آن جمله است: ۱. اظهارالحق و معیارالصّدق، به فارسی، در بیان احوال ابومسلم خراسانی ۲. رساله الاغالیظ ۳. رساله در بیان اقوال درباره دابّه الارض که از آیات است ۴. بیان الحق و تبیان الصّدق ۵. تعلیقات جواهر و اعراض تجرید ۶. ثقوب الشّهاب ۷. حاشیه من لایحضره الفقیه ۸. جواب سؤالات خواجه نصیرالدّین طوسی ۹. حظیره القدس، مختصر کتاب ریاض القدس ۱۰. حواشی بر کافی ۱۱. روضه المتّقین، حاشیه بر مقصد ۵ و ۶ تجریدالعقاید خواجه طوسی در بحث امامت و معاد ۱۲. ریاض القدس (= تعلیقه القدسیّه = مصابیح القدس و قنادیل الانس)،

شرح حاشیه بر تجرید قوشچی و حاشیه محقّق خفری ۱۳. رساله در ردّ ملّامحمّدامین استرآبادی در باب طهارت خمر، به فارسی ۱۴. سیاده الاشراف ۱۵. شرح اثنی عشریّه شیخ بهایی ۱۶. شرح اشعار اوّل کتاب جذوات میرداماد ۱۷. شرح قبسات، چاپ شده است ۱۸. صواعق الرّحمان در ردّ مذهب یهودان، به فارسی ۱۹. کحل الابصار، در شرح اشارات ابن سینا ۲۰. کشف الحقایق، در شرح تقویم الایمان میرداماد، چاپ شده ۲۱. کلام و فلسفه ۲۲. لطائف غیبیّه، به فارسی، چاپ شده ۲۳. لوامع ربّانی (= اللّوامع الالهیّه) در ردّ شبهات نصرانی، چاپ شده ۲۴. مصقل صفا در ردّ شبهات نصرانی، چاپ شده ۲۵. مصائب النّواصب ۲۶. معارف الالهیّه، در شرح حدیث مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّه ۲۷. معراج العارفین، در شرح منهاج السّالکین ۲۸. مفتاح الشّفا و العروه الوثقی، حاشیه بر الهیّات شفا ۲۹. مناهج الاخبار، در شرح استبصار، چاپ شده ۳۰. المنهاج الصّفوی در باب فضائل سادات ۳۱. رساله در بیان نسب معاویه ۳۲. النّفحات اللاهوتیّه فی العثرات البهاییّه ۳۳. رساله در نماز زیارت(۱). [صاحب عنوان، جدّ خاندان میردامادی اصفهان، سِدِه، تهران، نجف آباد و مشهد مقدّس است].

احمد کاتب

ابوالحسن (ابوالحسین) احمد بن سعد کاتب اصفهانی، از ادبای قرن چهارم هجری است. از طرف خلیفه قاهر، مأمور ضبط خراج اصفهان بود. در سال ۳۲۴ معزول گردید، و در سال ۳۵۰ق وفات یافت. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. الاختیار من الرّسائل ۲. العلی و

۱- فهرست کتابخانه های اصفهان، ج۱، صص۱۷۷ ۱۶۹؛ لطائف غیبیّه، مقدّمه، صص شش هفده؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۴؛ حکیم استرآباد میرداماد، صص۵۴ و ۱۱۵؛ تتمیم امل الآمل، صص۶۲ ۶۳؛ یادنامه بحرالعلوم میردامادی، صص۲۸ ۲۹؛ ریاض العلماء، ج۱، ص۳۲؛ جلوه قرآن در خاک تابان، صص۸ ۶؛ امل الآمل، ج۱، ص۳۳؛ الذّریعه، ج۳، ص۱۷۹ و ج۷، صص۲۶ و ۹۶ و ج۱، صص۱۵۹ ۱۶۰ و ج۱۱، صص۹۱ و ۲۱، صص۱۳۰ و ۳۳۳ و ج۲۲، ص۲۴۳، ج۱۸، صص۲۹ و ۳۶۶؛ ادبیّات فارسی بر مبنای استوری، ج۱، صص۱۸۰ ۱۸۱؛ مکارم الآثار، ج۴، صص۱۱۹۴ ۱۱۹۵؛ فوایدالرّضویه، ص۱۷؛ خمینی شهر، صص۲۴۱ ۲۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۴۳ ۲۴۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۸.

الثیاب ۳. فقر البلغاء ۴. کتاب المنطق ۵. کتاب الهجاء(۱).

احمد اصفهانی

احمد بن سعید اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و از ابراهیم بن زید روایت می کند.(۲)

احمد سنبلانی

احمد بن سعید (بن جریر) بن یزید اصفهانی سنبلانی از محدّثین اصفهان در اواخر قرن دوم هجری است. وی از جریر بن عبدالحمید، عبدالرّحمان بن معراء دوسی، ابن حمزه، انس بن عبّاس، ابی البحتری، وهب بن وهب، عبداللّه بن مبارک و عیسی بن خالد و عموی خود ابراهیم بن جریر روایت می کند. محمّد بن احمد بن یزید و عبداللّه بن محمّد بن زکریّا از او نقل حدیث می کنند.(۳)

احمد صفّار

ابوسعید احمد بن سعید بن عروه صفّار، از ثقات محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از اسحاق بن موسی خطمی انصاری، احمد بن عبده و عبدالواحد بن غیاث روایت نموده [است]. سلیمان بن احمد، عبداللّه بن محمّد بن جعفر و عبدالرّحمان بن محمّد بن احمد از او نقل حدیث می کنند. وی در سال ۳۹۵ق وفات یافته است.(۴)

احمد عبدی

احمد بن سفیان بن معاویه عبدی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از

۱- معجم الادباء، ج ۱، ص ۱۲۹؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۶۳؛ لغت نامه دهخدا، شماره ۵۸، ص ۲۷۲۳ و ج ۱، ص ۴۲۱.

۲- میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۷.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، صص ۷۸ و ۱۷۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۱.

ابوالحسن هارون بن سلیمان خرّاز و احمد بن یونس روایت نموده است.(۱)

میرزا احمد کفرانی

میرزا احمد بن سلطان محمّد کفرانی رویدشتی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان. از آثار او کتابت نسخه ای از تفسیری است که جهت میرزا رفیع الدّین نامی کتابت نموده است؛ امّا نام مفسّـِر و نام کتاب، معلوم نیست. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

احمد حکیم باشی

میرزا احمد حکیم باشی فرزند حکیم سلمان موسوی جهرمی اصفهانی از اطبّـِاء و حکماء ماهر قرن یازدهم هجری است. در اصفهان سکونت داشته، و پس از فوت پدر، لقب «حکیم باشی» را از طرف پادشاه صفویّه دریافت نموده است.(۳)

احمد

احمد بن سلمه، از محدّثین اصفهان است، و حافظ ابونُعیم اصفهانی او را «شیخ صالح» دانسته است. از صالح بن مهران روایت می کند. جعفر بن احمد بن فارس از وی نقل حدیث می نماید.(۴)

احمد عقیلی فابزانی

ابوجعفر احمد بن سلیمان بن یوسف بن صالح بن زیاد بن عبداللّه عقیلی فابزانی، از محدّثین اصفهان است. از اهالی قریه «فابزان» اصفهان بوده که امروزه به آن «خوابجون» می گویند، و محلّه ای در اصفهان است. در سال ۳۰۱ق وفات یافته است.

از پدرش سلیمان بن یوسف روایت می کند، و احمد بن یعقوب اصفهانی از او حدیث

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۰۵.

۳- دیوان طبیب اصفهانی، ص۲۲۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۶.

نقل نموده است.(۱)

احمد نهرآبادی

شیخ ابوسعد احمد بن سهل بن ابراهیم نهرآبادی اصفهانی، از دانشمندان قرن هفتم هجری است.

در شدّالآزار گوید: وی عالمی متّقی و فقیهی جامع بود، در اواخر عمر به شیراز مسافرت نمود، و در آن جا در شعبان سال ۶۴۱ق وفات یافت، و در حظیره شیخ علی کوبانی مدفون گردید.(۲)

احمد بُرجی اصفهانی

احمد بن سهل بن محمّد بن عبدالعزیزبن سهل برجی اصفهانی از محدّثان اصفهان و از اهالی قریه «برج» است. از ابی منصور عبدالرّحمان بن عبدالعزیز بن عبداللّه صحّاف اخذ حدیث کرد، و از او روایت می کند.(۳)

احمد بن سیاه

احمد بن سیاه دشتی اصفهانی، از مردان نیکوکار اصفهان در قرن سوم هجری است. در محلّه دردشت زندگی می کرد، و از نوادگان او ابومسلم عبدالرّحمان بن محمّد بن دشتی، از محدّثین است. در اصفهان باغی را آباد کرده که تا سال ها به نام باغ احمدسیاه معروف بوده بوده است. در مجمل فصیحی از احمد بن سیاه عامل خراج اصفهان یاد شده که در سال ۳۰۴ق به دست غلامی کشته شده، و ظاهراً همین صاحب عنوان است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۱۳؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۲۴.

۲- تذکره هزار مزار، ص ۵۲۰.

۳- معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۷۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۲، ص ۱۱۹؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۰۲.

احمد اصفهانی

ابوجعفر احمد بن شاهین بن سَیبُخت، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری و کثیرالحدیث بوده، و در سال ۲۸۶ق فوت شده است.

وی از سلمه، لوین، ابومسعود و ابان بن خصیب روایت می کند، و احمد بن اسحاق از او نقل حدیث می نماید.(۱)

ملّااحمد اصفهانی

ملّااحمد بن محمّدشفیع اصفهانی، عالم فاضل، مؤلّف رساله در انکار و عنف پس از اعتراف به فارسی. نسخه ضمن مجموعه شماره ۲۴۵ در کتابخانه آیت للّه گلپایگانی در قم موجود است. رساله نام برده به خطّ علّامه ادیب فقیه، حاج شیخ عبدالحسین محلّاتی اصفهانی (۱۲۷۰ ۱۳۲۳) می باشد. در کتابخانه ملّی تبریز، جُنگی خطّی به شماره ۳۵۵۹ موجود است که آن را مرحوم حاج آقا نخجوانی به کتابخانه اهداء نموده [است]، جنگ مزبور به عربی و فارسی، مشتمل بر رسالاتی در علم کلام و احادیث می باشد، بدون تاریخ و مؤلّف آن، مولی احمد بن محمّدشفیع اصفهانی کرمانی معرّفی شده است. ممکن است که صاحب عنوان، مؤلّف جنگ نام برده باشد. والعلم عند اللّه.(۲)

میرزا احمد اصفهانی

میرزا احمد بن محمّدشفیع اصفهانی، ساکن محلّات، عالم فاضل، مؤلّف احسن الودیعه در ضمن تألیفات سیّدحیدر کاظمی گوید: التّحفه القدسیّه در جواب سؤالات میرزا احمد بن محمّد شفیع اصفهانی ساکن محلّات، کتاب در سال ۱۲۶۲ق تألیف شده است.(۳)

[ظاهراً صاحب عنوان، مؤلّف رساله در انکار و عنف پس از اعتراف است که شرح حال او ذکر شد].

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۹۹.

۲- فهرست گلپایگانی، ج ۱، ص ۲۱۱؛ فهرست ملّی تبریز، ج ۱، ص ۳۸۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۴۷.

ملّااحمد بروجنی

آخوند ملّااحمد بن محمّد شفیع بروجنی اصفهانی، عالم فاضل از شاگردان حاج شیخ محمّدباقر نجفی و از معتمدین ایشان بوده، و برحسب خواهش مردم حبیب آباد بُرخوار اصفهان، و دستور استاد، بدان جا مهاجرت نموده، و به امر ارشاد و هدایت و اقامه جماعت و منبر روزگار می گذرانیده. سرانجام، روز سه شنبه ۹ شوّال سال ۱۳۲۱ق در بروجن مولد خود وفات یافت، و همان جا مدفون شد.(۱)

احمد مدینی

احمد بن شَهدَل مدینی، از محدّثین مدینه (شهرستان) اصفهان است. وی از ابی داوود روایت نموده است.(۲)

احمد حنظلی خوراسکانی

ابوجعفر احمد بن شهدل بن مفضّل حنظلی خوراسکانی، از محدّثین اصفهان، و از اهالی قریه «خوراسکان» بوده، کتاب الصّلاهِ هُشیم را از حَیّان بن بشر روایت کرده است؛ هم چنین او از ابوایّوب شاذکونی حدیث نقل می کند. ابومحمّد بن حیّان از او روایت می کند.(۳)

فایده: در خوراسکان [واقع در ناحیه جی، در حومه شرق اصفهان] در زمان حاضر کوچه ای به نام «شادلی» معروف است، احتمالاً کلمه شادلی تصحیف شهدلی باشد، و موضوع، قابل تحقیق و بررسی است.

احمد

احمد بن شیبان بن زید بن ابی زیاد، از محدّثین اصفهان است. وی از ابی سفیان مهران

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۱۸ ۱۱۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶.

بن ابی عمر روایت می کند، و احمد بن حسین از وی نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد مازندرانی

احمد بن محمّدصالح مازندرانی، در قرن یازدهم هجری می زیسته است.

در پشت برگ اوّلِ نسخه شماره ۳۳۵۳ کتابخانه مجلس شورا (ترجمه شرح اربعین ابن خاتون عاملی) یادداشت تملّک ملّامحمّدصالح مازندرانی و احمد بن ملّاصالح مشهود است. وی فرزند ملّامحمّدصالح، و احتمالاً از مادری غیر از آمنه خاتون مجلسی می باشد.(۲)

سیّداحمد قمشه ای

احمد بن محمّدطاهر قمشه ای اصفهانی عالم فاضل ادیب، خطّاط قرن یازدهم هجری. وی از شاگردان سیّدمحمّدسعید بن سیّدمحمّدقاسم طباطبایی قهپایی و مجاز از علّامه مجلسی می باشد.

از آثارش جلد دوم کتاب من لایحضره الفقیه است که آن را در شب جمعه بیستم ربیع الاوّل سال ۱۰۷۰ شروع کرده، و در جمعه ۱۰۷۷ق به پایان رسانیده [است]، تاریخ کتابت حواشی، ۱۰۷۹ و کتابت اسانید، ۱۰۸۱ می باشد. در انتهای جلد دوم، صورت قرائت سیّداحمد قومشه ای اصفهانی (کاتب) در ذی القعده ۱۰۷۹ بر سیّدمحمّدسعید طباطبایی دیده می شود. در پشت صفحه اوّل، اجازه ای به خطّ علّامه مجلسی است. نسخه به شماره ۹۲۳ در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی مشهد مقدّس موجود است.(۳)

احمد ورنوسفادرانی

احمد بن طیّب بن حسین کلوا ورنوسفادرانی، از نویسندگان و فضلاء قرن دهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای از کتاب کفایه التّعلیم تألیف محمّد بن مسعود غزنوی است که آن را در ۲۶ ربیع الثّانی سال ۹۵۹ به خطّ نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۳۱۷۲ در کتابخانه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۷۹.

۲- زندگی نامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص ۳۵۶؛ فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش سوم، ص ۱۱۷.

۳- فهرست الهیّات مشهد، ج ۲، ص ۷۹.

مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

شیخ احمد ترشیزی

شیخ احمد ترشیزی معروف به «حاج مجتهد» فرزند عبّاس اصفهانی، عالم بزرگ و زاهد متّقی، درس شیخ مرتضی انصاری را درک کرده، و عمده تحصیل او نزد میرزا محمّدحسن شیرازی و آقا سیّدحسین کوه کمری بوده، و در ۱۳۲۳ در ترشیز (کاشمر) وفات یافته است.(۲)

احمد همدانی*

احمد بن عبّاس بن محمّدزمان همدانی اردستانی، عالم فاضل زاهد، از شاگردان آقا محمّدباقر وحید بهبهانی و آقامحمّد بیدآبادی بوده است، چندی در اصفهان بوده، سپس مردم اردستان به واسطه میرزا عبدالباقی امام جمعه، او را برای حلّ و فصل امور شرعیّه به اردستان دعوت کردند، و او به اردستان رفته، سال ها به ارشاد مردم و ترویج دین، و اقامه جماعت مشغول بوده، و در همان جا وفات یافته است.(۳)

احمد زعفرانی

ابوالعبّاس احمد بن عبدان بن سِنان زعفرانی، از محدّثین اصفهان است. شیخ ثقه بوده، و از عبداللّه بن عامر بن یزید روایت نموده است. عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث کرده است. احمد زعفرانی در سال ۲۹۶ق وفات یافت.(۴)

احمدخان صدر اصفهانی

احمدخان صدر اصفهانی فرزند عبدالحسین خان بن حاج محمّدحسین خان

۱- فهرست دانشگاه، ج۱۱، ص۲۱۳۶.

۲- نقباء البشر، ج۱، ص۱۰۵، میرزای شیرازی، ص۱۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۴۷ ۲۴۸.

۳- میراث اسلامی ایران، ج۶، صص۲۷۳ ۲۲۷؛ آشنای حق، ص۳۵؛ تذکره السّالکین، ص۱۴.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۱۱.

صدراعظم اصفهانی، خطّاط و شاعر ادیب، در خانواده ای اهل ادب و هنر تربیت شد، و در فنون ادب و خوشنویسی استاد شد. شعر می سرود، و خطّ نستعلیق را خوش می نوشت. یک نسخه دیوان حافظ به خطّ زیبای او به تاریخ ۱۲۷۷ق در کتابخانه سلطنتی سابق وجود دارد.(۱)

احمد سعدی کوفی

احمد بن عبدالرّحمان بن بحر بن یزید بن زیاد بن جاریه بن قدّامه سعدی کوفی جزار، از محدّثین شیعه است. وی جهت طلب حدیث به اصفهان وارد شد. او از مسلم بن ابراهیم و عبیداللّه بن موسی روایت می کند، و محمّد بن ابراهیم بن سعید وشاء اصفهانی از او روایت نموده است.(۲)

احمد سرّاج

ابوبکر احمد بن عبدالرّحمان بن عبداللّه بن صباح سرّاج اصفهانی از محدّثین اصفهان است. در شام و جزیره از محدّثین آن جا استماع حدیث کرده، و آن ها را نوشته است. وی از محمّد بن حسن بن خالد آلوسی روایت می کند.(۳)

احمد ذکوانی

ابوالحسین احمد بن عبدالرّحمان بن محمّد بن احمد ذکوانی همدانی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. ابوبکر محمّد بن شجاع بن ابوبکر لفتوانی اصفهانی از او حدیث شنیده است.(۴)

۱- تذکره خوشنویسان، ص۱۰۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۳۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۹۵ و ۸۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۵.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۱۰۷.

احمد یزدی

احمد بن عبدالرّحمان یزدی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی در اصفهان ساکن بوده، و از پدرش و عبداللّه بن جعفر بن فارس، علیّ بن فضل بن شهریار، محمّد بن اسحاق بن ایّوب، ابوبکر جعابی، طبرانی، اسماعیل بن نجید و فاروق خطابی روایت نمود.

عبدالرّحمان بن منده، علیّ بن شجاع، خصیب بن قتاده، محمّد بن محمّد بن عبدالوهاب مدینی از او نقل حدیث می کنند. وی محدّثی ثقه، مقبول القول و خردمند بود. ذهبی او را قاضی و صاحب اصول خوانده است.(۱)

احمد اصفهانی

ابوغسان احمد بن عبدالرّحیم بن رجاء بن صهیب اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. وی در قزوین ساکن بوده است. از ابوزرعه روایت نموده، و احمد بن عبیداللّه بن محمّد از وی نقل حدیث می کند.(۲)

احمد عرفان

احمد بن عبدالصّمد بن عبداللّه مراغی اصفهانی معروف به احمد عرفان نویسنده، ادیب و روزنامه نگار فاضل. پدرش از مراغه به اصفهان آمد، و خود او در پنج شنبه ۱۵ شعبان ۱۳۱۱ق متولّد گردید. در مدارس اصفهان تحصیل نمود، و پس از اتمام تحصیلات خود،مجلّه عرفان را از سال ۱۳۰۱ش در اصفهان منتشر ساخت، و از سال ۱۳۰۶ش آن را به روزنامه تبدیل کرد، و تا آخرین روز حیات، به انتشار آن ادامه داد. وی سرانجام در شب ۵ شنبه ۲۲ صفر ۱۳۷۱ق بر اثر سکته وفات یافت، و در تکیه جهانگیرخان در تخت فولاد مدفون گردید. او علاوه بر انتشار روزنامه، به تدریس ادبیّات در دبیرستان های اصفهان می پرداخت. شاعر دانشمند، سیّدعلی بدیع زاده «هور» مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

نوشت «هور» از برای تاریخش: «بسوی قرب کند رو، روان احمد عرفان»(۳)

۱- سیر اعلام النّبلاء، ج۱۳، ص۱۹۳؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۸۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۸۰۳ ۸۰۴؛ تاریخ جراید و مجلاّت ایران، ج۱، صص۱۲ ۱۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۳.

احمد مازندرانی

احمد بن عبدالصّمد مازندرانی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن چهاردهم هجری است. در تاریخ جمعه ۲۳ ربیع الاوّل سال ۱۳۰۵ نسخه ای از کتاب تریاق فاروق تألیف میرزا محمّدحسین شهرستانی را به خطّ نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۳۱۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شیخ احمد میسی عاملی

شیخ احمد بن عبدالعالی عاملی میسی، عالم فاضل صالح، از فضلای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و همان جا وفات یافته است.(۲) وی از شاگردان شیخ علیّ بن محمّد بن حسن عاملی نوه شهید ثانی بوده، و کتاب الدّر المنثور استاد را نزد او خوانده است. تاریخ قرائت کتاب، صفر ۱۰۷۳ق است، و این کتاب در کتابخانه صدر در نجف نگهداری می شود.(۳)

شیخ احمد، جزو شهود وقف نامه مدرسه نوریّه اصفهان بوده، و این وقف نامه را گواهی نموده است.(۴)

احمد اصفهانی

احمد بن عبداللّه فقیه اصفهانی، از فقهاء و محدّثین قرن چهارم هجری است. پدرش اهل اصفهان بوده، و خود در نیشابور متولّد شده، و در آن جا ساکن بوده است.(۵)

احمد اصفهانی

احمد بن عبداللّه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از عبدالرّحمان بن ابی حاتم روایت می کند، و سیّدابوطالب از او نقل حدیث نموده است.(۶)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۱۲.

۲- امل الامل، ج۱، ص۳۳؛ ریاض العلماء، ج۱، ص۴۲.

۳- الرّوضه النّضره، ص۳۸.

۴- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۱۰۱.

۵- تاریخ نیشابور، ص۷۶.

۶- احقاق الحق، ج۱۲، ص۲۳۶.

احمد اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه اصفهانی، یکی از وزرای خلیفه عبّاسی المتّقی باللّه است که در ۳۲۹ق به خلافت رسید.

احمد اصفهانی

احمد بن عبداللّه اصفهانی، از مردان سیاستمدار قرن چهارم هجری است. او در سال ۳۳۱ق به وزارت ناصرالدّوله حمدانی رسیده است.(۱)

احمد اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه اصفهانی، از محدّثین قرن هفتم هجری است. در دمشق ساکن بوده، و از ابوسعید عبداللّه بن محمّد بن عبدالوهاب روایت نموده است. وی در ۲۹ ذی القعده سال ۶۰۲ق در مسجد الحرام، مقابل کعبه معظّمه، نزد درب «خروره» جهت شیخ ابوالهدی صواب بن عبداللّه حبشی خادم ضریح مطهّر نبوی، حدیثی در فضیلت حضرت علی علیه السلام به روایت جابر بن عبداللّه انصاری نقل می کند.(۲)

احمد تاجر

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه بن احمد بن آدم تاجر، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از محمّد بن یحیی بن منده و اخرم روایت می کند، و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد حداد

ابوعلی احمد بن عبداللّه بن احمد بن احمد بن بشر حدّاد اصفهانی، از محدّثین

۱- تاریخ اصفهان و ری، ص۷۹.

۲- احقاق الحق، ج۴، ص۱۱۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۳.

اصـفهان در قرن چهارم هجری. وی از محمّد بن زکریّا و عبدالرّحمان بن محمّد بن سلم رازی روایت می کند، و ابوبکر محمّد بن عبدالرّحمان جوهری و محمّد بن ابراهیم بن علی از وی نقل حدیث می نمایند.(۱)

احمد تیمی

ابوالحسین احمد بن عبداللّه بن احمد بن دُلیل معدل تیمی از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری. او به «تیم الرّباب» منسوب است. مادرش لُبابه، دختر محمّد بن عبداللّه بن حسن بوده است.

در سنّ نوزده سالگی شهادتش را پذیرفتند. وی شصت سال از شهود پرسش می نموده، و سال ها متصدّی قضای اصفهان بوده است. از احمـد بن یونس و ابراهیم بن فهد روایت نموده، و قاضـی احمد محمّد بن احمد بن یونس و حسـین بن علیّ بن احمد بن بکر از او نقل حدیث کرده اند. او در سال ۳۳۷ یا ۳۳۸ق وفات یافته است.(۲)

احمد سودرجانی

ابوالفتـح احمـد بن عبـداللّه بن احمد بن علی سودرجانی اصـفهانی از محدّثین قرن پنجم هجری و اهل قریه «سودرجان» بلوک لنجان اصـفهان است. از علیّ بن ماشاذه فضل بن عبداللّه بن شـهریار، ابی بکر بن ابی علی، ابی سـهل صـفّار و ابی نعیم حدیث شنیـده، و ابوبکر محمّـد بن طـاهر بن ابوالفتـح کوّار و ابوالوفـا محمود بن ابوالقـاسم بن محمّـد مقری تـاجر اصـفهانی از او نقل حدیث کرده اند.

سال ها به تدریس ادب، و تعلیم اطفال مشغول بوده، و در سال ۴۹۶ق وفات یافته است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۳؛ التّحبیر، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳- معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۷۸؛ التّحبیر، ج ۲، صص ۱۳۷ و ۱۹۱.

احمد قناطری

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه بن اسحاق قناطری خُلقانی، از محدّثان اصفهان است. از قاضی احمد بن موسی انصاری و ابی علی اسماعیل بن محمّد بن اسماعیل صفّار روایت می کند. «قناطر» محلّه یا قریه ای از اصفهان بوده است.(۱)

سیّداحمد میردامادی

احمد بن سیّدعبداللّه بن میرزا محمّدرحیم بن میرمرتضی بن میرمحمّداشرف بن میر عبدالحسیب محمّد بن میرسیّداحمد عاملی اصفهانی معروف به میردامادی از اکابر علماء و دانشمندان دوره فتحعلی شاه قاجار بوده است.

در سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] متولّد شد، و در اصفهان نزد حاج محمّدابراهیم کلباسی و حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی تحصیل نمود. سپس از طرف پدر، امامت جمعه و جماعت را برعهده گرفت، و سرانجام در ۲۲ محرّم الحرام ۱۲۴۳ق در سِدِه وفات یافت، در مقبره معروف به مقبره عبداللّه در خوزان مدفون گردید. کتاب زبده الاسرار در اوراد و اذکار از او است.(۲)

سیّداحمد بحرانی

احمد بن سیّدعبداللّه بکاء بن سیّدحسین بحرانی نجفی، عالم فاضل، پدرانش اصلاً از بحرین و ساکن اصفهان بوده اند.

خود او در کوفه سکونت داشت، و از ائمّه جماعات آن جا بود. سرانجام در روز سه شنبه ۳۰ ربیع الاوّل ۱۳۸۳ق وفات یافته، جنازه به نجف منتقل شد، و در آن جا مدفون گردید.(۳)

احمد نقّاط

ابوجعفر احمد بن عبداللّه بن عبّاس بن ولید بن شجاع نقّاط، از زهّاد و عُبّاد و محدّثین

۱- معجم البلدان، ج۴، ص ۴۰۰.

۲- لطایف غیبیّه، مقدّمه، ص سی و دو؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۶۰ ۲۶۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۷؛ الذّریعه، ج۱۲، ص۱۸.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۹۴.

اصفهان در قرن چهارم هجری است.

از ابی اسید و جدّش عبّاس بن ولید و دیگران روایت می کند. احمد نقّاط پس از سال ۳۶۰ق وفات یافته است.(۱)

احمد یوانی

ابوجعفر احمـد بن عبـداللّه بن محمّد بن حکم یوانی اصـفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از یحیی بن ابی طالب حدیث شنیده [است]، و احمد بن عبداللّه از او نقل حدیث می نماید.

احمد یوانی در سال ۳۲۲ق وفات یافته است.(۲)] یوان از روستاهای حومه اصفهان در قرون اوّلیه اسلامی بوده است.]

احمد اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه بن محمّد بن نعمان، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از محمّد بن عامر اشـعری روایت می کند، و ابراهیم بن محمّد بن حمزه، عبداللّه بن محمّد و محمّد بن محمّد بن سـیبویه از او نقل حدیث می کنند.(۳)

احمد برقی

احمد بن عبداللّه برقی، از راویان و فضـلای شـعر و ادب می باشد. در قم سـکونت داشـته، سـپس با ابا عبداللّه برقی خواهرزاده اش به اصفهان آمده، و در این شهر سکونت نموده است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴- معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۹۰ و ج ۲، ص ۱۳۵.

احمد بنداری

ابوالعبّاس احمد بن عبداللّه بنداری، شاعر فارسی گوی، معاصر با مافرّوخی مؤلّف کتاب محاسن اصفهان است.(۱)

احمد رویدشتی

ابوالعبّاس (یا ابوبکر) احمد بن عبداللّه رویدشتی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی در سال ۴۵۹ق از سعد بن علی زنجانی (ساکن مکّه) و ابی سعد علیّ بن عثمان بن جنّی (ساکن صور) استماع حدیث نموده، وفاتش پس از این تاریخ روی داده است. ابوالحسن بن قیس و ابوالبرکات عبدالمنعم بن محمّد حافظ از او روایت می کنند.(۲)

احمد طبیب

احمد طبیب فرزند عبدالقادر، از فضلاء و دانایان به علم ریاضی و پزشکی در قرن ۱۲ق است.

از آثارش مقاله ای است در یک صفحه راجع به تعیین افق اصفهان به فارسی که به خطّ صاحب عنوان، در ضمن مجموعه ۶۶۴ در کتابخانه دانشکده الهیّات مشهد موجود است. تاریخ های جمعه ۲۳ ذی قعده ۱۱۵۰ق و پنج شنبه ۱۴ ربیع الثّانی ۱۰۱۸ (که باید ۱۱۱۸ باشد) در این نسخه دیده می شود.(۳)

احمد مهابادی

احمد بن عبداللّه مهابادی نحوی، از ادباء و فضلای اصفهان است. در نحو، شاگرد عبدالقاهر جرجانی (متوفّی حدود ۵۰۰ق) بوده، و تألیفاتی دارد؛ ازجمله:

۱. شرح اللّمع (تألیف استادش جرجانی) ۲. التّبیان.

۱- محاسن اصفهان، ص۳۳.

۲- معجم البلدان، ج۳، ص۱۰۵.

۳- فهرست الهیّات مشهد، ج۱، ص۴۵۹.

مهاباد از توابع اردستان اصفهان است.(۱)

احمد اصفهانی

احمد بن عبدالوهاب اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن سیزده هجری، از آثارش کتابت نسخه ای از شرح هدایه میبدی که آن را در سال ۱۲۸۳ به خطّ نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۲۲۸۷ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۲)

احمد اردستانی

احمد بن عبدالهادی بن احمد بن حسن اردستانی، از محدّثین است، و در نایین ساکن بوده، و از عبد بن حمید استماع حدیث نموده است.(۳)

احمد بن عبید

احمد بن عبید، از محدّثان ساکن اصفهان بوده، و از اسماعیل بن عمرو بجلی و غیر او روایت می کند.(۴)

احمد خزاعی

احمد بن عبیداللّه (عبداللّه) بن احجم خزاعی، وی به «مروی» معروف بود، و چندی در مرو ساکن بود. از طرف منصور دوانیقی به مدّت هفت سال حکومت اصفهان را برعهده داشت.(۵)

۱- معجم البلدان، ج۵، ص۲۹۵؛ هدیه العارفین، ج۱، ص ۸۱.

۲- فهرست کتابخانه ملّی ملک، ص ۴۶۰.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۲۵۵؛ آتشکده اردستان، ج۲، ص ۲۷۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۱۱۱.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۷۷ ۷۸.

احمد قصّار

ابوالحسن احمد بن عبیداللّه بن احمد بن سعید قصّار، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی از احمـد بن محمّد بن مصـقله، دارکی، محمّد بن حمزه و محمّد بن عبدالرّحمان ارزنانی روایت نموده است. حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

فایده: قصّار به معنی گازُر و رخت شوی است.

احمد خَرطبه

ابوالعبّاس احمـد بن عبیـداللّه بن محمود بن شـاپور فقیه مقری معروف به «خَرطبه» از محـدّثین اصـفهان در قرن چهـارم هجری است.

وی از عبـداللّه بن وهب دینوری و محمّد بن ابراهیم بن زیاد روایت می کند، و حافظ ابونُعیم اصـفهانی از او نقل حدیث نموده است. وی بعد از سال ۳۶۰ق وفات یافته است.(۲)

احمد حلاوی

ابوالمحاسن احمـد بن عبیـداللّه حلاوی، از محـدّثین اصـفهان در قرن شـشم هجری است. از ابوعمرو بن منـده حدیث شـنید، و ابوسعد سمعانی از او روایت می کند.(۳)

احمد ابهری

ابوعلی احمد بن عثمان بن احمد ابهری خصـیب، از اولاد ابی الشّعثاء جابر بن یزید و معروف به جابری، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. صاحب بیان و تصانیف بوده [است]، ابوبکر احمـد بن موسـی بن مردویه حافظ اصـفهانی از او روایت می کند، و خود او از ابراهیم بن اسباط بن سکن نقل حدیث نموده است. احمد ابهری در ذی قعده

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۸.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۸۳؛ الانساب، ج۴، ص ۳۲۰.

۳۳۸ق وفات یافت.(۱)

احمد بُرّی

احمد بن عثمان بُرّی قاضی، از محدّثین اصفهان است.(۲)

احمد انصاری

ابویحیی احمد بن عصام بن عبدالحمید بن کثیر بن ابی عمره انصاری، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. مادرش هند، دختر یوسف بن ابی سلیمان سغدی و خواهر محمّد بن یوسف بن معدان عروس الزّهاد است.

وی از معاذ بن هشام، مؤمل بن اسماعیل، ابی احمد زبیری، ابی عامر، ابی داوود، ابی عاصم، ابی بکر حنفی، روح بن عباده و معلی بن فضل روایت می کند. احمد بن جعفر بن معبد، عبداللّه بن جعفر بن احمد و ابن ابی داوود از او نقل حدیث کرده اند. احمد انصاری در رمضان ۲۷۲ق فوت شده است.(۳)

سیّداحمد فقیه امامی

حاج سیّداحمد فقیه امامی فرزند سیّدعطاءاللّه درب امامی اصفهانی، عالم فاضل فقیه محقّق، در ۱۷ ربیع الاوّل ۱۳۵۲ق متولّد شد.

وی نزد پدر، و نیز حاج شیخ احمد فیّاض، حاج شیخ نورالدّین اشنی، حاج شیخ علی مشکاه سدهی، میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی و حاج شیخ محمود مفید به تحصیل پرداخت. سپس به قم عزیمت کرد، و نزد آیات عظام و علمای اعلام، همچون حاج آقا حسین بروجردی، امام خمینی، علاّمه طباطبایی، سیّدمحمّد محقّق داماد، حاج سیّدمحمّدباقر سلطانی و حاج میرزا محمّد مجاهدی تبریزی تلمّذ نمود. سپس به اصفهان بازگشت، و به تدریس فقه، اصول، حدیث و حکمت پرداخت.

از اقدامات ایشان، تجدید بنای مسجد بابامحمّدعلی سقّا است که به نام «مسجد الزّهرا» نام گذاری شده، و کتابخانه ای در آن تأسیس گردیده است. وی در اقدامات خیریّه، همواره پیش گام، و معین ضعفا و نیازمندان بوده است. ایشان در صبح پنج شنبه ۱۰ جمادی الثّانی ۱۴۱۴ق

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۱؛ الانساب، ج۱، ص۱۰۶؛ خورشید جی، ص۴۲۶؛ الاعلام، ج۱، ص۱۶۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۷.

وفات یافت، و پس از تشییع در اصفهان، در حرم امام امزاده ابوالعبّاس خوراسکان دفن گردید.

از او قریب به هشتاد جلد کتاب و رساله باقی مانده که از آن جمله است: ۱. اخلاق در قرآن ۲. اجتهاد و تقلید ۳. انقلاب در پرتو وحی ۴. چرا جمهوری اسلامی؟، مطبوع ۵. روش رهبران انقلابی ما، مطبوع ۶. شرح خطبه فدکیّه ۷. شرح دعای عرفه ۸. قیامت ۹. ولایت و امامت از دیدگاه قرآن و غیره. هم چنین تفسیر چند سوره از قرآن کریم و تقریرات فقه و اصول درس های آیات عظام بروجردی و امام خمینی.(۱)

احمد

ابوبکر احمد بن عقبه بن مضرس، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از شیبان، هدبه و عبداللّه بن معاذ روایت کرده است، و محمّد بن عبداللّه دبیلی در رمله از او نقل حدیث می نماید.

او در سال ۲۸۲ق وفات یافته است.(۲)

احمد ورّاق

احمد بن ابوالعبّاس علاء بن شاه صعدی ورّاق از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی به اصفهان آمده، و در این شهر ساکن گردیده، و هم در این شهر وفات یافته است.

وی از محمّد بن بکر عبدالرّزاق تمّار و ابوالحسن احمد بن محمّد بن عیسی انصاری رازی و محدّثان بصره و ری روایت نموده، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.(۳)

احمد اردستانی

سیّداحمد بن سیّدعلی حسینی اردستانی، عالم فاضل، از دانشمندان دولت

۱- یادنامه آیت اللّه فقیه امامی، صص۹ و ۲۶ و ۲۷ و ۴۴ ،۵۰ ،۹۸ ،۱۰۶ و ۱۲۹؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۱۶۴؛ گنجینه دانشمندان، ج۹، ص۲۶۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۵.

قطب شاهیان هندوستان است. از تألیفات او کتاب معالجه الامراض است که به نام سلطان محمّدعلی قطبشاه تألیف نموده، و نسخه ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

احمد اُزواری اصفهانی

ابونصر احمد بن علی اُزواری اصفهانی، شیخ جلیل القدر از محدّثین اصفهان است. ریاست و افتاء و تدریس در شهر برعهده او بود. در سال ۵۳۱ق در خدمت علیّ بن سعید صیرفی استماع حدیث نموده، و بیشتر در اصفهان سکونت داشته است.(۲)

وی به اُزوار منسوب است که همان «زوّاره» باشد.

احمد اُسواری

احمد بن علی اُسواری اصفهانی، از محدّثین اصفهان و ساکن قریه «اُسواریه» بوده، حافظ ابوموسی اصفهانی از او روایت می کند.(۳)

احمد اصفهانی

حافظ ابوبکر احمد بن علی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابوعمرو بن حمدان روایت کرده است.(۴)

احمد اصفهانی

احمد بن علی اصفهانی، از محدّثین شیعه در قرن سوم هجری است، و شاید قرن چهارم هجری را نیز درک نموده باشد. در برخی از کتب روایی شیعه، احادیثی از او نقل شده است. وی از محمّد بن اسلم طوسی، ابومحمّدحسن بن علیّ بن عبدالکریم زعفرانی، ابراهیم

۱- اعیان الشّیعه، ج ۱۰، ص ۱۵۶.

۲- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳- معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۹۱.

۴- احقاق الحق، ج ۸، ص ۶۳۴.

بن محمّد ثقفی روایت می کند. عبداللّه بن حسن بن مؤدّب و احمد بن یعقوب اصفهانی از او روایت نموده اند.(۱)

شیخ احمد روحانی*

شیخ احمد روحانی معروف به «شیخ الاسلام» فرزند شیخ علی شیخ الاسلام کهیازی اردستانی، عالم فاضل معاصر. وی در سال ۱۳۱۲ش در اصفهان متولّد شد. در هشت سالگی پدرش از دنیا رفت. ایشان در حوزه علمیّه اصفهان به تحصیل پرداخت، و نزد اساتید و مدرّسین بسیاری تلمّذ نمود؛ ازجمله: ملّامحمّدعلی عالم حبیب آبادی، شیخ یحیی فاضل هرندی، ملّا فرج اللّه درّی، شیخ محمّدجواد فریدنی، شیخ هبه اللّه هرندی، سیّدمحمّدباقر ابطحی سدهی، شیخ علی قدیری، حاج آقا سیّدعبدالحسین طیّب، میرزا محمّدحسین مدرّس کهنگی، شیخ محمّد رضا جرقویه ای، شیخ محمود مفید، شیخ عبّاسعلی ادیب، مجدالعلماء نجفی، شیخ محمّدحسین مقدّس مشکینی، شیخ احمد مدرّس صدری زنجانی، سیّدعبّاس صفی دهکردی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج آقا رحیم ارباب و سیّد علی اصغر برزانی.

هم چنین ایشان در ایّام اقامت در تهران نزد علّامه میرزا ابوالحسن شعرانی و ادیب بجنوردی به تحصیل پرداخت، و بهره علمی گرفت. وی در تهران در دانشکده معقول و منقول در رشته های معقول و منقول و علوم تربیتی به تحصیل پرداخته، و در هر دو رشته، لیسانس دریافت نموده است. مدّتی نیز در نراق کاشان به تبلیغ دین و ترویج احکام شریعت مشغول بوده، و عاقبت به زادگاه خود بازگشته، به تدریس و تبلیغ پرداخته است. ایشان اکنون به تدریس برخی از کتب فلسفه و عرفان به علاقه مندان و فضلای این شهر، در منزل خویش مشغول است. ایشان عالمی است وارسته و متواضع که در جامعیّت و استواری در دانش، در میان اقران و معاصرین کم نظیر است.(۲)

۱- طبقات المفسّرین، ج۱، ص۱۹؛ ثقات العیون، ص۱۵۳؛ نوابغ الرّواه، ص۱۵۳؛ فضائل الشّیعه، ص۲۲؛ الغارات، ج۲، ص۶۶۹؛ اعیان الشّیعه، ج۶، ص۷۴۰.

۲- نقل از یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

احمد اصفهانی

احمد بن علی اصفهانی، از فقهاء و علمای اصفهان است از آثار او: ترجمه و شرح الفیّه شهید اوّل، در فقه است که به فارسی تألیف نموده، و به شماره ۲۳۴۱ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۱)

احمد انصاری

ابوعلی احمد بن علی انصاری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. در اصفهان متولّد شده، و در نیشابور ساکن شده است. وی از ابوصلت عبدالسّلام بن صالح هروی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت می کند، و ابواسحاق ابراهیم بن عبداللّه بن اسحاق معدل اصفهانی و ابوالعبّاس محمّد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی از مشایخ صدوق از او روایت می کند.(۲)

احمد بغدادی

ابوالحسین احمد بن علیّ بن بسّام بغدادی معروف به سُبْک دیناری، از محدّثین قرن چهارم هجری بوده، در سال ۳۴۰ق به اصفهان وارد شده است. در عراق و خراسان حدیث آموخته، و نوشته است، و از عبداللّه بن اسحاق مدائنی و محدّثین هم طبقه او روایت می کند.(۳)

احمد اموی

احمد بن علیّ بن بُشر بن عبدالملک بن عبیداللّه بن عبداللّه بن ابی مریم اموی، از محدّثین است. از پدرش بعل بن بُشر و محمّد بن بکیر روایت نموده، و عبداللّه، پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی از وی روایت می کند. صاحب عنوان در سال ۲۷۴ق وفات یافت.(۴)

۱- فهرست مسجد اعظم قم، ص۸۳

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۸؛ نوابع الرّواه، ص۳۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۹۳ و ۹۷.

احمد مصقلی

احمد بن علیّ بن شجاع مصقلی صوفی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. «کثیر السّماع و واسع الرّوایه» بوده، و عدّه زیادی از او روایت کرده اند. وی در محرّم سال ۴۶۶ق وفات یافته است. «مصقلی» منسوب به «مصقله بن هبیره» یکی از اجداد صاحب عنوان است.(۱)

احمد اصفهانی

احمد بن علیّ بن عبدالرّشید اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان قرن نهم هجری است. از آثارش کتابت ۱. شمایل النّبی یا الشّمائل النبویّه و الخصائل المصطفویّه تألیف ابوعیسی محمّد بن عیسی ترمذی، که در ۸۳۸ق به خطّ نستعلیق کتابت نموده است ۲. تاریخ الجرزی در سرگذشت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، که در سال ۸۴۳ق کتابت شده است. این دو نسخه، ضمن مجموعه شماره ۴۵۸۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران در تهران موجود است.(۲)

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن علیّ بن محمّد بن ابراهیم اصفهانی، از محدّثین است در کتاب معجم البلدان از قول او گوید که عبدالعزیز بن عبید بن محمّد بن عبید بن ابی عبید الدّراوردی معروف به «ابن منجویه» می باشد.(۳)

احمد

احمد بن علیّ بن محمّدباقر علیه السلام ، از امام زادگان عالی قدر بوده، و قبر او در بازار حسن آباد اصفهان قرار دارد. بقعه تاریخی و مجلّل این امام زاده، از آثار دوره صفویّه است. سنگ نوشته ای به تاریخ ۱۵ ربیع الاوّل ۵۳۶ق در امام زاده وجود دارد که قدمت امام زاده را

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۳۵۶؛ الانساب، ج ۴، ص ۵۶.

۲- فهرست مجلس، ج ۱۲، ص ۲۸۱.

۳- معجم البلدان.

نشان می دهـد. نسب سادات طالقان و نسب امام زاده سیّدنصـیرالدّین واقع در خیابان جلیل آباد تهران در محلّه پاچنار به جناب امام زاده احمد منتهی می شود.(۱)

احمد خلیل اصفهانی*

حاج احمد خلیلیان متخلّص به «خلیل» فرزند حاج میرزا علی خلیلیان متخلّص به «رجاء» از شـعرای معاصـر اصـفهان است. او در سال ۱۳۰۹ش در اصـفهان متولّد شد. پس از تحصـیل به خدمت نظام وظیفه رفت، و پس از آن به حج مشـرّف شد. او در سـنّ ۲۶ سالگی داروخانه مولوی را در اصـفهان تأسیس نمود، و به فعّالیت پرداخت. وی به تشویق پدر گرامی خود و استاد گلزار به پشـتوانه ذوق و اسـتعداد خـدادادی، بـه سـرودن شـعر پرداخت، و در انجمـن هـای ادبی حضـور یـافت. فرزنـد برومنـد ایشـان محمّدرضا خلیلیان در جبهه های نبرد ایران و عراق به شـهادت رسید. وی درباره شهادت فرزندش شعری سروده که دو بیت از آن نقل می شود:

در آسمان خاطرم مهر صبح خیز سالی است ماه روی تو پیدا نمی شود

[...]

چشمی بسان دیده شب زنده دار من از موج اشک، غیرت دریا نمی شود(۲)

احمد رشتی اصفهانی

احمد بن علی رشتی اصـفهانی فاضل نویسـنده کتب در قرن سـیزدهم هجری است، از آثارش کتابت نسـخه ای از کتاب گوهر یگـانه تألیف صدرالـدّین محمّـد شـیرازی است که آن را در سال ۱۲۱۸ق در مدرسه نیماورد اصـفهان نوشـته است. نسـخه در کتابخانه مجلس شورای ملّی تهران و به شماره ۵۰۴۱ میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

۱- تاریـخ اصــفهان و ری، ص۳۳۲؛ تاریـخ اصـفهان، جابری، صـص۱۲۴ ۱۲۵ و ۲۱۳ ۲۱۴؛ گنجینه آثـار تـاریخی اصـفهان، ص۶۶۸؛ آثار ایران، ج۴، ص۲۱۶؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۱۷۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۵۱۰ ۵۲۰.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، صص۲۴۱ ۲۴۲.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۱۷۳.

احمد سامانی اصفهانی

ابوالعبّاس احمـد بن علی سامانی صـحّاف، از محـدّثین اصـفهان است، اصـلاً از اهالی قریه «سامان» چهارمحال است که قرن ها جزء اصفهان بوده، از حافظ ابوالشّیخ اصفهانی و دیگران روایت حدیث کرده است.(۱)

احمد غزال

ابوجعفر احمد بن علی غزال، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

وی از سلمه روایت می کند، و علیّ بن محمّد بن ابراهیم بن شاذویه بیِّع از او نقل حدیث کرده است.(۲)

احمد کاتب

ابی العبّاس احمـد بن علی کـاتبی اصـفهانی، از دانشـمندان اصـفهان و مقـدّم بر خواجه نصـیرالدّین طوسـی بوده است. خواجه طوسـی در شـرح ثمره بطلمیوس فرماید: دو شـرح بر ثمره دیدم: اوّل شرح احمد بن یوسف مقری؛ دوم شرح ابی العبّاس احمد بن علی اصفهانی.(۳)

۱۱۳۹

احمد مافرّوخی

ابوالفتـح احمـد بن علی مـافرّوخی اصـفهانی، از ادبـاء و فضـلای اصـفهان است. مـافرّوخی او را در ردیـف متقـدّمین و از طبقه دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء برشمرده است.

کلمه «مافرّوخ» ظاهرا مرکّب است از دو کلمه ماه و فرّخ به معنی «ماه مبارک» و این، نسبتِ جمعی از فضـلاء اصـفهان در قرن پنجم هجری است، و آنـان منسوب انـد به مـافرّوخ بن بختیـار اصـفهانی، که نسـبش به آذرشاپوران بن آذرمانان اصـفهانی می پیوندد.(۴)

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۱۷۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۶.

۳- الذّریعه، ج۱۳، ص۱۷۲؛ فهرست مجلس، ج۱۲، ص۲۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۸.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲.

احمد مهابادی

احمد بن علی ماه آبادی (مهابادی) اصفهانی از محدّثین و دانشمندان عالی قدر شیعه در قرن پنجم هجری است. فرزندش علی، از او روایت نموده است. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. البیان در نحو ۲. التّبیان در تصریف ۳. شرح اللّمع ۴. المسائل النّادره فی الاعراب. وی جدّ فاضل علّامه افضل الدّین حسن بن علیّ بن احمد مهابادی می باشد. مهاباد از قرای اردستان است.(۱)

دکتر احمد مجتهدی تبریزی*

دکتر احمد مجتهدی تبریزی فرزند علی، در سال ۱۳۱۴ش در تبریز متولّد شده، و پس از طیّ تحصیلات ابتدایی و متوسّطه وارد دانشگاه تبریز شد، و در سال ۱۳۳۸ در رشته تاریخ و جغرافیا لیسانس دریافت نمود. سپس در دانشگاه تهران در رشته جغرافیای انسانی و اقتصادی، فوق لیسانس دریافت نمود، و برای تکمیل تحصیلات خود به ترکیه رفته، و موفّق به اخذ درجه دکترا در رشته جغرافیای انسانی از یکی از دانشگاه های ترکیه گردید. ایشان سال ها در دانشگاه اصفهان به تدریس جغرافیا پرداخت، و مدّتی رییس گروه جغرافیا و سپس رییس دانشکده ادبیّات و علوم انسانی بود، و سرانجام در تاریخ پنج شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۷۹ش در اصفهان بدرود حیات گفت، و در قبرستان عمومی باغ رضوان در شرق اصفهان به خاک سپرده شد. آثار ایشان علاوه بر مقالاتی که در مجلّات داخلی و خارجی به چاپ رسیده اند، عبارت است از: ۱. بررسی ارزش و اهمیّت محصولات کشاورزی سواحل دریای خزر و تأثیر آن در اقتصاد ایران (رساله دکترا) ۲. شهرها و مسائل آن ۳. کلّیات جغرافیای انسانی ۴. توسعه کشت برنج در شمال ایران ۵. مقدّمه ای بر جغرافیای پرندگان ایران و محیط زیست.

سیّداحمد میرعلایی*

سیّداحمد میرعلایی فرزند دکتر سیّدعلی میرعلایی مترجم، نویسنده و ادیب دانشمند. در سال ۱۳۲۱ش در اصفهان متولّد شد، و پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسّطه، وارد دانشگاه اصفهان شد، و لیسانس زبان و ادبیّات انگلیسی دریافت نمود. وی در انگلستان و فرانسه ادامه تحصیل داد، و از دانشگاه سوربن فرانسه فوق لیسانس ادبیّات انگلیسی دریافت نمود.

۱- النّابس، ص۲۱؛ الفهرست، منتخب الدّین، ص۳۵؛ اعیان الشّیعه، ج۱۰، ص۱۷۶.

او سال ها به تدریس در دانشگاه اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه های آزاد نجف آباد، شهرکرد، و خوراسکان مشغول بوده است. ایشان از مترجمان زبردست و توانای معاصر است، و بسیاری از نویسندگان و دانشمندان معاصر جهان را از طریق ترجمه به ایرانیان معرّفی نموده انـد. وی سرانجام در اوّل آبان ۱۳۷۴ش درگذشت، و در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد. این کتاب ها از ترجمه های ایشان است که همگی به طبع رسیده اند: ۱. از چشم غربی ۲. باغ گذرگاه های هزار پیچ ۳. خدای غرب ۴. درباره ادبیّات ۵. ژان پل سارتر ۶. سنگ آفتاب ۷. شیاطین ۸. طوق طلا ۹. عامل انسانی ۱۰.عرفان مولوی ۱۱. کنسول افتخاری ۱۲. کودکان، آب و گل ۱۳. ویرانه های مدوّر ۱۴. هزارتوهای بورخس ۱۵. هند، تمدّن مجروح.

سیّداحمد علم الهدی شیرازی

حاج سیّداحمد علم الهدی شیرازی معروف به «ابطحی»، فرزند حاج سیّدعلی اکبر طباطبایی یزدی، عالم جلیل فقیه، محدّث و فاضل کامل ادیب شاعر، در ۱۳ رجب ۱۲۹۷ق در شیراز متولّد شده، و از درس علمای آن دیار همچون حاج سیّدمحمّدعلی کازرونی و شیخ عبدالجبّار و میرزا ابراهیم محلاّتی بهره گرفت. از سال ۱۳۴۶ق در اصفهان ساکن شد، و متصدّی محضر شرعی گردید. خانه اش مجمع افاضل و محفل فضلاء و شعراء بود، خود او نیز در حفظ اشعار عربی و فارسی حافظه ای قوی داشت، و شعر فارسی و عربی را نیکو می سرود، و در اخلاق و ملکات نفسانی کم نظیر بود. وی سرانجام در پنج شنبه ۱۷ جمادی الثّانی ۱۳۸۲ق وفات یافت. جنازه به شیراز منتقل، و در شاهچراغ مدفون گردید.(۱)

دکتر احمد کیاست پور*

دکتر احمد کیاست پور فرزند علی رضا، از اساتید دانشگاه و محققان دانشمند معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۲ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در

۱- دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۳، ص۶۵۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۲۱؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۶۸۳ ۶۸۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۲، ص۱۹۱؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۶۴، ج۲، صص۶۸۳ ۶۸۴.

اصـفهان به انجام رساند، در تهران ادامه تحصـیل داد، و از دانشـگاه تهران لیسانس فیزیک دریافت نمود. وی در کشور آمریکا موفّق به اخذ دکترای سـتاره شناسـی و اخذ فوق دکترا در آن رشـته گردیده، پس از بازگشت به ایران، در دانشـگاه اصفهان به تدریس پرداخته است. از آثار ایشان ترجمه مقدّمه ای بر نورشناسی نوین تألیف گرانت فالز است که با همکاری دکتر جمشید احبسیان انجام پذیرفته، و به طبع رسیده است.

احمد اصفهانی

احمد بن محمّدعلی اصـفهانی از فضـلاء و نویسندگان قرن ۱۳ هجری است. از آثـارش کتابت نسـخه ای از کتاب لبّ التّواریخ اسـت کـه آن را در شب دهم جمـادی الثّـانیه سـال ۱۲۸۴ به خطّ نسـخ زیبـا به پایان رسانیـده است. نسـخه به شـماره ۷۲۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا احمد طبیب

حاج میرزا احمـد طبیب (لقمانی) فرزند حاج میرزا محمّدعلی حکیم، از اطبّاء حاذق، باتقوی و با دریافت بوده، و در اوایل قرن چهاردهم هجری می زیسته، و در سِدِه ماربین ساکن بوده است. نسب ایشان به میرسیّداحمد علوی عاملی منتهی می شود.(۲)

شیخ احمد واعظ

شیـخ احمـد بن محمّـدعلی واعـظ اصـفهانی، فاضـل جلیـل خطّاط، از شاگردان حاج شـیخ محمّـدباقر نجفی است. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. سراج الانام، در کلام ۲. فرائض الاعمال که مجموعه فتاوای اسـتادش حاج شیخ محمّدباقر نجفی است که آن را به صورت رساله، جهت عمل مقلّدین جمع آوری نموده، و به نظر استاد رسانیده است ۳. مشکاه الانام،

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۱۸.

۲- لطایف غیبیّه، ص بیست و هفت؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۴۰.

در مسائل حلال و حرام که از روی فتاوای مرجع عالی قدر شیعه، میرزای شیرازی تنظیم نموده، و در حاشیه آن، فتاوای حاج شیخ محمّدتقی آقانجفی، شیخ زین العابدین مازندرانی و حاج شیخ محمّدعلی ثقه الاسلام نجفی را آورده است، این کتاب در سال ۱۳۰۷ق ضمن مجموعه ای به چاپ رسیده است. احمد واعظ، هم چنین چندین کتاب از تألیفات آقانجفی را به خطّ نسخ کتابت نموده است، و تاریخ کتابت برخی از آن ها سال ۱۲۹۷ق است.(۱)

احمد طهرانی

ابوالعبّاس احمد بن عمر بن قاسم طهرانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. ابوابراهیم عبداللّه بن ابراهیم بن محمّد بن عبداللّه بن حماد طهرانی [رازی] از مشایخ ابوسعد سمعانی از او استماع حدیث نموده است.(۲)

احمد غازی

حافظ ابونصر احمد بن عمر بن محمّد بن عبداللّه بن محمّد بن علیّ بن اسحاق غازی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری. وی از مشایخ سمعانی است، در سال ۴۴۸ق متولّد شده، و در ۳ رمضان ۵۳۲ق وفات یافته است. سمعانی از او به عنوان «ثقه، دَیّن، حافظ، واسع الرّوایه» یاد کرده است. او از ابوالحسین بن نقور، عبدالرّحمان بن منده، ابوعمرو بن منده، ابوالقاسم بن بسری، فضل بن محبّ نیشابوری، شیخ الاسلام هروی، ابوعامر ازدی، ابوعلی تستری و دیگران حدیث استماع نموده است.(۳)

احمد ضحّاک شیبانی

ابوبکر احمد بن عمرو بن ابی عاصم ضحّاک بن مخلد بن سلم بن رافع بن رفیع بن

۱- مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۷۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۱، صص۳۶۵، ۳۷۵ و ۳۸۳.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۶۱.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۶۱.

ذُهل بن شـیبان شیبانی، محدّث و فقیه ظاهری مذهب اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از جدّ مادری خود ابوسلمه موسی بن اسـماعیل تبوذکی و ابوالولید طیالسـی، عمرو بن مرزون، حوضی و محمّد بن کثیر روایت می کند. احمد بن جعفر بن معبد، محمّد بن اسـحاق بن یعقوب، قاضـی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم، عبدالرّحمان بن محمّد بن سـیاه، عقبه بن مکرم، نصر بن علی، ابوالجهم ارزق بن علی، زکریّا بن یحیی و هـدبه از او نقل حـدیث کرده اند. وی در ۲۰۶ق در بصره متولّد شده، و در سال های ۲۶۹ تا ۲۸۲ق در اصـفهان قضـاوت می کرده، و سـرانجام در سال ۲۸۷ق وفـات یافته، و در مقبره روشاباد اصـفهان مدفون شده است. وی حدود ۳۰۰ تصنیف داشته که در فتنه صاحب الزّنج که در بصره رخ داد به یغما رفته، و نابود شده است. این کتاب ها از او است: ۱. الآحاد المثانی، شامل بیست هزار حدیث ۲. الدّیان، در فقه ظاهریّه که در قاهره به طبع رسیده است ۳. المسند الکبیر، شامل حدود ۵۰ هزار حدیث(۱).

احمد

ابوطاهر احمد بن عیسـی بن زید بن علیّ بن حسـین علیه السلام از سادات عالی قدر و امام زادگان جلیل است. در زمان هارون الرّشـید به اصفهان آمد، و در این شهر وفات یافت، و در محلّه «واذار» اصفهان مدفون شد. وی از علیّ بن عبیداللّه بن محمّد بن عمر بن علی روایت نموده، جعفر بن مروان از او نقل حدیث نموده است.(۲)] برخی احتمال داده اند امام زاده احمد مدفون در محلّه باغات اصفهان، که اکنون در بازارچه حسن آباد اصفهان واقع شده است، همین احمد بن عیسی باشد].

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۱۰۰ ۱۰۱؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۷؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص۱۲۴۹؛ دانشمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۷۳۶؛ مزارات اصفهان، ص۳۴۹؛ الاعلام، ج۱، ص۱۸۱؛ فرهنگ بزرگان اسـلام و ایران، صص۵۴ ۵۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۸۰ ۸۱؛ مزارات اصفهان، ص۹۴.

احمد قرشی

ابومحمّد احمد بن عیسی بن عبدالعزیز قرشی، از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است. وی از نعمان بن عبدالسّلام روایت نموده، و ابوحامد اشعری از او نقل حدیث کرده است.(۱)

احمد خفاف

ابوحامد احمد بن [عیسی بن] عمر عمرکی حقّاف، از محدّثین اصفهان است. وی از احمد بن یونس و سمویه روایت می کند، و محمّد بن علیّ بن ابراهیم از او حدیث نقل می نماید.(۲)

احمد بیگ اختر گرجی*

احمد بیگ گرجی متخلّص به «اختر» شاعر ادیب، فرزند فرامرز بیک در اصفهان متولّد شد. چندی نزد شاه زادگان زندیّه، ازجمله لطفعلی خان زند به سر برد. پس از به حکومت رسیدن آقامحمّدخان به خراسان رفت. در زمان پادشاهی فتحعلی شاه به سلیمان خان قاجار متخلّص به «عزّت» پیوست، و از مجازات، رهایی یافت. مدّتی بعد، او را به سوء اخلاق متّهم کردند، و زبانش را بریدند. او هم به اصفهان بازگشت، و به تدوین تذکره ای موسوم به انجمن آرا پرداخت؛ امّا موفّق به اتمام آن نشد، و وفات یافت. پس از فوت او در سال ۱۲۳۲ق، برادرش محمّدباقر متخلّص به «نشاطی» دست به تکمیل این تذکره زد؛ امّا موفّق به این کار نشد، و در این اثنا وفات کرد. بالاخره فاضل خان گروسی تذکره احمد بیگ را تکمیل کرد، آن را انجمن خاقان نامید، و از دو برادر به بدی یاد کرد، و حقّ آنان را ضایع نمود. تذکره اختر توسّط مرحوم عبدالرّسول خیّام پور تصحیح شده، و به طبع رسیده است. اختر، خطّ شکسته را خوش می نوشت.

از او است:

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۵.

من در سماع از این که حدیث تو می رود ناصح در این که گوشم به پند اوست(۱)

احمد قصری

ابوالعبّاس احمـد بن فضل بن احمـد بن عبـداللّه بن محمّـد قصـری اصـفهانی، از محـدّثین اصـفهان در قرن شـشم هجری است. ابوسـعد سـمعانی در اصـفهان از وی حدیث شنیده است. [وی منسوب به «قصر» از محلّه های اصفهان است، و شاید محلّه «باب القصر» یا «درکوشک» همین محلّه «قصر» باشد.]

احمد باطرقانی

ابوبکر احمـد بن فضل بن محمّد باطرقانی اصـفهانی، از محدّثین و قاریان اصـفهان و از اهالی قریه «باطرقان» اصـفهان است. در عصـر خویش «شـیخ القرّاء» بوده است. در سـال ۳۷۲ق متولّـد [شـده]، و در سال ۴۶۰ق وفـات یـافته است. او پس از ابوالمظفّر عبداللّه بن شبیب ضبّی اصفهانی امام جامع اصفهان گردید.

[ابوبکر باطرقانی از ابوعبـداللّه محمّـد بن اسـحاق بن منده، ابراهیم بن عبداللّه بن محمّد بن خورشـید قوله، ابوعبداللّه محمّد بن ابراهیم بن جعفر یزدی، ابوبکر محمّد بن اسـماعیل طاهری، ابومسـلم بن شـهدل مدینی، ابومحمّد عبداللّه بن جعفر بن احمد بن فارس اصـفهانی، ابوالفضل محمّد بن جعفر بن عبدالکریم جرجانی خزایی] روایت نموده، و علم قرائات را نزد عبدالعزیز محمّد بن عبـدالعزیز تمیمی کسایی آموخته است. هم چنین ابوعلی حسن بن احمد بن حسن حدّاد، ابوالفرج سـعید بن الرّجاء صـیرفی سمسار، امام ابوعبـداللّه حسـین بن عبـدالملک اصـفهانی خلّال، شبیب بن عبـدالرّحمان مارباناني، عبدالسّـلام بن محمّـد حسـن آبادی، ابوالوفاء علیّ بن زید بن شهریار اصفهانی و دیگران از او نقل حدیث کرده اند].

این کتاب ها از او است: ۱. الشّواذ ۲. طبقات القرّاء ۳. المدخل إلی معرفه اساتید القرائات و مجموع الرّوایات.(۲)

۱- تذکره دلگشا، صـص ۴۳۰ ۴۳۳؛ تذکره میکده، صـص ۲۹۷ ۳۰۵؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۹۵۰ ۹۵۱؛ سفینه المحمود، ج۱، صص ۱۵۹ ۱۶۱؛ حدیقه الشّعراء، ج۱، صص ۹۰ ۹۱؛ سـرایندگان شعر فارسی در قفقاز، صص ۳۴۴ ۳۵۱؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۷، ص۱۶۳؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۴۶۴ ۴۶۸؛ تذکره شبستان، ص۴۳.

۲- التّحبیر، ج۱، ص ۱۶۰؛ الاعلام، ج۱، ص۱۸۶؛ غـایه النّهایه، ج۱، صص ۹۶ ۹۷؛ دانشـنامه جهـان اسـلام، حرف «ب»، ج۴، صص ۵۴۶ ۵۴۷؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۱۸۲؛ الانساب، ج۲، صص ۴۲ ۳۹؛ ایضاح المکنون، ج۲، ص۷۹؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۷۳؛ محاسن اصفهان، ص۳۰؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۸۷.

احمد عنبری اصفهانی

ابوالفوارس احمد بن فضل عنبری اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از خواص اصحاب شیخ ابوالقاسم عبدالرّحمان بن منده و ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی بوده، و ابومحمّد نخشبی از او استماع حدیث کرده است.(۱)

احمد نجم ثانی

نجم الدّین احمد (احمد بیک خان) خوزانی معروف به امیر نجم ثانی، فرزند فضل اللّه، مؤلّف طراز الاخبار در تاریخ، به فارسی.(۲)

احمد اصفهانی

احمد بن فضلی اصفهانی از فضلاء و نویسندگان در قرن یازدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای از دیوان خواجه ثنایی است که آن را در ۲۵ رجب سال ۱۰۴۲ق در شهر آگره هندوستان به خطّ شکسته نستعلیق کتابت نموده است. نسخه میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

احمد دیمرتی

احمد بن قاسم بن علیّ بن رستم دیمرتی اصفهانی، ادیب و شاعر، از شعراء و فضلای اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در وصف بهار گوید:

ضحک الرّبیع بمبسم الأنوار و بکی بعینٍ سحّهٍ مدرار

فبد معه اکتسب البسطه بنتها و بضحک ذری الأشجار

و إذا الرّیاح امالها لکانّه ثملٌ یمین لنعمه الاقمار (الاوثار)

والنّرجس الغضّ الجنّی کأنّما تدویره بشظینی مدوار

۱- التّحبیر، ج ۲، ص ۳۸۱.

۲- فهرست دانشگاه پنجاب، ص ۴۰۹.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص ۸۹.

حدقت به فوق الزّبرجد فضه تبکی شعاع کواکب الأسحار(۱)

احمد اصفهانی

احمد بن کوفی بن ایّوب اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی در نیشابور ساکن بوده است. از محمّد بن عبداللّه بن حسن بن حفص روایت می کند، و ابوالقاسم عبداللّه بن حسین بوبالویه از او نقل حدیث می نماید.(۲)

احمد مدینی

ابوجعفر احمد بن مجاهد بن محمّد بن عبداللّه مدینی از محدّثین قرن سوم هجری است. وی اصلاً از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بود، سپس در محلّه کوشک ساکن شد، و سرانجام به قریه «خرجان» رفت، و در سال ۲۹۰ق در آن جا وفات نمود. وی از ابوبکر بن ابوشیبه، عثمان بن ابوشیبه، عبداللّه بن عمر بن ابان روایت نموده است. طبرانی در معجم الصّغیر از او نقل حدیث کرده است.(۳)

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن محمّد اصفهانی، عالم فاضل ادیب، مؤلّف کتابی در ملل و نحل است، و در حدود سال ۴۵۱ هجری وفات یافته است.(۴)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد اصفهانی، از فضلاء و حکماء اصفهان است. از آثار او: بندی در پنج سطر با عنوان «قال من زعم أنّ الحرکه لا وزن له...» از وی نقل شده است، این مطلب در

۱- محاسن اصفهان، ص۶۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۹.

۳- احقاق الحق، ج۹، ص۳۸ و ج۱۸، ص۳۶۶؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص ۱۲۰.

۴- الذّریعه، ج۱، ص۳۴.

مجموعه شماره ۳۴۸۰ میکروفیلم های دنشگاه تهران وجود دارد.(۱)

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و از عبداللّه بن محمّد بن حافظ روایت می کند.(۲)

احمد اصفهانی

ابوالحسین احمد بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. طبرانی در کتاب معجم الکبیر از او روایت می کند. قاضی احمد بن حسین دینوری و ابن سنّی هم از او نقل حدیث می نمایند. فوت او در سال ۴۳۳ق روی داده است.(۳)

احمد اصفهانی

ملّااحمد بن آقامحمّد اصفهانی، در سال ۱۲۴۷ق مالک نسخه ای از شافیه ابن حاجب بوده است.

نسخه، جزو کتب صدر هاشمی در کتابخانه دانشکده ادبیّات اصفهان محفوظ است.(۴) [ظاهراً صاحب عنوان از فضلاء و ادبای اصفهان است].

احمد افریقی

ابوالحسن احمد بن محمّد افریقی، ساکن اصفهان معروف به «متیم»، از ادباء و شعرای قرن چهارم و پنجم هجری. وی در سال ۴۱۵ق وفات نموده است، و کتب زیر از او است:

۱. الانتصار المبنی عن فضل المتنبّی ۲. دیوان شعر بزرگ ۳. الشّعراء و النّدماء(۵).

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ج۲، ص ۱۵۱.

۲- احقاق الحق، ج۱۴، ص ۳۰۱.

۳- مرآه الجنان، ج۳، ص ۵۴.

۴- نشریّه دانشکده ادبیّات اصفهان، سال دوم شماره ۲ و ۳، ص ۱۳۷.

۵- هدیه العارفین، ج۱، ص ۷۲.

احمد صحّاف

ابوعلیّ بن محمّد بن ابراهیم صحّاف، از محدّثین اصفهان است. محمّد بن اسحاق از وی روایت می کند، و او از ابوجعفر زید بن ابوموسی اصفهانی حدیث نقل می کند.(۱)

احمد طیفورآبادی اصفهانی

ابوالفتح احمد بن محمّد بن ابراهیم طیفورآبادی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از قریه «طیفورآباد» اصفهانی بوده، و از محمّد بن ابراهیم مقری استماع حدیث نموده، و از او حدیث نوشته [است].(۲)

احمد اصفهانی

ابوجعفر احمد بن محمّد بن ابی خالد اصفهانی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری است. وی در نیشابور ساکن بوده، و در جمادی الآخر سال ۳۰۳ق وفات یافته، و در مقبره باب معمر نیشابور دفن شده است.(۳)

احمد اصفهانی

ابوسعید احمد بن محمّد بن ابی سعد بغدادی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی از عبداللّه بن یوسف اصفهانی روایت کرده است. ابوسعید الاعرابی و ابوالمظفّر محمّد بن احمد بن جعفر کوسج از او نقل حدیث نموده اند.(۴)

احمد ویری اصفهانی

احمد بن محمّد بن ابی عمرو بن ابی بکر ویری اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. [ساکن قریه «ویر» بود که اکنون به شهر کوهپایه معروف است]. حافظ بن بخار گوید که در

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۳۱.

۲- معجم البلدان.

۳- تاریخ نیشابور، ص۴۳.

۴- احقاق الحق، ج۴، صص۳۲۸ و ۲۰۴.

منزل او در قریه «ویر» از او استماع حدیث کردم که از حافظ ابوموسی محمّد بن عمرو روایت می نمود.(۱)

احمد خوزی اصفهانی

ابونصر احمد بن محمّد بن ابوالقاسم بن فلیزه امین خوزی اصفهانی از محدّثین اصفهان است.

ساکن کوی خوزیان اصفهان بوده، و از ابوالعلاء سلیمان بن عبدالرّحیم حسن آبادی و ابوعمرو بن منده استماع حدیث کرده، و در چهارشنبه ۱۳ شوّال ۵۳۱ق وفات یافته است.(۲)

احمد جلکی اصفهانی

ابوسعد احمد بن محمّد بن ابی نصر ضریر ارجانی جلکی اصفهانی از محدّثین قرن ششم هجری، در اصفهان ساکن بوده، از فاطمه جوزدانی حدیث شنیده، و در ربیع الاوّل ۶۰۶ق وفات یافته است.(۳)

احمد بغدادی

ابوسعد احمد بن محمّد بن احمد بغدادی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. یافعی درباره او گوید: «کان ثقه خیراً یحفظ صحیح مسلم». در سال ۵۴۰ق وفات یافته است. وی از ابوعمرو عبدالوهاب بن محمّد بن اسحاق عبدی، ابومنصور محمّد بن احمد بن علی سینی و ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم طیان روایت می کند.(۴)

۱- معجم البلدان، ج۵، ص۳۸۶.

۲- معجم البلدان، ج۲، ص۴۰۴.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۱۴۴.

۴- مرآه الجنان، ج۳، ص۲۷۳؛ تبیین کذب المفتری، ص۴۲۹.

احمد قصّار

ابوبکر احمـد بن محمّد بن احمد بن جعفر قصّار شافعی تمیمی از محدّثین اصـفهان در قرن چهارم هجری است. از ابی علیّ بن عـاصم، عبـداللّه بن خـال دارانی، عبـداللّه بن جعفر محمّـد بن اسـحاق بن عباد بصـری از او روایت می کننـد. وی در سال ۳۹۹ وفات یافته است.(۱)

احمد یزدی

ابوبکر احمـد بن محمّـد بن احمـد بن جعفر اصـفهانی معروف به یزدی، فاضـل محقّق، ادیب لغوی نحوی. در اصـفهان سـاکن بوده، و در قرن چهـارم هجری می زیسـته است. از احمـد بن محمّـد بن موسـی ملحمی و حسن بن محمّـد زعفرانی روایت می کند. احمد بن علی شافعی از او نقل حدیث کرده است.(۲)

احمد تمیمی

ابوبکر احمـد بن محمّد بن احمد بن حارث تمیمی اصـفهانی مقری ادیب، از محدّثین قرن چهارم و پنجم هجری است. در سال ۳۴۹ق در اصفهان متولّد شد، و در ربیع الاوّل سال ۴۳۰ به نیشابور رفت، و در آن شهر وفات یافت، و در مقبره «شاهنبر» پهلوی ابواسحاق اُرموی مدفون گردید. ابوعلی جامع بن حسن بن علی بیهقی از او حدیث شنیده است.(۳)

احمد فیج

ابوبکر احمـد بن محمّـد بن احمد بن حسـین بن محمّد اصـفهانی معروف به «فیج» از محدّثین اصـفهان است، در همدان ساکن بوده، و از ابوبکر احمد بن عبدان بن محمّد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۹؛ احقاق الحق، ج ۱۵، ص ۳۳۰.

۲- معجم الادباء، ج ۸، ص ۲۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۵۰؛ احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۷۳ و ج ۱۶، ص ۵۶۷.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۵۶.

شیرازی ساکن اهواز روایت می کرده است. خطیب بغدادی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد طرقی اصفهانی

حافظ ابونصر احمد بن محمّد بن احمد بن حسین بن احمد بن قاسم بن طیب تمیمی طرقی اصفهانی از محدّثین اصفهان است. از قریه «طَرق» بوده که اکنون از قراء نطنز است، در علم حدیث و طرق روایت استادی مسلّم بوده، و خطّ خوشی داشته، از بسیاری حدیث شنیده از آن جمله است: ابوسعد محمّد بن ابی عبداللّه مطرّز، ابوالعلا محمّد بن عبدالجبّار فرسانی، ابوالقاسم غانم بن محمّد برجی و ابوعلی حدّاد. ظاهراً در قرن ششم هجری می زیسته [است]، سال وفاتش به دست نیامد.(۲)

احمد گیلانی (کلاتی)

لطیف الدّین احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد گیلانی اصفهانی دردشتی کلامی (یا کلاتی) شاعر ادیب. از تألیفات او: مونس الاحرار و دقایق الاشعار، در ۳۰ باب است. که آن را در پنج شنبه ربیع الثّانی ۷۰۲ق تألیف نموده است، و در آن به حدائق السّحر رشید وطواط نظر داشته است. نسخه ای از آن در کتابخانه حبیب گنج در حیدرآباد دکن و میکروفیلم نسخه، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. ظاهراً محمّد بن بدر جاجرمی که کتاب دقایق الاشعار خود را در سال ۷۴۱ق تألیف نموده، مطالب خودرا از این کتاب اقتباس نموده است.(۳)

احمد سلفی اصفهانی

حافظ ابوطاهر صدرالدّین احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم سلفه (به کسر سین و فتح لام) از مشاهیر حفّاظ و محدّثین و فقهاء شافعی، معروف به سلفی، منسوب

۱- احقاق الحق، ج۶، ص۵۱۷.

۲- معجم البلدان، ج۴، ص۳۱؛ راهنمای دانشوران، ج۲، ص۱۱۱.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ج۱، ص۸۰۱ و ج۲، ص۲۴۲.

به جدّش ابراهیم است که به اصطلاح مردم اصفهان، لب شکری بوده، و از این رو وی را سه لبی می گفتند. بعداً این کلمه تعریب شده، و سلفی خوانده اند). وی در سال ۴۷۸ در اصفهان متولّد گردیده، در بغداد از خطیب تبریزی، ابوحامد اسفراینی و کیاهراسی علم آموخته، مسافرت های بسیار رفته، و با بسیاری از مشایخ و فضلاء دیدار کرده، سرانجام در مصر ساکن شده، و به تدریس مشغول شده، و در صبح جمعه ۵ ربیع الثّانی وفات یافته است. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. اربعین البلدانیّه در حدیث ۲. سداسیات در حدیث ۳. سلفیّات در حدیث ۴. سلماسیّات، معروف به مجالس خمسه ۵. شرط القراء علی الشّیوخ ۶. شرح بر مختصر مزنی ۷. الفضائل الباهره ۸. معجم السّفر ۹. المعجم لمشیخه اصبهان ۱۰. المعجم لمشیخه بغداد ۱۱. رساله درباره ابی العلاء معرّی و غیره.(۱)

احمد خاتونی عاملی

احمد بن محمّد خاتون بن احمد بن نعمت اللّه عاملی، از فضلاء و محدّثین اصفهان در قرن یازدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای از کتاب مشرق الشّمسین و اکسیر السّعادتین تألیف مرحوم شیخ بهایی است که آن را در ۱۴ ربیع الاوّل سال ۱۰۲۹ق به پایان رسانیده، و در حاشیه تصحیح شده [است]، و علامت بلاغ دارد. اجازه شیخ بهایی برای کاتب در سه صفحه در پشت کتاب به تاریخ ربیع الاوّل سال ۱۰۲۹ به خطّ مرحوم شیخ می باشد.(۲) صاحب عنوان، سال ها در اصفهان ساکن بوده، و در محضر شیخ بهایی تلمّذ نموده است.

۱- روضات الجنّات، ج ۱، ص۲۶۶؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص۱۲۷۹؛ احقاق الحق، ج۵، ص۱۴۶ و ج۷، ص۱۲۶؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۷۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۴۵۹ و ۲۵۰؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۶۴؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۸۷؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۲۸۸؛ الاعلام، ج۱، ص۲۰۹؛ اللّباب، ج۲، ص۱۲۶؛ ثقات العیون، ص۳؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۷۳؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۵۴؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۸۷؛ مدارس نظامیّه، ص۱۹۱؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۴۰۳.

۲- فهرست مرعشی، ج۱، ص۲۴۹.

احمد رنانی

احمد بن محمّد بن احمد رنانی اصفهانی از محدّثین اصفهان است، و ابوسعد سمعانی از او اجازه دریافت نموده است.(۱)

احمد خشینانی

احمـد بن محمّـد بن اسـحاق بن مزیـد بن عجلان اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان است. وی در محلّه خشـینان ساکن بوده، و از ابراهیم بن فراء، اصـمعی، روح بن عصـام جبّر، مکّی بن ابراهیم و هشـام بن عبیـداللّه سـبتی اسـتماع حـدیث نموده، و احمـد بن حسین انصاری، عبدالرّحمان بن فیض و محمّد بن احمد بن یزید از او روایت می کنند.(۲)

احمد واعظ اصفهانی

احمـد بن محمّد بن برد اصـفهانی واعظ، از محدّثین اصـفهان است. از طبرانی روایت می کند. ذهبی در میزان الاعتدال گوید: «معتزلیّ غال، و او پدر ابی الخیر است».(۳)

احمد اصفهانی

احمـد بـن محمّـد بـن بطـه بـن اسـحاق بن ابراهیم مـدینی اصـفهانی از محـدّثین اصـفهان در قرن سـوم و چهـارم هجری است. ابوالحسن محمّـد بن احمـد بن عبیداللّه بن عیسـی بن احمد منصوری و ابومحمّد فخام از وی روایت می کنند. او در روز جمعه از ماه شوّال ۳۱۳ق وفات یافت.(۴) به ظنّ نویسنده، احمد نام برده در دو کتاب، یک نفر است.

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۷۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۲؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۶۲؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۹.

۳- میزان الاعتدال.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۳؛ نوابع الرّواه، ص۴۲.

احمد کلامی

لطیف الدّین احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد کلامی اصفهانی، از شعراء و ادبای قرن هفتم هجری است. وی از مدّاحان پادشاهان و بزرگان دربار مغول بوده، و کتاب مونس الاحرار فی دقایق الاشعار را در پنج شنبه اوّل ربیع الآخر سال ۷۰۲ق نوشته است، و آن، مشتمل بر منتخب اشعار شاعران فارسی گو است، و به فارسی نوشته شده است. این کتاب را محمّد بن بدر جاجرمی به نام خود کرده، و اشعار کلامی را از آن حذف، و برخی از اشعار خود را در آن درج کرده است.(۱)

احمد ازدی

ابوبکر احمد بن محمّد بن جعفر ازدی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابوبکر خطیب روایت می کند، و احمد بن محمّد بن موسی لخمی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

احمد راشتینانی

ابوبکر احمد بن محمّد بن جعفر بن احمد بن اسحاق بن حماد راشتینانی اصفهانی، از محدّثین است، و از قریه «راشتینان» اصفهان بوده، و در شوشتر از ابوالقاسم حسن بن موسی طبری استماع حدیث نموده، و کتابی نیز به نام امالی نوشته است.(۳)

راشتینان از روستاهای اصفهان است.

احمد وذنکابادی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن جعفر بن عیسی ضریر وذنکابادی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از احمد بن محمّد بن مصقله و دیگران روایت

۱- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۱۷۶؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ص۸۰۱.

۲- احقاق الحق، ج۱۵، ص۶۰.

۳- معجم البلدان، ج۳، ص۱۵.

کرده است.(۱)

احمد مدینی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن جعفر خشّاب مدینی، جدّ مادری زید بن ابی مسلم بن شهدل و از محدّثین قرن چهارم هجری است.

از علیّ بن سعید عسکری و ابن سَکَن روایت نموده، و قبل از سال ۳۵۰ق فوت شده است.(۲)

احمد خفّاف

ابوبکر احمد بن محمّد بن جعفر خفّاف، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از محمّد بن عیسی مقری روایت نموده، و ابواسحاق سریجانی مدینی از او نقل حدیث کرده است.(۳)

احمد اصفهانی تیمی

ابوبکر احمد بن محمّد بن حارث اصفهانی تیمی، از محدّثان اصفهان در قرن پنجم هجری است. ابوالمعالی امام الحرمین جوینی (متوفّی ۴۷۸ق) از وی استماع حدیث نموده است.(۴)

احمد مذکّر

ابوالحسین احمد بن محمّد بن حارث مذکّر، از محدّثین اصفهان است. وی از ابن داوود سجستانی و عبداللّه بن محمّد بغوی روایت می کند، و حافظ ابونعیم از او نقل حدیث می نماید.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۷.

۴- معجم البلدان، ج۱، ص۱۹۳.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۱۶۰.

احمد معدّل

ابوجعفر احمد بن محمّد بن حجّاج بن یوسف معدّل از محدّثین قرن سوم هجری است. فقیه ثقه بوده، و از احمد بن مهدی، عبداللّه بن محمّد بن نعمان، ابومسلم کشی و محدّثین بغداد روایت نموده است.(۱)

احمد ملنجی اصفهان

ابوعبداللّه احمد بن محمّد بن حسن بن برد ملنجی اصفهانی مقری، از محدّثین و قاریان قرن چهارم و پنجم هجری و اهل محلّه «ملنجه» اصفهان بوده، از حافظ ابوالشّیخ و ابوبکر عبداللّه بن محمّد قیار روایت نموده [است]. جماعتی کثیر از او روایت نموده اند که از آن جمله است ابوبکر خطیب. وی در سال ۴۳۷ق وفات یافته است.(۲)

احمد اصفهانی

ابوسعید احمد بن ابوالفضل محمّد بن حسن بن علیّ بن احمد بن سلیمان اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری. در مجمل فصیحی گوید: «روی الحدیث الکثیر و کان علی سیره السّلف کثیر الاتباع للسنّه». مشارٌالیه در سال ۴۶۳ متولّد [شده]، و در سال ۵۴۰ق وفات یافته است.(۳)

احمد مرزوقی اصفهانی

ابوعلی احمد بن محمّد بن حسن اصفهانی معروف به امام مرزوقی شاعر و ادیب دانشمند. یاقوت حموی در حقّ او گوید: در نهایت ذکاء و فطنت و حسن التّألیف است. صاحب بن عبّاد نیز گفته: در علم و ادب، سه اصفهانی به مقامی عالی رسیدند ۱. اسکاف (ابوعبداللّه خطیب) ۲. حائک (مرزوقی صاحب عنوان) ۳. حلاّج (ابومنصور بن ماشاذه).

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۳.

۲- معجم البلدان، ج۵، ص۱۹۵؛ اللّباب، ج۳، صص۲۵۴ ۲۵۵.

۳- مجمل فصیحی، ج۲، صص۱۸۶ و ۲۴۰.

از شاگردان ابوعلی فارسی و دیگران بوده، علاوه بر ادبیّات، در فقه و حدیث نیز مهارت داشته، گویند آل بویه وی را به عنوان معلّم فرزندان خود انتخاب نموده اند؛ لذا صاحب عنوان، شیعه بوده است. در ذی حجّه ۴۲۱ق وفات یافت. وی را کتب و تألیفاتی است که از آن جمله است: ۱. الازمنه و الامکنه (نسخه شماره ۴۱۷۰ کتابخانه آستان قدس رضوی) ۲. شرح اشعار هذیل ۳. شرح حماسه ابی تمام (نسخه شماره ۲۵۱۰۷ کتابخانه مجلس) ۴. شرح مفضلیّات ۵. شرح الفصیح (تألیف ثعلب) ۶. شرح الموجز در نحو ۷. شرح النّحو.(۱)

احمد جورجیری

احمد بن محمّد بن حسن جورجیری مجمل، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. وی از عبداللّه بن احمد بن یزید شیبایی روایت می کند، و محمّد بن ابراهیم بن علی از وی نقل حدیث می نماید.(۲) [جورجیر از محلّه های قدیمی اصفهان است، و حکیم داوود هندی بر بقایای ویرانه های مسجد جورجیر، متعلّق به عصر دیالمه، مسجد حکیم را بنا کرده است].

احمد صحّاف

ابوبکر احمد بن محمّد بن حسنویه صحّاف، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او از علیّ بن عبداللّه بن مبشر واسطی و دیگران روایت می کند. وفات او قبل از سال ۲۷۰ق روی داده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۲۴۹ ۲۵۰؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۸۴؛ روضات الجنّات، ج ۱، ص۲۵۴؛ اعیان الشّیعه، ج۹، ص۲۳۱؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص۷۳؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۴۸؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۱۴۴؛ بغیه الوعاه، ص۱۵۹؛ فهرست رضوی، ج ۱، ص۷۱۹؛ فهرست مجلس، ج۱۵، ص۲؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۹۱؛ لغت نامه دهخدا «احمد»، ص۱۲۹۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۴۷؛ الانساب، ج۲، ص۱۱۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۶۳.

احمد ارجانی تستری

ناصح الدّین ابوبکر احمد بن محمّد بن حسین ارجانی شیرازی، فقیه، محدّث، ادیب و شاعر قرن ششم هجری. در سال ۴۶۰ق متولّد شد، و در اوائل عمر، در مدرسه نظامیّه اصفهان به تحصیل پرداخت. سپس متصدّی قضای تستر [شوشتر] و عسکر مکرم شد، و سرانجام در سال ۵۴۴ق در تستر وفات یافت. وی در اصفهان از ابوبکر محمّد بن احمد بن حسین بن ماجد ابهری حدیث شنیده، و از او اجازه دریافت داشته است. به عربی شعر می سروده، و اشعارش در غایت حسن و طراوت و ملاحت بوده است. گویند سال های متمادی هر روز هشت بیت می سرود. او دیوان اشعار بزرگی داشته، و آن چه از آن باقی مانده است، حتّی یک دهم آن دیوان نیست. دیوان اشعارش در سال ۱۳۰۷ق در بیروت طبع گردیده است، و تصحیح و تحشیه و توضیح آن از احمد بن باس ازهری بوده است. در باب مذهب او نیز نوشته اند که پیرو فقه شافعی بوده است. این شعر از او است:

أنا أشعر الفقهاء غیر مدافع فی العصر او أنّه افقه الشّعراء

شعری إذا ما قلت دونه الوری بالطبع لابتکلّف الالقاء(۱)

احمد خرجانی

ابوحامد احمد بن محمّد بن حسین بن ابراهیم خُرجانی اصفهانی از محدّثان اصفهان و اهل محلّه «خُرجان» بود، و از عبدان و ابن زهیر و دیگران روایت نمود، بعد از سال ۳۷۰ق وفات یافت.(۲)

۱- مرآه الجنان، ج۳، ص۲۸۱؛ وفیات الاعیان، ج۱، ص۱۳۴؛ النّجوم الزّاهره، ج۵، ص۲۸۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۲۰، ص۲۱۰؛ لسان المیزان، ج۵، صص۵، ۳۶۷؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۲۱۶؛ معجم المطبوعات، ج۱، ص۴۲۴؛ معجم البلدان، ج۱، ص۸۶ و ج۴، ص۴۹۰؛ طبقات الشّافعیه، اسنوی، ج۱، صص ۱۱۰ ۱۱۱؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۷۷؛ هدیه العارفین و النّهایه، ج۱۱، صص۲۲۶ ۲۲۷؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۱۹؛ الاعلام، ج۶، ص۲۰۹؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۷۲؛ روضات الجنّات، ج۸، ص۲۱؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۱، ص۱۱۹، مقتبس الاثر، ج۳، ص۲۳۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۹.

احمد احموله

ابوجعفر احمـد بن محمّـد بن حسـین بن حفص معروف به «اُحمولَه»، از محدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است. وی مردی نیکوکار، خیّر و بخشـنده بوده، و برای اطعام گرسـنگان و دادن صـدقه به نیازمندان، اهتمام داشـته، و در ربیع الاوّل سال ۲۶۴ق فوت شـده است. وی از ابونُعیم، خلاـد بن یحیی، قعنـبی و جـدّ خود (حسـین بن حفص) روایت می کنـد، و ابن عـاصم، اخرم، ابوبکر عبداللّه بن ابی داوود سجستانی، احمد بن حسین انصاری و محمّد بن احمد بن یزید زُهَری نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد معدّل

ابوجعفر احمـد بن محمّد بن حسـین معدّل، از محدّثین اصـفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. رییسـی محتشم و بزرگوار بوده، و سفره او گسترده بوده است. از محمّد بن عبداللّه حضرمی، ابی شعیب، اَبان بن مَخلَد و عمر بن ابی حسان روایت نموده [است]، و محمّد بن ابراهیم بن علی و ابوالحسن علیّ بن محمّد بن حسین مؤدّب ورّاق از او نقل حدیث می کنند.(۲)

میرناصرالدّین احمد مختاری

امیر ناصـرالدّین احمـد بن محمّد بن امیر روح الامین بن شـمس الدّین محمّد بن امیر سـیّدرضا حسـینی مختاری سبزواری، عالم فاضـل، از دانشـمندان قرن دوازدهم هجری است. وی از شاگردان بهاءالـدّین محمّـد اصـفهانی (فاضل هنـدی) بوده، و در سال ۱۱۳۰ق از اسـتاد خود اجـازه دریـافت نموده است. در اصـفهان اقـامت داشـته [است]، و از مشایـخ میرزا محمّـدابراهیم خوزانی اصفهانی به شمار می رود.(۳) ظاهراً در مقبره امام زاده شاه زید اصفهان مدفون است.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۸۳؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۵۱.

۳- الکواکب المنتشره، صص۴۵ ۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۸۹۷؛ الذّریعه، ج۳، ص۳۰۳.

احمد زحاف

احمد بن محمّد بن زحّاف بن زحاف، از محدّثین اصفهان است.(۱)

احمد بغدادی قرشی

ابوالحسن احمد بن محمّد بن سَکَن بن عُمیر بن سیّار بغدادی قرشی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری. وی در سال ۳۰۴ق به اصفهان آمد، و در این شهر به نقل حدیث پرداخت. از اسحاق خَطمی، ابن سهم انطاکی و محدّثین بصره روایت می کرد.(۲)

احمد فافا

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن سریج معروف به «فافا» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی به نیشابور رفته، و از محدّثین آن جا روایت نموده، و در سال ۳۰۱ق وفات یافته است. از محمّد بن رافع، احمد بن منصور، اسحاق کوسج، محمّد بن یحیی نیشابوری و حسن بن عیسی بن ماسَرجِس روایت می کند، و عبداللّه بن محمّد بن جعفر از او نقل حدیث می کند.(۳)

احمد مُعَیَّنی

ابوسعید احمد بن محمّد بن سعید بن مهران معیّنی محدّث ثقه، از راویان اصفهان در قرن سوم هجری. در اصفهان و مکّه و مدینه از مشایخ و محدّثین استماع حدیث کرده، و به کرمان مهاجرت نموده، و در آن جا به سال ۲۹۵ق فوت شده است. از احمد بن عبده، زید بن حرثین و سهل بن عثمان روایت می کرد، و سلیمان بن احمد، عبداللّه بن محمّد بن جعفر و قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم از وی روایت می کنند.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۹؛ طبقات المحدّثین، ج۴، صص۳۰۳ ۳۰۴؛ تاریخ بغداد، ج۵، ص۲۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۷؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۵۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۸.

احمد اصفهانی

ابوالطیّب احمد بن محمّد بن سلیمان بن هارون اصفهانی نیشابوری، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۳۷ق در نیشابور وفات یافته است.(۱)

احمد خبّاز

ابوبکر احمد بن محمّد بن سنده بن ابراهیم خبّاز، از محدّثین اصفهان است.(۲)

احمد جیرانی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن سهل بن مبارک بزّاز جیرانی فُرسانی معدّل معروف به «ممجه»، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. از محدّثین ثقه است. ساکن «فرسان»، و اصلاً از اهالی «جیران» است، و در سال ۳۰۶ق وفات یافته است. از محمّد بن سلیمان لوین، حُمید بن مَسعده، عمرو بن علی، محمّد بن عیسی مقری و ابومسعود روایت می کند، و عبداللّه بن محمّد بن حجّاج شروطی و محمّد بن احمد بن ابراهیم اصفهانی از او نقل حدیث کرده اند(۳).] جِیران و فُرسان دو روستای حومه اصفهان در قرون اولیّه و میانه هجری بوده اند، و اکنون به شهر پیوسته اند، و از محلّه های اصفهان به شمار می آیند].

احمد سیّاری

ابوعبداللّه احمد بن محمّد بن سیّار اصفهانی، از نویسندگان آل طاهر در زمان حضرت عسکری علیه السلام بوده است. عموم نویسندگان کتب رجال شیعه، وی را به صفات ضعیف الحدیث، فاسدالمذهب، معفوّالرّوایه، کثیر المراسیل، غال و محرّف، وصف کرده اند. وی را تألیفاتی است از آن جمله: ۱. ثواب القرآن ۲. کتاب الطّب ۳. کتاب الغارات ۴. کتاب

۱- طبقات الشّافعیه، ص۲۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۷؛ معجم البلدان، ج۲، ص۱۹۸؛ الانساب، ج۳، ص۴۵۵؛ اللّباب، ج۱، ص۳۳۱؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۶۳.

القرائات ۵. کتاب النّوادر(۱). برخی او را بصری نوشته اند.

احمد صفار

ابومسلم احمد بن محمّد بن شامّه صفّار ورّاق، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از فضل بن خضیب روایت می کند، و حافظ ابونُعیم از او نقل حدیث می نماید. در سال ۳۶۷ یا ۳۶۸ق فوت شده است.(۲)

احمد معلّم

احمد بن محمّد بن احمد بن شهردار معلّم اصفهانی، از ادباء و کاتبان قرن پنجم هجری است. بسیاری از فضلاء و ادبای اصفهان، ازجمله ابوغالب بن هارون از شاگردان او بوده اند. وی در شوّال ۴۴۶ق وفات یافت.(۳)

احمد

ابوالفضل احمد بن محمّد شهمردان، ادیب نحوی لغوی، از دانشمندان اصفهان است. مافرّوخی او را در ردیف ادبای متقدّم بر عصر خویش یاد کرده است.(۴)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن عاصم اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابی عمر دوری روایت می کند، و محمّد بن احمد بن ابراهیم از وی نقل حدیث می نماید. [ممکن است صاحب عنوان و احمد بن محمّد بن عاصم کرانی یک نفر باشند، و حافظ ابونُعیم آن ها را در دو عنوان آورده باشد.]

۱- معجم رجال الحدیث، ج۲، ص۲۸۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۲.

۳- معجم الادباء، ج۲، ص۱۰۷؛ تاریخ اصفهان (هنرمندان)، ص۱۷۸؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۱۵۵۸؛ لغت نامه دهخدا ذیل «احمد»، ص۱۲۷۹.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

احمد کرانی

ابوعلی احمد بن محمّد بن عاصم کرانی، از محدّثین اصفهان در قرون چهارم هجری است.

وی از محمّد بن ابراهیم بن ابان جیرانی روایت می کند، و ابواسحاق ابراهیم بن محمّد بن حمزه از وی نقل حدیث می نماید. در روز جمعه از سال ۳۳۹ق وفات یافته است.(۱)

احمد تاجر

ابوسهل احمد بن محمّد بن عبّاس بن حسنویه بن علیّ بن بطه بن خواشید بن یزدان آفرید تاجر دلّال از محدّثین قرن چهارم هجری است. فاضل ثقه بوده، در سال ۳۲۸ق متولّد شده، و کتاب فضل البنات علی النّبین از او است.(۲)

میرزا احمد خیال اصفهانی

میرزا غیاث الدّین احمد متخلّص به «خیال» فرزند صدرالدّین محمّد بن میرزا عبدالحسیب علوی عاملی، عالم فاضل ادیب شاعر، در اصفهان نزد عدّه ای از علمای اعلام ازجمله آقا جمال الدّین محمّد خوانساری تحصیل نمود، و به افتخار دامادی ایشان نائل آمد. در حسن اخلاق، یگانه آفاق بود. وی هفت بندی سروده که ظهیرالدّین علی تفرشی بر آن تقریظ نگاشته بود. وی سرانجام در سال ۱۱۳۴ق (یک سال پس از وفات عموی دانشمندش میرمحمّداشرف) در اصفهان وفات یافت. رضاقلی خان هدایت در تألیفات خود، به اشتباه، نام او را غیاث الدّین محمّد نوشته، حال آن که احمد صحیح است. این شعر از او است:

شمع می داند به شب ها لخت پروانه را قدر عاشق را کسی داند که داغش بر دل است(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۷.

۲- تاریخ نیشابور، ص۹۶.

۳- تذکره المعاصرین، صص۱۵۲ و ۲۸۲؛ الذّریعه، ج۹، صص۳۰۸ ۳۰۹؛ ریاض العارفین، ص۳۱۹؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۲، ص۷۱۲؛ یادنامه بحرالعلوم میردامادی، ص۲۳؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۶۴؛ تذکره غنی، ص۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۶؛ دانشمندان خوانسار، صص۲۳۳ ۲۳۴.

احمد کاتب

ابوعلی احمـد بن محمّد بن عبدالرّحمان بن سـهلان معروف به ابوعلی کاتب، از محدّثین اصـفهان است. وی کاتب و نویسـنده علیّ بن تمّه بوده، و در همسـایگی حافظ ابونُعیم سـاکن بوده است. او از ابی مسـعود عسـکری روایت نموده، و حافـظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.(۱)

احمد اصفهانی

احمـد بن محمّـد بن عبـدالرّحیم اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. در عراق، حدیث می گفته است. از محمّد بن یحیی بن منده روایت می کند، و محمّد بن مظفّر از او نقل حدیث می نماید.(۲)

احمد عبّاسی

ابوجعفر احمد بن محمّد بن عبدالعزیز عبّاسـی، از محدّثین اصـفهان در قرن ششـم هجری است. او نقیب هاشمیّین بوده، و یافعی او را بـا این عبـارت سـتوده است: «کان صالحاً متواضـعاً فاضـلاً مسـنداً». در بغـداد و اصـفهان حـدیث روایت نموده، و در سال ۵۵۴ق وفات یافته است.(۳)

سیّداحمد موسوی اصفهانی

احمد بن محمّد بن عبدالکریم موسوی اصـفهانی، از فضـلاء و نویسندگان قرن ۱۳ هجری است، از آثارش کتابت نسـخه ای از ترجمه قصیده میمیّه فرزدق است که آن را

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۴؛ تاریخ بغداد، ج۵، ص۵۸.

۳- مرآه الجنان، ج۳، ص۳۰۷.

حاجی به شعر ترجمه کرده است. این کتاب، در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

احمد رارانی

ابوالحسین احمد بن محمّد بن عبداللّه رارانی اصفهانی از محدّثین اصفهان است، اصلاً از قریه «راران» جی اصفهان بوده، از عبداللّه بن جعفر و ابی القاسم طبرانی نقل حدیث می نماید. سعید بن محمّد بن عبدان از او روایت می کند. [وی در ربیع الاوّل ۴۲۲ وفات یافته است(۱)].

احمد ویذآبادی

ابوعبداللّه احمد بن محمّد بن عبداللّه بن اسحاق بن ماجه ویذآبادی مؤدّب، عالم محدّث قرن پنجم هجری، از اهالی محلّه «ویذآباد» [بیدآباد] اصفهان بوده، از قاضی ابواحمد محمّد بن احمد عسّال و ابوالقاسم طبرانی نقل حدیث کرده، در جمادی الآخر سال ۴۲۲ق وفات یافت.(۲)

احمد ثقفی ابهری

ابوعلی احمد بن محمّد بن عبداللّه بن اسید ثقفی ابهری اصفهانی کتبی، از محدّثین اصفهان است.

از ابن متویه، دارکی و ابن مخلد روایت می کند. ابوالحسین عبدالوهاب بن یوسف قزّار از او نقل حدیث می نماید. موطن او قریه «ابهر» جی اصفهان است.(۳)

احمد اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن عبداللّه بن بشرویه اصفهانی از محدّثین قرن ششم

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۱۲؛ خورشید جی، ص۴۱۳.

۲- اللّباب، ج۳، صص۳۷۸ ۳۷۹؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۹۲؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۳.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

هجری است. ابوبکر محمّد بن طاهر بن ابی الفتح کوّاز اصفهانی از وی حدیث شنیده است.(۱)

احمد معدّل

قاضی ابوالمکارم احد بن محمّد بن عبداللّه معدّل اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از ابوعلی حسن بن احمد بن حسن حدّاد روایت می کند، و حافظ ابوطاهر اسماعیل بن ظفر بن احمد نابلسی دمشقی از او حدیث نقل می نماید.(۲)

احمد مدینی

احمد بن محمّد بن عصام مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی در ربیع الآخر سال ۳۳۹ق فوت شده است. او از عبداللّه بن معمر، تعدیه بن خالد، عبدالرّحمان مبارک و هلال بن فیّاض روایت می کند. عبداللّه بن سلمان بن اشعث، ابوبکر بن حُمید، محمّد بن احمد بن یحیی، محمّد بن احمد زهری و محمّد بن احمد یزید از او نقل حدیث نموده اند.(۳)

احمد ابهری مدینی

ابوزید احمد بن محمّد بن علیّ بن عبداللّه بن محمّد بن احمد بن عمرو ابهری مدینی اصفهانی، از محدّثان اصفهان در قرن چهارم هجری است. از ابوبکر محمّد بن ابراهیم مقری و ابی سهل مرزبان بن محمّد بن مرزبان ابهری نقل احادیث نموده [است]. محمّد بن اسحاق بن منده و ابوبکر محمّد بن احمد بن حسن بن فادار ابهری از او روایت می کنند.(۴)

۱- التّحبیر، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲- احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، صص ۹۶ و ۱۴۳.

۴- معجم البلدان، ج ۱، ص ۸۴.

احمد اصفهانی

شیخ ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن علی اصفهانی عارف صوفی، از مشایخ صوفیّه اصفهان در قرن نهم هجری. وی مرید شیخ عبداللّه، و او مجاز از شیخ رضی الدّین ابراهیم بن ابی محمّد طبری و او مجاز از شیخ عبداللّه یافعی بوده است.(۱)

احمد طیرایی اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن علیّ بن مته طیرایی اصفهانی از محدّثان اصفهان و از قریه «طیراء» اصفهان است. جهت اخذ حدیث، مسافرت نموده، کثیرالحدیث است؛ لکن کم روایت نموده است. از اباعبیده عبداللّه بن محمّد بن حسن بن زیاد جهرمی استماع حدیث نموده [است]، ابوبکر بن مردویه از او روایت می کند.(۲)

احمد جاری مدینی

احمد بن محمّد بن علیّ بن مهران معروف به جاری مدینی از محدّثین اصفهانی است. [ظاهراً از اهالی روستای گار در شرق اصفهان بوده]، سپس در مدینه اصفهان (شهرستان) ساکن شده، از محمّد بن عبداللّه بن ابی بکر بن زید و محدّثان هم طبقه او استماع حدیث کرده [است]، و جمعی از اهل اصفهان از او روایت کرده اند.

برادرش علی نیز از محدّثان بوده است.(۳)

احمد ربضی اصفهانی

ابوبکر احمد بن محمّد بن علی ربضی اصفهانی، از محدّثین، و به «ربضِ» اصفهان منسوب است.

از محدّثین این شهر استماع حدیث نموده [است]، ابومسعود سلیمان بن ابراهیم حافظ

۱- زندگانی شاه نعمت اللّه ولی.

۲- معجم البلدان؛ اللّباب، ج۲، ص۲۹۴؛ الانساب، ج۹، ص۱۲۲.

۳- معجم البلدان، ج۲، ص۹۳.

اصفهانی از او روایت می کند.(۱)

احمد مافرّوخی

ابوالعبّاس احمـد بن ابی جعفر محمّد بن علی مافرّوخی اصـفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصـفهان است. از عمرو بن علی و حسن بن عرفه روایت نموده [است]. حافظ ابوالشّیخ اصفهانی و ابوبکر قباب از او نقل حدیث نموده اند.(۲)

احمد عبدی لنبانی

ابوالحسن احمـد بن محمّد بن عمربن ابان عبدی لنبانی، از محدّثان اصـفهان است. اهل محلّه لُنبان (لُ ن ب ا ن) اصـفهان بوده، از محدّثان عراق روایت می کرده، از ابی بکر بن الدّنیا تصانیف او، و از عبداللّه فرزند احمد بن حنبل، مسـند احمد بن حنبل را استماع نموده [است].

حافظ ابراهیم بن محمّـد بن حمزه و عبداللّه بن احمد بن اسـحاق پدر حافظ ابونُعیم اصـفهانی از وی اسـتماع حدیث نموده اند. ابوالحسن لنبانی در یک شنبه ۱۰ ربیع الآخر ۳۳۲ فوت کرده است.(۳)

احمد مروزی

ابوبشـر احمـد بن محمّد بن عمرو بن مصـعب فقیه مروزی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۱۳ق در راه سفر حج به اصـفهان آمد. وی از محمود بن آدم، محمّد بن عبداللّه قُهزادی و خلف بن عبدالعزیز شاذان روایت می کند، و سـلیمان بن احمد

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۲۵؛ اللّباب، ج۲، ص۱۵.

۲- اللّباب، ج۳، ص ۱۵۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۷؛ معجم البلدان، ج۵، ص۳۳؛ مزارات اصفهان، صص۵۷ ۵۸؛ اللّباب، ج۳، صص۱۳۳ ۱۳۴؛ التّحبیر، ج۱، ص۲۵۴؛ ج۲، ص۱۸؛ محاسن اصفهان، ص ۳۰.

از او نقل حدیث می کند.(۱)

احمد

ابوالعلاء احمد بن محمّد بن فضل محدّث از محدّثین اصـفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. در جامع اصفهان حدیث می گفته، و از ابوحاتم رازی نقل حدیث نموده است. ابوالفضل محمّد بن طاهر مقدسی از او روایت می کند.(۲)

احمد

احمد بن محمّد بن فضل بن خصیب، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.(۳)

احمد جبان

ابوعلی احمـد بن محمّـد بن فیروزان جَبّان، از محـدّثین اصـفهان در قرن چهارم هجری است. وی از عبداللّه بن محمّد بن یحیی بن ابی بُکیر روایت می کند، و ابوبکر محمّد بن ابراهیم بن علی ازدی نقل حدیث می نماید.(۴)

احمد کوفی

ابـوبکر احمـد بن محمّـد بن کـوفی بن نَمراذ، از محـدّثین اصـفهان در قرن چهـارم هجری است. از ابراهیم بن نـائله، محمّـد بن ابراهیم بن شبیب و دیگران روایت نموده است. وفات او قبل از سال ۳۵۰ق اتّفاق افتاده است.(۵)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن محمّد اصفهانی، واعظ معتزلی متوفّی به سال ۴۲۲ق.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- لغت نامه دهخدا.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۹.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۸؛ الانساب، ج ۵، ص ۱۰۹.

احمد اصفهانی

شیخ شهاب الدّین احمد بن شمس الدّین محمّد بن محمود بن علی، عالم و مفتی، برادر شیخِ خانقاهِ علیّ بن سهل، شیخ قطب الدّین حسین بوده، و در قرن هفتم هجری زندگی می کرده است.(۱)

احمد ابهری

احمد بن محمّد بن مرزبان ابهری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و از اهالی «ابهرِ» جیِ اصفهان است، ابوسکر احمد بن حسن بن فادار ابهری از او روایت می کند، و خود او از ابوجعفر محمّد بن ابراهیم خروری نقل حدیث می نماید. [علاوه بر حدیث، در ادب نیز مهارتی بسزا داشته، و در سال ۳۹۳ق وفات یافته است(۲)].

احمد واذاری

ابوعلی احمد بن محّمد بن مَسقَله بن سلم بن عبداللّه بن مستورد تیمی، از تیم رباب.

از محدّثین قرن چهارم هجری است.

از احمد بن یحیی بن مالک سوسی و محدّثین عراق و حجاز روایت می کند، و عبداللّه پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی از او نقل حدیث می کند. ابوعلی واذاری در سال ۳۰۶ق وفات یافته است.(۳) [مرحوم استاد مهدوی «واذار» را همان «باغات» می داند که حوالی محلّه خواجوی امروزی است؛ ولی از معمّرین و کشاورزان قدیمی حوالی خیابان بزرگمهر اصفهان شنیدم که اراضی ابتدای خیابان ۲۲ بهمن، واقع در ضلع شرقی خیابان بزرگمهر، در قدیم به صحرا «واذار» معروف بوده است].

۱- مقالات الحنفاء، ص۱۵.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۶، ص۵۵۵؛ خورشید جی، ص۴۲۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۸.

احمد کرانی

ابوالحسن احمد بن محمّد بن موسی بن بحر کرانی معروف به «ادیب» از محدّثین اصفهان است. در محلّه «کران» اصفهان ساکن بوده [است]، و از عبداللّه بن محمّد بن عبّاس سهمی روایت می کند.(۱)

احمد خزاعی اسپید دشتی

ابوحامد احمد بن محمّد بن موسی بن صبّاح خزاعی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. اهل «اسبید بشت» [اسفید دشت] اصفهان بوده، از عبداللّه بن هاشم طوسی ابن ابی بَزَّه، احمد بن مدبل و ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم حدیث شنیده [است]. در سال ۲۹۷ق وفات یافت.(۲)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن موسی بن یحیی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.(۳)

احمد زُزی اصفهانی

ابوالفتح احمد بن محمّد بن موسی زُزی اصفهانی واعظ، واعظی خوش بیان و از اهالی اصفهان است، و از معاصرین ابوسعد سمعانی مؤلّف التّحبیر می باشد.(۴)

احمد سمسار

ابوبکر احمد بن محمّد بن موسی سمسار، از محدّثین اصفهان در اواخر قرن سوم هجری است. وی از عمر بن ابراهیم و محمّد بن عبّاس بن ایّوب روایت می کند، و حسین

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۹؛ معجم البلدان، ج۱، ص ۱۸۰؛ اللّباب، ج۱، ص۵۶.

۳- میزان الاعتدال، ج۱، ص۷۴.

۴- معجم البلدان، ج۱، ص ۱۴۰.

بن علیّ بن احمد اُسواری از او نقل حدیث می نماید.(۱)

احمد

احمد بن محمّد بن مهران، از محدّثین اصفهان است. ابوبکر بن عبدالوهاب مقری از او روایت می کند.(۲)

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن نصر اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از زید بن بندار بن زید نُخانی اصفهانی روایت می کند.(۳)

احمد مدینی

ابوالحسن احمد بن محمّد بن نصیر بن عبداللّه بن ابان مدینی جُشنَسی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۲۵۶ق متولّد شده، و از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان است. از احمد بن عصام، اسید بن عاصم و احمد بن مهدی روایت می کند. محمّد بن ابراهیم از او نقل حدیث کرده است. وی سرانجام در سال ۳۴۴ق در سنّ ۸۸ سالگی وفات یافت.(۴)

احمد رنانی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن هاله رُنانی اصفهانی، از محدّثین و مقریان قرن پنجم هجری، اصلاً از قریه «رُنان = رِهنان» ماربین اصفهان است. قرآن را نزد ابی علی حدّاد و العزّ واسطی آموخته، و جمعی کثیر در خدمتش قرآن آموخته اند. او حدیث را از حافظ اسماعیل بن محمّد بن فضل اصفهانی فراگرفته، و در بازگشت از مکّه در حلّه مزیدیّه به

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان ، ج ۱ ، ص ۱۴۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۶۸.

۴- معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۷۵.

سال ۵۳۵ وفات یافته است.(۱)

احمد تمیمی

ابوبکر احمد بن محمّد بن یحیی بن خالد تمیمی، از محدّثین اصفهان است. وی از احمد بن عمرو زنبقی روایت می نماید. حافظ ابونُعیم اصفهانی از او روایت می کند.(۲)

احمد قصار

ابوعبداللّه احمد بن محمّد بن یحیی قصار، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی از صالح بن احمد بن حنبل، اُسید بن عاصم، احمد بن مهدی، ابن ابی عاصم و اخرم روایت می کند، و حافظ ابونُعیم اصفهانی از وی روایت می نماید. او در سال ۲۵۲ق متولّد [شده]، و در سال ۳۴۹ وفات یافته است.(۳)

احمد خزاز

ابوبکر احمد بن محمّد بن یعقوب بن مهران بن انس، از محدّثین قرن سوم هجری است. از محمّد بن ولید بشری و جز او روایت می کند. سلیمان بن احمد و محمّد بن جعفر بن یوسف از او روایت می نمایند.

وی در سال ۳۰۴ق وفات یافته است.(۴)] پدرش محمّد بن یعقوب ساکن محلّه باب دشت بوده، و ظاهراً احمد هم در این محل زندگی می کرده است].

احمد اصفهانی

احمد بن محمّد بن یوسف اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و ابوجعفر محمّد بن

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۷۳؛ اللّباب، ج۲، ص۳۸؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۴۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۷۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۱؛ طبقات المحدّثین، ج۴، ص۲۱۹.

محمّد بن احمد مقری خواهرزاده او است.(۱)

احمد اصفهانی

ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن یوسف بن فروه اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابوالفرج عمران بن حسن بن یوسف ختلی (متوفّی ۴۰۰ق) روایت نموده است.(۲)

احمد فزاری

احمد بن محمّد بن یوسف [یا یونس] بن مَسعَده اصفهانی فزاری، از محدّثین اصفهان است. وی از محمّد بن ایّوب رازی روایت می کند، و محمّد بن عبداللّه بن حسین دقاق از او نقل حدیث می نماید. فزاری در بغداد ساکن بوده است.(۳)

احمد مذکّر

ابوبکر احمد بن محمّد بن یوسف بن معدان بناء مذکّر از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی در سال ۲۷۱ق وارد عراق گردید، و از محدّثین حجاز و عراق حدیث روایت نموده است. او از یوسف بن یعقوب نجاحی، ابن ابی مَسَّره، صائغ، علیّ بن داوود قنطری، ابی قلابه عبدالملک بن محمّد، حسن بن مکرم، احمد بن یونس، احمد بن عصام، احمد بن یحیی مُکتِب، منذر بن محمّد و ابن اشکیب روایت می کند، و خواهرزاده اش عبداللّه بن احمد (پدر حافظ ابونُعیم اصفهانی) از او نقل حدیث می نماید.(۴)

احمد ثوری

ابومسلم احمد بن محمّد معروف به «ثوری»، ادیب فقیه، از محدّثین قرن چهارم هجری. وی از ابوبکر بن ابی عاصم روایت می کند، و پدر حافظ ابونُعیم (عبداللّه) از او نقل

۱- تبیین کذب المفتری، ص۳۹۱.

۲- معجم البلدان، ج۱، ص۴۰۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۶؛ احقاق الحق، ج۱۵، ص۵۱۴.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۳۳.

حدیث می نماید.(۱)

سیّداحمد قهپایی

ابوالقاسم احمد بن محمّد حسنی حسینی قهپایی اصفهانی عالم فاضل محقّق، در اصفهان نزد حاج محمّدابراهیم کلباسی و حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی تحصیل نموده، و تا سال ۱۲۵۹ق در قید حیات بوده است. این کتاب ها از او است: ۱. الارشاد فی احوال الصّاحب الکافی اسماعیل بن عبّاد، به عربی، که در سال ۱۳۱۲ خورشیدی به همّت سیّدجلال الدّین تهرانی همراه با محاسن اصفهان به طبع رسیده است(۲)، و نسخه های خطّی آن نیز موجود است، ازجمله نسخه ای در کتابخانه آقامیرزا محمّدرضا الهی شهرکی ۲. تحف العقول فی توضیح قوانین الاصول که نسخه آن در کتابخانه علاّمه مفضال، حاج سیّدمحمّدعلی روضاتی در اصفهان می باشد. (۳) ۳. فهرس ابواب الکتب الاربعه که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم [و نسخه دیگر در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم] موجود است.(۴)

میرزا احمد مدرّس

آقامیرزا احمد مدّرس فرزند سیّدمحمّدحسینی خراسانی عالم فاضل، محقّق مدقّق، جامع معقول و منقول، از اجلّه فقهاء و مدرّسین اصفهان است. وی در ۲۹ ذی قعده سال ۱۲۸۱ق متولّد شد. تحصیلات خویش را در اصفهان در خدمت مرحوم آقامیرزا ابوالمعالی کلباسی، حاج سیّدمهدی نحوی، آقامیرزا محمّدحسن نجفی، حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی و دیگران به پایان رسانید، و پس از نیل به اجتهاد، به نجف اشرف مهاجرت فرمود، و دوسالی آن جا بود. مجدّداً به اصفهان آمد، و در مدرسه نیماورد ساکن شد، و به تدریس فقه و اصول اشتغال جست، و در مسجد مجاور آن، امامت نمود. جمعی کثیر از فضلاء، در محضر او حاضر می شدند، و استفاده علمی می کردند.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۴۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۲۰۶؛ بیان المفاخر، ج ۲، صص۲۶۳ ۲۶۴.

۳- الکرام البرره، ج ۱، ص۱۰۹.

۴- فهرست مرعشی، ج ۸، ص ۲۸۰؛ فهرست احیاء، ج ۶، صص۳۵ ۳۶.

سرانجام در شنبه ۱۲ ذی القعده الحرام ۱۳۴۸ق وفات یافت، و در منزل خود مدفون شد. سپس به نجف اشرف نقل گردید، و در آن ارض اقدس مدفون شد. میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ وفات او گفته است:

بنوشت جابری پی فوتش که «جدّ او معراج احمدیش برد از براق علم»

۱۳۴۸ق(۱)

احمد خوانساری اصفهانی

احمد بن حاج ملّامحمّد خوانساری اصفهانی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای است از تذکره محمّدشاهی تألیف بهمن میرزا فرزند عبّاس میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار است که آن را در سال ۱۲۵۸ به خطّ نستعلیق خوش نوشته است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

احمد خوزانی

احمد بن محمّد خوزانی، شاعر ادیب دانشمند، از قریه «خوزان» ماربین اصفهان بوده. در حدیث و ادبیّات مهارت داشته، و به عربی شعر می سروده، ابورجاء هبه اللّه بن محمّد بن علی شیرازی از او حدیث نقل می کند. این شعر از او است:

خُذ فِی الشّبابِ مِنش الهوی بنصیب إِنَّ المشیب إِلَیْهِ غیْر حَبیب

وَدَع اَغترارَکَ بِالْخضاب وَ عاره فالشّیب احْسَن مِنْ سَواد خضیب(۳)

احمد کلّایی

احمد بن محمّد کلّایی، از محدّثین اصفهان است.(۴)

شیخ احمد لاهیجانی

شیخ جمال الدّین احمد بن محمّد لاهیجانی اصفهانی، عالم فاضل، در قرن یازدهم هجری می زیسته، و از شاگردان شیخ بهایی است. وی کتاب الفرائد الشّمسیه فی شرح فوائد الصّمدیه را تألیف نموده که شرح کتاب استادش شیخ بهایی است، و این کتاب را به نام پسرش شمس الدّین محمّد در ۱۶ ربیع الاوّل ۱۰۴۵ق نامیده است. نسخه آن در کتابخانه علّامه دهخدا در تهران موجود بوده است.(۵)

میرزا احمد نیریزی*

میرزا احمد بن شمس الدّین محمّد نیریزی، از اعاظم خوشنویسان ایران است. وی در نسخ و ثلث، استاد مسلّم بود. از زادگاه

خود به اصفهان آمد، و به کتابت مشغول شد. نزد شاه سلطان حسین صفوی احترام و اعتبار داشت، و بسیاری از نُسخ قرآن و ادعیه را برای وی نوشت.

استادش در خطّ نسخ، آقا ابراهیم قمی بود؛ ولی خود، سبک تازه ای در خطّ نسخ به وجود آورد. میرزا احمد، عمر خود را به تحریر قرآن و ادعیه و صحایف، صرف نموده، به زیارت مکّه و مشهد و عتبات عالیات نیز رفته است. مردی قانع و سنجیده طبع و پسندیده خصال بوده، و تا سال ۱۱۷۷ در قید حیات بوده، و محلّ دفن او معلوم نیست.(۶)

سیّداحمد هاشمی خوانساری

سیّداحمد هاشمی خوانساری فرزند سیّدمحمّد خیّاط، فاضل ارجمند متوفّی به سال ۱۳۴۸ق، مدفون در تکیه آقا سیّدمحمّد ترک در تخت فولاد اصفهان. افسر خونساری در رثاء و مادّه تاریخ او اشعاری گفته که بر سنگ قبرش نوشته اند:

هرکه اندر سایه شرح محمّد جاگرفت جایگاهی بر فراز عالم بالا گرفت

سال فوتش افسر خوانسار پرسید از خرد از سماء معرفت این پاسخ زیبا گرفت:

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۲؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۳۰۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۴۸ ۲۴۹.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۵۴.

۳- معجم البلدان، ج۲، ص۴۰۴؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۲۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۱۶ ۱۱۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۳.

۵- نسخه های خطّی، ج۳، ص۴۰۱؛ الذّریعه، ج۱۶، ص۱۳۸.

۶- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص۱۰۲۹ و ۱۰۴۱؛ کارنامه بزرگان ایران، صص۲۶۸ ۲۶۹؛ پیدایش خطّ و خطّاطان، صص۹۰ ۹۲؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص۱۷۳ ۱۷۶.

هاتفی از غیب گفتا همزه ها کم کن بگو: «احمد اندر مأمن الطاف ما مأوا گرفت»

احمد

ابوالفضل احمد بن محمّد بن شهمردان، از ادبای اصفهان است. مافرّوخی در محاسن اصفهان او را در ردیف دانشمندان صرف و نحو و لغت و انشاء، و متقدّم بر عصر خویش ذکر کرده است.(۱)

احمد وذنکابادی

ابوالعبّاس احمد بن محمود بن صُبیح بن سهل بن ابراهیم مدینی ثقفی وذنکابادی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری است. وی از عبداللّه بن عمر، ابی مسعود، احمد بن سعید بن جریر و حجّاج بن یوسف بن قتیبه همدانی روایت می کند، و ابوبکر محمّد بن جعفر بن یوسف و سلیمان بن احمد از او نقل حدیث کرده اند. وی محدّثی صاحب اصول و ثقه بوده، و در «وذنکاباد» در حومه مدینه (شهرستان) اصفهان سکونت داشت. وفات او در سال ۳۱۰ق اتّفاق افتاد.(۲)

احمد

ابوالفضل احمد بن محمود بن ونکروذه، از ادبای و شعرای اصفهان است. وی به فارسی شعر می سروده، و مافرّوخی او را در ردیف شعرای پارسی گوی متقدّم، ذکر نموده است.(۳)

احمد ثقفی

ابوطاهر احمد بن محمود ثقفی اصفهانی مؤدّب، از محدّثین قرن پنجم هجری است.

۱- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۹؛ احقاق الحق، ج۱۵، ص۲۶.

۳- محاسن اصفهان، ص۳۳.

ابوبکر عبدالغفّار بن محمّد شیروی جنابذی (۴۱۴ ۵۱۰ق) در اصفهان از وی حدیث شنیده است. هم چنین نوه دختری او ابوالمطهّر عبدالمنعم بن ابی احمد نصر حرّانی اصفهانی از او نقل حدیث کرده است. وی در سال ۴۵۵ق وفات یافت.(۱)

احمد قصّار

احمد بن مخلد بن یحیی قصّار، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی ساکن محلّه یهودیّه اصفهان بوده، و از محمّد بن بکیر حضرمی روایت نموده است. قاسم بن عبداللّه بن محمّد ورّاق مدینی از او نقل حدیث می کند.(۲)

سیّداحمد حسینی شیرازی

احمد بن سیّدمرتضی حسینی شیرازی، عالم فاضل، متوفّی به سال ۱۱۲۶ و مدفون در تکیه آقا رضی در تخت فولاد.(۳)

احمد بلخی

احمد بن مسرور بلخی، در سال ۳۰۴ق پس از علیّ بن وهسودان دیلمی متقلّد ولایت اصفهان گردید.(۴)

نظام الدّین احمد «شرمی» قزوینی*

نظام الدّین احمد قزوینی متخلّص به «شرمی» فرزند مولانا مشقی شاعر ادیب، در قزوین به خیّاطی مشغول بوده، سپس به سیاحت پرداخته، آخرالامر در اصفهان ساکن شده تا سال ۱۰۳۸ که برای جلوس شاه صفی، مادّه تاریخ گفته، در قید حیات بوده است. سال ها

۱- التّحبیر، ج۱، ص۴۶۶؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۷۷؛ معجم البلدان، ج۲، ص۲۳۶؛ اللّباب، ج۱، ص۳۵۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۱۰۳ و ۱۱۵.

۳- رجال اصفهان، ص۱۹۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۸.

۴- مجمل فصیحی، ج۲، ص۲۲.

نزد شاه عبّاس، اعتبار و احترام داشته، و این شاه را مدح کرده است. علاوه بر دیوان اشعار، ساقی نامه ای نیز از او باقی است. این بیت از او است:

تازه می سازم به ناخن باز داغ خویش را آب و رنگی می دهم گل های باغ خویش را(۱)

شیخ احمد فیّاض

حاج شیخ احمد فیّاض فروشانی سدهی فرزند ملّامصطفی بن ملّامحسن، از علماء و مدرّسین عالی قدر اصفهان در ۱۷ ذی قعده ۱۳۲۴ق در سِدِه [همایون شهر = خمینی شهر فعلی [متولّد شد. مقدّمات علوم را نزد پدر و آقا سیّدمصطفی سدهی آموخت؛ سپس در اصفهان نزد حاج میرزا ابوالهدی کلباسی، آقامیرزا احمد مدرّس، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای، حاج میرزا جمال الدّین کلباسی، حاج ملّاحسن دولت آبادی، آقا شیخ محمّدرضا مسجدشاهی، حاج میرمحمّدصادق مدرّس خاتون آبادی، حاج میرزا علی آقا شیرازی، آقا شیخ علی مدرّس یزدی، حاج میرسیّدعلی مجتهد نجف آبادی، ملّامحمّدعلی عالم حبیب آبادی، آقا شیخ محمّد حکیم خراسانی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی و آقا سیّدمهدی درچه ای تحصیل نمود، و از برخی از آنان موفّق به اخذ اجازه روایت و یا اجتهاد گردید. سپس به نجف اشرف عزیمت نمود، و در محضر شریف آیات عظام و علمای اعلام، آقا سیّد جمال الدّین گلپایگانی، آقا سیّدعبدالهادی شیرازی، حاج سیّدعلی بهبهانی، آقا شیخ محمّدکاظم شیرازی و حاج سیّدمحسن حکیم به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، و از آقا سیّدجمال الدّین گلپایگانی، آقا سیّدعبدالهادی شیرازی، حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، حاج میرزا احمد آشتیانی، آقا سیّداحمد جزائری معروف به سیّدآقا و آقا سیّدابوالحسن اصفهانی اجازه روایت و یا اجتهاد دریافت نمود. ایشان پس از بازگشت به اصفهان، به تدریس در مدرسه صدر بازار و اقامه نماز جماعت در مدرسه صدر خواجو پرداخت. ایشان عالمی متین و منظّم و موقّر و مؤدّب به آداب و اخلاق اسلامی بود. عموم طبقات بالاخص علماء و

۱- تذکره میخانه، صص ۸۹۲ ۸۹۴؛ آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص ۱۱۸۷ ۱۱۸۹؛ تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۳۷۱.

طلّاب و مقدّسین به او ارادت داشته، و خدمتش را مغتنم می شمردند. ایشان اوّل ذی قعده سال ۱۴۰۷ق در منزل مسکونی خود در محلّه خواجوی اصفهان وفات یافت، و جنازه در مراسمی آبرومند، تشییع [شد]، و در جوار مسجد ملّاحیدرعلی در سده [خمینی شهر] مدفون گردید. مرحوم فیّاض، تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود را مرقوم فرموده؛ امّا مرتّب نشده، و غیر مدوّن است. رساله شروط ضمن العقد از تقریرات آقاسیّدمحمّد نجف آبادی مدوّن و تنظیم گردیده است. گاهی شعری می سروده، و این شعر از او است:

خوبان سزد که دور تو گردند جملگی پروانه وار زان که تو شمع میانه ای(۱)

احمد عنبری

ابوجعفر احمد بن معاویه بن هذیل عنبری از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از ابراهیم بن ایّوب فرسانی، محمّد بن زیاد و حسین بن حفص روایت می کند، و علیّ بن رستم اصفهانی، محمّد بن یحیی بن معاویه و حسین بن عُضیر از او نقل حدیث می کنند. وی برادر ابومعاویه هذیل بن معاویه بن هذیل است. برادرش در سال ۲۶۰ق وفات یافته، و احمد پس از او مرده است.(۲)

احمد مؤدّب خوراسکانی

ابوجعفر احمد بن مفضّل مؤدّب خوراسکانی اصفهانی، از محدّثین اوایل قرن سوم هجری است. اهل «خوراسکان» جی اصفهان بوده [است]. از حبّان بن بشر روایت می کند. ابوبکر محمّد بن ابراهیم مقری اصفهانی از او حدیث، روایت کرده است.(۳)

۱- گنجینه دانشمندان، ج۸، ص۲۲۸؛ علوم و عقاید، ص۶۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص۲۸۵ ۲۸۷؛ مجلّه حوزه، شماره ۱۸، دی ماه ۱۳۶۵؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص۱۷۶ ۱۷۹ و ۳۵۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۴؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۶.

۳- معجم البلدان، ج۲، ص۳۵۴؛ اللّباب، ج۱، ص۴۳۹؛ خورشید جی، ص۲۹۳.

احمد ویذآبادی

ابوالعبّاس احمد بن منصور بن محمّد بن صالح ویذآبادی اصفهانی از محدّثین محلّه ویذآباد (محلّه بیدآباد امروز) اصفهان بوده، و همچون برادرش جابر از دانشمندان علم حدیث است.(۱)

احمد خطمی انصاری

احمد بن موسی بن اسحاق خطمی انصاری، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی در سال ۳۱۸ق به اصفهان آمده، و چندی متصدّی امر قضاء در این شهر بوده است. وی از موسی بن اسحاق قوّاس، عبّاس دوری و احمد بن محمّد بن الاصفر روایت می کند.(۲)

دکتر سیّداحمد احمدی*

دکتر سیّداحمد احمدی فرزند سیّدموسی احمدی علون آبادی، استاد دانشگاه و محقّق ارجمند، در سال ۱۳۲۲ش در اصفهان متولّد شد، و به تحصیل در حوزه علمیّه اصفهان نزد حاج آقا حسن امامی، شیخ احمد فیّاض، حاج سیّدمصطفی بهشتی و حاج سیّدمحمّدجواد غروی به تحصیل پرداخت. سپس به تحصیل در مدارس جدید روی آورد، و به دانشگاه تهران رفت، و فوق لیسانس روانشناسی دریافت کرد. ایشان در کشور آمریکا دکترای روان شناسی دریافت نمود، و سال ها است که در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول است. از تألیفات و آثار ایشان: ۱. دستور زبان عربی ۲. مقدّمه ای بر مشاوره و روان درمانی ۳. اصول و روش های تربیت در اسلام ۴. روان شناسی نوجوانان و جوانان به چاپ رسیده است.

احمد رقام

احمد بن موسی تمیمی معروف به رقام، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از محدّثان مورد وثوق بوده است. از بکر بن بکار و محمّد بن عاصم روایت می کند. ابوبکر

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۳۰.

بن الجارود و عبداللّه بن محمّد بن اسحاق از او نقل حدیث نموده اند.(۱)

احمد اصفهانی

احمد بن مهدی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. وی از ثابت بن محمّد شیبانی کوفی (متوفّی به سال ۱۱۵ق) روایت می کند.(۲)

احمد مدینی

حافظ ابوجعفر احمد بن مهدی بن رستم مدینی اصفهانی از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او دانشمندی ثروتمند و صاحب ضیاع و عِقار فراوان بوده، و در عهد خویش کسی چون او موثّق در نقل حدیث نبود. گویند چهل سال رخت خواب نگسترد. وی در شوّال (یا دهم رمضان) سال ۲۷۲ق وفات یافت. کتاب المسند فی الحدیث از تألیفات او است. وی از ابی نعیم، ابی الیمان حکم بن نافع، حجّاج بن ابی منیع، سعد بن ابی مریم، عبداللّه بن صالح، قبیصه و نعیم بن حماد روایت می کند. ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن یوسف، ابوجعفر احمد بن جعفر بن معد و عبداللّه بن محمّد بن عیسی از او نقل حدیث می کنند.(۳)

احمد اصفهانی

میرزا احمد بن محمّدمهدی اصفهانی از فضلاء قرن ۱۳ هجری است. در سال ۱۲۵۷ کتابت نسخه ای از زادالمعاد علاّمه مجلسی را به خطّ نسخ به پایان رسانیده، نسخه به شماره ۳۴۷۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۸.

۲- میزان الاعتدال، ج۱، ص ۱۷۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۶؛ هدیه العارفین، ج۱، ص ۵۰؛ اللباب، ج۳، ص۱۸۵.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۴۷۹.

ملّااحمد شریف خاتون آبادی*

آخوند ملّااحمد بن محمّدمهدی شریف خاتون آبادی اصفهانی عالم فاضل منجّم ادیب، در اصفهان به تحصیل پرداخت، و در انواع علوم به ویژه نجوم مهارت یافت، سپس به شوشتر رفت، و به تدریس پرداخت(۱)، آن گاه عازم عتبات عالیات شد، و چندی در کربلا به سر بُرد. وی تا سال ۱۱۵۵ق در قید حیات بود(۲). او کتابی موسوم به معرفه التّقویم را به عربی و مفصّل تألیف نموده، و یک بار آن را به عربی در ده فصل، و بار دیگر به فارسی در هشت فصل مختصر نموده، و تدوین کرده است.(۳)

شیخ احمد زاهد نجفی*

حاج شیخ احمد زاهد نجفی فرزند مهدی بن عبدالحمید بن ملّامحسن بن ملّااسماعیل، عالم فاضل. از روحانیون عالی قدر معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۰۴ش (سلخ شعبان ۱۳۴۲ق) در اصفهان متولّد شد. تحصیلات حوزوی را در اصفهان نزد سیّدنوراللّه قاضی عسکر و شیخ محمّدتقی قمشه ای آغاز کرد. سپس به نجف اشرف عزیمت نمود، و در درس علمای اعلام و فضلای کرام، شیخ محمّدعلی مدرّس افغانی، میرزا علی آقا فلسفی، سیّداسداللّه مدنی و شیخ محمّدتقی آل راضی حضور یافت، و کسب فیض کرد. آن گاه در درس خارج آیات عظام، خویی، حکیم، شاهرودی، امام خمینی، و درس خارج فقه حسین حمامی حاضر شد. در این سال ها ایشان در کنار تحصیل، به تدریس شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایتین برای طلّاب و فضلای نجف مشغول بود. در سال ۱۳۹۵ق پس از تیره شدن روابط دولت های عراق و ایران، از سوی دولت عراق، به همراه سایر ایرانیان مقیم عراق، از آن کشور مهاجرت کرد، و به زادگاه خود اصفهان بازگشت. او در این شهر به تدریس، اقامه نماز جماعت در مساجد، پاسخ گویی به سؤالات شرعی مردم، و ارشاد آنان اهتمام ورزید. در مبارزات مردم اصفهان در جریان انقلاب اسلامی، نظیر تظاهرات و تحصّن و امضای اعلامیّه های اعتراض آمیز شرکت داشت، و پس از پیروزی انقلاب، و در جریان جنگ ایران و عراق، در جبهه حضور یافت، و فرزند ۱۹ ساله اش هادی در جبهه های نبرد، به شهادت رسید.(۴)

۱- تذکره شوشتر، ص۱۳۹.

۲- الذّریعه، ج۲۵، ص۱۴۵.

۳- الذّریعه، ج۲۱، ص۲۵۰.

۴- نقل از یادداشت های فرزند صاحب عنوان، فاضل ارجمند جناب آقای حاج شیخ محمّد زاهد نجفی.

احمد اصفهانی

ابوجعفر احمد بن مهران بن خالد اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از اسماعیل بن عمرو بجلی و خالد بن مخلد و حسن بن قتیبه حدیث نقل کرد، و سعید بن یعقوب از او روایت می کند. وی فقط جهت نماز از منزل بیرون می آمده، و در سال ۲۸۴ق در یزد وفات یافته است.(۱)

سیّداحمد دیباجی*

حاج سیّداحمد بن سیّدنصراللّه بن سیّداحمد دیباجی سدهی، عالم فاضل، در سال ۱۳۵۳ق در سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد [شد]، و در قم و نجف اشرف تحصیلات خویش را به پایان رسانید، و در تهران به اقامه جماعت پرداخت. سرانجام در سال ۱۳۹۹ق (فروردین ۱۳۵۸ش) در تهران به دست مخالفین، ترور و شهید گردید.

ایشان از شاگردان آیات عظام، حکیم، شاهرودی و خویی بوده، و از جمعی از اساتید خود، اجازه روایت اخذ نموده است. کتب زیر از او است: ۱. تقریرات در اصول ۲. تقریرات در فقه ۳. مختصر المنطق ۴. تفسیر القرآن ۵. کشکول ۶. تبویب الذّریعه.(۲)

احمد مدینی

ابوالنّعمان احمد بن نضر بن هشام مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از پدرش نضر روایت می کند، و ابوبکر محمّد بن عبدالرّحمان بن فضل مدینی از او نقل حدیث می نماید.(۳)

احمد نور شرق

احمد نور شرق فرزند شیخ نور اللّه، از آثار او است: ترجمه جنگ و صلح نوشته لئو

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۵؛ معجم البلدان، ج۱.

۲- خمینی شهر، صص۱۶۲ ۱۶۳؛ گنجینه دانشمندان، ج۴، ص۴۵۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۴۱.

تولستوی.

احمد قاضی

ابوعلی احمد بن وزیر بن بسّام قاضـی، از محدّثین قرن سوم هجری است. او اوّلین شخصـی است که در زمان متوکّل به منصب قضاوت اصـفهان رسـید، به این خاطر که ابن دؤاد، تمام قاضـیان شهرها را مدّت ده و اند سال از قضاوت عزل کرد، و اصحاب مظالم را بر مردم مسـلّط گردانیـد. ابوعلی قاضـی از جعفر بن عون، ابی عامر، ابی دؤاد و ابی عاصم روایت می کند. یعقوب بن اسماعیل بن شبید از او حدیث نقل نموده است. وی در سال ۲۷۸ق وفات یافت.(۱)

میرزا احمد دولت آبادی

آقـامیرزا احمـد بن حاج میرزا هادی حسـینی دولت آبادی از رؤسای علماء اصـفهان. در قبل از طلوع آفتاب روز چهارشـنبه ۱۱ ذی قعده ۱۲۷۷ متولّد [شد]، و در سال ۱۳۴۷ق وفات یافت، و در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.

مشارٌالیه در حسن معاشرت و اخلاق، ممتاز بود. در اواخر عمر، به مرض جنون مبتلا شد، و در حال مرض فوت کرد.(۲)

سیّداحمد خاتون آبادی

سیّداحمد بن میرمحمّدهادی خاتون آبادی اصـفهانی، از علماء و فضـلاء قرن دوازدهم هجری. از آثار او کتابت نسخه ای است از کتـاب کافی که آن را در شب سه شـنبه ۶ ذی القعـده سال ۱۱۲۰ق به خطّ نسـخ به پایان رسانیده است. نسـخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

شیخ احمد جوهری

(حاج شـیخ احمـد جوهری، واعظ شـهیر و خطیب فصـیح، از اعقاب میرزا محمد ابراهیم جوهری صاحب طوفان البکاء. بیش از صـد سال زنـدگانی نمود و افتخار روضه خوانی داشت. وی در غره شـعبان ۱۳۶۳ق وفات نمود و در تکیه سـیدالعراقین مدفون گردید. سغیر اصفهانی برایش مرثیه ای سروده که بر سنگ مزارش حک شده است)(۴)

شیخ احمد جنّتی

حاج شـیخ احمد جنّتی، فرزند حاج ملّاهاشم، در ۳ اسفند ۱۳۰۵ش در محلّه لادان اصـفهان متولّد شد. وی در اصفهان نزد پدر بزرگوارش و سـیّدابوالقاسم هرنـدی، سـیّدمحمّد هاشـمی، حاج میرزا محمود معین، حاج شـیخ علی مشـکاتی، شـیخ حیدرعلی صلواتی، حاج آقا روح اللّه امامی، حاج سیّدمحمّدباقر ابطحی و حاج شیخ احمد فیّاض به تحصیل پرداخت. سپس برای تکمیل آن، راهی قم شد، و در آن جا نزد شـهید شـیخ محمّد صدوقی، حاج میرزا عبدالکریم تهرانی، حاج سیّدرضا بهاء الدّینی، حاج سیّدمحمّدباقر سـلطانی، حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، حاج شیخ حسینعلی منتظری، حاج سیّدزین العابدین کاشانی و حاج آقا

روح اللّه کمالونـد تحصـیل را در مرحله سـطح ادامه داد؛ سـپس در درس خـارج آیات عظام، بروجردی، امام خمینی، حجّت و گلپایگانی حضور یافت، و به اجتهاد نائل آمد.

او حـدود چهارده سال در مـدرسه حقّانی به تـدریس مشـغول بود. وی از طرفـداران نهضت امام خمینی بود، و به این خاطر، از سـوی رژیـم پهلـوی بارهـا دسـتگیر، زنـدانی و تبعیـد گردیـد. پس از پیروزی انقلاـب اسـلامی، مـدّتی به تصـدّی امر قضـا در خوزسـتان، اراک، اصـفهان و تهران پرداخت. سـپس از سوی امام خمینی به عنوان عضو شورای نگهبان منصوب شـد. از دیگر پست هـای ایشـان، امـامت جمعه در کرمانشـاه و اهواز، و امـام جمعه موقّت تهران و قم، ریاست سازمان تبلیغات اسـلامی، دبیر شورای هماهنگی تبلیغات اسـلامی، نمایندگی در سه دوره مجلس خبرگان، عضویّت در مجمع تشـخیص مصلحت نظام و غیره را می توان نام

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۸۲؛ الکامل، ج۷، ص۱۳۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۹۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۰، مقدّمه دیوان طرب، ص۲۰۷.

۳- فهرست رضوی، ج۵، ص۱۴۷.

۴- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

برد. از آثار ایشان: ۱. ترجمه اثبات الهُداه ۲. ترجمه ایقاظ الهجعه ۳. ترجمه تحف العقول(۱).

میرزا احمد شوری اصفهانی

میرزا احمد متخلّص به شوری، فرزند آقامحمّدهاشم زرگر اصفهانی، شاعر و ادیب خوشنویس، در اوایل قرن سیزدهم هجری، وی به همراه پدر به یزد مهاجرت کرد، و نزد پدر مشق خط نمود، و در خطّ نسخ مهارت یافت. چندی به وزارت امام قلی میرزا فرزند محمّد ولی میرزا قاجار مشغول بوده است. از آثار او کتابت قرآن مجید در سال ۱۲۳۰ق است که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. او تا سال ۱۲۵۵ق در قید حیات بوده است. این شعر از او است:

به من از این که سر خشم و کین دارد یقین که مهر و وفای مرا یقین دارد

همه به مرگ رقیب ار بود نمی خواهم زمانه خاطر شاد تو را غمین دارد(۲)

ملّااحمد مشکاه زفره ای

حاج ملّااحمد مشکاه زفره ای فرزند ملّاهاشم، واعظ معمّر صالح، در اصفهان ساکن بود، و سرانجام در یک شنبه ۶ ذی القعده ۱۴۰۲ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

احمد ضرّاب

ابونصر احمد بن هیذام ضرّاب، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از مسلم بن سعید اشعری و دیگران روایت نموده، و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث نموده است.(۴)چ

۱- خبرگان ملّت، ج۱، صص۱۴۹ ۱۵۹.

۲- مجمع الفصحاء، ج۵، ص۵۳۷؛ حدیقه الشّعرا، ج۲، صص۸۷۳ ۸۷۴؛ راهنمای گنجینه قرآن، ص۲۹۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۲۲.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۸۴ و ۸۶.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۵۳.

احمد جرواءانی

احمد بن یحیی بن حجّاج جرواءانی، از محدّثین اصفهان، قبل از قرن پنجم هجری است. وی از شاذکونی، سهل بن عثمان و عمرو بن علی نقل حدیث می کند، و حافظ ابونعیم با یک واسطه از او روایت می نماید.(۱)

احمد ثقفی

احمد بن یحیی بن حمزه بن زکریّا بن موسی بن مغیره ثقفی معروف به «بوشجه» یا «خشجه» از محدّثین اصفهان است. از حسین بن حفص و محمّد بن ابان عنبری روایت می کند. ابوعبداللّه احمد بن احمد بن حسن ثقفی مقری کسایی از او روایت می نماید. در سال ۳۸۱ یا ۳۸۲ وفات یافته است.(۲)

احمد شَلمابَق

احمد بن یحیی بن منذر بن ابراهیم بن عثمان بن مرّه سعدی ملقّب به «شَلمابق مکتب»، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری. از ابوداوود، مسلم بن ابراهیم، عبداللّه بن رجاء، حسین بن حفص و راویان بصره روایت نموده است. او در سال ۲۷۳ق فوت شده است.(۳)

احمد عسّال

ابوجعفر احمد بن یحیی بن نصر عسّال، از محدّثین قرن سوم هجری است. شیخ ثقه و جامع احادیث فراوان بوده، و از محدّثان عراق و ری نقل حدیث نموده است. او در ذی حجّه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۱۱۷؛ آثار ملّی اصفهان، ص۲۰۲؛ لسان المیزان، ج ۱، ص۳۵۴؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص۷۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۹۷؛ طبقات المحدّثین، ج ۳، ص۲۶۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص۸۷.

۲۸۶ق وفات نموده است.(۱)

احمد سنبلانی

ابوبکر احمد بن یحیی سُنبُلانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی به دمشق رفته، و از ابی عبدالرّحمان هارون بن سعید راعی و ابراهیم بن عیسی اصفهانی روایت نموده است. ابراهیم بن عبدالرّحمان بن عبدالملک بن مروان از او روایت می کند.(۲) سنبلان از محلّه های اصفهان است که اکنون آن را «سنبلستان» می خوانند.

احمد قطان

ابوجعفر احمد بن یزید قطّان، از محدّثین قرن سوم هجری است. کثیر الرّوایه بوده، و از ابی داوود، قتیبه بن مهران و حسن بن واصل (ابن مهیار) روایت نموده، و اسماعیل بن عبداللّه سمویه و جعفر بن احمد بن فارس از او نقل حدیث کرده اند.(۳)

احمد اصفهانی

ابوبکر احمد بن یعقوب بن ناصح اصفهانی، ادیب نحوی، در اصفهان خدمت ابن منده محمّد بن یحیی بن منده و دیگران تلمّذ نموده، پس از آن به نیشابور رفته، در آن جا ساکن گردیده، در بین سال های ۳۴۰ ۳۵۰ق وفات یافته است. حاکم نیشابوری در نیشابور از محضر او بهره گرفته است.(۴)

احمد برزویه

ابوجعفر احمد بن یعقوب بن یوسف نحوی اصفهانی معروف به «بَرزَویه» و «غلام نقطویه» از ادباء و محدّثین قرن چهارم هجری است. نحو را از فضل بن جناب و محمّد بن

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۰۲؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۶۳.

۲- معجم البلدان، ج۳، ص ۲۶۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۹۴.

۴- معجم الادباء، ج۵، ص۱۵۳؛ تاریخ نیشابور، ص۸۲.

عبّاس یزیـدی فراگرفت، وی از عمر بن ایّوب سـقطی روایت نموده، و ابوالحسن بن شاذان از او نقل حـدیث می نمایـد. برزویه در سال ۳۵۴ق وفات یافت. غلام در اصطلاح علمای رجال و درایه به معنی شاگرد تربیت شده است(۱).

[به احتمال زیاد، او همان احمد بن یعقوب اصفهانی از مشایخ روایت حسن بن احمد بن ابراهیم بن شاذان است].

احمد اصفهانی

ابوجعفر احمد بن یعقوب اصفهانی، از محدّثین شیعه اصفهان است. وی در نیمه اوّل قرن چهارم هجری می زیست. از احمد بن علی اصـفهانی و ابوجعفر احمد بن علویّه اصـفهانی روایت می کند. حسن بن احمد بن ابراهیم بن شاذان و احمد بن ابراهیم بن ابی رافع از او روایت می کنند.(۲)

شیخ احمد کرمانی

شیـخ احمـد بن محمّـد یوسف کرمـانی اصـفهانی، از فضـلاء و علمـاء و خـدمت گزاران به علم و روحـانیّت در قرن چهاردهم هجری. وی متصـدّی و بانی چاپ و انتشار چندین کتاب دینی ازجمله حاشـیه آخوند ملّامحمّدکاظم و شـرح نهج البلاغه میرزا محمّدباقر نوّاب لاهیجی، در سال ۱۳۱۷ق بوده است.

احمد اصفهانی

احمد بن یونس بن خُشنام اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

۱- راهنمای دانشوران، ج ۱، ص ۵۴؛ معجم الادباء، ج ۵، ص ۱۵۲؛ الوافی بالوفیات، ج ۸، ص ۲۷۵؛ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۲۴۶؛ روضـات الجنّات، ج ۱، ص ۲۱۲؛ نوابع الرّواه، ص ۶۰؛ الکنی و الالقـاب، ج ۲، ص ۷۷؛ اعیان الشّـیعه، ج ۶، ص ۷۱۵؛ لغت نـامه دهخدا، ذیل «احمد»، ص ۱۳۸۶؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران،، ص ۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۰۷.

۲- نوابغ الرّواه، ص ۶۰؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۳۰ و ج ۲، ص ۱۵۱؛ احقاق الحق، ج ۱۸، ص ۱۱۲.

در بغـداد ساکن بوده، و از احمد بن یونس ضبّی روایت نموده است. عمر بن محمّد بن سـری بن سـهل از او نقل حدیث کرده است.(۱)

احمد ضبّی

ابوالعبّاس احمـد بن یونس ضبّی اصـفهانی، از محـدّثین قرن سوم هجری است. از اهالی کوفه بود، به اصـفهان آمـد، و در سال ۲۶۸ق در این شهر وفات یافت.

از یعلی بن عبید، محمّد بن عبید، یعقوب زهری، ابوالجوّاب و محمّد بن عبدالصّمد بن جابر روایت نموده است.(۲)

شیخ احمد اهتمام

شیـخ احمـد اهتمـام رهنـانی، عـالم فاضل، ادیب محقّق در قریه رهنانِ ماربین اصـفهان [که اکنون محلّه ای از محلّات اصـفهان است] متولّـد شـد، [و در اصـفهان نزد جمعی از علمـاء بزرگـوار، همچون آقاسـیّدمحمّد نجف آبـادی، سـیّدعلی مجتهـد نجف آبادی، حاج میرزا رضا کلباسـی تحصـیل نمود. در کنار آن، در مدارس جدید نیز تحصیل نمود. وی گاهی شعر نیز می سرود. تألیفاتی نیز داشت که از آن جمله است: ۱. حاشیه بر اصول آیت اللّه نجفی ۲. رساله در قاعده لاضرر ۳. دوره فقه استدلالی در بیست و شش جلد ۴. رساله در منجزات مریض ۵. فلسفه احکام]. صاحب عنوان در ذی حجّه الحرام ۱۳۸۷ق وفات یافت، و در تکیه زرگرها واقع در تخت فولاد مدفون شد. این بیت از او است:

مژده ای دل که شب هجر سر آمد به وصال یار بی پرده به کف ساغر می مالامال(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۲۳؛ تاریخ بغداد، ج۵، صص۲۲۴ و ۴۴.

۲- میزان الاعتدال، ج۳، ص۹۴؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۲۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۸؛ خمینی شهر، صص۱۵۵ ۱۵۷.

سیّداحمد بحرانی

احمد بحرانی، از فضلاء و دانشمندان اصفهان در قرن یازدهم هجری و معاصر صاحب ریاض العلماء است.

صاحب ریاض می نویسد: مجموعه ای از کتاب های کهن در اصفهان دیده ام؛ ازجمله کتاب های سیّداحمد بحرانی، معاصر، که همگی به خطّ شیخ علیّ بن یونس بیاضی بود.(۱)

دکتر احمد برجیان

دکتر احمد برجیان، از اساتید دانشکده پزشکی در حدود سال ۱۳۴۳ق متولّد شد، و پس از طیّ تحصیلات ابتدایی و متوسّطه، به تحصیل در دانشکده پزشکی تهران پرداخت، و موفّق به اخذ دکترا گردید. وی پس از فعّالیت در بیمارستان های سینا در تهران و ثریّا در اصفهان، سرانجام به تدریس در دانشکده پزشکی اصفهان پرداخت.

دکتر احمد تفضّلی*

دکتر احمد تفضّلی، استاد دانشگاه و محقّق دانشمند در ۱۶ آذر ۱۳۱۶ش در اصفهان متولّد شد، تحصیلات ابتدایی و متوسّطه خود را در تهران به پایان رسانید، و در رشته ادبیّات فارسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. ابتدا لیسانس و سپس دکترای خود را دریافت نمود. علاوه بر آن، در دانشگاه لندن و دانشگاه پاریس نیز تحصیل نمود، و به اخذ دکتری در رشته فرهنگ و زبان های باستانی نائل آمد. وی سپس در بنیاد فرهنگ ایران به کار تحقیقاتی پرداخت، و در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. از سال ۱۳۷۰ش عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده، و سرانجام در ۲۴ دی ۱۳۷۵ش وفات یافت. این کتاب ها از تألیفات ایشان است(۲): ۱. اسطوره زندگی زرتشت ۲. یکی قطره باران ۳. تاریخ ادبیّات ایران پیش از اسلام ۴. زبان پهلوی: ادبیّات و دستور آن ۵. واژه نامه مینوی خرد، ۶. شهرهای ایران و هم چنین ترجمه آثاری همچون: ۱. شناخت اساطیر ایران ۲. مینوی خرد

۱- ریاض العلماء، ج۴، ص۲۵۶؛ الکواکب المنتشره، ص۲۶.

۲- به نقل از یادداشت های محمّدرضا زادهوش.

۳. نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایرانیان.

احمد جلّودی

احمد معروف به «جلّودی» از محدّثین اصفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف متقدّمین و از دانشمندان حدیث و کلام ذکر کرده است.(۱)

احمد حامدی اصفهانی

احمـد اصـفهانی متخلّص به «حامـدی» از فضـلاء و ادبای اصـفهان. وی رساله در معرفت تقویم را در چهار فصل و یک مقدّمه تألیف نموده، و ضمن مجموعه شماره ۷۳۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

احمد حسینی

احمد حسـینی، از خوشـنویسان زمان حکومت شاه سلطان حسین صفوی بوده، خطّ ثلث را در کمال استادی می نوشته، از آثار او کتیبه ایوان امام زاده احمد اصفهان به تاریخ ۱۱۱۵ق است.(۳)

میرزا احمد حکیم باشی

میرزا احمد حکیم باشـی، از دانشـمندان قرن سیزدهم هجری است. ظاهرا در تهران ساکن بوده، و علاوه بر طب، از ریاضیّات و هیأت و نجوم مطلع بوده است. وی به همراه فرهاد میرزا معتمدالـدّوله و میرزا علی محمّد محلّه نویی اصـفهانی در سال ۱۲۷۶ق به مراغه رفته، و به بررسی بقایای رصدخانه مراغه پرداخته است.(۴)

۱- محاسن اصفهان، ص ۳۱.

۲- فهرست مرعشی، ج ۲، ص ۳۳۳.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۷۱؛ تاریخ اصـفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۱۶۹؛ آثـار ملّی اصـفهان، ص ۷۴۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۱، ص ۵۱۷.

۴- احوال و آثار خواجه نصیرالدّین طوسی، ص ۳۲.

سیّداحمد خاتون آبادی

سیّداحمد اصفهانی خاتون آبادی، فاضل جلیل و عالم نبیل در اصفهان نزد میرمحمّدباقر خاتون آبادی و میرمحمّدصالح خاتون آبادی تحصیل نمود، و در مشهد مقدّس ساکن گردید، و به تدریس مشغول شد. با وجود تبحّر در فقه، و رسوخ ملکه اجتهاد، در افتاء، احتیاط می کرد. وی در سال ۱۱۴۱ق در مشهد مقدّس وفات یافت. از آثار او جواب اعتراضات بر حقّ الیقین علاّمه مجلسی است که در پاسخ به اعتراضات عدّه ای در هند، آن را نوشته است.(۱)

استاد احمد رائض*

استاد احمد رائض، استاد مینیاتور و تذهیب و از هنرمندان معاصر اصفهان، در سال ۱۳۴۷ قمری در اصفهان متولّد شد، و در این شهر نزد اساتید نقّاشی تحصیل کرد. وی سال ها در اداره باستان شناسی اصفهان و سپس سازمان میراث فرهنگی اصفهان به فعّالیت پرداخت. وی موضوع مینیاتورهای خود را از خمسه نظامی انتخاب می کرد. وی سرانجام در ۲۰ مرداد ۱۳۷۲ هجری شمسی وفات کرد.(۲)

احمد ریاحی چالشتری

احمد خان سالار مفخم ریاحی، در ۱۳۱۳ق متولّد شد، و مقدّمات را در چالشتر طی نمود، سپس به تهران رفت، و در کالج آمریکایی تحصیل کرد. وی عاقبت به چالشتر باز گشت، و به زراعت پرداخت. این بیت از او است:

نظر به جمع گرفتارهای بندت کن ببین پریش تر از گیسوی تو، حالت ماست(۳)

ملاّاحمد سبزواری

ملاّاحمد سبزواری اصفهانی، از علماء و فضلای قرن سیزدهم هجری است، در اصفهان ساکن بوده، و نزد میرسیّدحسن

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۶۰ ۶۱؛ نجوم السّماء، ص۲۶۶؛ مرآت الکتب، ج۱، ص۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۲۹.

۲- روزنامه سلام، مورّخ ۲۱ مرداد ۱۳۷۲، ص۱۵.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴.

مدرّس اصـفهانی تحصیل نموده است. شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی (شیخ الشّریعه) نزد سبزواری تلمّذ نموده، و از استاد خود مدح و ثنای بلیغ فرموده است.(۱)

میرزا احمد خان سرتیپ

میرزا احمد خان سـرتیپ، نویسـنده و مترجم دوره قاجاریّه. وی به زبان انگلیسـی آشنا بوده، و به امر ظلّ السّلطان چندین کتاب ترجمه کرده که نسـخه هـای آن در کتابخـانه عمومی اصـفهان موجود است: ۱. ترجمه تاریخ آسـیای وسـطی تألیف، فرنسیس هنری اسـکرین، سه فصل از جلد اوّل، و تمام جلد دوم ۲. ترجمه مقدّمه لواحق تاریخ رشـیدی تألیف میرزا محمّد حیدر بن رو غلات گورگـان فرزنـد محمّدحسـین میرزا، از زبـان انگلیسـی. مشـارٌالیه در تکیـه حـاج فاتـح الملک در تخت فولاـد مـدفون است.(۲)

احمد شریف اصفهانی

احمد شریف اصفهانی از فضلاء قرن ۱۳ هجری است. از آثارش کتابت جلد چهارم کتاب انوار البصائر تألیف حسن بن محمّد اسـت که آن را در ۱۲ ذی حجّه سـال ۱۲۲۷ به خطّ نسـخ به پایان رسانیـده است. کتاب به شـماره ۲۴۲۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

سیّداحمد طباطبایی اصفهانی

سیّداحمد طباطبایی، عالم فاضل، فقیه کامل، در اصـفهان ساکن بوده، و شـیخ عبدالنّبی قزوینی او را چنین سـتوده: «کان فاضـلًا مکرمـا و عالمـا مبجلاًـ و فقیهـا معظّمـا» و نوشـته که نزد اهـل علم، مقبول بود، و آنـان به فضل او اذعان داشـتند. در اواخر عهد صفویّه می زیست، و

۱- الکرام البرره، ج ۱، ص ۷۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۱؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۲۹.

۳- فهرست دانشگاه، ج ۱۶، ص ۴۱۱.

سال فوت او معلوم نیست(۱).

سیّداحمد طباطبایی

سیّداحمـد طباطبـایی، از اطبّـاء اصـفهان، مؤلّف کتاب نقرس و معالجات آن می باشـد. مؤلّف آن را جهت ظلّ السّـلطان تألیف نموده است. وی از پزشکان معروف اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان بوده است.(۲)

احمد عاصی اصفهانی*

احمد شـیران متخلّص به «عاصی» از شعرای معاصر است. در سال ۱۳۱۰ شمسی در اصفهان متولّد شد. وی کمی تحصیل کرد؛ امّا به علّت ناملایمات روزگار، از ادامه تحصیل بازماند، این بیت از او است:

گردد غزل سرا به سر کوی عشق دوست رندانه عاشقی که سحر قامتش خم است(۳)

میرزا احمد عاصی اصفهانی

میرزا احمد نقّاش اصـفهانی متخلّص به «عاصـی»، شاعر و ادیب بوده، و در قرن سیزدهم هجری می زیسته [است]. کتابی منظوم در مصائب معصومین علیهم السلام دارد، و آن را مصائب الائمّه نامیده است.(۴)

میرزا احمد خان فاتح الملک

حاج میرزا احمد خان فاتح الملک، از رجال دسـتگاه ظلّ السّلطان بوده است. در عهد مشروطیّت، به آزادی خواهان پیوست، و از اعضای انجمن ولایتی اصفهان شد. وی نماینده

۱- تتمیم امل الآمل، ص ۶۰؛ نجوم السّماء، ص۲۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۲۲۸؛ اعیان الشّیعه، ج۸، ص ۳۳۴.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ص ۱۵۱.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۵۳۵.

۴- فهرست نسخه های خطّی مدرسه آخوند همدان، ص ۴۵.

اصفهان در دور دوم مجلس شورای ملّی بود. او پس از فوت، در جنوب تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

احمد فنایی هفشجانی

میرزا احمـد مهـدوی متخلّص به «فنایی» از علماء طراز اوّل چهارمحال بود. در سال ۱۳۱۶ قمری در قریه هفشـجان از قراء ناحیه لار متولّد شد. در مدارس قدیمه اصفهان تحصیلات خویش را انجام داد. پس از اتمام تحصیلات، و نیل به مقامات عالیه علم و فضل و کمال، به مولد خویش مراجعت کرد، و مشغول انجام امور شرعیّه آن حدود گشت. مردی خلیق و مهربان بود، و گاهی اشعاری می سرود؛ از آن جمله است:

نهال آدمی آن گه سعادت در ثمر آرد که در وی آشیان گیرد همای شاهباز دل(۲)

احمد قاسمی

میرزا احمد خان قاسـمی از فضـلاء معاصر اصفهان است. در حدود سال ۱۳۲۰ق در اصـفهان متولّد گردید، و مدّتی تحصیلات قـدیمه، مخصوصـا مقـدّمات نمود، بعـدا به مـدارس جدیـد وارد شـد، در دبیرسـتان دارالفنون تهران تحصـیل نمود. آن گـاه به خـدمت اداره فرهنگ وارد [شـد]، و در ضـمن آن، دانشسـرای عالی را به پایان رسانید. مدّت ها در شـهرهای ایران به ریاسـت اداره فرهنگ و سایر مناصب مهم اشـتغال داشت. وی از مریـدان آقامیرزا عبّاس پاقلعه ای و پس از فوت ایشان، مرید میرزا زین العابدین نعمت اللّهی پاقلعه ای بوده است.

میرزا احمد قمشه ای

میرزا احمـد خـان قمشه ای، از شـعرای قرن یـازدهم هجری است. جوان قابلی بود؛ امّا به علّت تنـدخویی، پیوسـته در آزار بود. گویا مدّتی متصدّی وزارت هرات بوده، سپس وزیر

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۰؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص ۲۵۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۶۹ ۳۷۰.

مشهد مقدّس، و سرانجام، وزیر تنکابن شد. او مدّتی در عالی قاپی متحصّن شد، و در آن اوقات وفات یافت. از او است:

در حقیقت تندیِ خو پاسبان راحت است خار باشد بهتر از گل بر سر دیوار ما

نرمی ظاهر، نشان از خبث طینت می دهد گل به دامان می برد گلچین ز زخم خار ما(۱)

شیخ احمد قمی نژاد*

شیخ احمد قمی نژاد، عالم فاضل و معاصر در سال ۱۲۹۹ش در اصفهان متولّد شد. وی با وجود فقر و مشکلات اقتصادی، به تحصیل علوم دینی پرداخت، و پس از طیّ دروس مقدّمات در درس علمای اعلام اصفهان سیّدمحمّدرضا خراسانی، حاج سیّدعبدالحسین طیّب، سیّدمرتضی اردکانی، شیخ محمود مفید و حاج آقا رحیم ارباب حاضر شد. مدّتی نیز در تهران نزد شیخ حسینعلی راشد و رفیعی قزوینی کسب فیض نمود. وی چنان چه خود می گفت ، بیست سال ملازم حاج آقا رحیم ارباب بوده است. او واعظی باسواد، با مطالعه و حق گو بود، و به جرم حق گویی و پرخاش به ظلم و ستم و فساد دستگاه پهلوی، تحت تعقیب و شکنجه قرار گرفت، و تا نزدیکی اعدام پیش رفت.

قمی نژاد، شاعری پرشور بود، و اشعاری با تخلّص «قاموس» سرود. گزیده مختصری از غزلیّات و قصاید او، پس از وفات، به خطّ استاد غلام رضا توکّلی به چاپ رسید. ایشان در ۱۵ رمضان ۱۴۲۰ق (۳ آذر ۱۳۷۸ش) وفات یافت، و در صحن امام زاده ابوالعبّاس خوراسکان مدفون گردید. این شعرها از او است:

از عشق روی جانان، هم مست و هم خمارم بر آن نگار زیبا، معشوق و هم نگارم

عالم چو بزم و محفل، من در میان شمعم گرچه ز رَخش دولت، افتاده ام سوارم

* * *

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص۱۰۷ ۱۰۸.

ای اولوا الالباب بر «قاموس» مهر آرید و لطف خوب گوییدش اگرچه او بدی ها کرده بود(۱)

ملّااحمد کرمانی

ملّااحمد واعظ کرمانی قمیشه ای (شهرضایی) از فضلاء و اهل منبر و واعظ دانشمند و متّقی بوده، و سال ها در شهرضا به ارشاد و هدایت خلق می کوشیده، و پس از سال ۱۳۵۴ قمری، در آن جا وفات یافته است.

میرزا احمد قمشه ای

(میرزا احمد فرزند عالم ربانی ملا عبدالله قمشه ای، عالم فاضل، در ذی قعده ۱۲۵۹ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در حوار پدر خود دفن گردید.)(۲)

احمد «مجدی» اصفهانی

احمد شکری متخلّص به «مجدی» شاعر ادیب، در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در اصفهان متولّد شد، تحصیلات ابتدایی خویش را در این شهر به پایان رسانید، از اعضاء انجمن ادبی کمال بود، و غزل را نیکو می سرود. از اشعار او است:

[گردید عمر من همه صرف غمِ نگار آیا نگار هیچ ز من یاد می کند

وصل نگار خواهم و آن سنگ دل نگر با من به روزگار چه بیداد می کند(۳)]

شیخ احمد مدرّس زنجانی

آقا شیخ احمد مدرّس زنجانی، عالم فاضل متکلم ادیب. در ابهر زنجان متولّد شد، و در زنجان، قزوین و نجف اشرف به تحصیل پرداخت، سپس به کرمان رفت، و بیش از چهل سال به ارشاد مردم و تدریس و تحقیق مشغول شد. او در اواخر عمر به اصفهان منتقل شد،

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

۲- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۱ ۴۱۲.

و در محلّه دروازه حسن آباد ساکن گردید. او صبح ها در مسجد شاه امامت می فرمود، و در مدرسه ناصریّه تدریس می کرد. وی در ۹ ربیع الثّانی ۱۳۶۹ق در سنّ حدود نود سالگی وفات یافت، و در تخت فولاد مقابل تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی مدفون گردید. وی به عربی و فارسی شعر می سروده، و «خادم» یا «خادم صدری» تخلّص می نموده است. ایشان کتاب ها و رساله های مختلفی تألیف نموده است که از آن جمله است: ۱. وجیزه در فرق بین سحر و معجزه ۲. هدایه الانام در منظومه کلام که هر دو به طبع رسیده است. این شعر از او است:

شمس و قمر را رسید گاه تقابل پر شده صحن چمن ز نغمه بلبل

ای که دو چشمان توست فتنه بابل خیز نگارا بیار یک قدح از مل

بس کن از این ناز و غمز و غنج و تدلل(۱)

احمد مردیها

احمد مردیها، از شعرای اصفهان است. پس از تحصیلات ابتدایی به دانشسرای پسران رفت، به تحصیل پرداخت. گاهی شعر می سرود.(۲)

شیخ احمد سالک*

(شیخ احمد سالک فرزند عالم ربانی شیخ محمود سالک کاشانی، در سال ۱۳۲۵ش در اصفهان متولد شد. پس از اخذ دیپلم ریاضی به تحصیل دروس حوزوی نزد پدر خود و شیخ محمد رضا مقدس خواجویی و اساتید دیگر پرداخت. وی از دوران نوجوانی وارد مبارزه با رژیم طاغوت شد و سختی های فراوانی را به جان خرید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ادوار اول و سوم و چهارم مجلس شورای اسلامی نماینده مردم اصفهان شد و تا کنون نیز در حدمت نظام اسلامی ایران قرار دارد)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۴۳۴ ۴۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۲۸ ۲۲۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۰۴؛ الفهرست لمشاهیر و علماء زنجان، ص۱۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴.

دکتر احمد میرحسینی

دکتر احمد میرحسینی، طبیب حاذق، استاد دانشکده پزشکی در حدود سال ۱۳۳۲ق در کرمان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در کرمـان و متوسّـطه را در اصـفهان طی نمـود، و پس از آن در دانشـکده پزشـکی تهران تحصـیل نمـود، و پس از اتمـام تحصیلات، در اصفهان با سمت جرّاح به فعّالیت پزشکی مشغول شد. پس از افتتاح آموزشگاه عالی بهداری در اصفهان به سمت دانشیار بافت شناسی و آمیب شناسی آلی آموزشگاه منصوب شد. پس از مدّتی به آمریکا رفت، و در دوره تخصّصی بیماری های «میزراه» شرکت نمود. سپس به اصفهان بازگشت، و در دانشکده پزشکی به تدریس پرداخت. وی مدّتی معادل دانشکده پزشکی، ریاست دبیرخانه دانشگاه و معاونت دانشگاه اصفهان بوده است. از تألیفات ایشان، کتاب بیماری های میزراه است. وی سرانجام در سال ۱۳۹۵ق وفات یافت، و در تکیه آقا سیّدمحمّدلطیف خواجویی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

احمد بیک نورکمال*

احمـد بیـک نورکمال اصـفهانی، از کارگزاران و رجال اداری و سیاسی اوایل عهـد صـفویّه است. در هرات ساکن بوده، و از ملازمـان درویش خـان شـاملو، لَله سـام میرزا بوده است. او در سـال ۹۳۹ق وزارت دیـوان اعلی در حکومت شـاه تهمـاسب را برعهـده گرفت. در سال ۹۴۱ به جرم همـدستی بـا حسـین خان شاملو که قصـد مسـموم کردن شاه تهماسب را داشت، به همراه برادرانش در قلعه النجق محبوس شـد، و ظـاهرا در آن جا وفات نمود. وی عمارات مجلّل و زیبایی در اصـفهان بنا کرده بود، و جمعی از معمـاران، نقّاشان و خطّاطان، ساختن و آراسـتن آن را انجام دادنـد که ازجمله آن ها ادهم یزدی است که کتیبه های این عمارت را نوشته است.(۲)

۱۳۵۱

سیّداحمد هاتف اصفهانی

احمـد حسـینی اردوبـادی اصـفهانی متخلّص به «هـاتف» حکیم شـاعر و ادیب مـاهر از شـعرای نامـدار و اطبّاء معروف اصـفهان است.(۳) پدرانش که از اطبّاء معروف زمان خود بوده اند از اردوباد آذربایجان به اصفهان

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۴ و اطّلاعات شخصی نویسنده.

۲- تاریخ شاه اسـماعیل و شاه تهماسب، ص۱۱۹؛ احسن التّواریح، ص۳۲۰؛ تکلمه الاخبار، ص۸۰؛ احوال و آثار خوشنویسان، صص۵۷ ۵۸.

۳- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۸۴.

منتقل شدند، و او در این شهر متولّد گردید، و هم در این شهر و ظاهرا نجف اشرف تحصیل نمود، و در فنون ادب و حکمت و ریاضی و منطق، استاد مسلّم زمان خود بود، و از زمره شعرایی است که در انجمن ادبی مشتاق شرکت داشت، و در برگشت سبک ادبی، حقّی مسلم دارد.(۱) وی در زبان عربی و فارسی، در نهایت استادی شعر می گفت، و ترجیح بند عرفانی او] با مطلع:

ای فدای تو هم دل و هم جان وی نثار رهت هم این و هم آن

از شاهکارهای شعر فارسی است، دیوانش مکرّر به طبع رسیده.(۲) در اواخر عمر، در کاشان ساکن شد، و در بین شعرا با آذر بیگدلی و صباحی کاشانی مأنوس و محشور بود، و این سه شاعر، عمری را به خوشی در کنار هم گذرانیدند. یک سال هر سه در اصفهان خدمت آذر، و سالی در کاشان، منزل صباحی و سومین سال در قم در منزل هاتف بوده اند. سرانجام، آذر در سال ۱۱۹۵ در اصفهان، و صاحب عنوان در ۱۱۹۸ در قم، و صباحی در ۱۲۰۷ در کاشان وفات یافت.(۳) هاتف را دختری است بیگم نام که رشحه تخلّص دارد، و پسری به نام سیّدمحمّد ملقّب به مجتهدالشّعراء و متخلّص به سحاب، شاعر ادیب. [مادّه تاریخ وفات هاتف را صباحی چنین سروده است:

به آیین وفا گفتا صباحی بهر تاریخش: «که یارب منزل هاتف بگلزار جنان بادا»

۱۱۹۸(۴)]

سیّداحمد یزدی

آقاسید احمد یزدی، عالم عامل و عارف کامل، در سال ۱۲۲۸ق متولّد و در اصفهان ساکن بود، و در ۲ جمادی الاوّل ۱۳۲۳ق وفات یافت، و در تکیه آقامحمّد بیدآبادی مدفون شد(۵).

احمدرضا طلایی

احمدرضا غفورزاده ورنوسفادرانی متخلّص به «طلایی» فرزند عبّاس، شاعر و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۹۹۳ ۹۹۴.

۲- الذّریعه، ج۹، ص۱۲۸۳.

۳- ریحانه الادب، ج۶، صص۳۴۴ ۳۴۵؛ اصفهان (کتاب جوانان)، ص۲۴۴.

۴- طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۲۰ و نیز رجوع کنید به: تاریخ ادبیّات ایران، شفق، صص۵۷۹ ۵۸۰؛ مجمع الفصحاء، صص۱۱۷۵ ۱۱۸۴؛ نگارستان دارا، ج۱، صص۲۷۷ ۲۷۸؛ تذکره انجمن خاقان، صص۶۴۴ ۶۶۱.

۵- آیینه دانشوران، ج۱، ص۳۵؛ نقباء البشر، ج۱، ص۸۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۸؛ دانشمندان و بزرگان

اصفهان، ج۱، ص۲۲۹؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۴۴؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۷۶.

نویسنده معاصر، در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در محلّه زاغ آباد ورنوسفادران سده متولّد شد. تحصیلات ابتدایی خویش را در سِدِه [خمینی شهر کنونی] به پایان رساند، و سپس در کارخانه های اصفهان به کار مشغول شد(۱)، و سرانجام به استخدام شهرداری اصفهان درآمد. وی از همان نوجوانی به سرودن شعر پرداخت، و در انجمن های ادبی، همچون کمال، صائب و حافظ شرکت کرد، و در منزل خود نیز انجمن ادبی و هنری سعدی را برپا داشت(۲). اشعارش در بسیاری از مطبوعات اصفهان به چاپ می رسید.] طلایی سرانجام در جمعه ۲۳ فروردین ۱۳۸۱ شمسی وفات نمود، و در قبرستان امام زاده سیّدمحمّد مدفون شد. از او تألیفاتی به جای ماند، از آن جمله است]: ۱. زندگی و جشن های ایرانیان ۲. گل های زاینده رود ۳. تجارب طلایی ۴. دیوان اشعار. این بیت از او است:

خواستم نقّاش را نقشی کشد از زندگی با قلم نقش حبابی بر سر دریا کشید]

ملّااحمدعلی اصفهانی

ملّااحمدعلی اصفهانی، عالم فاضل در اصفهان ساکن بود، و از شاگردان حاج سیّدمحمّد باقر حجّت الاسلام شفتی به شمار می رفت. مرحوم سیّد، او را در سال ۱۲۵۲ق جهت ارشاد مردم به رشت فرستاده، و سفارش نامه ای خطاب به مردم آن جا نسبت به رجوع مردم در مسائل شرعی به ملّااحمد علی نوشته، و او را به عنوان «العلاّمه الفهّام و المجتهد العادل» ستوده است.(۳)

دکتر احمدعلی فروغی*

دکتر احمدعلی فروغی ابری، از چهره های علمی و اجتماعی معاصر، پس از اخذ دیپلم و گذراندن دوره تربیت معلّم، به خدمت آموزش و پرورش اراک درآمد. سپس ادامه تحصیل داد، و به تدریس در دانشسرای عالی پرداخت. سرانجام پس از تحصیل در

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۲۴.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۴۹۱.

۳- الکرام البرره، ج۱، ص ۱۲۰؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۲۶۴ ۲۶۵.

دانشـگاه کانزاس در ایالات متّحده آمریکا موفّق به اخذ دکترای برنامه ریزی آموزشـی گردید. وی ابتدا در دانشـگاه کرمان، و سپس در دانشگاه اصفهان تدریس نمود، و در سال ۱۳۶۶ش دانشـگاه آزاد اسلامی خوراسگان را تأسیس نمود، و ریاست آن را برعهده گرفت. ایشان علاوه بر ریاست دانشـگاه آزاد، عضو هیأت مدیره شبکه فنّاوری استان اصفهان، و چند سازمان دولتی و غیر دولتی دیگر است.(۱)

احنف عِبادانی

ابـوبحر (یـا ابومحمّـد) احنـف بن ابوالاـحنف حکیم بن عمران، از محـدّثین قرن سـوم هجری است. در عبـادان سـاکن بـوده، و سرانجـام به اصـفهان رفته، و در آن جا وفات یافته است. وی از حماد بن سـلمه، عبـداللّه بن مبارک، جریر بن حازم و ابی ثعلبه عابـد روایـت می نمایـد. یـونس بن حـبیب از او نقـل حـدیث می کنـد.(۲)[نـام «عبـادان» را در اوایـل قرن چهـاردهم هجری خورشیدی به «آبادان» تغییر دادند].

احنف سعدی

ابوبحر احنف بن قیس بن معاویه سعدی تمیمی وی فاتح تیمره و جَرم کاشان بوده است.(۳)

اختیار افتخاری

خواجه اختیار افتخاری، از اعیان اصفهان در قرن نهم هجری.(۴)

ادایی اصفهانی

ادایی، از شعرای اصفهان در قرن یازدهم هجری بوده، نامش معلوم نیست. شعر بسیار

۱- خورشید جی، ص۴۳۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۴.

۴- تاریخ دیار بکریه، ص۳۳۲.

گفته، امّا قافیه غلط در اشعارش بسیار است. از او است:

کشیده ای ز میان تیغ آبدار به کینم مرا ز تیغ مترسان که من هلاک همینم(۱)

ادریس کرجی

ابوشجاع ادریس بن عبّاس کرجی، از محدّثین قرن سوم هجری بوده [است]. به اصفهان آمد، و از محدّثین اصفهان حدیث شنید.

حافظ ابونُعیم اصفهانی و جعفر بن احمد بن فارس از او روایت می کنند. حافظ ابونعیم در باب او گوید: از حفظ، حدیث نقل می کرد. ادریس کرجی در محلّه خشینان اصفهان ساکن بوده است.(۲)

ادریس اصفهانی

ادریس بن عبداللّه اصفهانی، در قرن دوم هجری می زیسته، و شیخ طوسی او را در عداد اصحاب حضرت صادق علیه السلام شمرده است.(۳)

۱۳۶۲

اردشیر میرزا مسعود

اردشیر میرزا مسعود فرزند مسعود میرزا ظلّ السّلطان حاکم اصفهان، فرزند ناصرالدّین شاه قاجار، از فضلاء خاندان قاجار، مؤلّفِ ۱. جغرافیای تاریخی سیاسی جهان، تاریخ تألیف، ۱۵ صفر ۱۳۳۱ق، کتاب حاضر در ۱۵۱ صفحه در اصفهان به چاپ رسیده است. ۲. مخزن المراثی که در سال ۱۳۰۰ق در ۴۶ صفحه در تهران به چاپ رسیده است.

۱- تذکره تحفه سامی، صص۲۳۹ ۲۴۰؛ الذّریعه، ج۹، ص۶۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۴.

۳- رجال، شیخ طوسی، ص۱۵۴؛ جامع الرّواه، ص۷۸؛ نقد الرجال، ج۱، ص۱۸۲؛ معجم رجال الحدیث، ج۳، صص۱۱ و ۱۷۳؛ اعیان الشّیعه، ج۱۱، ص۴۳۶؛ منهج المقال، ص۵۰؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۱۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۲.

دکتر سیّدارسطو علاج

دکتر سیّدارسطو علاج فرزند میرزا رشید ناظم الاطبّاء بن سیّدمحمّدحسین بن حاجی سیّدمحمّد بن میرزا محمّداسماعیل بن میرمحمّدسعید بن میرمحمّدحسین بن میریحیی بن میرآقابیک طباطبایی اردستانی از اطبّاء حاذق اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در اصفهان می زیسته، و تولیّت موقوفات مدرسه کاسه گران اصفهان را برعهده داشته است. یکی از اجداد او میرمحمّدسعید، داماد حکیم الملک اردستانی، بانی مدرسه کاسه گران بوده است. دکتر علاج در سال ۱۲۷۱ق متولّد [شد]، و در سال ۱۳۰۹ق وفات یافت.(۱)

دکتر ارسطو میرعلایی

دکتر ارسطو میرعلایی خورزوقی اصفهانی، از اطبّاء حاذق اصفهان و مؤلّف عظم طحال در کلینیک.

ازدیار فارسی

ابومحمّد ازدیار بن سلیمان بن داوود فارسی صوفی، از محدّثین قرن سوم هجری است، وی فقه را به مذهب اهل حجاز آموخته است. از خالد بن عبداللّه هروی روایت نموده است. در سال ۳۶۷ق به اصفهان آمده، و حافظ ابونعیم اصفهانی از وی نقل حدیث نموده است.(۲)

اژر زوره

اژر زوره اصفهانی، شاگرد بزرگمهر، حکیم معروف، مؤلّف: ۱. شرح نامه دهگان خداپرست، که به انوشیروان نوشته، و او آن را به صاحب عنوان داد که مرتّب کند. ۲. نامه زردشت که به زبان پهلوی بوده، و به نام «زوه» شهرت داشته، انوشیروان آن رابه صاحب

۱- آتشکده اردستان، ج۱، صص۶۶ ۶۷؛ آثار ملّی اصفهان، ص۴۹۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۱.

عنوان داده که به فارسی بر گرداند، و شرح نماید. در آن جا اژر زروه گوید: «از اصفهانم و از نژاد کیومرث و از ساسانیان و از اردشیر نیکوکار و شاگرد بزرگمهر». نسخه خطّی این آثار به شماره ۲۵۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

اسباط مدینی

اسباط بن ابراهیم معدل مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. اصلاً از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و از احمد بن خشنام و ابراهیم بن معدان و ابن عاصم روایت نموده است. وی در سال ۳۴۰ق وفات یافت.(۲)

اسباط اصفهانی

اسباط بن عبداللّه، از محدّثین اصفهان است. از ابی داوود روایت نموده، و اسماعیل بن عبداللّه سمویّه از او نقل حدیث نموده است.(۳)

اسحاق بیگ عذری بیگدلی

اسحاق بیگ بیگدلی شاملو متخلّص به «عذری» فرزند آقاخان، شاعر ادیب، برادر کوچک تر لطفعلی بیگ آذر است. در غزل سرایی، طبعی روان داشت، و اغلب در اصفهان ساکن بود تا این که در سال ۱۱۸۵ق وفات یافته، و در ایوان شمالی امام زاده درب امام اصفهان مدفون گردید. صباحی کاشانی مادّه تاریخ وفاتش را در این بیت آورده است:

از صباحی خواستم تاریخ سال رحلتش گفت: «بادا در بهشت جاودان اسحق بیگ»

از آثار و تألیفات او است: ۱. دیوان اشعار ۲. تذکره اسحاق بیگ که منتخبی از اشعار تذکره آتشکده است، و نسخه های آن در کتابخانه ملّی تبریز و کتابخانه دانشکده ادبیّات

۱- فهرست دانشگاه، ج۳، صص ۵۵۰ و ۴۸۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۴.

اصفهان وجود دارد. این دو بیت از او است:

افسوس که شد باد خزان باز وزان شد فصل بهار و آمد ایّام خزان

آنان که بُدند روز و شب گِرد رَزان انگشت زنان شدند انگشت گزان(۱)

اسحاق مکتب

ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم بن داوود مکتب، از محدّثین اصفهان است. از حمید بن مسعده روایت حدیث می کند، و ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم از وی نقل حدیث می نماید.(۲)

اسحاق معدّل

ابوعثمان اسحاق بن ابراهیم بن زید بن سلمه بن الرّبیع بن جابر تمیمی، از محدّثین اصفهان است. در باب او گفته اند: «ثقةٌ مأمون». از جمعی از محدّثین عراق اخذ حدیث کرد، و ابوالحسن علیّ بن احمد فقیه از او نقل حدیث می کند. صاحب عنوان در سال ۳۴۰ق وفات یافته است.(۳)

اسحاق عُقیلی

ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم بن صالح بن زیاد عُقیلی (به صیغه مجهول)، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. با احمد بن حنبل دوستی و برادری داشت. از عبدالرّحمان بن محمّد دمشقی و جمعی دیگر روایت حدیث می کند، و ابومسعود و احمد بن ابراهیم دورقی از وی روایت کرده اند. وی در طرطوس ساکن بوده، و در سال ۲۴۰ق

۱- تذکره اختر، ص۱۴۵؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۲۳؛ الذّریعه، ج۳، ص۷۰۹؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۱، صص۱۸۲ ۱۸۳؛ مجمع الفصحاء، ج۵، ص۷۳۱؛ نشریّه دانشکده ادبیّات اصفهان، شماره دوم و سوم، سال دوم، ص۱۲۸؛ رجال اصفهان، ص۱۸۷؛ مزارات اصفهان، ص۲۰۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۰.

وفات یافته است(۱). [خانـدان عُقیلی در قرن سوم و چهـارم هجری در قریه «فابزان» اصـفهان ساکن بوده انـد. مورّخان معاصـر اصفهان، این روستا را با «خوابجون» در حومه اصفهان تطبیق داده اند].

اسحاق مؤدّب

اسـحاق بن ابراهیم بن قُرّان مؤدّب، از محـدّثین اصـفهان است. احمـد بن اسـحاق از او روایت می کنـد، و او از ابراهیم بن فَهد بصری و اسماعیل بن عمر بَجَلی نقل حدیث می نماید.(۲)

اسحاق قاسانی

اسـحاق بن ابراهیم بن قره قاسـانی، از محـدّثین اصـفهان است که به مصـر رفت، و در آن جا حـدیث گفت. از عمرو بن علی و دیگران روایت حدیث می کند.(۳)

اسحاق جمیلی

ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم بن محمّد بن جمیل، معروف به جمیلی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. از سالخوردگـان بود، و بیش از یـک قرن عمر کرد. از ابوکرنیب و احمـد بن منیع ابوهـاشم رفاعی و محـدّثان کوفه روایت نمود. محمّد بن جعفر بن یوسف از او نقل حدیث نموده است. صاحب عنوان در سنّ ۱۱۷ سالگی در سال ۳۱۰ق وفات یافت.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۵؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۴۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۲۱۸ و ۲۰۶؛ الانساب، ج۴، ص۲۲۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۶، ص۵۳۵؛ تذکره الحفّاظ، ج۲، ص۷۵۹.

اسحاق راشتینانی

ابوطاهر اسحاق بن ابی بکر احمد بن محمّد بن جعفر راشتینانی از محدّثین اصفهان است. در جرقویه «راشتینان» اصفهان سکونت داشته است. حافظ ابوموسی اصفهانی از او روایت می کند.(۱)

اسحاق فلفلانی

ابویعقوب اسحاق بن اسماعیل بن سُکین فلفلانی، از محدّثین اصفهان است. از اسحاق بن سلیمان رازی روایت حدیث می کند، وی پس از سال ۲۶۰ هجری وفات یافته است. [فلفلان قریه ای در حومه اصفهان به شمار می رفت، و اکنون محلّه ای در اصفهان، جنب محلّه طوقچی است که به فلفلچی شهرت دارد].(۲)

اسحاق رملی

ابویعقوب اسحاق بن اسماعیل بن عبداللّه بن زکریّا مذحجی رملی، از محدّثین عامّه است. در سال ۲۸۸ به اصفهان آمده، و خضاب سرخ به کار می برده، و در کوی قصارین نزول کرده، و خود، پیشه مسگری داشته، و از آدم بن ابی ایاس و محمّد بن رمح روایت حدیث می نموده است، و چون احادیث را از حفظ بیان می کرده، از این رو به خطا افتاده است.(۳)

اسحاق جلکی

ابویعقوب اسحاق بن اسماعیل بن موسی بن مهران جلکی تاجر، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

۱- معجم البلدان، ج۳، ص۱۵؛ ج۹، ص۱۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۲۱، ص۱۵۳؛ طبقات المحدّثین، ج۱، صص۱۲۷ ۱۲۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۶؛ معجم البلدان، ج۴، ص۴۷۵؛ اللّباب، ج۲، صص۴۳۸ ۴۳۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۷؛ الانساب، ج۵، ص۲۴۱، مقتبس الاثر، ج۴، ص۲۲۹.

از مشایخ موثّق حدیث به شمار می رفته، و از جمعی از راویان بصره و ابی الولید، سهل بن بکار، معاذ بن اسد، ابی الرّبیع، اسماعیل بن اویس و سعید بن منصور نقل حدیث نموده است. صاحب عنوان در سال ۲۷۹ق وفات یافت.(۱)

شیخ محمّداسحاق اصفهانی

شیخ محمّداسحاق بن محمّدجعفر اصفهانی، ادیب لغوی خطّاط در سال ۱۱۱۲ نسخه از نهج البلاغه را به خطّ نوشته است. در دو برگ نخست نسخه، این یادداشت مشهود است:

«چون جناب حمیده اخلاق عمده فضلاء الآفاق شیخ ابواسحاق در علم لغات، مشهور و معروف دهر و در حسن خط، افضل از خوشنویسان این عصر بودند؛ لهذا... به مبلغ هشت تومان ابتیاع نمودم؛ سنه ۱۱۱۲». نسخه به شماره ۶۱۰ در کتابخانه فیضیّه قم موجود است.(۲)

اسحاق قطر بلی

اسحاق بن سعد قطر بلی، عامل اصفهان و معاصر با ابراهیم بن ممشاد است.(۳)

اسحاق زعفرانی

اسحاق بن عبداللّه شیبانی زعفرانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. محمّد بن ابراهیم کتانی از او روایت نموده است(۴).

اسحاق اصفهانی

اسحاق بن فیض بن محمّد بن سلیمان، از محدّثین اصفهان و مولی عقاب بن اسید بن العیص بوده است. از عدّه ای از محدّثین ازجمله عبدالمجید بن عبدالعزیز روایت کرده

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۷.

۲- فهرست فیضیّه، استادی، ج۱.

۳- اعیان الشّیعه، ج۱۱، ص۶۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱۱، صص۲۱۷ ۲۱۹.

است، و محمّد بن یحیی بن منده، اسحاق بن جمیل و محمّد بن جعفر اشعری از او روایت می کنند. وی پس از سال ۲۵۰ق وفات یافت(۱).

اسحاق اصفهانی

اسحاق بن محمّد اصفهانی از محدّثین اصفهان و مولی عبداللّه بن جعفر هاشمی یعنی عبداللّه بن معاویه بن عبداللّه بن جعفر بوده، و از محمّد بن اسحاق صاغانی روایت می کرده است. سلیمان بن احمد از او روایت می کند.(۲)

اسحاق اصفهانی

ابوالحسن اسحاق بن محمّد بن ابراهیم بن حکیم بن اسید، از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری است. حافظ ابونعیم اصفهانی درباره او گوید: «شیخ ثبت، صدوق عارف بالحدیث، ادیب، لایحدث الاّ من کتابه». احمد بن عبیداللّه بن محمود و محمّد بن جعفر و محمّد بن عبداللّه بن مرزبان از او روایت می کنند، و او از محمّد بن عاصم، حسن بن عثمان، ابوامیّه و جمعی دیگر از محدّثین شام و حجاز و عراق نقل حدیث می کند. وی در رمضان سال ۳۱۲ق فوت شده است(۳).

اسحاق زجّاج

اسحاق بن محمّد بن اسحاق زجّاج، از عابدان روزگار خود بود، و در قرن سوم هجری در اصفهان می زیست. از محمّد بن فرج و محدّثین هم طبقه او روایت حدیث نموده، و پدر حافظ ابونُعیم از او روایت می نماید.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۲۲.

اسحاق مدینی

ابویعقوب اسحاق بن محمّد بن علیّ بن سعید مدینی از محدّثین اصفهان در قرن سوم و چهارم هجری. از موالی انصار بوده، و از حمید بن مسعده و عمرو بن علی روایت نموده، و کتاب العلل تألیف یحیی بن معین را از عبّاس دوری شنیده است. وی در روز آخر ماه رمضان ۳۱۱ق درگذشته است.(۱)

اسحاق

ابویعقوب اسحاق بن مهران (یا ابراهیم) بن عبدالرّحمان مولای قریش، از محدّثین اصفهان است. از ابن مهدی، یحیی قطان غندر و عبدالوهاب ثقفی روایت نموده، و ابومسعود، سمویه و پسرش یعقوب بن اسحاق از او نقل حدیث کرده اند.(۲)

اسحاق خرجانی

اسحاق بن یوسف خرجانی دیلمانی، از محدّثین در قرن سوم هجری است. وی از حفص بن عمر عدنی روایت می کند، و فرزندش ابومحمّد عبداللّه از او نقل حدیث می نماید.(۳)

[خرجان از دهات معروف قرون اوّلیه پس از اسلام بوده، و در حومه شهر اصفهان قرار داشته است، و دیلمان از محلّه های آن بوده است، و مردم آن روزگار، آن را خورجان می گفته اند].

نظام الدّین اسحاق مزهد اصفهانی

نظام الدّین اسحاق مزهد، واعظ اصفهانی در قرن هفتم و هشتم هجری است، تاج الدّین

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۸؛ طبقات المحدّثین، ج ۴، ص ۳۷۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۵؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۶؛ طبقات المحدّثین، ج ۲، ص ۲۹۹؛ الانساب، ج ۲، ص ۵۲۷؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۶.

عبداللّه مسمار بغدادی هنگامی که به اصفهان آمد، در باب امامت با صاحب عنوان وارد بحث شد. نظام الدّین چندین سؤال از او نمود. وی به عربی جواب آن ها را نوشت، و به نزدش فرستاد، و به مسافرت خود ادامه داد. هبه اللّه بن اصیل این سؤالات را به فارسی ترجمه کرده، و به نام مسمار العقیده نامیده است، و آن را به نام غیاث الدّین چنگیزی در اصفهان، در میانه سال ۷۰۷ق نام گذاری نموده است. تاج الدّین عبداللّه را کتابی دیگر است به نام الکشکول فی ما جری علی آل الرّسول که در ۷۳۵ تألیف شده، و به نام سیّدحیدر عاملی شهرت یافته است. نسخه مسمار در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود.(۱)

۱۳۹۱

محمّداسحاق «شوکت» بخارایی

شاعر ادیب، پدرش صرّاف بوده، و خود او یک چند به این شغل مشغول بوده، رنجیده از بخارا به خراسان و سپس اصفهان آمده، در زاویه علیّ بن سهل مقیم شده، به عبادت و ریاضت و انزوا و قناعت گذرانیده، مدّت ۳۴ سال به یک لباس قناعت کرده، در ۱۱۰۷ق فوت شده، و همان جا مدفون گردیده [است]. از او است:

دل عاشق وجود از هرچه یابد زان فنا گردد از آن آبی که گندم سبز گردد آسیا گردد(۲)

اسد

سلطان اسد بن جنید، ظاهرا از عرفاء بوده، و قبرش در جنب مزار صاحب بن عبّاد است. حاجی یار بیک صبّاغ در سال ۱۰۴۴ق یک باب دکان بر آن وقف نموده، و وقف نامه در تالار اشرف موجود است.(۳)

۱- عامری نامه، ص ۲۶۱.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۶۴۳؛ تذکره المعاصرین، صص ۱۶۲ ۱۶۵؛ الذّریعه، ج ۹، ص ۵۵۰؛ رجال اصفهان، ص ۲۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۰۴.

۳- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۳۵۱.

اسد اصفهانی

اسد بن حکیم اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری بوده، و از ابی عاصم، مقری و حسین بن حفص روایت می کند، و محمّد بن ابراهیم کنانی از او نقل حدیث می نماید.(۱)

سیّداسداللّه اصفهانی

حاج سیّداسداللّه اصفهانی، از آزادی خواهان مشروطه خواه اصفهان بوده، و در دوره اوّل مجلس شورای ملّی به عنوان وکیل فارس، شرکت داشته است. در عهد استبداد صغیر و سرکوب مشروطه خواهان به دست محمّدعلی شاه مورد تعقیب قشون استبداد واقع شد، به عتبات عالیت گریخت، و از آن جا با کسب دستور از آخوند خراسانی به خلیج فارس بازگشت، و به مبارزه با استبداد پرداخت.(۲)

اسداللّه اصفهانی

اسداللّه اصفهانی، از خطّاطان قرن سیزدهم هجری و کاتبان کلام اللّه مجید بوده، از آثار او قرآن مجید به خطّ نسخ زیبا است که کتابت آن در پنج شنبه ۴ شوّال ۱۲۸۶ به پایان رسیده، و به شماره ۵۱۰۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

اسداللّه مصفّی

اسداللّه مصفّی فرزند میرزا آقا خان محاسب الدّوله از فضلاء و دانشمندان اصفهان است. وی از بنیان گذاران فرهنگ جدید در اصفهان است. مدّتی رییس اداره فرهنگ اصفهان بود، و در سال ۱۳۸۰ق در تهران وفات یافت، و در مقبره ظهیرالدّوله مدفون گردید.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۱.

۲- تاریخ جراید و مجلّات، ج۴، صص۲۴۸ ۲۴۹.

۳- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی، ج۱۵، ص۶۵.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸.

سیّداسداللّه بهشتی

آقاسیّداسداللّه بن حاج سیّدمحمّدابراهیم حسینی بهشتی عالم فاضل صالح زاهد، امام جماعت مسجد کوچه سرتیپ، متوفّی در شب ۱۸ ربیع الاوّل ۱۳۱۰ق مدفون در تکیه سادات بهشتی در شمال مصلّای تخت فولاد(۱). [مادّه تاریخ وفات او این بیت است:

بهر تاریخ او سرود خرد: «اسداللّه فاز بالرّضوان»

۱۳۱۰ق]

سیّداسداللّه بیدآبادی

حاج سیّداسداللّه بیدآبادی فرزند حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی، عالم فاضل، زاهد متّقی، ادیب محقّق و مجتهد مدقّق، در سال ۱۲۲۷ق در اصفهان متولّد شده، و نزد پدر بزرگوار خود، و سپس در نجف اشرف، نزد آقاسیّدابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، آقا شیخ محمّدحسین نجفی صاحب جواهر، شیخ مرتضی انصاری، شیخ نوح جعفری نجفی به تحصیل پرداخته، و از آنان اجازه روایت و اجتهاد دریافت نموده است. ازمشایخ روایت ایشان ملّااحمد تربتی خراسانی است.

ایشان از نوجوانی تا سال ۱۲۶۰ق در عتبات عالیات به تحصیل پرداخته، و در این سال به ایران بازگشته، و به جای پدر به تدریس و مرجعیّت امور شرعی پرداخته [است]. وی اوقات خود را صرف تحقیق و تألیف و مطالعه کتب می نمود. ایشان خدمات اجتماعی ارزنده ای داشته، و آثار باقیه بسیار به جای نهاده که از آن جمله است: تأمین آب آشامیدنی نجف اشرف، بنای غسّال خانه در نجف اشرف، تعمیر مسجد سهله در کوفه، تعمیر مدرسه درکوشک و تکمیل بنای مسجد سیّد در اصفهان. از وقایع زمان ایشان، شورش اصفهان در سال های ۱۲۶۵ و ۱۲۶۶ در ابتدای سلطنت ناصرالدّین شاه است. پس از زدوخورد بسیار بین طرفین، و کشتار و خرابی بسیار در اصفهان، جمعی از علمای اصفهان، ازجمله حاج سیّداسداللّه بیدآبادی، ملّاحسن نوری و میرزا محمّد نوّاب لاهیجی برای وساطت نزد شاه، و پایان

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

دادن به غـائله، راهی تهران شدنـد که در منطقه مورچه خورت، قوای دولـتی تحت اختیـار حـاکم اصـفهان غلاـم حسـین خـان سپهدار و به فرماندهی کیکاووس میرزا قاجار بر سر مهاجرین تاخته، به ضرب و شتم آنان پرداخته، و آنان را به زنجیر کشیده، به اصـفهان آوردند. پس از این قضایا حاج سیّداسداللّه به عتبات عالیت مهاجرت کرد، و حدود سه سال در نجف اشرف مقیم شد، و سپس به اصـفهان آمد. عموم مؤلّفین که شرح حال وی را متذکّر شده اند، مقام زهد و عبادت و تقوای او را ستوده اند. میرزا محمّـد تنکابنی در قصـص العلماء می نویسد: «در ابکاء و خوف حضـرت قهّار، مانندی برای او نیست». حاج سیّداسداللّه علاـوه بر محاسن و مناقب علمی و اخلاقی، از حُسن خط نیز برخوردار بوده، و آثاری به یادگار گذاشـته که از آن جمله است: خطوط کتیبه داخلی بقعه پدر بزرگوار خود در مسجد سیّدکه گچ بری شده است. قطعه ای از خطّ نستعلیق ایشان نیز در اختیار مرحوم مهـدی بیانی بوده است. ایشان در سال ۱۲۹۰ق به قصد زیارت اعتاب مقدّسه، از اصـفهان حرکت نموده، در مسیر راه، در شب یک شنبه سلخ جمادی الثّانیه این سال در منزل کرند از توابع کرمانشاه وفات یافت. جنازه به نجف اشرف منتقل، و در اتـاق سـمت راست وارد شونـده به صـحن مطهّر حضـرت علی علیه السـلام از درب قبله، مقابل قبر حاج شـیخ مرتضـی انصاری مدفون گردید. مادّه تاریخ ایشان را سیّدجعفر حلّی در ضمن قصیده ای گوید:

«اسداللّه بمثوی اسداللّه توسّد»: ۱۲۹۰

کتب زیر از تألیفات او است، و نویسنده در کتاب بیان المفاخر، مفصّل به شرح موضوع و نسخه های آن پرداخته ام: ۱. الاجازه الامامه لصلاه الجمعه ۲. رساله در امامت ۳. رساله در احکام وضـعیّه ۴. رسـاله در ارث زوجه ۵. رساله در تجوید ۶. رساله در تقدیر ۷. رساله در تقلید ۸. حاشیه بر سیوطی ۹. رساله در حبوه ۱۰. حواشی بر تحفه الابرار ۱۱. حواشی بر نخبه حاجی کلباسی ۱۲. کتـابی در رجـال ۱۳. رسـاله ای در رخصـت و عزیمـت ۱۴. رسـاله در سـبب و مـانع ۱۵. رسـاله در شـبهه محصـوره و غیر محصوره ۱۶. شـرح زیارت عاشورا ۱۷. شـرح شرایع الاسلام ۱۸. رساله عصـیریّه ۱۹. رسـاله عملیّه ۲۰. کتـاب الغیبه فی حکم الاغتیاب ۲۱. کتاب الفقه الاستدلالی ۲۲. مستخرجات الطّرائف ۲۳. رساله در معرفه

التّکالیف ۲۴. مناسک حج ۲۵. مناقب الائمّه علیهم السلام ۲۶. رساله در میراث.(۱)

سیّداسداللّه قزوینی

حاج سیّداسداللّه قزوینی اصفهانی فرزند سیّدمحمّدباقر موسوی از احفاد سیّدعبداللّه مدفون در حوالی قزوین، عالم فاضل زاهد در حدود سال ۱۲۴۵ق در اصفهان متولّد، و برای تحصیل، عازم عتبات عالیات شد، و در خدمت میرزا محمّدحسن شیرازی،محمّد فشارکی و سیّداسماعیل صدر به تحصیل پرداخت. بارها به سفر حج رفت، و سرانجام به دستور استادش سیّداسماعیل صدر برای تبلیغ دین و نشر احکام به هند رفت، و در حیدرآباد، مشغول به انجام وظایف شرعی خود شد تا آن که در سال ۱۳۲۷ق وفات یافت، و در همان جا مدفون گردید. وی کتب خود را به دستور استاد اخلاقی خود ملّافتحعلی عراقی به آب انداخته، و از بین برده است. آن چه باقی مانده، تقریرات فقهیّه او است.

فرزندش سیّدحسن نیز از علماء ازکیاء بوده، و در ذی قعده ۱۳۶۵ق در حیدرآباد وفات یافت، و جنب پدر مدفون گردید.(۲)

شیخ اسداللّه فاضل بیدآبادی

حاج شیخ اسداللّه بیدآبادی معروف به «حاج فاضل» بن حاج ملّامحمّدباقر بن ملّامحمّدرضا، عالم فاضل زاهد، از

۱- احوال و آثار خوشنویسان، صص۹ ۱۰؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۲۴۴ ۳۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۵۳ ۲۵۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۸؛ زندگانی و شخصیّت شیخ انصاری، ص۱۹۰؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، ص۱۱۵؛ الکرام البرره، ج۱، ص۱۲۴؛ فواید الرّضویه، ج۱، ص۴۲؛ لباب الالقاب، ص۷۱؛ ماضی النّجف، ج۳، ص۱۳؛ معارف الرّجال، ج۱، ص۹۴؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۸۳۶؛ هدیه الاحباب، ص۱۴۰؛ تاریخ اصفهان و ری، صص۲۶۲ ۲۷۹؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۹۲؛ احسن الودیعه، ج۱، ص۷۸؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۳۰۵ ۳۰۶؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۶؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسداللّه»، ص۲۲۶۴؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۲۴۲؛ اعیان الشّیعه، ج۱۱، ص۱۰۹؛ الکنی والالقاب، ج۲، ص۱۷۴؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۵؛ الذّریعه، ج۱۳، ص۳۰۷ و ج۱۱، ص۲۱۲ و ج۱۶، ص۷۵ و ج۱۰، ص۹۵ و ج۲۲، ص ۳۲۰.

۲- نقباء البشر، ج۱، صص۱۳۵ ۱۳۶؛ میرزای شیرازی، صص۱۰۸ ۱۰۹؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۳۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۵۴ ۲۵۵؛ اسره المجدّد الشّیرازی، ص۱۱۱.

شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی، آقا سیّدمحمّد باقر درچه ای، آقانجفی و دیگران بوده.(۱) از مخصوصین حاج میرزا عبدالحسین مسجدشاهی بود، و پس از فوت ایشان به آخوند فشارکی پیوست، و در خدمت آن دو، به امور شرعی و رسیدگی به اختلافات مردم می پرداخت، و نیز در مدرسه میرزا مهدی در محلّه بیدآباد امامت می فرمود.(۲) در چهارشنبه ۲۱ ذی القعده سال ۱۳۶۳ وفات یافت، و در خارج از بقعه تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید.(۳)

سیّداسداللّه دادخواه

سیّداسداللّه دادخواه فرزند سیّدمحمّدجعفر حسینی بهشتی، عالم فاضل فقیه مجتهد، در اصفهان متولّد شد، و نزد جمعی از علماء ازجمله آقامیرزامحمّدهاشم چهارسوقی تحصیل کرد، و از آخوند ملّامحمّدحسین فشارکی اجازه دریافت نمود. سال ها نماز جماعت را در مسجد سرجوی شاه اصفهان اقامه می نمود. در دوره سوم مجلس شورای ملّی به عنوان نماینده اصفهان در آن دوره شرکت نمود. وی محضر شرعی، جهت رفع خصومات و مرافعات و ثبت عقود داشت که پس از تأسیس دفاتر رسمیِ ثبت اسناد و طلاق و ازدواج، از آن کار کناره گرفت. مشارٌالیه در ۲۰ شوّال ۱۳۶۳ق در سنّ قریب به هشتاد سالگی وفات یافت، و در تخت فولاد در بقعه تکیه زرگرها مدفون شد. سیّدعلی بدیع زاده متخلّص به هور، در رثای او شعری سروده که دو بیت آخر آن که شامل مادّه تاریخ وفات او است:

می جست خرد سال وفات اسداللّه آن حجّت والاگهر نیک دل آگاه

هورش یکی از جمع برون کرد و چنین گفت: «پیش اسداللّهِ علی رفت اسداللّه»(۴)

شیخ اسداللّه حکیم قمشه ای

شیخ اسداللّه حکیم قمشه ای فرزند مشهدی جعفر، از اجله حکماء و مرتاضین در حدود سال

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۳؛ اعیان الشّیعه، ج۱۱، ص۱۰۹.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۸؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۳۳؛ تحفه الاحباب، صص ۲۰ ۲۱.

۱۲۹۷ق در شـهرضا متولّـد [شـد]، و در مولد خود نزد حاج میرزا نصـراللّه حکیم قمشه ای به تحصـیل پرداخت، و ادبیّات، فقه، کلام، منطق و حکمت را فراگرفت؛ سپس به اصـفهان آمد، و در مدرسه صدر، به تدریس حکمت و ریاضیّات قدیم و جدید پرداخت.

انـواع خطوط، خصوصـا شکسـته را خوب می نوشت، و زبـان فرانسه را بـدون استاد آموخته بود. اسـتاد شـیخ محمّـدباقر الفت درباره وی گویـد: «وی در علوّ طبع، حدّت ذهن، قوّه حافظه و جمیع فضایل، اخلاقش به درجه ای بود که چنین گوهری گران مایه، کم تر زیب عالم انسانیّت گشـته است». سرانجام در ۱۸ ذی قعده ۱۳۳۴ق در عنفوان جوانی در ۳۶ سالگی وفات یافت، و در تکیه ملـک در تخت فولاـد، نزدیـک قبر آخونـد کاشـی مـدفون گردیـد. از تألیفـات او کتـاب علم الاشیاء است که جهت محصـلّین مـدارس جدیـد تـألیف نموده، و به چـاپ رسـیده است. شـعر نیز می سـروده و «دیوانه» تخلّص می نموده، قسـمتی از اشعارش در کتاب دانشنامه به طبع رسیده است. از اشعار او است:

خوش تر ز روزگار جنون روزگار نیست نیکوتر از دیار محبّت دیار نیست

عاقل اگر چه عاقبت از جوی بگذرد امّا مسلّم است که دیوانه وار نیست(۱)

اسداللّه اصفهانی

اسداللّه بن حبیب اللّه اصـفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری بوده، از آثارش، کتابت نسخه ای از شرح تجریـد قوشـچی که آن را در ربیع الثّانی سال ۱۰۷۲ به پایان رسانیده است. نسـخه آن در کتابخانه مسـجد گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است(۲).

۱- سـیری در تاریـخ تخـت فولاـد، ص۲۰۲؛ اصـفهان (کتـاب جوانان)، صـص۲۳۰ ۲۳۱؛ رجـال اصـفهان، دکـتر کتـابی، ج۱، صص۴۰۶ ۴۱۱؛ دانشـنامه، صص۱ ۲ و ۶؛ رجـال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۵۰؛ الـذّریعه، ج۹، ص۳۳۵؛ نقباء البشـر، ج۱، ص۱۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۵۶ ۲۵۷؛ کارنامه همایی، صص۵۶ ۵۷؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۳۰۶ ۳۰۷؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، ص۸۱؛ تاریخ شهرضا.

۲- فهرست کتابخانه گوهرشاد، ص۳۱۷.

سیّداسداللّه اصفهانی

سیّداسداللّه بن حسن اصـفهانی حیدرآبادی معروف به «میرنوّاب»، از فضلاء و ادباء هندوستان در قرن ۱۳ هجری، مؤلّفِ مختار الاخبار فی احوال الاخیار، در تاریخ سلاطین بهمنیّه هندوستان در سال ۱۲۹۶ق در دکن هندوستان چاپ سنگی شده است.(۱)

سیّداسداللّه ثقه الواعظین

سیّداسداللّه ثقه الواعظین بن سـیّدمحمّدحسن سلطان الواعظین کاشانی، معروف به سیّدحسن کاشی، واعظ کامل و ادیب شاعر، از محدّثین اهل منبر در اصفهان بود. در شب شنبه ۲۶ ذی حجّه الحرام ۱۳۸۰ق وفات یافت، و در یکی از اتاق های تکیه میرزا ابوالمعالی در تخت فولاد مدفون شد. کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. آثـار باقریّه ۲. بغیه الامجـاد فی لغات الاضـداد ۳. ترجمه و شـرح حـدیث کساء، مطبوع ۴. درر ثمیـن ۵. دیوان السّـیادات ۶. سرورالعبـاد فی صـدق المعاد ۷. سـلطان المقاتل ۸. کرامـه الائـمّه فی معرفه الائمّه ۹. لئـالی الصّـدف و خیرالتّحف ۱۰. مجمع الاخوان ۱۱. معاجز القرآن ۱۲. المعراجیّه ۱۳. منتخب اللّغه و غیره.(۲)

اسداللّه اصفهانی*

اسـداللّه اصـفهانی معروف به «نـایب اسـداللّه» فرزنـد نایب حسین خان از هنرمنـدان اصـفهان در اواخر دوره قاجاریّه است. در نواختن نی، اسـتادی چیره دست و بی مانند بوده، و به الحان و گوشه های موسـیقی ایرانی مسلّط بوده است. وی پس از وفات، در تخت فولاد، روبه روی بقعه فیض (واقع در خیابان فیض کنونی) به خاک سپرده شد. عبدالخالق اصفهانی و مهدی نوایی، از شاگردان برجسته نایب اسداللّه به شمار می روند.(۳)

۱- فهرست کتب چاپی فارسی، ج۴، ص۴۶۳۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۱.

۳- سـرگذشت موسـیقی ایران، ج۱، صص۲۹۰ ۲۹۳؛ تاریـخ تحـوّل ضـبط موسیقی در ایران، ص۱۴۰؛ تاریخ موسـیقی ایران، صص۶۱۷ ۶۱۹؛ چهره افروختگان خطّه زنده رود، صص۱۱۸ ۱۲۰.

سیّداسداللّه صدر هاشمی*

حاج سیّداسداللّه صدر هاشمی فرزند سیّدحسین حسینی حائری اصفهانی از علماء و مدرّسین بزرگ کربلا در عصر حاضر. در سال ۱۳۱۵ق در اصفهان متولّد شد. ابتدا نزد آقا سیّدابوالقاسم دهکردی و آقامحمّدباقر درچه ای تحصیل نمود؛ سپس به عتبات عالیات عزیمت کرد، و نزد آیات عظام و علمای اعلام، شیخ علی شاهرودی، سیّدمیرزا هادی خراسانی، سیّدحسین قمی، سیّدمحمّدحسن قزوینی، سیّد حسن اشکذری، شیخ عبدالهادی مازندرانی و سیّدمحمّدابراهیم قزوینی به تحصیل پرداخت، و به اجتهاد نائل آمد. وی در مدرسه هندی کربلا ساکن بوده، و سال ها به تدریس اشتغال داشت، و از مراجع تقلید به شمار می رفت. در سال ۱۳۳۹ش به دعوت مردم آبادان به آن جا رفت، و به ارشاد و راهنمایی مردم و حلّ مشکلات آنان پرداخت. در اواخر عمر به زادگاه خود بازگشت، و در ۱۱ ذی قعده ۱۳۹۹ق وفات یافت، و در تکیه شهداء، واقع در تخت فولاد اصفهان جنب مزار شهید اصفهانی سیّدابوالحسن شمس آبادی مدفون گردید. کتب زیر از تألیفات ایشان است: ۱. الاصول (یک دوره در علم اصول) ۲. حاشیهٌ علی العروه ۳. رساله عملیّه، مطبوع ۴. الفقه ۵. مناسک حج، مطبوع. ایشان اجازه اجتهاد از آقا سیّدابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی و سیّدمیرزا اصطهباناتی داشته اند. مادّه تاریخ وفات ایشان این شعر است:

حجّت الاسلام ما چون ارجعی از حق شنید مرغ روحش با ملک از جان دل لبّیک گفت

سال فوتش را چنین گفتم که چون آمد ندا: «سیّداسداللّه صدر هاشمی لبّیک گفت»(۱)

میرزا اسداللّه پاقلعه ای

میرزا اسداللّه پاقلعه ای فرزند میرزا زین العابدین خاتون آبادی از دانشمندان قرن چهاردهم هجری است. از علمای گوشه نشین و منزوی بوده، و در ریاضیّات، نجوم و هیأت، مهارت بسزایی داشته است. مادرش از نوادگان خطّاط مشهور، میرزا احمد نیریزی است.

۱- مستدرک فهرس التّراث، ص۱۴۷؛ میراث اسلامی ایران، ج ۱۰، صص ۱۳۵ ۱۳۶؛ یادداشت های محقّق ارجمند آقای رحیم قاسمی دستگردی؛ مقتبس الاثر، ج۴، ص۲۴۵.

وی در سال ۱۳۶۰ق وفات یافت، و در اتاق غربی تکیه خاتون آبادی مدفون گردید.

شیخ محمّدرضا حسام الواعظین در مرثیه و مادّه تاریخ وفاتش گوید:

آن که بد زنده روانش ز تولّای علی وان که شد سرخوش و سرمست ز صهبای علی

حاج سیّداسداللّه که در مدّت عمر همچو عمّار بُد او واله و شیدای علی

بود هم عالم و هم زاهد و هم روشن دل دل او طور و منوّر ز تجلّای علی

بهر تاریخ وفاتش ز وفا گفت حسام: «شد بهشتی اسداللّه ز اِعطای علی»(۱)

سیّداسداللّه صدرالاسلام

آقاسیّداسداللّه صدرالاسلام میردامادی فرزند سیّدمحمّدصالح بن سیّداحمد بن محمّدحسین بن میرسیّداشرف بن میرمحمّدحفیظ بن میرمحمّداشرف علوی عاملی عالم فاضل متّقی، در سِدِه متولّد [شده]، و در اصفهان نزد حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای، آخوند گزی و آقاسیّدمهدی درچه ای تحصیل نموده، و در مولد خود به نشر احکام و تبلیغ اوامر و نواحی و اقامه جماعت پرداخته است. مادر وی، دختر عالم جلیل، آقا سیّدمحمّد خلیل امام جمعه سده بوده است.(۲)

محمّداسد قهپایی

محمّداسد بن حاجی صالح قهپایی، مالک نسخه ای از شرح مختصر الاصول تألیف قاضی عضد ایجی بوده است. نسخه به شماره ۱۰۶۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد ص۱۱۲؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۳۲.

۲- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، ص۳۴.

موجود است.(۱)

[ظاهرا صاحب عنوان، از فضلاء و ادبای قرن یازدهم هجری است.]

سیّداسدالله بهشتی

سیّداسدالله بن سیّدعبدالباقی حسینی بهشتی، عالم جلیل، متوفّی در سال ۱۲۸۸ق و مدفون در مقبره سادات بهشتی واقع در شمال مصلّای تخت فولاد.(۲)

میرزا اسدالله رجالی

میرزا اسدالله رجالی فرزند عبدالجواد بن ملاّمحمّد رجالی اصفهانی، خطّاط هنرمند، [در حدود سال ۱۲۸۲ق یا کمی قبل از آن در اصفهان متولّد شده، در جوانی نزد افسر و جلالی مشق خط کرد، و در خطّ نستعلیق و نسخ، مهارت بسیار کسب کرد(۳)]. وی سال ها در مدارس جدید و خارج از آن به تعلیم خط می پرداخت. از آثارش خطوط کتیبه ایوان مقبره مسجد سیّد به سال ۱۳۱۸ق می باشد.(۴) مشارٌالیه در ۵ ذی حجّه الحرام ۱۳۷۲ به سنّ قریب نود سالگی وفات یافت(۵)، [و در تکیه آقا سیّدمحمّدلطیف خواجویی در تخت فولاد مدفون شد].

سیّداسدالله سبزواری

سیّداسدالله بن سیّدعبدالکریم بن سیّدعبدالله بن سیّدعلی حسینی سبزواری، عالم فاضل، در دولت آباد برخوار ساکن، و به تبلیغ و ارشاد مشغول بود. سرانجام در سال ۱۳۰۳ق در کاظمین وفات یافت، و مدفون شد. فرزندش سیّداسماعیل نیز از فضلا است که در سال ۱۳۳۲ق در کربلا وفات یافته، و مدفون شده است.(۶)

۱- فهرست مرعشی، ج۳، ص۲۵۳.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

۳- دیوان طرب، ص۸۰.

۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۷۷۰ ۷۷۶.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۸ و بنگرید به: آثار ملّی اصفهان، ص۶۵۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۰۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۰۹.

۶- نقباء البشر، ج۱، ص۱۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۹.

ملّااسداللّه فرادنبه ای

ملّااسـداللّه فرادنبه ای بن ملّاعبداللّه، از علماء قرن ۱۳ هجری و از اهالی قریه «فرادنبه» چهارمحال و بختیاری است. در اصـفهان ساکن بوده، و امامت مسجد قطبیّه برعهده او بوده، پس از فوت، در بقعه آقاحسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

سیّداسداللّه خلیفه سلطانی

سیّداسداللّه خلیفه سـلطانی معروف به صدر، فرزند میرزا علی نوّاب بن میر سـیّدعلاءالدّین حسـین مرعشی (خلیفه سلطان) عالم فاضـل فقیه محقّق، در اصـفهان نزد پـدر و دیگران تحصـیل نمود، و به مقـام صـدارت در دسـتگاه صـفویّه رسـید. وی در سال ۱۱۱۴ق وفات یافت، و در قبرستان ستّی فاطمه اصفهان مدفون شد.(۲)

سیّداسداللّه حسینی

سیّداسـداللّه بن سـیّدعلی رضـا حسـینی اصـفهانی، عالم فاضل، حکیم متکلّم، در اصـفهان ساکن بوده، و نزد جمعی از علماء و فضلاء، ازجمله محمّدخلیل بن محمّداشرف قائنی اصفهانی به تحصیل پرداخته است.

وی را تألیفـاتی است از آن جمله: رسـاله در وجود (تقریرات اسـتادش قـائنی، دربـاره اشتراک وجود)، که نسـخه خطّی آن در مجموعه شماره ۳۹۷۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

هم چنین سـیّداسداللّه، نسـخه ای از کتـاب نور البصـر محـلّ مسأله الجبر و القـدر تـألیف محمّـدخلیل قـائنی را در چـاشت روز چهارشنبه ۱۲ رجب ۱۱۳۴ق به خطّ شکسـته نسـتعلیق، به پایان رسانیده است، و در مجموعه شماره ۳۹۷۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۸.

۲- اعیان الشّیعه، ج۱۱، ص۱۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۹؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۷.

۳- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص ۲۹۷۰.

ملّااسداللّه گورتانی

ملّااسداللّه بن ملّاعلی محمّد واعظ گورتانی، عالم فاضل، واعظ کامل از اهالی قریه «گورتان» از بلوک ماربین اصفهان بوده، و در سال ۱۳۲۳ق وفات یافته، و در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون شد. وی مؤلّف کتابی است به نام جواهر الایمان در اصول دین و اخلاق در پنج مجلّد(۱).

اسداللّه خان نظام العلماء

حاج سیّداسداللّه خان نظام العلماء فرزند میرزا علی محمّد نظام الدّوله بن میرزا عبداللّه خان امین الدّوله بن میرزا محمّدحسین خان صدر اصفهانی از فضلاء خاندان صدر اصفهانی است در نجف اشرف ساکن بود، و در ۱۳۲۴ق در آن ارض اقدس وفات یافت، و در مدرسه صدر مدفون شد. تاریخ وفاتش را سیّدمحمّد نجف آبادی شاعر ادیب چنین گفته است:

اسد ثاو باعتاب حمی اسداللّه و خیر الاوصیاء

فباعتاب علی ارخوا: «فازو اللّه نظام العلماء»(۲)

اسداللّه اشتری

اسداللّه اشتری فرزند آقا شیخ محمّدعلی اشتری، شاعر ادیب و نویسنده توانا، در سال ۱۳۲۶ قمری در اصفهان متولّد گردید. پس از تحصیل علم و ادب، در انجمن ادبی ادیب فرهمند شرکت کرد، و برای روزنامه های اصفهان، مقالاتی نوشت. در سال ۱۳۱۲ خورشیدی به تهران رفت، و در خدمت وزارت دارایی وارد شد، و در ادارات مختلف آن وزارت خانه به خدمت پرداخت.

در این مدّت، مقالاتی ادبی و اجتماعی و اخلاقی از ایشان در جراید مهمّ پایتخت انتشار

۱- الذّریعه، ج۵، ص۲۶۴؛ دانشمندان وبزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۶ و ج۱، ص۲۵۹.

۲- ماضی النّجف و حاضرها، ج۳، ص۴۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۹۱.

می یافت. سبک نگارش ایشان، بسیار متین و دلچسب بود. بالاخره به اصفهان منتقل، و در اداره دارایی اصفهان مشغول شد. وی کتب چندی ترجمه و تألیف نموده که از آن جمله است: ۱. تاریخ عشق ۲. طوفان روح ۳. نامه های اسیران جنگ.

وی در یک شنبه ۱۹ رمضان سال ۱۳۹۷ق وفات یافت، و در تکیه آباده ای در تخت فولاد مدفون شد. از اشعار او است:

یک بار نام عشق، مرا بر زبان گذشت دیگر زبان نماند که گویم زبان بسوخت...

از بعد مرگ، لاله صفت سوزدم کفن جایی که عشق زنده مرا استخوان بسوخت(۱)

شیخ اسداللّه جوادی*

حاج شیخ اسداللّه جوادی فرزند میرزا غلام حسین بن حاج محمّدجواد بن آخوند علی محمّد بن ملّا علی محمّد گورتانی اصفهانی دانشمند فاضل و عالم کامل معاصر. وی در سال ۱۳۰۵ق در محلّه گورتان اصفهان متولّد شد. در دوازده سالگی پدر خود را از دست داد. از هفده سالگی به تحصیل در حوزه علمیّه اصفهان پرداخت تا این که پس از طی نمودن دروس خارج، به درجه اجتهاد نائل آمد. اساتید او عبارت اند از: ملّاهاشم جنّتی، شیخ حیدرعلی صلواتی، شیخ محمّدجواد اصولی، شیخ علی مشکاه، حاج شیخ عبّاسعلی ادیب، شیخ محمّدحسین شریعت هرندی، شیخ احمد فیّاض، سیّدعلی اصغر برزانی، حیدرعلی خان برومند، حاج آقا صدر کوپایی، حاج آقا سیّدابوالحسن شمس آبادی، حاج آقا رحیم ارباب، میرزا علی آقا شیرازی، حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، حاج میرسیّدعلی بهبهانی، سیّدمحمّدرضا خراسانی. ایشان هم چنین یک سال در درس خارج علمای قم، خصوصا آیت اللّه العظمی گلپایگانی حضور یافت، و سپس به اصفهان مراجعت نمود، و به اقامه نماز جماعت در مسجد جامع گورتان و تبلیغ و ارشاد مردم و حلّ مشکلات شرعی آنان پرداخت. ازجمله فعّالیت های او تدریس در دانشگاه صنعتی اصفهان بوده است. از اقدامات خیریّه او، احداث مدرسه ای در فسا، احداث چندین مسجد، و سرپرستی امور دینی مرکز خیریّه ابابصیر است. او سفرهای تبلیغی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص۴۹.

بسیاری به مناطق مختلف کشور داشته اند. یکی از فرزندان او در جبهه های نبرد به شهادت رسیده است.(۱)

میرزا اسداللّه خان وزیر

میرزا اسـداللّه خان وزیر فرزنـد میرزا فتـح اللّه خان بن محمّدعلیّ بن رضا قلی بن محب علیّ بن فتحعلی خان اعتمادالـدّوله، از مستوفیان و کارگزاران عهد ناصری است. نسب او به فتحعلی خان اعتمادالدّوله، وزیر شاه سلطان حسین صفوی می رسد. میرزا اسـداللّه خان در حدود سال ۱۲۶۳ق در اصـفهان متولّد [شد]، و در این شـهر به تحصیل پرداخت، و به مستوفی گری و وزارت ظـلّ السّـلطان حـاکم اصـفهان نائـل شـد. وی از مردان باکفـایت و امین در شـغل خود، و حاذق و ماهر بوده، و به حسن خلق و سیرت پسندیده شهرت داشت. در سال ۱۳۳۶ق وفات یافت، و در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

اسداللّه ایروانی جرقویه ای

اسداللّه ایروانی فرزند غلام حسـین محمّدآبادی جرقویه ای، شاعر و نویسـنده معاصـر. وی دارای دیوان اشعار است که به چاپ نرسیده است. نمونه اشعارش:

دوش که خورشید از این زبرجد الوان رخ پس کهسار بر نهفت ز کیهان

ظلمت شب روشنی نهفت به پهلو همچو بتی در کنار زنگی قطران

هر دو بصر تار شد از آن شب تاریک دل به بدن شد به آه و غصّه و افغان(۳)

اسداللّه باطنی

اسـداللّه باطنی، فرزنـد قاسم متخلّص به «باطنی» شاعر ادیب در سال ۱۲۸۴ خورشـیدی در اصفهان متولّد گردید. به شغل لباس فروشی، روزگار می گذراند، و کم شعر می گوید؛ از آن

۱- نقل از یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- تاریـخ نایین، ج۴، ص۳۵؛ شـرح حال رجال ایران، ج۶، ص۳۶؛ القـاب رجال دوره قاجاریه، ص۲۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۷.

۳- گرکویه، ص۳۸۸.

جمله است:

بشنو این نکته اگر گوش دلت سوی من است که جهان جمله غم و محنت و رنج و محن است

از جهان هیچ مسرّت مطلب زآن که جهان بهر مردان خدا یکسره بیت الحزَن است

اسداللّه معظّمی

اسداللّه معظّمی فرزند محمّدخان معظم السّلطان گلپایگانی (مدفون در تکیه مادر شاه زاده، در تخت فولاد اصفهان) تولّدش در سال ۱۲۷۴ش، و در دوره بیستم مجلس شورای ملّی نماینده اصفهان بوده است.

شیخ اسداللّه فهامی

شیخ اسداللّه فهامی [بن آقامحمّد دردشتی]، از وعّاظ اصفهان و از مخصوصین آخوند ملّامحمّدحسین فشارکی بود. سال ها مراسم احیای شب های رمضان و جمعه را در تکیه آقا حسین خوانساری برگزار می نمود، و بسیاری از مؤمنین، در این مراسم حضور می یافتند. [وفاتش در جمادی الاوّل ۱۳۷۲ق روی داد]. پس از فوت، مابین قبر آقاجمال خوانساری و آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

اسداللّه ایزدگشسب

اسداللّه ایزدگشسب، معروف به درویش ناصرعلی و متخلّص به «شمس»، فرزند محمود بن اسداللّه بن عبداللّه گلپایگانی اصفهانی، عالم فاضل و حکیم جامع، ادیب مدقّق و عارف فرزانه، از مشایخ سلسله گنابادی.

در حدود سال ۱۳۰۳ق در گلپایگان متولّد شده، و در اصفهان و تهران و خراسان و

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۱؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۲۱۹.

نجف تحصیل علوم فقه و اصول و حکمت نموده، در بیدخت گناباد، خدمت حاج ملاّمحمّد سلطان علی شاه رسیده، و دست ارادت به او داده، و در فقر و تصوّف، ریاضت ها کشیده [است]. از سال ۱۳۵۰، اجازه دستگیری فقرا را یافت. وی عاقبت به استخدام اداره فرهنگ درآمد، و هفت سال مدیر مدرسه حکمت بود. مدّتی نیز در دبیرستان گلبهار تدریس می نمود، و نگارنده، افتخار شاگردی او را داشت.

ایشان از سال ۱۳۰۵ش مجلّه عنقا را منتشر ساخت، و سرانجام در ۵ جمادی الاوّل ۱۳۶۶ق وفات یافت، و در تخت فولاد مدفون گردید، و جهت او تکیه ای مخصوص بنا شد. وی را تألیفات بسیاری است که از آن جمله است:

۱. اسرار العشق در تفسیر سوره یوسف، مطبوع ۲. بدایع الآثار ۳. بساط العشق و المحبّه ۴. تحفه السّفر ۵. ترجمه کتاب خطّ و خطّاطان به عربی ۶. جنّه النّفوس در احکام روزه ۷. حیاه الانسان و تسبیح اعیان ۸. جذبات الهیّه (منتخب دیوان شمس تبریزی، مطبوع) ۹. دیوان اشعار ۱۰. دیوان النّبویه در اسرار سلوکیّه ۱۱. ردّ بر دکتر فندر آلمانی ۱۲. رشحات الاسرار ۱۳. سعادات النّجفیه در شرح دعاء عدلیّه ۱۴. شرح صلاه محی الدّین عربی ۱۵. شمس التّواریخ، مطبوع ۱۶. طرائف الحکم در حکمت الهی ۱۷. قبسات الانوار ۱۸. گلزار اسرار ۱۹. لوامع الانوار ۲۰. مختصر معراج السّعاده نراقی ۲۱. مصابیح الاصول ۲۲. مظاهر الانوار ۲۳. معرفه الرّوح، مطبوع ۲۴. نامه سخنوران در تذکره شعراء، مطبوع ۲۵. نور الابصار در احوالات نورعلی شاه اصفهانی ۲۶. هدایه الامم در نبوّت خاصّه و غیره.

از اشعار او است:

ز میخانه یکی دیوانه برخاست از آن دیوانه صد فرزانه برخاست

دل از لعل لبش یک نکته بشنید از آن نکته هزار افسانه برخاست

پریشان روزگاری های عاشق همه زان نظره جانانه برخاست

چو شمس آن دلبر جانانه را دید هزارش نعره مستانه برخاست(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۷۱ ۷۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۹ ۲۸۲، شمس التّواریخ، صص ۸۴ ۸۶ و ۹۱ ۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۵۹ ۲۶۱؛ نابغه علم و عرفان، صص ۴۱۳ ۴۱۴؛ تذکره العارفین فسایی، ص ۸۴؛ مقالات الحنفا، ص ۱۴۱؛ نقباء البشر، ج ۱، ص ۱۴۷؛ سخنوران نامی معاصر، ج ۲، صص ۲۰۰۵ ۲۰۰۹؛ تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج ۴، صص ۵۲ ۵۴؛ زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۱، صص ۳۲۰ ۳۲۱؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج ۱، صص ۵۳۹ ۵۴۰.

شیخ اسدالله الهی

(شیه اسدالله الهی حسین آبادی عالم وارسته. در سال ۱۳۰۸ش متولد شد. در اصفهان از درس اساتیدی چون شیخ عباسعلی ادیب، شریعت هرندی و سید ابوالحسن شمس آبادی و در قم به مدت پانزده سال از محصر آیه الله العظمی مرعشی نجفی استفاده نمود و سپس در طالخونچه ساکن گردید و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. وی عالمی فروتن و پارسا و اهل تهجد بود و از خصایص اخلاقی ممتازی برخوردار بود. او در شهریور ۱۳۷۹ ش وفات یافت و در طالخونچه مدفون شد. کتاب متاع السفینه از او چاپ شده است)

شیخ اسداللّه اسماعیلیان*

حاج شیخ اسداللّه اسماعیلیان دهاقانی، فرزند نعمت اللّه، عالم فاضل ادیب شاعر، در حدود سال ۱۳۵۴ق در دهاقان متولّد شد. مدّتی در قم به تحصیل مشغول بود، و سرانجام به نجف اشرف عزیمت نمود، و نزد علمای آن دیار به تحصیل پرداخت. سپس به قم بازگشت، و به خدمت به اسلام و مسلمین مشغول شد. ایشان با تأسیس انتشارات اسماعیلیان و نشر کتب مفید مذهبی، به نشر فرهنگ اسلامی اهتمام ورزید. ایشان در ۸ آبان ۱۳۷۵ بر اثر ابتلاء به سرطان وفات نمود، و در گورستان بهشت معصومه سلام اللّه علیها در قم مدفون شد. این آثار از او است: ۱. ابوذر غفاری ۲. تحقیق درباره کتاب فروق اللّغه تألیف سیّدنورالدّین جزائری(۱).

۱- سیمای دهاقان، صص۲۹۴ ۲۹۵؛ الذّریعه، ج۱۵، ص۲۸۵؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۴۷۹؛ تربت پاکان قم، ج۱، ص۴۰۰.

اسداللّه ملّاباشی

میرزا اسداللّه فرزند میرزا نصیر ملّاباشی، فاضل محترم، داماد مرحوم آقامیرزا محمّدهاشم چهارسوقی و زوجه اش فاطمه بیگم نام داشته است.(۱)

اسداللّه رشتیان*

حاج سیّداسداللّه رشتیان فرزند سیّدهاشم، هنرمند و نقّاش معاصر است. وی در ۳۰ شوّال ۱۳۹۲ق وفات یافت، و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد. بر روی سنگ مزارش از او به عنوان «نقّاش مخصوص صحن مطهّر حضرت سیّدالشّهدا علیه السلام و آثار باستانی ایران» یاد شده است.

سیّداسداللّه روضاتی

سیّداسداللّه روضاتی فرزند میرزا هدایت اللّه چهارسوقی در سال ۱۳۱۸ق در اصفهان متولّد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدّماتی از محضر بزرگانی چون سیّدابوالقاسم دهکردی، سیّدمحمّد نجف آبادی و میرمحمّدصادق خاتون آبادی بهره برد، و چندسالی نیز در قم نزد آیت اللّه حائری یزدی تحصیل کرد و سپس در اصفهان به اقامه جماعت و خدمات اجتماعی پرداخت، او در سال ۱۴۱۰ ق وفات یافت و در باغ رضوان اصفهان مدفون شد.(۲)

اسداللّه باغبادرانی

اسداللّه باغبادرانی، از روزنامه نگاران و نویسندگان معاصر است. وی در سال ۱۳۴۱ق روزنامه نهضت اسلام را منتشر نمود. او در اواخر عمر، در اداره آمار اصفهان خدمت می کرد، و سرانجام در حدود سال ۱۳۶۸ق در اصفهان وفات نمود، و در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- احسن الودیعه، ج۱، ص۱۵۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص ۲۸۰.

۲- یادداشت آقای رحیم قاسمی.

۳- تاریخ جراید و مجلّات ایران، ج۴، صص ۳۲۱ ۳۲۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۵.

دکتر اسدالّله بیژن

دکتر اسـدالّله بیژن، استاد دانشگاه تهران و از اساتید علوم تربیتی و روان شناسی می باشد. تحصیلات مقدّماتی خویش را در اصـفهان، مولـد خویش به پایان رسانیـده، و تحصیلات عالیه خویش را در ممالك اروپا و آمریكا خوانده، كتب چندی تألیف نموده است؛ از آن جمله است: ۱. تاریخ جندی شاپور: چشم انداز تربیت در ایران پیش از اسـلام كه در سال ۱۳۱۵ش به چاپ رسیده است ۲. سیر تمدّن و تربیت در ایران باستان ۳. طبّ و حفظ الصّحه.

میراسدالّله تبریزی*

میراسدالّله تبریزی عبّاس آبادی، شاعر ادیب، از تبریزی های ساكن محلّه عبّاس آباد اصـفهان و جوان قابل و بااسـتعدادی بوده، چنان كه مصاحبِ نصیرای همدانی شده [است]. سرانجام به هند رفت، و در آن جا فوت شد. از او است:

طُرفه حالیست كه آن آتش سوزنده من دورتر می رود و بیشترم می سوزد(۱)

[این بیت رابه خلیفه اسدالّله مرعشی متخلّص به ملولی نیز نسبت داده اند].

۱۴۳۵

میراسدالّله تبریزی*

میر اسدالله تبریزی عبّاس آبادی، شاعر ادیب، از تبریزی های ساكن محلّه عبّاس آباد اصفهان و جوان قابل و با استعدادی بوده ، چنان كه مصاحبِ نصیرای همدانی شده [است]. سرانجام به هند رفت، و در آن جا فوت شد. از او است:

طُرفه حالیست كه آن آتش سوزنده من دورتر می رود و بیشترم می سوزد(۲)

شیخ اسدالّله دستجردی

شیخ اسدالّله دستجردی، عالم فاضل، از بزرگان قریه دستگرد خیار در حومه اصفهان است. در اصفهان به تحصیل پرداخت، و در ۱۲ ربیع الاوّل سال ۱۳۶۷ وفات یافت، و در صحن تكیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

[این بیت را به خلیفه اسدالله مرعشی متخلّص به ملولی نیز نسبت داده اند].

میرزا اسدالّله زاهدی

میرزا اسدالّله زاهدی، طبیب حاذق مجرّب، از پزشكان اوایل قرن چهاردهم هجری

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۴۰؛ کاروان هند، ج ۱، ص ۴۴؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۴۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۴۰؛ کاروان هند، ج ۱، ص ۴۴؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۴۰.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۹۳۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۳۴؛ مزارات اصفهان، ص ۲۱۴.

او از سلسله مشایخ بیدآباد است که نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی منتهی می شود. در فنون طبّ قدیم استاد بوده، و پس از وفات، در تکیه آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میرزا اسداللّه شریعتی*

میرزا اسداللّه شریعتی کمال آبادی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. وی در ناحیه جرقویه به تبلیغ امور دینی مشغول بوده، و پس از وفات، در مسجد جامع روستای کمال آباد جرقویه اصفهان مدفون شده است.(۲)

شیخ اسدالله اصفهانی

شیخ اسداللّه صفر نوراللّهی نجف آبادی، معروف به شیخ اسداللّه اصفهانی عالم فاضل محقّق، در سال ۱۳۴۰ق (یا ۱۳۳۷ق) در نجف آباد متولّد شد، و در مولد خود نزد شیخ احمد حججی، شیخ ابراهیم ریاضی و سیّدجعفر طباطبایی به تحصیل پرداخت. سپس در اصفهان از درس شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، حاج آقا رحیم ارباب و میرزا علی آقا شیرازی بهره گرفت. پس از آن راهی قم شد، و در درس آیات عظام، بروجردی، امام خمینی، محقّق داماد، حجّت و خوانساری و دیگران شرکت کرد؛ سپس به نجف اشرف عزیمت نمود، و از درس آیت اللّه العظمی خویی بهره گرفت؛ امّا پس از مدّتی به علّت پاره ای از مشکلات به قم بازگشت، و به تدریس پرداخت. وی یکی از مدرسین مشهور حوزه علیمه قم بود و مدّتی نیز در تهران ساکن بود. او در اواخر عمر، به زادگاه خود بازگشت، و به تدریس و ارشاد و اقامه جماعت پرداخت. سرانجام در سال ۱۴۲۳ق وفات یافت، و در جنّت الشّهدای نجف آباد مدفون شد.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۵؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۴.

۲- گرکویه، ص۳۲۳.

۳- آیینه اهل قلم، صص۶۴ ۶۵؛ سیمای دانشوران، صص۱۱۳ ۱۱۵؛ حکایت پارسایی، صص۴۴ ۴۶؛ گنجینه دانشمندان، ج۸، ص۸۸.

میرزا اسد «عریان»*

میرزا اسد متخلّص به «عریان» شاعر ادیب، مقبول دل ها و دلنشین خاطره ها بوده، در شعر تتبع بسیار نموده است. مدّتی در هند بوده، و از صحبت فضلاء و شعراء برخوردار شده، سپس مجاور نجف اشرف شده، عاقبت به اصفهان بازگشته، و وفاتش پس از سال ۱۰۸۳ق واقع شده است.

نه هر حرفی که بر گوش آیا از لب دلنشین افتد که از صد قطره نیسان یکی دُرّ ثمین افتد(۱)

قاضی اسداللّه قهپایی کاشانی

قاضی اسداللّه قهپایه ای، عارف سالک و ادیب شاعر، در قهپایه متولّد شد، و در اصفهان تحصیل کرد؛ سپس به تصوّف روی آورد، و به شیخ مؤمن مشهدی و شیخ کمال سبزواری دست ارادت داد، و عاقبت الامر در کاشان ساکن شد، و سالیان دراز به عبادت و ریاضت پرداخت، و مریدان بسیار گرد او جمع شدند.(۲) وی در سال ۱۰۴۸ق وفات یافت(۳)، و در مقبره شاه شمس در بیدگل کاشان مدفون شد(۴). دیوان اشعار او حدود ۳۵۰۰ بیت دارد که در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود.(۵) از اشعار او است:

ای آن که تویی محرم راز همه کس شرمنده راز تو نیاز همه کس

چون دشمن و دوست مظهر ذات توأند از بهر تو می کشم ناز همه کس

اسداللّه مطربی جرقویی*

اسداللّه مطربی پیکانی، از موسیقی دانان اواخر دوره قاجاریّه است. وی در قریه پیکانِ جرقویه اصفهان ساکن، و در نواختن تار و سنتور، استاد بوده است. او به دستگاه های

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۱۹۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۳۰۰؛ الذّریعه، ج۹، ص ۷۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۵۲.

۴- فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۲، ص۱۵۷.

۵- فهرست مرعشی، ج۱۵، ص ۲۲۰.

موسیقی ایرانی آشنا بوده، و سفری به ترکمنستان رفته، و در عشق آباد به اجرای برنامه پرداخته است.(۱)

سیداسداللّه مرعشی

خلیفه سیّداسداللّه مرعشی اصفهانی متخلّص به «ملولی» عالم فاضل ادیب شاعر. از افاضل سادات عالی قدر مرعشی در اصفهان بوده، و تولیّت آستان قدس رضوی را برعهده داشته، و سرانجام در سال ۹۶۹ق وفات یافته است. صاحب اعیان الشّیعه مقبره او را در قبرستان ستّی فاطمه می نویسد. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. حواشی بر شرح تجرید ۲. حواشی بر شرح چغمینی ۳. حواشی بر شرایع ۴. حواشی بر قواعد علاّمه ۵. حواشی بر کافی ۶. دیوان اشعار. این بیت از او است:

طُرفه حالیست که آن آتش سوزان ز برم دورتر آن چه رود، بیشترم می سوزد(۲)

اسداللّه منجّم اصفهانی

اسداللّه منجّم اصفهانی، از فضلاء و ریاضی دانان قرن سیزدهم هجری می باشد. در هندوستان ساکن بوده، و تاریخ فرس قدیم و تاریخ یزدگردی با ذکر چند فتوی در این باره را در سال ۱۲۴۴ق تألیف نموده است. میکروفیلم این نسخه، ضمن مجموعه شماره ۹۹۹ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود، و اصل آن در کتابخانه بادلیان محفوظ است.(۳)

اسداللّه خان وثیق

اسداللّه خان وثیق الدّوله انصاری اصفهانی، از نویسندگان و ادبای معاصر. از آثار او

۱- گرکویه، صص ۳۲۹ ۳۳۰.

۲- اعیان الشّیعه، ج ۱۱، ص ۱۰۴؛ الذّریعه، ج ۹، ص ۱۰۱؛ آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص ۱۰۰۸ ۱۰۰۹؛ تذکره هفت اقلیم، ج ۲، ص ۴۰۵؛ مزارات اصفهان، صص ۲۴۶ ۲۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۲۵۲ ۲۵۳؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص ۲۵۸.

۳- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص ۵۵۲.

عجز بشر، در سال ۱۳۲۵ قمری در تهران به چاپ رسیده است.] صاحب عنوان فرزند میرزا حبیب اللّه مشیرالملك بوده است.

او اوّلین رییس بلدیّه اصفهان بوده، و سپس به عضویّت انجمن ایالتی اصفهان درآمده است].

سیّداسداللّه هدایی*

حاج سیّداسداللّه هدایی، عالم فاضل، متوفّی در ماه ذی حجّه الحرام ۱۳۶۹ق مدفون در تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان.

اسعد اصفهانی

ابوالفخر اسعد بن سعید بن محمود اصفهانی از محدّثین قرن هفتم هجری است. وی در سال ۶۰۷ق متولّد شده، و مقدسی در اصفهان از او حدیث شنیده است.(۱)

اسفندیار معتمدی*

اسفدیار معتمدی، نویسنده و پژوهشگر معاصر، در ۲۸ بهمن ۱۳۱۷ش در روستای سِدِه لنجان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در اصفهان طی نمود، و از سال ۱۳۳۶ به تحصیل در دانشسرای عالی در تهران پرداخت، و به استخدام وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) درآمد، و در دبیرستان های شهرضا و اصفهان به تدریس پرداخت. از سال ۱۳۵۳ش جهت ادامه تحصیل در رشته مدیریّت دولتی به تهران نقل مکان نمود، و سال ها در سازمان کتاب های درسی به تدوین و تألیف کتاب های مورد نیاز مدارس آموزش و پرورش پرداخت تا این که در سال ۱۳۶۰ش به درخواست خود بازنشسته شد. برخی از تألیفات و آثار علمی چاپ شده ایشان عبارت اند از:

۱. ابوریحان و ریحانه ۲. بنوموسی ۳. پرسش های ابوریحان و پاسخ های ابن سینا.

۱- جعفر بن ابی طالب (ع)، ص۲۵.

اسفندیار بیگ «انیس»

اسفندیار بیگ متخلّص «انیس» از امرای شاه عبّاس اوّل صفوی است. شعر نیز می سروده، از آثار او مدرسه اسفندیار بیک است که آن را در محلّه چرخاب اصفهان ساخته است. وی در سال ۱۰۲۳ وفات یافته است.(۱)

اسفندیار مشرف شهرکردی

اسفندیار مشرف الملک شهرکردی متخلّص به «مشرف» فرزند مشرف الملک دهکردی شاعر ادیب، در سال ۱۳۱۲ش در شهرکرد متولّد شد، و تحصیلات ابتدایی و متوسّطه خود را در اصفهان انجام داد. سپس در تهران به تحصیلات عالیه مشغول شد. در شعر و ادب، دارای ذوقی سرشار بوده، و در سال ۱۳۳۰ش در اصفهان کتاب گل های نوشکفته از آثار او به چاپ رسیده که شامل مقداری از اشعار او است، این ابیات از او است:

هم زبانی به از کتاب مجو راز دل را به جز کتاب مگو

بی تکبّر رفاقتش با تو به تو آموزد آن چه پرسی از او

هست یک رنگ و یک زبان دائم نیست یاری چو وی عزیز و نکو

به حقایق تو را بود رهبر عقل و هوشت همی دهد نیرو(۲)

اسکندر زاهد

ابوالمحاسن اسکندر بن حاجی بن احمد بن علیّ بن احمد خیارجی زاهد، از محدّثین و دانشمندان قرن پنجم هجری. او به ورع، زهد و صلابت در دین و نیک خُلقی معروف بود. یحیی بن عبدالوهاب بن منده در کتاب طبقات اهل اصفهان گوید: به اصفهان آمد، و از هبه اللّه بن زاذان روایت می کرد، و بزرگان شهر، از او استماع حدیث کردند.

سرانجام، فداییان اسماعیلی در ۲۴ شعبان ۴۹۵ق او را کشتند. قبر او در «سهره هیزه»

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۳۰۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۴۴۹ ۴۵۰.

می باشد.(۱)

اسکندر میرزا اصفهانی

اسکندر میرزا فرزند محمّدولی میرزا، از تحصیل کرده های دارالفنون بوده، و پس از فراغت از تحصیل، به اصفهان آمده، و به طبابت اشتغال جسته است. طبیبی ماهر و حاذق، و چندی نزد ظلّ السّلطان به طبابت مشغول بود.

وفاتش پس از سال ۱۳۳۰ق روی داده است، و قبر او در مقبره آخوند ملاّمحمّدحسین کرمانی است. ظاهراً وی مؤلّف طبّ جدید است که اکنون در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد نگهداری می شود.(۲)

اسکندر بیک منشی*

اسکندر بیک منشی ترکمان فراهی، مورّخ، منشی، ادیب و شاعر نامدار عصر صفویّه. وی در سال ۹۴۸ق متولّد شده، و در جوانی به تحصیل پرداخته، و در انواع علوم ادبی و ریاضی، خصوصاً انشاء و سیاق، مهارت یافته است تا حدّی که شاه عبّاس صفوی او را به خدمت خویش خواند، و منشی مخصوص خویش گردانید. وی در سال ۱۰۴۳ق وفات یافت. تاریخ عالم آرای عبّاسی اثر مشهور او است که در سال ۱۰۲۵ق آن را در تاریخ وقایع عصر صفویّه تألیف نموده، و بارها به چاپ رسیده است. وی طبع شعر داشته، و در مادّه تاریخ گویی مهارت داشته است.(۳)

امام زاده اسماعیل

جناب امام زاده اسماعیل علیه السلام ، [از امام زادگان واجب التّعظیم اصفهان، مدفون در محلّه

۱- تعلیقات نقض، ج۲، ص۱۰۶۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۳؛ مزارات اصفهان، ص۲۲۰؛ فهرست گوهرشاد، ص۱۵۰.

۳- فهرست کتابخانه استانبول، صص۲۸۷ ۲۸۸؛ تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۰۲؛ تاریخ عالم آرای عبّاسی، مقدّمه.

گلبهار است، و بر سر مزار او بقعه ای شکوهمند در عصر صفویّه بنا نهاده اند که از آثار تاریخی اصفهان به شمار می رود]. در کتیبه سردر امام زاده، از ایشان به عنوان «اسماعیل جالب الحجاره بن حسن بن زید بن الامام حسن السّبط الشّهید» یاد شده است. در برخی کتب، مدفون در این امام زاده را اسماعیل دیباج اکبر فرزند ابراهیم فرزند حسن مُثنّی فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام دانسته اند، و برحسب آن چه معروف است، آن جناب، جدّ سادات طباطبایی است.

برخی هم او را اسماعیل بن زید بن حسن مُثنی ذکر کرده اند.(۱)

اسماعیل اصفهانی

قاضی اسماعیل اصفهانی گجراتی، از علمای هند و معاصر سلطان محمود(۲).

ملّااسماعیل اصفهانی

ملّااسماعیل اصفهانی، فاضل خطّاط قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری در اصفهان، از آثارش کتابت نسخه ای از مفتاح الفلاح تألیف آخوند ملّااسماعیل خواجویی است که آن را به خطّ نسخ کتابت نموده، نسخه در کتابخانه مسجد گوهرشاد در مشهد مقدّس [موجود است].(۳)

محمّداسماعیل اصفهانی

از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. یک نسخه ادعیه به خطّ نسخ زیبای او در مجموعه مرتضی عبدالرّسولی وجود داشته است. تاریخ کتابت این نسخه ۱۲۴۶ق است]. وی در سال ۱۲۴۹ قرآنی به خطّ نسخ، جهت فتحعلی شاه قاجار نوشته که به شماره ۱۴۸۶

۱- مزارات اصفهان، صص۱۰۲ ۱۰۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۷؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص۳۸۴ ۳۸.

۲- تذکره علمای هند، ص۲۶۱.

۳- فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد، ص۳۹۷.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

قرآن یاد شده شامل سوره های «یآس»، «الرّحمان»، «جمعه» و «نبأ» می باشد.

شیخ اسماعیل اصفهانی کاظمینی

شیخ اسماعیل اصفهانی کاظمینی، از فضلاء و صلحاء بوده، و در ۱۳۳۰ق در کاظمین وفات یافت.(۲)

اسماعیل

اسماعیل بن حاج ابراهیم، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. ظاهراً از شاگردان ملّامحمّدباقر سبزواری بوده، و در اصفهان اقامت داشته است. وی نسخه ای از ذخیره المعاد را در سال ۱۱۲۸ق کتابت نموده است.(۳)

میرزا اسماعیل خان مصلح السّلطنه

میرزا اسماعیل خان مصلح السّلطنه صدری متخلّص به «مصلح» فرزند محمّدابراهیم خان بن حاج محمّدحسین خان صدراعظم اصفهانی شاعر ادیب، مادرش خدیجه خانم ملقّب به عصمت الدّوله دختر فتحعلی شاه بوده، و خود او در سال ۱۲۶۰ق در اصفهان متولّد شده، و علم و ادب آموخته است. وی تفنگ چی باشی ظلّ السّلطان حاکم اصفهان بوده، و در سال ۱۳۴۶ق در سنّ ۸۶ سالگی وفات یافته، و در تخت فولاد، تکیه ملک مدفون شده [است]. از آثار او: ۱. نخجیرنامه، در آداب شکار زدن، مطبوع ۲. دیوان اشعار. این شعر از او است:

زلفت چو سنبل است، و خم اندر خم اوفتد رویت چو ماه روشن و این مه کم اوفتد

رویت عرق کند به خجالت به نزد دوست آن سان که صبح بر گل تر، شبنم اوفتد

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۱۴۰؛ فهرست دانشگاه، ج۸، ص۱۳۷.

۲- نقباء البشر، ج۱، ص۹.

۳- فهرست رضوی، ج۵، ص۴۲۴؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۳.

دل از کفم ربودی و سخنش را نگاه دار زیرا در این زمانه، چنین دل کم اوفتد(۱)

اسماعیل ثقفی

ابواسحاق اسماعیل بن ابراهیم بن صُبیح ثقفی، از محدّثین اصفهان است از سعدویه، سهل بن عثمان و شاذکونی حدیث روایت می کند.(۲)

میرزا اسماعیل اصفهانی «دُردی»

میرزا اسـماعیل متخلّص به «دُردی» فرزند میرزا محمّدابراهیم ساغر اصـفهانی شاعر ادیب، نویسنده و خطّاط، در قرن ۱۴ هجری می زیسته، از اصفهان به هندوستان مهاجرت نموده، و در اسکندرآباد ساکن شده، از کتب او است:

۱. امراض مسلمانان و ادویه آن ها ۲. تجارب من و آراء خود من ۳. تعویض جان و روح ایمان ۴. محبوب الاخلاق، منظوم ۵. هم دردی ۶. رساله در تغییر رسم الخط ۷. تاریخ جهان(۳).

اسماعیل ابوی

اسـماعیل بن ابی زیـد الابوی، از ادبای اصـفهان است. مافرّوخی نام او را در ردیف متقدّمین، و در شـمار دانشـمندان صـرف و نحو و لغت و انشاء آورده است.(۴)

میرمحمّداسماعیل اعرجی

میرمحمّداسماعیل بن میرابوصالح بن امیر عبدالرزّاق حسینی اعرجی سبزواری

۱- رجـال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۱۹۹؛ مکـارم الآثار، ج۵، ص۱۶۳۲؛ نقباء البشـر، ج۱، صص ۱۵۰ ۱۵۱؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۴.

۳- دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، ص۹۹؛ مؤلّفین کتـب چـاپی فارسـی و عربی، ج۱، ص۵۸۸؛ فهرست مرعشـی، ج۷، ص۳۶.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۲.

اصفهانی، عالم فاضل، واعظ کامل در این شهر سکونت داشته، و تحصیل نموده است. امام جماعت مسجد جامع جدید عبّاسی [مسجد امام فعلی] بوده، و در آن جا وعظ و ارشاد می نموده است. وفات او ظاهراً در اواخر قرن دوازدهم یا اوایل قرن سیزدهم بوده، و ایشان را سه پسر است به نام های میرمحمّدرفیع، میرمحمّدتقی، شیخ الاسلام ماربین و میرمحمّدباقر.

صاحب عنوان، تألیفاتی داشته که از آن جمله است: ۱. رساله ای در اصول دین ۲. رساله ای در تجوید ۳. کتابی در ادعیه.(۱)

سیّداسماعیل طباطبایی

اسماعیل طباطبایی اصفهانی بن میرابوطالب، از فضلاء قرن سیزدهم هجری قمری و ظاهراً از شاگردان مرحوم سیّد حجّت الاسلام بیدآبادی است. از آثارش کتابت نسخه ای است از رجال مرحوم حجّت الاسلام شفتی بیدآبادی در ترجمه اسحاق بن عمّار که آن را در چهارشنبه اوّل محرّم سال ۱۲۴۶ق به خطّ نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۱۲۴۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. میرزا زین العابدین شهشهانی فرزند محمّدعلی سبزواری از شاگردان او است که در مجموعه ۱۵۴۰ کتابخانه آیت اللّه مرعشی ذکری از او شده است.(۲)

اسماعیل عطّار

ابوشکر اسماعیل بن ابی الفضل بن علی عطّار اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری است. او سبط ظفر بن عبدالرّحیم اصفهانی است. قبل از سال ۴۶۰ق متولّد شده است. سمعانی از او چنین یاد می کند؛ «شیخ صالح سدید، من اهل الخیر. له ثروه و نعمه». او از ابوعبداللّه قاسم ثقفی استماع حدیث نموده [است]. ابوسعد سمعانی از او روایت حدیث می کند.(۳)

۱- ارشاد المسلمین، ص۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص۵۲؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۶۷.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۱۱۶.

میرزا اسماعیل کلباسی

میرزا اسـماعیل بن میرزا ابوالقاسم شـیخ العراقین بن آقا محمّدمهـدی بن حاج محمّدابراهیم کلباسـی، از علماء و فضـلای نجف اشرف بوده است.] در سال ۱۳۴۲ق وفات یافت، و جنب قبر پدرش واقع در مقابل مقبره شیخ مرتضی انصاری، در صحن مطهّر مرقد حضرت علی علیه السلام مدفون شد(۱)].

میرمحمّداسماعیل خاتون آبادی

میرمحمّداسـماعیل بن میر ابوالمحسن بن میرمحمّد اسـماعیل حسینی خاتون آبادی از فضلای قرن سیزدهم هجری است. وی در سال ۱۲۶۳ق وفـات یافت، و در تکیه خاتون آبادی در تخت فولاد مـدفون شـد. مسـجد میرابوالمحسن در محلّه پاقلعه اصـفهان منسوب به پدر او است.(۲)

اسماعیل ثقفی

ابواسـحاق اسـماعیل بن احمد بن اُسـید ثقفی از محدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است. او از محدّثین مکّه، کوفه و بصـره روایت نموده است. وفات او در ربیع الآخر ۲۸۲ق روی داد. از اسماعیل بن موسی روایت می کند، و عبداللّه بن حسن بن بندار در کتابش از او نقل حدیث نموده است. از تألیفات او: المسند و التّفسیر می باشد.(۳)

محمّداسماعیل خوانساری

محمّداسماعیل بن احمد خوانساری، از خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۵۶؛ خاندان کلباسی، ص۱۵۵.

۲- رجـال اصـفهان یـا تـذکره القبور، ص۱۹۹؛ دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، ص۲۶۶؛ سـیری در تاریـخ تخت فولاـد، ص۱۱۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۲؛ الاعلام، ج۱، ص۳۰۳؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسـماعیل»، ص۲۵۰۲؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۳۱۶.

است. از آثار او کتابت کتابی در امامت، تألیف حاج سیّداسداللّه بیدآبادی است که در کتابخانه فاضل ارجمند، آقای شفتی نگهداری می شود. کتاب در سال ۱۲۹۳ق کتابت شده، و عبدالعظیم اصفهانی در شهر رجب ۱۲۹۳ آن را تصحیح و مقابله نموده است.(۱)

آقامحمّداسماعیل خوراسکانی

آقا محمّد اسماعیل فرزند آخوند ملّااحمد خوراسکانی، عالم فاضل، از زندگانی او اطّلاعی در دست نیست. در ۲۴ ذی حجّه ۱۲۸۴ق وفات یافت، و در تخت فولاد نزدیک بقعه فیض مدفون گردید.(۲)

سیّداسماعیل سبزواری

سیّداسماعیل حسینی اصفهانی سبزواری فرزند سیّداسداللّه عالم فقیه، در نجف اشرف خدمت حاج میرزا حبیب اللّه رشتی تلمّذ نموده، و در سال ۱۳۲۲ در کربلا وفات یافته است.(۳)

میرمحمّداسماعیل خاتون آبادی

میرمحمّداسماعیل حسینی خاتون آبادی فرزند سیّدمحمّدباقر بن میرمحمّدباقر شاهمراد عالم فاضل، عابد زاهد، فقیه و حکیم مفسّر، در دوشنبه ۱۶ ربیع الثّانی سال ۱۰۳۱ق متولّد شد. از شاگردان ملّامحمّدتقی مجلسی، میرزا رفیعا نایینی، ملّارجبعلی تبریزی بوده، و از ملّامحمّدتقی مجلسی و سیّدشرف الدّین علی موسوی جزایری اجازه دریافت نموده است. سال ها امام جماعت و مدرّس جامع جدید عبّاسی [مسجد امام فعلی] بود، و شاگردان بسیاری تربیت نمود. در اواخر عمر، در تخت فولاد مدرسه ای بنا نمود، و به تدریس و تألیف و عبادت در آن مدرسه مشغول شد. وی سرانجام در سال ۱۱۱۶ق وفات یافت، و در مدرسه خود در

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص ۲۷۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۹؛ خورشید جی، صص۲۹۳ ۲۹۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۷.

تخت فولاد، نزدیک تکیه آخوند ملّامحمّد زکی مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات او است:

۱. اعتقادیّه، به فارسی، موجود در کتابخانه مجلس ۲. انموذج العلوم، به عربی، موجود در کتابخانه مجلس ۳. التّحفه الرّضویه در شرح حدیث عمران صابی، جزو کتب اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه تهران ۴. تفسیر قرآن، چهارده جلد که سوره جمعه تا تحریم، در کتابخانه مجلس موجود است ۵. تقویم الایمان و تحقیق المقال به فارسی، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی ۶. تنقیح العقائد یا تنقیح المقاصد، به عربی، موجود در کتابخانه مجلس ۷. جامع الاخبار و الفتاوی ۸. الجبر و الاختیار، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی ۹. حاشیه بر الهیّات شفا، موجود در کتابخانه دانشکده الهیّات دانشگاه تهران ۱۰. حاشیه بر شرح اشارات ۱۱. زادالمسافرین و تحفه السّالکین، به فارسی، موجود در کتابخانه مجلس ۱۲. شرح اصول کافی ۱۳. شرح عقاید ملّاجلال دوانی بر عقاید عضدالدّین ایجی، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۱۴. شرح عقاید شیخ صدوق، موجود در کتابخانه دانشکده الهیّات دانشگاه تهران ۱۵. صلاه الجمعه، موجود در کتابخانه مجلس ۱۶. معالم الدّین، در اصول دین، به عربی موجود در کتابخانه مجلس ۱۷. منهاج الیقین در اصول دین، موجود در کتابخانه مجلس ۱۸. نوروزیّه.(۱)

شیخ محمّداسماعیل نجفی

حاج شیخ محمّداسماعیل نجفی فرزند حاج شیخ محمّدباقر مسجدشاهی نجفی عالم فاضل فقیه مجتهد، در نیمه شب ۲۷ رمضان المبارک سال ۱۲۸۸ق در اصفهان متولّد شد، و

۱- رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۴۹ ۵۰؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۱۷۶ و ۳۰۷؛ وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۰۵؛ تتمیم امل الآمل، ص۶۹؛ مصفّی المقال، صص۷۸ ۷۹؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۳۲۰؛ اعیان الشّیعه، ج۴۳، ص۲۹۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۱۸۶ ۱۸۷ و ۲۶۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۱۱۲ و ۱۱۴؛ الذّریعه، ج۲۴، ص۳۸۱؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۱، صص۳۲۳ ۳۲۴؛ فهرست مجلس، ج۷، ص۱۶، ج۱۰، صص۱۲۲۸ و ۱۳۳۲ و ۱۳۲۹ ۱۳۳۰ و ج۱۲، ص۱۷؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج۹، ص۹۷۵؛ فهرست اهدایی مشکاه، ج۵، ص۱۱۹۹؛ فهرست الهیّات تهران، صص۵۳۱ و ۵۶۹.

پس از تحصیلات مقدّمات علوم به عتبات عالیات مهاجرت نمود، و نزد مراجع عالی قدر و مجتهدین و مدرّسین آن دیار، همچون حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، آخوند خراسانی، شیخ عبدالهدی شلیله، تحصیل کرد، و از آقاابوالحسن اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری اجازه دریافت نمود. سپس به تدریس پرداخت، و پس از چندی به اصفهان بازگشت، و عزلت و انزوا برگزید، و تنها به اقامه نماز جماعت در مسجد شاه [مسجد امام فعلی] در ظهرها قناعت نمود. سرانجام، صاحب عنوان در شب ۸ ذی الحجّه الحرام سال ۱۳۷۰ق در اصفهان وفات یافت، و جنازه به عتبات عالیات منتقل، و در یکی از حجرات صحن حضرت ابوالفضل العبّاس علیه السلام مدفون گردید.

یداللّه برخوردار، متخلّص به تائب، تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

به تاریخ وفاتش تائب بی دل چنین گفتا: «شد اسماعیل وارد در جنان از مهر یزدانی»

کتب و رسائل زیر از تألیفات حاج شیخ اسماعیل نجفی است، و هیچ کدام به طبع نرسیده است: ۱. رساله در استصحاب ۲. رساله در اصول، تا پایان بحث عموم و خصوص ۳. رساله در تعادل و تراجیح ۴. رساله در اصل برائت ۵. رساله در عدالت، مختصر ۶. حواشی بر رجال علاّمه (خلاصه علاّمه)، غیر مدوّن ۷. حواشی بر کفایه الاصول، مختصر ۸. مجموعه ای کشکول مانند، حاوی مطالب متفرّقه.(۱)

میرمحمّداسماعیل ثالث خاتون آبادی

میرمحمّداسماعیل خاتون آبادی معروف به میرمحمّداسماعیل ثالث فرزند میرمحمّدباقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل، فقیه محقّق، در اصفهان تحصیل کرد، و سپس در مسجد جامع جدید عبّاسی (مسجد امام) اقامه جماعت می نمود، و در مدرسه چهارباغ تدریس می کرد. سرانجام در سال ۱۱۶۰ق وفات یافت، و در تکیه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۸؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۵۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص۲۷ ۳۸؛ مکارم الآثار، ج۸، صص۲۸۸۸ ۲۸۸۹.

خاتون آبادی ها در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میرمحمّداسماعیل بن میرمحمّدباقر بن علاءالدّین محمّد گلستانه، عالم فاضل، در اصفهان نزد جمعی از فضلاء، ازجمله ملّامحمّداسماعیل مازندرانی خواجویی به تحصیل پرداخته است. وی نسخه ای از کتاب بشارت الشّیعه تألیف استادش خواجویی را در ۹ ذی قعده سال ۱۱۵۶ق کتابت نموده است. وی هم چنین دعای علقمه را به خطّ زیبای خود نوشته است.(۲)

اسماعیل ذهبی

ابوالفتوح اسماعیل بن بختمیر بن فتکین ذهبی اصفهانی از محدّثین قرن پنجم هجری است. سمعانی درباره او گوید: «کان شیخاً صالحاً مستوراً». تولّدش بعد از سال ۴۶۰ق بوده است. سمعانی از او یک حدیث نقل کرده است.(۳)

میرزا محمّداسماعیل منجّم

میرزا محمّداسماعیل بن میرزا بدیع الزّمان منجّم حسینی گنابادی از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. او همچون پدر به تحصیل نجوم و ریاضی پرداخت، و در آن علوم، مهارت کامل یافت. تصنیفات و تألیفات متعدّد از او باقی ماند. وی در سال ۱۲۳۰ق در اصفهان وفات نمود، و جنازه در عتبات عالیات مدفون شد.(۴)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۷؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴.

۲- الکواکب المنتشره، صص۶۵ ۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۶؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۱؛ الذّریعه، ج۳، ص۱۱۲.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۸۶؛ تاریخ مدینه دمشق، ج۳۴، ص۲۴۳.

۴- مکارم الآثار، ج۸، ص۲۹۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۴؛ چهل سال تاریخ ایران (الماثر و الآثار)، ج۱، ص۲۵۵.

ملّامحمّداسماعیل واحدالعین

آخونـد ملّامحمّداسـماعیل واحـدالعین، فرزند محمّدسـمیع، عالم فاضل، حکیم فیلسوف و عارف کامل، از فلاسـفه و مدرّسـین حکمت در اصـفهان است. از افاضـل شـاگردان حکیم ملاّـعلی نـوری، و خـود، در تـدریس، خـوش بیـان و خـوش تقریر بوده [است]. بسـیاری از فضـلاء و حکمـاء، از دست پرورد گـان او به شـمار می رونـد؛ ازجمله حاج ملاهادی سبزواری که اسـتاد را ذوالعیون می خوانـده، و سال ها از محضـر او مسـتفیض شـده است. [در تبیین و تـدریسِ حکمت متعالیه ملّاصدرا اسـتادی کم نظیر بوده، و به ایرادات مخالفان ملّاصدرا همچون شیخ احمد احسایی پاسخ هایی درخور داده است.

صاحب عنوان، در روزهای آخر عمر به تهران عزیمت کرد، و در رکاب فتحعلی شاه به سلطانیّه رفت. در آن جا بیمار، و راهی گیلان شـد، و در محرّم ۱۲۴۲ق در آن جـا وفـات یافت]. آثار و تألیفات ایشان عبارت انـد از: ۱. حاشـیه بر اسفار ۲. حاشیه بر شوارق الالهـام ۳. شـرح الحکمه العرشیّه، که در آن، به ایرادهای شـیخ احمـد احسایی به ملّاصـدرا پاسـخ داده، و در حواشـی کتاب عرشیّه، در سال ۱۳۱۰ق چاپ سـنگی شده است ۴. حاشـیه بر مشـاعر که در حواشـی کتاب مشاعر در سال ۱۳۱۵ق در تهران چاپ سنگی شده است.(۱)

محمّداسماعیل خواجویی ثانی

آقـا محمّداسـماعیل خواجویی ثـانی، فرزنـد آقـا محمّـدجعفر بن ملّامحمّداسـماعیل خواجویی، از علمـاء و فضـلاء اصـفهان، و (احتمالاً) از شاگردان پدر خود و آخوند ملّاعلی نوری و دیگران بوده است.

در ۲۵ ربیع الاوّل سال ۱۲۸۲ وفات یافت، و در تخت فولاد، در جنب قبر جدّ خویش

۱- الذّریعه، ج۱۳، ص۳۶۸ و ج۶، صص۱۴۴ و ۲۰۰؛ الکرام البـرره، ج۱، ص۱۴۰؛ ریحـانه الادب، ج۶، ص۲۸۵؛ تحریر ثانیِ تاریخ حکما و عرفاء؛ شرح احوال و آراء فلسفی ملاصدرا، ص۲۱۴؛ مکارم الآثار، ج۶، صص۲۱۵۲ ۲۱۵۳؛ آشنای حق، ص۲۸؛ مقالات ادبی، صص۴۲۹ ۴۳۲؛ قصـص العلماء، ص۱۵۱؛ الشّواهـد الرّبوبیّه، مقـدّمه، ص صـد و شانزده؛ فهرست مجلس، ج۳۵، ص۴۰۶؛ فهرست کتاب های چاپی عربی، ص۲۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۷۳ ۲۷۴.

مدفون گردید.

کفّاش شاعر اصفهانی در مرثیّه و مادّه تاریخ وفات او گوید:

زین جهان چون که به فرمان خداوند جلیل کرد منزل به گلستان بقا اسمعیل

حال کفّاش به تاریخ وفاتش تو بگو: «شد ز دنیا سوی بستانِ جنان اسمعیل»(۱)

[وی یکی از کسانی است که در ماه رجب سنه ۱۲۵۶ تصدیق بر صحّت نسَب میرجهانی جوشقانی نوشته، و صورت آن در کتاب سبیکه البیضاء تألیف حاج میرمحمّدحسن میرجهانی محمّدآبادی جرقویی ص۷۹ درج شده است. سیّداحمد دیوان بیگی در شرح حال محمّدحسین متخلّص به ضیاء، فرزند صاحب عنوان گوید: «پدر در پدر از فضلاء و علمای اخیار».

ملّامحمّداسماعیل درکوشکی

حاج ملّامحمّداسماعیل درکوشکی فرزند محمّدجعفر، حکیم فیلسوف، از اجلّه حکماء و مدرّسین اصفهان از شاگردان ملّااسماعیل واحدالعین، میرزا حسن نوری، میرزا رضی لاریجانی، ملّاعبدالجواد خراسانی و دیگران بود، و شاگردان بسیاری از محضر او مستفیض شدند؛ ازجمله آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقایی، آقا سیّدابوالقاسم دهکردی که در شرح حال خود نوشته است: «علم حکمت را غالباً نزد حکیم متألّه، حاجی ملّااسماعیل حکیم، ساکن در محلّه درب کوشک، خصوص اسفارِ آخوند ملّاصدرا در مدّت چهار سال نزد آن حکیم ماهر، قرائت کردی».

وفاتش در روز جمعه ۱۵ شوّال ۱۳۰۴ق روی داده است. مدفن ایشان در تخت فولاد، در جوار مرقد ملّااسماعیل خواجویی است. در سنگ مزار او با این القاب از او یاد شده: «مرحوم مغفور مبرور، العالم الفاضل الکامل، زبده الحکماء المتألّهین، طایف بیت اللّه الحاج محمّداسماعیل غفرله»(۲).

[چندین جلد کتاب در کتابخانه های مختلف، تألیف محمّداسماعیل بن محمّدجعفر

۱- مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص۷۴ ۷۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۸؛ دانشمندان بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۶۹ ۲۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۹؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص۱۹۱ ۱۹۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۶.

اصـفهانی است که به احتمال قوی، همین ملاّمحمّداسـماعیل درکوشکی است]. این کتاب ها عبارت اند از: ۱. جلوات ناصریّه، در توحید، به فارسـی(۱)، موجود در کتابخانه مرکزی دانشـگاه تهران جزو کتب اهـدایی آقای مشـکاه به دانشـگاه(۲) و نسخه دیگر، موجود در کتابخـانه دانشـکده الهیّات و معارف اسـلامی مشـهد(۳)، و نسـخه دیگر موجـود در کتابخـانه مجلس شورای اسلامی(۴) ۲. شـرح حـدیث رأس الجـالوت(۵) ۴. رسـاله در اثبـات سـکون زمیـن، موجـود در کتابخـانه آیـت اللّـه العظمی گلپایگانی(۶) ۵. ترجمه رسـاله الادوار، تـألیف صـفی الـدّین عبـدالمؤمن ارمـوی، میکروفیلم آن موجود در کتابخـانه مرکزی دانشگاه تهران(۷) ۶. ترجمه رساله الشّرفیه، در موسـیقی، تألیف صـفی الـدّین عبدالمؤمن ارموی، موجود کتابخانه در مدرسـه عالی سپهسالار تهران(۸).

میرزا اسماعیل قائنی

میرزا اسـماعیل قائنی بیرجندی اصـفهانی فرزند محمّدجعفر، عالم فاضل ادیب عارفِ نیمه اوّل قرن سـیزدهم هجری. از خراسان به اصفهان آمده، و در آن جا به تحصیل پرداخته، و در ادبیّات عرب، علوم غریبه، حکمت و عرفان مهارت داشته، و تألیفاتی از خود به جای نهاده اسـت(۹) کـه از آن جمله است: ۱. ارجوزه فی الاصول(۱۰) ۲. ثمره الارواح، در رمل موجود در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی(۱۱) ۳. نظم اللّئالی در اصول فقه، ظاهراً همان ارجوزه است، موجود در کتابخانه بروجردی در نجف(۱۲).

سیّداسماعیل هاشمی

حـاج سیّداسـماعیل هاشـمی بن آقاسیّدمحمّدحسن بن سیّدابراهیم موسوی طـالخونچه ای اصـفهانی، عالم فاضل فقیه ماهر. در حدود سال ۱۳۳۰ق در قریه «طالخونچه» از بلوک سـمیرم متولّـد شـد. مقـدّمات علوم را نزد پدر و برادر بزرگ خود سیّدعلی اکبر فراگرفت، و سـپس در اصـفهان نزد آقـا شـیخ محمّـدرضا نجفی، حـاج شـیخ مهـدی نجفی، سیّدزین العابـدین طباطبـایی ابرقویی، حاج محمّدجواد بیدآبادی و استاد همایی تحصیل نمود. آن گاه برای

۱- الذّریعه، ج۵، ص۱۲۷.

۲- فهرست اهدایی مشکاه، ج۳، ص۲۲۳؛ الذّریعه.

۳- فهرست الهیّات مشهد، ج۱، ص۳۹۷.

۴- فهرست مجلس، ج۶، صص ۸۰ ۸۲.

۵- مکارم الآثار، ج۷، ص۲۷۳۹.

۶- فهرست گلپایگانی، ج۲، صص ۸۱ و ۸۴.

۷- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۹.

۸- احوال و آثار خواجه نصیرالدّین طوسی، ص۱۵۴.

۹- مقالات ادبی، همایی، ص ۴۴۰.

۱۰- تراجم الرّجال، ج۱، ص۱۰۸.
۱۱- فهرست مرعشی، ج۱۴، صص۲۱۷ ۲۱۸.
۱۲- الذّریعه، ج۱، ص۴۵۷ و ج۲۴، ص۲۴.

تکمیل تحصیلات خود به قم رفت، و نزد علمای اعلام و آیات عظام، سیّدمحمّدرضا گلپایگانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، شیخ محمّدرضا جرقویه ای، سیّدمحمّد حجّت، سیّدمحمّدتقی خوانساری، سیّدصدرالدّین صدر و فاضل لنکرانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس به اصفهان بازگشت، و در قریه «قمبوان» ساکن شد. پس از سال ها به اصفهان آمد، و به تدریس، ارشاد و هدایت مردم و اقامه جماعت پرداخت. ایشان در ۲۸ جمادی الاوّل ۱۴۲۰ق وفات یافت، و در بقعه علاّمه مجلسی مدفون گردید. کتب زیر از او است:

۱. اربعین به نام ملتقات ۲. دیوان اشعار به عربی و فارسی ۳. ذریعه الزّائر یا رهبر زوّار، مطبوع ۴. درّه البیضاء فی فضایل سیّدالنّساء ۵. شهاده الشّهداء، در شرح و ترجمه لوح حضرت زهرا سلام اللّه علیها ، مطبوع ۶. ضیاء البشر در رد شیخیّه کریم خانیّه ۷. لؤلؤ درخشان در صفات بهترین زنان ۸. مجموعه ای در ردّ صوفیّه ۹. هدایه الاخوان، درباره حقوق برادران.

ایشان در اواخر عمر خود، نماینده استان اصفهان در مجلس خبرگان رهبری بود، و در چنیدن مؤسّسه خیریّه عضویت داشت.(۱)

سیّداسماعیل سدهی

سیّداسماعیل سدهی اصفهانی بن سیّدحسن بن سیّداسماعیل بن سیّدرضا بن هاشم موسوی، عالم فاضل، در سال ۱۳۰۶ق در محلّه درب سیّدِ محلّه فروشان بیده متولّد شد. مقدّمات را نزد دایی خود میرزا عبدالرّحیم و برخی از علمای اصفهان خواند، و سپس راهی نجف اشرف گردید، و از درس آخوند خراسانی، شیخ علی گنابادی، شیخ اسماعیل محلاّتی، میرزا حسین نایینی، آقا ضیاءالدّین عراقی و سیّدابوتراب بهره گرفت، و در علوم عقلی نیز در درس شیخ عبدالحسین رشتی و سیّدمحمّدحسین بادکوبی حاضر شد. وی از علمای معتبر نجف به شمار می رفت، و در شب دوشنبه ۵ شوّال ۱۳۷۳ق وفات یافت، در صحن شریف مجاور مقبره معین التجّار اصفهانی مدفون گردید. از وی تقریرات فقه و اصول و رساله های مستقل به صورت ناقص، نزد فرزند مؤلّف، سیّدمحمّد

۱- یادنامه آیت اللّه حاج سیّداسماعیل هاشمی؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص۲۸۷ ۲۸۹؛ مزارات اصفهان، ص۴۴؛ مدرّس مجاهدی شکست ناپذیر، صص۲۲۰ ۲۲۱؛ سیمای دهاقان، صص۲۹۶ ۲۹۸.

باقی مانده است.(۱)

شیخ اسماعیل تاج الواعظین

(شیخ اسماعیل تاج الواعظین واعظ با اخلاص و وارسته. دارای صدایی دلنشین و آوازی گیرا بود و از این رو شهرت و محبوبیت زیادی در بین مردم داشت. وی در ۳۱ مرداد ۱۳۲۶ش وفات یافت و در تکیه سید العراقین مدفون شد.

(صغیر اصفهانی ماده تاریخ وفاتش را چنین گفته: قربانی دوست کرد جان اسماعیل)(۲)

ملّا محمّداسماعیل خواجویی

ملّامحمّداسماعیل بن محمّدحسین بن محمّدرضا بن علاء الدّین محمّدمازندرانی معروف به ملّااسماعیل خواجویی. عالم فاضل و حکیم کامل محقّق مدقّق، از اکابر فقهاء مجتهدین، و از اعاظم حکماء و مدرّسین. اصلاً از اهالی مازندران است؛ امّا به مناسبت سکونت در محلّه خواجوی اصفهان، به خواجویی شهرت یافته است. از اساتید او اطّلاعی نداریم، خود او نیز در تألیفاتش به نام اساتید خود اشاره نکرده است؛ امّا از برخی منابع برمی آید که از شیخ حسین ماحوزی روایت دارد، و احتمال دارد از شاگردان محضر آخوند ملّامحمّدجعفر کرباسی صاحب کتاب طباشیر، و هم چنین فاضل هندی، فاضل سراب و ملّامحمّدصادق اردستانی باشد.

[زندگانی او با فتنه افغان مصادف بوده، و در جریان محاصره اصفهان و تسلّط افغان ها، گرانی و قطحی و بیماری ها و قتل عام مردم اصفهان، رنج ها دیده، و آزارها کشیده است. پس از ظهور نادر، و رفع فتنه افاغنه، کمر به احیای حوزه علمیّه اصفهان بسته، و فضلاء و اهل علم را گردآورده، و مجالس و محافل تدریس و بحث را رونق داده، و به اشاعه فقه و کلام و حکمت، اهتمام ورزیده است.

۱- نقباء البشر، ج ۱، ص۱۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

او در انواع علوم زمان خود ماهر بوده، و خصوصاً در تدریس شفا مهارتی بسزا داشته است. از حافظه ای قوی برخوردار بوده، و خطّ نستعلیق را خوش می نوشته است. این عالم عالی قدر، در دنیا به قلیلی از خوراک و پوشاک اکتفا کرده، و نظر خود را از ماسوی اللّه قطع نموده بود؛ لاجرم، مستجاب الدّعوه بود، و کراماتی از ایشان به ظهور رسید. در مقابل سخن حق، تسلیم و صاحب هیبتی عظیم بود. بزرگ و کوچک و شاه و گدا او را احترام می کردند و صاحبان جلالت و سلطنت، در تفخیم او دقیقه ای فروگذار نمی کردند. تا جایی که نادرشاه افشار با آن همه سطوت و صولتی که داشت، و به فضلاء و اعاظم علمای عصر خود اعتنایی نمی کرد، وی را مورد عنایت خاصّه قرار داده بود، و فرمان او را امتثال می کرد، در حالی که آن بزرگمرد، به مقام و عظمت نادر، بی اعتنا بود].

بسیاری از علماء و فضلاء، از محضر درس او مستفیض شده اند که از آن جمله اند: آقامحمّد بیدآبادی، میرزا ابوالقاسم مدرّس، ملّامهدی نراقی و ملّامحراب گیلانی.

صاحب عنوان در ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ق در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد، نزدیک مزار فاضل هندی مدفون گردید. [میرزا عبدالنّبی قزوینی در تتمیم امل الآمل سال وفات او را ۱۱۷۷ق ذکر نموده است، و احتمال این که اشتباه، از کاتب نسخه باشد زیاد است. شیخ عبّاس قمی در فوائد الرّضویه و جمعی پنداشته اند که ما دو نفر ملّااسماعیل خواجویی در یک زمان داشته ایم، یک نفر فقیه، متوفّی به سال ۱۱۷۳، و یک نفر حکیم و فیلسوف، متوفّی به سال ۱۱۷۷ که این ادّعا ناشی از اشتباه راه یافته به کتاب تتمیم امل الآمل، و به کلّی مردود است]. در تاریخ وفات او [به حساب ابجد] گفته اند:

«نورّ اللّه الجلیل مقبرته» «رفع اللّه فی الجنان منزلته»

دبیر، شاعر اصفهانی در مرثیه ای [که در حاشیه سنگ لوح مزار خواجویی نقر گردیده]، مادّه تاریخ وفات ایشان را چنین می گوید:

بهر تاریخ او دبیر نوشت: «خانه علم منهدم گردید»

[تا این اواخر، قبر او به صورت سکویی در وسط قبرستان باقی بود، تا این که شهرداری اصفهان، بقعه ای بر سر قبر او احداث کرد].

تألیفات ایشان را اعمّ از کتاب و رساله، بیش از یک صد و پنجاه کتاب نوشته اند که اغلب به

چاپ رسیده است، و از آن جمله است:

۱. ابطال زمان الموهوم، [چاپ شده در کتاب سبع رسائل] ۲. الاربعون حدیثا، [چاپ شده] ۲. بشارات الشّیعه، [چاپ شده] ۳. تجسّم اعمال، [چاپ شده در جلد اوّل کتاب میراث حوزه اصفهان] ۴. ترجمه مناظره مأمونیّه، [به چاپ رسیده است [۵. تعلیقه بر اربعین حدیث شیخ بهایی [چاپ شده] ۶. تعلیقه بر اثنی عشریّه صومیّه شیخ بهایی، [چاپ شده [۸. تعلیقه بر مفتاح الفلاح شیخ بهایی [چاپ شده] ۹. ردّ بر وحدت وجود، به فارسی، [چاپ شده در جلد اوّل میراث حوزه اصفهان] ۱۰. جامع الشّتات [چاپ شده [۱۱. رسائل در اجل محتوم، [چاپ شده در جلد اوّل میراث حوزه اصفهان [۱۲. سهو النّبی، [چاپ شده [۱۳. الفوائد الرّجالیّه، [چاپ شده [۱۴. مفتاح الفلاح فی شرح دعاء الصّباح، [چاپ شده [۱۵. هدایه الفؤاد، [چاپ شده [۱۶. حاشیه بر مدارک، [مخطوط] ۱۷. حاشیه بر تفسیر صافی، [مخطوط] ۱۸. حاشیه بر زبده البیان، [مخطوط(۱)].

اسماعیل مبارکه ای لنجانی

اسماعیل بن حسین مبارکه ای لنجانی اصفهانی، از خطّاطان قرن سیزدهم هجری. از آثار او نسخه ای از حیاه القلوب تألیف علاّمه مجلسی است که در ۲۶ محرّم ۱۲۴۵ به خطّ نستعلیق، از کتابت آن فراغت یافته است. نسخه آن به شماره ۳۱۰۷ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص۱۱۵ ۱۱۶؛ تاریخ اصفهان، جابری، صص۳۰۷ و ۱۷۵ و ۲۶۰؛ آشنای حق، صص۲۸ ۳۱؛ مقالات ادبی، ج۱، ص۳۲۸، شرح روضات الجنّات، ج۱، صص۲۹۶ ۳۰۷؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج۱، صص۳۱۶ ۳۱۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۵۳ ۵۵؛ تتمیم امل الآمل، صص۶۷ ۶۹؛ تجربه الاحرار، ص۱۵۰؛ الذّریعه، ج۱، ص۴۱۰ و ۷۰، ج۲، ص۳۲۱، ج۶، صص۱۳ و ۱۹۶، ج۵، ص۵۴۱، ج۱۳، صص۱۱۶ و ۳۱۱، ج۱۴، صص۶۲ و ۲۵۲، ج۱۶، صص۶۰ و ۳۳۷، ج۲۱، ص۳۳۰ و ج۲۵، صص۱۸۶ و ۵۴؛ روضات الجنّات، ج۱، ص۱۱۴؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۱۰۵؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۲۰۰؛ فواید الرّضویه، ج۱، صص۵۲ ۵۳؛ خدمت متقابل اسلام و ایران، ص۹۵۲؛ نجوم السّماء، ص۲۶۸؛ اعیان الشّیعه، ج۴۳، ص۲۹۳؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص۷۴ ۷۵؛ گلشن مراد، ص۳۹۱؛ مکارم الآثار، ج۷، صص۲۴۲۱ ۲۴۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۷۲ ۲۷۳.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۹۲.

اسماعیل نایینی*

اسماعیل بن حسین نایینی، از فضلای قرن دهم هجری است. وی ظاهراً به تحصیل طب در اصفهان مشغول، و در مدرسه دیلمیّه اصفهان ساکن بوده است. وی در این مدرسه، کتاب های مختصر در طب، اثر چغمینی و فصول الایلاقیّه یا معالجات که از چغمینی است را در سال ۹۸۰ق کتابت نموده، و نسخه، در کتابخانه مجلس سنای سابق موجود بوده است.(۱)

اسماعیل اشعری

اسماعیل بن حماد بن ابی سلیمان مسلم، فقیه اشعری، از محدّثین اصفهان است. جدّش مسلم از اهالی رستاق بُرخوار اصفهان بوده، و محمّد بن یحیی بن منده از او نام برده است. اسماعیل اشعری از ابی اسحاق سبیعی و سلیمان اعمش روایت می کند. مُعتَمِر بن سلیمان و خالد بن عبداللّه از او نقل حدیث می کنند.(۲)

اسماعیل کاشف اصفهانی

آقااسماعیل اصفهانی متخلّص به «کاشف» فرزند استاد حیدرعلی معمار اصفهانی و نواده استاد محمّدعلی معمار اصفهانی، شاعر ادیب هنرمند، در اصفهان ساکن، و در فنّ آجرتراشی، استاد بود، عاقبت آن شغل را ترک کرد.(۳)

در سرودن شعر، طبع روانی داشت. از تألیفات او [است]: ۱. مثنوی تحفه العالم(۴) ۲. مثنوی ساقی نامه(۵) ۳. دیوان اشعار و بنابر آن چه از دیوان او مستفاد می شود، در سال ۹۹۹ متولّد [شده]، و تا سال ۱۰۸۰ق در قید حیات بوده، و پس از این تاریخ، وفات یافته است.(۶)

۱- فهرست مجلس، ج۲، ص۵۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۶؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۱۵۴.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۱۰ ۵۱۱.

۴- الذّریعه، ج۱۹، ص۱۳۶.

۵- الذّریعه، ج۱۹، ص۱۹۹.

۶- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۰، ص۱۷۹۶.

از او است:

هر جلوه که آن قدّ دلآرا دارد در صفحه سینه چون الف جا دارد

آویخته زلف مشکبو از چپ و راست این مصرع رنگین چه طرف ها دارد

اسماعیل خان اصفهانی

اسماعیل خان اصفهانی، از اهل ذوق ادب بوده، و به خواهش او شاه محمّد بن محمّد شیرازی دارابی کتاب ریاض العارفین را در سال ۱۰۹۹ق تألیف نموده است.(۱)

اسماعیل کوفی

ابوهانی اسماعیل بن خلیفه انصاری کوفی، از محدّثین قرن دوم هجری است. از موالی سعد بن عُباده بود، و منصور، خلیفه عبّاسی، او را به منصب قضای اصفهان برگزید. وی در زمان خلافت مهدی عبّاسی وفات نمود.

از اسماعیل بن ابی خالد، مُجالد، ثوری و مبارک بن فضاله روایت نموده، و حسین بن حفص، عامر بن ابراهیم، ابراهیم بن ایّوب، ابوسفیان و پسرش سعید بن اسماعیل از او نقل حدیث کرده اند.(۲)

اسماعیل بزّاز

اسماعیل بن داوود بزّاز، از محدّثین اصفهان است. وی از ابوطالب عبداللّه بن صلت روایت نموده، و احمد بن حسن تمیمی از او نقل حدیث نموده است.(۳)

اسماعیل خوانساری

اسماعیل بن محمّدخلیل خوانساری، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۲۴۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۲؛ مقتبس الاثر، ج۴، ص۳۱۰.

هجری است. وی در سال ۱۲۲۶ق تفسیر صافی را کتابت نموده، و در سال ۱۲۲۸ق، این نسخه توسّط صادق بن حاج مسیح خوانساری مقابله و تصحیح شده است. این نسخه در کتابخانه عمومی فرهنگ اصفهان موجود بوده است.(۱)

شیخ اسماعیل کلباسی

حاج شیخ اسماعیل کلباسی فرزند حاج میرزا محمّدرضا بن حاج عبدالرّحیم بن حاج محمّدرضا بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل و واعظ کامل، در ۱۰ ذی حجّه ۱۳۲۲ق متولّد شد(۲)، و نزد پدر بزرگوار خود، و بسیاری از علمای اصفهان و تهران و نجف اشرف بهره برد که از آن جمله است: آقاشیخ محمّدرضا نجفی، ملّامحمّدحسین فشارکی، آقا سیّدمحمّد مدرّس نجف آبادی، میرسیّدعلی مجتهد نجف آبادی، میرزا محمّدحسن داورپناه (قاضی عسکر)، میرزا یحیی بیدآبادی، شیخ علی یزدی، آقا سیّدمهدی درچه ای، حاج آقا صدرالدّین هاطلی کوپایی، شیخ محمود مفید، فاضل بسطامی، میرزا محمّدمهدی آشتیانی، میرزا آقا شیرازی، سیّدمحمود شاهرودی، شیخ محمّدحسن آل کاشف الغطاء و محمّدطاهر تنکابنی(۳)، و از برخی از آنان اجازه دریافت نمود.

ایشان سال ها در اصفهان به وعظ و خطابه و ارشاد مردم مشغول بوده، و باقی اوقات خود را صرف عبادت و مطالعه و تحقیق و تألیف می نموده است. مشارٌالیه در ۲۶ رمضان ۱۳۹۷ق در اصفهان وفات یافت، و در تخت فولاد، در مقبره مسجد رکن الملک مدفون شد.(۴) کتب زیر از تألیفات ایشان است: ۱. ترجمه و شرح نفس المهموم شیخ عبّاس قمی ۲. حواشی بر انیس اللّیل فی شرح دعاء کمیل پدر بزرگوارشان ۳. زیارتگاه اهواز (در شرح حال جناب علیّ بن مهزیار اهوازی، مطبوع(۵) ۴. شرح کتاب مدارس حاجی سبزواری، در اسرار احکام.

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۰۷.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۸۹؛ خلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام، ج۲، صص۲۵۳ ۲۵۴.

۳- احوال حاجی کرباسی و اولادش، صص۷۱ ۷۳؛ خاندان کلباسی، ص ۲۲۰.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۳.

۵- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۶۰۹.

شیخ اسماعیل دیهوکی طبسی

شیخ اسماعیل بن محمّد رفیع دیهوکی طبسی، عالم فاضل، از اهالی قریه «دیهوک» طبس و برادر ملاّعبدالحی دیهوکی طبسی است. همچون برادر در اصفهان به تحصیل علم مشغول بوده، و از علمای اصفهان به ویژه ملاّمحمّدباقر مجلسی بهره علمی برده است. وی نسخه ای از رساله الاوزان و المقادیر، تألیف علاّمه مجلسی را در ۲۰ رجب ۱۱۰۶ق کتابت نموده است. وفات او حدود سال ۱۱۴۰ق اتّفاق افتاده است.(۱)

محمّداسماعیل کفرانی

ملاّمحمّداسماعیل بن زین العابدین کفرانی رویدشتی اصفهانی فاضل جلیل خطّاط، از نویسنگان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. از آثارش کتابت دو نسخه از شرح زیارت جامعه از تألیفات شیخ احمد احسایی، هر دو مورّخ به سال ۱۲۶۶ یکی در کتابخانه دانشگاه تهران، و دیگری در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم به شماره ۲۴۵ موجود است. اثر دیگر وی، کتابت وجیزه البحار فی مناقب الائمّه الاطهار تألیف محمّد بن علی اصغر قائنی می باشد که در سال ۱۲۵۸ق آن را به خطّ نسخ نوشته است، و به شماره ۲۰۲۸ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملاّاسماعیل اصفهانی

ملاّاسماعیل بن محمّدصادق نجّار اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. از آثار او کتابت نسخه ای از شمسیّه است که آن را در سال ۱۲۳۵ به خطّ نسخ نوشته است.(۳)

۱- زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۱۳؛ تلامذه العلامه المجلسی، ص۱۳۳؛ الذّریعه، ج۲۳، ص۳۱.

۲- فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه، ص۱۴۱؛ فهرست کتابخانه مدرسه فیضیّه قم، استادی، ج۱، ص۱۴۸؛ فهرست مرعشی، ج۶، ص۳۵.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۲۳.

اسماعیل طالقانی (صاحب بن عبّاد)

ابوالقاسم اسماعیل بن ابوالحسن عبّاد بن عبّاس بن عبّاد بن احمد بن ادریس طالقانی اصفهانی ملقّب به «صاحب» و «کافی الکفاه»، عالم محدّث و ادیب شاعر و وزیر با کفایت، در ۴ ذی قعده سال ۳۲۴ (و یا بنا بر مشهور ۳۲۶ق) متولّد شده است. برخی مولد او را در اصطخر فارس، و برخی طالقان قزوین نوشته اند؛ امّا ثعالبی در یتیمه الدّهر او را اهل طالقان اصفهان دانسته است که ظاهرا قریه «طالخونچه» (طالقان چه) در اطراف اصفهان است. وی ابتدا نزد پدر به تحصیل پرداخت، سپس تحت تربیت ابوالفضل بن عمید قرار گرفت، و دبیرِ او شد. فنون ادبی، از قبیل صرف و نحو و لغت را از ابن فارس در ری کسب نمود، و از محدّثان عراق، ری و اصفهان حدیث شنید؛ ازجمله ابوعمرو صبّاغ، قاضی ابوبکر احمد بن کامل بن شجره، احمد بن محمّد بن حسین رازی، ابوعلی حسن بن احمد فسایی، ابوسعد حسن بن عبداللّه سیرافی، ابوالفضل عبّاس بن محمّد نحوی (عرام)، ابوبکر محمّد بن حسن بن مقسم عطّار.

دانشمندان بسیاری نیز از شاگردان او به شمار می روند که از آن جمله اند: حافظ ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی، ابومحمّدجعفر بن احمد بن علی ایلاقی قمی، شیخ عبدالقاهر بن عبدالرّحمان جرجانی، ابوالحسن محمّد بن جعفر بن محمّد کوفی (ابن نجار) و ابوالعلاء محمّد بن علیّ بن حسن همدانی رازی. در باب مذهب او گرچه عدّه ای او را زیدی یا معتزلی دانسته اند؛ امّا اکثر نویسندگان، به تشیّع او اقرار دارند، و قرائن و شواهد بسیاری همچون اشعاری که در مدح ائمّه شیعه اثنیعشر، به ویژه علیّ بن ابی طالب علیه السلام سروده، و قول بسیاری از علمای اهل سنّت در مورد شیعه بودن او، ازجمله ابن حجر عسقلانی، مؤیّد شیعه بودن او است.

علّت شهرت او به صاحب، به خاطر مصاحبت وی با مؤیّدالدّوله بوده، و عدّه ای گفته اند وی مصاحب ابوالفضل بن عمید بوده، و لقب صاحب را یافته است. وی نوزده سال در اصفهان و هفت سال در ری و گرگان وزیر مؤیّدالدّوله امیر آل بویه بود، و پس از وفات او، به پیشنهاد خود، فخرالدّوله را به امیری آل بویه برگزیدند، و دوازده سال نیز وزارت او را نمود. وی در ایّام وزارت خود، با وجود کثرت اشتغال و گرفتاری ها، و رفع حوائج

مراجعین، و رسیدگی به دعاوی مظلومین و رتق و فتق امور دیوانی، دائما با ادباء و علماء، مجالست و مؤانست داشته، و آثار خیریّه ای همچون بنای مسجد جامع جورجیر، و صفّه صاحب در مسجد جامع اصفهان را از خود به جای نهاده است. بسیاری از شعرای معاصر صاحب در مدح او شعر سروده اند. مقام علمی و شخصیّت صاحب به گونه ای بوده که در آن عهد، بسیاری از فضلاء، آثار خود را به نام صاحب نامیده بودند؛ ازجمله احمد بن فارس در کتاب المجمل الصّاحبی، ابومنصور ثعالبی در کتاب لطائف المعارف، حسن بن محمّد قمی در کتاب تاریخ قم و شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرّضا علیه السلام . او کتابخانه ای با چندین هزار جلد کتاب داشته که برای حمل آن به چهارصد شتر نیاز بوده است، و کتابدار آن ابومحمّد عبداللّه بن احمد خازن از شعرا و فضلای اصفهان است. کتابخانه در ری بوده، و پس از آن که سلطان محمود غزنوی ری را تصرّف کرد، بسیاری از کتاب های آن را سوزانید. صاحب در ماه صفر ۳۸۵ق در ری بیمار شد، و در جمعه ۲۴ صفر وفات یافت. با مرگ او، هنگامه ای در ری برپا شد، و عموم مردم و بزرگان و امرا و اشراف حکومت به همراه فخرالدّوله در تشییع او حاضر شدند. ابوالعباس ضبّی بر او نماز گزارد، و سپس جنازه به اصفهان نقل شد، و در منزل او در محلّه باب دریّه (که امروزه به محلّه طوقچی معروف است) مدفون گردید.

در دوره قاجاریّه، حاج محمّدابراهیم کلباسی در تعمیر و احیاء مقبره او اقدام نمود، و در عصر حاضر، به همّت حاج شیخ عبّاسعلی ادیب حبیب آبادی بقعه ای آبرومند و شایسته بر سر مزار او بنا گردید. صاحب بن عبّاد تألیفات بسیاری داشته که بسیاری از آن ها از بین رفته [است]، و برخی موجود می باشد. نگارنده [سیّدمصلح الدّین مهدوی [در کتاب مزارات اصفهان در ضمن شرح حال مفصّل وی، اسامی ۳۸ کتاب و رساله از تألیفات وی را ذکر نموده ام که برخی از آن ها به قرار زیر است: ۱. الابانه عن مذهب اهل العدل ۲. التّعلیل ۳. تفضیل علیّ بن ابی طالب علیه السلام ۴. التّذکره ۵. جوهره الجمهره ۶. الرّسائل الصّاحبیّه که در مصر به طبع رسیده ۷. ترجمه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام ۸. الزّیدیّه ۹. شرح اسماء الحسنی ۱۰. شواهد ۱۱. العروض، در نحو ۱۲. مختصر نهج السّبیل ۱۳. المحیط، در لغت، در هفت مجلّد ۱۴. نهج السّبیل و غیره.

از صاحب بن عبّاد تنها دختری باقی ماند. صاحب او را به عقد یکی از سادات، به نام ابوالحسن علی اطروش همدانی بن ابوعبداللّه حسین بن ابوالحسین علی الرّییس بن ابا عبداللّه حسین (معروف به مسمعی) بن حسن بصری بن قاسم فقیه بن محمّد بطحایی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام درآورد.

نوادگان دختری صاحب، دو نفرند: اوّل عبّاد، و دوم ابوالفضل حسین ملقّب به «الرّضی»، و یکی از نوادگانش شرفشاه بن عبّاد بن ابوالفتح محمّد بن حسین الرّاضی، جدّ سادات گلستانه اصفهان است.(۱)

اسماعیل کاتب

ابوالقاسم اسماعیل بن عبّاد محمّد بن وزیران کاتب اصفهانی نحوی، از ادباء و دانشمندان اصفهان است.(۲)

اسماعیل شهرستانی

اسماعیل بن عبّاس بن احمد [معلّم شهرستانی] اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن دهم هجری، از آثار او: ۱. کتابت مسالک الافهام تألیف شهید ثانی که در صفر سال ۹۷۷، به خطّ نسخ آن را به پایان رسانده، نسخه به شماره ۴۹۹ در کتابخانه مدرسه فیضیّه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۲۷۴ ۲۷۷؛ مزارات اصفهان، صص ۲۸۴ ۳۱۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۳۴ ۱۳۷؛ نوابغ الرّواه، ص ۶۲؛ معجم الادباء، ج ۶، صص ۱۶۸ ۳۱۷؛ بغیه الوعاه، ص ۱۳۶؛ دستور الوزراء، صص ۱۱۸ ۱۲۱؛ الاعلام، ج ۱، صص ۳۱۲ ۳۱۳؛ آثار الشّیعه، ج ۴، صص ۸۴ ۸۸؛ دانشنامه ایران و اسلام، ج ۵، صص ۶۸۲ ۶۸۶؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۹۹؛ اعیان الشّیعه، ج ۱۱، صص ۳۹۹ و ۳۵۸ ۳۵۹؛ امل الآمل، ج ۲، صص ۳۴ ۳۵؛ ریاض العلماء، ج ۱، صص ۸۴ ۹۱؛ الکنی و الالقاب، ج ۲، صص ۴۰۳ ۴۰۹؛ الذّریعه، ج ۱، ص ۵۶ و ج ۹، ص ۵۷۷؛ ریحانه الادب، ج ۸، ص ۸۹ معجم المؤلّفین، ج ۲، ص ۲۷۴؛ هدیه العباد در شرح حال صاحب بن عباد؛ الارشاد فی احوال الصّاحب بن عبّاد (ضمیمه کتاب محاسن اصفهان)؛ صاحب بن عبّاد شرح احوال و آثار؛ تاریخ تشیّع اصفهان، صص ۲۳۰ ۲۴۴؛ فواید الرّضویه، صص ۴۵ ۵۱؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص ۲۰۹ ۲۱۰؛ از دیروز تا امروز، صص ۳۱۵ ۳۱۸؛ ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۴؛ الصّاحب بن عبّاد حیاته و ادبه؛ رجال اصفهان، دکتر کتابی، ص ۲۶۴؛ وفیات العلماء، صص ۱۳ ۱۷.

۲- مقتبس الاثر، ج ۴، ص ۳۱۵.

قم موجود است.(۱) ۲. کتابت مختلف الشّیعه تألیف علّامه حلّی، که در غرّه محرّم سال ۹۸۷ق به خطّ نسخ، آن را به پایان رسانیده، نسخه به شماره ۲۹۹۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

اسماعیل سُدّی

ابومحمّد الاعور اسماعیل بن عبدالرّحمان مکنّی به ابا خزیمه فرزند ابودویب (یا ابن کریمه کوفی) معروف به سدّی، از راویان مشهور قرن دوم هجری. پدرش ابوخزیمه از بزرگان اصفهان بوده، و در سال ۱۲۷ق در زمان ولایت مروان، وفات یافته است. او اصلاً از حجاز و ساکن کوفه بوده است. اسماعیل، دارای ریشی پهن و بلند بوده، به طوری که در موقع نشستن، سینه او را می پوشانید، و چون در سُدّه ساکن شده، به سُدّی شهرت یافته است. سُدّه به معنی رواق و درگاه است؛ چون صاحب عنوان، در رواق مسجد کوفه، و یا درگاه مسجد می نشسته، و تفسیر قرآن می گفته، و یا در درگاه مسجد، مقنعه می فروخته است.

او با عدّه ای از صحابه دیدار کرده، و از برخی از آنان روایت نموده است، از آن جمله: ابن عبّاس، ابوسعید خدری، ابوهریره، انس بن مالک، حسن بن علی علیهماالسلام ، سعد بن وقّاص، عبداللّه بن عمر، عمرو بن حریث و محمّد بن عبّاس. ابوعوانه، ثَوری، حسن بن صالح، زائده، شریک، شعبه، عیسی بن عمر، محمّد بن ابان و معلّی از او حدیث نقل کرده اند. در میزان الاعتدال گوید: «رمی السُدّی بالتشیّع». حسین بن واقد مروزی گوید: نزد او بودم، و از او قرآن و حدیث می شنیدم، تا هنگامی که شنیدم (شب جمعه) دو نفر اوّل را بد می گوید، و لعن می کرد، دیگر نزد او نرفتم. وی تفسیری تألیف نموده که سیوطی آن را ستوده، و نوشته است که تفسیر او، از بهترین تفاسیر است. سُدّی کبیر، لقب او است و سدّی صغیر، لقب نواده او محمّد بن مروان بن عبداللّه بن اسماعیل بن عبدالرّحمان کوفی.(۳)

۱- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۸، ص۱۶۹.

۲- فهرست کتابخانه فیضیّه، ج۱، ص۲۴۴.

۳- احقاق الحق، ج۲، ص ۲۲۰؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۹۶؛ معجم المؤلّفین، ج۲، ص۲۷۵؛ کشف الظّنون، ص۴۴۸؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۴؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۰۹؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۴۷۴؛ تاریخ نجف، ص۱۴۷؛ طبقات المحدّثین باصفهان، ج۱، ص۳۳۵؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۰۶؛ الاعلام، ج۱، ص۳۱۴؛ ریحانه الادب، ج۷، ص۱۹۸؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسماعیل»، ص۲۵۱۶.

اسماعیل طرقی

ابوالوفاء اسماعیل بن عبدالرّزّاق بن عبدالعزیز بن محمّد بن عمر تاجر طرقی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری. سمعانی درباره او نوشته است: «کان شیخا فقیها عالما متمیّزا فاضلاً و کان احد الشّهود العدین صالحا حسن المنظر (المعروف بالقاضی الارشد). وی از اهالی طرق، از قرای نطنز است. در سال ۴۷۰ق متولّد شد. طرقی از ابوالفتح عبدالرّزاق بن عبدالکریم حسن آبادی، ابوسعد عبدالجلیل بن حسن ساوی ساکن بغداد، محمّد رزق اللّه تمیمی بغدادی، ابواسحاق ابراهیم بن محمّد طیّان و دیگران استماع حدیث کرده، و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی استماع حدیث نموده است. او در نیمه دوم شوّال سال ۵۳۲ق در اصفهان وفات یافت.(۱)

کمال الدّین اسماعیل

کمال الدّین اسماعیل بن جمال الدّین عبدالرّزاق اصفهانی ملقّب و مشهور به خلّاق المعانی، از شعراء و قصیده سرایان معروف ایران در قرن هفتم هجری است. او نزد پدر شاعر و دانشمند خود و سایر بزرگان آن عصر تربیت شده، و از نوجوانی به سرودن شعر پرداخته، و کم کم آوازه او همه جا را فراگرفته است.

او از مریدان شیخ شهاب الدّین عمر سهروردی عارف مشهور آن عصر به شمار می رفته، و اشعاری در مدح او سروده است.

از دیگر ممدوحان او حسام الدّین اردشیر، از پادشاهان آل باوند مازندران، اتابک سعد بن زنگی از حکّام فارس، رکن الدّین صاعد بن مسعود، از رؤسای مذهبی اصفهان و جلال الدّین منکبرنی، پادشاه خوارزمشاهی بوده اند. او در اصفهان، شاهد درگیری های طولانی و کشتارهای فراوان بین شافعیان و حنفیان بوده، و از این درگیری ها که در دو محلّه

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۹۷.

اصفهان، جویباره و دردشت صورت می گرفته، آزرده خاطر شده، و آنان را نفرین کرده، و سروده است:

تا که دردشت هست و جوباره نیست از کوشش و کشش چاره

ای خداوند هفت سیّاره پادشاهی فرست خون خواره

تا که دردشت را چو دشت کند جوی خون آورد ز جوباره

عدد کشتگان بیفزاید هر یکی را کند دو صد پاره

عاقبت، مغولان به اصفهان حمله، و در سال ۶۳۳ق آن جا را تصرّف، و مردم شهر را قتل عام کردند. کمال الدّین هم در دوم جمادی الاوّل ۶۳۵ق به دست مغولان کشته شد. قبر او در محلّه جوباره اصفهان واقع شده است، و متّصل به کنیسه یهودیان است. سال های طولانی قرار بود که آرامگاهی برای او بنا شود. هم چنین مدّتی در جوار سی و سه پل، آرامگاهی برای او ساختند، و قرار بود استخوان های کمال در آن جا دفن شود، و خیابان مجاور آن را کمال اسماعیل نامیدند؛ امّا این کار انجام نشد. [سرانجام در سال های اخیر، بنای یادبودی بر روی قبر او بنا کردند].

[شعرای معاصر اصفهان به کمال الدّین اسماعیل و شعر او علاقه فراوان داشتند، و مدّتی انجمن ادبی خود را که در کتابخانه عمومی فرهنگ در مدرسه چهارباغ برگزار می شد، به نام انجمن کمال نامیده بودند].

او آثاری به نظم و نثر دارد که از آن جمله است ۱. دیوان اشعار که به چاپ رسیده است ۲. رساله فی وصف القرین، به عربی که میکروفیلم آن در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است ۳. رساله فی العشق المجازی و الحقیقی، به فارسی و بیشتر به نظم که میکروفیلم آن در دانشگاه تهران موجود است ۴. رساله القوس یا رساله قوسیّه به عربی ۵. سوگندنامه ۶. فراق نامه ۷. نامه ای به شهاب الدّین عمر سهروردی به عربی که میکروفیلم آن در دانشگاه تهران موجود است ۸. نامه در پاسخ امیری که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

این شعر از او است:

جان را چو نیست وصل تو حاصل کجا برم؟ دل را که شد ز درد تو غافل کجا برم؟

گفتند بر گرفته فلان دل ز مهر تو من داوری مردم نادان کجا برم؟

گر بر کند دل از تو و بردارم از تو مهر آن مهر بر که افکنم این دل کجا برم(۱)

شیخ اسماعیل اژیه ای

شیخ اسماعیل بن عبدالرّسول اژیه ای (اجیه یی) از فضلای قرن سیزدهم هجری است. وی کتاب فهرس الکتب و الرّسائل و لمن هی من العلماء و الحدود و الافاضل را تألیف نموده، و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

میرزا اسماعیل

میرزا اسماعیل فرزند سیّدعبدالکریم، عالم فاضل عارف شاعر، در اصفهان خدمت جمعی از فضلاء و علمای عظام، همچون آقاحسین خوانساری تحصیل کرد. در اواخر عمر، میل به تصوّف پیدا کرد، دست ارادت به میرزا ملک صوفی تویسرکانی داد، و سرانجام در سال ۱۰۷۵ق وفات یافت. در فنون ادب و شعر، به ویژه معمّا مهارت بسزایی داشت.(۳)

اسماعیل سَمّویه

ابوبشر اسماعیل بن عبداللّه بن مسعود بن جبیر بن عبداللّه بن کیسان عبدی اصفهانی معروف به «سَمّویه» از حافظان حدیث و فقیهان اهل سنت است. از اسماعیل بن ابان، حسین بن حفص، بکر بن بکار، فضل بن دکین، علیّ بن عیاض حمصی، قتیبه بن مهران

۱- ریحانه الادب، ج۵، ص۸۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۷۹ ۲۸۰؛ تذکره الشّعراء دولتشاه، صص۱۱۳ ۱۱۶؛ مجمع الفصحاء، ج۳، صص۱۱۴۴ و ۱۱۵۲؛ تاریخ ادبیّات در ایران، ج۲، صص۸۷۱ ۸۷۴؛ تذکره مجاس النّفایس، ص۳۴۸؛ تذکره غنی، ص۱۱۴؛ تذکره حسینی، ص۲۸۱، شمس التّواریخ، ص۷۲؛ آتشکده آذر، بخش سوم، نیمه نخست، صص۹۸۰ ۹۸۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص۱۹۹ ۲۰۰؛ تذکره ریاض العارفین، ص۳۸۶؛ فرهنگ معین، ج۵، صص۱۵۹۸ ۱۵۹۹؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۱۲؛ الذّریعه، ج۹، ص۹۱۶؛ مقدّمه دیوان کمال الدّین اسماعیل؛ تاریخ نظم و نثر در ایران، ج۱، ص۱۵۷ و ج۲، ص۷۳۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۹۶.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۳۶۲.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۶۰.

آزادانی و موسی بن اسماعیل روایت نموده است. عبداللّه بن جعفر بن احمد بن فارس، عبدالرّحمان بن ابی حاتم، ابونعیم، ابومسهر، ابوالیمان و سعید بن ابی مریم از او حدیث نقل کرده اند. ازجمله احادیثی که اسماعیل سمّویه نقل نموده است، حدیث أَلَسْتُ اولی بِالْمُؤْمِنین مِنْ أَنْفُسِهِمْ و مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ می باشد. سمّویه در سال ۲۷۷ق وفات یافت.(۱)

اسماعیل نیشابوری اصفهانی

ابوالقاسم اسماعیل بن علیّ بن حسین نیشابوری اصفهانی صوفی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. وی حدود یک صد سال عمر کرده، و در سال ۵۵۱ق وفات یافته است. مسند اصفهان از آثار او است.(۲)

قاضی اسماعیل خطیبی

قاضی اسماعیل بن علیّ بن عبداللّه خطیبی اصفهانی، قاضی اصفهان در قرن پنجم هجری، پس از وفاتش، منصب قضاوت را ابوالعلاء صاعد بن محمّد اصفهانی برعهده گرفت.(۳)

احمد زینبی

ابوالفتح اسماعیل بن علیّ بن محمّد بن حمزه بن محمّد بن عبداللّه طوسی جعفری زینبی، از صوفیان قرن پنجم و ششم هجری است.

در اصفهان ساکن بوده، و به زهد و تقوی مشهور بوده، و از مشاهیر صوفیّه شهر به شمار می رفته است. وی در سال ۵۱۱ق در اصفهان برای ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۴)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۰؛ اللّباب، ج ۲، ص ۱۴۲؛ الاعلام، ج ۱، ص ۳۱۴؛ احقاق الحق، ج ۶، ص ۲۶۳؛ الانساب، ج ۳، ص ۳۰۸؛ طبقات المحدّثین باصبهان، ج ۳، ص ۱۳؛ مرآه الجنان، ج ۲، ص ۱۸۱.

۲- مرآه الجنان، ج ۳، ص ۲۹۸.

۳- فوائد البهیّه، ص ۸۳؛ تذکره الحفّاظ، ج ۳، ص ۱۱۵۷.

۴- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۰۰.

شیخ اسماعیل معزّی

شیخ اسماعیل معزّی عالم زاهد و فقیه وارسته، در سال ۱۲۸۸ق متولد شد. (در اصفهان از درس آخوند کاشی، میرزا محمد علی کاشانی، میرزا بدیع درب امامی، شیخ مرتضی ریزی،سید مهدی و سید محمد باقر درچه ای و در نجف اشرف به مدت ۱۲ سال از محضر آخوند خراسانی، سید محمدکاظم یزدی، شریعت اصفهانی و شیخ محمد حسین فشارکی به فصل خصومات اشتغال داشت و به امامت مسجد سلام و تدریس در مدرسه نوریه پرداخت. از او دوره اصول فقه، شرح کفایه و تقریرات درس آخوند خراسانی و سید یزدی بر جای مانده است. او در شب جمعه ۲۳ ذی قعده ۱۳۶۳ق وفات یافت و در تکیه کازرونی مدفون شد.(۱)

دکتر اسماعیل آزرم

دکتر اسماعیل آزرم، فرزند حاج محمّدعلی، استاد بیولوژی حیاتی دانشکده دام پزشکی و معاون دانشکده. در سال ۱۲۸۶ شمسی در اصفهان متولّد [شد]، و در اصفهان و تهران و فرانسه تحصیل کرد، و در دانشگاه تهران تدریس می نمود. کتب زیر از تألیفات ایشان به چاپ رسیده است: ۱. بیولوژی ۲. بحث در پیدایش و تکامل موجود زنده ۳. بیوفیزیک ۴. پروتوپلاسم ۵. P.H و اهمّیت آن از نظر بیولوژی ۶. تئوری های اساسی ژنتیک ۷. تولید مثل و تزوجین در مهره داران ۸. جانورشناسی سیستماتیک ۹. حالت کلوییدی مادّه ۱۰. خلاصه چند کنفرانس درباره ژنتیک و توارث بعضی بیماری ها در انسان ۱۱. ژنتیک و توارث بعضی از بیماری ها در انسان ۱۲. ساختمان فیزیکی و ترکیب شیمیایی پروتوپلاسم ۱۳. کلّیاتی راجع به موجود زنده.(۲)

اسماعیل ایجی اصفهانی

اسماعیل بن محمّدعلی ایجی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. ظاهرا از اهالی قریه «اژیه» اصفهان است، و «ایجی»، تصحیف «اژیه ای» است. نام برده در سال ۱۲۴۰ کتاب ریاض الشّهاده تألیف ملاّمحمّدحسن قزوینی را به خطّ نسخ، کتابت نموده است. نسخه به شماره ۴۵۶۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۱ ص ۲۷۰، المسلسلات ج ۱ ص ۳۰۲.

۲- مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۵۶۹.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۲۸.

حاج اسماعیل فروشانی

حاج اسماعیل عارف فرزند عین علی فروشانی از معاصرین نصرآبادی، مؤلّف تذکره الشّعرا در ضمن شرح حال برادرش عشرتی، ذکری از او نموده است. در آن جا وی را به «قطب العارفین» ستوده است. فروشان از قراء ثلاثه ماربین اصفهان است، و در تذکره نصرآبادی گوید: از محلّات ورنوسفادران می باشد.(۱)

اسماعیل بَجَلی

ابواسحاق اسماعیل بن عمرو بن مجیح بجلی کوفی، از محدّثان قرن سوم هجری است. به اصفهان آمده، و در مدینه (شهرستان) ساکن گردیده، و در آن جا به نشر احادیث اشتغال داشته است. عموم نویسندگان کتب تراجم و رجال، وی را ستوده اند؛ لکن برخی از آنان، وی را ضعیف، و عموما ثقه خوانده اند، و درباره او گفته اند که: «اسحاق بن عمرو در اصفهان ضایع و گم نام شد، و حقّ او در علم حدیث، شناخته نشد». ذهبی به سیره غیر مرضیّه خود، جایی که او را ذکر می کند، گوید: «حدیث باطلی نقل نمود»، و سپس سند آن را ذکر می کند که به حضرت باقر علیه السلام می رسد، از پدران بزرگوارش. وی در سال ۲۲۷ مرده است.(۲)

اسماعیل سراج

ابوالفتح اسماعیل بن فضل بن احمد بن اخشید سراج از قاریان و محدّثان اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. وی در سال ۴۳۶ یا ۴۳۷ق در اصفهان متولّد شد، و از ابوالطیّب عبدالجبّار بن فضل، ابوطاهر محمّد بن احمد بن محمّد بن ابراهیم، ابوالفتح علیّ بن محمّد بن عبدالصّمد دُلَیلی، ابومحمّد عبداللّه بن ابوجعفر، ابوالفضل عبد الرّحمان بن احمد رازی و طاهر احمد بن محمود روایت نمود. قاضی ابوبکر بن حسن، ابومحمّد بن ابی نصر خونجانی، ابی جعفر بن حسن، سمعانی و ابوعامر عبدوی از وی حدیث نقل می کنند. او در قرائت نیز از اساتید بزرگ بوده، و قرآن رابه روایت شیوخ متقدّم، قرائت می نموده است. وفات او در شعبان ۵۲۴ق در اصفهان اتّفاق افتاد.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۴۸۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۸؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۱۱؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۰، ص۴۳۵؛ تاریخ بغداد، ج۱، ص۶۲.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۱۰۱؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۲۳۲.

اسماعیل اصفهانی

اسماعیل بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. او در بغداد ساکن بوده است. از یونس بن حبیب حدیث روایت کرد. محمّد بن مظفّر از او روایت می نماید.(۱)

اسماعیل اصفهانی

ابوعثمان اسماعیل بن محمّد اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. شیخ عبدالقادر بن موسی گیلانی عارف مشهور، از وی اخذ حدیث نموده است.(۲)

میر محمّداسماعیل صابرعلی شاه

میرمحمّداسماعیل حسینی خاتون آبادی پاقلعه ای ملقّب به «صابرعلی شاه» فرزند حاج محمّد بن میرزا ابوالقاسم مدرّس خاتون آبادی، عالم عارف، از مشایخ سلسله نعمت اللّهیّه. در اصفهان متولّد شد، و به تحصیل علم پرداخت. سپس به شیراز رفت، و دست ارادت به حاج میرزا علی آقا ذوالرّیاستین داد، و از او مجاز و مأذون در ارشاد و دستگیری از فقرای نعمت اللّهی اصفهان گردید، و پس از فوت برادرش میرمحمّدهادی، شیخ فقرای نعمت اللّهی بود. سرانجام در شب جمعه ۳ محرّم الحرام سال ۱۳۲۳ق وفات یافت، و در تکیه ای که میرزا سلیمان آغاباشی در تخت فولاد، جنب تکیه خاتون آبادی بنا کرده بود، مدفون گردید. طرب اصفهانی در تاریخ وفات او گوید:

شیخ طریق اهل حق، میر جلیل در کعبه وصل زد قدم همچو خلیل

تاریخ وفات او طرب گفت به شور: «قربانی دوست کرد جان اسماعیل»(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۱۳؛ تاریخ بغداد، ج۶، ص۳۰۲.

۲- مرآه الجنان، ج۳، ص۳۵۳.

۳- مقالات الحنفاء، ص۱۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۳؛ گلستان جاوید، ص۱۰۹.

اسماعیل رنانی

ابونصر اسماعیل بن محمّد بن احمد بن ابی الحسن رنانی صوفی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. از ابوالعلاء احمد بن عبدالجبّار فُرسانی، ابوالعبّاس احمد بن عبدالغفّار بن اشته، ابومطیع محمّد بن عبدالواحد و ابوالعلاء محمّد بن نصر حافظ همدانی حدیث شنید. وی به شهرهای مختلف سفر کرد، و مجموعه هایی در حدیث فراهم نمود. این کتب از آثار او بیان من کذب من مال المزامیر و الملاهی الجاهل بحقایق الاوامر و المناهی است که ابوسعد سمعانی نزد او در حالت مرض موت، خوانده است. وی در سال ۵۳۱ق وفات یافته است.

در معجم البلدان، رنان را به ضمّ راء می نویسد. در زمان ما به کسر راء خوانده، و رهنان تلفّظ می شود.(۱)

اسماعیل سلمانی

ابوعثمان اسماعیل بن ابوسعید محمّد بن احمد بن جعفر سلمانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان. وی حدیث صحیفه الرّضا علیه السلام را از خطیب ابومنصور عبدالرّزّاق بن احمد غزال روایت می کند. ابومحمّد طاهر بن احمد بن محمّد بن اسماعیل بن حسن قصری از صاحب عنوان روایت می نماید.(۲)

اسماعیل طرطوسی

ابوالفتح اسماعیل بن محمّد بن احمد بن علیّ بن حسن بن حسین بن جعفر طرطوسی سلمی، از محدّثین قرن ششم هجری است. در اصفهان ساکن بوده، و در ربیع الثّانی سال ۵۴۰ق وفات یافته است. سمعانی درباره او گوید: «کان شیخا متمیّزا من اهل العلم حسن الخط». وی از ابوعبده سلم بن فضل ثقفی و ابومطیع محمّد بن عبدالواحد و دیگران

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۸۲۴؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص۴۰۳؛ التّحبیر، ج۱، ص۱۰۹.

۲- صحیفه الامام الرّضا، چاپ مدرسه المهدی، ص۲۵؛ احقاق الحق، ج۵، ص۷۵.

روایت می کند.(۱)

اسماعیل امین

اسماعیل بن محمّد بن احمد بن نصرویه اصفهانی معروف به امین، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است.

وی چندین سفر به نیشابور رفته است. او در سال چهارصد و هفتاد و اندی برای آخرین بار به نیشابور سفر کرده است.(۲)

اسماعیل ضبّی

ابوالقاسم اسماعیل بن محمّد بن احمد بن محمّد بن سعید بن ضرار بن مساور بن موسی بن مساور ضبّی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است.

سمعانی از او حدیث شنیده، و او را چنین توصیف کرده است: «کان شیخا جلیل القدر متمیّزا ملیح الخطّ حسن الاخلاق». تولّدش در حدود سال ۴۶۰ق روی داده است. او از ابوبکر محمّد بن احمد بن اسید مدینی، سیّدابوطالب علیّ بن حسین علوی حسنی و اباعمرو عبدالوهاب بن منده حدیث شنیده است.(۳)

اسماعیل وثابی

ابوطاهر اسماعیل بن محمّد بن احمد وثابی اصفهانی، از ادباء و دانشمندان اصفهان است.

سمعانی می نویسد: در اصفهان در صنعت شعر و ترسّل، فاضل تر از وی ندیدم. من در اصفهان به خانه وی رفتم، و در بداهتِ نظم و نثر، سریع تر از او ندیدم. رساله ای بر وی اقتراح کردم. مرا گفت: قلم بگیر و بنویس، و فی الحال، بی آن که بیندیشد، به نیکوترین وجه

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲- تاریخ نیشابور، ص ۲۰۷.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۸۸.

بر من املاء کرد. وثابی در اواخر عمر، به فقر و تنگدستی افتاد، و نابینا شد تا این که در سال ۵۳۳ق وفات یافت.(۱) در محاسن اصفهان از ابوعلی اسماعیل وثابی در ردیف دانشمندان صرف و نحو ولغت و انشاء که متقدّم بر عصر مافرّوخی بوده اند، یاد شده است.(۲)

این شعر از وثابی است:

اشاعوا و قالوا وقفه الوداع و زمّت مطایا للرّحیل شراع

فقلت فراق لا اطیق احتماله کغانی من البنین المشت سماع

و لا علیک الکتمان قلب ملکته و عند النّوی سرّ المکتوم یذاح

سیّداسماعیل صدر

حاج سیّداسماعیل صدر فرزند آقا سیّدصدرالدّین محمّد عاملی اصفهانی، عالم فاضل فقیه مجتهد در سال ۱۲۵۵ (و یا به قولی ۱۲۵۸ق) در اصفهان متولّد شد. در کودکی پدرش در نجف اشرف فوت شد، و خود، زیر نظر برادر دانشمند خود آقا سیّدمحمّدعلی عاملی (آقا مجتهد) تربیت شد، و از درس علمای اصفهان، به خصوص حاج محمّدباقر نجفی مسجدشاهی و ملّاعبدالجواد حکیم خراسانی و عدّه ای دیگر از علماء بهره گرفت؛ سپس به عتبات عالیات هجرت نمود، و در نجف، به درس اساتید معروف، شیخ راضی نجفی، شیخ مهدی کاشف الغطاء، میرزای شیرازی، حاج شیخ زین العابدین مازندرانی و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی حاضر شد، و به درجه اجتهاد نائل، و موفّق به اخذ اجازه از اساتید خود گردید.

پس از وفات میرزای شیرازی، به همراه میرزا محمّدتقی شیرازی زعامت و مرجعیّت را برعهده گرفت.

در سال ۱۳۱۴ق به کربلاـ مهاجرت کرد، و به تدریس و اقامه جماعت و وعظ و رسیدگی به امور طلاّب و فقرا و تقسیم وجوهات بین مستحقّین پرداخت، و در اواخر عمر، از کربلا به کاظمین مهاجرت نمود، و در آن شهر مقدّس مجاور گردید، و سرانجام در دوشنبه ۱۸ (یا ۱۲) جمادی الاوّل سال ۱۳۳۸ق

۱- معجم الادباء، ج۲، ص۳۵۵؛ لغت نامه دهخدا، ج۷، ذیل «اسماعیل»، ص۲۵۲۷؛ راهنمای دانشوران، ج۳، ۳۲۰.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۲.

در کاظمین وفات یافت، و در رواق مطهّر (قسمت شرقی) برابر حجره ای که ابن قولویه قمی مدفون است، دفن شد. میرزا حسن خان جابری انصاری این مصرع را مادّه تاریخ او یافته است:

«صدر جنّت مقام علوی صدر»

فرزند صاحب عنوان، سیّدصدرالدّین صدر، این عبارت را مادّه تاریخِ وفات یافته است:

«مِنَ الْخُلدِ اسْماعیل طال لَهُ صَدر».

آثار و تألیفات ایشان عبارت اند از: ۱. انیس المقلّدین، رساله عملیّه، مطبوع در سال ۱۳۲۹ق ۲. حاشیه بر کتاب احکام الایمان، رساله عملیّه مرحوم آقامیرزا محمّـدهاشم چهارسوقی ۳. حاشیه بر جامع عبّاسی تألیف شیخ بهایی ۴. حاشیه بر متأجر، تألیف وحید بهبهانی ۵. حاشیه بر نجات العباد، تألیف شیخ محمّدحسن اصفهانی، چاپ ۱۲۹۷ق ۶. حاشیه بر نخبه حاجی کلباسی ۷. دیوان اشعار (بنابر نقل مرحوم انصاری) ۸. راه راست، ترجمه صراط المستقیم، رساله عملیّه ۹. صراط المستقیم ۱۰. مفتاح الهدایه، رساله عملیّه، در بمبئی به چاپ رسیده است.(۱)

اسماعیل کاغذی مدینی

ابوالقاسم اسماعیل بن محمّد بن عبدالرّحمان بن عبدالوهاب کاغذی مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. سمعانی درباره او گوید: «کان من الشّیوخ المسندین المعمّرین الصّالحین من بیت الصّلاح و الحدیث». از ابوبکر محمّد بن عبداللّه بن ریذه ضبّی و ابومحمّد عبداللّه بن محمّد بن ابراهیم بن یحیی کرونی روایت نموده، و ابوسعد سمعانی از او اجازه داشته است. وی از اهالی مدینه (شهرستان) اصفهان بوده، و در تشهّد نماز ظهر روز پنج شنبه ۲۹ ذی القعده سال ۵۱۴ق وفات یافته

۱- نقباء البشر، ج۱، ص۱۶۰؛ تکمله امل الآمل، ص۱۰۴؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۵۶۵ ۱۵۶۶؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۳۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «صدر»، ص۱۶۳؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص۳۰۸؛ الذّریعه، ج۱۰، صص۶۳؛ ج۲، ص۴۶۶؛ ج۲۱، ص۳۵۷ و ج۵، ص۱۳۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۲۷۰ ۲۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۲۸۳ ۲۸۵؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۰۰.

است.(۱)

اسماعیل اصفهانی

ابومحمّداسماعیل بن محمّد بن عبدالواحد بن محمّد هراس اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری است. وی قبل از سال ۴۷۰ق متولّد شده، و از ابوعمرو بن منده روایت نموده است. ابوسعد سمعانی از او نقل حدیث می کند.(۲)

اسماعیل همدانی جَبّری

ابومالک اسماعیل بن محمّد بن عصام جَبّر بن یزید بن عجلان هَمْدانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. جدّش عصام، سیزده سال مصاحب سفیان ثوری بوده است. اسماعیل، احادیث غریب ثوری را از پدرش محمّد و عمویش روح بن عصام و جدّش عصام روایت می کند. محمّد بن علیّ بن جارود از او نقل حدیث می نماید.(۳)

اسماعیل شلمکی

ابوالفتوح اسماعیل بن محمّد بن فضل بن احمد بن قاسم شلمکی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. وی از ابوعیسی عبدالرّحمان بن محمّد بن زیاد ثانی و ابوبکر محمّد بن احمد بن ماجه ابهری و دیگران حدیث شنیده است. تولّد او در حدود سال ۴۹۰ق در اصفهان بوده است.(۴)

اسماعیل طلحی

حافظ ناصرالدّین ابوالقاسم اسماعیل بن محمّد بن فضل بن علیّ بن احمد بن طاهر قرشی طلحی تیمی اصفهانی، از مفسّرین و محدّثین بزرگ عامّه است. علاّمه

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۱۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۰.

۴- التّحبیر، ج ۱، ص۱۰۸.

ملّامحمّدصالح حائری سمنانی او را شیعه دانسته است. صاحب عنوان به قوام السّنه ملقّب بوده، و به «جوزی» (چوری) شهرت داشته است که در زبان اصفهانی به معنای جوجه است. در سال ۴۵۷ق در اصفهان متولّد شد، و نزد بسیاری از محدّثین و دانشمندان تحصیل، و یا از آنان روایت کرد که از آن جمله اند: ابی عمرو بن منده، ابوالطّیب عبدالجبّار بن فضل کرانی، ابونصر زینبی، ابوبکر بن خلف شیرازی، عایشه ورکانیّه، مالك بانیامی. جمعی کثیر نیز از او روایت می کنند که از آن جمله اند: سمعانی مؤلّف الانساب،محمّد بن ابی جعفر بن حسن خونجانی اصفهانی، قاضی ابوبکر محمّد بن حسن بن محمّد بوانی اصفهانی، ابوالقاسم بن عساکر، ابوموسی مدینی و دیگران.

وی سرانجام در عید اضحی (۱۰ ذی حجّه) سال ۵۳۵ق در اصفهان وفات یافت. کتب زیر از تألیفات او است: ۱. احادیث المسلسلات ۲. اعراب القرآن ۳. الایضاح، در تفسیر، چهار جلد ۴. امالی، در حدیث ۵. التّذکره در نحو، در سی جزء ۶. التّرغیب و التّرهیب ۷. التّفسیر، به زبان اصفهانی ۸. الجامع الکبیر فی معالم التّفسیر ۹. الحجّه فی المحجّه ۱۰. دلائل النّبوّه، در شرح جامع صحیح بخاری ۱۱. السنّه ۱۲. سیر السّلف، در احوال صحابه و تابعین ۱۳. شرح جامع صحیح مسلم ۱۴. المعتمد، در تفسیر، ده جلد ۱۵. الموضح، در تفسیر، سه جلد ۱۶. المغازی.(۱)

اسماعیل کاغذی مدینی

ابوالقاسم اسماعیل بن محمّد بن محمّد بن عبدالرّحمان بن عبدالوهاب کاغذی مدینی، از محدّثین و اهل صلاح و از خاندان محدّثین بوده، و در قرن پنجم و ششم هجری زندگی می کرده است. عدّه ای از او استماع حدیث کرده اند، و ابوسعد سمعانی از او اجازه

۱- الاعلام، ج۱، صص۳۲۲ ۳۲۳؛ تاریخ معارف امامیّه، ص۲۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۷؛ طبقات الشّافعیّه، اسنوی، ج۱، صص۲۵۹ ۲۶۱؛ طبقات المفسّرین، ج۲، صص۱۱۲ ۱۱۴؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، صص۲۸۸ و ۲۰۵؛ فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۵۴؛ کشف الظّنون، ج۲، صص۱۷۳۲ و ۱۹۰۴؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «اسماعیل»، ص۲۵۲۹؛ مجمل فصیحی، ج۲، ص۲۳۲؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۲۶۳.

داشته است. او در تشهّد نماز ظهر روز پنج شنبه ۱۹ ذی القعده ۵۱۴ق وفات یافته است.

اسماعیل محتسب

حافظ ابوعثمان اسماعیل بن محمّد بن مله محتسب اصفهانی واعظ، از محدّثین قرن پنجم و ششم هجری است. ذهبی در میزان الاعتدال درباره او گوید: «وضع حدیثا و املاه و کان یخلط».

او از ابن ربذه روایت می کند، و ابومحمّد مکّی بن هبه اللّه بن عبدالصّمد آشنایی خراسانی از او نقل حدیث می نماید. از آثار او کتاب المجالس در مواعظ است. وی سرانجام در سال ۵۰۹ق وفات یافت.(۱)

اسماعیل جرباذقانی

استاد ابوالفضل اسماعیل بن محمّد جرباذقانی اصفهانی از شعراء و ادبای معاصر مافرّوخی است. از او اشعاری نغز و دلپذیر به عربی باقی مانده است.(۲)

[اصل او از گلپایگان، و در دربار امیران دیلمی در اصفهان، صاحب نفوذ و دارای احترام بوده است].

ملّااسماعیل نقنه ای

ملّااسماعیل بن ملّامحمّد نقنه ای، عالم فاضل مجتهد از اهالی قریه «نقنه» (بین راه دهاقان و بروجن) بود، و با پدر خود در اصفهان، نزد علمای این شهر، به ویژه حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی تحصیل نمود سپس در محضر علمای مسجد شاه، به رتق و فتق امور پرداخت، و سرانجام در سال ۱۳۵۰ق در سنّ حدود هشتاد سالگی وفات یافت، و در داخل بقعه تکیه حاج محمّدجعفر آباده ای در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۱۸؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۱۰؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۱۹۸؛ معجم البلدان، ج۱، ص۲۲۳.

۲- محاسن اصفهان، ص۶۱.

۳- رجال اصفهان، ص۲۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۱.

سیّداسماعیل حسینی نجفی

اسماعیل بن سیّدمحمّد حسینی نجفی، سبط ملاّمحمّدطاهر شیرازی قمی، ساکن اصفهان(۱).

میرزا اسماعیل نصرآبادی

میرزا اسـماعیل نصـرآبادی فرزند میرزا محمّد، شاعر ادیب خطّاط، عمّه زاده میرزا محمّدطاهر نصـرآبادی صاحب تذکره الشّعرا بود. خطّ شکسته را خوش می نوشت، و شعر می گفت.

در جوانی به هند رفت، و ملازم مهابت خان شد، و شاه جهان، پادشاه هند را مدح گفت، و همان جا وفات یافت. از او است:

صبح دلم چون ز قید خواب بر آمد طلعت یارم چو آفتاب بر آمد(۲)

اسماعیل ورنوسفادرانی

اسماعیل بن محمّد ورنوسفادرانی سِدِهی اصفهانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است، و به احتمال قوی، از شاگردان محضر درس مرحوم سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی علیه الرّحمه بوده است.

از آثار او کتابت جلد دوم مطالع الانوار، تألیف سیّد حجّت الاسـلام به خطّ نسخ است که در سه شـنبه ۱۵ رمضان ۱۲۴۳ق آن را به پایان رسانده است. نسخه به شماره ۱۱۴۵ در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم موجود است.(۳)

۱- الذّریعه، ج۵، ص۲۷۴.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۶۶۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۲۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۹.

۳- فهرست کتابخانه مدرسه فیضیّه، ج۱، ص۲۵۵؛ بیان المفاخر، ج۱، ص ۲۷۰.

اسماعیل ادیب خوانساری*

اسماعیل ادیب خوانساری فرزند میرزا محمود، هنرمند و موسیقی دان معاصر در سال ۱۲۸۰ش در خوانسار متولّد شد، و در آن جا نزد عندلیب گلپایگانی (تولّایی) به فراگیری موسیقی پرداخت، سپس در اصفهان نزد سیّدرحیم اصفهانی و نایب اسداللّه و در تهران نزد حسین اسماعیل زاده و سیّدحسین طاهرزاده به تکمیل معلومات خود پرداخت. وی از خواننده های ماهر موسیقی سنّتی ایران بود، و در نواختن سه تار، و تا حدودی پیانو مهارت داشت. او از سال ۱۳۱۹ به همکاری با رادیو پرداخت، و برنامه های بسیاری را اجراء کرد. هم چنین در کنسرت های انجمن موسیقی، به رهبری روح اللّه خالقی شرکت می نمود، و با اغلب هنرمندان موسیقی، خصوصا مرتضی محجوبی معاشرت و دوستی داشت. ادیب خوانساری در ۶ فروردین ۱۳۶۱ش در تهران درگذشت، و در قطعه ۹۱ قبرستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.(۱)

اسماعیل حیرانی اصفهانی

شیخ اسماعیل حیرانی اصفهانی فرزند آقا شیخ محمود بن حاج ملّااسماعیل شهرضایی، عالم فاضل، شاعر ادیب در سال ۱۳۲۱ق متولّد شده، و تحصیلات خود را در اصفهان انجام داد، و برای تبلیغ به غرب کشور رفت، و مدّتی در ایلام، و سپس به مدّت چهل سال به تبلیغ دین و ترویج شریعت در اسلام آباد غرب پرداخت، در اواخر عمر به مناسبت وقوع جنگ ایران و عراق و بمباران شدن اسلام آباد، به اصفهان بازگشت، [و در اوّل ربیع الاوّل ۱۴۰۳ق در این شهر وفات یافت، و جنب تکیه کرمانی در تخت فولاد، مدفون گردید. آثار او: ۱. اشعار انقلابی حیرانی، مطبوع ۲. هشت بهشت(۲)].

۱- تاریخ تحوّل ضبط موسیقی، صص۳۰۵ ۳۰۶؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، صص۵۵ ۵۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۲۱ و اطّلاعات متفرّقه.

شیخ اسماعیل بروجردی

حاج شیخ اسماعیل فرزند حاج آقا منیرالدّین بروجردی، عالم فاضل، در اصفهان نزد پدر خود و جمعی از فضلای اصفهان تحصیل کرد، و سرانجام در روز چهارشنبه ۳ شعبان سال ۱۳۵۲ در سال های جوانی، وفات یافت، و در تکیه ملک در تخت فولاد، جنب مزار پدر دانشمند خود مدفون گردید.(۱)

اسماعیل فزاری

ابومحمّداسماعیل بن موسی بن فزاری معروف به «ابن بنت سُدی»، از محدّثین اصفهان است. وی از مالک بن انس و شریک روایت می کند، و عیسی بن عمر قاری و جعفر بن محمّد بن عبّاس از او نقل حدیث می نمایند. در حدود سال ۲۲۵ق وفات یافته است. عقیلی در کتاب اصفهان از او یاد کرده است(۲)

سیّداسماعیل بهشتی

اسماعیل معروف به آقا حاجی بن حاجی سیّدمهدی بهشتی، عالم فاضل، از ائمّه جماعات قریه سیچان اصفهان، که در ۱۴ جمادی الاوّل ۱۳۳۸ق وفات یافت، و در تخت فولاد تکیه سادات بهشتی جنب مصلّا مدفون شد.(۳)

محمّداسماعیل جوشقانی

محمّداسماعیل بن محمّدمهدی جوشقانی، در ربیع الثّانی ۱۲۷۰ق کتاب شرح صمدیّه، تألیف سیّدمحمّدحسین بن علی حسینی کاشانی را رونویس نموده. نسخه آن در کتابخانه حقیر [سیّدمصلح الدّین مهدوی] موجود است، و بر روی یکی از برگه ها مهر چهارگوش با

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۰۹؛ الانساب، ج۳، ص۲۳۹؛ تذکره الحفاظ، ج۲، ص۵۴۱؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۱، ص۱۷۷.

۳- تحفه الاحباب، صص۲۳ ۲۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۹.

سجع «عبده الرّاجی محمّداسماعیل بن محمّدمهدی» دیده می شود.

میرزا اسماعیل خان، ثاقب اصفهانی

میرزا اسـماعیل خان متخلّص به «ثاقب» و ملقّب به «تاج الشّعراء» فرزند میرزا نصراللّه لاوی سمیرمی متخلّص به «شهاب» و ملقّب به «تاج الشّعراء» بن ملاّمحمّـد بن ملک احمـد، شاعر و ادیب دانشـمند، در سال ۱۲۸۵ق متولّـد [شد]، در اصـفهان علم و ادب آموخت. در عموم انجمن های ادبی، حاضـر می شد، و در اواخر عمر، از اساتید پیش کسوت انجمن ادبی شـیدا در اصفهان به شمار می رفت. وی قسمتی از مراثی و مجالس تعزیه دیوان پدرش را در سال ۱۳۱۹ق طبع نموده؛ امّا دیوان اشعار خودش هنوز طبع نگردیده است. ثاقب در ۲۹ محرّم وفات یافت، و در یکی از اتاق های تکیه تویسـرکانی در تخت فولاد مدفون شد. [اخیرا اتاق های این تکیه را خراب کرده اند]. از شعر از او است:

با جلوه بالای تو سرو چمنی را سر از پی دعوی دگر افراختنی نیست(۱)

اسماعیل سَمّویه

اسـماعیل بن یوسف بن محمّـد زاهـد، معروف به «سَـمّویه» از محـدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است. بـا عبـدالرّحمان بن یوسف معدانی، دوست و معاشـر بوده، و ابومحمّد بن حیّان، او را درک نموده است. از عبدالرّحمان بن مهدی، نائل بن جیح و یحیی بن قطّان روایت نمود. محمّد بن ابراهیم بن شبیب از او نقل حدیث می کند.(۲)

اسماعیل افلاکی سامانی

اسـماعیل سامـانی متخلّص بـه «افلاـکی» شـاعر ادیب، در سـال ۱۳۰۶ قمری در قریـه «سامـان» از توابـع چهارمحـال متولّـد شـد. تحصـیلات خود را در همان جا انجام داد. از اوان جوانی، به گفتن اشـعار اشـتغال ورزید. اشـعارش عموما دارای مضامین عالی است. وی به شغل زراعت روزگار می گذرانید. در سال ۱۳۲۵ خورشیدی وفات یافت. از او است:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۲۱۰.

ترک چشمت چو به شمشیر برد دست نخست دل اگر شیر بود دست ز جان باید شست

کی گمان بود در آغوش وصالت گیرم تو بدین سخت دلی ما به چنین طالع سست(۱)

میرزا اسماعیل ایمای اصفهانی

میرزا اسماعیل علاقه بند اصفهانی متخلّص به «ایما»، شاعر ادیب در قرن دوازدهم هجری، متوفّی به سال ۱۱۳۲ق. وی با شفیعا و نجات، دو شاعر اصفهانی، محاجاتی داشته است. صاحب عنوان، دارای دیوان اشعار است. از او است:

بی وعده آمد امشب آن مرهم دل ریش همچون گلی که آید در غیر موسم خویش(۲)

میرزا اسماعیل بدیع اصفهانی*

میرزا اسماعیل اصفهانی متخلّص به «بدیع»، شاعر ادیب، این بیت از او است:

ز جسم ناتوانم آتش سودا چه می خواهد اگر ما را نمی خواهی، غمت از ما چه می خواهد؟(۳)

حاج اسماعیل خان تبریزی

حاج اسماعیل خان تبریزی عبّاس آبادی، شاعر ادیب، در محلّه عبّاس آباد اصفهان ساکن و به تجارت مشغول بود. چند بار به هند رفته بود. در گفتن رباعیات عارفانه، شور و حرارتی خاص داشت. این رباعی از او است:

بیرون ز جهان زین خم نه طاق پسند در صیدگه قدس بینداز کمند

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۰.

۲- الذّریعه، ج ۹، ص ۷۳ و ۱۱۴؛ تذکره غنی، ص ۲۳؛ تذکره حزین، ص ۱۰۱.

۳- تذکره روز روشن، ص ۱۰۳.

فیض هرکس فراخور همّت اوست فوّاره شود به قدر فوّاره بلند(۱)

حاج اسماعیل حجّاریان*

استاد حاج اسماعیل حجّاریان، از هنرمندان قرن چهاردهم هجری و از حجّاران زبردست اصفهان است. ظاهرا از اهالی محلّه چهارسوق اصفهان، و تا سال ۱۳۷۶ق زنده بوده است. از آثار او حجّاری سنگ قبر استاد محمّدباقر حجّاریان متوفّی به سال ۱۳۷۶ق و استاد عبّاسعلی حجّاریان متوفّیِ ۱۳۶۵ق است. هر دو سنگ قبر، در تکیه بروجردی در تخت فولاد اصفهان موجود است.

حاج اسماعیل خاتون آبادی

حاج اسماعیل اصفهانی خاتون آبادی فرزند حاج محمّدامین، از اعاظم علماء و اکابر فقهاء، محقّق مدقق، در علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. قسمت موسیقی شفا را در مسجد جامع جدید عبّاسی [مسجد امام] اصفهان تدریس می کرد. مردی قانع، زاهد و اهل ورع و تقوی بود، و با وجود مکنت، ترک لذّات نموده، لباس خشن می پوشید، و اموال خود را به نیازمندان می بخشید، و نسبت به سلاطین و بزرگان دولت، بی اعتنا بود. گویند اشرف افغان به دیدارش رفت؛ ولی وی بدو اعتنایی ننمود، و برایش برنخاست. شیخ محمّد بن محمّدزمان کاشانی از شاگردان او است، و از استاد خویش چنین یاد کرده است: «مولانا المحقّق الموفّق، العلّامه الزّاهد العابد الاعورعی الحاج محمّداسماعیل بن الحاج محمّدامین الخاتون آبادی»(۲).

میرزا محمّداسماعیل خلیفه سلطانی

میرزا محمّداسماعیل خلیفه سلطانی، عالم فاضل عارف کامل در سال ۱۳۳۴ق وفات یافت، و در تکیه میرزا

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹۷؛ کاروان هند، ج۱، ص۵۳.

۲- تتمیم امل الآمل، ص۶۶؛ اعیان الشّیعه، ج۱۱، ص۱۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۳، میراث اسلامی ایران، ج۷، ص۱۸۴.

ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

محمّداسماعیل خوراسکانی*

محمّداسماعیل خوراسکانی از شعرای اصفهان است. ظاهرا در قرن سیزدهم هجری می زیسته است.

در جُنگ جامع المناقب که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۶۷۹ نگهداری می شود، اشعاری در مناقب اهل بیت علیهم السلام از او موجود است. این دو بیت، منتخب از یکی از قصاید او است:

ای شرح دلآرام من ای یار دل آزار تا چند بَرَد جان ز تو تیمار دل آزار

گیرم من شایسته آزار توام لیک کی از تو بود این همه آزار سزاوار(۲)

سیّداسماعیل ریزی

اسماعیل ریزی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل، از اهالی قصبه ریز لنجان [زرّین شهر کنونی] بوده، پس از تحصیل مقدّمات، به نجف اشرف مهاجرت نمود. در درس میرزا حسن شیرازی و آقا سیّدمحمّدکاظم طباطبایی یزدی حاضر شد، و سال ها در نجف اشرف اقامت داشت.

جهت زیارت حضرت ثامن الحجج علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام به ایران بازگشت، و در این سفر، در ماه صفر ۱۳۳۸ق وفات یافت، و در تخت فولاد در تکیه حاج آقا مجلس مدفون شد.(۳)

ملّااسماعیل صوفی

ملّااسماعیل صوفی، از عرفاء و متصوّفه در قرن یازدهم هجری، و ساکن هند بوده است.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۶۳؛ نقباء البشر، ج۱، صص۱۴۳ ۱۴۴.

۲- خورشید جی، صص۲۹۴ ۲۹۶؛ فهرست مجلس، ج۱۷، ص۱۳۵.

۳- نقباء البشر، ج۱، ص۱۴۷؛ میرزای شیرازی، ص۱۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۴۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶.

مؤلّف دبستان المذاهب وی را در سال ۱۰۴۱ق در هند دیدار کرده است.(۱)

محمّداسماعیل ضعیف اصفهانی

محمّداسماعیل متخلّص به «ضعیف»، شاعر ادیب در سال ۱۳۲۵ق در اصفهان متولّد شد.

از اعضاء قدیمی انجمن ادبی شیدا است. روزگار به کفّاشی می گذرانید، از اشعار او است:

[کار ما مشکل از آن زلف گره در گره است زلف بگشا و گره باز کن از مشکل ما(۲)]

سیّداسماعیل طباطبایی

اسماعیل طباطبایی اصفهانی، عالم فاضل، از دانشمندان علوم عقلی در اوایل قرن سیزدهم هجری است.(۳)

سیّداسماعیل طباطبایی زوّاره ای

آقاسیّداسماعیل طباطبایی زوّاره ای اصفهانی، از اساتید فنّ قرائت و تجوید در اصفهان بوده، و میرزا زین العابدین بن محمّدعلی سبزواری معروف به شهشهانی، امام مسجد صفا، نزد او این علم را آموخته است. در مجموعه شماره ۱۵۴۰ کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی ذکری از او شده است.(۴)

ملّااسماعیل طبسی

ملّااسماعیل طبسی خراسانی اصفهانی، فاضل جلیل واعظ متّقی، از فضلاء اهل منبر در قرن سیزدهم هجری در اصفهان بوده است. در طبس خراسان متولّد گردید، و در اصفهان فی

۱- الذّریعه، ج۸، ص۴۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۲۱.

۳- الکرام البرره، ج۱، ص۱۳۲.

۴- فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۴۰.

الجمله تحصیل نمود، و روزگار، به ذکر مصائب و فضائل معصومین علیهم السلام می گذرانید، و در نزد علماء وقت، همچون سیّد حجّت الاسلام و دیگران تحصیل کرد، و معزّز می زیست، سرانجام قبل از سال ۱۲۶۰ وفات یافت، در صحن امام زاده هارون ولایت علیه السلام مدفون گردید. مشارٌالیه پدر مولی محمّدحسین عارفچه و جدّ میرزا محمّدعلی عارفچه شاعر ادیب و واعظ می باشد.(۱)

محمّداسماعیل طبیب

محمّداسماعیل طبیب اصفهانی، از اطبّاء معروف در قرن سیزدهم هجری است. از آثارش کتابت نسخه ای است از قرابادین تألیف حکیم مظفّر بن محمّد شفایی کاشانی که آن را در سال ۱۲۳۰ق به خطّ نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۱۰۶۹ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد موجود است.(۲)

حکیم اسماعیل طبیب*

حکیم اسماعیل طبیب، از اطبّاء حاذق عهد صفویّه است. وی ساکن اصفهان، و ظاهرا تا سال ۱۰۸۳ق در قید حیات بوده است. نصرآبادی در ضمن شرح حال زمانای نقّاش گوید: «زمانای نقّاش اصفهانی، گویا والد حکمت پناه، حکیم اسماعیل طبیب است»(۳).

اسماعیل فرهنگ چالشتری

اسماعیل فرهنگ، از بزرگ زادگان قریه چالشتر است. سال ۱۳۲۰ قمری متولّد شد. زمانی در ارتش بود، بعدا استعفا نمود، و در دوائر کشوری مشغول شد، از آن هم مستعفی، و در مولد خویش به کار زراعتی مشغول شد. از او است:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص۵۳۵ ۵۳۶؛ بیان المفاخر، ج ۱، صص۲۶۵ ۲۶۶.

۲- فهرست گوهرشاد، ص ۱۶۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۲۰.

[گل حسرت که بروید به مزار تو و من ز آرزوهاست که خاک است به خاک من و تو(۱)]

شیخ اسماعیل قصری

شیخ اسماعیل قصری اصفهانی، از عرفاء و متصوّفه قرن هفتم هجری است. در سلسله الاولیاء در باب او نوشته شده است: «کان عالما بعلوم الظّاهر، متبحرا فیها عارفا بحقایق الباطن محقّقا فی دقایقها و فی المجاهده و المشاهده و المکاشفه له شأن عظم و مرتبه کبر». وی از مشایخ شیخ نجم الدّین کبری بوده، و شیخ نجم الدّین از او خرقه پوشیده است. صاحب عنوان سرانجام در دزفول اقامت گزیده، و همان جا وفات یافته است.(۲)

سیّداسماعیل قوام الواعظین

سیّداسماعیل قوام الواعظین فریزهندی اصفهانی، عالم فاضل واعظ کامل، از اهالی قریه «فریز هند» از قرای اصفهان، و از معاصرین است. در تهران ساکن است. کتاب ذخیره المعاد در مواعظ و نصایح و ذکر مصائب، از تألیفات او است که در دو مجلّد به طبع رسیده است.(۳)

استاد اسماعیل کاشی پز*

استاد اسماعیل کاشی پز، هنرمند کاشی ساز، پدر میرزا یحیی مدرّس بیدآبادی عالم و شاعر معروف است. در هنر کاشی سازی، از اساتید زمان خود بوده، قسمتی از تزیینات کاشی کاری مسجد سیّد اصفهان در سال ۱۲۹۴ق از آثار هنرمندانه او است.(۴)

محمّداسماعیل کامی دولت آبادی

محمّداسماعیل دولت آبادی متخلّص به «کامی»، شاعر ادیب قرن سیزدهم هجری

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۵۳.

۲- روضات الجنان، صص ۳۸۰ و ۵۷۵.

۳- الذّریعه، ج ۱۰، ص۱۹.

۴- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۶.

است، در «دولت آباد» برخوار متولّد، و پس از تحصیل به تجارت مشغول شد. سفری هم به همدان داشت، و بالاخره در سال ۱۲۱۹ق در عنفوان جوانی در اصفهان وفات یافت. این رباعی از او است:

گریان نبود سحاب هنگام بهار نالان نبود به گلستان بلبل زار

چون دیده اشک ریز من از غم دوست چون سینه ناله خیز من از غم یار(۱)

ملّااسماعیل کرمانی

مولی اسماعیل کرمانی اصفهانی فاضل خطّاط، ساکن مدرسه نیماورد اصفهان، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. از آثار او مجموعه ای به شماره ۱۰۱۶ در کتابخانه دانشکده الهیّات و معارف اسلامی در مشهد مقدّس، حاوی رساله های الفوائد الحائریّه و الفوائد الاصولیّه، هر دو از تألیفات وحید بهبهانی و ایضاح الاشتباه تألیف علاّمه حلّی است که به خطّ نسخ در مدرسه نیماورد کتابت شده است.(۲)

پیراسماعیل مالواجردی*

پیراسماعیل مالواجردی جرقویه ای اصفهانی، از عرفای سرزمین جرقویه است. ظاهرا در قرن هشتم هجری می زیسته، و مقبره اش در قریه مالواجرد بوده، و به «پیر مالواجرد» معروف بوده است.(۳)

میرزا اسماعیل موسوی

میرزا اسماعیل موسوی، عالم فاضل، از دانشمندان علم ریاضی در اصفهان است. از بنی اعمام مرحوم حاج سیّدمحمّدباقر حجّت الاسلام شفتی بوده است. نسخه ای از کتاب تحریر اقلیدس از کتاب های سیّد حجّت الاسلام نزد او امانت بوده، و مشارٌالیه در پشت

۱- سفینه المحمود، ص۲۷۴؛ تذکره اختر، ص۱۶۵؛ حدیقه الشّعراء، ج۲، ص ۱۴۵۰.

۲- فهرست کتابخانه الهیّات مشهد، ج۲، ص۱۷۴.

۳- گرکویه، ص۱۷۷.

صفحه اوّل کتاب یادداشت نموده که: «امانت از عموزاده سیّدمحمّدباقر رشتی». این کتاب در کتابخانه نویسنده سطور [سیّدمصلح الدّین مهدوی] می باشد.(۱)

محمّداسماعیل نجف آبادی*

محمّداسماعیل نجف آبادی در سال ۱۲۲۸ق نسخه ای از کتاب حلیه المتّقین علّامه مجلسی را کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه مسجد الزّهراء اصفهان موجود است.

اسود

اسود بن رزین، از محدّثین اصفهان در اوایل قرن سوم هجری است. از حسن بن سالم و وقاء اسدی روایت می کند، و ابراهیم بن ایّوب از او نقل حدیث می نماید.(۲)

اسید ثقفی

ابوالحسین اسید بن عاصم بن عبداللّه، از موالی ثقیف و از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از سعید بن عامر، بُشر بن عمر، عبدالصّمد بن وارث، حسین بن حفص و بکر بن بکار روایت نموده است. وی در سال ۲۷۰ق وفات یافت، و اسماعیل بن احمد بر او نماز خواند، و در اصفهان مدفون شد. کتاب مسند از تألیفات او است.(۳)

اسید مدینی

اُسید بن عبداللّه بن احمد بن اُسید معدَّل مدینی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی قبل از سال ۳۵۰ق وفات یافت. از محمّد بن نصیر و هم طبقه های او نقل حدیث می کند.(۴)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۷۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ص۲۳۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۶؛ طبقات المحدّثین، ج۲، ص۳۰۶؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۲، ص۳۷۸؛ الوافی بالوفیات، ج۹، ص۲۶۱.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۷.

اسید

اُسید بن مُتشمِّس بن معاویه از محدّثین قرن اوّل هجری است. با ابوموسی اشعری برای فتح اصفهان به این شهر آمد. او پسرعموی اخنف بن قیس بود. او از ابوموسی اشعری روایت نموده است.(۱)

محمّد اشرف ورنوسفادرانی

محمّداشرف بن حیدرعلی ورنوسفادرانی سدهی بن ملّاکلب علی بن محمّد بن نورا بن محمّد بن نورالدّین علیّ بن عبدالعالی میسی عاملی عالم فاضل جلیل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است که به قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران آمد، و در اصفهان بر حسب خواهش علماء و بزرگان ساکن شد، و در فتنه افغان به سِدِه مهاجرت نمود، و در سال ۱۱۳۵ وفات یافت، و در قریه ورنوسفادران مدفون گردید. [اولاد و احفادش در سِدِه ساکن و به نورایی، معرفت، جبل عاملی و اشرفی شهرت دارند]. کتب زیر از تألیفات او است:

۱. سفینه العارفین فی معرفه اصول الدّین، در کلام، به فارسی در ۱۲۹ صفحه به روش استدلالی، تاریخ ختم تألیف، سه شنبه شوّال ۱۱۳۴ در اصفهان، نسخه، ضمن مجموعه ۲۲۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است. ۲. عروه المتّقین، در تفسیر آیه الکرسی به فارسی که در اصفهان در سال ۱۳۶۸ق به چاپ رسیده است.(۲)

محمّداشرف اصفهانی

محمّداشرف بن زین الدّین اصفهانی، از کاتبان قرن ۱۱ هجری و از نویسندگان خطّ نسخ. از آثار او است: ۱. نسخه ای از کتاب جامع المقاصد فی تکلمه شرح القواعد تألیف عبداللّه شوشتری اصفهانی، که به خطّ نسخ کتابت نموده، و به شماره ۸۳۹۳ در کتابخانه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۶؛ طبقات المحدّثین، ج۱، ص۸۵.

۲- الذّریعه، ج۱۵، ص۲۴۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۰۰ و ۲۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۹؛ فهرست کتابخانه گلپایگانی، ج۱، ص۱۹۶؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص۳۵۱؛ خمینی شهر، ص۱۴۱.

آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱) ۲. نسخه ای از کتاب مناقب ابن شهر آشوب که در سال ۱۰۹۵ق به خطّ نسخ کتابت کرد، و در مدرسه سلیمان خان در مشهد مقدّس موجود است. در پشت نسخه، وقف نامه ای است به خطّ علاّمه مجلسی که از بابت نما و سود گرمابه نقش جهان اصفهان، وقفی شاه سلطان حسین صفوی خریداری و وقف شده است.

میرمحمّداشرف علوی عاملی

میرمحمّداشرف بن سیّدعبدالحسیب محمّد بن سیّداحمد علوی حسینی عاملی اصفهانی، عالم فاضل ادیب شاعر محقّق مدقق، در اواخر قرن یازدهم هجری در اصفهان متولّد شده، و نزد پدر دانشمند خود، و ملاّمحمّدصالح مازندرانی و علاّمه ملاّمحمّدباقر مجلسی تلمّذ نموده، و علاّمه او را با القاب و صفات عالی، در اجازه ای که به او داده، ستوده است. هم چنین میرمحمّداشرف از ملاّمحمّد تنکابنی (فاضل سراب) اجازه روایت دارد.(۲) در هنگام حمله افغان ها و محاصره اصفهان به سده مهاجرت نمود، و در سال ۱۱۴۵ق وفات یافت(۳). (شیخ محمّدعلی حزین سال وفاتش را ۱۱۳۳ق می نویسد)(۴)، و در محلّه ورنوسفادران سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] مدفون شد، و بقعه ای بر سر مزار او بنا شد، و بعدا جمعی از اولاد و اعقابش در آن جا دفن شدند.(۵) وی را تألیفاتی است؛ از آن جمله: ۱. اشرف المناقب، شروع تألیف، ۱۱۰۲ق به نام شاه سلیمان صفوی ۲. ترجمه الفیّه ابن مالک به نظم فارسی ۳. حاشیه بر قبسات جدّش میرداماد ۴. حاشیه بر شرح مختصر عضدی ۵. شرح مشیخه تهذیب الحدیث معروف به رجال محمّداشرف ۶. فضائل السّادات، که همان کتاب اشرف المناقب او است که مطالبی به آن افزوده، و آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی نامیده است. این کتاب در مقدّمه لؤلؤ الصّدف تألیف آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی چاپ شده است. ۸. ترجمه فارسی مصائب النّواصب، به خواهش احمدبیک یوزباشی در سال

۱- فهرست مرعشی، ج ۲۱، ص ۳۶۱.

۲- تلامذه العلاّمه المجلسی، صص ۷۷ ۷۸.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۵ و ۲۷۳؛ مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۱۹۶.

۴- تذکره المعاصرین.

۵- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۳۰ ۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۹۰.

۱۰۷۰ق ۹. علاقه التّجرید، شرح فارسی بر تجرید العقائد خواجه نصیرالدّین طوسی، مطبوع.(۱) میرمحمّداشرف، گاهی شعر می گفته، و این ابیات از او است:

آن ماه دو هفته دلبر جانی من آن یار عزیز، یوسف ثانی من

یک روز نکرد فکر شب های غمم یک بار نگفت پیر کنعانی من(۲)

آقا اشرف طبیب

محمّداشرف فرزند حکیم شمس الدّین محمّد (حکیم شمسا) اصفهانی. مرحوم خاتون آبادی درباره او گوید: «مرد فاضلی بود، و به همه مراتب علوم، ربط معقولی داشت، و اکثر اوقات، مسائل و عبادات مشکله طرح می نمود و می نوشت، و بسیار با ادب و خوش اخلاق بود. در کمال شکستگی و تواضع، و لاسیّما با طالب علمان، صحبت دوست بود با علماء، و طالب علمان او را طبیب حرم نمودند، و منع کردند او را از تردّدها، رحمه اللّه». فوت او بعد از فوت آقاحسین، پیش از ماه مبارک رمضان [در سال ۱۰۹۸ق] به چند روز بوده است.(۳) [از تألیفات او تقویم الابدان در طب است که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود(۴)].

محمّداشرف خنجی اصفهانی

محمّداشرف بن معزّالدّین خنجی اصفهانی، از فضلاء و علماء اصفهان در قرن یازدهم هجری است. در زمره علماء و مشارٌ بالبنان، و تا سال ۱۰۸۹ق زنده بوده است. از آثار او کتابت نسخه ای است از کتاب غرر الفرائد و درر الفرائد تألیف سیّدمرتضی علم الهدی معروف به امالی که آن را در ۲۱ صفر سال ۱۰۸۹ق به دستور حسینعلی خان یکی از بزرگان اصفهان تصحیح نموده است. نسخه به شماره ۵۶۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم

۱- الذّریعه (مجلّدات مختلف)؛ مصفّی المقال، ستون ۸۲؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، صص۱۴ ۱۶؛ اعیان الشّیعه، ج۴۳، ص۲۹۶.

۲- تذکره المعاصرین.

۳- وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۴۲.

۴- فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص۱۴۳.

موجود است.(۱)

هم چنین وی در زمره علمایی است که وقف نامه مسجد شاه [مسجد امام کنونی] اصفهان را امضاء کرده است. سجع مهر او: «یثق باللّه الصّمد محمّداشرف بن معزّاللّه بن محمّد»(۲).

محمّداشرف ساوجی

محمّداشرف بن محمّد مقیم بن عبدالغفور ساوجی، از فضلاء قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده است. از آثارش کتابت مقاله شانزدهم از کتاب النّبض الکبیره تألیف محمّد بن زکریّای رازی است که آن را در شب چهارشنبه ۱۹ رجب سال ۱۰۷۳ در اصفهان به پایان رسانیده است. کتاب، به شماره ۲۸۰۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۳)

اشرف جعفری

اشرف جعفری از محدّثین و دانشمندان اصفهان است. [مافرّوخی در کتاب خود از او نام برده است. وی ظاهرا در قرن سوم و یا چهارم هجری می زیسته است(۴)].

اشعث اصفهانی

اشعث بن اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، و ابن منده در کتاب خود از او نام برده است. از خارجه بن مصعب روایت می کند، و حسین بن عاصم رازی از او نقل حدیث می نماید.(۵)

ملّااصغر قمی

مولی اصغر بن محمّدقاسم بن جمال قمی اصفهانی، از خطّاطین و نویسندگان فاضل در

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۶۸.

۲- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۹۵.

۳- فهرست مجلس، ج۱۰، جزء یکم، ص۹۱.

۴- محاسن اصفهان، ص۳۰.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۱.

قرن ۱۲ هجری است که در سال ۱۱۱۵ در اصفهان، کتاب ریاض السّالکین در شرح صحیفه سیّدالسّاجدین تألیف سیّدعلی خان مدنی شیرازی را کتابت نموده است. نسخه آن در کتابخانه شیخ مشکور در نجف اشرف موجود بوده است.(۱)

استاد اصغر طاهرزاده

(استاد اصغر طاهرزاده از فضلاء و محققین پر تلاش معاصر است. در سال ۱۳۳۰ش متولّد شد. تحصیلات دانشگاهی را تا لیسانس زمین شناسی ادامه داد و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در کنار تدریس به تحصیل در حوزه علمیه قم پرداخت و در رشته فلسفه و کلام و تفسیر تبحر پیدا کرد. وی سال ها به تدریس معارف اسلامی برای اقشار مختلف مردم اشتغال دارد و به موفقیت چشم گیری در ترویج معارف الهی پیدا کرده است. آثار ارزشمند زیر از او به چاپ رسیده است:

معرفت النفس و الحشر(ترجمه و تنقیح جلد ۸ و ۹ اسفار)، از برهان تا عرفان، مبانی معرفتی مهدویت، کربلا مبارزه با پوچی ها، علل تزلزل تمدن غرب، آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین، شرح نامه ۲۱ نهج البلاغه، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، ده نکته از معرفت نفس و مقام لیله القدری حضرت فاطمه (س)

استاد اصغر صانعی*

استاد اصغر صانعی فرزند آقامحمّد، از نقّاشان معاصر اصفهان بوده، و در حدود سال ۱۳۴۰ق در اصفهان متولّد شده است. وی در هنرستان هنرهای زیبا در تهران تحصیل کرد، و در خارج از هنرستان نیز نزد استادانی چون استاد حاج حسین مصوّرالملکی در اصفهان و استاد حسین بهزاد در تهران شاگردی نمود، و استادی ماهر گردید. وی در نقّاشی مینیاتور تبحّر خاصّی داشت.(۲)

۱- الذّریعه، ج ۱۱، ص ۳۲۶.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۱۶.

اصغر «درویش متین اصفهانی»*

اصغر معروف به «درویش متین» فرزند ملک محمّد، عارف صافی ضمیر، و از دراویش باایمان است. در اصفهان به کسوت درویشی در شهر می گشت، و شعر مولوی می گفت. مردی بی آلایش و بریده از علایق دنیوی بود. استاد جلال الدّین همایی به وی محبّت بسیار داشت. در ۹ ذی حجّه ۱۳۸۴ قمری وفات یافت، و پای دیوار جنوبی خارج از تکیه سیّدالعراقین در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

دکتر اصغر فروغی*

دکتر اصغر فروغی اَبَری، در سال ۱۳۴۰ش در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیلات ابتدایی و متوسّطه به جبهه های نبرد بین ایران و عراق شتافت، و در سال ۱۳۶۲ش بر اثر انفجار مین نابینا گردید. وی پس از آن به تحصیل در رشته تاریخ پرداخت، و سرانجام موفّق به اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه تهران گردید، و از آن به بعد به تدریس در دانشگاه اصفهان پرداخت. این کتاب ها از او است: ۱. تاریخ غوریان، که در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است. ۲. یک مشت خاک، یک دشت خون، که در سال ۱۳۸۳ چاپ شده است.(۲)

اصمعی

اصمعی، از ادبای اصفهان و معاصر مافرّوخی مؤلّف محاسن اصفهان بوده، و در لغت و صرف و نحو، تبحرّ داشته است.(۳)

اصیل الدّین

نظام الدّین اصیل، شیخ و مقتدای اصفهان در قرن هشتم بوده است. در موقع تسخیر اصفهان، شاه ابواسحاق اینجو مدّتی در منزل او مخفی بود، تا سپس گرفتار و در شیراز مقتول شد. صاحب عنوان، شیخ الاسلام اصفهان، و تا سال ۷۵۹ق در قید حیات بوده است.(۴)

۱- دولت دیدار، ص ۲۸۱.

۲- خورشید جی، ص ۴۳۴.

۳- محاسن اصفهان، ص ۳۵.

۴- مجمل فصیحی، ج ۱، ص ۸۸؛ روضه الصّفا، ج ۴، ص ۴۹۸.

اظهری اصفهانی

اظهری، از شعرای اصفهان در عصر صفویّه است. وی تا سال ۱۰۶۱ق در قید حیات بوده است.

در همین زمان، شاعری به نام «اظهری شیرازی» که نامش بوداق بوده، از این که با اظهری اصفهانی هم تخلّص شده، شکایت نموده است.(۱)

اظهری قهپایه ای

اظهری قهپایه ای، شاعر ادیب خوشنویس. در اوایل، گیوه کش بوده، سپس نویسنده عسس اصفهان شده، در اواخر عمر، به جنون مبتلا گردیده، در آخر با گلاب، غسل کرده و خوابیده، و وفات یافته است. از او است:

سرخی آن کف پا را به حنا نسبت کرد خون صد دل فسرده می خواست که از پا ببرد(۲)

اغملش

اغملش، نایب خلیفه عبّاسی در اصفهان بوده است. او در سال ۶۱۳ق به دست فداییان اسماعیلیّه کشته شده است.

افراسیاب خان

افراسیاب خان، از ادباء و شعرای عصر صفویّه است. وی برادر رستم خان ایلچی حاکم جام بود. به سخن شناسی و لطافت طبع، شهرت داشت، و به حسن سلیقه و کمالات صوریّه، موصوف بود. در اصفهان ساکن بود، و همان جا درگذشت. این بیت از او است:

خورم صد زخم اگر بر دل تمنّای دگر دارم ز تیغ غمزه اش امید جوهر بیشتر دارم(۳)

۱- فهرست مدرسه سپهسالار، ج۲، ص۵۶۱؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۱، ص۲۸۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۱؛ الذّریعه، ج۹، ص۸۱؛ تذکره روز روشن، ص۵۹. ۲. تذکره المعاصرین، حزین، ص۱۸۳.

۳- تذکره المعاصرین، حزین، ص۱۸۳.

افریدون اصفهانی

افریـدون بن محمّد بن علی اصـفهانی تاجر، از مردان نیکوکار در قرن هشـتم هجری است. از آثارش بنای مدرسه ای است در دمشق که آن را به سال ۷۴۴ق بنا نموده، و خود در رجب سال ۷۴۹ وفات یافته است.(۱)

میرافضل طباطبایی اردستانی*

میرافضل فرزند عبدالکریم طباطبایی اردسـتانی، شاعر ادیب فاضل از نوادگان میربلند، از سادات عالی قدر اردستان بوده که در قریه «اویخ» اردسـتان مدفون است، و خود او در اصـفهان به تحصـیل مشغول بوده، و گاهی شعر می سروده، از آن جمله است. این بیت:

فضای سینه ام از بس که بر نفس تنگ است میانه دل و جان از برای جا جنگ است(۲)

میرافضل تونی*

میرافضل حسـینی تونی معروف به «افضل الحسـینی» از نقّاشان معروف عهد صـفویّه است. نقّاشـی های او به سبک رضا عبّاسی [است]. شاید او از شاگردان رضا عبّاسی باشد.(۳)

اکبرخان تارزن*

اکبرخان تارزن، هنرمنـد موسـیقی دان اصـفهانی، در حـدود سال ۱۳۲۲ق در اصـفهان متولّـد شـد. وی در نواختن تـار، مهارت بسزایی داشت، و در فنّ خود خوش سلیقه بود.

نواهای چنان چالاک می زد که مرغ از شور، پر بر خاک می زد

وی قبل از سال ۱۳۷۴ق بدرود حیات گفت.(۴)

۱- الدّرر الکامنه، ج ۱، ص ۴۱۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۲۷۹؛ تذکره روز روشن، ص ۶۴.

۳- دائره المعارف هنر، ص ۳۳.

۴- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۲۵۵.

اکبر ترابیان

اکبر ترابیان از شعرای اصفهان است. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در اصفهان طی کرد. از همان نوجوانی شعر می گفت.(۱)

شیخ اکبر جوادی*

شیخ اکبر جوادی، عالم فاضل معاصر در سال ۱۳۳۶ش در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیلات مقدّماتی به قم رفت، و نزد اساتید حوزه، همچون مشکینی، سبحانی، جوادی آملی، نوری همدانی، شیخ یوسف صانعی، حسن زاده آملی، منتظری و فاضل لنکرانی به تلمّذ مشغول شد. در سال ۱۳۷۰ق به امامت جمعه فولادشهر منصوب شد، و در حوزه و دانشگاه به تدریس پرداخت. وی در ترویج دین و جذب مردم به شعائر مذهبی، نقش مؤثّری ایفا نمود، و سرانجام در ۲۱ بهمن ۱۳۷۴ش (۲۰ رمضان) در اثر سانحه تصادف، دار فانی را وداع گفت، و پیکرش در تکیه شهدای اصفهان مدفون گردید.(۲)

دکتر اکبر بردبار

دکتر اکبر بردبار، از دانشمندان طب و متخصّص بی هوشی در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد شد. پس از طیّ تحصیلات ابتدایی و متوسّطه در اصفهان، به تحصیل در رشته پزشکی در دانشکده پزشکی پرداخت، و پس از اتمام آن، به مدّت سه سال دوره تخصّصی بی هوشی را در بیمارستان سینا گذراند، و از سال ۱۳۳۸ش به سمت ریاست درمانگاه بی هوشی دانشکده پزشکی اصفهان منصوب شد. سپس به مدّت سیزده سال در انگلستان به مطالعه و تکمیل تحصیلات خود در رشته بی هوشی پرداخت، و موفّق به اخذ دیپلم بی هوشی با درجه «د . آ . سی . پی . آر . سی . اس DACPRCS» از کالج جرّاحان و پزشکان انگلستان گردید. از تألیفات و آثار ایشان، چندین مقاله و کتاب، جهت تدریس

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۲.

۲- یادداشت آقای رحیم قاسمی (وفیات علمای معاصر اصفهان)، نسخه خطّی.

در دانشگاه، با عناوین روش بی هوشی ساده، درمان مصونیّت با تریاک، توقّف قلب با ایجاد عوارض مغزی، هیپوترمی و غیره است.

میرزا محمّداکبر دولت آبادی «اکبر»

میرزا محمّداکبر فرزند آقامیرزا دولت آبادی، شاعر ادیب، پدرش در زمان شاه عبّاس کبیر، مستوفی الممالک بوده [است(۱)]، مشارٌالیه، جامع کمالات بوده، از آثار او است: ۱. مثنوی زاهدنامه ۲. مثنوی در بحر خسرو و شیرین(۲) ۳. مثنوی در وصف اصفهان(۳). این رباعی از او است:

تا مرد ز نقش خویشتن ساده نشد از بهر جلای عشق آماده نشد

تا آب روان نهفته در تاک نرفت گلرنگ نشد صاف نشد باده نشد

محمّداکبر اصفهانی

محمّداکبر اصفهانی متخلّص به «اکبر» شاعر ادیب، به هندوستان مسافرت نمود؛ و سپس به توران رفت، و محمّدخان (متوفّی ۱۰۵۶ق) را مدح گفت. دیوانش شامل ۷۲۰۰ بیت در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است. این بیت از او است:

شرابِ خانه پرورد عراق است این زلال فیض مجو از شیشه شیراز یا جام خراسانش(۴)

اکبر بروجنی

اکبر بروجنی، از شعرای معاصر است. در اصفهان سکونت داشت. قسمتی از اشعارش به نام رفیق خیانت کار به طبع رسیده است.(۵)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص۱۵۸ ۱۵۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۹۳.

۳- فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص۱۷۰؛ فهرست دانشگاه تهران، ج۹، ص۱۱۹.

۴- کاروان هند، ج۱، صص۸۱ ۸۲؛ فهرست مجلس، ج۳، ص۲۲۱؛ الذّریعه، ج۹، ص۸۷.

۵- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۰.

محمّداکمل اصفهانی

ملاّمحمّداکمل بن محمّدصالح اصفهانی، عالم فاضل محدّث، پدر جناب آقا محمّدباقر وحید بهبهانی. در اوایل قرن دوازدهم هجری می زیست. نزد جمعی از علماء، ازجمله علاّمه مجلسی، ملاّمیرزا شیروانی، شیخ جعفر قاضی، مولی محمّدشفیع استرآبادی تحصیل نمود، و از آنان روایت کرد. فرزندش وحید بهبهانی در اجازت خود او را چنین ستوده است: «العالم الکامل الفاضل الامین المحقّق المدقّق الباذل الاعلم الافضل الاکمل، استاد الاساتید و الفضلاء، و شیخ المشایخ العظماء العلماء الفقهاء، مولانا محمّداکمل».

ملاّمحمّد اکمل با دختر ملاّنورالدّین محمّد بن ملاّمحمّدصالح مازندرانی ساروی ازدواج کرده، و صاحب فرزندانی شده است که از آن جمله است جناب وحید بهبهانی.(۱)

الفتی ساوجی

الفتی ساوجی فرزند حسین ساوجی است. مدّت ها در هند بوده، رساله ای در عروض و قافیه به نام عبداللّه قطبشاه تألیف کرده، در اواخر عمر به اصفهان آمده، در قهوه خانه جنب دارالشّفاء ساکن شده، در کمال شوخی و نمک بوده، و اشعار همواری می گفته؛ لکن خود، خویشتن را از انوری بالاتر می دانسته [است]، و در زمان تألیف تذکره نصرآبادی فوت شده بوده است. از او است:

بود هر خُم می که خشتیش هست حکیمی ز حکمت کتابی به دست

می کهنه و نو سخنگو به هم یکی از حدوث و یکی از قدم(۲)

اللّه کرم رئوفی بروجنی «سالک»

اللّه کرم رئوفی متخلّص به «سالک»، شاعر ادیب در سال ۱۳۲۲ قمری در قصبه بروجن متولّد شد. در مکاتب قدیم، مشغول به تحصیل شد، و به مناسبت فوت پدر، ترک تحصیل

۱- تذکره العلماء، ص۲۶۱؛ الفیض القدسی، ص۸۹ (ترجمه فارسی فیض قدسی، ص۲۱۴)؛ مرآه الاحوال، صص۱۳۱ و ۲۷۰؛ هدیه الاحباب، ص۱۱۴؛ نجوم السّماء، ص۲۳۰؛ وحید بهبهانی، ص۱۰۷؛ زندگی نامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۱۶.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۶۴.

کرد، و برای امرار معاش خانواده به شغل بزّازی پرداخت، و چون به علم و ادب، علاقه داشت، در ضمن کار روزانه، تحصیلات خود را ادامه داد. گاهی برحسب اقتضای حال، اشعاری می سرود. دیوان اشعاری دارد که هنوز طبع نشده است. از او است:

در ره عشق به پای سر و جان باید رفت سوی معشوق به ترک دو جهان باید رفت(۱)

اللّه وردی خان*

اللّه وردی خان، از سرداران و امرای بزرگ عهد شاه عبّاس صفوی است. اصلاً از خاندان اصیل «اوندیلادزه» گرجستان بود، و در زمان لشکرکشی شاه تهماسب به گرجستان به ایران آورده شد. وی کم کم از خود لیاقت و کاردانی بروز داد، و پلّه های ترقّی را در دستگاه صفویّه طی کرد. ابتدا حاکم گلپایگان شد، و سپس در سال ۱۰۰۵ق حکومت فارس را برعهده گرفت، و پس از سرکوب شورشیان کوه گیلویه، حکومت آن جا را نیز ضمیمه حکومت خود ساخت.

در سال ۱۰۰۶ق به سپهسالاری ایران رسید. او در جنگ های شاه عبّاس با ازبک ها در شرق ایران، و عثمانی ها در غرب کشور، فرماندهی نیروها را برعهده داشت، و باعث پیروزی دولت صفویّه بر رقیبان خود شد. او هم چنین بحرین و لار را از دست پرتغالی ها که جنوب ایران را اشغال کرده بودند، خارج ساخت. اللّه وردی خان از مردان نیکوکار زمان بود، و آثار متعدّدی از خود به جای نهاد؛ ازجمله: بنای پل اللّه وردی خان (سی و سه پل) در اصفهان، بنای قیصریّه لار، بنای گنبد و رواق اللّه وردی خان در مشهد مقدّس، و احداث مدرسه خان در شیراز و چندین مسجد، کاروان سرا و آب انبار و غیره در شهرهای مختلف.

وی سرانجام در سال ۱۰۲۲ق درگذشت. شاه عبّاس از مرگ او متأسّف شده، دستور تشییع جنازه او را در مراسمی باشکوه صادر کرد، و به فرمان شاه، جنازه اللّه وردی خان به مشهد مقدّس حمل، و در جوار حرم امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. شاه عبّاس هم چنین

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۲.

به خاطر قدردانی از خدمات اللّه وردی خان، تمام مناصب او را به فرزندش امام قلی خان تفویض نمود.(۱)

خواجه امام الدّین واعظ

خواجه امام الدّین واعظ، از دانشمندان قرن هفتم هجری در اصفهان است.(۲)

امام الدّین اصفهانی

امام الدّین اصفهانی از دانشمندان اصفهان است. برادرش شمس الدّین، استاد او بوده، و شمس الدّین، رساله شمسیّه در منطق را نزد برادر خوانده است.(۳)

امام قلی خان*

امام قلی خان فرزند اللّه وردی خان، از خاندان «اوندیلادزه» گرجی، در سال ۱۰۲۲ق پس از وفات پدرش به فرمانروایی فارس و کوه گیلویه منصوب شد، و پس از آن، حکومت لار، هرمز، بحرین، گلپایگان، تویسرکان، محلّات، هویزه، و دورق به قلمرو او اضافه شد. شاه عبّاس به او احترام فراوان می گذاشت.

امام قلی خان در جنگ با اشغالگران پرتغالی در خلیج فارس پیروز شد، و بندر گمبرون (بندرعبّاس) و جزیره های هرمز و قشم را از دست آنان خارج ساخت، و به سیطره آنان به جنوب ایران و خلیج فارس پایان داد. وی در استان فارس، آثار خیریّه فراوانی از خود به جای نهاد؛ ازجمله پلی عظیم در جهرم، چندین کاروان سرا، احداث پل خان بر روی رود کر، ساخت دو شبستان بزرگ در جنوب مسجد عتیق شیراز. او هم چنین قصرهایی مجلّل و شکوهمند در شیراز و اصفهان بنا کرد.

۱- تاریخ عالم آرای عبّاسی، صفحات مختلف؛ مجلّه وقف میراث جاویدان، تابستان ۱۳۷۵، صص ۲۷ ۲۸؛ محافل المؤمنین، ص۱۴۶؛ جایگاه گرجی ها در تاریخ، صص ۲۴۴ ۲۶۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۷۹.

۳- مرآه الجنان، ج۴، ص۳۳۲.

امام قلی خان به شعرا و دانشمندان احترام می گذاشت، و بسیاری از آنان از سخاوت و اکرام او بهره مند شدند. پس از مرگ شاه عبّاس در ۱۰۳۸ق، امام قلی خان همچنان حکومت فارس و متعلّقات آن را به عهده داشت؛ امّا شاه صفی پادشاه قصیّ القلب و کینه توز صفویّه، در سال ۱۰۴۲ق دستور قتل امام قلی خان و اولاد ذکور او را صادر کرد، و به این ترتیب، امام قلی خان و فرزندانش کشته شدند.(۱)

استاد امان اللّه طریقی*

استاد امان اللّه طریقی، عکّاس و نقّاش معاصر، در سال ۱۳۰۲ش در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیلات ابتدایی، به هنرستان هنرهای زیبا رفت، و در رشته نقّاشی به تحصیل پرداخت. پس از آن به عکّاسی پرداخت، و در کنار آن به نقّاشی مشغول شد. وی در نقّاشیِ پُرتره و آثار تاریخی، تبحّر خاصی داشت، و نمایشگاه هایی از آثار او برپا گردید. این هنرمند توانا در ۲۴ شهریور ۱۳۸۰ درگذشت، و در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون گردید.(۲)

امام قلی بیک چنگی «وارسته»

امام قلی بیک چگنی معروف به «ملّاوارسته» ادیب فاضل شاعر از معاصرین نصرآبادی است، و با مل مظفّر ترکه مناظرات و منازعاتی داشت. در سال ۱۰۷۵ وفات یافت(۳)،] و در امام زاده اسماعیل اصفهان مدفون شد(۴)].

از او است:

چشمی که افتد از گل رویت به روی گل پای برهنه ای است که بر خار می رود

۱- فصل نامه وقف میراث جاویدان، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۵، صص۲۸ ۲۹؛ جایگاه گرجی ها در تاریخ، صص۲۶۱ ۲۷۷.

۲- فصل نامه فرهنگ اصفهان، بهار ۱۳۷۹، ص۱۶۲ و اطّلاعات شخصی.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۷۶؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۸۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۹۹۱ ۹۹۲.

۴- قصص الخاقانی، ج۲، ص۱۱۴.

امام قلی کمره ای

امام قلی بن ابوالقاسم بن شاه قلی کمره ای، از فضلاء و علمای قرن یازدهم هجری است. اصلاً از اهالی کمره که امروزه به «خمین» معروف است بوده، جهت تحصیل به اصفهان آمد، و در مدرسه شیخ لطف اللّه ساکن شد، از آثار او: کتابت الفوائد الضیاییّه تألیف عبدالرّحمان جامی است که آن را به خطّ نسخ، در سال ۱۰۴۷ق در مدرسه شیخ لطف اللّه به پایان برده است. نسخه به شماره ۷۰۷ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

امام قلی حشمت

امام قلی متخلّص به «حشمت» برادر میرزا جعفر راهب از سادات طباطبایی و از نوادگان میرزا رفیعا نایینی اصفهانی است. به هند رفت، و به خدمت محمّد شاه رسید. لقب عمادالدّین خان یافت، و داماد حکیم الملک معصوم علی خان شد. از اشعار او است:

ما جورکشان نام نگیریم وفا را پرورده دردیم نخواهیم دوا را(۲)

امام قلی وحشت بختیاری

میرزا امام قلی بختیاری متخلّص به «وحشت»، از شعرای عصر صفویّه است. او برادر خلیل خان بختیاری، از خوانین ایل بختیاری است. وی تا حدود سال ۱۰۹۰ق در قید حیات بوده است. این رباعی از او است:

این چرخ نگون که واژگون می گردد ای بی خبر آگهی که چون می گردد؟

صد خوشه ز هر دانه امید تو سبز تو خفته و آسیابه خون می گردد(۳)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۳۹.

۲- خزانه عامره، ص۲۴۷؛ تذکره غنی، ص۴۶.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۴.

شیخ امان اللّه گینکانی

شیخ امان اللّه گینکانی فرزند ملّابدال کوجانی اصفهانی عالم فاضل. در اصفهان نزد آخوند ملّاحسین فشارکی، آقا سیّدمحمّدباقر درچه ای و آقا شیخ محمّدرضا نجفی مسجدشاهی تحصیل نموده، و از خواصّ اصحاب آقا شیخ محمّدرضا و مورد وثوق ایشان بوده است.

سال ها در مدرسه عربان به تدریس مقدّمات علوم و سطوح فقه و اصول مشغول بود، در علوم عربیّت، مهارتی بسزا داشت، و عدّه ای از محضرش بهره مند می شدند. در بلوک بُرخوار نیز مصدر امور شرعی و مقبول القول بود. سرانجام در شب ۲۳ رمضان ۱۳۸۳ق وفات یافت، و در صحن تکیه آقا سیّدمحمّدلطیف خواجویی در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.(۱)

امان اللّه بیگ «نظیر» زنگنه*

امان اللّه بیگ زنگنه متخلّص به «نظیر» شاعر ادیب، اصلاً از ایل زنگنه ساکن کرمانشاهان بوده، امّا در اصفهان زندگی می کرد، و شعر می سرود. علاوه بر آن از خطّاطان زبردست نیز بوده، و به واسطه کتابت امرار معاش می کرده، در سال ۱۲۰۶ق در اصفهان وفات یافت. این بیت از او است:

برون نمی رود ار حرفی از میانه ما چنان که غیر نداند، بیا به خانه ما(۲)

امیر اصفهانی

امیر اصفهانی از اعلام قرن هفتم هجری است. در تراجم رجال القرنین ضمن وقایع سال ۶۶۰ می نویسد: «و فی الخامس من ذی القعده مات الأمیر المعروف بالأصفهانی مخموراً».(۳)

۱- مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، صص ۸۲ ۸۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۲۸۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۹۱.

۲- سفینه المحمود، ج ۱، ص ۳۲۵؛ تذکره منظوم رشحه، ص ۷۱؛ حدیقه الشّعراء، ج ۳، ص ۱۰۹۱؛ تذکره نگارستان دارا، ص ۲۶۹؛ ریحانه الادب، ج ۶، ص ۲۱۶؛ تذکره دلگشا، صص ۴۷۶ ۴۷۷؛ مجمع الفصحاء، ج ۶، ص ۱۰۸۹؛ مکارم الآثار، ج ۳، ص ۲۱۶؛ الذّریعه، ج ۹، ص ۱۲۱۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۱۰۵.

۳- تراجم رجال القرنین، ص ۲۲۰.

امیربیگ اصفهانی

امیربیگ اصفهانی، شاعرادیب، نزد حکیم شفایی، فنون شعر و ادب را آموخته، و به کسب قصّابی اشتغال داشته، حدود هفتاد سال عمر کرده، در زمان شاه عبّاس ثانی وفات یافته است. از اشعار او است:

روزی به شب کنم به صد اندوه سینه سوز شب را سحر کنم به امید کدام روز(۱)

امیر اصفهانی

امیر بن حسین اصفهانی، فاضل ادیب ریاضی دان، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. وی مؤلّف نوزده باب در نجوم است که آن را جهت استفاده اطفال تألیف نموده است. نسخه به شماره ۲/۳۴۵۱ ضمن مجموعه شماره ۱۱۵۶ در کتابخانه ملّی ملک در تهران نگهداری می شود.(۲)

حاج امیرآقا فلاورجانی

[شیخ محمّدحسن کیانی] معروف به «حاج امیرآقا فلاورجانی» فاضل معاصر، [در ۷ دی ۱۲۶۷ش در فلاورجان اصفهان متولّد شد.]

در اصفهان نزد بسیاری از علمای این شهر ازجمله سیّدعلی مجتهد نجف آبادی، آقا سیّدمحمّد نجف آبادی، شیخ محمّدرضا نجفی و [امیرمحمّدصادق خاتون آبادی تحصیل نمود. سپس در نجف اشرف از درس سیّدابوالحسن اصفهانی و دیگران بهره برد.

پس از انجام تحصیلات به اصفهان بازگشت، و در مدرسه جدّه بزرگ ساکن شد. او روزهای پنج شنبه و جمعه را در فلاورجان به اقامه جماعت و ترویج و تبلیغ احکام و وعظ و خطابه می پرداخت.

وی عالمی فاضل، خوش محضر، نکته دان و مورد علاقه مردم و شخص اوّل روحانی در آن ناحیه بود. او در حجره مدرسه جدّه ساکن بود. اهل علم و فضلاء دیدار با او را مغتنم می

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۶۰۰؛ الذّریعه، ج۹، ص۹۹؛ تذکره روز روشن، ص۶۵۹؛ تذکره آتشکده، بخش سوم، ص۹۲۶.
۲- الذّریعه، ج۲۴، ص ۳۹۰.

شمردنـد و از خرمن علم او بهره منـد می شدند. او تا آخر عمر مجرّد زیست، و در اواخر زندگی، تمام دارایی خود را به دولت واگـذار نمود تـا صـرف مـدرسه سازی و بهـداشت و درمان مردم شود.] وفات او در سال ۱۴۰۳ق در سـنّ قریب به ۷۵ سالگی اتّفاق افتاد، و پیکرش در قبرستان عمومی فلاورجان به خاک سپرده شد.(۱)

امیر بیک قهپایجی

امیر بیـک بن ملک محمّـد قهبـایجی [کوهپـایه ای] خطّـاط نسـتعلیق نویس. از آثـارش مجموعه ای است شامـل دو کتـاب: ۱. مصابیح القلوب، تألیف ابوسـعید حسن شـیعی بیهقی سبزواری ۲. داسـتان دقیانوس و قسـمتی از تاریخ قوم حضرت موسی علیه السلام که در ۱۰۵۴ق کتابت شده است. نسخه به شماره ۱۷۵۸ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۲)

امیر کوکبی گرجی*

امیرخان کوکبی گرجی، از هنرمندان قرن دوازدهم هجری است. او از موسـیقی دانان دربار شاه سـلطان حسـین صفوی بوده، و به نام او رساله ای در موسیقی به نظم و نثر تألیف نموده، و در سال ۱۱۰۸ق آن را به پایان رسانده است.

شعر نیز می سـروده، و کوکبی تخلّص می کرده است. او در فنّ موسـیقی، خصوصـاً گوشه ها و الحان و تصانیف، اساتیـد بوده است. وی کتاب خود را در سنّ ۷۸ سالگی تألیف نموده است؛ بنابراین، سال تولّد او ۱۰۳۰ق خواهد بود.(۳)

امیراحمد کامخواه

امیراحمد کامخواه، شاعر ادیب در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در اصفهان متولّد گردید،

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسـمی (وفیات علمای معاصـر اصـفهان)، نسـخه خطی؛ تاریـخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج۲، ص ۲۹۰.

۲- فهرست وزیری، ج۲، ص۶۱۴.

۳- مداومت در اصول موسیقی ایران، صص ۱۷۰ ۱۷۵؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، صص۴۵۹ ۴۶۲؛ جایگاه گرجی ها در تاریخ و فرهنگ و تمدّن ایران، ص۳۰۸.

پس از اتمام دوره دبیرستان در این شهر، به دانشکده شهربانی وارد، و سرانجام در اداره شهربانی اصفهان به انجام وظیفه مشغول شد. از دوران تحصیل، به شعر و ادب، علاقه فراوان داشته، و از بیست سالگی، لب به گفتن اشعار گشوده است.

از او است:

[مرا دیوانه کرد آخر جفای ماجراجویی که اندر دل نبودش گویی از مهر و وفا بویی(۱)]

امیرحسین ظفر

امیرحسین خان ایلخان ظفر بختیاری فرزند حسین خان فرزند خسروخان سردار ظفر، از نویسندگان و مترجمان معاصر، در حدود سال ۱۲۷۱ق متولّد شده، و چندین دوره از طرف ایل بختیاری، و یک دوره از طرف مردم نجف آباد در مجلس شورای ملّی نماینده بوده، و چندین کتاب ترجمه نموده است؛ ازجمله: ۱. سفری به سرزمین دلاوران، نوشته کوپرسی که در تهران چاپ شده است ۲. سقراط، زندگانی و افکار، نوشته کوراماسیون ۳. شاه زاده خانم بعلبک نوشته رابدار هاکارد.(۲)

امیرقلی اشراقی بروجنی

امیرقلی اشراقی بروجنی، شاعر ادیب و از خدمتگزاران صدّیق فرهنگ در سال ۱۲۹۷ خورشیدی در قصبه بروجن چهارمحال متولّد شده، ادبیّات فارسی و عربی را در مدرسه بختیاری نزد میرسیّد حسن مجدالادباء اصفهانی و شیخ محمّدرفیع نطنزی خواند، و در همان مدرسه، ناظم و معلّم شد. پس از تعطیلی مدرسه، خود مستقلاً مدرسه ای تأسیس کرد، و پس از تأسیس دبستان دولتی، مدرسه خود را به اداره فرهنگ واگذار کرد، و خود، کارمند رسمی دولتی شد. او سال ها نماینده فرهنگ بروجن بوده، و به همّت او چندین باب دبیرستان و دبستان در آن محل ساخته شده است. از سال ۱۳۳۱ به مناسبت اختلافات

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۸۶.

۲- دائره المعارف دانش بشر و اطّلاعات شخصی نویسنده.

محلّی به اصفهان آمد، و در دانشسرای پسران مشغول به کار شد. او شاعری است توانا و علاوه بر فضل و سخنوری، خطّ نستعلیق را نیز خوب می نویسد. از اشعار او است:

پرتو دوست چو در آینه دل افتاد روزگار من و دل، آه چه مشکل افتاد

هرکجا کرد گذر موکبت ای مایه ناز به قفای تو صد قافله دل افتاد(۱)

امیرقلی امینی

امیرقلی امینی فرزند ابراهیم خان امین الدّوله صدری، نویسنده، روزنامه نگار و محقّق توانا، در ماه ذی القعده ۱۳۱۴ق در اصفهان متولّد شد. مادرش از خاندان نمازی شیراز و مادر پدرش از ایل بختیاری بود. در سنّ دوازده سالگی به درد مفاصل مبتلا شد، و در سال ۱۳۳۴ که خبر قتل برادرش را شنید، از هر دو پا فلج شد؛ امّا این مشکل، مانع از تحصیلات و فعّالیت او نشده، و در اثر جدّیت و پشتکار، موفّق به خدمات زیاد، و تألیف آثار ارجمند شده است. وی سال ها روزنامه اخگر به صاحب امتیازی میرزا فتح اللّه خان وزیرزاده را اداره می کرد. سپس در سال ۱۳۶۹ق روزنامه اصفهان را منتشر ساخت. مدّتی هم مدیریّت روزنامه باختر به صاحب امتیازی سیف پور فاطمی را به عهده داشت.

ایشان در عمر خود، کارهای عامّ المنفعه زیادی انجام داد که از آن جمله است:

۱. تأسیس پرورشگاه ایتام ۲. ساختمان دو عمارت مجزّا در پرورشگاه، جهت پسران و دختران ۳. تربیت صدها کودک بی سرپرست، و تکفّل امور تربیتی و تحصیلی آنان ۴. احداث قنوات و غرس درختان بی شمار و آب رسانی به اراضی بایر، جهت تأمین درآمد برای روستاییان. امیرقلی امینی مدّتی رییس انجمن شهر، و مدّتی هم رییس جمعیّت شیر و خورشید سرخ در اصفهان [جمعیّت هلال احمر کنونی] بود. ایشان سرانجام در ۲۱ رجب ۱۳۹۸ق وفات یافت، و بنابر وصیّت خودش، در منزل مسکونی خود، واقع در خیابان کاشانی فعلی، جنب بیمارستان کاشانی مدفون گردید. در سال های اخیر، منزل او به مرکز فرهنگی و کتابخانه عمومی تبدیل شده است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷.

تألیفات و آثار علمی مشارٌالیه عبارت است از: ۱. ابطال الباطل در ردّ قرارداد ۱۳۳۱ قمری ۲. تداوی روحی، مطبوع در روزنامه اخگر ۳. داستان های امثال، در دو جلد ۴. سی افسانه از افسانه های محلّی اصفهان ۵. چگونه بچّه خود را پرورش می دهم؟ ۶. خوار و یک سخن در امثال و حکم فارسی ۷. گزیده آثار، مجموعه مقالات ۸. فرهنگ عوام یا شرح امثال و اصطلاحات زبان فارسی، چاپ دانشگاه اصفهان ۹. ترجمه کتاب عبدالرّحمان ناصر، نوشته جرجی زیدان ۱۰. ترجمه عروس فرغانه اثر جرجی زیدان ۱۱. ترجمه غلبه بر ترس و خستگی اثر اسپنسر، از ترجمه عربی امیر بقطر ۱۲. ترجمه کودک، نوشته ویکتور پوشه ۱۳. ترجمه داستان های کوچک از اسپرانتو ۱۴. ترجمه داستان های تاریخی اثر ابراهیم مصری.(۱)

امیر شاهکی

امیر شاهکی اصفهانی، از اعیان اصفهان بوده، و غزل را نیکو می سروده است.(۲)

امیر قالبی

امیرقالبی، اصلش از اصفهان است. در قرن دهم هجری می زیست، و شعر می سرود. در اصفهان قالب زنی می نمود. مدّتی در شیراز بود. عاقبت به خراسان رفت، و به مناسبت هرزه گویی، به دست امیر عبدالغنی از اقوام امیر نجم ثانی کشته شد. در قحطی شیراز گفته است:

شهر شیراز پر از مردم آدم خوار است می روم آخر از این شهر که آدم خوار است(۳)

۱- تاریخ جراید و مجلّات، ج۱، صص ۷۱ ۷۴ و ۱۷۷ ۱۸۲؛ زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۱۹۴ ۱۹۵؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۱، ص ۶۷۹ ۶۸۱؛ چهره مطبوعات معاصر، ص ۱۸۳؛ سپیدار پایدار، یادنامه بزرگداشت زنده نام امیرقلی امینی؛ مزارات اصفهان، صص ۱۰۶ ۱۰۸؛ نادره کاران، ص ۳۹۵.

۲- تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص ۷۲۱.

۳- تذکره تحفه سامی، ص ۴۳.

امین اصفهانی

امین اصفهانی معروف به «امنیای زعفران فروش»، شاعر ادیب بوده، این شعر از او است:

رنجیده ای از من بت نامهربان من حرفی شنیده ای تو مگر از زبان من؟

خونم حلال باد به دشمن اگر کند یک حرف در حضور تو خاطرنشان من(۱)

محمّدامین مازندرانی

آقامحمّدامین بن محمّدسعید متخلّص به اشرف بن ملّامحمّدصالح مازندرانی ساروی، عالم فاضل محقّق، تا سال ۱۱۵۲ق زنده بوده، و تألیفاتی داشته است که از آن جمله است: ۱. الامامه، به فارسی، که نزد میرزا حیدرعلی مجلسی بوده است ۲. شرح بر تهذیب الکلام تفتازانی، شرحی مبسوط است که به شماره ۳۹۵۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است، و مؤلّف در آن، از شرح کافی ملّاصالح مازندرانی، و از شرح عمّ خود و از شرح ملّامحمّدعلی استرآبادی بر کافی یاد می کند.(۲)

محمّدامین فایق اصفهانی*

آقامحمّدامین اصفهانی متخلّص به «فایق»، فرزند آقاشاه ولی، شاعر ادیب، در حدود سال ۱۰۳۶ق در اصفهان متولّد شد(۳). از کسب پوستین دوزی امرار معاش می کرد. مردی خلیق و مردم دار بود، و با قناعت زندگی می کرد(۴)، اشعارش متجاوز از هشت هزار بیت است. از او است:

شکست قیمت شکّر که طوطیان را دل چو مغز پسته خندان در آن دهن پیداست

۱- تذکره روز روشن، ص۸۲؛ تذکره المعاصرین، حزین، ص ۲۲۰.
۲- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش چهارم، ص۲۰۹۶؛ نجوم السّماء، ج ۱، ص۲۶۴؛ الذّریعه، ج۱۳، ص۱۵۹ و ج ۲، ص ۳۲۱؛ الکواکب المنتشره، صص۷۶ و ۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۶۷۰؛ زندگی نامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص۳۵۳.
۳- قصص الخاقانی، ج ۲، ص۱۵۵.
۴- تذکره نصرآبادی، ص۳۴۹.

محمّدامین ازل اصفهانی

میرزا محمّدامین متخلّص به «ازل» فرزند میرزا شفیع حسینی، مستوفی موقوفات، شاعر ادیب فاضل، جودت طبع و استقامت سلیقه اش به کمال و در شاعری، قدوه امثال بود. از فرط علوّ همّت و تقوی هرگز به مشاغل دنیا آلوده نشد، و به وضع گوشه نشینان، معاش می نمود. وی در سال ۱۱۳۵ق وفات یافت. از او است:

غمش با هرکه می گویم ز دل بیگانه می گردد سر مهر از پُر زور این پیمانه می گردد

ازل الفت به دنیا از برای آخرت دارم که مفلس ز آرزوی گنج در ویرانه می گردد(۱)

میرزا محمّدامین خازن تبریزی

میرزا محمّدامین تبریزی معروف به «آقاسی» و متخلّص به «خازن»، شاعر ادیب، فرزند ضیاءالدّین. در محلّه عبّاس آباد اصفهان ساکن بوده، مدّتی تحصیل کرد، و سرانجام به شیراز رفت، و در آن جا وفات یافت. از اشعار او است:

گلشن فردوس اگر خواهی مرنجان خلق را سدّ راهی چون غبار خاطر احباب نیست(۲)

محمّدامین کفرانی

محمّدامین بن محمّدطاهر بن هدایت اللّه کفرانی، فاضل نویسنده. از آثارش کتابت: ۱. تحفه عبّاسی، تألیف محمّدطاهر کاشی (م۱۰۹۸ق). ۲. ترجمه الصّلاه، تألیف محسن فیض کاشانی که در سال ۱۰۷۶ق به خطّ نسخ کتابت نموده، و به شماره ۳۰۳۶ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۳)

فایده: کفران بر وزن خندان، از دهات رویدشت اصفهان است.

۱- تذکره المعاصرین، حزین، ص۱۴۸.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص۲۹۴ ۲۹۵؛ الذّریعه، ج۹، ص۲۷۹؛ دانشمندان آذربایجان، ص۹.

۳- فهرست مجلس، ج۱۰، جزو دوم، ص۵۷۹.

میرزا امین اصفهانی

میرزا امین فرزند میرزا عبداللّه بن خواجه علی شاه بن میرزا شاه حسین اصفهانی، شاعر ادیب، پس از فوت برادرش شرف جهان، وزیر شیروان شد. پس از شش سال اوراجه نویس آذربایجان شد، و در آن منصب وفات یافت.(۱)

محمّدامین

شیخ محمّدامین از عرفا و زهاد و صالحین، مدفون در بیرون تکیه میر ابوالقاسم فندرسکی. شرح حال او در دست نیست. سنگ نوشته مزارش یکی از مفصل ترین سنگ نوشته های تخت فولاد است.

متاسفانه قسمت هایی از آن از بین رفته و تاریخ وفاتش خوانده نمی شود. بخش از عبارات آن چنین است:

«هذا مرقد افتخار العلماء و خیار الفضلاء محبّ الفقراء محبوب الاغنیاء المباشر بانواع الریاضات و المرتکب باصناف المجاهدات المتجرد عن العلائق الجسمانیه و المتفرد عن العوائق النفسانیه، المشفق بالصالحین و المنفق بالمساکین،المعتکف فی المواقف الکریمه ... کاسب الحلال و صادق المقال و الراقب فی کل حال، تارک الشهوات و قامع اللذات و سارع فی الخیرات، متفرد بالخضوع و الانکسار متمسک بالفقر و الافتقار متصف بالبذل و الایثار، متفکر فی الآلاء حامد بالنعماء شاکر فی الشده و الرخاء، قلیل الضحک کثیر البکاء...»(۲)

محمّدامین واصل لاهیجی

ملاّمحمّدامین لاهیجی گیلانی فرزند درویش محمّد، عالم فاضل شاعر ادیب، فرزند درویش محمّد، از گیلان به تبریز و مشهد مقدّس رفت، عاقبت الامر در اصفهان ساکن، و در مدرسه حاج محمّدباقر مهابادی به تحصیل مشغول شد، و در همین شهر وفات یافت. در

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۰۹؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۰۳.

۲- جلوه افلاکیان نوشته رحیم قاسمی، مخطوط.

شعر نیز طبعی روان داشته، «واصل» تخلّص می کرده، علاوه بر دیوان اشعار، مثنوی ای به نام خلوت زار سروده است. از اشعار او است:

زِ یاد غیر می گردد به دل یاد خدا کم تر چو پر شد خانه می گردد به صاحب خانه جا کم تر(۱)

حاج امین آقا صدری

حاج امین آقا بن علی محمّد نظام الدّوله بن عبداللّه امین الدّوله بن حاج محمّدحسین خان صدر اعظم اصفهانی، عالم فاضل، در نجف اشرف ساکن بوده است. تولّدش در ۱۲۶۹ و وفاتش در سال ۱۳۳۰ق روی داده، و در صحن مطهّر مرقد حضرت علی علیه السلام مدفون شده است.(۲)

امین الدّین اصفهانی

امین الدّین بن جمال الدّین محمّد بن مولانا علی اصفهانی از فضلاء و نویسندگان قرن ۱۱ هجری است، از آثارش کتابت نسخه ای از وقوف القرآن است که آن را به خطّ نسخ در ذی قعده سال ۱۰۱۶ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۵۰ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۳)

حاج امین اصفهانی*

حاج امین فرزند حاج معز شیشه گر اصفهانی، شاعر ادیب، در زمان گردآوری تذکره الشّعرا توسّط میرزا محمّدطاهر نصرآبادی جوانی بوده صالح و آرام خوی. این بیت از او است:

تا شده شمع قدت نامزد آغوشم از حریر پر پروانه مرصّع پوشم(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ص۳۵۲؛ تذکره المعاصرین، ص۲۰۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۹۲.

۳- فهرست کتابخانه ملّی ملک، ص۷۹۹.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۸۹.

استاد محمّدامین بنّای اصفهانی*

استاد محمّدامین بن محمّدمؤمن اصفهانی، از هنرمندان دوره صفویّه است. وی در سال ۱۱۱۲ق تعمیرات صفّه غربی مسجد جامع اصفهان را به پایان رسانده است.(۱)

ملّامحمّدامین تویسرکانی*

ملّامحمّدامین بن نوروزعلی تویسرکانی، عالم فاضل، برادر کهتر ملّاحسینعلی تویسرکانی است. در اصفهان ساکن بود، و در شعبان ۱۳۱۷ق وفات یافت، خارج از تکیه مادر شاه زاده در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

۱۶۵۴

میرزا امین تبریزی

میرزا امین تبریزی عبّاس آبادی فرزند میرزا نوری بیک خازن، شاعر ادیب خطّاط، از تبریزیان محلّه عبّاس آباد اصفهان است. علاوه بر فضیلت شعر، در حسن خط نیز مشهور بود، و خطّ نسخ را خوش می نوشت، در اواخر عمر، مستوفی شیراز شد، و سپس وفات یافت. از او است:

با تهی دستی هنر بی قدر باشد زان چنار جوهر خود را چو رگ پنهان کند در زیر پوست(۳)

محمّدامین فطرت لرستانی*

محمّدامین بیک لرستانی متخلّص به «فطرت» از شعراء و سخنوران اوایل قرن سیزدهم هجری است. سال ها در اصفهان ساکن بوده است. سفری به هند رفته، و دوباره به اصفهان بازگشته است. این بیت از او است:

خیال دانه و خال تو طوطی هند شکنج سنبل زلف تو دام و آهوی چین(۴)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۶۰.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، نسخه خطّی.

۳- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۱۲۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، ص ۷۹؛ گلزار جاویدان، ج ۳، ص ۱۳۹۴.

۴- تذکره انجمن خاقان، صص ۵۹۹ ۶۰۰.

محمّدامین نصرآبادی

محمّدامین بن محمّدهاشم نصرآبادی، از خطّاطان قرن ۱۱ هجری است. در سال ۱۰۷۲ق نسخه ای از شرح سی فصل خواجه نصیرالدّین طوسی را به خطّ نستعلیق کتابت نموده که ضمن مجموعه شماره ۳۱۸۶ در کتابخانه مجلس شورا موجود است. در پشت نسخه، یادداشت تملّک روح الامین حسین بن سیّدمحمّد بن روح الامین بن شمس الدّین محمّد حسینی مختاری مشهود است.(۱)] به احتمال قوی، صاحب عنوان، همان محمّدامین نصرآبادی، دایی میرزاطاهر نصرآبادی است که شرح حالش را در این کتاب می خوانید].

میرزا محمّدامین «روح الامین» شهرستانی

میرزا محمّدامین شهرستانی معروف به «روح الامین» مشهور به «میرجمله»، فاضل ادیب شاعر، در سال ۹۷۱ق متولّد شده، در اوایل جوانی به هندوستان مسافرت نموده، و آن جا به خدمت جهانگیر پادشاه رسیده، عزّت و اعتبار یافته، و به منصب «میرجملگی» مفتخر شده است. در زمان شاه عبّاس اوّل به ایران مراجعت نموده، و مجددا به هند رفته، و در ۱۰۴۷ق وفات یافته [است]. وی عموزاده میرزا رضی شهرستانی صدر شاه عبّاس صفوی است، و در زمان حیات، اموال و اسباب زیاد به اصفهان فرستاده، و موقوفاتی در این شهر ترتیب داده که هنوز قسمتی از آن باقی است. دیوانش حدود بیست هزار بیت است، و شامل این منظومه ها است: ۱. آسمان هشتم یا بهرام نامه ۲. خسرو و شیرین ۳. جواهرنامه ۴. گلستان ناز ۵. لیلی و مجنون ۶. مطمع الانظار و غیره(۲)، از او است:

هرچه گویم عشق از آن برتر بود عشق امیرالمؤمنین حیدر بود

میرزا محمّدامین طائر*

حاج میرزا محمّدامین صفوی خلیفه سلطانی متخلّص به «طائر» شاعر ادیب و فاضل.

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش دوم، ص ۷۶۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۱۰۰۵؛ الذّریعه، ج ۷، ص ۲۶۰؛ تذکره روز روشن، ص ۳۱۵؛ تذکره نصرآبادی، ج ۱، صص ۷۹ ۸۰؛ کاروان هند، ج ۱، صص ۴۷۱ ۴۸۱.

در اواخر قرن سیزدهم هجری در روستای محمّدآباد جرقویه متولّد شد، و در اصفهان، فقه و اصول، صرف و نحو و علوم غریبه را آموخت. در نوشتن خطّ نسخ نیز مهارت داشت. از سال وفات او اطّلاعی در دست نیست. از او است:

به جان خود چه بلایی که دیدم و نخریدم کدام بار جفا از تو آمد و نکشیدم

به یاد عارض گلگون و یاد آن قد موزون به بوستان نرسیدم که پیرهن ندریدم(۱)

محمّدامین حسینی مرعشی

محمّدامین حسینی، از اعقاب میربزرگ مرعشی، و از طرف مادر، از سادات دستغیب شیراز. نیاکانش در مازندران بوده اند، و خود او در شیراز متولّد گردیده، و در اصفهان ساکن شده است. از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب مصائب النّواصب تألیف قاضی نوراللّه شوشتری که آن را به خطّ نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۶۵۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

میرزا امین نصرآبادی

میرزا امین نصرآبادی، شاعر ادیب خطّاط، نواده دایی میرزا محمّدطاهر نصرآبادی بوده، در حساب و نجوم مهارت داشته، و خطّ نسخ و نستعلیق را خوش می نوشته، و مادّه تاریخ را نیکو می گفته [است]. از اشعار او است:

کی نصیحت در دل سنگین دلان دارد اثر در زمین نرم تخم افزون دواند ریشه را

تا حیاتی هست، ما را روزی ما می رسد آب تا جاری بود این آسیا در گردش است(۳)

۱۶۶۱

دکتر امین اللّه جلوه

دکتر امین اللّه جلوه اردستانی، از اطبّاء حاذق و متدیّن معاصر است. در اصفهان ساکن

۱- گرکویه، صص ۳۷۶ ۳۷۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۳، ص ۶۲۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص ۶۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۹؛ تذکره آتشکده، بخش سوم، ص۹۲۶؛ الذّریعه، ج۹، ص۱۰۵.

بود، و پس از وفات، در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید.(۱)

انور اصفهانی*

انور اصفهانی، شاعر ادیب، در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری می زیسته، و در اصفهان ساکن بوده، و با محمّدعلی مسکین اصفهانی معاصر بوده [است]، این بیت از او است:

گفته بودی که از این بعد به خوابم بینی بی تو در دیده محال است که خوابی برود(۲)

انوشیروان مجوسی

انوشیروان مبروص مجوسی اصفهانی، از خواص خوارزمشاه بوده، و پادشاه، وی را به عنوان سفارت و نمایندگی، نزد سلطان سنجر فرستاد. چون مبتلا به مرض برَص بود، از حضور نزد سنجر وحشت داشت، متوسّل به حضرت رضا علیه السلام شد، و از این بیماری نجات یافت، و بدین سبب، مسلمان و شیعه شد، و صندوقی از نقره، جهت مرقد مطهّر تهیّه کرد، و بر قبر مبارک نهاد. عمادالدّین ابی جعفر محمّد بن علیّ بن حمزه مشهدی طوسی وی را دیده، و در کتاب ثاقب المناقب که در ۵۶۰ق آن را تألیف نموده، این واقعه را نقل نموده است.(۳)

اُنیس مدنی اسلمی

ابویونس اُنیس بن ابی یحیی سمعان مدنی اسلمی، از محدّثان اصفهان در قرن دوم هجری است. وی از پدرش سمعان روایت نموده، و یحیی بن قطان و سعد بن صلت از او نقل حدیث کرده اند.(۴)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۵.

۲- تذکره حدیقه الشّعراء، ج۱، ص۱۹۳.

۳- الذّریعه، ج۵، ص۵؛ الثّقات العیون، ص۲۸.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۹.

ایّوب

ایّوب بن حماد، از فقهاء اصفهان است. ابومحمّد بن حیّان گوید: حدیث زیاد نقل نموده، ولکن چیزی از آن به ما نرسیده است.(۱)

ایّوب بن زیاد

ایّوب بن زیاد، عامل اصفهان در عهد ابوجعفر منصور دوانیقی دومین خلیفه اصفهانی است. وی ساکن محلّه خُشینان بود، و در آن محلّه، کوشک و مسجدی بنا کرد، و هم چنین میدانی جهت خرید و فروش، و در زمان او محلّه خُشینان به یهودیّه متصّل شده، و به صورت شهر درآمده است.(۲)

ایّوب اصفهانی

ایّوب بن عمران بن ایّوب بن عمران بن ابی سلیمان، از محدّثان اصفهان است. عبداللّه بن محمّد بن عمران معدل، برادرزاده اش از او نقل حدیث می نماید.(۳)

ایّوب اصفهانی

حافظ ایّوب بن مَعمَر بن شریس اصفهانی، از محدّثین و حفّاظ قبیله تیم اصفهان بوده، و در کودکی از اصفهان خارج شده است. حافظ ابونُعیم اصفهانی درباره او گوید: «کان حافظا جلیل القدر صاحب غرائب». وی از مخلد شعیری روایت می کند، و محمّد بن قاسم بن عبداللّه حلبی رقّی و محمّد بن منصور از وی روایت می کنند.(۴)

ایّوب قرشی مُکتِب

ایّوب بن موسی بن زکریّا قرشی مُکتِب، از محدّثین اصفهان است. وی از ابومحمّد بن بکیر روایت کرده است.(۵)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۳؛ طبقات المحدّثین، ج۳، ص۱۵۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۱۶.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۲۲.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ص۲۲۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ ۹

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲.ارتباط با مراکز هم سو
۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹